



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

یا صحیح حدیث

در سده های دوازدهم و سیزدهم هجری

حسین حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ حدیث شیعه: در سده های دوازدهم و سیزدهم هجری

نویسنده:

حسین صفره

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	تاریخ حدیث شیعه : در سده های دوازدهم و سیزدهم هجری
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۸	سخنی با خواننده
۲۰	تاریخ حدیث شیعه در سده های دوازدهم و سیزدهم -
۲۰	پیش گفتار
۲۴	فصل یکم : کلیات
۲۴	وضعیت فرهنگی _ اجتماعی شیعه در سده های دوازدهم و سیزدهم
۲۴	دوره صفویه
۲۹	دوره افشاریه
۳۱	تلاش برای اتحاد مذاهب اسلامی
۳۳	دوره زندیه
۳۴	دوره قاجاریه
۳۶	جریان های فرهنگی سده های دوازدهم و سیزدهم -
۳۶	اشاره
۳۷	۱. صوفیگری
۳۷	اشاره
۳۸	تأویل آیات و روایات و جعل حدیث
۴۴	۲ و ۳. اخباریگری و اصولیگری
۴۴	مرحله اول: اخباریه متقدم
۴۵	مرحله دوم: اخباریه جدید
۴۷	مرحله سوم: اخباریه معتدل
۴۸	اختلافات اصولیان و اخباریان

۵۱	نگارش ردیه بر اخباریگری
۵۵	۴ . شیخیگری
۵۵	اشاره
۵۶	افکار شیخ احمد احسائی
۶۰	۵ و ۶ . بابیگری و بهاییگری
۶۰	اشاره
۶۴	گوشه هایی از مناظره علما با باب
۷۰	زمینه های اجتماعی ظهور بابیه
۷۱	پیدایش بهائیه
۷۲	رابطه بابیت و بهائیت با تاریخ حدیث شیعه
۷۶	وضعیت فرهنگی _ اجتماعی اهل سنت در سده های دوازدهم و سیزدهم
۷۶	وهابیگری
۷۶	اشاره
۷۹	۱ . مسئله شفاعت
۸۰	۲ . مسئله توسل
۸۳	۳ . زیارت قبر امامان
۸۴	وضعیت حدیث اهل سنت در سده های دوازدهم و سیزدهم
۸۴	الف . جمع احادیث جعلی
۸۵	ب . تخریج احادیث
۸۵	ج . شرح حدیث
۸۸	فصل دوم : متون حدیثی
۸۸	۱ _ ۲ . جوامع بزرگ حدیثی
۹۷	۲ _ ۲ . کتاب های حدیثی کوچک تر
۱۰۲	۳ _ ۲ . موضوعات خاص
۱۰۲	۱ _ ۳ _ ۲ . نگارش مناقب ، فضایل و شرح حال معصومان
۱۰۲	اشاره

- ۱۰۴ قرن دوازدهم
- ۱۰۷ قرن سیزدهم
- ۱۱۴ ۲ _ ۳ _ ۲ . اعتقادات ، آداب و اخلاق
- ۱۱۴ ۱ . اعتقادات
- ۱۱۵ ۲ . آداب
- ۱۱۶ ۳ . اخلاق
- ۱۱۷ رابطه آداب و اخلاق
- ۱۱۹ قرن دوازدهم
- ۱۲۱ قرن سیزدهم
- ۱۲۹ ۳ _ ۳ _ ۲ . تفاسیر روایی
- ۱۳۶ ۴ _ ۳ _ ۲ . ادعیه و زیارات
- ۱۳۶ اشاره
- ۱۳۸ قرن دوازدهم
- ۱۴۹ قرن سیزدهم
- ۱۶۳ ۴ _ ۲ . سبک های خاص
- ۱۶۳ ۱ _ ۴ _ ۲ . نگارش چهل حدیث (اربعین نگاری)
- ۱۶۳ اشاره
- ۱۶۴ _ برخی ، روایت «چهل حدیث» را «مشهور» و «مستفیض» می دانند
- ۱۶۵ _ برخی نیز این حدیث را ضعیف دانسته اند
- ۱۶۵ _ برخی معتقدند که ضعف این حدیث ، قابل جبران است
- ۱۶۶ قرن دوازدهم
- ۱۶۹ قرن سیزدهم
- ۱۷۴ فصل سوم : علوم حدیث
- ۱۷۴ ۱ _ ۳ . درایة الحدیث
- ۱۷۴ اشاره
- ۱۷۸ ۱ _ ۱ _ ۳ . اجازات الحدیث

- ۱۷۸ اشاره
- ۱۷۹ قرن دوازدهم
- ۱۸۱ قرن سیزدهم
- ۱۸۵ ۲ _ ۳ . فقه الحدیث (شرح و مفهوم شناسی حدیث)
- ۱۸۵ اشاره
- ۱۸۷ ۱ _ ۲ _ ۳ . شرح و حاشیه نویسی بر احادیث :
- ۱۸۷ اشاره
- ۱۸۸ یک . شرح و حاشیه نویسی بر کتب اربعه حدیث
- ۱۸۸ شرح و حاشیه نویسی بر «الکافی»
- ۱۹۲ شرح و حاشیه نویسی بر «کتاب من لایحضره الفقیه»
- ۱۹۴ شرح و حاشیه نویسی بر «تهذیب الأحکام»
- ۱۹۶ شرح و حاشیه نویسی بر «الاستبصار»
- ۱۹۶ قرن دوازدهم
- ۱۹۶ اشاره
- ۱۹۸ قرن سیزدهم
- ۱۹۸ دو . شرح و حاشیه نویسی بر «نهج البلاغه»
- ۱۹۸ قرن دوازدهم
- ۱۹۸ اشاره
- ۲۰۰ قرن سیزدهم
- ۲۰۲ سه . شرح و حاشیه نویسی بر «صحیفه سجّادیه»
- ۲۰۲ قرن دوازدهم
- ۲۰۲ اشاره
- ۲۰۵ قرن سیزدهم
- ۲۰۶ چهار . شرح و حاشیه نویسی بر دیگر کتاب های حدیثی
- ۲۰۶ شرح و حاشیه بر «الوافی»
- ۲۰۸ شرح «وسائل الشیعه»

- ۲۰۸ حاشیه بر «الصفی»
- ۲۱۰ شرح کتاب های حدیثی دیگر
- ۲۱۴ پنج . شرح برخی خطبه ها
- ۲۱۸ شش . شرح یک یا چند حدیث
- ۲۱۸ قرن دوازدهم
- ۲۱۸ اشاره
- ۲۲۶ قرن سیزدهم
- ۲۳۹ هفت . شرح ادعیه و زیارات
- ۲۳۹ اشاره
- ۲۴۰ شرح دعای صباح
- ۲۴۳ شرح دعای سمات
- ۲۴۵ شرح دعای عرفه
- ۲۴۵ یوسف بن احمد بحرانی (صاحب حدائق) (۱۱۸۶م ق)
- ۲۴۶ شرح دعای کمیل
- ۲۴۷ شرح دعای عدیله
- ۲۴۸ شرح زیارت جامعه
- ۲۵۱ شرح زیارت عاشورا
- ۲۵۲ شرح ادعیه و زیارات دیگر
- ۲۵۷ ۲ _ ۲ _ ۳ . ترجمه احادیث و ادعیه
- ۲۵۷ اشاره
- ۲۵۸ قرن دوازدهم
- ۲۵۸ اشاره
- ۲۶۵ قرن سیزدهم
- ۲۶۹ ۳ _ ۳ . رجال الحدیث
- ۲۶۹ تعریف علم رجال
- ۲۷۱ قرن دوازدهم

- ۲۷۱ اشاره
- ۲۸۴ قرن سیزدهم
- ۳۰۶ فصل چهارم : فعالیت های حدیثی
- ۳۰۶ ۱ _ ۴. منتخب ، خلاصه ، مستدرک و فهرست نگاری
- ۳۱۱ فصل پنجم : محدثان و مشایخ اجازه
- ۳۱۱ اشاره
- ۳۱۳ قرن دوازدهم
- ۳۱۳ اشاره
- ۳۱۳ سید نعمه الله بن عبد الله جزایری (م ۱۱۱۲ ق)
- ۳۱۵ نورالدین محمد بن شاه مرتضی کاشانی (م ۱۱۱۵ ق)
- ۳۱۵ محمد بن محمد محسن ، ابوالخیر کاشانی (علم الهدی) (م ۱۱۱۵ ق)
- ۳۱۶ سید صدرالدین علی خان بن احمد حسنی حسینی شیرازی (۱۰۵۲ _ ۱۱۲۰ ق)
- ۳۱۷ سید محمد بن احمد حسینی لاهیجانی (م بعد از ۱۱۲۰ ق)
- ۳۱۷ سلیمان بن عبد الله ماحوزی (محقق بحرانی) (م ۱۱۲۱ ق)
- ۳۱۹ محمد شریف بن محمد صادق خاتون آبادی (م بعد از ۱۱۲۱ ق)
- ۳۲۰ جمال الدین ، محمد بن حسین خوانساری (آقا جمال) (م ۱۱۲۵ ق)
- ۳۲۱ محمد بن محمد رضا مشهدی قمی (م ۱۱۲۵ ق)
- ۳۲۱ میر محمد صالح بن عبد الواسع حسینی خاتون آبادی (م ۱۱۲۶ ق)
- ۳۲۲ حیدر علی بن محمد شیروانی (م بعد از ۱۱۲۹ ق)
- ۳۲۲ محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی (م ۱۱۲۹ ق)
- ۳۲۳ عبد الله بن عیسی آفندی تبریزی اصفهانی (م ۱۱۳۰ ق)
- ۳۲۴ سید بهاء الدین محمد بن محمد باقر حسینی مختاری (۱۰۸۰ _ ۱۱۳۳ ق)
- ۳۲۵ محمد اشرف بن عبد الحسیب علوی عاملی (م ۱۱۳۳ ق)
- ۳۲۵ عبد الله بن صالح سماهیجی بحرانی (م ۱۱۳۵ ق)
- ۳۲۶ علی بن حسین کربلایی (زنده در ۱۱۳۶ ق)
- ۳۲۷ ابو الحسن بن محمد طاهر فتونی اصفهانی (م ۱۱۳۸ یا ۱۱۳۹ ق)

- ۳۲۸ ----- یعقوب بن ابراهیم بختیاری حویزی (۱۱۴۷ ق) -----
- ۳۲۸ ----- یاسین بن صلاح الدین بحرانی شیرازی (زنده در ۱۱۴۷ ق) -----
- ۳۲۹ ----- محمد ابراهیم بن محمد معصوم قزوینی (م ۱۱۴۹ ق) -----
- ۳۲۹ ----- میر محمد حسین بن محمد صالح خاتون آبادی (م ۱۱۵۱ ق) -----
- ۳۳۰ ----- احمد بن اسماعیل جزایری (م ۱۱۵۱ ق) -----
- ۳۳۱ ----- سید ابو القاسم جعفر بن حسین خوانساری (م ۱۱۵۸ ق) -----
- ۳۳۱ ----- سید صدر الدین محمد بن محمد باقر رضوی قمی (م قبل از ۱۱۶۰ ق) -----
- ۳۳۲ ----- عبد الرحیم بن محمد یونس دماوندی (م ۱۱۶۰ ق) -----
- ۳۳۳ ----- اسماعیل بن محمد حسین خواجویی (م ۱۱۷۳ ق) -----
- ۳۳۴ ----- سید عبد الله بن نور الدین جزایری (م ۱۱۷۳ ق) -----
- ۳۳۵ ----- محمد علی بن ابن طالب زاهدی لاهیجی (۱۱۳۰ _ ۱۱۸۰ ق) -----
- ۳۳۷ ----- سید شَبْر بن محمد مُشْعَشَعی (م ح ۱۱۹۰ ق) -----
- ۳۳۸ ----- عبد النبى بن محمد (اوچاق قلی ، شرف الدین) طسوجی تبریزی (م ۱۲۰۳ ق) -----
- ۳۳۹ ----- محمد باقر بن محمد اکمل (وحید بهبهانی) (م ۱۲۰۵ یا ۱۲۰۶ ق) -----
- ۳۳۹ ----- محمد رضا بن عبد المطلب تبریزی (م ح ۱۲۰۸ ق) -----
- ۳۴۰ ----- فضلعلی بیگ بن شاهوردی بن خلف توشمال باشی (ق ۱۲ ق) -----
- ۳۴۱ ----- حسن بن عباس بلاغی (ق ۱۲ ق) -----
- ۳۴۱ ----- عبد الله بن نور الله بحرانی (ق ۱۲ ق) -----
- ۳۴۲ ----- محمد بن محمد تقی حسینی موسوی شیرازی (ق ۱۲ ق) -----
- ۳۴۲ ----- محمد باقر بن محمد تقی حسینی رضوی اصفهانی (ق ۱۲ ق) -----
- ۳۴۲ ----- قرن سیزدهم -----
- ۳۴۲ ----- سید محمد مهدی بن مرتضی طباطبایی (بحرالعلوم) (م ۱۲۱۲ ق) -----
- ۳۴۳ ----- محمد بن اسماعیل مازندرانی (ابو علی حائری) (م ۱۲۱۶ ق) -----
- ۳۴۴ ----- محمد علی بن محمد باقر کرمانشاهی (۱۱۴۴ _ ۱۲۱۶ ق) -----
- ۳۴۴ ----- محمد حسن بن عبد الرسول حسینی زنوزی (۱۱۷۲ _ ۱۲۱۸ ق) -----
- ۳۴۵ ----- ابو القاسم بن حسن (محمد حسن) گیلانی (میرزای قمی) (م ۱۲۳۱ ق) -----

- ۳۴۶ سید محمد بن عبد النبي اخباری (م ۱۲۳۲ ق)
- ۳۴۸ محمد کاظم بن محمد شفیع هزار جریبی (م ح ۱۲۳۸ ق)
- ۳۴۸ احمد بن زین الدین أحسائی (م ۱۲۴۱ ق)
- ۳۴۹ سید عبد الله بن محمد رضا شتر (م ۱۲۴۲ ق)
- ۳۵۲ عبد النبي بن علی شیبی کاظمی عاملی (م ۱۲۵۶ ق)
- ۳۵۳ محمد بن محمد حسن مشهدی (م ۱۲۵۷ ق)
- ۳۵۴ سید کاظم بن قاسم رشتی (م ۱۲۶۳ ق)
- ۳۵۴ محمد جعفر بن سیف الدین إستر آبادی (شریعتمدار) (م ۱۲۶۳ ق)
- ۳۵۵ سید صدر الدین محمد بن صالح عاملی (م ۱۲۶۴ ق)
- ۳۵۶ عبد الخالق بن عبد الرحیم یزدی مشهدی (م ۱۲۶۸ ق)
- ۳۵۷ محمد مهدی بن محمد جعفر تنکابنی (م بعد از ۱۲۶۹ ق)
- ۳۵۸ سید محمد تقی بن میر مؤمن حسینی قزوینی (م ۱۲۷۰ ق)
- ۳۵۸ محمد علی بن محمد بزغانی (م ۱۲۷۲ ق)
- ۳۵۹ محمد بن مقیم درزی بار فروشی مازندرانی (م ۱۲۷۶ ق)
- ۳۵۹ ملا هادی بنابی (م ۱۲۸۱ ق)
- ۳۶۰ محمد صالح بن محمد برغانی قزوینی (م ۱۲۸۳ ق)
- ۳۶۰ سید ابوالقاسم بن محمد نبی حسینی ذهبی شیرازی (م ۱۲۸۶ ق)
- ۳۶۱ محمد کریم خان بن ابراهیم خان کرمانی (م ۱۲۸۸ ق)
- ۳۶۲ سید محمد تقی بن حسین بن دلدار علی نقوی (م ۱۲۸۹ ق)
- ۳۶۳ هادی بن مهدی سبزواری (م ۱۲۸۹ ق)
- ۳۶۴ سید اسد الله بن محمد باقر موسوی رشتی اصفهانی (م ۱۲۹۰ ق)
- ۳۶۴ محسن بن محمد رفیع اصفهانی رشتی (م ۱۲۹۰ ق)
- ۳۶۵ محمد نجف کرمانی مشهدی (م ۱۲۹۲ ق)
- ۳۶۶ محمد علی بن محمد کاظم خراسانی شاهرودی (م ۱۲۹۳ ق)
- ۳۶۶ احمد بن محمد شفیع شیرازی (وقار) (م ۱۲۹۸ ق)
- ۳۶۷ محمد تقی گلپایگانی نجفی (م ۱۲۹۸ ق)

۳۶۸ ----- محمد تقی بن حسینعلی هروی اصفهانی (م ۱۲۹۹ ق) -----

۳۶۸ ----- محمد بن سلیمان (طیب تنکابنی) (م ۱۳۱۰ ق) -----

۳۶۹ ----- احمد بن حسن بیرجندی یزدی مشهدی (م ۱۳۱۲ ق) -----

۳۷۰ ----- فهرست ها -----

۳۷۰ ----- اشاره -----

۳۷۲ ----- فهرست صاحبان آثار حدیثی در سده های دوازدهم و سیزدهم -----

۳۷۲ ----- قرن دوازدهم -----

۳۷۲ ----- اشاره -----

۳۸۰ ----- قرن سیزدهم -----

۳۹۳ ----- فهرست احادیث شرح شده توسط علمای سده های دوازدهم و سیزدهم -----

۴۰۲ ----- فهرست منابع و مأخذ -----

۴۲۱ ----- درباره مرکز -----

تاریخ حدیث شیعه : در سده های دوازدهم و سیزدهم هجری

مشخصات کتاب

سرشناسه : صفره، حسین، 1339 -

عنوان و نام پدیدآور : تاریخ حدیث شیعه : در سده های دوازدهم و سیزدهم هجری / حسین صفره.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 1390.

مشخصات ظاهری : 407 ص.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ 207. مجموعه تاریخ حدیث شیعه؛ 2.

شابک : 65000 ریال

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : احادیث شیعه -- تاریخ

شناسه افزوده : دار الحدیث. مرکز چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP106/5/الف3ت3 1389 26

رده بندی دیویی : 297/29

ص : 1

اشاره

سخنی با خواننده

سخنی با خواننده حدیث، در طول حیات خویش، از بدو ظهور تا کنون، فراز و نشیب های بسیاری به خود دیده است. شناخت این مسیر و ویژگی های آن را «تاریخ حدیث» بر عهده دارد _ که رشته ای واسطه میان دو دانش حدیث شناسی و تاریخ است _ . چگونگی ظهور حدیث، برخورد صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم با آن و نیز شیوه های برخورد عالمان بزرگ با این منبع مهم و اصلی شریعت، از مباحث مهم تاریخ حدیث به شمار می آید. مطالعه تاریخ حدیث، شرط لازم برای تحقیق صحیح در حوزه های مختلف علوم حدیث است؛ چرا که به هر حال، حدیث، یک پدیده تاریخی است که نمی توان بدون در نظر گرفتن مسیر تاریخی اش، در زوایای آن، بحث دقیقی ارائه کرد. قطعا مطالعه در سند حدیث یا متن آن و یا هر موضوع دیگر مرتبط با آن، به صورت موردی و بدون توجه به همه یا بخش هایی از تاریخ حدیث، تنها مطالعه ای ذهنی و انتزاعی خواهد بود و در موارد بسیاری، بیم آن وجود دارد که نتیجه این گونه مطالعات، به دور از واقعیت باشد. از سوی دیگر، حدیث، به عنوان پدیده ای تاریخی، مورد هجوم شبهات تاریخی هم قرار گرفته است؛ شبهاتی که نمی توان آنها را بدون مطالعه تاریخ حدیث، پاسخ گفت. به علاوه، اتصال حدیث به عصر معصوم و در امان ماندن آن از دستان تحریفگر پیدا و پنهان را باید با مطالعات تاریخی به اثبات رساند و بدین گونه، پشتوانه علمی حدیث را شناخت و شناساند. با توجه به این مجموعه ضرورت ها، گروه تاریخ حدیث «پژوهشکده علوم و

معارف حدیث» بر آن شد تا مطالعه جامعی را در این موضوع، به انجام رساند. بر این اساس، مجموعه «تاریخ حدیث شیعه (از قرن اول تا عصر حاضر)» پی ریزی گردید. در این مجموعه، به ترتیب تاریخی، اطلاعات مربوط به حدیث شیعه را گرد آورده ایم. مباحثی که در هر دوره مورد بحث (یا در هر يك از مقالات) مورد توجه بوده اند، عبارت اند از: شرایط اجتماعی-فرهنگی، حوزه های علمی-جغرافیایی، عالمان حدیث پژوه، زمینه های فعالیت های حدیثی، گونه های نگارش های حدیثی، علوم حدیث، اجازات و مشایخ اجازه. معرفی مهم ترین فعالیت های حدیثی هر عصر نیز از دیگر اطلاعات موجود در این مجموعه است. عناوین مجلدات این مجموعه، به قرار زیر است: جلد اول. تاریخ حدیث شیعه از شکل گیری تا پایان سده سوم هجری جلد دوم. تاریخ حدیث شیعه در سده های چهارم تا هفتم هجری جلد سوم. تاریخ حدیث شیعه در سده های هشتم تا یازدهم هجری جلد چهارم. تاریخ حدیث شیعه در سده های دوازدهم و سیزدهم هجری جلد پنجم. تاریخ حدیث شیعه از آغاز سده چهاردهم هجری تا امروز. کتاب حاضر- که به صورت تفصیلی، تاریخ حدیث شیعه را در قرن های دوازدهم و سیزدهم هجری بررسی کرده است- در واقع، چهارمین مجلد از مجموعه پنج جلدی، تاریخ حدیث شیعه است که به یاری خدا، به تدریج، به دست نشر سپرده خواهد شد. در این جا بر خود، لازم می دانیم که از زحمات آقای حسین صفره- که نگارش این جلد را به عهده داشته اند- کمال تشکر را به عمل آوریم. امیدواریم که با یاری خداوند بزرگ، سایر مجلدات این مجموعه و فهرست ها و نمایه های آن نیز به زودی آماده نشر گردد. گروه تاریخ حدیث پژوهشکده علوم و معارف حدیث

تاریخ حدیث شیعه در سده های دوازدهم و سیزدهم

پیش گفتار

پیش گفتارنگارنده، در این نوشتار با بررسی تاریخ حدیث شیعه در دو قرن دوازدهم و سیزدهم هجری، بر آن است تا وضعیت حدیث شیعه را در این دو قرن، از جهاتی چند، بررسی نماید و از جمله معلوم کند که در این مقطع زمانی چه کارهایی درباره حدیث و کتاب های حدیثی شیعه انجام گرفته است و از میان دانشمندان شیعه، چه کسانی در عرصه حدیث و علوم مربوط به آن، قلم به دست گرفته اند و چه خدماتی انجام داده اند. روشن است که عنوان «تاریخ» در این جا، مباحث تاریخی صرف (مانند تاریخ انبیا، تاریخ اسلام و یا دیگر عناوین تاریخی) نیست؛ چه این که مطالبی که محتوای تاریخ حدیث را تشکیل می دهند، با امثال مباحث یاد شده متفاوت اند، بخصوص با توجه به این که حدیث شیعه، پیچ و خم های اصلی و مراحل اساسی مسیر خود، از قبیل مرحله صدور، مرحله نگارش، شکل گیری اصول حدیثی، تدوین جوامع چهارگانه و... را در دوره های پیشین، پشت سر گذاشته و سهم دوره مورد بحث در سرگذشت حدیث شیعه، به اندازه دوره های اولیه نیست. از این رو، اگر در فصل اول به وضع فرهنگی - اجتماعی این دو قرن اشاره می شود، هدف، این است که بستر و زمینه های فعالیت در عرصه حدیث، روشن گردد و یا احیاناً پاره ای انحرافات فکری که ممکن است از برداشت های نادرست نسبت به آیات و روایات حاصل شده باشد، مورد اشاره قرار گیرد. گو این که ممکن است در

يك زمان ، هيچ رابطه مستقيمی میان اوضاع فرهنگي و حديث ، نتوان برقرار كرد. ذكر اين نکته نيز لازم است كه اين نوشتار ، كاري رجالي نيست؛ چرا كه در علم رجال به احوال راويان حديث ، از آن جهت كه در ردّ و قبول گفته آنان مؤثر است ، پرداخته مي شود و در اين مجال ، به چنين مسئله اي پرداخته نشده است. همچنين ، نگارنده با تنظيم فصل دوم ، سوم و چهارم اين نوشتار ، صرفاً درصدد نگارش فهرست آثار مربوط به حديث و علوم حديثي نيست ؛ بلكه با تفكيك موضوعات و قرار دادن مدخل براي هر عنوان ، قصد دارد چارچوبي از فعاليت هاي حديثي در اين مقطع زماني را به نمايش بگذارد. نيز با رعايت ترتيب تاريخي آثار ، امكان مقايسه كمّي و احياناً كيفي آنها را براي خوانندگان ، فراهم آورد. در فصل پنجم ، با ذكر شرح حال مختصر و فهرست آثار حديثي بيش از هفتاد نفر از دانشمندان شيعة كه نقش بيشترى در عرصه حديث ايفا کرده اند ، آشنائي هر چند اندكي نسبت به اين دانشمندان و سهم آنان در نشر حديث ، حاصل مي شود. روشن است كه اين كار ، بخشي از تاريخ حديث در اين دوره است . در عين حال ، نقش اين دانشمندان در عرصه حديث ، يكسان نيست. برخي داراي نقش بيشتر و مؤثرترى بوده اند كه اين مسئله نيز در نگاه به تآليفات آنان ، نمايان مي گردد. با توجه به اين كه تدارك شرح حال هر چند اجمالي براي تمام صاحبان اثر ، ميسر نشد ، شرح حال بيش از نيمي از افرادي كه نوشته اي در باب حديث و يا علوم مربوط به آن دارند ، در اين كتاب ، نيامده و شرح حال بسيار اجمالي بيش از 140 تن از صاحبان آثار حديثي نيز در پانوشته ها آمده است. اين كار ، تنها براي حفظ يك دستي مطالب كتاب ، صورت گرفته و ممكن است خواننده را با سؤالاتي روبه رو كند ، از جمله اين كه : چرا شرح حال برخي از افراد ، نيامده است؟ و اي بسا برخي را به داوري هاي شتابزده بكشاند ، مانند اين كه : مگر فلان دانشمند ، چه برتري اي بر فلان دانشمند ديگر دارد كه شرح حال يكي آمده و شرح حال ديگري نيامده است؟ يا اين

که گاه آن دانشمندی که شرح حالش ذکر نشده، از دیدگاه خواننده نسبت به دیگران، جایگاه والاتری دارد، حال آن که نگارنده با این کار، قصد ارزشیابی دانشمندان و تعیین رتبه برای آنان نداشته است؛ بلکه با وجود تلاش بسیار، به شرح حال برخی از صاحبان اثر، دست نیافته است، گذشته از این که بسیاری از این گونه اطلاعات نیز در چارچوب این نوشتار نمی گنجید؛ چون در آن صورت، حجم کتاب، بیش از حدّ مورد نظر می گردید. در پایان، خدای مهربان را سپاس گزارم که توفیق مطالعه و کندوکاو در آثار دانشمندان پُر تلاش و ربّانی شیعه را نصیبم فرمود. همین قدر که توانستم از این بزرگان و خدمات آنان به علوم آل محمد علیهم السلام یادی بکنم، خشنود و شادمانم. همچنین، لازم می دانم از راهنمایی های بی شائبه دوستان فاضل و محقق در پژوهشکده علوم و معارف حدیث، بویژه جناب آقای قاسم جوادی (صفری)، تشکر و قدردانی کنم و از خدای منّان، توفیق روز افزون برایشان مسئلت نمایم. حسین صفره

فصل یکم : کلیات**وضعیت فرهنگی _ اجتماعی شیعه در سده های دوازدهم و سیزدهم****دوره صفویه**

فصل یکم : کلیات وضعیت فرهنگی _ اجتماعی شیعه در سده های دوازدهم و سیزدهم دوره صفویه نسبت صفوی در نام پادشاهان سلسله ای که به کوشش شاه اسماعیل در سال 905 ق ، تأسیس شد ، از نام جدّ این دودمان ، یعنی شیخ صفی الدین ابو اسحاق اردبیلی (650_735ق) گرفته شده است. بررسی تحولات فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی ایران در دوره پادشاهان مختلف این سلسله از آغاز تا انجام ، از چارچوب این نوشتار ، خارج است ؛ زیرا مقطع زمانی مورد بحث ما تنها دو قرن دوازدهم و سیزدهم (از سال 1112 تا 1312 ق) است. بر این اساس ، تا زوال کامل سلسله صفوی که در 24 شوال 1148 ، با تاج گذاری نادر شاه افشار رخ داد ، 36 سال از اواخر دوره حکومت صفوی به بحث ما مربوط می شود. سه ، چهار دهه آخر حکومت سلسله صفویه نیز شاهد تحولات فرهنگی ، اجتماعی ای بوده است که البته بخشی از آن ریشه در گذشته این حکومت دارد و از اشاره به آن گریزی نیست . در دوره صفویه ، با تبلیغ و تلاش مستمر شیعی ، تشیع به صورت مذهب رسمی و واحد ایران در آمد و در میان مردم ، جایگاه ویژه خود را یافت. در این دوران ، با شکل گیری حوزه علمیه اصفهان ، مهاجرت دانشمندان شیعی جبل عامل به ایران و رواج تحقیق و گفتگوهای علمی مستمر ، ابعاد اعتقادی ، فقهی و

حدیثی شیعه، رشد همگونی یافت و در نتیجه تلاش های دانشمندان بزرگ شیعه، مانند علامه مجلسی و دیگران در نشر علوم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، معارف دینی در میان توده های مردم مسلمان، رواج و گسترش در خوری پیدا کرد و بسیاری از زمینه های انحراف، از میان رفت. فقها و محدثان، با بهره گیری از امکانات سیاسی موجود، تلاش گسترده ای را برای تبویب و تنظیم مجموعه های روایی و تشریح مسائل فقهی آغاز کردند و اصفهان، به صورت مرکز فعال و پُر تحرک تشیع، نیاز علمی و فکری بخش های مختلف جهان شیعه را تأمین می کرد. پس از مرگ شاه سلیمان، امرا، پسر بزرگ او سلطان حسین میرزا را در سال 1106 ق، به سلطنت رساندند و چون وی شخصی ضعیف النفس، بردبار و بسیار محبوب بود، بدین ترتیب، آنان می توانستند در سایه بی کفایتی او، هر گونه که بخواهند رفتار کنند. (1) با وجود این، در چند سال اول حکومت شاه سلطان حسین، به سبب قدرت معنوی و علمی و توان اجتماعی علامه مجلسی، نیروی مذهبی نسبت به دربار، برتری یافت، (2) چنان که به خواست علامه، شاه دستور داد شراب خانه ها تعطیل شود و در اصلاح اوضاع اخلاقی جامعه، تلاش هایی صورت گرفت؛ اما با نقشه درباریان، شاه به شرب خمر وا داشته شد و سپس، اسیر آن گردید و بساط عیش و نوش، دیگر بار در دربار برقرار گشت. علاوه بر درباریان، فحشا و منکرات در میان عامه مردم نیز رواج یافت. شاه سلطان حسین، در شرایطی بر تخت سلطنت نشست که اخباریان بر مسند قضا نشسته و بر مساجد و مدارس، مسلط بودند و گرایش صفویان به اخباریان و فشار آنان نسبت به اهل عقل و عرفان، و متهم کردن آنان به کفر و الحاد و بدعت،

1- ر.ک: تاریخ ایران، ص 700_722.

2- ر.ک: حدیث پیمان، ص 91_94.

وضعی را پیش آورده بود که برخی از عالمان برای در امان ماندن از مزاحمت جاهلان و مأموران حکومت، لقب «آخباری» برای خود انتخاب می کردند و تظاهر به اخباریگری می کردند، و گرنه به سرنوشت ملاً صدرا دچار می شدند که با اعمال فشار اخباریان بر شاه عباس، حکم تبعید و آوارگی وی صادر شد و این، نمونه ای از تسلط اخباریان بر اوضاع بود. البته شاه سلطان حسین نیز با حکیم ملاً صادق اردستانی به همان شیوه عمل کرد. (1) در این زمان با روی آوردن برخی از «شیخ الاسلام»ها، قاضیان و یا فرزندان آنها به دنیا طلبی و زندگی اشرافی، پایه های مذهبی جامعه دچار تردید و تزلزل گردید. اختلاف در بین عالمان منسوب به صوفیگری و مجتهدان از يك سو، و دانشمندان اخباری مسلک و فقیهان اصولی، از سوی دیگر، از نظر فرهنگی و مذهبی در میام مردم، انعکاس نامطلوبی داشت. این گروه ها که هر کدام دیگری را فاقد ایمان می دانست و بر ضد یکدیگر به تألیف کتاب می پرداختند، مردم را نیز دچار تفرقه کرده، به تدریج، نسبت به آنان بی اعتماد می نمود. (2) در ادامه این نوشتار و در بحث از جریان های فرهنگی به پاره ای از این اختلاف ها و درگیری میان این گروه ها اشاره خواهد شد. شاه سلطان حسین، مردی خرافاتی و طبق عقاید صوفیان معتقد بود که انسان در کار خود، اختیاری ندارد و عقل و تدبیر، دارای نقش نیست. همو به جای توجه به تربیت قهرمانان جنگی و مردان سیاست، به رقاصان حرم سرا و شرب خمر، مشغول بود. کرنلیوس دوپروین، نقاش هلندی می نویسد: پادشاه، شیفته و فریفته زنان و پای بند شهوت و هرزگی شده است و توجهی به امور مملکت ندارد. در نتیجه رفتار ناپسند او، عدل و داد از کشور، رخت

1- ر.ک: طبقات اعلام الشيعة، ج 6، ص 7.

2- ر.ک: صفویه از ظهور تا زوال، ص 462_466.

بریسته و هرج و مرج و فساد، رایج شده است. به همین علت در راه هایی که سابق امن بود، اکنون دزد و راهزن می بینم. (1) در چنین اوضاع اجتماعی نابه سامانی، افغان ها به ایران حمله کردند و با محاصره اصفهان و سرانجام تصرف آن، علاوه بر ایجاد قحطی و کشتار فاجعه آمیز عده بسیاری از مردم، از نظر فرهنگی و علمی نیز ضایعات بسیاری پدید آوردند و عده ای از دانشمندان در اصفهان، قزوین و شیراز و... کشته شدند. به عنوان نمونه، به موارد زیر می توان اشاره کرد: 1. علامه محمد علی سگّاک شیرازی، در هنگام تسلط افغانیان مهاجم بر شیراز در سال 1135 ق، به شهادت رسید. 2. سید میرزا مهدی شیرازی در همان غائله سلطه افغان ها بر شیراز در سال 1135 ق، به شهادت رسید. 3. آقا محمد مهدی مازندرانی در سال 1140 ق، پس از تسلط افغان ها بر اصفهان به دست افغان های قندهاری شهید شد. 4. حاج محمد رضی قزوینی، در حدود سال 1135 ق، در آشوب افغانیان به شهادت رسید. 5. محمد رضا (رضا) قزوینی، از علمای بزرگ شیعه در مبارزه با مهاجمان افغانی در دیال آباد قزوین بعد از سال 1136 ق، به شهادت رسید. (2) برخی عالمان، از اصفهان متواری شدند و به عراق یا جاهای دیگر، فرار کردند، چنان که ملا محمد جعفر بن طاهر خراسانی (زنده در 1151 ق) در حاشیه اش بر منهج المقال می گوید:

1- ر.ک: تاریخ صفویه، ص 385_474.

2- شهداء الفضيلة (شهیدان راه فضیلت)، ترجمه: جلال الدین فارسی، ص 235، 358، 364، 376_378.

تألیف آن، در روزگار حمله افغان ها به ایران و تصرف اصفهان، انجام گرفت. من از اصفهان گریختم و در یکی از کوه های ناحیه باکو در سال 1134 ق، مخفی شدم و هنگام تألیف، جز تعدادی اندک، کتابی نردم نبود. (1) عالمانی هم که در اصفهان باقی مانده بودند، در شرایط اسفبار و بسیار سختی به سر می بردند. ملا اسماعیل خواجهویی در آخر شرح چهل حدیث خود می گوید: در جایی آن را تألیف کردم که چشم بصیرت و ضمیر تیره و تار و خون مسلمین که در کتاب و سنت، ریختن آن حرام گردیده، بر زمین ریخته شد و آبروهایی که مصون بود، به دست کافران فاجر بر باد رفت و اموال، غارت گردید و اولاد به اسارت در آمد، دریاها ستم در تلاطم و ابرهای هم و غم، متراکم... و افکار، پریشان. در این احوال، ذهن ثاقب و فکر صائب، یافت نمی شود. (2) افغان ها تنها به کشتن انسان های بی گناه اکتفا نکردند؛ بلکه به تخریب علمی و فرهنگی نیز پرداختند، چنان که وقتی اشرف افغان، محمود را که _ دچار جنون شده بود _ کشت و خود بر تخت پادشاهی تکیه زد، در وسط شهر، بنایی برافراشت که به خاطر آن، حدود پانصد حمام، مدرسه و مسجد در کمتر از مدت شش ماه خراب گردید. (3) بدین ترتیب، زوال حکومت صفویه فرارسید. شاهان صفویه که از نیروی مذهبی تشیع برای تحکیم قدرت خود، بهره ای بسیار بردند، در اواخر به سبب ضعف تدبیر و عیاشی و... قادر به حفظ دولت خویش نبودند، اما در طول این دوران، تشیع از چنان موقعیت محکم و استواری برخوردار شده بود که نه زوال صفویه، و نه هیچ یک از تحولات نظامی و سیاسی بعد از آن، در جایگاه اجتماعی شیعه، اثر تعیین کننده ای نداشت و هر یک از قدرت های افشاری، زندی و... که استقرار یافتند،

1- به نقل اعیان الشیعة، ج 4، ص 114.

2- اربعون حدیثا، ص 389 _ 390.

3- اعیان الشیعة، ج 3، ص 3.

دوره افشاریه

ناگزیر از رعایت حریم مذهب و نیروی مذهبی بودند. (1)

دوره افشاریه حکومت افشاری با تاج گذاری رسمی نادر شاه (تهماسب قلی خان) در سال 1148 ق، آغاز شد. (2) در این دوره، بیشتر به امور نظامی توجه مبذول می شد و به گفته برخی دوره زمامداری نادر از ابتدای ورود به خدمت شاه تهماسب تا واپسین لشکرکشی به مرزهای باختر را باید روزگار پادشاهی نظامی تمام عیار در ایران دانست؛ زیرا سرگرم بودن نادر به کار سپاه، توجه او به تشکیل وحدت ارضی ایران، دفع اجانب و باز پس گرفتن ولایات از دست رفته، مجال برای توجه او به امور داخلی و استقرار سازمان های اجتماعی و انتظامات اداری باقی نگذاشت. باید گفت با وجود پیروزی های درخشان و خدمات شایان نادر و حیثیت و اعتباری که او برای ایران به دست آورد، ایرانیان از همان آغاز کار، از وی ناخشنود بودند، چه، بر خلاف مفاد شروط عرضه شده توسط نادر در روز نخست تاجگذاری در دشت مغان مبنی بر به رسمیت شناختن تشیع، به عنوان مذهب جعفری و رکن پنجم در کنار چهار مذهب اهل سنت و حمایت از آن - که به عقیده برخی برای به دست آوردن قلوب ایرانیان یا فریب آنان بوده است - از آن جا که از خانواده ای سنی بود، در بر انداختن مذهب شیعه، جلوگیری از آداب و مراسم دینی شیعیان و ضبط موقوفات آنان، کوشش بسیار داشت؛ چنان که در همان شورای تاریخی دشت مغان، شاه اسماعیل صفوی را به باد انتقاد گرفت و وی را متهم کرد که: بنابر صلاح دولت خود، مذهب تسنن را متروک، و تشیع را شایع و مسلوک داشت. علاوه بر آن، سب و رفض را که فعل بیهوده و مایه مفاسد

1- .رك: حدیث پیمانہ، ص 94 _ 95.

2- .رك: تاریخ ایران، ص 722_735.

است، در السنه و افواه عوام و اوپاش، جاری کرد و شرر شرارت را به چخماق دو به هم زنی برانگیخت و خاک ایران را به خون فتنه و فساد آمیخت! سپس، یکی از شرایط خود برای پذیرفتن پادشاهی را این نکته اعلام کرد که ایرانیان، باید اعمال مربوط به مذهب شیعه را که به وسیله شاه اسماعیل اول اعلام گردید، ترك کنند. (1) همچنین در سال 1148 ق، پس از تاجگذاری، بخش نامه ای به سراسر ایران فرستاد مبنی بر این که: «چون طریقه های مذهبی حنفی و جعفری به هم نزدیک اند، باید عموم اهالی ایران به سه خلیفه اول، احترام بگذارند و در اذان و اقامه، سخنان مخالف اهل سنت بر زبان نیاورند». (2) اما نادر با وجود شدت عمل، در منع تعزیه خوانی و عزاداری شیعیان، توفیقی نیافت و با این که ایل افشار از ارکان مستحکم پادشاهان صفوی بود، نادر، صفویان را «رافضی» می خواند و تلاش می کرد تا نام و نشان صوفیه را از میان بردارد و مردم را به فراموش کردن آن خاندان و از یاد بردن آثار خیرشان وادار کند. وی گذشته از زندانی نگاه داشتن تهماسب دوم، عباس سوم را نیز از نظرها دور نگاه می داشت تا خاطره آل صفی از ذهن مردم ایران، زدوده شود. به عقیده صاحب نظران، دلیل عمده ناکامی وی در این کار، رابطه عمیقی بود که شاهان صفوی در طی دو قرن و نیم میان خود، مذهب و مردم به وجود آورده بودند و نادر _ که تنها به نیروی شمشیر به سلطنت رسیده بود _ به همان سادگی قادر نبود که مهر و علقه پادشاهان صفوی را که بر اثر تبلیغات ممتد با عواطف و احساسات مذهبی

1- رك: جهانگشای نادری، ص 266؛ عالم آرای نادری، ج 2، ص 446 _ 457.

2- رك: مجله علم و فلسفه، شماره اول: «سیاست مذهبی نادر شاه»، سید محمد محیط طباطبایی.

تلاش برای اتحاد مذاهب اسلامی

مردم عجین شده بود، از دل ایرانیان، بیرون ببرد. (1) نادر، پس از نشستن بر تخت شاهی، پنهانی در صدد آن بود که به همراه افغان ها، سران شیعه را از میان بردارد؛ اما جنگ های پیاپی به وی مجال نداد و این خواسته او عملی نشد. (2) برخی از محققان، رفتار نادر نسبت به شیعه را تنها یک سیاست مذهبی می دانند که وی پس از ظهور دلاوری هایی از افغانی های ارتش نادری، آن را در پیش گرفت و پیش از آن، وی بیشتر به هموطنان شیعی مذهب خود، توجه و تکیه داشت. وی، پس از نبرد دلاوران افغان ها در آن سوی پل بغداد، از راه الفت و محبت نسبت به ستیان افغان در آمد و گروهی را مأمور جلوگیری از بی حرمتی به مزار ابوحنیفه نمود و به تزئین مقبره او همت گماشت؛ (3) ولی سخنان صریح و مواضع نادر نسبت به شیعه در روز تاج گذاری، خلاف این را می رساند و بیانگر آن است که او از آغاز با شیعه سرسبز داشته است. با این احوال، برخی دیگر او را از قبیله قرخلوی افشار و جزو طوایف شاهسون دانسته، می گویند در شیعه بودن آنان، تردیدی نمی توان داشت و نام های فرزندان وی و برادرش (رضا قلی، مرتضی قلی، امامقلی، علیقلی) را از شواهد شیعه بودن او دانسته اند؛ (4) ولی چنین شواهدی چندان قابل اعتنا نیست.

تلاش برای اتحاد مذاهب اسلامینادر پس از این که به سبب تعصب کورکورانه عالمان اهل سنت عثمانی و اغتشاش های پیاپی داخلی نتوانست سیاست های اعلام شده قبلی خود را به اجرا

1- تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، ج 2، ص 114 _ 115.

2- گنجینه تاریخ ایران، ج 12، ص 433_446؛ تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، ج 2، ص 109.

3- تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، ج 2، ص 110؛ جهانگشای نادری، ص 270.

4- تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، ج 2، ص 107.

درآورد، ناچار شد در آخر کار با گرد آوردن عالمان شیعه و سنی از سراسر ایران و مواجهه آنان با شیخ الاسلام و برخی دیگر از عالمان عثمانی، نوعی توافق میان آنان پدید آورد تا شاید بتواند از دامنه اختلاف ها بکاهد و از حالت دشمنی و خصومت را که در این میان وجود داشت، بکاهد. این تلاش نادر به سال 1156 ق، در بغداد به انجام رسید. اما عالمان عثمانی دست به دست دیگر مردم آن سرزمین دادند و از تمکین نسبت به قرارداد بین عالمان شیعه و سنی سر باز زدند. (1) با وجود احترام ظاهری نادر شاه نسبت به عالمان دینی شیعه، وضعیت فرهنگی - اجتماعی جامعه چندان مطلوب نبود و دانشمندان شیعه، امنیت جانی نداشتند و نادر با کمترین بهانه با گزارش های ناروای توطئه گران، آنان را به شهادت می رساند. در این باره، می توان از شهادت عالمانی مانند علامه میرزا محمد حسین پیر، قاضی ارتش نادر، یاد کرد. وی از شکوه و جلال و هوش سرشار برخوردار بود و نادر به سبب این ویژگی ها، قصد کشتن او را کرد، بدین ترتیب که او را از سمت قضا بر کنار کرد و به حکومت اصفهان گمارد و پس از يك سال به بهانه ای او را در سال 1159 ق، به شهادت رساند. همچنین، محمد زکی بن ابراهیم، دانشمند و خطیب کرمانشاهی (م 1159 ق)، محمد رضا شیرازی از نوادگان ملا صدرا (م 1161 ق) و سید نصرالله بن حسین حائری معروف به سید شهید (م 1154 ق)، توسط نادر به شهادت رسیدند. (2) در دوره جانشینان نادر نیز که همچنان درگیر رقابت و کشمکش های نظامی بودند، تحوّل چشمگیری در امور اجتماعی و فرهنگی ایران، مشاهده نمی شود.

1- همان، ص 115_116.

2- شهداء الفضيلة (شهیدان راه فضیلت)، ص 342، 375، 392 و 394.

دوره زندیه

دوره زندیه افراد ایل زند، پیرو آیین تشیع بودند. کریم خان، مؤسس زندیه نیز خود، مردی متدین و پایبند به حفظ آداب و مراسم مذهبی بود و حتی به تقلید شاهان صفوی، در ایام محرم، مراسم سوگواری بر پا می کرد. کریم خان، گرچه مردی متدین بود، ولی در امور مذهبی، تعصب چندانی نداشت و مانند شاهان دوره آخر صفویه، باورهای شخصی او به مقاصد سیاسی زبانی نمی رساند. وی، پیروان تمام ادیان را محترم می شمرد و از لحاظ پیمان های اجتماعی و مقررات کشوری، میان افراد ملت، فرقی نمی گذاشت. بنا به گفته بیشتر تاریخنگاران، کریم خان، خواندن و نوشتن نمی دانست؛ ولی نسبت به دانشمندان، رفتاری احترام آمیز داشت و بویژه به عرفا و مشایخ ایشان، بسیار دل بسته بود. همچنین، وجود برخی از وزرای دانش دوست، مانند: محمد حسین فراهانی، متخلص به «وفا» که به همراه میرزا محمد جعفر، از منشیان قدیم نادرشاه، امور کشور را اداره می کرد، در ترویج علوم و معارف در آن زمان، بی تأثیر نبود. کریم خان، پس از استقرار حکومت خود، جز گشودن بصره، کار نظامی دیگری نکرد؛ بلکه بیشتر اوقات خود را در شیراز، صرف خوشگذرانی می کرد و در رفاه حال مردم می کوشید و همین کوشش وی در فراهم آوردن آسایش مردم و دفع بیداد از ایشان، او را نزد هم زمانانش دوست داشتی و از دید تاریخ، سر بلند و نیک نام ساخته است. (1) سلسله زندیه، از سال 1163 تا 1193 ق، بر تمام ایران، به استثنای خراسان که در دست شاهرخ افشاری بود، حکومت می کرد. پس از مرگ کریم خان در سیزدهم صفر

1- گنجینه تاریخ ایران، ج 12، ص 488، 494 _ 495؛ تاریخ ایران، ص 748.

دوره قاجاریه

1193 تا 1209 ق، در مجموع، هشت نفر به حکومت رسیدند که در این فاصله، جز ناآرامی، رقابت، درگیری و کور ساختن و قتل رقیبان، چیز قابل توجهی به چشم نمی خورد و قریب دوازده سال، بین آقا محمد خان قاجار و شاهزادگان زندیه، زد و خورد بود و این کشمکش ها، در نهایت به پیروزی آقا محمدخان قاجار گردید. (1)

دوره قاجاریه قاجاریه، طایفه ای اند در اصل از نژاد مغول و ظاهراً از قبایلی بودند که به همراه کشور گشایان تاتار در دوره چنگیز و بازماندگان او از مغولستان به سرزمین های اسلامی آمدند و در قسمت بین شام و ایران، بخصوص در نواحی ارمنستان، ماندگار شدند. (2) حکومت این سلسله بر ایران با پادشاهی آقا محمد خان، فرزند بزرگ تر محمد حسن خان قاجار، آغاز گردید. شاهان سلسله قاجار، دارای اعتقادات مذهبی متعصبانه ای بودند و از لحاظ کاربردی نیز سیاست مذهبی ای پیشه می کردند تا جامعه و رهبران دینی را نسبت به خویش، بدبین نکنند و از تضاد میان حاکمیت و نهادهای دینی و مذهبی پیشگیری کنند. (3) در این میان، فتحعلی شاه قاجار، بیش از دیگر شاهان این سلسله در جلب نظر و کسب رضایت عالمان تراز اول شیعه نسبت به خود، تلاش می کرد. به عبارت بهتر، در این زمینه، از هیچ کوششی فروگذار نمی کرد. وی از آغاز حکومت خود بر آن شد تا با کسب تقویض حکومت از سوی مراجع دینی شیعیان، به سلطنت خود، وجهه شرعی ببخشد؛ اما فقیهانی مانند: میرزای قمی و کاشف الغطاء، تنها حق حاکمیت

1- ر.ک: لغت نامه دهخدا، ذیل «زندیه»؛ طبقات سلاطین اسلام، ص 230.

2- ر.ک: تاریخ ایران، ص 754 _ 864.

3- راهنمای جامع ایرانگردی (استان قم)، ص 33.

سیاسی شاه را، آن هم بدون مشروعیت، پذیرفتند و با او نوعی همکاری کردند و با اتخاذ شیوه ای دقیق و حکیمانه، ضمن رعایت مصلحت امت اسلامی، از هر گونه سوء استفاده شاه جلوگیری می کردند. (1) در این جا به چند نمونه از تلاش های فتحعلی شاه برای تأمین نظر عالمان دین، اشاره می شود: در سال 1235 ق، فقهای گیلان، در نامه ای به شاه اطلاع دادند که «خدّام شاهزاده محمّد رضا میرزا و علی خان اصفهانی، وزیر او، با درویشان نعمة اللّهی ارادتی به نهایت دارند و به تسویلات ایشان شاهزاده نیز از ارادت کیشان درویشان است و هم اکنون از بی قیدی این جماعت، کس نام از جمعه و جماعت نبرد و آیات شریعت، منهدم و مطموس باشد». فتحعلی شاه، به بهانه شکار تا طارم می رود و شاهزاده محمّد رضا میرزا و ملازمان او را حاضر کرده، مورد عتاب قرار می دهد و وزیر او را عزل می کند. (2) همچنین در سال 1240 ق، نامه ای از عالمان اصفهان به شاه می رسد که حاجی هاشم خان در هتک حرمت مردم و اخذ مال ایشان، از هیچ چیز، فروگذار نیست. شاه به سوی اصفهان حرکت می کند و پس از احضار هاشم خان، او را کور می کند و حاکم اصفهان را که به جهت رابطه فامیلی در تأدیب هاشم خان کوتاهی کرده، به پرداخت پنجاه هزار تومان زر مسکوک به خزانه شاه، جریمه می کند و با خود داری حاکم از پرداخت این مبلغ، شاه او را عزل کرده، سلطان محمّد میرزا را به حکومت اصفهان، نصب می کند. (3)

-
- 1- ر.ک: کیهان فرهنگی، سال یازدهم، ش اول، 1373 ش، ص 4 «میرزای قمی، نامه به فتحعلی شاه»، رضا استادی.
 - 2- ر.ک: ناسخ التواریخ، ج 1، ص 317.
 - 3- همان، ص 355.

اشاره

این گونه نامه ها و گزارش ها بیانگر آن است که گماشتگان شاه در ولایات ، نه تنها در تأمین آسایش و رفاه مردم و بهبود وضع اجتماعی _ فرهنگی منطقه تحت حاکمیت خود ، تلاش نمی کردند ، بلکه برعکس ، آنان را از جهات مختلف در تنگنا قرار می دادند. وقتی شاه حاکمی را عزل می کرد ، معلوم نبود جایگزین او تا چه حد در رفع کاستی ها و مفاسد به جای مانده از نفر قبلی کوشش می نمود. اقدامات مفیدی که در دوران قاجاریه به عمل آمد ، بیشتر در دوره ناصرالدین شاه و به دست میرزا تقی خان امیر کبیر بود. از آن جمله است اصلاح امور مالی ، اصلاح نظام ، تأسیس مدرسه دارالفنون و استخدام معلّمان اروپایی برای تدریس و اعزام دانشجو به اروپا برای تحصیل در صنایع مختلف و تأسیس روزنامه ، ترجمه و انتشار کتب خارجی ، توسعه صنایع و ایجاد کارخانه و تأسیس پست خانه. امیر کبیر در سال 1267 ق ، در همه شهرهای معتبر کشور ، چاپارخانه تأسیس کرد و اولین خطّ تلگراف در زمان ناصرالدین شاه احداث شد و به تدریج ، تکمیل گردید و ضربّان خانه که تا آن زمان وضع مطلوبی نداشت ، اصلاح شد. در دوران قاجاریه ، ایران با تمدّن غرب ، آشنا شد و با کشورهای غربی رابطه پیدا کرد. هر چند که در فاصله بین انقراض دولت صفویه و قاجاریه ، دولت ایران با کشورهای اروپایی روابط اندکی داشت ، ولی معاهده های بین ایران و کشورهای غربی در دوران قاجاریه منعقد شد. (1)

جریان های فرهنگی سده های دوازدهم و سیزدهم جریان های فرهنگی عمده در جهان تشیّع در دو قرن های دوازدهم و سیزدهم عبارت است از: 1. صوفیگری

1- ر.ک: لغت نامه دهخدا ، ذیل «قاجاریه».

1. صوفیگری

اشاره

2. اخباریگری 3. اصولیگری 4. شیخیگری 5. بایبگری 6. بهاییگری .

1. صوفیگری تصوّف، طریقه ای معنوی است که پیروان آن معتقدند به وسیله تصفیه باطن و تزکیه نفس، انوار حقایق بر قلب شخص، اشراق می کنند. این طریقه در ادیان هندی (برهمنی و بودایی)، یهود، مسیحیت، مانویت و اسلام، وجود دارد. صوفیان اسلامی می گویند: تصوّف، در حقیقت، جز علم باطن نیست و این، همان علمی است که از طریق ارث، از رسول خدا به علی بن ابی طالب علیه السلام رسید. (1) برخی از محققان، ابوهاشم کوفی را که در اواخر دوره بنی امیه می زیست، اولین بنیان گذار تصوّف و نخستین کسی می دانند که در اسلام به «صوفی» شهرت یافت (2) و این، به سبب آن بود که او مانند رهبانان، جامه های پشمین و خشن می پوشید. مقدّس اردبیلی، در حدیقه الشیعه نقل می کند که امام صادق علیه السلام درباره او فرمود: إِنَّهُ فَاسِدُ الْعَقِيدَةِ جِدًّا وَهُوَ الَّذِي ابْتَدَعَ مَذْهَبًا يُقَالُ لَهُ التَّصَوُّفُ وَجَعَلَهُ مَفْرًا لِعَقِيدَتِهِ الْخَبِيثَةِ. (3) ابوهاشم، عقیده بسیار فاسدی داشت. او کسی است که مذهبی را با نام تصوّف اختراع کرد و آن را گریزگاهی برای عقیده پلید خود ساخت.

1- شرح اصطلاحات تصوّف، ج 1، مقدّمه، صفحه چهل و چهار (به نقل از: فی التصوف الاسلامی، ص 76).

2- روضات الجنّات، ج 4، ص 306.

3- حدیقه الشیعه، ج 2، ص 749.

تأویل آیات و روایات و جعل حدیث

مقدّس اردبیلی ، از احمد بن محمّد بن ابی نصر بزنطی و محمّد بن اسماعیل بن بزّیع ، از امام رضا علیه السلام نقل می کند که فرمود: مَنْ ذُكِرَ عِنْدَهُ الصُّوفِيَّةُ وَلَمْ يَنْكُرْهُمُ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ فَلَيْسَ مِنَّا وَمَنْ أَنْكَرَهُمْ فَكَانَ مَا جَاهَدَ الْكُفَّارَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . هر کس نزد او از صوفیه یاد شود و آنها را با زبان و دلش انکار نکند ، از ما نیست و هر که آنان را رد کند ، گویی پیش روی رسول خدا با کافران ، جهاد کرده است. (1)

تأویل آیات و روایات و جعل حدیثی که به رابطه صوفیه و حدیث شیعه مربوط می شود ، این است که دست کم گروهی از این طایفه ، آیات قرآن کریم و احادیث خاندان عصمت و طهارت را وفق مراد خود ، تفسیر و تأویل می کنند تا بدین وسیله ، مدّعی خود را اثبات کنند و نظر دیگران را به خود ، جلب نمایند. از جمله احادیثی که اینان برای تأیید رأی خود مورد استفاده قرار داده اند ، حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (2) است. (3) از سوی دیگر ، بر اساس پاره ای شواهد ، برخی از صوفیه برای توجیه اعمال خود از جعل حدیث نیز ابایی نداشته اند ، چنان که مقدّس اردبیلی می گوید: [فرقه عشاقیه صوفیه] اکثر از غایت بی دینتگی و خدا ناترسی ، بر پیغمبر خدا افترا زنند و گویند جمله «المجاز قنطرة الحقيقة» ، حدیث است و پیغمبر ، چنین فرموده است و با محمل قرار دادن چنین دروغ هایی ، در عشق ورزیدن مجازی ، خود را مجاز می شمارند. (4) نمونه دیگر این است که عین القضاة همدانی (م ق 6) به پیامبر اسلام نسبت

1- همان ، ص 747؛ مستدرک الوسائل ، ج 12 ، ص 323 (باب وجوب البراءة من أهل البدع).

2- این حدیث در غُرر الحکم و دُرر الکلم آمدی (ج 5 ، ص 194) از امام علی علیه السلام و در عوالی اللّثالی (ج 4 ، ص 102) از پیامبر اسلام ، نقل شده است.

3- حدیقة الشیعة ، ج 2 ، ص 758_760 .

4- همان ، ص 781 .

می دهد که: «رأيتُ ربي ليلة المعراج على صورة شابٍّ أمردي». (1) احتجاج امام صادق عليه السلام با گروهی از صوفیه در باب لزوم طلب رزق نیز گواه روشنی بر انحراف و اعوجاج فکری، دست کم در میان عده ای از این افراد و استفاده نادرست آنان از آیات و روایات است. (2) نکته جالب دیگر این که صوفیان، در منابر و مجالس خود، بسیاری از گفته های امامان معصوم علیهم السلام را مورد تفسیر و تأویل قرار می دادند؛ اما آن گفته ها و اخبار را به مشایخ خود نسبت می دادند. برخی در توجیه این نسبت های دروغ گفته اند: این کار، از باب تقیّه و کتمان اسرار و برای در امان ماندن آنان از شرّ تکفیر و انتساب به بدعت و گرفتاری های دیگر بوده است. در این جا چند مورد از احادیثی که به مشایخ صوفیه نسبت داده اند، آورده می شود: _ «سلونی قبل أن تفقدونی». حدیث از امام علی علیه السلام است که به مالک دینار، نسبت داده اند. (3) _ «لو كشف الغطاء ما ازدت يقينا». این حدیث نیز از امام علی علیه السلام است که به سهل بن عبد الله شوشتری نسبت داده اند. _ «من عرف نفسه فقد عرف ربه». از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام روایت شده که به جنید، نسبت داده شده است. (4) _ «أحقّ الناس بالرضا عن البدا أهل المعرفة». از امام صادق علیه السلام است، (5) اما آن را به

1- همان جا (به نقل از: تمهیدات، عین القضاة، ص 321).

2- الکافی، ج 5، ص 65 _ 70 (کتاب المعیشة).

3- حلیة الأولیاء، ج 7، ص 58.

4- امالی پیر هرات، ص 546.

5- الکافی، ج 2، ص 62.

فضیل عیاض نسبت داده اند. (1) سید حیدر آملی، معتقد است که تصوّف و تشیّع، مأخذ و مشربشان یکی است که همان قول خدای تعالی و رسول صلی الله علیه و آله و ائمه معصوم علیهم السلام است، با این تفاوت که صوفیان، اصول دین را به حَسَبِ باطن، از لحاظ طریقت از ائمه علیهم السلام گرفته اند و شیعه، آن اصول را به حَسَبِ ظاهر، یعنی از لحاظ شریعت، از امامان خویش علیهم السلام دریافت کرده اند. (2) شهید مرتضی مطهری، در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران، عرفان و تصوّف را به عنوان يك مدخل، مورد بحث قرار می دهد. وی، عرفان و تصوّف را یکی از علومی که در دامان فرهنگ اسلامی زاده شده، معرفی می کند و با ذکر دو بخش نظری و عملی برای عرفان، سه دیدگاه را درباره عرفان بیان می کند که صاحبان دو دیدگاه (گروهی از فقها و محدّثان اسلامی و گروهی از متجدّدان عصر حاضر) هر يك با انگیزه ای، معتقدند عرفان با اسلام در مخالفت و تضاد است. گروه سوم، ضمن پذیرفتن انحرافات و بدعت های فراوان در فرقه عرفان و تصوّف که با قرآن و سنّت معتبر، موافق نیست، عارفان را ضدّ اسلام نمی دانند و معتقدند اشتباهات عرفا، مانند اشتباهات سایر طبقات فرهنگی مانند: متکلمان، فیلسوفان، مفسران و فقیهان، از روی سوء نیت نبوده است. شهید مطهری، پس از بیان نظریاتی درباره منشأ و خاستگاه عرفان و تصوّف، تاریخچه مختصری برای آن تا پایان قرن نهم هجری ذکر می کند و معتقد است که تصوّف رسمی ایران پس از قرن نهم، بیشتر غرق در آداب و ظواهر و احیاناً بدعت هایی که ایجاد کرده، می شود. (3)

-
- 1- این چند مورد از: شرح اصطلاحات تصوّف (ج، ص 521 _ 546) نقل گردید. برای اطلاع بیشتر درباره تحولات تصوّف در دوره های مختلف نیز، رك: همان، ج 1، مقدمه، صفحه یکصد و بیست و دو.
 - 2- شرح اصطلاحات تصوّف، ج 1، ص 45 (به نقل از: جامع الأسرار سید حیدر آملی).
 - 3- رك: خدمات متقابل اسلام و ایران، ص 543 _ 573.

شاید بتوان گفت به دلیل همین مفاسدی که در عرصه اعتقاد و عمل از پاره ای صوفیان به ظهور رسید ، عده ای از دانشمندان شیعه در ردّ صوفیه به نگارش کتاب و رساله دست زدند. از آن جمله است: _ درایه نثار فَتَحَ اللَّهُ بِهِ أَعْيُنَ الْأَبْصَارِ ، به فارسی ، از محمّد علم الهدی بن فیض کاشانی (م 1115ق) که در آن ، غالباً از صوفیه به طایفه خنیاگران ، مغنیان و اهل طرب ، یاد می کند. (1) _ الردّ علی الصوفیة ، از حاج محمّد رضی قزوینی که آن را در حدود سال 1135 ق ، نگاشته است. (2) _ فی أصناف الصوفیة و ما ینجرّ الی الکفر ، از عبد الحی رضوی کاشانی (م بعد از 1152 ق) که در کتاب حدیقه الشیعه خود ، بابی را با عنوان «فی أصناف الصوفیة و ما ینجرّ الی الکفر» به صوفیه اختصاص داده است. وی می گوید: صوفیه زمان ما اکثرشان مصداق «ملعون من ألقى کله علی الناس» هستند. (3) _ الردّ علی الصوفیة الملعونة ، از ملا محمّد اسماعیل بن محمّد حسین مازندرانی (خواجویی) (م 1173 ق). (4) _ الردّ علی الصوفیة ، از ملا احمد بن محمّد تونی بشروی. (5) _ الردّ علی الصوفیة ، از سیّد اعظم بنگوری ، از شاگردان سیّد دلدار علی نقوی. (6) _ الردّ علی الصوفیة ، از ملا حسن بن محمّد علی یزدی که در 27 محرّم سال

-
- 1- الذریعة ، ج 8 ، ص 56 (ش 168).
 - 2- همان ، ج 10 ، ص 206 (ش 561).
 - 3- موضع تشیع در برابر تصوّف ، ص 297. برای اطلاع بیشتر درباره ظهور صوفیه و فرقه های مختلف آن ، رک: حدیقه الشیعة ، ج 2 ، ص 740 _ 804 نیز برای اطلاع بیشتر درباره تشیع و تصوّف ، رک: الفکر الشیعی و النزعات الصوفیة ؛ الصلّة بین التصوّف و التشیّع.
 - 4- الذریعة ، ج 10 ، ص 204 (ش 553)؛ روضات الجتّات ، ج 1 ، ص 114 _ 119.
 - 5- الذریعة ، ج 10 ، ص 204 (ش 552).
 - 6- همان جا (ش 554).

1231ق ، از نگارش آن ، فارغ شده است. (1) _ الردّ علی الصوفیة ، به فارسی ، از سیّد دلدار علی بن محمّد معین نقوی نصیرآبادی (م 1235 ق). (2) _ ارشاد المنصفین و الزام الملحدین الردّ علی الصوفیة المبدعین ، از ملاّ محمّد کاظم بن محمّد شریف هزار جریبی حائری (از شاگردان وحید بهبهانی) (م بین 1232 _ 1238 ق). (3) _ رساله فی ردّ الصوفیة ، از ملاّ محمّد باقر بن مهدی حائری که در سال 1258 ق ، از نگارش آن ، فراغت یافته است. (4) _ تنبیه الغافلین و ایقاظ الراقدین ، در ردّ صوفیه ، از آقا محمود بن محمّد علی کرمانشاهی ، ساکن تهران (م 1269 ق). (5) _ پدیده تصوّف که با ظهور حکومت صفویان (منسوب به شیخ صفی الدین اردبیلی) ، جایگاه ویژه ای یافت ، به تدریج در اثر عوامل مختلف ، از جمله بی اعتنایی و رفتار تحقیرآمیز شاه عباس نسبت به طبقه صوفیه و مبارزه دانشمندان شیعه ، بخصوص علّامه مجلسی دوم با آن ، کم کم اعتبار و اهمّیت خود را از دست داد و سرانجام در آغاز قرن دوازدهم ، به فرمان شاه سلطان حسین صفوی ، «نکبه فیض» ویران شد ، درویشان از شهر رانده شدند و فعالیت صوفیان در اصفهان ، متوقف گردید. بنا به اظهار برخی محققان ، پس از زوال حکومت صوفیه ، خطّ فکری صوفیه

1- . همان ، ص 206 (ش 559).

2- . همان جا (ش 560) .

3- . همان ، ج 1 ، ص 522 (ش 2545).

4- . همان ، ص 188 (ش 1149).

5- . همان ، ج 4 ، ص 447 (ش 1995).

در ایران نیز زایل گردید و تا سال 1190 یا 1194 ق، از درویش و طریقه آنان، اسم و رسمی باقی نماند. در این زمان، شاه علیرضا دکنی (دوازدهمین قطب بعد از شاه نعمه الله ولی) دو نفر از دست پروردگان خود را برای احیای رسوم صوفیه از هند به ایران فرستاد و آنان با به راه انداختن جنب و جوش در شهرهای ایران، تصوّف را حیات دوباره ای بخشیدند. (1) اکثر فقهای این دوره نیز مانند اواخر دوران صفوی، در مخالفت با صوفیگری، هم داستان بودند. بخصوص فقیه مبارز این عصر، آقا محمد علی کرمانشاهی (م 1216 ق) که پس از پدرش وحید بهبهانی، مرجع بزرگ و صاحب نفوذ ایران بود. وی کتاب خیراتیّه را در ابطال طریقه صوفیه نوشت و باعث شد تا تعدادی از سران صوفیه تبعید شوند و معصومعلی شاه، اعدام شود. (2) از دیگر فقهای بزرگ این دوره، میرزای قمی (م 1231 ق) و هم عصر فتحعلی شاه قاجار است که او نیز در مبارزه با صوفیه، شدّت بسیار به خرج داد و سران صوفیه را با تیر طعن و لعن خود، مورد اصابت قرار داد. از جمله تألیفات او در این زمینه، جامع الشتات فی أجوبة السؤالات است که بخشی از آن، رد صوفیه و طعن به برخی از مشایخ آنان (مانند: بایزید، ملای رومی، محیی الدین...) است. (3) وی رساله الردّ علی الصوفیة و الغلاة را نیز به رشته تحریر درآورد. تهدید و فشار نسبت به صوفیه، در این دوره به اوج خود رسید؛ امّا با روی کار آمدن محمد شاه قاجار (1250 ق) و صدارت میرزا آقاسی، در حکومت او دوباره اوضاع دگرگون شد و صوفیان، مورد توجه ویژه قرار گرفتند و در دوره محمد شاه و

1- موضع تشیع در برابر تصوف، ص 376_ 377؛ از کوی صوفیان تا حضور عارفان، ص 367.

2- وحید بهبهانی، 312_ 313.

3- الذریعة، ج 5، ص 59 (ش 221).

2 و 3. اخباریگری و اصولیگری

مرحله اول: اخباریه متقدم

سپس ناصرالدین شاه قاجار، مورد حمایت بودند. (1)

2 و 3. اخباریگری و اصولیگری علاوه بر صوفیگری، دو جریان فرهنگی عمده اخباریگری و اصولیگری نیز در قرن های دوازدهم و سیزدهم با یکدیگر در ستیز و رویارویی شدید بودند که به اختصار به آنها می پردازیم. برخی از محققان، آغاز پیدایش اخباریگری را در قرن یازدهم هجری می دانند و حساب اخباریان را از محدثان متقدم، جدا می کنند و می گویند که آنان، مکتبی با اصول مشخص نداشتند و چنین سرسخت با اجتهاد، مخالفت نکردند. (2) عده ای نیز اخباریگری را به سه مرحله تقسیم می کنند:

مرحله اول: اخباریه متقدمین مرحله، شامل محدثان دوره متقدم است، با این توضیح که قدمای اخباریان که اصحاب حدیث و اهل اخبار نامیده می شدند، هم در اهل سنت و هم در شیعه وجود داشتند و در کتب رجال به احوال برخی از آنان اشاره شده است. برای مثال، در مورد احمد بن محمد بن خالد برقی آمده است: *إنه كان ثقة في نفسه غير أنه أكثر الرواية عن الضعفاء واعتمد المراسيل، و كان لا يبالي عمّن أخذ على طريقة أهل الأخبار.* و در مورد محمد بن زکریا آمده است: *إنه وجها من وجوه أصحابنا بالبصرة و كان أخباريا واسع العلم....* (3) شیخ مفید نیز در وصف آنان می گوید:

1- موضع تشیع در برابر تصوف، ص 380.

2- ده گفتار، ص 103.

3- مصادر الاستنباط بین الأصولیین و الاخباریین، ص 51_52.

مرحله دوم: اخباریه جدید

اصحاب اخباری ما ساده و کُند ذهن و از زیرکی کم بهره اند و درباره آنچه از احادیث که می شنوند، به طور سطحی برخورد می کنند و سند آنها را مورد بررسی قرار نمی دهند... (1) برخی، این مرحله از نگرش اخباری را، سطحی از تفکر فقهی می دانند، نه يك جهتگیری خاص که مسلک ویژه ای در استنباط دارد. (2)

مرحله دوم: اخباریه جدید این مرحله از اخباریگری، در اوایل قرن یازدهم به وسیله ملا محمد امین استرآبادی (م 1036) آغاز شد. شیخ یوسف بحرانی، درباره او می گوید: او اولین کسی است که باب طعن و بدگویی نسبت به مجتهدان را گشود و تقسیم بندی اخباری و مجتهد را به وجود آورد. (3) علّا مه محمد رضا مظفر که این مرحله را ورود «اخباریه جدید» می نامد، در بیان بازتاب این حرکت می گوید: عکس العمل آن، این است که مردم، یکسره از اعتماد به عقل و تفکر فلسفی روی می گردانند و در هر چیزی راه تعبد به ظواهر شرع (به معنای اکتفا کردن به اخباری که در کتاب های مورد وثوق، وارد شده است) را در پیش می گیرند، آن هم با جمود بر ظواهر آن اخبار. (4) تفکر اخباری، از دهه چهارم قرن یازدهم، در نجف و سایر مراکز علمی بین النهرین نفوذ کرد و به زودی بسیاری از عالمان اصولی را تحت تأثیر خود قرار داد و مورد پیروی بیشتر فقهای آن دیار، قرار گرفت. در ایران نیز از اواسط قرن یازدهم،

1- تصحیح الاعتقاد، ص 119.

2- مصادر الاستنباط، ص 51 _ 52.

3- لؤلؤة البحرين فی الإجازة لقرّتی العین، ص 117.

4- جامع السعادات، ج 1، ص 6.

طرفدارانی یافت و بسیاری از فقها در شهرستان های مختلف ، از آن جانبداری کردند. در آن زمان ، کار این گرایش هنوز به افراط نرسیده بود و درگیری در میان اخباریان و اصولیان در اواخر همین قرن ، پدیدار گردید. (1) با زمینه هایی که گرایش اخباری در قرن یازدهم هجری پدید آورد ، دانشمندانی چون علامه مجلسی ، فیض کاشانی و شیخ حرّ عاملی ، نیروی خود را بر اخبار و روایات ، متمرکز کردند و در تدوین کتاب های حدیث یا شرح و تفسیر آثار حدیثی ، تلاش های چشمگیری از خود ، نشان دادند و جوامع حدیثی ارزشمندی مانند الوافی ، وسائل الشیعة و بحار الأنوار و شرح هایی بر کتب اربعه ، همچون روضة المتقین ، مرآة العقول و ملاذ الأخیار ، و صدها کتاب حدیثی کوچک و بزرگ دیگر در این دوره به رشته نگارش در آمد. این نهضت حدیثی ، در قرن دوازدهم نیز به راه خود ادامه داد و ده ها تن از دانشمندان شیعه که بسیاری از شاگردان علامه مجلسی ، شیخ حرّ عاملی ، فیض کاشانی و... بودند ، همچون گذشته ، توجه به حدیث را در دستور کار خود قرار دادند و کتاب های متعددی را در زمینه حدیث و شرح حدیث و یا علوم حدیثی ، تألیف نمودند که نمونه های آن ، در فصل های دوم تا چهارم خواهد آمد. اخباریگری ، از دهه های نخستین قرن دوازدهم ، بر همه مراکز علمی شیعه در ایران و عراق ، غلبه کرد و به مدّت چند دهه ، فقه شیعی را در انحصار خود داشت و آن چنان رشد کرد که در طیّ قرن دوازدهم ، عدّه بسیاری از دانشمندان بزرگ شیعه ، اخباری بودند. از آن جمله اند: سیّد نعمة الله بن عبد الله جزایری (م 1112 ق) محمّد بن محمّد محسن ، معروف به علم الهدی کاشانی (م 1115 ق)

1- روضات الجنّات ، ج 1 ، ص 134 _ 135 و 137؛ مقدّمه ای بر فقه شیعه ، ص 59.

مرحله سوم: اخباریه معتدل

عبد الله بن نور الله بحرانی سلیمان بن عبد الله ماحوزی (م 1121 ق) عبد الله بن صالح سماهیجی (م 1135 ق) محمد جعفر بن محمد طاهر خراسانی (زنده در 1150 ق) یوسف بن احمد بحرانی (م 1186 ق) میرزا محمد اخباری (م 1232 ق).

مرحله سوم: اخباریه معتدل (1) این مرحله با زعامت شیخ یوسف بحرانی (م 1186 ق) شروع می شود. وی، نقش معتدلی را در میان اخباریان و اصولیان، ایفا نمود و در تخفیف آرای غلوآمیز استرآبادی و پیروان او_ که بخشی از آن در کتاب الفوائد المدنیة ذکر گردیده_ و کاهش اختلافات این دو جریان، بسیار مؤثر بود. ایشان در کتاب الحدائق می گوید: من در ابتدای امر از حامیان مذهب اخباریان بودم و با برخی از مجتهدان معاصر، در این باره، بحث فراوان می کردم... تا این که بعد از تأمل کافی و امعان نظر در سخن علمای اعلام، برای من روشن شد که از این باب، چشم پوشی کنم. (2) وی در ادامه سخن، دلایلی را برای کار خود، یعنی ترك تعصّب نسبت به اخباریگری، ذکر می کند. از جمله این که پس از تأمل معلوم می شود که بسیاری از اختلافات اصولیان و اخباریان، در حقیقت، اختلاف اثر بخشی نیست. از سوی دیگر، در مورد برخی از این اختلافات، بخصوص ادله احکام، میان خود اخباریان یا مجتهدان نیز اختلاف نظر وجود دارد. (3)

1- این تعبیر از نگارنده است.

2- الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج 1، ص 167.

3- همان، ص 167 - 170.

اختلافات اصولیان و اخباریان

البته با وجود چنین نگرش ملایمی از سوی شیخ یوسف بحرانی، دانشمندانی مانند: میرزا محمد اخباری (م 1231 ق) در ناسزاگویی نسبت به مجتهدان و مخالفت با اجتهاد، از هیچ کوششی فروگذار نمی کردند و سرانجام نیز جان خود و فرزندانشان را در این راه از دست دادند.

اختلافات اصولیان و اخباریاناز مسائل قابل توجه، اختلافات اخباریان و اصولیان و مبارزه شدید این دو گروه با یکدیگر است که از اواخر قرن یازدهم، نمایان گردید. گرایش اخباری، روش اجتهاد و تفکر تعقلی و تحلیلی را در فقه شیعی محکوم می نمود و به پیروی از ظاهر احادیث مذهبی دعوت می کرد. ملا محمد امین استرآبادی، در کتاب الفوائد المدنیة، با استدلالاتی حجّیت عقل را برای کشف حقایق، مورد تردید قرار داد و اصول فقه شیعی را که بر اساس استدلالات و تحلیل عقلی بنا گردیده است، به شدت رد کرد و منطق ارسطویی را که اساس اجتهاد و استدلالات و فقهای اصولی است، بی اعتبار شمرد. می توان گفت که مهم ترین اختلاف میان دو گرایش اخباری و اصولی در فقه شیعه، همین مسئله اعتبار یا عدم اعتبار عقل در مباحث مذهبی بود. (1) برای اخباریان و اصولیان، اختلافات فراوانی برشمرده اند که بسیاری از آنها با یکدیگر قابل جمع است و در عمل نیز در دوره های بعد، این دو جریان تا حدّ زیادی به هم نزدیک شدند. برخی از اختلافات عمده این دو مشرب فکری به قرار زیر است: 1. اصولیان، اجتهاد را واجب عینی یا تخییری می دانند و اخباریان، آن را حرام و اخذ روایت از معصوم علیه السلام را واجب می دانند.

1- مقدمه ای بر فقه شیعه، ص 58.

ملاً محمّد امین استرآبادی، در کتاب الفوائد المدنیة، به تفصیل، اجتهاد و تمسک به استنباطات ظنی را رد می کند. (1) 2. اصولیان، ادله استنباط احکام را کتاب، سنت، اجماع و عقل می دانند. اخباریان، تنها کتاب و سنت و برخی از آنان فقط سنت را به عنوان دلیل احکام می پذیرند و از قرآن، جز آنچه تفسیرش از ائمه علیهم السلام وارد شده است، قابل درک نمی دانند؛ مانند شیخ عبد الله بن صالح سماهیجی که از عمل به ظاهر قرآن، منع می کرد و مدّعی بود که همه قرآن، متشابه است. (2) در مورد سنت نیز تنها اخبار اهل بیت علیهم السلام را حجت می دانند. (3) 3. اصولیان، احادیث را به چهار قسم: صحیح، حسن، موثق و ضعیف، و اخباریان به دو قسم صحیح و ضعیف، تقسیم می کنند و صحیح را به خبر محفوف به قرائن که موجب علم به صدور آن از معصوم علیه السلام است، تفسیر می کنند. علاوه بر ملاً محمّد امین استرآبادی در الفوائد المدنیة، ملاً محسن فیض کاشانی در الوافی (4) و شیخ حرّ عاملی نیز در فایده نهم خاتمة وسائل الشیعة، به تفصیل، اصطلاح جدید در تقسیم حدیث را رد کرده اند. (5) 4. اصولیان، معتقدند که در کتب اربعه، انواع احادیث صحیح، حسن، موثق و ضعیف وجود دارد و اخباریان، بر این باورند که تمام روایات کتب اربعه، صحیح و قطعی الصدور است، چنان که ملاً محمّد امین استرآبادی در کتاب الفوائد المدنیة، فصلی را به ذکر وجوه دلالت کننده بر صحّت اخبار کتب اربعه اختصاص داده و

-
- 1- الفوائد المدنیة، فصل اول.
 - 2- أعیان الشیعة، ج 8، ص 53.
 - 3- الفوائد المدنیة، ص 47.
 - 4- الوافی، ج 1، ص 11.
 - 5- وسائل الشیعة، ج 30، ص 252.

دوازده وجه در این باره بیان کرده است. (1) آیه الله خویی رحمه الله در مقدمه معجم رجال الحديث، هر دو ادعای صحیح و قطعی الصدور دانستن تمام روایات کتب اربعه را با دلایل متعدّد، رد کرده است. از جمله دلایل وی در ردّ ادعای صحّت تمام احادیث الکافی، موارد زیر است: 1. شیخ کلینی، احادیث فراوانی را از غیر معصومان و از افرادی همچون: هشام بن حکم، ابو ایوب نحوی، اسید بن صفوان، اسحاق بن عمار و... نقل می کند. 2. روایات مُرسل یا احادیثی که در اسناد آنها راویان مجهول و دروغگو مانند ابو البختری وجود دارد، در الکافی یافت می شود. 3. روایات شاذ که دست کم به هیچ روی نمی توان به صدور آنها از معصوم علیه السلام اطمینان پیدا کرد، در الکافی وجود دارد. 4. کسانی چون شیخ صدوق، به صحّت تک تک روایات الکافی باور ندارند. (2) وی در ردّ قطعی الصدور بودن تمام احادیث کتب اربعه نیز دلایلی دارد که موارد زیر، از آن جمله است: 1. اصحاب امامان، گرچه در پاسداری احادیث از نابودی، بیشترین تلاش را از خود نشان داده اند، اما در دوران تقیّه می زیستند و نتوانستند آشکارا احادیث را منتشر نمایند. 2. اگر به فرض، اهتمام شاگردان ائمه علیهم السلام در حفظ و حراست روایات، موجب علم شود، در نهایت، موجب علم به صدور اصول روایی از صاحبان آنهاست. 3. اگر به فرض، صاحب اصل یا کتابی دروغ نبسته باشد و دچار خطا نشود، احتمال دارد راوی از او در روایتش، خلاف بگوید یا دچار اشتباه شود. (3)

1- الفوائد المدنیة، ص 181.

2- معجم رجال الحديث، ج 1، ص 23_36 و 78_97.

3- همان، ص 22_36.

نگارش ردیه بر اخباریگری

این اختلافات، هر يك از دو گروه را به مبارزه شدید با طرف مقابل، وا داشته بود و کار را در مواردی به سب و شتم و لعن و تکفیر، رسانده بود تا این که ملاً محمد باقر بن محمد اکمل، و حید بهبهانی (م 1206 ق)، برای مبارزه جدی با اخباریگری و دفاع از اجتهاد اصولی به کربلا- که مرکز اخباریان بود- رفت (1) و در آن جا، از يك سو با برپا کردن تدریس اصول، و از سوی دیگر، با مناظره های پیاپی با اخباریان، بخصوص با شیخ یوسف بحرانی- که در آن زمان، رئیس اخباریان بود- مبارزه خود را شدت بخشید، تا این که در این مبارزه، پیروز گردید و چنان که در سطور پیش اشاره شد، مناقشات او سبب شد شیخ یوسف بحرانی، از تعصب نسبت به آرای خود، عدول کند و در زمره اخباریان معتدل در آید. (2) شیخ یوسف بحرانی، که از عظمت روحی خاصی برخوردار بود، در برابر برخوردهای شدید و حید بهبهانی، از جمله ممنوع کردن شرکت در درس و نماز او، با ملایمت و مهربانی برخورد کرد و در عین شهرت و محبوبیت فراوان، مقابله به مثل نکرد، بلکه به رشد و حید، کمک می نمود و چنان که گذشت، نقش او در کاهش اختلافات این دو جریان، بسیار مؤثر بود. حتی در پیروزی و حید بهبهانی نیز نباید نقش او را نادیده گرفت.

نگارش ردیه بر اخباریگری پس از شکست خوردن اخباریان از و حید بهبهانی و افتادن گوی به دست دانشمندان اصولی، در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم، شاهد نگارش ردیه های متعدد بر اخباریان هستیم. (3) خود و حید بهبهانی، کتاب الاجتهاد و الأخبار را در رد اخباریه و

1- تاریخ علم اصول از نگاه شهید صدر، ص 125.

2- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 323. نیز، رك: تاریخ علم اصول از نگاه شهید صدر، ص 125.

3- البته پیش از این زمان نیز اخباریه، کم و بیش، مخالفانی نیز داشت و برخی دانشمندان در رد آنها کتاب می نوشتند. از آن جمله است: تقویم الایمان و تحقیق الایقان، از محمد باقر بن اسماعیل حسینی خاتون آبادی (م 1127 ق)، معروف به مدرّس، از دانشمندان معاصر شاه سلیمان صفوی. این کتاب در دو مجلد و يك خاتمه، تدوین گردیده که در بخشی از آن، به رد شبهات اخباریان خراسان می پردازد (فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 153).

ذکر کیفیت اجتهاد و مقدمات و اقسام آن نوشت. از دیگر نمونه های ردّ بر اخباریه، موارد زیر را می توان نام برد: 1. عقد اللالی البهیه فی الردّ علی الطائفة الغبیه، (1) از محمّد بن اسماعیل (ابو علی حائری) (م 1216 ق) 2. الردّ علی الأخباریه، از سیّد محمّد جوادی بن محمّد حسین عاملی (م 1226 ق) 3. الحق المبین فی تصویب المجتهدین و تخطئة الجهّال الأخباریین، از جعفر بن خضر کاشف الغطاء (م 1228 ق) 4. أساس الأصول، از سیّد دلدار علی نقوی (م 1235 ق) که آن را در ردّ الفوائد المدنیة استرآبادی، با متانت و به دور از طعن و اُشتلم گویی که شیوه برخی از اخباریان و گاه برخی اصولیان بود، با تکیه بر عقل و نقل، نوشته است. (2) 5. الحق المبین فی تصویب المجتهدین، از سیّد احمد علی حسینی محمّد آبادی (م بعد از 1255 ق) 6. الحق الحقیق فی الردّ علی بعض مقالات الأخباریین، از عبد النبی بن علی کاظمی (م 1256 ق) 7. الرسالة الدمستانية فی الردّ علی الأخباریه، از علی بن عبد الله بحرانی دمستانی 8. الردّ علی الأخباریه، از حسنعلی بن نوروز علی تویسرکانی (م 1286 ق) (3)

-
- 1- نگارنده، این تعبیر را اهانت آمیز و تعمیم آن را به همه اخباریان، ناروا می داند. در این جا صرفاً به جهت این که نام کتاب و نشان دهنده سطح برخورد لفظی این دو گروه است، ذکر گردید.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 28، ص 22.
 - 3- رك: چهل سال تاریخ ایران، ص 208.

9. الردّ علی الأخباریة، از دخیل بن محمّد حکاکي نجفی (م1305ق) 10. الردّ علی من ادّعی قطعیه صدور الأحادیث المرویه فی الكتب الأربعة، از ملا حسین تربتی (م1300ق) 11. الردّ علی الأخباریة، از محمّد علی بن محمّد کاظم شاهرودی 12. أصل الأصول فی الردّ علی الأخباریین، از سیّد محمّد بن دلدار علی نقوی (م1284ق) 13. الردّ علی الأخباریة المجرمین، از سیّد علی محمّد بن دلدار علی نقوی (م1312ق). در برابر این حمله ها، اخباریان نیز به مقابله پرداخته، به تألیف کتاب یا انشای قصاید هجوآمیز در ردّ اجتهاد پرداختند. ملا فتحعلی شیرازی، از نوادگان کریم خان زند در فایده پنجم کتاب خود الفوائد الشیرازیة، (1) بیش از صد نفر از دانشمندان مخالف اجتهاد و عمل به ظن را نام می برد و در فایده هفتم نیز بیش از بیست کتاب که در ردّ اجتهاد نوشته شده است، ذکر می کند، از جمله هفت کتاب در این باره از استادش میرزا محمّد بن عبد النبی اخباری که از اخباریان متعصّب بود و سرانجام نیز در این راه کشته شد، یاد می کند که از آن جمله است: 1. مصادر الأنوار فی تحقیق الاجتهاد و الأخبار، که الحقّ المبین کاشف الغطاء، ردّ بر این کتاب است. 2. منیع المرتاد فی ذکر نفاة الاجتهاد 3. معاول العقول لقلع «أساس الأصول» سید دلدار علی نقوی 4. البیان المرصوص بالبراهین و النصوص

1- فارسی آمیخته با عربی در تفاوت های اساسی اخباریان و اصولیان و دارای مقدمه، دوازده فایده و خاتمه است. نسخه آن به شماره 2047 در کتاب خانه مجلس، موجود است (الذریعة، ج 16، ص 344، ش 1598).

5. الحکمة البالغة 6. الدمدمة الكبرى فی الرد علی الزنادقة الصغرى 7. الصارم البتار لقد الفجار وقسط الأشرار و الکفار (در شش مجلد) 8. الصیحة بالحق علی من الحد و تزندق، در رد «حق المبین» کاشف الغطاء (1) 9. دفع اعتراضات المجهدين علی الأخباریین، از علی بن محمد فرزند میرزا محمد اخباری (م بعد از 1141 ق) 10. وسیلة المعاد فی ذم الاجتهاد، از محمد صالح هروی (ق 12) (2) به عقیده برخی از محققان، اگر گرایش های اخباری توسط وحید بهبهانی از میدان به در برده نمی شد و در متن شیوه فقهی شیعه قرار می گرفت، علاوه بر آن که دست شریعت را از دایره مسائل مستحدثه کوتاه می کرد و متشرعان را از حضور فعال در مسائل اجتماعی منزوی می ساخت، رابطه عالمان دینی با دیگران را در حد رابطه محدث و راوی با مستمع و شنونده، کاهش می داد، به این معنا که عالمان دینی، تنها متن احادیث را برای مردم، بازگو و در صورت لزوم، ترجمه می کردند و استنباط و استخراج احکام بر اساس ادله چهارگانه، منتفی می شد، حال آن که با پیروزی اصولیان موقعیت اجتماعی مرجعیت تشیع، به عنوان يك نهاد فعال و پُر تحرک دینی، روز به روز افزایش یافت و از حیث حضور در متن مسائل اجتماعی - سیاسی و ظهور قدرت نیروی مذهبی شیعه در تحولات اجتماعی دوران قاجار به اوج خود رسید. علاوه بر وحید بهبهانی، میرزای قمی، صاحب جواهر، کاشف الغطاء، شیخ

-
- 1- رك: الذریعة، ج 3، ص 152 و 530 و ج 7، ص 56، ج 8، ص 263 و 1112 و ج 10، ص 182 و 266 و ج 15، ص 3 و 13 و ج 15، ص 104 و 679.
- 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 123.

انصاری و آخوند خراسانی، از شخصیت‌های فقهی و اصولی کم‌نظیر در تاریخ تشیع اند که هر یک در رشد موقعیت سیاسی و اجتماعی شیعه و تحرک اعتقادی نیروی مذهبی سهمیم بودند و سبب شدند که جایگاه علمی تشیع در دوران قاجار، از جهت کمیت و کیفیت (حضور قدرت مذهب در تحولات اجتماعی)، در نقطه‌ای برتر نسبت به گذشته تاریخی خود قرار گیرد. (1)

4. شیخ‌گیری یکی دیگر از جریان‌های فکری و فرهنگی‌ای که حدوداً در اواسط قرن سیزدهم ظهور کرد، شیخیه یا کشفیه است. شیخیه به پیروان شیخ احمد احسائی (م 1241 ق) اطلاق می‌شود. وجه نامگذاری کشفیه نیز، کشف و الهامی است که او و پیروانش برای او ادعا می‌کنند. (2) شیخ احمد احسائی، در رجب سال 1166، در احساء به دنیا آمد. اجداد او از اهل سنت و جماعت بوده‌اند. وی، دوران کودکی ممتازی برای خود بازگو می‌کند، چنان‌که در پنج سالگی از خواندن قرآن، فارغ می‌شود، همواره در حال تفکر و مشغول ذکر است، در بازی با کودکان، تنها جسمش شرکت دارد، در تنهایی به نظر عبادت به جهان می‌نگرد و به یاد گذشتگان عالم، می‌گرید. (3) شیخ، در بیست سالگی مقدمات عربی را آموخت. سپس به کربلا و نجف مهاجرت کرد و در درس سید بحر العلوم و وحید بهبهانی و دیگر عالمان بزرگ، شرکت جست. پس از ترك عراق به علت شیوع طاعون و اقامت چهار ساله در بحرین، در سال 1212 ق، دوباره به کربلا بازگشت و پس از ملاقات با رئیس

1- حدیث پیمان، ص 95 و 101.

2- أعيان الشيعة، ج 2، ص 589 _ 593.

3- لغت نامه دهخدا، ذیل «احمد احسائی»؛ شیخ‌گیری، بایگاری، ص 6 _ 8.

افکار شیخ احمد احسائی

اخباریان، شیخ یوسف بحرانی، به روش آنان، اظهار تمایل کرد. او در سال 1221 ق، با تعدادی از همراهانش برای زیارت امام رضا علیه السلام راهی ایران شد و مدتی در شهرهای یزد و اصفهان، اقامت داشت و با دعوت و اصرار فراوان فتحعلی شاه، به حضور او رفت و مورد اکرام و احترام قرار گرفت. سه سال نیز در کرمانشاه زیست. سپس به کربلا بازگشت و سرانجام در نزدیکی مدینه در 75 سالگی درگذشت و در قبرستان بقیع، مدفون شد. (1)

افکار شیخ احمد احسائی شیخ موسوی، در الروضة البهیة فی الطرق الشفیعیة می گوید: شیخ احمد، غالباً مشغول ذکر و در حال تفکر بود و جز در مورد علم و در جواب سؤالات علمی (اعم از اصول و فروع دین و حدیث) سخن نمی گفت و مشغول تدریس بود و اصول الکافی و الاستبصار تدریس می کرد و از او جز نیکی ندیدیم. اما گروهی از دانشمندان معاصر او را مذمت کرده اند و برخی بر اساس آنچه از سخن او استفاده می شود، او را تکفیر کرده اند. (2) طبق نظر برخی محققان، اساس شیخیه بر مبنای امتزاج تعبیرات فلسفی قدیم متأثر از آثار سهروردی با اخبار آل محمد علیهم السلام است. از این رو، عده ای او را مبتکر روش جدیدی در حکمت و عرفان می دانند؛ روشی که با مبانی فیلسوفان و عارفان اسلامی نمی ساخت. همچنین، مخالف روش اخباریان، محدثان و فقهای شیعه بود. وی به گمان خود، بین دو مذاق فلسفه و حدیث را جمع نمود و ائتلافی در این دو مبحث، به وجود آورد که کلید آن، تصرف در هر دو بود. او حکمت و عرفان را از آن مقصدی که هدف حکیمان و عارفان است، خارج کرد و آیات و روایات را نیز بدون

1- .رك: لغت نامه دهخدا، ذیل «احمد احسائی»؛ فرهنگ فرق اسلامی، ص 270؛ بهائیت در ایران، به نقل از: تحقیق در تاریخ و فلسفه بایگاری، ص 26.

2- .أعیان الشیعة، ج 2، ص 590.

هیچ دلیل و مدرکی، توجیه و تأویل کرد. (1) توجه به سخن خود شیخ احمد احسائی در مقدمه شرح زیارت جامعه می تواند تا حدی بیانگر افکار وی و چگونگی بیان مطالب توسط او باشد. شیخ که این شرح را به درخواست شخصی به نام سید حسین اشکوری نوشته است، می گوید: در قبول خواسته وی، تعلل و تسویف می کردم؛ زیرا... اثبات هر آنچه برایم حاضر می شد، ممکن نبود، از آن رو که بیان پاره ای از آن به صورت عبارت، برایم میسر نبود و بیان و اشاره ای درباره آن نداشتم؛ و بیان پاره ای دیگر نیز نیکو نبود، زیرا ارائه برهان برای آن، دشوار بود و پاره ای از آن تقریباً برای افکار خوانندگان، قابل تحمل نبود و در انکار آن می شتافتند... و از طرفی نیز سؤال کننده، بیان ظاهر کلمات و عبارات را از من نمی خواست. (2) چنان که ملاحظه می شود، خود شیخ به دشواری ارائه دلیل و برهان برای پاره ای از تأویلاتش نسبت به روایات و احادیث، اعتراف می کند. برخی نیز روش او را روشی بین اخباری و اصولی دانسته اند؛ اما بیشتر سخنان او و پیروانش در اطراف روایات، دور می زند و می توان گفت: شیخیه، انشعابی از اخباریه است. به طور کلی می توان گفت که وی، علوم و حقایق را به تمامی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام می داند و از دیدگاه او حکمت _ که علم به حقایق اشیاست _ با ظاهر و باطن شریعت، از هر جهت سازگاری دارد. او معتقد است که عقل، آن گاه می تواند به ادراک امور، نایل شود که از انوار اهل بیت علیهم السلام، روشنی بگیرد. این شرط، در شناخت های نظری و عملی، یکسان وجود دارد. درست است که تعقل در اصول و معارف دین، واجب است؛ ولی از آن جا که حقیقت با اهل بیت علیهم السلام همراهی دارد، صدق احکام

1- ر.ک: خاتمیت، ص 25.

2- شرح الزيارة الجامعة الکبيرة، مقدمه مؤلف.

عقل، در گرو نوری است که از ایشان می گیرد. (1) شیخ احمد احسائی، همان طور که شیوه اهل ظاهر را در بسنده کردن به ظاهر شریعت نمی پذیرد، روش آن دسته از صوفیان را هم که در پرداختن به باطن شریعت از پابندی به ظاهر آن، بازمانده اند، مردود می شمارد، (2) چنان که برخی گفته اند وی، دشمن حکما و صوفیان بود و بخصوص با ملا محسن فیض، مخالفت می کرد. (3) علاوه بر این، شیخ درباره کیفیت معاد جسمانی، دیدگاه خاصی دارد. او می گوید، بعد از انحلال جسم، عنصری که باقی می ماند، جسم لطیفی است که به اصطلاح وی، هورقلیایی است. (4) وی می گوید: آدمی را دو جسم است، یکی مرگب از عناصر زمانی که به منزله اعراض جسم حقیقی است و مانند جامه ای است که انسان، آن را می پوشد و از تن بیرون می آورد. آنچه پس از مرگ می پوسد و از میان می رود، همین جسم است. دیگر، سرشتی است که آدمی از آن آفریده شده است و زمانی نیست و از عالم هورقلیاست و در گور او باقی خواهد ماند و آنچه در روز رستاخیز به هیئت آن، زنده خواهد شد، همین جسم مثالی است و ثواب و عقاب اخروی، مربوط به همین جسم است. (5) ظاهراً همین افکار سبب شد که وی به وسیله ملا محمد تقی برغانی (شهید ثالث) در قزوین مورد تکفیر قرار گیرد. (6) حتی میرزا احمد مجتهد تبریزی، به کفر

1- همان، ج 3، ص 217_219 (چاپ کرمان، 1355 ش)؛ دائرة المعارف اسلامی، ج 3، ص 664 (احسائی).

2- رك: جوامع الكلم، ج 1، ص 527.

3- تاریخ ایران، ص 363.

4- هورقلیا، که ظاهراً واژه ای سریانی است، همان قالب مثالی است که از اصطلاحات فلسفی شیخ احمد احسائی به شمار می آید.

5- رك: شرح الزيارة الجامعة، ج 4، ص 24_30. نیز، رك: فرهنگ فرق اسلامی، ص 270.

6- شیخیگری، ص 37.

شاگردان و پیروان شیخ احمد احسائی نیز فتوا داد و فرمان داد که ایشان به حَمَام مسلمانان نروند و مردم از مس ایشان با رطوبت پرهیزند.

(1) از آن پس، دانشمندان متعدّد به ردّ افکار او پرداختند، از جمله افراد زیر: 1. ملا علی اکبر بن محمّد باقر اژه ای (ایجئی) اصفهانی (م 1232 ق) 2. شیخ سلیمان بن احمد آل عبد الجبار قطیفی 3. شیخ عبد الله بن عباس ستری بحرانی 4. شیخ علی بن احمد آل عبد الجبار قطیفی 5. سید حیدر بن ابراهیم حسینی (م 1265 ق). (2) ربط جریان شیخیه به تاریخ حدیث شیعه، با بیان گوشه هایی از افکار شیخ احمد احسائی، تا حدّ بسیار، روشن گردید. می توان گفت مبانی فکری شیخ احمد احسائی - که به پاره ای از آنها اشاره شد - بر ادراک امور و حقایق در پرتو انوار اهل بیت علیهم السلام، استوار است. بی تردید، بخش قابل توجهی از انوار اهل بیت علیهم السلام، از کلمات نورانی و احادیث آنان، ساطع است، چنان که در پرتو این نور، قرن هاست که اسلام ناب، در قالب تشیّع به حیات و پویایی خود، ادامه داده است. از آثار علمی شیخ احمد احسائی به دست می آید که عمده تلاش های او بر محور احادیث اهل بیت علیهم السلام می چرخد و قسمت قابل توجهی از آثار او به شرح و تأویل احادیث و پاسخ به سؤالات مربوط به حدیث، اختصاص دارد و شرح الزیارة الجامعة، مهم ترین اثر وی، گویای این نکته است. گرچه بهره مندی از نور هدایت اهل بیت، تنها منحصر به روایات نیست و آن پیشوایان حق، علاوه بر هدایت تشریحی به وسیله هدایت تکوینی و هدایت به امر نیز به افاضه فیض الهی

1- ناسخ التواریخ، ج 3، ص 1037.

2- الذریعة، ج 10، ص 182.

اشاره

می پردازند، (1) چنان که شیخ احمد احسائی نیز به بهره مندی خود از آبشخور علمی اهل بیت علیهم السلام از طریق رؤیا تصریح می کند. (2) به عقیده برخی از محققان، شیخ احمد با نهضت علمی خود، نه تنها خدمتی به علم و اسلام نکرد، بلکه ضربتی سخت بر قرآن و حدیث وارد نمود و در تفسیر و توجیه آیات و روایات و تحریف مقاصد کتاب و سنت، باب گستاخی و خود رأیی را به روی دیگران گشود. مراجعه به کتاب ها و رسالات شیخ، این مطالب را روشن می کند و تعلیمات شیخ و شاگردش سید کاظم رشتی، زمینه ادعاهای باطل را پس از آنها فراهم ساخت.

5 و 6. بایبگری و بهاییگری (3) وقتی شیخ احمد احسائی، که شیخیه او را «شیخ جلیل» می گفتند، در سال 1241 ق، درگذشت، شاگرد ممتاز وی، سید کاظم رشتی، که «سید نبیل» خوانده می شد، به عنوان جانشین شیخ از سوی پیروان وی، مورد پذیرش واقع گردید. او که در جوانی با رفتن به یزد به شیخ احمد احسائی پیوست و با او رهسپار کربلا شد، تا پایان عمر در آن جا ماند و با جدیت تمام، به تقویت و بسط افکار شیخ احمد پرداخت و بیش از یکصد و پنجاه کتاب و رساله نوشت که بیشتر آنها رمزگونه و نامفهوم است. مهمترین کتاب وی شرح القصیده است که در آن، قصیده ای را که پاشا عبد الباقی برای امام کاظم علیه السلام سروده است، به روش شیخیه شرح می کند. به گفته سید کاظم، مدینه العلم (شهر علم) در آسمان قرار دارد و حدیث «أنا مدینه العلم و علی بابها» به

1- ر.ک: المیزان، ذیل آیات 24 و 124 سوره بقره و آیه 73 سوره انبیاء.

2- دائرة المعارف اسلامی، ج 3، ص 662، ذیل «احسائی».

3- ر.ک: خاتمیت و پاسخ به ساخته های بهائیت، علی امیر پور، تهران: سازمان مطبوعاتی جهان، 1343 ش، دوم.

آن اشاره دارد. او در شرح القصيدة، آسمان را دارای 22 محله می داند که در وسط محله بیست و دوم، 160 کوچه را نام می برد و نام و نشان هر کوچه را با اسامی عجیب و غریب، یاد می کند. به اعتقاد برخی، این اثر، شبیه رساله الغفران ابوالعلائی معری و کمندی الهی دانته است. نقل است که وقتی این شرح را برای پاشا عبد الباقی خواندند، گفت: «خدا می داند که آنچه سید گفته، خارج از منظور و خیالات شعری من است». پس از درگذشت سید کاظم رشتی در سال 1259 یا 1263 ق، در میان شاگردان وی، بر سر جانشینی او اختلاف پدید آمد و افرادی چند، هر يك خود را سزاوار جانشینی وی معرفی کردند. از آن جمله می توان افراد زیر را نام برد: محمد کریم خان کرمانی (1225 _ 1288 ق) که در کرمان به سر می برد. میرزا محمد مامقانی (حجة الاسلام تیر) (م 1269 ق) که در آذربایجان، به تبلیغ آرای شیخ احمد احسائی پرداخت. میرزا محمد باقر اسکویی (1230 _ 1301 ق) که وی نیز پس از درگذشت سید کاظم، ادعای جانشینی وی نمود. فرزندان او که از مراجع شیخیه اند، به «احقاقی» معروف اند. (1) سید کاظم، به قدری موضوع شیعه کامل را بزرگ جلوه داد و درباره آن سخن گفت و به طور تلویحی، خود را حائز آن مقام جلوه داد که بر همین پایه، مریدان بسیاری گرد آورد و بذر انحراف را در وجود شاگردان خود، از جمله محمد کریم خان کرمانی و سید علی محمد باب، کاشت و آنان را برای ادعاهای بزرگ، آماده نمود. به اعتقاد برخی، جریان بابیه که در نیمه دوم قرن سیزدهم ظاهر شد، محصول افکار و تعلیمات شیخ احسائی و سید کاظم رشتی است، اما حق این است که

نمی توان به صورت قاطع، چنین حکمی را صادر کرد و شیخ احمد احسائی را با چنان جایگاه والایی، در انحرافات برخی از شاگردان یا مدعیان طرفداری از وی، شریک دانست، بخصوص، با توجه به داوری های بزرگانی نظیر فقیه نامدار حاج محمد ابراهیم کلباسی درباره شیخ، آن جا که می گوید: منسوب داشتن شیخ به برخی امور ناشایست، بویژه از جانب کسانی که به مطالب و اصطلاحات او قوفی ندارند، جرئت زیادی می طلبد. (1) البته افرادی مانند آقای مدرّسی چهاردهی نیز درباره او چنین اظهار نظر کرده اند که: روح آن مرد بزرگ، از چنین توطئه هایی منزّه بوده است؛ ولی آن شیوه، این انحراف را طبعاً به وجود آورد. (2) و خلاصه پاره ای قرینه ها بیانگر آن است که دست کم شیوه بیان مطالب توسط شیخ احمد و شاگردش رشتی در ایجاد زمینه انحراف، بی تأثیر نبوده است. از جمله آن قرینه ها این است که نخستین کسانی که به باب گرویدند و هسته مبلغان بایبگیری را تشکیل دادند، جملگی از پیروان شیخیه و جزو شاگردان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی بودند. جریان بابیه، منسوب به سید علی محمد شیرازی (1235 _ 1266 ق) است. وی فرزند سید محمد رضا بزاز است. پدرش در کودکی وی، وفات نمود و او تحت سرپرستی دایی خود، حاج سید علی به شغل پدرش مشغول شد. تحصیلات مقدماتی علی محمد در شیراز، نزد شیخ عابد معلّم بود. پس از آن به بوشهر رفت و در آن جا به تجارت پرداخت و به علّت دانستن پاره ای ادعیه و اوراد و اذکار در نزد عموم به «سید ذکر» معروف شد. وی پس از مدّتی توقّف

1- دائرة المعارف اسلامی، ج 3، ص 664.

2- خاتمیت، ص 25.

در بوشهر به شیراز بازگشت ، تجارت را رها کرد و به کربلا رفت و در آن جا در درس سیّد کاظم رشتی حاضر شد و مورد توجّه سیّد کاظم قرار گرفت. پس از فوت سیّد کاظم رشتی ، در 25 سالگی تحوّلی در فکر او ایجاد شد. نخست ، ادّعیای باییت کرد و خود را باب امام زمان معرّفی کرد و گفت: من از طرف امام غایب ، به اظهار کتاب بیان به جای قرآن مأمورم . در مدّتی اندک ، هجده تن به او گرویدند که عموم آنان از شیخیه بودند. به تعبیر مؤلّف ناسخ التواریخ ، «بعض از مردم که بلاهتی داشتند ، به ارادت او سر نهادند و گروهی را که کیاستی بود ، به امید ریاست بدو پیوستند». برخی بر آن اند که سواد سیّد علی محمّد باب در علوم حوزوی ، مانند صرف و نحو ، منطق و فقه و اصول ، از یک طلبه متوسط ، کمتر بود. برخی نیز در ردّ این نظر می گویند: کسی که سواد او از متوسط کمتر است ، نمی تواند در علوم دینی ، روش تحقیق داشته باشد. اما باید گفت که نگاهی اجمالی به کتاب بیان وی که به عربی نگاشته شده ، پایین بودن سطح سواد یا به عبارت بهتر ، بی سوادی او را به خوبی نمایان می سازد. در کتاب بیان وی ، ده ها ، بلکه صدها مورد غلط دستوری را می توان یافت. برای مثال ، وی در موارد بسیار ، تفاوت ترکیب وصفی و اضافی را نادیده گرفته است. (1) امام خمینی رحمه الله ، در کتاب کشف اسرار ، در وصف باب و بهاء می گوید: آنها مردمی بودند که از اشخاص عادی هم کمتر بودند ... (2)

1- در این عبارات از بیان دقت کنید: «لیدخلنّ کلّ شیء فی جنة الأعلى ، ذلك واحد الأول من الواحد المعدد» (بیان ، واحد 1). «فلتقرئن آية الأولى إن أنتم تقدرون» (همان ، واحد 2 ، باب 3). «إلى حين ما يشرق العلا ، ... و الا أنتم فانيون» (همان ، واحد 2 ، باب 6).

2- کشف اسرار ، ص 56 .

گوشه هایی از مناظره علما با باب

گوشه هایی از مناظره علما با باملاحظه سخنان باب در مناظراتی که عالمان با او داشته اند، برخی از ابهامات را درباره او از بین می برد. در جریان مناظره عالمان اصفهان با باب، وقتی آقا محمد مهدی، فرزند حاجی ابراهیم کلباسی خطاب به باب گفت: «این مردم که طریقت شریعت می سپارند، از دو فرقه بیرون نباشند؛ یا مسائل شرعی خود را از اخبار و احادیث، استخراج و استنباط نمایند؛ و گرنه مقلد مجتهدی باشند»، باب گفت: «من تقلید کسی نکرده ام و نیز هر کس با ظن خویش عمل کند، حرام دانم». آقا محمد مهدی گفت: «امروز، باب علم، مسدود است و حجّت خدای غایب است، بی آن که امام وقت را دیدار کنی و مسائل فقه را از زبان او اصغا فرمایی (بشنوی)، چگونه با یقین پیوسته شوی و کار با یقین کنی؟ با من بگوی این علم از کجا اندوختی و این یقین از که آموختی؟». باب در جواب گفت: «تو متعلم نقل و کدک ابی جادی و مرا مقام ذکر و فؤاد است. تو را نرسد که با من از آنچه ندانی، سخن کنی». آن گاه میرزا حسن، پسر ملا علی نوری که در حکمت صدرایی، جزو افراد توانا و در مجلس حاضر بود، باب را به جهت ادّعی مقام فؤاد به چالش می کشاند و با طرح چند مسئله از مسائل حکمی، او را در مانده می کند. همچنین، در مناظره باب با عالمان تبریز، پوشالی بودن ادّعاهای وی، بیش از پیش نمایان می شود. نظام العلما (1) از باب پرسید: «آیا شما رضا داده اید که مردمان، تو را باب نام

1- به احتمال بسیار، وی ملا محمود بن محمد تبریزی (م 1270 ق)، جامع معقول و منقول و معلّم ناصر الدین شاه قاجار است، نه سیّد رفیع الدین بن علی اصغر طباطبایی تبریزی (م 1326 ق) که وی نیز صاحب تألیفات بسیار است این دو دانشمند بزرگ، هر دو معروف به «نظام العلما» بوده اند (رک: الذریعة، ج 14، ص 253 و ج 1، ص 416).

کرده اند؟». باب گفت: «این نام، مردمان بر من نبسته اند؛ بلکه خدای، مرا بدین نام خواند. همانا من باب علمم». بنا به نقل دیگر، وقتی یکی از عالمان مجلس پرسید: «باب چه معنی دارد؟»، جواب داد: «کلام شریف أنا مدینة العلم و علی بابها را چگونه فهمیدید؟». نظام العلما گفت: «نیکو گفתי. امیر المؤمنین علی علیه السلام که باب علم بود، سلونی قبل آن تققدونی می فرمود و از طبقات زمین و صفحات آسمان ها، اگر کسی پرسشی می کرد، بر حسب آرزو جواب می گرفت. اکنون تو باب علمی. مشکلات خویش را در علوم، با تو عرضه خواهم داشت. نخست از علم طب، سؤالی کنم». باب گفت: «من طب نخوانده ام». نظام العلما گفت: «از علم دین، پرسشی کنم و علم دین، بی فهم قرآن و حدیث، نتوان دانست و فهم قرآن، بی علم نحو و صرف و معانی و بیان و... نشود». آن گاه، سؤالی از علم صرف، طرح کرد. باب پاسخ داد: «علم صرف، در کودکی تلمذ کرده ام و اینک در نزد من حاضر نیست». آن گاه وی از تفسیر آیه ای از قرآن و ترکیب نحوی آن و شأن نزول سوره کوثر سؤال کرد، که باب به فکر فرو رفت و مهلت خواست. نظام العلما باز پرسید: «معنی این حدیث بگوی که در میان خلیفه عباسی با

حضرت امام رضا علیه السلام طرح شد. «قال مأمون: ما الدليل على خلافة جدك على بن ابي طالب عليه السلام؟ قال: آية أنفسنا، قال: لولا نسائنا، قال: لولا أبنائنا! فسكت مأمون». باب گفت: «این، حدیث نیست». عالمان مجلس گفتند: حدیث است. نظام العلما گفت: «گرفتیم حدیث نیست. آخر مقالته از عرب است. معنی آن به فارسی بگوی». باب، همچنان مهلت طلبید. نظام العلما گفت: «شرح این حدیث کن که می فرماید: لعن الله العيون فإنها ظلمت العين الواحدة». باب، باز لختی سرفرو کرد و گفت: اکنون چیزی ندانم. آن گاه، سر بر آورد و گفت: «مگر ندانسته اید که من، مرتجلاً خطبه فصیح همی گویم و نویسم و برخواند: الحمد لله الذي رفع السموات و الارض...» و این جمله را به فتح تا و کسر ضاد خواند! ولی عهد که در مجلس حاضر بود، گفت: «و ما بتا و ألف قد جمعایکسر فی النصب و فی الجرّ معا». آن گاه، رو به باب کرد و گفت: «این سخنان بیهوده تا چند، و مردم عامّه را تا چه اغوا کنی و به ضلالت افکنی و چرا خویش را صاحب الأمر خوانی؟ ائمه ما علیهم السلام، آن هنگام که به حکمت های یزدانی باید مظلوم باشند، همچنان، صابر و شاکر بودند و يك يك، به دست بنی امیّه و بنی عبّاس، شهید شدند و اگر صاحب الأمر، همی خواست مظلوم و مغلوب باشد، غیبت اختیار نمی فرمود. این غیبت از بهر آن است که چون ظاهر شود، معجزه تمام انبیا با او باشد و بنماید

و بر همه عالمیان، غلبه فرماید و همه دین‌ها و آیین‌ها را یکی کند و هیچ کس، سر از چنبر حکم او بیرون نتوان کرد. هزار سال غیبت فرموده که [چون آشکار شود، مغلوب باشد؛ حال آن که تو را گاهی حسین خان نظام الدوله با چوب ادب کند و گاهی در محبس چهریق، در تعب باشی...]. (1) در مناظره دیگری که باب در تبریز با علما داشته است، وقتی حاجی ملا محمود، خطاب به باب می‌گوید: «شنیده می‌شود که تو می‌گویی من، نایب امام هستم و باب هستم و بعضی کلمات گفته‌ای که دلیل بر امام بودن، بلکه پیغمبری توست»، باب می‌گوید: «بلی، حیب من! نایب امام هستم، باب هستم و آنچه گفته‌ام و شنیده‌اید، راست است. اطاعت من بر شما واجب است، به دلیل: اَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا (2)». آن‌گاه می‌افزاید: «لیکن این کلمات را من نگفته‌ام. آن‌که گفته است، گفته است». می‌پرسند: «گوینده کیست؟». جواب می‌دهد: «آن‌که به کوه طور، تجلی کرد. روا باشد «أنا الحق» از درختی چرا نبود روا از نیک بختی؟ منی در میان نیست. اینها را خدا گفته است. بنده به منزله شجره طور هستم. آن وقت، در او [صوت] خلق می‌شد، الآن در من خلق می‌شود. به خدا قسم، کسی که از صدر اسلام تاکنون، انتظار او را می‌کشیدید، منم. آن‌که چهل هزار [نفر] از علما منکر او خواهند شد، منم». پرسیدند: «این حدیث در کدام کتاب است که چهل هزار [نفر] از علما منکر خواهند شد؟». باب می‌گوید: «اگر چهل هزار نباشد، چهار هزار که هست!».

1- ر.ک: ناسخ التواریخ، قاجاریه، ج 2، ص 828، 833 و 909_913. نیز، ر.ک: لغت نامه دهخدا، ذیل: «باب».

2- بقره، آیه 58.

عالم دیگری به نام ملاً مرتضی قلی می گوید: «در احادیث است که وقتی آن حضرت، ظهور می کند... مواریث انبیا از قبیل زره داوود، نگین سلیمان و ید بیضا [و عصای موسی] با آن جناب خواهد بود. کو عصای موسی؟ کو ید بیضا؟». باب، جواب می دهد: «من مأذون به آوردن اینها نیستم». (1) از ملا-حظه مجموع گفته ها و دگرگونی متعدّد و مکرّر در مواضع و ادّعاهای باب، به دست می آید که این احتمال که قوای دماغی او دچار آسیب شده باشد، دور نیست. وی در آغاز، خود را باب امام زمان (عج) معرفی می کند؛ ولی چنان که گذشت، وقتی از او معنای باب را می پرسند، خود را باب علم می داند. وقتی دیگر، خود را امام منتظر و مهدی موعود علیه السلام معرفی می کند و مقام بابت را به ملاً حسین بشرویه تفویض می کند و او را آقا سید علی می نامد. مدّتی بعد، خود را در کتاب بیان، پیامبری می داند که آدم علیه السلام نسبت به او در مقام نطفه است و او نوجوانی دوازده ساله. از سویی دیگر، وقتی درد تازیانه و چوب را در کف پاهای خود احساس می کند، همه ادّعاهای خویش را انکار می کند و گاه توبه نامه کتبی می نویسد. باز، چندی بعد، همان بازی ها را از سر می گیرد. به هر حال، باب در کتاب بیان، دست به تشریح احکام زد و حلال و حرام هایی وضع نمود. در تعالیم باب رابطه مستقیم بندگان با خدای متعال، زیر سؤال می رود و شأن مظهر خداوند (رکن رابع) تا الهیت، بالا می رود. (2) خاتمیت پیامبر اکرم، نفی می شود، از سوی باب ادّعای پیامبری می شود و او وعده آمدن پیامبران بعدی را می دهد و در مجموع، اصول دین را هر يك به نحوی انکار می کند و پیروان او، مانند زمان

1- لغتنامه دهخدا، ذیل: «باب» (به نقل از: نامی ترین دانشمند بهایی، ص 32).

2- بهائیت در ایران، ص 101. نیز رکن: بیان، واحد دوم و سوم، باب هفتم.

جاهلیت، به جای سلام، یکدیگر را ترحیب می کردند و «مَرَحِبًا بَك» می گفتند و معتقد بودند مادام که سلطنت باب در تمام جهان ظاهر نگشته، دوران فترت است و هیچ تکلیفی بر مردم، واجب نیفتاده است. (1) بایبان، معتقدند آن حقیقت روحانی ای که از خدای سبحان صادر شده است، به صورت مادی و جسمانی، در شخص باب، حلول یافته است و تمام انبیا از آدم علیه السلام تا حضرت خاتم صلی الله علیه و آله نیز در او تجسد یافته اند و او، نماینده همه آنان و رسالتشان است. آنان، معاد را - که اسلام از آن سخن گفته است - انکار می کنند و ظهور باب را همان معاد و قیامت و بهشت و جهنم یاد شده در قرآن، به حساب می آورند. بایبان، همه ادیان و شرایع آسمانی را لغو نموده، معتقدند با ظهور دین جدید (باییت)، همه شرایع، از جمله شریعت قرآن، نسخ شده است. لذا همه احکام عبادی و شرعی را با احکامی جدید و مغایر با آن، تغییر دادند. (2) از لحاظ سیاسی، سید علی محمد باب، در مقابل دو مرکز قدرت اصلی موجود در نظام اجتماعی آن زمان، موضع مخالف گرفته است: ایستادگی در برابر دولت با تبلیغ ظلم ستیزی، و مبارزه با روحانیت با معرفی خود به عنوان «باب امام زمان علیه السلام» و سپس، فرقه سازی. (3)

-
- 1- البیان، واحد هفتم، باب اول؛ واحد سوم، باب پانزدهم؛ ناسخ التواریخ، ج 2، ص 829.
 - 2- برای مثال، آنان وضو با گلاب را جایز می دانند و همه نجاسات، نزد آنان پاک است. اذان نزد آنان، پنج بار در شبانه روز و با اذکاری خاص گفته می شود. نماز نزد بایبان، تنها دو رکعت دارد که به هنگام صبح با اذکار و صورتی خاص، ادا می شود و جماعت را جز در نماز میت، جایز نمی دانند. روزه از نظر بایبان، خودداری از چیزهایی است که مورد پسند باب نیست و فقط در فاصله یازده تا 43 سالگی تکلیف می شود. در مورد زکات، بر هر بابی لازم است که سر هر سال، اموال خود را به مجلس اعلای بایبان بپردازد. حج نزد آنان، زیارت خانه ای است که باب در آن متولد شده است (رک: البیان، واحد هفتم، باب 19 و...؛ خاتمیت، ص 64 _ 73).
 - 3- بهائیت در ایران، ص 130.

زمینه های اجتماعی ظهور بایبه

زمینه های اجتماعی ظهور بایبه عقیده برخی از محققان، روحیه شکست خورده مردم ایران پس از جنگ های ایران و روس، و ناامیدی از اقتدار دولت و روحانیت _ که هر دو وارد میدان شده بودند _ فقر مردم و ظلم شدید حاکمان، زمینه روانی ای را فراهم نمود تا برخی از مردم به نیرویی فراتر از آنچه موجود بود، تمایل پیدا کنند و زمینه برای ظهور مدعیان ارتباط با امام زمان علیه السلام به عنوان منجی بشر، تسهیل گردد. (1) بر این اساس، عدّه بسیاری از مردم که اغلب از میان روستاییان، پیشه وران جزء و یا طلاب شیخی مسلک بودند، به سید علی محمد باب اقبال نمودند و در برخی مناطق (مانند: مازندران، زنجان، تبریز و...) بر ضدّ حاکمان محلی و حتی شخص ناصرالدین شاه، به مبارزه پرداختند و خواستند او را بکشند که موفق نشدند. (2) در طی این شورش ها عدّه بسیاری از مردم، کشته شدند. آنان با در دست داشتن شمشیر و با فریاد «یا صاحب الزمان!»، حمله می کردند که توسط نیروهای دولتی، قتل عام شدند. مدت زیادی از آغاز ادّعی باب نگذشته بود که با موانع و مخالفت های جدّی از سوی روحانیت و دولت وقت، روبه رو شد. چون از يك سو با شورش های پیروانش، امنیت کشور و حکومت قاجار را در معرض خطر جدّی قرار داده بود و از سوی دیگر، ادّعاهای او، دلیل بر خروج وی از دین اسلام و مجازات آن، اعدام بود. اما علما به سبب احتمال جنون وی، در صدور فتوای قتل او تعلّل می کردند. به هر ترتیب، دولت وقت، حکم زندان او را صادر کرد و او در شیراز، زندانی شد. سپس، وی را به اصفهان فراری دادند و سرانجام به زندان «چهریق» در تبریز انتقال یافت و دو سال در آن جا زندانی بود.

1- همان مأخذ، ص 56.

2- أعيان الشيعة، ج 2 ص 59؛ لغت نامه دهخدا، ذیل: «باب».

پیدایش بهائیه

پس از به قدرت رسیدن ناصرالدین شاه، به دستور امیر کبیر و با موافقت شاه در تبریز، پس از مناظره سید علی محمد باب و عالمان تبریز _ که بخش هایی از آن گذشت _ باب، محکوم شد و در نهایت، به فتوای سه نفر از علما، وی را تیر باران کردند.

پیدایش بهائیه بعد از اعدام سید علی محمد باب، میرزا یحیی نوری و برادرش میرزا حسینعلی نوری، با ادعای جانشینی باب، به تبلیغ افکار او پرداختند. البته در اثر رقابتی که این دو برادر با یکدیگر داشتند، کارشان به اختلاف و درگیری کشید و در نهایت میرزا حسینعلی، برادر را از میدان به در کرد و خود با عنوان «بهاء الله» یگانه تاز میدان شد و از آن پس، پیروان او را «بهایی» نامیدند. حسینعلی نوری (1233_1309ق)، در 27 سالگی به باب گروید. وی در کم سوادی، همانند مقتدایش باب بود و نوشته هایش نیز تقریباً به همان سبک علی محمد باب است. او در مقام ادعا، حتی از باب نیز پا را فراتر گذاشت و با نگارش کتاب اقدس، برخی از احکام کتاب بیان را نسخ کرد و کتاب وی نیز جای بیان را گرفت. وی با گستاخی تمام، ادعای الوهیت کرد، در حالی که تا پایان عمر از رعشه و فتق، رنج می برد. بنا به گفته برخی پژوهشگران، وی در مدت نزدیک به دو سال _ که در اواخر اقامت خود در بغداد به کوه های سلیمانیه رفته بود _ در اثر حشر و نشر با درویش نقش بندی با مشرب صوفیگری و اصطلاحات آن، خو گرفته و به سبب کمی سوادی، با خلط برخی عبارات صوفیان و پریشان گویی های خود، کلماتی مُهمل، سرهم بندی کرد و به نام الواح و آیات نازل شده از آسمان، به پیروان خود، تحمیل نمود. (1)

رابطه بابت و بهائیت با تاریخ حدیث شیعه

از توجه به برخی اسناد و سوابق این دو برادر در ارتباط داشتن با بیگانگان، به دست می آید که این تفکر انحرافی، از تشویق و حمایت بیگانگان، بی بهره نبوده است. (1) سرانجام، در اثر مشکلاتی که بهائیان برای حکومت قاجار و مردم ایجاد کردند، مبلغان این فرقه، تبعید و پایگاه آنها به خارج از کشور، منتقل شد؛ اما با حمایت بیشتر کشورهای دشمن اسلام (روسیه، انگلیس و رژیم صهیونیستی) از آنان، دست به نشر افکار خود زدند و پیروانی هم یافتند، ولی هرگز نتوانستند خواسته اربابان خود را برآورده کنند. (2)

رابطه بابت و بهائیت با تاریخ حدیث شیعه علاوه بر زمینه هایی که در افکار شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی، از جهت تأویل و تفسیر احادیث و روایات برای پیدایش ادعاهای باب و پیروانش وجود داشت، گم راهانی که از آن پس به این اوهام گرویدند نیز با تأویل نادرست و تفسیر به رأی پاره ای از آیات مشابه و احادیث مجمل، برای پندارهای پوچ و بی اساس باب و بها شاهد و مؤید تراشیده اند و برای تحریف عقاید مستحکم مسلمانان، کوشش بیهوده کرده اند، (3) که در این جا برخی از آن روایات را می آوریم: 1. پیامبر اکرم، خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

1- ر.ک: شیخیگری.

2- ر.ک: البایة و البهائیه و مصادر دراستهما، عباس کاظم مراد، بغداد: مطبعة الارشاد، 1982 م؛ البایون و البهائون، عبد الرزاق الحسنی، قاهرة، 1404 ق، پنجم؛ تاریخ الفرق الاسلامیه، محمد خلیل الزین، بیروت: مؤسسه الأعلمی، 1405 ق، دوم؛ حقیقة البایة و البهائیه، محسن عبدالحمید، بغداد، مطبعة الوطن العربی، 1400 ق، چهارم؛ البهائیه حقیقتها و اهدافها، ضاری محمد الحیانی، بغداد: دار واسط، 1989 م.

3- به عنوان نمونه در این زمینه، نشریه ای با عنوان «خاتمیت»، تألیف روحی روشنی _ از مبلغان بهایی، در 74 صفحه با تصویب محفل روحانی بهائیان ایران در حدود سال 1340 ش، منتشر گردیده است که در همان زمان، توسط آقای علی امیرپور، مورد بررسی انتقادی قرار گرفته و کتابی با عنوان خاتمیت و پاسخ به ساخته های بهائیت، در رد آن نوشته شده است که این قسمت، از آن کتاب، اقتباس و تلخیص شده است.

أما ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي. (1) 2. و نیز روایت شده که پیامبر خدا به علی علیه السلام فرمود: أنت منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي. (2) به توهم بهائیان ، معنای «لا نبي بعدي» و نیز «خاتم النبیین» در قرآن کریم ، چنان نیست که مسلمانان پنداشته اند و آیات قرآن و احادیث ، به هیچ وجه بر عدم تجدید شریعت ، دلالت نمی کنند. باید گفت که صراحت آیات قرآن و تواتر روایاتی که بیانگر خاتمیت نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است ، راه هر نوع ادعای بی اساسی را تا ابد ، بسته است. با مراجعه به کتاب های مربوط به اصول عقاید ، این حقیقت روشن می شود. 3. از اهل سنت روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: أنا آخر الأنبياء و مسجدی هذا آخر المساجد. (3) آن گاه می گویند: ... با توجه به قسمت اخیر حدیث (مسجدی هذا آخر المساجد) ، اگر آخر به معنای خاتمه باشد ، پس مسجد پیامبر هم خاتمه مسجد هاست. جدا از این که این حدیث را از نظر سند و شأن صدور ، باید بررسی کرد ، قسمت اخیر حدیث ، تعیین نوع مسجد است و نظر به مسجد خاصی ندارد و شامل تمام مساجد اسلامی می شود. چنان که اگر می فرمود: قرآن من ، آخرین کتاب آسمانی است ، همه نسخه های قرآن را که در جهان اسلام منتشر شده است و از این پس انتشار خواهد یافت ، در بر می گرفت . از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: ان الله ختم بنبيكم النبيين فلا نبي بعده أبدا و ختم بكتابتكم الكتب فلا كتاب بعده أبدا. (4)

1- بحار الأنوار ، ج 21 ، ص 10 ، ح 5 .

2- بحار الأنوار ، ج 36 ، ص 331 ، ح 190 .

3- صحيح مسلم ، ج 2 ، ص 1013 ، ح 507 .

4- الكافي ، ج 1 ، ص 269 ح 3 .

4. سیوطی در الدرّ المنثور به نقل از عایشه از پیامبر خدا روایت کرده که فرمود: قولوا خاتم النبیین و لا تقولوا لا نبیّ بعده . (1) در پاسخ بهاییان باید گفت: با وجود برهان های محکم در اثبات خاتمیت ، چنین جمله ای از عایشه ، با فرض صدور نیز هیچ اعتباری ندارد و در برابر نص ، قرار دارد . 5. امام علی علیه السلام فرموده است: أنا امیر المؤمنین ، و یعسوب المتّیین ، و آية السّابقین ، و لسان الناطقین ، و خاتم الوصیّین و... . (2) بهاییان می گویند: اگر بنا به گفته عالمان شیعه ، لفظ خاتم النبیین ، به معنای آخرین پیامبر باشد که پس از آن دیگر پیامبری نیاید ، ناچار ، خاتم الوصیّین هم به معنای آخر اوصیاست که پس از او وصی دیگری نباید بیاید. در پاسخ ، باید گفت: معنای خاتم الوصیّین ، این است که پس از امام علی علیه السلام ، وصی پیامبر دیگری نخواهد بود و این نکته منافاتی با وصایت امامان دیگر ندارد؛ زیرا آنان نیز وصی پیامبر اسلام اند ، نه وصی پیامبر دیگر . 6. یقوم القائم بأمرٍ جدیدٍ و کتابٍ جدیدٍ و قضاءً جدیدٍ علی العرب شدیداً لیس شأنه إلاّ بالسيف لا یستتیب أحدا و لا تأخذه لومة لائم . (3) 7. عن عبد الله بن عطا ، قال: سألت ابا جعفر الباقر علیه السلام فقلت: إذا قام القائم بأی سیرة یسیر فی التّاس فقال علیه السلام : یهدم ما قبله کما صنع رسول الله و یستأنف الإسلام جدیدا . (4) نویسنده بهایی ، بر اساس توهم خویش ، کتاب جدید را در تأیید کتاب بیان علی

1- الدرّ المنثور ، ج 6 ص 618 .

2- مختصر البصائر ، ص 34 ، بحار الأنوار ، ج 53 ، ص 48 ، ح 20 .

3- بحار الأنوار ، ج 13 ، ص 195 .

4- بحار الأنوار ، ج 52 ، ص 352 ، ح 112 .

محمد باب و یا اقدس حسینعلی نوری، امر جدید را دین جدید و قضای جدید را به قضاوت جدید طبق دین جدید تفسیر کرده و عبارت «یهدم ما قبله» را نابودی ادیان پیشین دانسته است. حال آن که وقتی این روایات در کنار احادیث دیگر قرار گیرد، معنای آن به خوبی روشن می شود و به دست می آید که کتاب جدید، یا قرآنی است که توسط امام علی علیه السلام گردآوری شد و حاوی تفسیر و تأویل نیز هست و یا صحیفه اختصاصی امام است، مشتمل بر وظایف امامت ایشان، چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: **إن لكل واحد منّا صحيفة فيها ما يحتاج إليه أن يعمل به في مدته فإذا انقضت فيها ممّا أمر به عرف أن أجله قد حضر.** (1) قضای جدید نیز، یعنی داوری بدون طلب بیّنه (گواه) و امر جدید، کشتار گسترده گردنکشان و ستمگران جهان است که بر مردم گران خواهد آمد. انهدام امور قبل از ظهور به دست امام مهدی علیه السلام، نسخ شریعت و نابودی دین نیست؛ بلکه از بین بردن بدعت ها و رسوم باطل است، چنان که در دعای ندبه می خوانیم. رشته ای دیگر از تلاش های مذبحخانه بایان و بهاییان، انکار معجزات پیامبران الهی است که میرزا ابوالفضل گلپایگانی، مروج مذهب باب و بها، در کتاب فرائد، به آن دامن زده است. امام خمینی رحمه الله در این باره می گوید: نکته انکار کردن کرامات و معجزات توسط ابوالفضل گلپایگانی، این بود که چون دست باب و بها از آن کوتاه بود و آنها مردمی بودند که از اشخاص عادی هم کمتر بودند _ چنان که کتاب آنها و کلمات آنها که در دست است و مباحثه باب با نظام العلمای تبریزی که در تواریخ محفوظ است، مطلب را روشن می کند _، از این

وضعیت فرهنگی _ اجتماعی اهل سنت در سده های دوازدهم و سیزدهم

وهابیگری

اشاره

جهت ، چاره ندیدند ، مگر آن که معجزات را یکسره انکار کنند تا کسی از آنها مطالبه معجزه نکند. (1)

وضعیت فرهنگی _ اجتماعی اهل سنت در سده های دوازدهم و سیزدهم بررسی جامع اوضاع فرهنگی _ اجتماعی اهل سنت در این دوره ، به مجال و مقال دیگری نیاز دارد. از این رو ، در این جا تنها به جریان فرهنگی مهمی که در قرن دوازدهم در میان بخشی از اهل سنت پدید آمد ، یعنی جریان سلفیگری و به تعبیر دیگر ، وهابیگری می پردازیم.

وهابیگری پیشینه پاره ای از عقاید این فرقه ، به قرن اول تا سوم هجری بر می گردد. امامت احمد بن محمد حنبل (164 _ 241 ق) در عصر متوکل عباسی ، سبب شد تا عقاید اهل سنت ، تدوین شود و دیگر فرقه های اهل حدیث ، تحلیل بروند و حمایت حکومت از احمد ، دیگر محدثان را به ترك روش خود ناچار نمود و بر اثر کتمان ، به تدریج ، نابود شدند. بعد از آن ، ابوالحسن اشعری قدری ، به تعدیل مکتب ابن حنبل پرداخت و جایگاه او را تضعیف نمود؛ ولی احمد بن تیمیه حرّانی دمشقی (م 728 ق) در قرن هشتم ، دوباره مکتب احمد را مطرح کرد و سلفیگری را مورد توجه قرار داد. (2) ابن تیمیه ، احادیث تشبیه و تجسیم و جهت داشتن خدا را بار دیگر طرح نمود و فراتر از کار ابن حنبل ، برخی از فروع دین را در اصول دین ، وارد کرد. وی سفر برای زیارت رسول خدا را بدعت و حرام شمرد و هر نوع توسّل به پیشوایان اسلام و اولیای الهی را شرک و مخالف با اصل توحید دانست. همچنین بوسیدن سنگ قبر

1- .کشف اسرار ، ص 56.

2- .فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی ، ص 243 _ 250.

و ضریحشان و بنا کردن ساختمان برای قبرها را نیز شرك دانست. (1) علاوه بر آن ، احادیث فراوانی را که درباره فضائل اهل بیت علیهم السلام وارد شده و خود ابن حنبل و شاگردان وی نیز آنها را نقل کرده اند ، نادرست خواند و همه را انکار کرد و مسئله تربیع و این که امام علی علیه السلام چهارمین خلیفه اسلامی است را موهون و سست اعلام کرد. عدّه ای نیز در مصر و شام ، پیرو او گردیدند. بر اساس افکار ابن تیمیه ، بسیاری از مسلمانان ، مشرک به شمار می آمدند. با مرگ ابن تیمیه ، دعوت به سلفیگری تقریباً به فراموشی سپرده شد؛ ولی افکار او در لابه لای کتاب ها باقی ماند ، تا این که در اواسط قرن دوازدهم محمد بن عبد الوهّاب نجدی (1115 _ 1206 ق) به احیای اندیشه های او گرایش خاصی پیدا کرد و مسئله توحید و شرك را محور دعوت خود قرار داد. وی با جلب همکاری محمد بن سعود ، بسیاری از قبایل عرب را پیرو خود ساخت (2) و با نیرو و سرمایه آنان به تجاوز و قتل و غارت مسلمانان پرداخت که نمونه ای از آن فجایع ، هجوم وهّابیان به کربلا در سال 1216 ق ، و غارت اشیای نفیس و طلاهای حرم امام حسین علیه السلام و کشتن حدود سه هزار نفر از شیعیان است. (3) این حرکت ارتجاعی به نام توحید و محو آثار شرك ، بیشتر آثار اسلامی از جمله خانه عبد الله ، پدر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که مدفن او نیز بود ، مدرسه امام صادق علیه السلام ، خانه های بنی هاشم ، خانه ابو ایوب انصاری ، گنبد و بارگاه ائمه بقیع علیهم السلام و... را نابود کرد. شگفت این که همین مدّعیان توحید ، آثار یهود (مانند: قلعه های خیبر و قلعه

-
- 1- همان جا. نیز ، رك: علوم حدیث ، ش 21 ، ص 178: «گزارشی از مقاله فرقة السلفية و تطوّراتها فی التاريخ» ، قاسم جوادی.
 - 2- تاریخ مکه ، ص 169.
 - 3- البراهین الجلیّة فی رفع تشکیكات الوهّابیه . نیز رك: ناسخ التواریخ ، ج 1 ، ص 117 ، ج 2 ، ص 836.

کعب بن اشرف) را بازسازی و با عنوان آثار باستانی ثبت کردند. (1) این جریان بر اساس برخی شواهد تاریخی، از حمایت و دخالت استعمار نیز برخوردار بوده است. (2) و دولت انگلستان، در راستای سیاست تفرقه افکنی بین مسلمانان و تجزیه ممالک اسلامی برای سلطه بیشتر و راحت تر خود بر آنها، از اوایل کار محمد بن عبد الوهاب، مشوق او بوده است و در ادامه راه نیز با حکام سعودی، قرار و مدارهایی داشته اند. بر اساس آنچه همفر، جاسوس انگلیس در ممالک اسلامی، در کتاب خاطرات خود، درباره رابطه خود و محمد بن عبد الوهاب می گوید، (3) بی تردید می توان گفت که وهابگیری، ساخته و پرداخته استعمار انگلیس بوده است. همین توطئه ها یکی از عوامل سقوط دولت عثمانی و مستعمره شدن بسیاری از کشورهای اسلامی بوده است. قابل توجه این که وهابگیری، از همان ابتدا، حتی در میان اهل سنت، مخالفانی داشته است. از جمله سلیمان بن عبد الوهاب نجدی (م پس از 1206 ق) که بدعت های برادرش را مورد تقبیح و انتقاد قرار داد و کتاب هایی در رد او تألیف کرد که از جمله آنهاست: 1. الصواعق الإلهية في الرد على الوهابية. 2. فصل الخطاب في الرد على محمد بن عبد الوهاب. (4) علاوه بر وی، دیگر دانشمندان مسلمان، اعم از شیعه و سنی رده های متعددی بر وی نوشته اند که بیش از 23 مورد از آنها در الذریعة ذکر شده است. (5)

1- فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، ص 253.

2- سیمای مکه، ص 213.

3- ر.ک: خاطرات همفر جاسوس انگلیس در ممالک اسلامی، ص 40 به بعد.

4- تاریخ مکه، ص 165؛ ایضاح المکنون، ج 2، ص 72.

5- الذریعة، ج 4، ص 455 و ج 10، ص 236 و ج 11، ص 62.

1 . مسئله شفاعت

همچنین سید مرتضی رضوی ، در مقاله ای با عنوان: «العلماء الراذون علی ابن عبد الوهّاب المعاصرون له و المتأخرون عنه إلی وقتنا هذا» که آن را به البراهین الجلیة فی رفع تشکیکات الوهّاییة از آیة اللّٰه سید محمد حسن قزوینی حائری ملحق نموده است ، 77 نفر از دانشمندانی را که در ردّ ابن عبد الوهّاب ، کتاب نوشته اند و یا سخن گفته اند ، ذکر کرده است . در این جا از میان چند مسئله ای که وهّابیان به شیعه ، بلکه به بسیاری از مسلمانان ایراد می گیرند ، یعنی : شفاعت ، توسّل ، زیارت قبر امامان علیهم السلام و اولیا ، تزیین حرم امامان علیهم السلام با طلا و نقره و روشن کردن چراغ و ایجاد سایبان ، بنا کردن قبر ، سه مورد نخست را به همراه پاسخ با تصرّف و تلخیص از کتاب البراهین الجلیة فی رفع تشکیکات الوهّاییة (1) می آوریم. در این کتاب ارزشمند ، تك تك عقاید بی اساس و بدعت آمیز ابن عبد الوهّاب و پیروان او ، با استناد به آیات قرآن و سنّت و سیره نبوی مورد نقد قرار گرفته و وجه بطلان آنها ، بر همگان روشن شده است. بی پایگی سایر ادّعاهای آنان را نیز به همین ترتیب ، در این کتاب و سایر ردّیه ها ببینید.

1 . مسئله شفاعت وهّابی ها می گویند : «شفاعت انبیا و اولیا ، در دنیا قطع گردیده است و تنها در آخرت از آن برخوردارند. از این رو ، اگر بنده میان خود و خدا ، کسانی از بندگان او را واسطه قرار دهد و از آنان شفاعت بخواهد ، این کار ، شرك و عبادت غیر خدا به حساب می آید». در پاسخ باید گفت: اولاً آنان برای این ادّعا دلیلی ندارند و ثانیاً آیات قرآن ، بر جایز بودن شفاعت ، دلالت دارد. به عنوان نمونه به آیات زیر توجّه کنید:

1- البراهین الجلیة فی رفع تشکیکات الوهّاییة ، سید محمد حسن قزوینی حائری ، با مقدمه : سید محمد کاظم قزوینی ، قاهره: مطبوعات النجاج ، 1410 ق / 1990 م ، اول.

2 . مسئله توسل

1. وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا . (1) اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند ، پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر نیز برای آنان ، طلب آمرزش می کرد ، قطعاً خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند . اگر طلب شفاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله و واسطه قرار دادن ایشان برای طلب آمرزش از خدا ، شرک بود ، گناهکاران ، خدا را توبه پذیر مهربان نمی یافتند ، زیرا خدا مسلماً شرک ورزیدن نسبت به خود را نمی بخشاید: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ . (2) مَنْ يَشْفَعْ شَفَعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا . (3) هر کس شفاعت پسندیده کند ، برای وی از آن ، نصیبی خواهد بود . این آیه ، شفاعت نیکوی مؤمنان در حق همدیگر را جایز و پسندیده می داند . اگر توسل به شفیع ، شرک بود ، خدای متعال ، بدان اذن نمی داد و نمی فرمود: «يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا» .

2 . مسئله توسل لوهائیان می گویند: توسل به مردگان ، از جمله کسانی که شأن و منزلت والای آنان نزد خدا ثابت است و واسطه قرار دادن آنان برای رفع نیازها ، جایز نیست؛ زیرا خطاب به معدوم ، از نظر عقل ، زشت است ، چون مُرده ، دعای شما را نمی شنود و اگر بشنود ، توان اجابت ندارد و از سوی دیگر ، این کار شرک است . (4)

1- .نساء: آیه 64 .

2- .نساء: آیه 48 .

3- .نساء: آیه 85 .

4- .البراهین الجلیّة (به نقل از: منهاج السنة ، ص 11) .

پاسخ شیعه چنین است: درخواست رفع نیاز و گرفتاری، از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام پس از وفات آنان جایز است، همان طور که در حال حیات آنان، جایز است؛ زیرا این کار، اولاً خطاب به معدوم نیست و ثانياً شرك به حساب نمی آید. نظر وهابیان مبنی بر این که مرگ، نیستی است، به اجماع دانشمندان مسلمان پیش و پس از آنان مردود است. از سوی دیگر، در رد نظر آنان و تأیید وجود ادراک برای مردگان و اثبات ادامه حیات پس از مرگ، در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد، از جمله این آیات: 1. حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ. (1) تا آن گاه که مرگ یکی از ایشان فرارسد، می گوید: «پروردگارا! مرا بازگردانید. شاید من در آنچه وا نهاده ام، کار نیکی انجام دهم». چنین نیست. این سخنی است که او گوینده آن است و پیشاپیش آنان، برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد. 2. النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ. (2) صبح و شام، بر آتش، عرضه می شوند و روزی که رستاخیز برپا شود [، فریاد می رسد که]: «فرعونیان را در سخت ترین عذاب، در آورید». 3. وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. (3) هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار؛ بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان، روزی داده می شوند.

1- مؤمنون، آیه 99_100.

2- غافر، آیه 46.

3- آل عمران، آیه 169.

از جمله آیات قرآن که در ردّ عقیده وهابیان مبنی بر شرك بودن توسّل به اولیا و امامان علیهم السلام صراحت دارد ، آیات مربوط به پسران خطاکار حضرت یعقوب علیه السلام است ، آن جا که می فرماید: قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَطِيئِينَ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ . (1) [برادران یوسف] گفتند: ای پدر! برای گناهان ما آمرزش بخواه که ما خطاکار بودیم. گفت: به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش می خواهم ، که او همانا آمرزنده مهربان است. برادران یوسف ، بعد از پشیمانی از کردار بد خود ، به پدرشان متوسّل شدند و او را وسیله آمرزش به درگاه خدا قرار دادند. یعقوب علیه السلام نیز در پاسخ آنان فرمود: «شما خطای دیگری مرتکب شدید و با توسّل به من و طلب شفاعت از من ، مشرک شدید ، بروید و خودتان از خدا آمرزش بخواهید»؛ بلکه خواسته آنان را پذیرفت و با تصریح به آمرزنده و مهربان بودن خدا ، امید به قبول شفاعت را نیز در آنان ایجاد کرد. (2) همچنین ، روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بر سر چاهی که کشتگان بدر را در آن افکنده بودند ، آمد و خطاب به آنان ، آیه «إِنَّا قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا؟» (3) را تلاوت کرد . کسی به ایشان گفت: آیا مردگان را می خوانی؟ فرمود: «تو از آنان ، شنواتر نیستی ، ولی پاسخ نمی دهند». (4) عمر بن خطاب نیز می گوید: رسول خدا فرمود: «وقتی آدم ، آن خطا را مرتکب شد ، گفت : یا رب أسألك بحقّ محمد لمّا غفرت لی ...» . (5)

1- . یوسف ، آیه 97 _ 98.

2- . رك: المصباح المنير ، ص 30.

3- . اعراف ، آیه 44 .

4- . صحيح البخاری ، ج 4 ، ص 1461 ، ح 3757 .

5- . دلائل النبوة ، للبيهقي ، ج 5 ، ص 489 .

3. زیارت قبر امامان

نکته بسیار مهمی که باید به آن اشاره کرد، این است که وهابیان، دچار این توهم اند که شیعیان، معصوم علیه السلام را شخصی مستقل و توانا در رفع نیازها، بدون احتیاج به استمداد از خداوند می دانند، چنان که او هم معبودی مستحقّ خضوع است. این اعتقاد، به طور قطعی، کفر و شرک است و به گفته آیه الله مشکینی، «بی تردید، احدی از تشیع (یعنی امامیه) که لباس این بهتان را بر قامت آنان دوخته اند، چنین عقیده ای ندارد و همه آنها این نوع اعتقاد را کفر و شرک می شمارند».⁽¹⁾

3. زیارت قبر امامان علیهم السلام وهابیان می گویند: زیارت قبر امامان و سفر طولانی از راه دور برای زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله جایز نیست و این کار، شرک و عبادت غیر خداست.⁽²⁾ پاسخ: زیارت قبر مؤمنان، جایز، بلکه از نظر شرعی مستحبّ است، چه رسد به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله. دلیل این جواز: 1. تواتر احادیث صحیح و صریح در استحباب آن است. پیامبر خدا فرمود: زوروا القبور فإنها تذكركم الآخرة.⁽³⁾ قبرها را زیارت کنید که شما را به یاد آخرت می اندازد. 2. عمل عموم مسلمانان از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله تاکنون، دلیل دیگر است. علاوه بر این، سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در زیارت شهیدان احد و حضور ایشان برای زیارت بقیع نیز دلیل محکمی بر صحت نظر شیعه است. 3. استدلال ابن تیمیه به حدیث ابن عباس در حرمت زیارت قبور، اولاً خبر

1- ر.ک: المصباح المنیر، ص 28. برای اطلاع بیشتر از واهی بودن ادعاهای وهابیان، مراجعه به کتاب کشف اسرار امام خمینی رحمه الله نیز بسیار سودمند است، چون بخش عمده ای از ادعاهای سید احمد کسروی در کتاب بخوانند و داوری کنند، که امام به رد آن پرداخته است، برگرفته از افکار وهابیان است.

2- منهاج السنّة، ص 131.

3- سنن ابن ماجه، ج 1، ص 500، ح 1569.

وضعیت حدیث اهل سنت در سده های دوازدهم و سیزدهم

الف . جمع احادیث جعلی

واحد ظنی است و در برابر اخبار متواتر ، قطعاً اعتبار ندارد. ثانیاً قبل از نسخ حکم زیارت قبور بوده است. (1)

وضعیت حدیث اهل سنت در سده های دوازدهم و سیزدهمچنان که آثار و تألیفات دانشمندان اهل سنت نشان می دهد ، عمده فعالیت ها در تدوین کتب حدیث (اعم از: صحیح و مسند و...) ، مربوط به دوره متقدمان اهل سنت است و پس از قرن سوم ، بیشتر به کار بر روی آثار حدیثی پیش از آن می پردازند و در جهت ملحق کردن جوامع حدیثی به یکدیگر و تدوین جوامع بزرگ تر ، نگارش شرح بر صحاح و مسانید ، ترتیب و تهذیب کتب حدیث ، گام بر می دارند و یا به تألیف در زمینه علوم حدیث (اعم از: رجال و جرح و تعدیل و کتب ثقات و...) می پردازند. البته این آثار هم به طور عمده تا قرن دهم تدوین شده است و در قرون بعدی ، جز آثار اندکی که در گوشه و کنار تدوین گردیده ، کار قابل ملاحظه ای انجام نشده است. این آثار در محورهای زیر پدید آمده است:

الف . جمع احادیث جعلیتاریخ حدیث در میان اهل سنت ، وضعیت ویژه خود را دارد. از طرفی ، بیش از یک قرن منع نگارش و نقل در صدر اسلام را پشت سر گذاشته است و از سوی دیگر ، دستگاه حکومت خلفای بعدی ، بخصوص بنی امیه ، در جعل حدیث و نشر اکاذیب برای نفی فضایل اهل بیت علیهم السلام ، تلاش بسیار کردند. (2) از این رو ، شناخت احادیث «موضوع» و جمع آوری آنها در يك كتاب ، توسط برخی عالمان سنی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله این آثار است:

1- .رك : البراهین الجلیّة فی رفع تشکیكات الوهایة.

2- .شرح نهج البلاغة ، ابن ابی الحدید ، ج 11 ، ص 44 _ 46 و ج 4 ، ص 68.

ب. تخریج احادیث**ج. شرح حدیث**

_ الفوائد المجموعة فی الأحادیث الموضوعة، از قاضی ابو عبد الله محمد بن علی شوکانی عینی (م 1250 ق).

ب. تخریج احادیث در گفتار برخی مؤلفان در علوم مختلف، اعم از عقاید، فقه، اصول و تفسیر، شروح حدیث و... احادیث بسیاری به عنوان استدلال یا استشهاد ذکر می شوند. همچنین، در زمان های مختلف، احادیثی بر زبان مردم، بخصوص عوام جاری است که آنها را به عنوان مثل به کار می بردند که پاره ای از آنها صحیح، برخی ضعیف، و تعدادی نیز دروغین و ساختگی است. در هر دو زمینه، برخی از حافظان حدیث، به گردآوری آنها پرداخته و در کتاب هایی تدوین کرده اند، از جمله: _ تحفة الراوی فی تخریج أحادیث البیضاوی، از شیخ محمد بن حسن همامت زاده محدث (م 1175 ق)؛ _ کشف الخفاء و مُزیل الألباس عمّا اشتهر من الأحادیث علی ألسنة الناس، از حافظ اسماعیل بن محمد عجلونی (م 1162 ق) که کتاب پُر فایده ای است و در دو مجلد، در مصر، چاپ شده است.

ج. شرح حدیث در این دو قرن، آثار اندکی پدید آمده، که از آن جمله است: 1 _ سبل السلام فی شرح «بلوغ المرام من أحادیث الأحكام»، از محمد بن اسماعیل صنعانی (م 1182 ق) که در چهار جزء، در مصر به چاپ رسیده است. 2 _ فتح العلوم فی شرح «بلوغ المرام»، از صدیق خان (م 1307) که در مصر، چاپ شده است. 3 _ ظفر الأمانی فی شرح «مختصر» الجرجانی، از محمد عبد الحی لکهنوی هندی (م 1304 ق) که شرح کتاب المختصر فی مصطلح الأثر از میر سید شریف جرجانی

(م816) است و در هند به چاپ رسیده است. محمّد محمّد ابوزهو، پس از ذکر نمونه هایی از تلاش دانشمندان اهل سنت در جوامع نگاری، زواید نویسی، تخریج حدیث و نگارش کتب اطراف الحدیث (1) و... می گوید: این، مهم ترین فعالیت های علما درباره جمع کردن حدیث و ترتیب آن، در این دوره (از 656 ق، به بعد) است و جز آنها شروح و مختصرات بعضی از کتب حدیث است [که نمونه های آن ذکر شد]. با این حال [همین آثار اندک و بسیار محدود نیز] غالباً از قرن یازدهم و بخشی از قرن دوازدهم، تجاوز نمی کند و اما بعد از آن تا عصر کنونی ما، همّت ها حتی نسبت به قرائت کتب حدیث، سست شده است، چه رسد به پرداختن به کار تدوین، و مردم چنان شده اند که صحیح البخاری را تنها برای تبرک می خوانند. (2)

1- بدین صورت است که دو طرف حدیث را ذکر می کنند، چنان که بر بقیه آن، دلالت کند و سپس، اسانید آن را جمع می کنند (الحدیث و المحدثون، ص 433).

2- الحدیث و المحدثون، ص 452.

فصل دوم : متون حدیثی

1_2 . جوامع بزرگ حدیثی

فصل دوم : متون حدیثی در ابتدای تتبع در آثار حدیثی مربوط به دو قرن دوازدهم و سیزدهم ، در صدد احصای کامل و استقصای آثار بودیم ؛ ولی در اثنای کار دریافتیم که چنین کاری با فرصت محدود و امکانات موجود ، عملی نیست ، بخصوص از این جهت که مبنای عمده جستجو ، فهرست کتاب ها و نسخه های خطی است و تعداد بسیاری از نسخه های خطی ، هنوز فهرست نشده اند . برای مثال ، کتاب خانه آیه الله مرعشی ، دارای بیش از شصت هزار عنوان نسخه خطی در 31 هزار مجلد است که از این تعداد ، کمی بیش از یک سوم ، فهرست شده و منتشر گردیده است. (1) به هر حال ، در مجموع بیش از یک هزار اثر مربوط به حدیث ، اعم از متون حدیثی ، علوم حدیث و یا دیگر فعالیت های حدیثی ، در این کتاب ، یاد شده است که این فصل ، به متون حدیثی با عناوین فرعی : جوامع حدیثی ، موضوعات خاص و سبک های خاص تقسیم شده است .

1_2 . جوامع بزرگ حدیثی که جوامع حدیثی چهارگانه شیعه ، یعنی : الکافی شیخ کلینی ، کتاب من لایحضره

1- .فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 28 ، مقدمه . تا کنون ، یازده هزار مجلد از 31 هزار مجلد نسخه خطی در 27 مجلد ، فهرست شده است . مجلد های 28 ، 29 و 30 نیز به تازگی منتشر گردیده است .

الفقيه شيخ صدوق و تهذيب الأحكام و الاستبصار شيخ طوسی پا به عرصه وجود گذاشت ، عمده نیاز فقیهان برای استنباط احکام و احتیاج جویندگان حقیقت برای دستیابی به معارف ناب اسلامی برطرف گردید ؛ زیرا صاحبان این چهار جامع بزرگ که به «سه محمد اول» معروف اند ، در مجموع ، بخش عمده احادیث و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را چه در اصول و چه در فروع دین ، گرد آوردند ؛ لیکن در واقع ، کار آنان به طور کامل ، پاسخگوی نیاز فقیهان و محدثان شیعه نبود و از نظر شمول مطالب و ترتیب شایسته ، کاستی ها و نارسایی های متعددی داشت. بدین جهت ، محدثان بزرگ متأخر ، از جمله ملاً محمد محسن فیض کاشانی ، شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی و ملاً محمد باقر مجلسی که به «سه محمد متأخر» معروف اند ، به ترتیب ، جوامع حدیثی الوافی ، وسائل الشیعة و بحار الأنوار را تألیف نمودند و بدین ترتیب ، هر يك به سهم خویش ، گام مهمی در جهت رفع نیازهای علمی و معنوی جامعه دینی برداشتند . پس از تألیف جوامع حدیثی الوافی ، وسائل الشیعة و بحار الأنوار ، عده دیگری از محدثان با بررسی این کتاب های بزرگ ، دریافتند که آنها خالی از عیب و کاستی نیست. از این رو ، اینان نیز درصدد رفع نقص جوامع حدیثی متأخر بر آمدند و کتاب های بزرگی چون عوالم العلوم ، الأوفی ، الشفاء فی أخبار آل مصطفی علیهم السلام و جامع الأحکام را پدید آوردند. علاوه بر کتاب های یاد شده ، برخی از دانشمندان شیعه نیز به تدوین کتاب های مشتمل بر احادیث فقهی پرداختند و آثاری مانند : جواهر البحرین فی أحكام الثقلین ، مشارق المهتدین فی الأحکام الماثورة عن الهداه المهتدین و جامع الأحکام فی مسائل الحلال و الحرام را پدید آوردند. برخی از دانشمندان نیز به تألیف کتاب های حدیثی کوچک تر در موضوعات مختلف پرداختند.

در این جا از میان آثاری که با گرد آوری متون حدیث شکل گرفته است، ابتدا جوامع بزرگ حدیثی و سپس، در بند بعدی کتاب های کم حجم تر را به ترتیب زمان، می آوریم: 1. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، از عبد الله بن نور الله بحرانی (ق12 ق). این مجموعه مفصل، شامل یکصد «کتاب» در 128 جزء است که نویسنده، آن را از بحار الأنوار استادش علامه مجلسی اخذ نموده و به صورتی دقیق، مرتب نموده است. عده ای بر او خرده گرفته و کتابش را اقتباس و اصلاحی ناپسند از بحار الأنوار شمرده اند. (1) نسخه های خطی اجزای این کتاب، در کتاب خانه های مهم، موجود است. (2) در سال 1318 ق، برخی از مجلّات این کتاب، به چاپ رسید و در سال های اخیر نیز بیش از 23 مجلّد آن، با تحقیق مؤسسه امام مهدی (عج) در قم، به همراه مستدرکاتی از سیّد محمّد باقر ابطحی چاپ و منتشر گردیده است. 2. الأوفی، از فضلعلی بیگ بن شاهوردی بن خلف توشمال باشی (ق12 ق). این کتاب بعد از الوافی فیض کاشانی تألیف شده است و به حسب تقسیم مؤلف، شامل یک مقدمه شش فصلی و 24 «کتاب» در دو قسم است. دوازده کتاب قسم نخست آن، مربوط به اصول و دوازده کتاب قسم دوم، در فروع دین است. مقدمه به ذکر مصادر و اسانید و احوال عده ای از راویان و دانشمندان، اختصاص دارد و بحثی در اوامر و نواهی را نیز در بر دارد. قسم اول: در اصول دین، اخلاق و ذکر احوال است و دوازده کتاب با

1- تلامذة العلامة المجلسی، ص 38.

2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 367_386 و ج 3، ص 415 و ج 4، ص 277، 153 (ش 269) و ج 5، ص 207، 215 و ج 12، ص 299_380؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 10، ص 1567_1589 و ج 22، ص 184 و...؛ الذریعة، ج 15، ص 356_357.

عناوين زیر دارد : 1. كتاب التوحيد 2. كتاب العقل و العلم 3. كتاب النبوة و الإمامة 4. كتاب فضل القرآن 5. كتاب الاحتجاج و الموعظة
الحسنة 6. كتاب الإيمان و الكفر و الأخلاق 7. كتاب ذكر أحوال أولاد المعصومين عليهم السلام 8. كتب ذكر أحوال الرواة و الصحابة 9.
كتاب السماء و العالم 10. كتاب الدعاء 11. كتاب الخطب و الكلم 12. كتاب ذكر أحوال البرزخ و الحشر و النار و الجنة. قسم دوم : در
فروع دین است و دوازده كتاب با عنوان های زیر دارد : 1. كتاب الطهارة و الزی و التجمل 2. كتاب الصلاة 3. كتاب الصوم و الزكاة و
الخمس و الصدقات و الكفارات 4. كتاب الحج و العمرة 5. كتاب المزار و أحكام المساجد و الاعتكاف 6. كتاب المعایش و المكاسب
7. كتاب الجهاد و الحسبة

8. کتاب المطاعم و المشارب 9. کتاب القضاء و الحدود و الديات 10. کتاب أحكام النساء 11. کتاب الصيد و الذبائح (أحوال الوحوش و الطيور حلالها و حرامها) 12. کتاب المعالجات و الجنائز و المواريث. مؤلف، پیش از نقل روایات، آیات مناسب موضوع را به ترتیب سوره ها ذکر می کند. همچنین، روایات کتاب های چهارگانه را بدون اسناد، و احادیث دیگر کتاب ها را با ذکر اسانید می آورد. نکته دیگر این که مؤلف، دعاهای کتاب را جدا نموده و در کتاب کنز الحق گرد آورده است. نسخه ای از آن که جزء اول و دوم (کتاب التوحید و کتاب العقل و العلم) را در بردارد، در کتاب خانه آیه الله مرعشی موجود است. (1) آیه الله مرعشی، در تقریظی بر نسخه موجود در کتاب خانه خویش، نوشته است: از نوشته مؤلف در ابتدای مجلد دوم پیداست که او هنگامی که به تألیف این کتاب مشغول بود، باخبر شد که علامه مجلسی و فیض، مشغول تألیف بحار الأنوار و الوافی هستند. آن دو کتاب را به دست آورد و پس از ملاحظه، دریافت که آنها برای مقصود او کافی نیستند. از این رو، مصمم شد کتاب خود الاوفی را تکمیل نماید. این کتاب، در مقاله ای با عنوان «دائرة المعارف حدیثی الأوفی» توسط آقای علی صدرایی نیا در فصل نامه علوم حدیث نیز معرفی شده است. (2)

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 285 (ش 233)

2- علوم حدیث، ش 6، ص 282 _ 288.

3. جامع الأحكام فی مسائل الحلال و الحرام، از رضی الدین محمد بن محمد تقی موسوی شیرازی (ق 12 ق). مؤلف، در این کتاب، احادیث فقهی را در چهار «منهج»: (عبادات، معاملات، عقود و ایقاعات) و تقریبا به روش شرائع الإسلام، مرتب نموده، اسناد روایت ها را آورده و برای منابع، رمزهایی قرار داده و در مواردی نیز توضیحاتی افزوده است. نسخه مجلد اول کتاب در فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی (ج 14، ص 75، ش 5289)، ذکر شده است. 4. ناصر الإخوان فی الأخبار الواردة عن الأئمة الأطهار علیهم السلام، از ابو الحسن ناصر بن مساعد کربلایی (ق 12 ق). کتاب مفصّلی است در جمع احادیث مختلف، بدون ذکر سند، با اکتفا به نام راوی آخر یا نام معصوم علیه السلام. هر مجلد این کتاب، دارای اجزای کوچک تر است. شیخ عباس قمی، یک مجلد آن، شامل جزء ده تا پانزده را دیده است که مؤلف، آن را به خط خود، تصحیح کرده است. (1) 5. هادی النجاة من جمیع المهلكات فی أحادیث الأئمة الهداة، از محمد شریف بن شهاب الدین شهمیرزادی (ق 12 ق). وی، احادیث اعتقادی، فقهی، اخلاقی و فضایل اهل بیت علیهم السلام را در 142 باب، مرتب نموده است که در 1115 ق، به اتمام رسیده است. (2) 6. جواهر البحرین فی أحكام الثقلین، از عبد الله بن صالح سماهیجی (م 1135 ق). احادیث کتاب های چهارگانه حدیثی (الکافی، کتاب من لایحضره الفقیه، تهذیب الأحکام و الاستبصار) در این کتاب به روشی غیر از روش فیض در الوافی و شیخ حرّ عاملی در

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 4، ص 212 (ش 1428) و ج 4، ص 380 (ش 1571).

2- همان، ج 5، ص 171 _ 177 (ش 1790).

وسائل الشيعة گرد آمده است و مؤلف، گاه توضیحاتی با عنوان «أقول» بدان افزوده است. به نظر می رسد مجلد مربوط به طهارت و صلاحت تا باب مواقیت، به اتمام رسیده است. (1) 7. مجموعة الأخبار، از عبد الله بن صالح سماهيجی (م 1135 ق). این کتاب، احتمالاً همان رياض الجنان است که در چند مجلد، تألیف شده است. (2) 8. جامع الأحكام والسنن، از محمد بن خطی سلیمانی (م 1138 ق). این کتاب، در اخبار مربوط به احکام شرعی و سنن نبوی و برگرفته از غیر کتب اربعه است. (3) 9. فوائد الأخبار للأصدقاء والأخيار، از محمد جعفر بن محمد طاهر خراسانی (م 1175 ق). نویسنده، احادیث فقهی را به ترتیب کتاب های فقه، گرد آورده است. مبنای کار وی، نام راویان آخر حدیث، و در صورت مرسل بودن، کلمه اول حدیث است. سپس به شرح می پردازد و از گفته های فیض و علامه مجلسی نیز استفاده می کند. مجلد اول در فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی (ج 5، ص 3، ش 1601) معرفی شده است. 10. الشفاء فی أخبار آل المصطفى، از محمد رضا بن عبد المطلب تبریزی (م 1208 ق). این کتاب در چند مجلد، تنظیم شده و مشتمل بر احادیث کتب الوافی، بحار الأنوار، وسائل الشيعة و دیگر کتب معروف و غیر معروف است که به شیوه بحار الأنوار، تألیف شده است.

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 218 (ش 7556)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 24، ص 293 (ش 9548)؛ الذريعة، ج 5، ص 265.
 - 2- الذريعة، ج 20، ص 11 و ج 62، ص 321.
 - 3- همان، ج 5، ص 33؛ أعيان الشيعة، ج 9، ص 362.

مؤلف، در مقدمه می گوید: سمّيته بالشفاء في أخبار آل المصطفى جامع جميع أحاديث الوافي و البحار و الوسائل. سپس، اشکالات سه جامع حدیثی بحار الأنوار، الوافی و وسائل الشیعة را ذکر نموده و از سه کتاب یاد شده، بدین گونه انتقاد می کند: الوافی از اخبار غریب مورد نیاز فقیه، خالی است و ترتیب کتب فقهی را ندارد. وسائل الشیعة، جامع همه اخبار غریب نیست، ابوابش پراکنده یا مکرر است و احادیث مربوط به هر باب را نیاورده، بلکه به تقدّم و تأخّر، ارجاع داده است. بحار الأنوار، گرچه دارای بیشترین روایات غریب است، از روایات کتب اربعه خالی است و در تحقیق مسائل فقهی و نقل اقوال، چنان سخن را طولانی می کند که جنبه فقهی کتاب، بر جنبه خبری آن، غالب شده و موجب ملال و رنجوری است. وی، سپس کتاب خود را به خالی بودن از همه آن اشکالات و دارای حُسن ترتیب بودن و... وصف نموده است. مؤلف، در ابتدای هر حدیث، صحیح، حَسَن، ضعیف و مرسل بودن آن را ذکر می کند. سپس بعد از ذکر هر راوی که در سند قرار دارد، می گوید که او ثقه، مجهول یا ضعیف است و هر يك از این اظهار نظرها را با رنگ سرخ، نشان داده است. مؤلف، نگارش هفت مجلد بزرگ از این کتاب را به پایان رسانده است. شیخ عبد النبی قزوینی، این کتاب را «الشافی الجامع بین البحار و الوافی» دانسته که گویا با این تعبیر، در صدد وصف کتاب بوده، و گرنه، نام کتاب همان است که ذکر شد. (1) 11. جامع المعارف و الأحكام، از سید عبد الله بن محمد رضا شبر (م 1242 ق). این

1- الذریعة، ج 13، ص 7 و ج 14، ص 199؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 314 (ش 7786).

کتاب، یکی از مجامع حدیثی بزرگ است که از آن به عنوان جامع الأحکام نیز یاد شده است و در آن، احادیث اصول و فروع دین از کتب اربعه و سایر کتاب های معتبر برگرفته شده و در چهارده مجلد بزرگ، تدوین گردیده است. موضوع هر مجلد، به ترتیب، عبارت است از: 1. التوحید 2. الکفر و الإیمان 3. المبدأ و المعاد 4. الأصول الأصلية (که به طور مستقل نیز از آن یاد می شود) 5. الطهارة 6. الصلاة 7. الزکاة و الخمس و الصوم و الاعتکاف 8. الحج 9. المزار، الجهاد و الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر 10. المطاعم و المشارب 11. الغضب و الموارث إلى آخر الدیات 12. النکاح 13. المعاملات 14. الخاتمة الرجالية. مؤلف، در آغاز هر باب، آیات مربوط به آن را نیز می آورد و پس از ذیل برخی روایات، مطالبی با عنوان «بیان» می افزاید. (1)

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 5، ص 271 (ش 1898) و ج 7، ص 291 (ش 2730) و ج 10، ص 191 (ش 3812)؛ الذریعة، ج 5، ص 71_72.

2_2 . کتاب های حدیثی کوچک تر

12. المستطرفات فی جمع الأخبار و الروایات ، از محسن بن محمد رفیع گیلانی (م 1290ق) در بیش از بیست مجلد. (1)

2_2 . کتاب های حدیثی کوچک تر علاوه بر جوامع یاد شده که حجم زیادی از روایات را با ترتیب و عناوین ویژه در خود جای داده اند ، محدثان و دانشمندان شیعه ، بنا به سلیقه خویش و با توجه به احساس نیاز به پاسخگویی به سؤالات ، کتاب های کوچک تری را بر مدار روایات و احادیث خاندان عصمت و طهارت ، تدوین کرده اند که هر یک در جای خویش ، گنجینه ای ارزشمند و آبخوری روحبخش برای جویندگان حقیقت و طالبان معارف الهی است. کتاب های زیر ، از آن جمله است : 1. الأنوار النعمانية فی بیان معرفة النشأة الانسانية ، از سید نعمه الله بن عبد الله جزایری (م 112 ق) . این کتاب ، در احوال انسان از آغاز خلقت تا حشر و نشر وی ، برگرفته از آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام و نقل از بزرگانی است که می توان به آنها اطمینان کرد. کتاب ، شامل سه باب با عنوان «نور_ نور» است. مؤلف ، درباره انگیزه تألیف خود می گوید : چون اکثر کتب تاریخی ، از تواریخ یهود نقل شده و غالباً پُر از اکاذیب است ، از این رو ، بر آن شدم که آنچه از طریق اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام رسیده ، بنگارم و از غیر آن ، خودداری کنم. (2) این کتاب در سال 1271 ق ، چاپ سنگی و در سال 1404 ق ، در بیروت در چهار مجلد ، به چاپ رسیده است.

1- . تراجم الرجال ، ج 1 ، ص 425 _ 429 .

2- . فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 14 ، ص 95 (ش 10659) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 14 ، ص 103 (ش 5315) .

2. غرائب الأخبار و نوادر الآثار ، از سید نعمه الله بن عبد الله جزایری. این کتاب ، شامل احادیثی است که به نظر مؤلف ، غریب بوده است و برای هر يك از معصومان عليهم السلام ، بابی گشوده است. (1) 3. معادن الحكمة فی مكاتیب الأئمة ، از محمد بن محمد محسن علم الهدی کاشانی (م 1115 ق). مجموعه ای از نامه های ائمه عليهم السلام است که به مناسبت های مختلف ، نوشته شده است. این کتاب به سال 1388 ق ، در یزد ، توسط انتشارات وزیری ، و نیز در سال 1409 ق ، با تعلیقات علی احمدی میانجی به همت انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، چاپ شده است. (2) 4. مقرب الجنة و مبعّد النار ، از حسین بن اسماعیل بافقی (اولیا) (ق 12 ق). این کتاب ، در دو مجلد و شامل احادیث فقهی اهل بیت عليهم السلام ، از طهارت تا دیات و نیز اصول دین ، فضایل اهل بیت عليهم السلام و... است. (3) 5. محیی القلوب ، از محمد رفیع بن محمد شفیع قزوینی (ق 12 ق). این اثر ، در اصول و فروع دین است و از کتب معتبر حدیث و آثار برجسته فقها ، برگزیده شده است. مؤلف ، احادیث را از الکافی و کتاب من لایحضره الفقیه گرفته و به صورت تحت اللفظی ترجمه کرده است. (4) 6. جواهر الأحادیث ، از محمد نصیر بن محمد معصوم بارفروشی (ق 12 ق). (5)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 10 ، ص 188 (ش 3808).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 4 ، ص 26 (ش 1225) ؛ معجم المطبوعات العربية فی ایران ، ص 314 .
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 14 ، ص 529 (ش 7296).
 - 4- همان ، ص 304 (ش 5542) .
 - 5- وی از عالمان اخباری و از مخالفان علوم عقلی است و در برخی آثار خود ، کتب فلاسفه را از کتاب های ضالّه دانسته است. وی در بابل (بارفروش) اقامت داشت و به ملا نصیر ، معروف بود (تراجم الرجال ، ج 3 ، ص 410 ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 14 ، ص 596). وی آثار دیگری نیز در حدیث دارد .

وی، احادیثی را از کتب روایی شیعه، بدون توضیحی، گرد آورده و در فصولی با عنوان: «جوهر» مرتب نموده است. (1) 7. الصحیفة السجادية الثالثة، از عبد الله بن عیسی افندی تبریزی (م 1130 ق). (2) 8. الدرر المنثورة فی الأحكام المأثورة، از سید عبد الکریم بن جواد موسوی جزایری (م 1215)، دارای اجازه از سید بحر العلوم. وی در این کتاب، به ذکر واجبات و محرمات، بسنده نکرده؛ بلکه همه احکام شرعی را که نصّ مأثور دارد، شامل یک مقدمه و 35 «کتاب»، که مقدمه در اصول دین و اصول فقه و بقیه آن به ترتیب کتب فقه است. (3) 9. مجموعة الأحادیث، از محمد بن رضا چوبه ای رشتی (م بعد از 1232 ق)، جد میرزا ابراهیم سلماسی کاظمی. شیخ آقا بزرگ می گوید این کتاب را در کتاب خانه سید صدر در کاظمین دیده است. (4) 10. دُرر الأخبار، از محمد کاظم بن محمد شفیع هزار جریبی (م ح 1238 ق). (5) 11. مجموعة فی الأخبار، از محمد کاظم بن محمد شفیع هزار جریبی. 12. الأصول الأصلية و القواعد الشرعية، از سید عبد الله بن محمد رضا شبر (م 1242 ق). این کتاب، شامل آیات و روایاتی است که در آنها به مسائل اصول فقه، با

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 25، ص 391 (ش 7409)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 4، ص 390 (1585)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مدرسه سپه سالار، ج 4، ص 115.
 - 2- الذریعة، ج 15، ص 20 (ش 97).
 - 3- همان، ج 8، ص 136 (ش 511).
 - 4- همان، ج 20، ص 61.
 - 5- همان، ج 8، ص 117 (ش 435).

ذکر اسانید و رمزهایی برای منابع حدیثی اشاره شده است. در مجموع، 134 آیه و 1903 حدیث، در آن گرد آمده است و در واقع، جزء چهارم از کتاب جامع المعارف و الأحكام است. (1) 13. الأنوار الساطعة فی العلوم الأربعة، از سید عبد الله بن محمد رضا شبّر. این اثر، درباره معارف پنجگانه دین، اخلاق، عجایب مخلوقات و فقه است و نسخه آن در کتاب خانه سید حسن صدر کاظمی موجود است. (2) 14. عجائب الأخبار و نوادر الآثار، از سید عبد الله بن محمد رضا شبّر. (3) 15. الطبّ المروى، از سید عبد الله بن محمد رضا شبّر. این کتاب، بخشی از جامع حدیثی بزرگ مؤلف است. (4) 16. طبّ الأئمة علیهم السلام، از سید عبد الله بن محمد رضا شبّر. (5) 17. أحسن التقویم فیما يتعلق بالنجوم، از سید عبد الله بن محمد رضا شبّر. این کتاب درباره نجوم است و بر اساس آنچه در شرع مقدّس وارد شده، نگاشته شده و شامل مقدمه، ابواب و فصول است. این کتاب، در بمبئی به چاپ رسیده است. (6) 18. تحفة الملوك فی السیر و السلوك (العقل و الجهل و الأخبار الواردة فیهما)، از سید جعفر بن ابی اسحاق ابراهیم موسوی دارابی کشفی (1189_1267ق). (7) این کتاب به نام

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 10، ص 90 (ش 3692) و ج 12، ص 177 (ش 4612).

2- الذریعة، ج 2، ص 428 (ش 1685).

3- همان، ج 15، ص 218 (ش 1432).

4- همان، ج 15، ص 143 (ش 955).

5- همان، ج 15، ص 140 (ش 636).

6- همان، ج 1، ص 286 (ش 1499).

7- فقیه، مفسّر و عارف شیعی است که در علوم مختلف، دست داشت. وی در شیراز به دنیا آمد و پس از گذراندن مقدمات به نجف رفت و نزد عالمان آن جا درس خواند و در سال 1231 ق، به دیار خود بازگشت و در بروجرد، اقامت گزید و به تدریس و تصنیف پرداخت. وی از عالمان شیخی مسلک و مرید شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی است. وی درباره دولت آرمانی شیعه، اندیشه خاصی دارد. وی سنابرق را در شرح دعای «اللهم إني أسألك بمعاني ما يدعوك به ولادة أمرک»، به روش شیخیه نگاشته است. (أعیان الشیعة، ج 4، ص 85؛ ریحانة الأدب، ج 5، ص 160؛ الذریعة، ج 1، ص 120؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 155؛ فصل نامه شیعه شناسی، ش 2 و 3، ص 169_180).

فتحعلی شاه قاجار نوشته شده و در سال 1276 ق، به چاپ رسیده است. (1) 19. خطب و أشعار أهل البيت عليهم السلام و أنصارهم، از سید ابوالحسن بن محمد هادی حسینی تنکابنی (1215 _ 1286 ق) (2). (3) 20. فصل الخطاب الهادی إلى طریق الصواب، از محمد کریم خان بن ابراهیم کرمانی (م 1288 ق). مؤلف، روایاتی را که در استنباط مسائل فقهی لازم است، با حذف اسانید، در یک «مقدمه» و چند «کتاب» به روش کتب فقهی، گرد آورده است و گاه بیانی با عنوان «أقول» بر آن می افزاید. این کتاب، در سال 1302 ق، در تهران و در سال 1352 ق، در کرمان، چاپ شده است. (4) 21. جامع الأحادیث، از محمد نجف کرمانی مشهدی (م 1292 ق). (5) 22. ینایع الحكم فی الأخبار، از محمدتقی بن علی رضا قمی، مشهور به حاج سید جواد (م 1303 ق). (6)

-
- 1- الذریعة، ج 3، ص 471 و ج 15، ص 301.
 - 2- وی، از فقهای شیعه است که در رامسر به دنیا آمد و نزد پدرش، شیخ ابراهیم کلباسی، ملاً علی نوری، صاحب جواهر و دیگر دانشمندان، درس خواند. او بعد از هجوم وهابیان به عراق به ایران آمد و در قزوین اقامت گزید و در 1286 ق، در همان جا درگذشت. باقیات صالحات (در دعا و زیارات) و... نیز از اوست (موسوعة مؤلفی الشیعة، ج 2، ص 136؛ تراجم الرجال، ج 1، ص 35؛ بزرگان رامسر، ص 20).
 - 3- موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 2، ص 136.
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 21، ص 64 (ش 8036)؛ معجم المطبوعات العربیة فی ایران، ص 305.
 - 5- الذریعة، ج 5، ص 31 (ش 144).
 - 6- همان، ج 25، ص 288.

3_2. موضوعات خاص

1_3_2. نگارش مناقب ، فضایل و شرح حال معصومان

اشاره

3_2. موضوعات خاصدر این بند ، آن دسته از آثار حدیثی را که بر اساس موضوع تدوین یافته است ، ذکر می کنیم. این موضوعات عبارت اند از : 1. نگارش مناقب ، فضایل و شرح حال معصومان علیهم السلام 2. اعتقادات ، آداب و اخلاق 3. تفاسیر روایی 4. ادعیه و زیارات .

1_3_2. نگارش مناقب ، فضایل و شرح حال معصومان علیهم السلام مناقب ، جمع «منقبت» است و در لسان العرب به معنای اخلاق آمده است : «فی فلان مناقب جمیلةٌ أى أخلاق جمیلة» و «هو حَسَنُ النقیبةِ أى حُسن الخلیقة». (1) نیز در معنای آن گفته اند : «آنچه از خصلت های نیک و هنرهایی که موجب ستودگی می گردد» (2) و اصطلاحاً برای مدایح و فضایل امامان شیعه علیهم السلام به کار می رود. ستودن و ارستگان ، رسولان الهی و امامان حق و ذکر فضایل آنان ، به جهت آثار هدایت بخشی که بر آن مترتب است ، بخشی از فرهنگ قرآن کریم را به خود اختصاص داده و خداوند متعال ، در جای جای کتاب خود ، به ذکر فضایل بندگان صالح خویش می پردازد. (3) از آن جا که تبیین فضائل ائمه علیهم السلام ، موجب شناخت مردم نسبت به آنان و روی آوردن به آن ستارگان هدایت می شد و از سوی دیگر ، مدعیان دروغین خلافت برای

1- لسان العرب ، «ذیل نقب».

2- فرهنگ معین ، ذیل «منقبت» .

3- ص ، آیه 45_48 ، 30 ؛ قلم ، آیه 4 ؛ احزاب ، آیه 33.

مردم شناخته می شدند، پیامبر اکرم، در فرصت های گوناگون به بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام، بویژه امیر مؤمنان علی علیه السلام می پرداخت. احادیث فراوانی که در مجامع حدیثی شیعه و سنی در این باره نقل شده، گویای این حقیقت است. با وجود منع نقل و نگارش حدیث که به طور عمده در میان اهل سنت مطرح بود و به رغم تلاش دشمنان برای خاموش کردن نور اهل بیت علیهم السلام به شیوه های مختلف، از جمله جعل حدیث و فضیلت تراشی (1) برای غاصبان حقوق اهل بیت علیهم السلام، امروز عالم تشیع از مجموعه های گران بهایی از احادیث خاندان عصمت علیهم السلام در زمینه های مختلف، از جمله فضایل اهل بیت علیهم السلام، بهره مند است و دانشمندان شیعه، در راستای بیان مناقب و فضایل ائمه علیهم السلام و اثبات حقانیت آنان، کتاب های فراوانی به رشته تألیف در آورده اند. این کتاب ها به طور عمده به روایات پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام متکی است؛ گرچه در برخی از آنها، مؤلف، سخن را توسعه داده و به ذکر تاریخ زندگی اهل بیت علیهم السلام، اشعار شاعران در منقبت آنان و پاره ای مسائل دیگر نیز پرداخته است. تردیدی نیست که آگاهی از تاریخ زندگی و شرح احوال و سیره پیامبران الهی و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام برای انسان هایی که در پی رشد و تکامل انسانی خویش اند، امری ضروری است؛ زیرا این انسان های برگزیده، گل های سرسبد آفرینش و الگوی تمام عیار برای کسانی هستند که به دنبال کشف رمز و راز بندگی و دستیابی به حیات طیبه می کوشند. تمام زوایای زندگی این پاکان، از جمله چگونگی ارتباط آنان با خدا و خلق، برای دیگران، سرمشق است. از این رو، نگارش احوال آنان، از نظر دانشمندان متعهد شیعه، دور نمانده و کتاب های متعددی در این باب به رشته تحریر در آمده است.

1- ر.ک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص 68 و ج 11، ص 44_46.

قرن دوازدهم

شایان ذکر است که برخی از این کتاب‌ها، علاوه بر احوال اهل بیت علیهم السلام، گاه از تاریخ انبیای الهی و همچنین خلفا، دانشمندان و حتی احوال موجودات زمین و آسمان، یاد کرده‌اند؛ اما از آن‌جا که محور کار ما در این مجال، مناقب و احوال اهل بیت علیهم السلام است، به تبع، همه را در ذیل يك عنوان آوردیم. اینک، کتب مربوط به فضایل و شرح احوال اهل بیت علیهم السلام که در قرن‌های دوازدهم و سیزدهم تألیف شده، معرفی می‌شوند.

قرن دوازدهم 1. ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، از سید نعمة الله جزایری (م 1112 ق). این کتاب، در سه مجلد بزرگ در بیان احوال و فضایل و مناقب چهارده معصوم علیهم السلام است. مجلد اول، درباره پیامبر خدا و وصی او امام علی علیه السلام؛ مجلد دوم، درباره فاطمه علیها السلام و ده تن از امامان علیهم السلام که از فرزندان ایشان‌اند؛ و مجلد سوم، درباره حجت منتظر و غیبت او. (1) 2. النور المبین فی قصص الأنبياء والمرسلین، از سید نعمة الله جزایری. مؤلف در مقدمه کتاب می‌گوید: پس از فراغت از تألیف ریاض الأبرار که خود، تحقیقی موشکافانه است در شرح احوال پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام... که حاوی اسرار و شگفتی‌های بکر و ناگفته‌های بسیار از حیات این بزرگان است، گروهی از دانشمندان، مرا مورد لطف قرار داده، درخواست کردند تا کتابی جامع در شرح زندگانی انبیای گذشته، تدوین نمایم که خود، مکملی برای کتاب ریاض الأبرار باشد تا هر پگاه و شامگاه و در بستر زمان، داستان‌هایش سینه به سینه نقل شود و جاودانه بماند. این کتاب، شامل يك مقدمه، چند باب و فصل و يك خاتمه است.

1- فهرست نسخ خطی کتاب‌خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ش 14642 و 9478.

با توجه به تکیه جزایری بر روایات خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در نگارش کتاب های خود، این کتاب نیز چندان از احادیث سرشار است که نگاهی اجمالی به محتوای آن، کتابی حدیثی را در نظر خواننده تداعی می کند و نسبت به دیگر کتاب های قصص انبیا از جهت سند و اعتبار مطالب، از امتیاز ویژه ای برخوردار است. این کتاب، توسط آقای یوسف عزیزی به فارسی ترجمه و به همت انتشارات هاد (چاپ اول، 1380 ش) منتشر گردیده است. 3. الدرّ المسلوک فی أخبار الأنبياء و الأوصیاء و الخلفاء و الملوك، از احمد بن حسن حرّ عاملی (م بعد از 1120 ق). (1) کتاب، در يك «مقدمه»، سه «مسلك» و يك «خاتمه»، ترتیب یافته است. مقدمه، درباره ابتدای آفرینش آسمان ها و زمین و شگفتی های آنهاست. مسلك اول، شامل تاریخ قبل از آفرینش آدم علیه السلام تا رحلت پیامبر اکرم است. مسلك دوم، از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله تا رحلت امام حسن عسکری علیه السلام در سال 260 ق، بیان شده که در آن، از تاریخ زندگی فاطمه علیها السلام، امامان معصوم، خلفای پیشین، دانشمندان و مجتهدان یاد شده است. مسلك سوم، از رحلت امام عسکری علیه السلام تا زمان تیمور لنگ در سال 803 ق، شرح شده و خاتمه، درباره احوال آخر زمان، قیامت و حساب است. حرّ عاملی، این کتاب را روض الناظرین فی علم الأولین و آخرین نیز نامیده است. ظاهراً وی نام و ترتیب کتاب را از تاریخ محمد بن شحنه حلبی با نام روض المناظر فی تاریخ الأوائل و الأواخر گرفته است. (2) 4. حدائق المقربین، از میر محمد صالح بن عبد الواسع خاتون آبادی (م 1126 ق).

-
- 1- وی برادر شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی است و پس از وی، در مشهد به منصب شیخ الاسلامی رسید. او در سال 1115 ق، به خواست سلطان حسین صفوی به اصفهان رفت. محمد قاسم طسوجی، از او اجازه روایت دارد. جواهر الکلام در اخلاق و تفسیر الشیخ أحمد نیز از آثار اوست (تراجم الرجال، ج 1، ص 65؛ أعيان الشيعة، ج 2، ص 494؛ طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 31).
 - 2- أعيان الشيعة، ج 2، ص 494؛ الذريعة، ج 11، ص 277.

این کتاب در برتری برخی از ملائکه بر برخی دیگر و برتری پیامبران بر ملائکه و برتری پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان بر تمام موجودات است. (1) 5. المناقب و المثالب، از حیدر علی بن محمد شیروانی (م بعد از 1129 ق). این کتاب، شامل فضایل اهل بیت علیهم السلام و مثالب دشمنان آنان است. مؤلف، همه احادیث و دلایل را از کتب معتبر محدثان و مفسران اهل سنت، نقل و در یک «مقدمه» و چهارده «باب»، مرتب کرده است. (2) 6. فضائل السادات، از محمد اشرف بن عبد الحسیب علوی اصفهانی (م 1145 ق). کتاب، در بیان فضایل و محبت فرزندان پیامبر اکرم، بخصوص حضرت زهرا علیها السلام و ائمه اطهار است و از کتب معتبر شیعه و سنی انتخاب شده است. (3) 7. ذریعة النجاة من مهالك تتوجه بعد الممات، از اسماعیل بن محمد حسین خواجهی (م 1173 ق). کتاب، در باب برخی فضایل امیر مؤمنان و فرزندان معصوم ایشان است، با استدلال به برخی آیات و روایات. (4) 8. بشارات الشیعة، از اسماعیل بن محمد حسین خواجهی. کتاب، در هشت «فصل» نوشته شده و در هر فصل، به نوعی به بشارت، اشاره است و گفته اند: بهترین کتابی است که در این زمینه، نوشته شده است. پاره ای از واژه ها _ که هنگام تقیّه نزد مخالفان و منافقان، به صورت کنایه و رمز به کار می رفته است _ نیز در آن آمده است؛ واژه هایی مانند: عجل، سامری، عتل، نعتل، زمیم و... (5)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 12، ص 309 (ش 4741).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 536 (ش 101000)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 2، ص 185 (ش 592).
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 384.
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 16، ص 55 (ش 6053).
 - 5- الذریعة، ج 3، ص 112 (ش 379) و ج 15، ص 95 (ش 626)؛ أعیان الشیعة، ج 3، ص 403 (ش 1173).

قرن سیزدهم

9. تفریح الکروب و تکفیر الذنوب ، از سید ضیاء الدین اسحاق بن یوسف حسنی (م 1173 ق). کتاب ، شامل روایات مربوط به فضایل اهل بیت علیهم السلام است ، به ترتیب حروف و با ذکر منبع که اختلاف روایت ها و گفتار مؤلف را نیز در بردارد. (1) 10. نور العیون ، از محمد باقر بن محمد تقی رضوی اصفهانی (م بعد از 1179 ق). این کتاب ، با عناوین «تنویر» و «مظهر» ، شامل معرفت و فضایل معصومان علیهم السلام و نیز حاوی دوازده «تبصیر» درباره مثالب و مطاعن دشمنان ایشان است که در سال 1179 ق ، تألیف شده است. (2) 11. غدیریة ، از محمد جعفر بن محمد صالح قاری (ق 12 ق). کتاب ، شامل پاره ای از مناقب امیر مؤمنان و برخی از رویدادهای روز غدیر است در یک «مقدمه» و پنج «باب» و یک «خاتمه». (3)

قرن سیزدهم 12. مشیر الحزن الکامن فی مقتل الامام الثامن ، از حسین بن محمد عصفوری درازی بحرانی (م 1216 ق). کتاب ، شامل مناقب و مصائب امام رضا علیه السلام است. (4) 13. مناقب امیر المؤمنین علیه السلام ، از محمد مهدی بن محمد حسن (م 1221 ق). (5) 14. مصائب الأبرار و نوائب الأخبار ، از قلی بن شاه میرزای سلماسی (م 1223). کتاب ، در بیان زندگانی و فضایل چهارده معصوم علیهم السلام است که از کتب معروف شیعه ، مانند بحار الأنوار ، الاحتجاج ، الکافی و... گرد آمده و در چهارده «مجلس» ، ترتیب

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 8 ، ص 170 (ش 2557).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 14 ، ص 594 (ش 13521).
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 5 ، ص 205 (ش 1822).
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 14 ، ص 466 (ش 9907).
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه خوانساری ، ج 1 ، ص 218 (ش 247).

یافته است. (1) 15 . الشهاب الثاقب لمبغضی الأئمة الأطائب ، از [محمد] شریف بن رضا شیروانی (م بعد از 1226 ق). در این کتاب ، فضایل و مناقب امیر مؤمنان بیان شده و شامل آیات و روایاتی است که درباره ایشان آمده است. (2) کتاب با این نام هم یاد شده است: الشهاب الثاقب فی مناقب علی بن ابی طالب و اولاده الأطائب. (3) 16 . نور الأنوار فی مدح الأئمة الأطهار ، از [محمد] شریف بن رضا شیروانی . کتاب در فضائل ائمه علیهم السلام در دوازده باب است. (4) 17 . الکتاب المبین والنهج المستبین ، از میرزا محمد بن عبد النبی اخباری (م 1232 ق). این کتاب ، در فضایل معصومان علیهم السلام است و مثالب دشمنان ایشان ، از کتب مختلف اهل سنت و شیعه ، گرد آمده است. (5) 18 . عجائب الأخبار عن الإمام الحیدر الکزار ، از سید حسین بن عبد الجبار حسینی بحرانی (م بعد از 1236 ق). کتاب ، شامل روایات مرسله از امام علی علیه السلام در مناقب و غیب گویی های ایشان و خطبة البیان است. (6) 19 . معارف الأنوار ، از محمد کاظم بن محمد شفیع استرآبادی هزار جریبی (م ح 1238 ق). این کتاب ، در هشت مجلد به فارسی است. مجلد اول ، در فضایل و مناقب ، ولایت و امامت و معجزات امام علی علیه السلام است. (7) 20 . معارف الأئمة ، از محمد کاظم بن محمد شفیع استرآبادی. کتاب در یک مجلد

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 14 ، ص 504 (ش 7119).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 10 ، ص 283 (ش 3903).
 - 3- فهرست مشاهیر ایران ، ج 2 ، ص 112.
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 12 ، ص 119 (ش 4543).
 - 5- همان ، ج 5 ، ص 254 (ش 1875).
 - 6- الذریعة ، ج 15 ، ص 217 (ش 1431).
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 14 ، ص 515 ؛ الذریعة ، ج 21 ، ص 191 (ش 4556).

بزرگ، شامل روایاتی است که در فضایل ائمه معصوم و برتری آنان بر ملائکه و انبیا (بجز نبی اکرم) و سایر خلائق است. (1) 21. جلاء العیون، از سیّد عبد الله بن محمّد رضا شبّر (م 1242 ق). کتاب درباره زندگی معصومان علیهم السلام در دو مجلد است. این کتاب، برگردان فارسی به عربی جلاء العیون علامه مجلسی با پاره ای تصرّفات است. مؤلف، اسانید احادیث را افزوده و مآخذ را بیان کرده است و الفاظی که به شرح نیاز داشته، توضیح داده است. (2) 22. قصص الأنبياء علی ما روی عن الأئمة المعصومین علیهم السلام، از سیّد عبد الله بن محمّد رضا شبّر. کتاب، شامل «مقدمه» چند «باب» و «خاتمه» است. (3) 23. فضایل الإمام علی علیه السلام، از محمّد جعفر بن سیف الدین شریعتمدار (م 1263 ق). کتاب، شامل احادیث متفرّقه ای است در فضایل امیر مؤمنان، بدون ترتیب. (4) 24. مصائب المعصومین علیهم السلام، از عبد الخالق بن عبد الرحیم یزدی (م 1268 ق). این کتاب، شامل 62 «مجلس» است در بیان فضایل و مصایب و مواعظ معصومان علیهم السلام، با استناد به آیات و روایات. (5) این اثر به چاپ رسیده است. 25. مناقب المعصومین علیهم السلام، از عبد الخالق بن عبد الرحیم یزدی که به چاپ رسیده است. (6) 26. جامع فضایل الأئمة علیهم السلام، از محمّد مهدی بن محمّد جعفر موسوی تنکابنی ساروی (م بعد از 1269 ق). کتاب در فضایل ائمه علیهم السلام، بخصوص امام علی علیه السلام و مثالب

-
- 1- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 12، ص 361 (ش 4798).
 - 2- الذریعة، ج 3، ص 438 (ش 1589) و ج 5، ص 125 (ش 513).
 - 3- همان، ج 17، ص 103 (ش 2566).
 - 4- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 22، ص 7 (ش 8406).
 - 5- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 505 (ش 10054، 11513، 9124).
 - 6- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 334.

دشمنان ایشان است. (1) 27. طوابع الأنوار فی فضایل الائمة الأطهار، از محمد مهدی بن محمد جعفر موسوی تنکابنی ساروی (م بعد از 1269 ق). (2) 28. کنز الواعظین فی أحوال الائمة الطاهرین علیهم السلام، از محمد صالح بن محمد برغانی (م 1283 ق). کتاب، در تاریخ ائمه و حاوی احادیث در فضایل آنان، در چهار مجلد مفصل است. (3) 29. فضیلت علی علیه السلام بر صحابه، از سید محمد بن دلدار علی نقوی (م 1284 ق). (4) در این کتاب به آیات و روایات و گفته های اهل سنت، استناد شده است. (5) 30. جواهر الایقان، از آقا بن عابد شیروانی (فاضل دربندی) (م 1285 ق) (6). کتاب، شامل فضایل و مصایب سید الشهداء علیه السلام و یاران ایشان است در چهارده باب که به نام ناصر الدین شاه قاجار، نگارش یافته است. (7) 31. الدمعة الساکبة فی المصیبة الراتبة و المناقب و المثالب العائبة، از محمد باقر بن عبد الکریم دهدشتی بهبهانی (م 1285 ق)، کتابی است ممتاز در پنج مجلد بزرگ و

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 9، ص 316 (ش 3520).
 - 2- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 635؛ الذریعة، ج 15، ص 180 (ش 1200).
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 9، ص 307.
 - 4- وی، فقیه، حکیم و متکلم شیعی و معروف به «سلطان العلماء» است که از حسن مناظره بهره مند بود. وی نزد پدرش سید دلدار علی به تحصیل پرداخت و پس از وفات پدر در سال 1235 ق، در نصیر آباد هند به مرجعیت شیعه رسید و سلطان امجد علی شاه، احکام قضا را به او سپرد. کتاب فی الرجال و اجازة الحدیث نیز از آثار اوست (أعیان الشیعة، ج 9، ص 279؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 461).
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 6، ص 166 (ش 2163).
 - 6- وی، فقیه، اصولی، رجالی، متکلم جدلی شیعه و از شاگردان برجسته شریف العلمای مازندرانی است. وی به علت علاقه شدید به اهل بیت علیهم السلام در آثار خود از نقل روایات ضعیف دریغ نورزیده است. القوامیس فی الرجال و الدرایة نیز از آثار اوست. (أعیان الشیعة، ج 2، ص 88؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 218).
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 218 (ش 15079).

شامل زندگانی، فضایل و مناقب و مصایب خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، و معایب و مثالب دشمنان ایشان. (1) 32. براهین الإمامیة، از سید ابوالقاسم بن محمد نبی حسینی (میرزا بابا ذهنی شیرازی) (م 1286 ق). کتابی است در مناقب امیر مؤمنان و اثبات امامت ایشان، شامل 110 باب که هر باب، چهل حدیث منقول از طریق شیعه و سنی را در بردارد. (2) این کتاب، در سال 1334 ش، در تبریز، چاپ شده است. (3) 33. نعیم الأبرار و جحیم الفجار، از محمد کریم خان بن ابراهیم کرمانی (م 1288 ق). این کتاب، در فضایل و مناقب معصومان علیهم السلام و چگونگی خلقت نور آنان و نکوهش دشمنان ایشان، در هشت باب است. (4) 34. الأنوار القدسیة فی الفضائل الأحمدیة، از زین العابدین گلپایگانی (1218 _ 1289 ق). (5) کتابی است شامل فضایل پیامبر اکرم و تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...» (6) در هشت باب. (7) 35. نخبة المعجزات، از محمد تقی بن حسین دلدار علی نقوی (1234 _ 1289 ق). کتاب به فارسی نگاشته شده است. (8)

- 1- همان، ص 259 (ش 17776).
- 2- فهرست نسخه های خطی کتاب خانه ملی، ج 3، ص 85 (ش 1066).
- 3- موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 2، ص 597.
- 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 9، ص 231 (ش 3443).
- 5- وی، از فقها و مجتهدان مشهور شیعه است که در گلپایگان به دنیا آمد، تحصیلات خود را در اصفهان و عراق تکمیل کرد و سپس به زادگاهش بازگشت و به تدریس و تألیف و نشر علوم اهل بیت علیهم السلام پرداخت. ایضاح الجوامع (شرح خطبه پیامبر خدا در فضایل ماه رمضان) و شرح حدیث الضبّ نیز از اوست (أعیان الشیعة، ج 7، ص 164؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 280).
- 6- الاحزاب، آیه 56.
- 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 94 (ش 14580).
- 8- الذریعة، ج 24، ص 99 (ش 511).

36. مناقب الأئمة عليهم السلام، از سیّد اسد اللّه بن محمّد باقر شفقّی (م 1290 ق). (1) 37. حقائق الشيعة، از محسن بن محمّد رفیع گیلانی رشتی (م 1290 ق). کتاب، شامل احادیثی در فضایل شیعیان ائمه عليهم السلام و صفات آنان است. (2) 38. البوارق الحیدریة فی أحوال الأئمة الأطهار، از محمّد بن علی بن محمّد کاظم شاهرودی (م 1293 ق). (3) 39. أسرار الأنوار فی مناقب الأئمة الأطهار، از محمّد تقی بن محمّد علی کاشانی (م 1297 ق). (4) 40. التحفة الرضویة، از نوروز علی بن محمّد باقر (فاضل بسطامی) (م 1309 ق). کتابی است در بیان سرگذشت، فضایل و کرامات و آداب و زیارات علی بن موسی الرضا علیه السلام. (5) 41. الرسالة الفاطمیة، از محمّد بن سلیمان تنکابنی (م 1310 ق). کتاب، در فضایل و کرامات فاطمه معصومه علیها السلام است و در سه «فصل» ترتیب یافته است. (6) 42. صحیفة الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، از محمّد تقی بن محمّد مامقانی تبریزی (حجّة الإسلام تیر) (1248_1312 ق). (7)

-
- 1- همان، ج 22، ص 320؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 135.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 8، ص 375 (ش 3143).
 - 3- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 618.
 - 4- وی فقیه، اصولی، ادیب و شاعر شیعی، متخلص به «سپهر» و ملقب به «لسان الملك»، در کاشان متولد شد و در کاشان و تهران ساکن بود. وی در دوره محمّد شاه قاجار می زیست و منشی و مستوفی دیوان وی بود. شرح نهج البلاغه نیز از اوست (أعیان الشيعة، ج 9، ص 193؛ معارف، ج 2، ص 211؛ ریحانة الأدب، ج 5، ص 129؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 552).
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 126 (ش 8876).
 - 6- فهرست نسخ خطی مرکز احیای میراث اسلامی، ج 3، ص 236 (ش 1013).
 - 7- وی از مشاهیر فرقه شیخیه و از علمای آذربایجان است که در تبریز به دنیا آمد و نزد پدرش و دانشمندان عراق، درس خواند. او با مجتهدان، اختلاف شدید داشت و آنان را هجو گفته است (تراجم الرجال، ج 2 ص 91؛ شیخگیری، ص 269).

43. وجيزة البحار فی مناقب الأئمة الأطهار ، از محمد بن علی اصغر قاننی (ق 13 ق). مؤلف ، روایات مربوط به اهل بیت علیهم السلام را با حذف سند و بدون تغییر در ترتیب کتاب ، از بحار الأنوار ، انتخاب کرده است . در نسخه آن (1) تنها مختصر «کتاب الحجة» آمده است. 44. فضائل ، از محمد علی سبزواری (ق 13 ق). کتاب در بیان فضایل امام علی علیه السلام است که از بحار الأنوار برگزیده شده و در سی باب ، ترتیب یافته است. (2) 45. مجمع المصائب فی نوائب الأطائب ، از قریش بن محمد حسینی ساوجبلاغی (ق 13 ق). این کتاب ، در بیان فضایل و مناقب حسین بن علی علیهما السلام ، و شهادت ایشان در پنج «مقدمه» ، چهارده «مجمع» و یک «خاتمه» است. (3) نسخه ای نیز با همین عنوان و شامل فضایل و مناقب پیامبر اکرم ، امام علی ، فاطمه زهرا ، امام حسن مجتبی ، موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا علیهم السلام در شش «مقصد» ، موجود است. (4) 46. فضایل أهل البيت علیهم السلام ، از علی بن محمد صادق قشلاقی (ق 13 ق). کتاب ، در چهارده باب نگاشته شده است. (5) 47. فضیلت صلوات بر آل رسول ، از ابوالقاسم بن محمد کاظم خبوشانی (م 13 ق). (6) کتاب ، در بردارنده برخی از روایات منقول از اهل سنت است. (7)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 6 ، ص 35 (ش 2028).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 14 ، ص 383 (ش 9309).
 - 3- همان ، ص 469 (ش 8666).
 - 4- همان ، ص 471 (ش 12541).
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 14 ، ص 109 (ش 5323).
 - 6- وی عالم شیعی معروف به «جواهری» و «قاری» است که اصل او از خبوشان (از توابع قوچان) است. او مدتی در کربلا اقامت داشت و سپس به مشهد رفت. وی در قرائات و حدیث ، بحث هایی دارد (فهرست نسخ خطی کتاب خانه مدرسه آیه الله گلپایگانی ، ج 3 ، ص 63 (ش 1795)؛ موسوعة مؤلفی الإمامية ، ج 2 ، ص 591).
 - 7- موسوعة مؤلفی الإمامية ، ج 2 ، ص 591 ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مدرسه آیه الله گلپایگانی ، ج 3 ، ص 63 (ش 1795).

2_3_2 . اعتقادات، آداب و اخلاق

1 . اعتقادات

از مجموع 47 اثری که از آنها یاد شده، تنها دوازده اثر در قرن دوازدهم تألیف شده است؛ یعنی در قرن سیزدهم، سه برابر قرن دوازدهم در موضوع فضایل و مناقب معصومان علیهم السلام کتاب نوشته شده است. با نگاهی به اوضاع فرهنگی قرن سیزدهم که جهان تشیع مورد هجوم تبلیغاتی جریان های انحرافی (مانند وهابیت از خارج و شیخیگری، بایبگری و بهاییگری از داخل) بود، به طور طبیعی، دانشمندان شیعه نسبت به این مسئله واکنش نشان داده اند. با محاسبه شش اربعین مربوط به فضایل اهل بیت علیهم السلام که در قسمت اربعین نگاری از آنها یاد شد، در مجموع، 53 کتاب درباره مناقب و فضایل و شرح حال اهل بیت علیهم السلام در این مقطع زمانی به رشته تألیف در آمده است. البته شایان ذکر است که برخی از کتاب های یاد شده به اثبات امامت و عقاید شیعه نیز مرتبط بود و اگر در بند بعدی نیز می آمد، به جا بود.

2_3_2 . اعتقادات، آداب و اخلاقابتدا لازم است درباره هر يك از سه اصطلاح اعتقادات، آداب و اخلاق، توضیح مختصری بیاوریم تا اهمیت و نقش هر يك در زندگی انسان، روشن گردد.

1 . اعتقادات اعتقادات اسلامی، زیربنای اخلاق و احکام عملی و آداب اسلامی است و باید بر مبنای تعقل، تحقیق و برهان، استوار گردد و ایمان عمیق و اعتقاد صحیح، بی تردید، پایه دینداری انسان است و همه امور زندگی او، چه افکار، چه کردار و چه صفات، از اعتقادات و ایمان، اثر می پذیرد. قرآن کریم، با بیدار کردن فطرت انسان ها و دعوت آنان به تفکر و تعقل درباره مبدأ و معاد، راه دستیابی به اعتقادات درست را به آنها یاد داده است، تا با شناخت عمیق حقایق جهان آفرینش و درک هدف از زندگی، جایگاه والای انسانی خویش را دریابند و با کسب ایمان استوار و سپس تخلّق به اخلاق الهی و صفات حق تعالی، پا از

2. آداب

محدوده زندگی حیوانی فراتر بگذارند و در عالم معنویت به طَیران در آیند؛ چه این که، سرگرمی به خور و خواب و خشم و شهوت، و به فراتر از آنها نپرداختن، سبب می شود که انسان، در وجه مشترک با حیوان، اسیر بماند و به شَغَب و جهل و ظلمت، گرفتار آید و از کمالات انسانی و بهشت الهی محروم شده، سزاوار آتش گردد. إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ. (1) خداوند، کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، در باغ هایی که زیر [درختان] آنها نهرها روان است، در می آورد، حال آن که کسانی که کافر شده اند، [در ظاهر] بهره می برند و همان گونه که چارپایان می خورند، می خورند، و جایگاه آنان، آتش است. پیامبر اکرم و ائمه اطهار نیز در راستای آموزش های قرآنی به بیداری عقل ها و فطرت های دست نخورده انسان ها پرداخته اند و همان طور که به بیان احکام فرعی اسلام، توجه داشته اند، زمینه ایمان و اعتقاد به اصول دین را در آنان، فراهم کرده و معارف الهی را برای انسان های حقیقت جو، بیان نموده اند. بخش اصول کتاب الکافی و قسمت های بسیاری از بحار الأنوار و دیگر کتاب های حدیث، شاهد این مطلب است.

2. آدابعلامة سید محمد حسین طباطبایی، در تعریف ادب می گوید: بنا بر آنچه از معنای آن (ادب) استفاده می شود، هیئت زیبا و پسندیده ای است که طبع و سلیقه چنین سزاوار می داند که عمل انسان بر طبق آن هیئت انجام شود؛ چه آن عمل، مشروع دینی باشد (مانند دعا و امثال آن)، چه مشروع عقلی باشد (مانند دیدار دوستان). به عبارت دیگر، ادب، عبارت است از ظرافت عمل و

3. اخلاق

روشن است که عمل، وقتی ظریف و زیبا جلوه می‌کند که اولاً مشروع باشد و منع تحریمی نداشته باشد؛ چون در ظلم و دروغ و خیانت و کارهای زشت، ادب، معنا ندارد. دوم این که عمل اختیاری باشد؛ یعنی ممکن باشد که آن را به چند شکل و هیئت در آورد و شخص به اختیار خود، آن را به وجهی انجام دهد که مصداق ادب است. آن گاه می‌افزاید: گرچه در معنای اصلی ادب، یعنی حُسن و ظرافت عمل و موافقت آن با غرض زندگی اختلافی نیست؛ لیکن در تطبیق این معنا با مصداق در جوامع، اقوام، ملت‌ها و مذاهب مختلف، اختلاف بسیار است و این اختلاف، از جهتی است که در تشخیص کار نیک و بد دارند. (1) به گفته علامه طباطبایی، ادب الهی، هیئت زیبای اعمال مربوط به دین است که از غایت و غرض دین، یعنی عبودیت و بندگی حکایت می‌کند و از آن جا که هدف اسلام، سر و سامان دادن به همه جهات زندگی انسان است و هیچ یک از شئون انسانیت را از قلم نینداخته است، بر این اساس، سر تا پای زندگی را دارای ادب نموده و برای هر عملی از اعمال زندگی، هیئت زیبایی ترسیم نموده است که از غایت آن، حکایت می‌کند. باید توجه داشت که بخش عظیمی از آداب اسلامی به عنوان احکام فرعی در موضوع عبادات، معاملات و... در جوامع حدیثی و کتاب‌های فقهی، تدوین شده است.

3. اخلاق‌اخلاق، جمع «خُلُق» و به معنای «خوی‌ها» است و هر گاه از آن به عنوان علم اخلاق و یا تهذیب نفس یاد می‌شود، مراد، شناخت خوی‌های نیک و بد و تدبیر انسان برای

رابطه آداب و اخلاق

نفس خود است که یکی از شاخه های حکمت عملی است. (1) ابو حامد غزالی می گوید: خُلُق، عبارت است از حالتی استوار در نفس که به سبب آن، به راحتی و بدون احتیاج به فکر و تأمل، فعل ها و رفتارها از انسان سر می زند. اگر در آن حالت، افعال زیبا و پسندیده عقلی و شرعی سرزند، «خُلُق حَسَن» (یا خوی نیکو)، و اگر افعال زشت سرزند، «خُلُق سیِّئ» (یا خوی بد و ناپسند) نامیده می شود. (2) علامه طباطبایی معتقد است که ملکات فاضله (خُلُق حَسَن) و تهذیب نفس، تنها با تمرین و تکرار اعمال شایسته متناسب با صفات اخلاقی به دست می آید؛ زیرا بر اثر تکرار عمل در هر مورد، علمی خاص در روح انسان نقش می بندد و بر اثر تراکم به جایی می رسد که اثر آن، غیر قابل زوال می شود یا دست کم به آسانی زایل نخواهد شد. این مقصود، به یکی از دوره زیر حاصل می شود: 1. توجه کردن به آثار دنیوی فضایل اخلاقی، مانند: عفت، قناعت، علم، شجاعت، عدالت، صبر و...، و نیز توجه به پیامدهای منفی رذایل اخلاقی که در برابر صفات یاد شده قرار دارد. 2. توجه به فواید اخروی این صفات پسندیده، مانند: هدایت، بهشت، پاداش بی حساب و رضوان الهی. (3) رابطه آداب و اخلاق در برخی از روایات به رابطه تنگاتنگ اخلاق و آداب، تصریح شده و رعایت آداب اسلامی و داشتن حُسن ادب، وسیله تزکیه اخلاق، معرفی گردیده است، چنان که امام علی علیه السلام می فرماید:

1- فرهنگ معین، ذیل «اخلاق».

2- المحجة البيضاء، ج 5، ص 95؛ میزان الحکمة، ج 4، ص 1524.

3- رك: المیزان، ج 1، ص 359_389.

سبب تزکیة الأخلاق حسنُ الأدب. (1) روایت دیگری که این رابطه را روشن تر بیان می کند، این روایت از امام صادق علیه السلام است که می فرماید: انَّ الله عز و جل أدبَ نبيِّه فأحسنَ أدبه فلَمَّا أكْمَلَ لَهُ الأَدبَ قال: « وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ». ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَ الأُمَّةَ لَيْسَ وَسَّ عِبَادَه. (2) خدای بزرگ، پیامبر خود را ادب آموخت و ادب او را نیکو ساخت و چون ادب را در او به کمال رساند، فرمود: «و راستی که تو دارای خُلُقِ عَظِيمِ». آن گاه، کار دین و امت را به او سپرد تا بندگانش را اداره کند. همان طور که از این روایت شریف بر می آید، وقتی ادب به کمال برسد، خُلُقِ عَظِيمِ حاصل می گردد و چنان که اشاره شد، ادب انتخاب زیباترین و بهترین روش در انجام عمل است؛ یعنی شیوه پسندیده موافق عقل و شرع. ناگفته پیداست کسی که در تمام لحظه ها و احوال و در ارتباط با خدا، خود و خَلْقِ خدا، ملازم آداب شرع باشد، این التزام، باطن او را به مکارم اخلاق، آراسته می کند و جز رفتار نیکو از او سر نمی زند و به همان اندازه که در رعایت آداب می کوشد، از حُسن اخلاق، بهره مند است. برای تحقّق این هدف، یعنی تکمیل مکارم اخلاق، اسلام برای اصلاح صفات باطنی و پاک کردن دل از آلودگی ها و آراستن آن به ملکات فاضله و صفات پسندیده، معارف ناب و روشی درخور این مکتب جاودانی دارد که در آیات و روایات، بیان گردیده است. این مبنای اعتقادی و دستورهای تربیتی، از طریق آیات قرآن و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، در اختیار مسلمانان قرار گرفته است. دانشمندان اسلامی، بخصوص اندیشمندان شیعه، برای بهره مندی بیشتر

1- میزان الحکمة، ج 1، ص 104.

2- همان جا.

قرن دوازدهم

مؤمنان، کتاب های بسیاری در این باب تدوین کرده اند. بخشی از این آثار، در قرن دوازدهم و سیزدهم نگاشته شد که به دلیل آمیختگی و ارتباط مطالب و محتوای کتاب ها در حوزه های اعتقادات، آداب و اخلاق، بدون تفکیک موضوع، و به ترتیب زمانی معرفی می شوند:

قرن دوازدهم 1. تقویم الایمان و تحقیق الایمان، از اسماعیل بن محمد باقر حسینی خاتون آبادی (م 1116 ق). این کتاب، در اثبات امامت علی علیه السلام و عقاید شیعه دوازده امامی است که مؤلف بیشتر آن را از صحاح معروف اهل سنت، برگزیده است. (1) 2. جواهر الکلام فی الخصال المحمودة فی الأنام، از احمد بن حسن حرّ عاملی (م بعد از 1120 ق). (2) 3. جوامع الکلم، از سلیمان بن عبد الله ماحوزی (م 1121 ق). این اثر، شامل روایاتی در اصول دین و منقول از امام رضا علیه السلام است. (3) 4. جمال الصالحین السالکین، از ملا حسن بن عبد الرزاق لاهیجی (م 1121 ق). (4) کتاب، شامل احادیث مربوط به فضایل، اعمال، محاسن اخلاق، عبادات، آداب و سنن در دوازده باب است. فهرست ابواب آن در الذریعة (ج 50، ص 130) آمده است. (5)

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 153 (ش 11828).

2- أعیان الشیعة، ج 2، ص 494.

3- فهرست نسخ خطی مرکز احیای میراث اسلامی، ج 1، ص 282 (ش 194).

4- وی، حکیم و عارف شیعی و نوه ملا صدر است که در قم متولد شد، در آن جا و نزد پدرش، صاحب شوارق (م 1051 ق) درس خواند، سپس به عراق رفت و نزد علمای آن روز، فقه و حدیث آموخت تا در علوم به درجه ای عالی رسید. وی کتاب های متعددی تألیف کرده که بیشتر آنها در حکمت و کلام است. از دیگر آثار اوست: تحفة المسافر و شرح الصحیفة (أعیان الشیعة، ج 3، ص 132؛ طبقات أعلام الشیعة، ج 6، ص 177؛ روضات الجنّات، ج 4، ص 197؛ ریاض الجنّة، ج 1، ص 207).

5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 3، ص 213 و ج 14، ص 1017

5. مختصر جمال الصالحين، از ملا حسن بن عبد الرزاق لاهیجی. (1) 6. التوحید و الحجّة، از حیدر علی بن محمد شیروانی (م بعد از 1129 ق). مؤلّف، احادیث مربوط به توحید و خداشناسی و نیز روایاتی را که درباره شناخت حجتّ های الهی است، در این کتاب گرد آورده است. برخی نسخ این کتاب، در دو مجلد، ترتیب یافته است. (2) 7. العروة الوثقی فی إمامة أئمة الهدی، از محمد نعیم بن محمد تقی شریف طالقانی (ملا نعیم) (م بعد از 1158 ق). مؤلّف، دانشمندی بزرگ و در علوم عقلی و نقلی متبحر است و در کتابشناسی، اطلاعات وسیعی دارد. این کتاب در اثبات امامت ائمه علیهم السلام، به روش عقل و نقل و بیشتر مستند به احادیثی است که شیعه و سنی در تفاسیر و کتب حدیث خود، نقل کرده اند. (3) 8. مشرق الأنوار الملکوتیة فی أصول الدین علی ما هو المأثور، از محمد بن علی بن عبد النبی مقابی بحرانی (م بعد از 1168 ق). (4) مؤلّف، در این کتاب، احادیث ائمه اطهار را به اختصار آورده و در ردّ اهل حکمت، سخن گفته است. وی، کتاب را در شش باب، مرتّب نموده است: باب اول: توحید. باب دوم: صفات ثبوتی، سلبی و فعلی. باب سوم: عدل. باب چهارم: نبوت. باب پنجم: امامت، که دو سوم کتاب را در

-
- 1- الذریعة، ج 20، ص 192 (ش 2531).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 15، ص 535 (ش 5976).
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 17، ص 330 (ش 6792)؛ تراجم الرجال، ج 3، ص 411؛ طبقات اعلام الشیعة، ج 6، ص 790.
 - 4- وی، در چندین علم، مهارت داشت، از بسیاری از علما، از جمله: عبد الله بن علی بلادی بحرانی (م 1148)، جدش زین الدین، حسین بن محمد بن جعفر ماحوزی، حسین بن علی بن فلاح بحرانی، عبد الله بن صالح سماهیجی و احمد بن عبد الله بن حسن بلادی کسب علم نمود. وی امام جمعه و جماعت شهر مقاب بود و ریاست مذهبی در امور حسبیه به او رسید. شرح مفصل وسائل الشیعة نیز از اوست (أعیان الشیعة، ج 10، ص 11؛ طبقات اعلام الشیعة، ج 6، ص 704؛ لؤلؤة البحرین، ص 89؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 302).

قرن سیزدهم

بر دارد. باب ششم: معاد. (1) 9. جوامع الآداب، از محمد علی بن ابی طالب لاهیجی (1103 _ 1180 ق). (2) 10. آداب معاشرت، از محمد علی بن ابی طالب لاهیجی (1180 ق). (3) 11. نور الیقین فی أصول الدین، از محمد نصیر بن محمد معصوم بارفروشی (ق 12). کتاب با عنوان «مرآت»، مشتمل بر اخبار و روایات درباره اصول الدین است. مؤلف، در این کتاب، فلاسفه را سخت مورد انتقاد قرار داده است. (4) 12. رساله فی معنی البداء، از غلامرضا بن عبد العظیم کاشانی (ق 12). این کتاب، تحقیق مبسوطی در معنی «بداء» است و با استناد به اخبار و احادیث ائمه اطهار، فراهم آمده است. (5)

قرن سیزدهم 13. الرد علی «نواقض الروافض» لمخدوم بن عبد الباقي، از عبد النبی بن محمد (اوچاق قلی شرف الدین) طسوجی تبریزی (1117 _ 1203 ق). چنان که از نام کتاب بر می آید، ردی است بر نواقض الروافض مخدوم بن عبد الباقي، از نوادگان شریف جرجانی (م 995 ق). (6) 14. معائب النواصب فی الرد علی «نواقض الروافض»، از ابو علی محمد بن اسماعیل حائری (م 1216 ق). (7)

1- الذریعة، ج 21، ص 47 (ش 3901).

2- همان، ج 5، ص 246 (ش 1188).

3- مفاخر اسلام، ج 7، ص 207 _ 351.

4- فهرست نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 596 (ش 11243).

5- همان، ص 265 (ش 6506).

6- الذریعة، ج 10، ص 223.

7- همان جا.

15 . القول الشارح و الحجّة فیما ورد عمّن هو علی العباد حجة ، از حسین بن محمد عصفوری بحرانی (م 1216 ق). کتاب ، در بیان اعتقادات صحیحی است که از قرآن کریم و اخبار اهل بیت علیهم السلام بر می آید ، نه آن طور که از کتاب های فلسفه استفاده شده است. (1) 16 . سنة الهدایة لهدایة السنة ، از محمد علی بن محمد باقر بهبهانی کرمانشاهی (م 1216 ق). کتاب ، شامل بحث هایی است مبتنی بر احادیث اهل سنت در امامت و خلافت بلافضل امیر مؤمنان و بطلان خلافت دیگران. (2) 17 . دوحه الأخبار ، از محمد شریف بن رضا شیروانی (م بعد از 1226 ق). کتاب ، شامل ، احادیث مربوط به آداب و سنن اسلامی و اخلاق است در 56 فصل ، با حذف اسانید و روایات. (3) 18 . كنز السعادات فی الآداب و العادات ، از اسماعیل بن محمد ملك عقدايي (م 1230 ق). (4) 19 . كنز الفوائد ، از محمد كاظم بن محمد شفيع هزار جریبی (م ح 1238 ق). این کتاب ، در بیان مسائل اخلاقی است ، با استفاده از آیات و روایات. (5) 20 . جواهر الأخبار و معتقد الأخبار ، از محمد كاظم بن محمد شفيع هزار جریبی. این اثر ، در باب امامت و شامل ذکر اوصاف امام ، شرایط و برخی معجزات ائمه علیهم السلام است ،

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 15 ، ص 176 (ش 984).
 - 2- همان ، ج 5 ، ص 304 (ش 1938).
 - 3- همان ، ج 26 ، ص 111 (ش 10150) و ج 27 ، ص 135 (ش 10685) ؛ فهرست مشاهیر ایران ، ج 2 ، ص 112.
 - 4- موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 144.
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 36 ، ص 279 (ش 1395) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 8 ، ص 124 (ش 2930) ؛ الذریعة ، ج 18 ، ص 161.

در يك «مقدمه»، چهار «باب» و يك «خاتمه» به فارسی. (1) 21. محك ايمان، از محمد كاظم بن محمد شفيح هزار جریبی. كتاب، در اخلاق و اوصاف مؤمنان و به فارسی است. (2) 22. العصمة و الرجعة، از احمد بن زین الدین أحسایبی (م 1241 ق). این اثر، شامل بحث در عصمت ائمه علیهم السلام و رجعت آنان از دیدگاه اخبار و روایات است. (3) 23. تسلیة الفؤاد فی بیان الموت و المعاد، از سیّد عبد الله شبر (م 1242 ق). (4) كتاب، مشتمل بر احادیثی درباره مرگ و منازل آخرت است که در صورت لزوم با توضیحاتی کوتاه همراه با آنها آمده است. (5) 24. مسکن الفؤاد فی روایات المبدأ و المعاد، از سیّد عبد الله شبر. آقا بزرگ تهرانی، کتابی با این عنوان از شبر، فهرست کرده است (6) که احتمال دارد با تسلیة الفؤاد، یکی باشد. 25. منهج السالکین و زاد العارفین، از سیّد عبد الله شبر. این کتاب، خلاصه علم اخلاق، برگرفته از آیات قران و احادیث اهل بیت علیهم السلام و گفتار بزرگان دین است. (7) 26. الحقّ الیقین فی معرفه أصول الدین، از سیّد عبد الله شبر. در این کتاب، دلایل عقلی و نقلی با هم جمع شده و تطبیق داده شده است. این کتاب، در دو جزء به سال

-
- 1- الذریعة، ج 5، ص 259 (ش 246).
 - 2- همان، ج 20، ص 155.
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 5، ص 203 (ش 180) و ج 15، ص 258 (ش 5875).
 - 4- کتابی با نام تسلیة الفؤاد فی فقد الأولاد نیز از او ذکر شده است (الذریعة، ج 4، ص 179 (ش 2883).
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 20، ص 123 (ش 7748).
 - 6- الذریعة، ج 21، ص 20 (ش 3748).
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 8، ص 57 (ش 2854)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 25، ص 122 (ش 7110)؛ الذریعة، ج 23، ص 24، 189 (ش 417).

1353 ق، در صیدا به چاپ رسیده است. (1) 27. البلاغ المبین فی أصول الدین، از سیّد عبد الله شبر. (2) 28. الدرر المنثورة و الكلمات المأثورة، از سیّد عبد الله شبر. این کتاب در مواعظ، حکم و مکارم اخلاق است، بدون نظم و ترتیب. (3) 29. نهج العارفين، از سیّد عبد الله شبر. کتاب، در اخلاق و شامل «مقدمه» و هفده «باب» است که نسخه آن در کتاب خانه آية الله مرعشی موجود است. (4) 30. برکات القائم لإيقاظ النائم، از ابوالحسن بن محمد کاظم جاجرمی (م بعد از 1258 ق). (5) این اثر، در بیان زیان ظلم و کيفر ظالمان است با استفاده از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام در این باره. (6) 31. رسالة أخلاق الأولياء، از ابوالحسن بن محمد کاظم جاجرمی. این کتاب منظوم، به فارسی و شامل بیش از سیصد و چند «خُلق» است. مؤلف، مستند گفته های خود را از آیات، روایات و گفتار حکما آورده است. (7) 32. ینابیع الحکمة، از ابوالحسن بن محمد کاظم جاجرمی. کتاب شامل احادیثی در مواعظ و اخلاق است که مؤلف به فارسی ترجمه کرده است. وی کتاب خود را با احادیث قدسی آغاز کرده و با مواعظ چهارده معصوم علیهم السلام ادامه می دهد و مواعظ مسیح علیه السلام، لقمان و ابوذر را نیز در پی آنها می آورد. ینابیع، در هفده «اصل» و یک

-
- 1- الذریعة، ج 7، ص 41 (ش 208).
 - 2- همان، ج 3، ص 141 (ش 483).
 - 3- همان، ج 8، ص 137 (ش 513).
 - 4- همان، ج 24، ص 421 (ش 2206).
 - 5- وی دانشمندی متبحر و جامع فنون است و به تدریس و نشر علم مشغول بود و نزد امرا، جایگاهی رفیع داشت. الهدایة المکیة، در درایه نیز از اوست (أعیان الشیعة، ج 2، ص 331؛ تراجم الرجال، ج 1، ص 35؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 44).
 - 6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 3، ص 327 (ش 1156)؛ الذریعة، ج 3، ص 88.
 - 7- الذریعة، ج 11، ص 44.

«خاتمه» ترتیب یافته که «خاتمه» به سخنان خود مؤلف، اختصاص دارد. (1) این کتاب در سال 1304 ق، به چاپ رسیده است. 33. تحفة العراق فی علم الأخلاق، از محمد جعفر بن سیف الدین شریعتمدار (م 1263 ق). مختصری در اخلاق و برگرفته از احادیث اهل بیت علیهم السلام است. در آغاز هر فصل، چند روایت آمده و جای گفته های مؤلف، خالی گذاشته شده است. (2) 34. أصول الدین، از محمد جعفر بن سیف الدین شریعتمدار. مختصری در اصول دین، با استفاده از احادیث در پنج باب است. (3) 35. معین الطالب، از عبد الخالق بن عبد الرحیم یزدی (م 1266 ق). کتاب، شامل دستورهایی برای موفقیت در کسب علم، برگرفته از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام در پنج باب است. (4) 36. النجاح الجامع لأسرار الفوز و الفلاح، از محمد تقی بن میر مؤمن قزوینی (م 1270 ق). کتابی است در فضایل، اخلاق و آداب و مواعظ. (5) 37. مشکاة العارفين فی معرفة أصول الدین، از محمد علی بن محمد برغانی (م 1272 ق). کتاب، در بیان اصول دین و کیفیت ایجاد مخلوقات و احوال عوالم، با استفاده از آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام است. (6) 38. جواهر الأخبار، از نجفعلی بن محمد رضا زنوزی (بعد از 1280 ق). کتاب در ذکر فضایل، مواعظ و ادعیه است که تألیف آن در سال 1280 ق، به اتمام رسیده و پیش از 1309 ق، در تبریز، چاپ سنگی شده است. (7)

-
- 1- همان، ج 25، ص 288؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 19، ص 332 (ش 7525).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 8، ص 283 (ش 3062).
 - 3- همان، ص 297 (ش 3071).
 - 4- همان، ج 18، ص 325 (ش 7188).
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 590 (ش 11960).
 - 6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 11، ص 360 (ش 4363).
 - 7- الذریعة، ج 5، ص 259.

39. کنز الواعظین ، از محمد صالح بن محمد برغانی قزوینی (م 1283 ق). احادیثی که در امر به معروف و نهی از منکر و مواعظ و آداب اسلامی از پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام نقل شده ، در این کتاب ، گرد آمده است. (1) 40. زینة العباد ، از احمد بن شکر نجفی (م 1286 ق). این کتاب در موضوع اخلاق است. (2) 41. الإمام الثانی عشر ، از سید محمد بن عبد الصمد حسینی شهشهانی (م 1287 ق). (3) کتاب ، در بیان راه پیدا کردن ادله ای است که اصول و فروع دین بر آن استوار است ، با استفاده از کتاب خدا و اخبار صحیح اهل بیت ، بدون دخالت معیارهای عقلی. (4) 42. فصل الخطاب ، از سید محمد بن عبد الصمد حسینی شهشهانی. احادیثی درباره اصول و فروع دین در 1507 صفحه در قطع بزرگ ، در این کتاب آمده است. (5) 43. الدرّة الیتمیة ، از محمد کریم خان بن ابراهیم کرمانی (م 1288 ق). این کتاب ، در تهذیب نفس و پرهیز از تشکیک در آنچه از شرع رسیده ، و نکوهش تکیه بر عقل در امور دینی است و برگرفته از آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام . (6) 44. روضات الجنان فی کمال الایمان ، از محمد علی بن محمد کاظم شاهرودی (م 1293 ق). کتاب ، در اصول دین و کلیات اخلاق و مواعظ است ، با استفاده از آیات

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 13 ، ص 387 (ش 5183).

2- الذریعة ، ج 12 ، ص 93 (ش 609).

3- وی از فقهای بزرگ شیعه است که در محله شهشهان اصفهان به تدریس و افتا مشغول بود. او نزد بزرگانی چون حاج محمد ابراهیم کلباسی ، سید محمد مجاهد ، سید محمد بن سید علی طباطبایی درس خواند. میرزا محمد حسن شیرازی و صاحب روضات الجنات ، از شاگردان او هستند. وی در تخت فولاد ، مدفون است (أعیان الشیعة ، ج 9 ، ص 70 ؛ ریحانة الأدب ، ج 3 ، ص 275 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 472 ؛ الکنی والألقاب ، ج 2 ، ص 643 ؛ رجال اصفهان ، ج 1 ، ص 133).

4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 16 ، ص 88 (ش 6081).

5- أعیان الشیعة ، ج 10 ، ص 44.

6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 16 ، ص 87 (ش 6081).

و روایات و شرح آنها در چند فصل. (1) 45. عبقات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار، از میر حامد حسین بن محمد قلی لکهنوی هندی (م 1306 ق). این کتاب، به فارسی و در موضوع امامت است و مهم ترین کتاب در این باب، از صدر اسلام تاکنون به حساب می آید و در واقع ردّ باب امامت از کتاب تحفه اثنی عشریه عبد العزیز دهلوی از علمای اهل سنت (م 1239 ق) است که در آن، پاره ای از احادیث وارد شده درباره امامت امام علی علیه السلام با عباراتی خارج از آداب مناظره، انکار شده است. میر حامد حسین، در عبقات، (2) متواتر بودن و صحّت سند احادیث مورد بحث را به صورت ابتکاری و بر اساس کتب رجال خود اهل سنت، اثبات کرده است. کتاب وی، بزرگ ترین کتاب در نوع خود، با بیش از بیست مجلد سند و استدلال است. این کتاب شریف، دارای دو «منهج» است: منهج اول، درباره اثبات دلالت آیاتی چند از قرآن بر امامت است؛ مانند آیات، «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...»، «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ...» و... که این مجلد، چاپ نشده است و در کتاب خانه مؤلف در لکهنو موجود است. منهج دوم، درباره احادیث دوازده گانه در باب امامت است. این منهج، دوازده مجلد است. هر حدیث در یک مجلد آمده و برخی از این مجلّات، خود در چندین مجلد، چاپ شده است. (3) احادیث دوازده گانه عبقات عبارت اند: 1. حدیث غدیر، 2. حدیث منزلت، 3. حدیث ولایت، 4. حدیث طبر، 5. حدیث مدینه العلم، 6. حدیث تشبیه، 7. حدیث مناصبت، 8. حدیث نور، 9. حدیث رایت، 10. حدیث

1- همان، ج 7، ص 284 (ش 2719).

2- عبقات (به فتح عین و کسر باء)، جمع عقبه و به معنای چیزی است که بوی خوش دارد و کلمه انوار، جمع نور (به فتح نون و سکون واو) به معنای گل یا گل سفید است (عبقات الأنوار، ج 1، مقدمه).

3- برای اطلاع بیشتر درباره روش میر حامد حسین در تألیف عبقات و چاپ های آن، رک: دانش نامه امام علی علیه السلام، ج 12، ص 294_309.

حق ، 11. حدیث تأویل ، 12. حدیث ثقلین. عبقات الأنوار ، توسط سید علی حسینی میلانی ، تلخیص و به عربی ترجمه شده است و با عنوان خلاصة عبقات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار ، در سال 1405 ق ، در تهران به چاپ رسیده است. (1) 46 . جواهر مخزون ، از محمد علی بن محمد کاظم شاهرودی (م 1293 ق). کتاب ، در بیان اسرار عصمت و ولایت و رجعت اهل بیت علیهم السلام ، با استفاده از آیات قرآن ، روایات بسیار و گفتار دانشمندان کلام است. (2) 47 . سرور المقبلین و نبهة الغافلین ، از علی بن حسین رکنی عاملی (ق 13 ق). مؤلف ، در این کتاب ، احادیث مربوط به توحید ، نبوت ، امامت و بعضی از آداب اخلاق اسلامی را بدون ذکر سند و با حذف نام منابع ، در پانزده باب آورده و در شعبان 1262 ، به اتمام رسانده است. وی از شاگردان سید کاظم رشتی بوده و اعتقادات او بر مبنای روش شیخیه است. (3) 48 . وسیلة النجاة ، از سید عبد الرزاق بن محمد حسینی لواسانی (ق 13 ق). کتاب در اثبات امامت ائمه علیهم السلام با مقدمه ای در توحید است و بیشتر ، از احادیث بهره گرفته شده است. (4) 49 . مرآة القلوب ، از سید صادق بن حسین صراف توشخانگی (ق 13 ق). کتاب در مواعظ و نصایح منقول از کتاب های معتبر حدیث ، احادیث قدسی و برخی از آیات قرآن ، و نیز حاوی مباحث کلامی درباره لزوم رسالت پیامبران و اوصیای آنان است. (5)

-
- 1- الذریعة ، ج 10 ، ص 108 ؛ ریحانة الأدب ، ج 3 ، ص 371 ؛ عبقات الأنوار ، ج 1 ، مقدمه ، ص 44.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 8 ، ص 39 (ش 2834) ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 618.
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 13 ، ص 193.
 - 4- همان ، ج 9 ، ص 221 (ش 2435).
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 14 ، ص 286 (ش 864).

3_3_2. تفاسیر روایی

50. ریاض الأنوار لرياضة الأبرار، از محمد جعفر حسینی سبزواری (ق 13 ق). کتاب با عناوین «روضه»، مشتمل بر احادیث منقول از اهل بیت علیهم السلام درباره آداب و سنن، مواعظ و مناقب است که از کتب معتبر، برگزیده شده و اسناد آنها، حذف شده اند. (1) 51 . بهجة الناظرین، از محمد حسین بن محمد محسن کرمانشاهی (ق 13 ق). این کتاب، شامل احادیث متفرقه ای بیشتر در پند و اندرز است و در سال 1260 ق، به پایان رسیده است. (2) 52 . سراج النفوس، از محمد علی بن یوسف تویسرکانی (ق 13 ق). کتاب، در اخلاق و آداب اسلامی و برگرفته از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام است. (3) 53 . انوار، از رحیم بن محمد نصیر (ق 13 ق). این کتاب، مشتمل بر 23 «نور» در بیان آداب و سنن و اخلاق اسلامی و سعد و نحس ایام است. (4) از مجموع آثاری که در موضوع اعتقادات و اخلاق بر شمرده‌ام، تنها یازده مورد، مربوط به قرن دوازدهم بود و سایر آثار در قرن سیزدهم نوشته شده است. این نکته، بیانگر آن است که در قرن سیزدهم، توجه دانشمندان شیعه به مباحث اعتقادی و اخلاقی بیشتر بوده است. چنان که قبلاً نیز اشاره شد، شاید بتوان گفت که یکی از دلایل این امر، ظهور انحرافات فکری و اعتقادی و القای شبهات از سوی دشمنان و شدت یافتن نفوذ فرهنگ و تمدن غرب در میان مسلمانان در این مقطع تاریخی بوده که به طور طبیعی، عالمان شیعه را به مقابله وا داشته است.

3_3_2. تفاسیر روایی تفسیر، در لغت به معنای آشکار کردن و بیان معنای چیزی است و در اصطلاح، به

1- همان، ص 273 (ش 15858).

2- همان، ج 10، ص 28 (ش 3907).

3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 15، ص 311 (ش 5927).

4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 91 (ش 15117).

علمی اطلاق می شود که به وسیله آن ، معانی قرآن کریم بیان شود و حکمت های آن ، استخراج گردد. (1) تفسیر نقلی یا تفسیر مأثور ، در اصطلاح ، هم شامل تفسیر آیات قرآن کریم به وسیله خود آیات شریف ، هم تفسیر آیات توسط روایات پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام ، و هم تفسیر آیات با استفاده از اقوال رسیده از صحابیان بیان می شود. (2) البته تفسیر نوع سوم ، به شرط صحّت شرایط ، مورد قبول است. نکته دیگر این که بسیاری از روایات نیز به تفسیر آیات قرآن به وسیله آیات دیگر ، اشمال دارد. چنان که از برخی آیات قرآن پیداست ، یکی از وظایف پیامبر اکرم در کنار ابلاغ وحی تلاوت آیات قرآن بر مردم ، تبیین و تفسیر آیات شریف قرآن است ، از جمله این آیه شریف که می فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ». (3) علامه طباطبایی ، در تفسیر این آیه می گوید: مقصود از «ذکر مُنَزَّل» ، لفظ قرآن کریم است و مراد از «ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» ، معانی احکام و شرایع و سایر مطالب شرع است. (4) همچنین ، ایشان می گوید که در آیه « هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ » ، (5) منظور از تعلیم کتاب ، بیان الفاظ و تفسیر معانی مشکل قرآن است ، در مقابل تعلیم حکمت ، که عبارت از معارف حقیقی ای است که قرآن ، متضمّن آن است. (6)

1- البرهان فی علوم القرآن ، ج 1 ، ص 13.

2- التفسیر و المفسرون ، دانشگاه علوم اسلامی رضوی ، چاپ اول ، 1377 ش.

3- نحل ، آیه 44.

4- المیزان ، ج 12 ، ص 274.

5- جمعه ، آیه 2.

6- المیزان ، ج 19 ، ص 306.

برخی محققان نیز از پاره ای روایات، چنین استفاده می کنند که پیامبر اکرم، بخشی از معانی آیات قرآن و تفسیر آنها را از طریق وحی دریافت می نمود. به عبارت دیگر، دو گونه وحی بر ایشان نازل می شد: وحی قرآنی و وحی تفسیری یا بیانی. یکی از روایات ناظر به این معنا، این روایت است: *أَيْحَسَبُ أَحَدُكُمْ مُتَكِنًا عَلَى أَرْيَكْتِهِ قَدْ يُظَنُّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يُحَرِّمْ شَيْئًا إِلَّا مَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ، أَلَا وَإِنِّي وَعَظْتُ وَأَمَرْتُ وَنَهَيْتُ عَنْ أَشْيَاءِ أَتَّهَلُّ الْقُرْآنَ أَوْ أَكْثَرَ... (1)* آیا یکی از شما در حالی که به تخت [خلافت] تکیه زده، از روی گمان می گوید: خداوند، جز آنچه در قرآن آمده است، چیزی را حرام نکرده است؟ بدانید که من، موعظه نمودم و امر کردم و از چیزهایی نهی کردم که مثل آنهایی است که در قرآن آمده یا بیشتر از آن است. علامه سیّد مرتضی عسکری می گوید: *يَكُ مَعْنَايَ سَخْنِ بِيَامِبِرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (أَنَّهَا لَمْ تَمَثَلِ الْقُرْآنَ)*، این است که آن مواعظ و امر و نهی ها را نیز از طریق وحی، دریافت نموده و در شرح احکام الهی، بیشتر از قرآن است. (2) باید گفت: گرچه مواعظ و امر و نهی های رسول اکرم، در حکم وحی است و بر اساس نصّ قرآن کریم، پیامبر خدا، «لَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى»؛ ولی در این روایت، ظاهراً تعبیر «لمثل القرآن»، بیانگر حجم بیانات شریف نبوی است، نه دریافت آنها از طریق وحی و لفظ «أو اکثر» هم مؤید این نکته است. به هر ترتیب، پیامبر اکرم، آیات قرآن را برای اصحاب، تفسیر و تبیین می نمود و محکم و متشابه، مجمل و مبین، ناسخ و منسوخ، و فروع احکام و جزئیات معارف قرآن را بیان می کرد. برخی از اصحاب ایشان نیز بر اساس سخنان ایشان، به تفسیر قرآن می پرداختند. (3) البته امام علی علیه السلام دست پرورده پیامبر صلی الله علیه و آله و باب شهر دانش آن

1- القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج 1، ص 159 (به نقل از: سنن أبی داوود، ج 2، ص 64).

2- همان جا.

3- تاریخ تفسیر قرآن کریم، تهران: اسوه، 1372 ش، اول.

حضرت بوده و جایگاه خاص خود را دارد و دیگر صحابیان، با ایشان، قابل مقایسه نیستند. سایر امامان معصوم علیهم السلام نیز هر يك به اقتضای زمان خویش، در باب تفسیر آیات قرآن کریم، تلاش های فراوان نمودند و شاگردانشان نیز در ثبت و ضبط بیانات تفسیری آنان، کوشش بسیار کرده اند که حاصل آن، به صورت روایات تفسیری در کتب تفسیر روایی و جوامع حدیثی در دسترس مردم قرار دارد. دانشمندان شیعه نیز در دوره های مختلف، نسبت به گردآوری و تدوین این روایات، توجه ویژه ای داشته اند و در هر دوره، کتاب هایی در این زمینه، نگاشته شده است. دو قرن دوازدهم و سیزدهم که موضوع بحث این جستار است، نیز از این نکته، مستثنا نیست و ما شاهد تألیف کتاب های ارزشمندی در باب تفسیر روایی هستیم که اینک در این مجال، بدانها اشاره می شود: 1. نور الثقلین، از عبد علی بن جمعه عروسی حویزی (م 1112 ق). مؤلف، فقیه و محدث بزرگ شیعه، هم عصر علامه، شیخ حرّ عاملی و سید هاشم بحرانی و از استادان سید نعمه الله جزایری در شیراز بوده است. وی، مشرب اخباری داشته، در شیراز ساکن بوده و در آن جا به تدریس مشغول بوده است. وی به سال 1112 ق، در بصره درگذشت. در تفسیر ارزشمند نور الثقلین، تنها از کتب معتبر شیعه، حدیث نقل شده و نام مأخذ، در ابتدای هر حدیث، آمده و برخی احادیث نیز تقطیع شده است. در بیشتر موارد، از زنجیره سند، به اختصار یاد شده است. مؤلف در برخورد با اخبار متعارض، اظهار نظر نمی کند و تحقیق را به عهده خواننده می گذارد. (1) 2. المعین فی تفسیر الکتاب المبین، از نور الدین محمد بن شاه مرتضی کاشانی (اخباری) (م 1115 ق). این کتاب، برگرفته از احادیث است و بیشتر به تفسیر الصافی فیض، ارجاع داده است. (2) این تفسیر با تحقیق آقای حسین درگاهی، توسط انتشارات

1- تفسیر شیعه و مفسران آن، ص 239.

2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 16، ص 343 (ش 6385).

کتاب خانه آیه الله مرعشی در سال 1370 ش، به چاپ رسیده است. 3. تفسیرالشیخ أحمد، از احمد بن حسن حرّ عاملی، معروف به «شیخنا» (م بعد از 1120 ق). روش این تفسیر، اخباری است. (1) 4. الأمان من النيران فی تفسیر القرآن، از میرزا عبد الله بن عیسی افندی (م 1130 ق). این کتاب، بیشتر اخبار روایت شده از اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن را در بردارد. (2) 5. أنوار الهدایة فی التفسیر بالروایة، از علی بن حسین کربلایی (زنده در 1136 ق). این کتاب، در سه فصل، ترتیب یافته است. فصل اول، در تفسیر آیه: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُؤَسُّوسُ بِهِي نَفْسُهُ». (3) فصل دوم، در تفسیر آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ». (4) فصل سوم، در بیان علوم دینی و نقل پاره ای از سخنان شیخ بهایی در اربعین وی. نسخه ای از این کتاب در کتاب خانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدّس، موجود است. (5) 6. مرآة الأنوار و مشکاة الأسرار، از ملا ابو الحسن بن محمّد طاهر عاملی غروی اصفهانی (م 1140 ق). مؤلّف، از اجداد صاحب جواهر و خواهرزاده میر محمّد صالح خاتون آبادی است. او در این کتاب، تنها به آنچه در متون روایات آمده، بسنده کرده و جز بخشی از مقدمات آن به انجام نرسیده است که آن هم در یک مجلّد، به چاپ رسیده است. (6) 7. صوافی الصافی بختیاری، از یعقوب بن ابراهیم بختیاری (م 1147 ق). کتاب، گزیده ای از الصافی فیض کاشانی در یک مجلّد بزرگ است. (7)

1- الذریعة، ج 4، ص 259 (ش 1218).

2- همان، ج 2، ص 343 (ش 1364).

3- بق، آیه 16.

4- انفال، آیه 24.

5- الذریعة، ج 2، ص 446 (ش 1732)؛ طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 547.

6- الذریعة، ج 20، ص 264 (ش 2893).

7- همان، ج 15، ص 95 (ش 420)؛ طبقات مفسران شيعه، ج 3، ص 420.

8. قلائد الدرر فی بیان آیات الأحكام بالأثر، از شیخ احمد بن اسماعیل بن عبد النبی جزایری (م 1151 ق). (1) 9. مجمع النورین فی هداية كافة الثقلین (موجود در 1156 ق)، از مؤلفی ناشناخته. تفسیری است مأثور از ائمه علیهم السلام که از الکافی و تفسیر القمی گردآوری شده است. (2) 10. کنز الدقائق و بحر الغرائب، از میرزا محمد بن محمد رضا مشهدی قمی (م 1125 ق). استاد وی، در تقریظی بر این کتاب می گوید: این تفسیر، به آنچه از اهل بیت علیهم السلام وارد شده، بسنده کرده و نظیر نور الثقلین و به جهاتی از آن، نیکوتر است. از جمله آن جهات است: ذکر اسانید، بیان ربط آیات و ذکر اعراب. گویی از نور الثقلین اقتباس نموده و زیاداتی با آن، همراه کرده است. (3) وی آیات قرآن را با شرح مزجی: قرائت، لغت، نحو، اعراب و بلاغت، ذکر کرده و سپس، نقل اخبار را شروع می کند و گاه، سخنانی در مخالفت با آنچه در نور الثقلین است، بر زبان می آورد. (4) این کتاب، با تحقیق آقای حسین درگاهی، توسط انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در چهارده مجلد، به سال 1369 ش، و نیز با تحقیق آقای مجتبی عراقی، به همت مؤسسه النشر الإسلامی به سال 1366 ش، و همچنین توسط خود وی در قم به سال 1370 ش، به چاپ رسیده است. 11. الجوهر الثمین فی تفسیر القرآن المبین، از سید عبد الله بن محمد رضا شبر (م 1242 ق). تفسیری مزجی مانند الصافی است، بدون مقدمات و در دو مجلد بزرگ. (5)

1- همان، ج 17، ص 161 (ش 850).

2- همان، ج 20، ص 47 (ش 1861)؛ طبقات مفسران شیعه، ج 3، ص 434.

3- الذریعة، ج 18، ص 152.

4- همان جا.

5- همان، ج 5، ص 288 (ش 1345).

12 . صفوة التفاسیر ، از سیّد عبد الله بن محمّد رضا شبّر. این کتاب ، نسبت به الجواهر الثمین ، تفسیری متوسط است. (1) 13 . غنائم العارفین فی تفسیر القرآن المبین ، از محمّد علی بن محمّد برغانی قزوینی (م 1272 ق). تفسیر مفصّلی است با استناد به احادیث اهل بیت علیهم السلام ، دارای رمزهایی برای منابع حدیث. مؤلّف ، مطالبی را نیز به روشی مایل به شیخیه به طور مفصّل می آورد و از شیخ احمد احسائی با عنوان «قطب العارفین» ، نقل قول می کند. (2) 14 . بحر العرفان و معدن الإیمان ، از محمّد صالح بن محمّد برغانی قزوینی (م 1283 ق). تفسیر جامعی است در هفده مجلّد ، شامل معانی ظاهر و باطن آیات ، بنا بر آنچه در روایات معصومان علیهم السلام آمده است . مؤلّف ، احادیث روایت شده از ائمه علیهم السلام در تفسیر را جمع آوری کرده است و در پی هر آیه ، احادیث مربوط به آن ، سپس مطالب لغوی ، اعراب ، شأن نزول و . . . را می آورد. (3) 15 . مفتاح الجنان فی حلّ رموز القرآن المبین ، از محمّد صالح بن محمّد برغانی قزوینی. این کتاب ، مختصر تفسیر بحر العرفان یاد شده است و خود را مقیّد کرده است که فقط از آنچه از معصومان علیهم السلام در تفسیر روایت شده ، استفاده کند. این کتاب در سال 1363 ش ، در تهران توسط انتشارات جهان ، منتشر شده است. (4) 16 . التفسیر بالمأثور ، از علی اصغر بن محمّد حسن قائنی (م 1310 ق). (5) 17 . بصائر الإیمان فی تفسیر القرآن (درّة الصفا فی تفسیر أئمة الهدی) ، از سیّد صبغة الله بن سیّد جعفر کشفی دارابی (ق 13 ق). مؤلّف ، از شاگردان صاحب جواهر و شیخ

1- همان ، ج 15 ، ص 48 (ش 318).

2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 23 ، ص 277 (ش 9149).

3- همان ، ج 13 ، ص 265 (ش 5073 ، 5074 ق) ؛ الذریعة ، ج 3 ، ص 41.

4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 6 ، ص 50 (ش 2042) ؛ معجم مطبوعات العربیة فی ایران ، ص 245.

5- الذریعة ، ج 4 ، ص 265 (ش 1236) .

4_3_2. ادعیه و زیارات

اشاره

انصاری است که در نجف به دنیا آمد و در کربلا وفات نمود. کتاب وی، تفسیری مزجی و بزرگ، نزدیک به روش الصافی است، در سه مجلد. (1) 18. أحسن التفاسیر، از محمد باقر بن عبد الصاحب خشتی دوانی (ق 13 ق). مؤلف به نقل روایات اهل بیت علیهم السلام بسنده کرده است. او ابتدا تا آخر تفسیر سوره فاتحه را به طور مفصل نوشته است. سپس، از اتمام آن صرف نظر نموده و تفسیری مختصرتر نوشته و آن را به فارسی ترجمه کرده است. (2) با توجه به محدود بودن روایات تفسیری و این که دانشمندان قرون گذشته نیز در عرصه تفسیر روایی آثاری داشته اند، نگارش این تعداد تفسیر، قابل تحسین است. قابل توجه این که برخی از این تفاسیر، مانند بحر العرفان و معدن الإیمان از ملا محمد صالح قزوینی به جمع آوری همه روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام پرداخته اند.

4_3_2. ادعیه و زیارات دعا، در لغت به معنای استغاثه، به یاری طلبیدن، عبادت، و درخواست عفو و رحمت از خدا آمده است و از آن جهت که این درخواست ها از سوی انسان، معمولاً با تعبیری همچون: «یا الله» و «یا رب» و... شروع می شود، «دعا» نامیده شده و جمع آن، ادعیه است. (3) و در اصطلاح اهل شرع، دعا به معنای گفتگو کردن با حق تعالی به نحو طلب، حاجت و درخواست حل مشکلات از درگاه او، و یا به نحو مناجات و یاد صفات جلال و جمال ذات اقدس اوست (4) و به معنای خواندن جمله های منقول از پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام در اوقات معین یا نامعین برای طلب آمرزش و بر آورده شدن

1- همان، ج 3، ص 123 (ش 413).

2- همان، ج 1، ص 286 (ش 1497).

3- لسان العرب، ذیل «دعاء».

4- المصباح المنیر، ص 16_17: برای اطلاع بیشتر نسبت به نقش دعا در زندگی انسان، رکن: همان، ص 13_34.

حاجات، نیز آمده است. (1) حاجی خلیفه، در کشف الظنون آورده است: علم ادعیه و اوراد. در اصطلاح، علمی است که از دعاهای مأثور و وردهای مشهور، بحث می کند و تصحیح، ضبط، روایت، بیان خواص، عدد تکرار، اوقات و شرایط قرائت آن را مورد توجه قرار می دهد. مبادی آن، بر علوم شرعی بنا شده و غرض از آن، شناخت ادعیه است، تا با به کار بردن آنها به فواید دینی و دنیایی برسند. به جهت استمداد این علم از کتب احادیث، از فروع علم حدیث، شمرده می شود. (2) البته باید دانست که دعاهای نقل شده از ائمه اطهار، تنها به شرطی که از قواعد روایت تبعیت کند، مصداق حدیث خواهد بود و ممکن است همانند دیگر متون حدیثی، اقسام مختلفی چون: مسند، مُرسَل، مرفوع، صحیح و ضعیف داشته باشد. خداوند متعال، در قرآن کریم، نسبت به دعا توجه ویژه ای دارد. در برخی از آیات، بندگان خود را به دعا امر کرده (3) و در آیاتی، دعای بندگان را موجب عنایت پروردگار به آنان دانسته است. علاوه بر آن، آیات بسیاری از قرآن کریم به نقل دعاهای پیامبران الهی و مؤمنان و بندگان صالح خدا، اختصاص یافته است. (4) در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز دعا، جایگاه والایی دارد. پیامبر خدا، دعا را سلاح مؤمن، ستون دین و نور آسمانها و زمین دانسته (5) و ترك آن را گناه شمرده است. (6) بنا به گزارش صاحب الذریعة، این توجه و اهتمام نسبت به دعا، از دوره پیامبر

1- فرهنگ معین، ذیل «دعا».

2- کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، ج 1، ص 75 (الف / ادعیه).

3- اعراف، آیه 55؛ غافر، آیه 65.

4- فرقان، آیه 77.

5- الکافی، ج 4، ص 213 (کتاب الدعاء، ح 1).

6- میزان الحکمة، ج 4، ص 1644 (ش 5518).

قرن دوازدهم

اکرم آغاز شده و پس از ایشان، در دوران ائمه علیهم السلام ادامه یافته و به غیبت صغرا ختم گردیده است. در طول این مدت، اصحاب ائمه، احادیث مشتمل بر دعا را، همچون سایر سخنان آن بزرگواران در اصول و احکام دین، با احتیاط تمام در دفاتر و کتاب های خود به نگارش در می آوردند و تلاش می کردند تا الفاظ دعاها را ماثور از ائمه علیهم السلام از تغییر و تبدیل، در امان بماند. بدین وسیله، در میان اصول و کتاب های روایی اصحاب ائمه علیهم السلام تعدادی از آنها به دعا اختصاص یافت. (1) دانشمندان شیعه نیز در قرون مختلف، همواره نسبت به دعاها ماثور، اهتمام ورزیده اند و کتاب هایی را در این مورد، تدوین نموده اند و یا به شرح و تفسیر پاره ای از ادعیه پرداخته اند. توجه به این کار در دو قرن دوازدهم و سیزدهم نیز چشمگیر است و آثار قابل توجهی به گردآوری یا شرح دعاها ماثور، اختصاص یافته است که بسیاری از دعاها مندرج در این کتب، با ترتیب و تنظیم خاصی در تألیفات قرن اخیر به چاپ رسیده و بخشی از آنها نیز به صورت نسخه های دست نویس در کتاب خانه های مهم، موجود است. در این جا این آثار را به ترتیب زمانی می آوریم.

قرن دوازدهم 1. الأدعية الكافية، از نور الدین محمد بن شاه مرتضی کاشانی (م 1115 ق). (2) 2. تحفة الرضا علیه السلام، از محمد حسین بن مرتضی قلی پیش نماز (م بعد از 1119 ق). (3) این کتاب، مکمل هدایة السالکین یا زاد السالکین مؤلف و در بیان مسائل حج

1- الذریعة، ج 8، ص 173.

2- همان، ج 1، ص 398.

3- وی، چندین سال در مشهد مقدس درس خواند و از جمله مشایخ او شیخ حرّ عاملی است. وی به مدت بیست سال از مشهد خارج شد و در سال 1119 ق، به این شهر بازگشت. وی پادشاه صفوی عصر خود را بسیار مدح می کرد و تألیفات خود را به او تقدیم می نمود و از مشایخ خود، اجازاتی دارد (تراجم الرجال، ج 3، ص 218؛ طبقات أعلام الشیعة، ج 6، ص 189؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 126 (ش 3121)).

و ادعیه و آداب مشعر الحرام و چگونگی زیارت پیامبر اکرم، فاطمه زهرا و ائمه بقیع علیهم السلام است. (1) 3. الکلم الطیب و الغیث الصیب، از سید علی خان بن احمد شیرازی (م 1120 ق). این کتاب، شامل ادعیه و حرزهایی است که در اوقات و حالات مختلف خوانده می شود و در احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است. (2) این کتاب، به چاپ رسیده است. 4. الکلم الطیب، از سید علی خان بن احمد شیرازی. این کتاب، غیر از کتاب پیشین است. (3) از این کتاب در الذریعة یاد نشده است. 5. تحفة المسافر، از حسن بن عبد الرزاق لاهیجی (م 1121 ق). کتاب، شامل آداب و دعاهاى سفر و گزیده جمال الصالحین مؤلف است. (4) 6. المنارات الظاهرة فی الاستخارات المأثورة عن العترة الطاهرة، از سلیمان بن عبد الله ماحوزی (م 1121 ق). (5) 7. جناح النجیح إلى براح الريح، از محمد بن محمد محسن (علم الهدی) کاشانی (م 1123 ق) دعاهایی است که در موارد مختلف باید خواند. (6) 8. سرور صدور اولیا، از محمد بن محمد محسن کاشانی. این کتاب، درباره چگونگی صلوات فرستادن بر ائمه علیهم السلام است که در روایات وارد شده یا انشای بزرگان و خود مؤلف است. (7)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 126 (ش 3121).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 23، ص 132 (ش 8963).
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 35، ص 326 (ش 12365).
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 16، ص 176 (ش 6177)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 19، ص 305.
 - 5- فهرست نسخ خطی مرکز احیای میراث اسلامی، ج 1، ص 274 (ش 194).
 - 6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 35، ص 285 (ش 12323).
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 5، ص 149 (ش 1768).

9. عروة الأخبات فیما یقال عند الأوقات ، از محمد بن محمد محسن کاشانی. این کتاب در هشت باب ترتیب یافته است. (1) 10 .
 مرقاة الجنان إلى روضات الجنان ، از محمد بن محمد محسن کاشانی. کتاب ، شامل دعاهاى شب و روز و ایام هفته و ماه و... است که
 در هشت «درجه» بیان شده است . این اثر ، مختصر عروة الأخبات است. (2) 11 . مقلاد الرشاد ، از محمد بن محمد محسن کاشانی.
 این کتاب ، شامل دعاهایی است که مکلف در هفته باید بخواند. (3) 12 . ادعیه و زیارات ، از محمد (جمال الدین) بن حسین خوانساری
 (م 1125 ق). (4) 13 . مزار ، از جمال الدین خوانساری. کتاب ، شامل زیارات مخصوص امام رضا علیه السلام است. (5) 14 . زیادة
 الدعوات و الآداب ، از محمد سلیمان بن تاریقلی جرجی (بعد از 1125 ق). (6) این کتاب ، شامل اذکار و ادعیه برای مقاصد مختلف
 است. (7) 15 . ذریعة النجاح ، از میر محمد صالح بن عبد الواسع خاتون آبادی (م 1126 ق).

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 35 ، ص 282 (ش 12323) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله
 مرعشی ، ج 27 ، ص 360 (ش 10952).
- 2- همان ، ج 13 ، ص 183 (ش 4990) و ج 15 ، ص 210 (ش 5823 ، 5827).
- 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 35 ، ص 350 (ش 12394).
- 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 13 ، ص 33 (ش 13297).
- 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 452 (ش 20086).
- 6- وی از دانشمندان بزرگ شیعی است که در ادبیات عرب و علوم اسلامی دارای اطلاع وسیع بود وی در اصفهان اقامت داشت ، در
 آثارش سخن را کِش می دهد و از دقت و احاطه خالی نیست. از دیگر آثار اوست: شرح الصحيفة السجادية ، ترجمة رياض السالكين
 (تراجم الرجال ، ج 3 ، ص 261 ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 20 ، ص 95 ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه
 آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 273).
- 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 20 ، ص 95 (ش 7722) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ،
 ج 15 ، ص 273 .

کتاب ، شامل اعمال و دعاهاى ایام سال در دوازده باب است. (1) 16 . حدائق الجنان ، از میر محمد صالح بن عبد الواسع خاتون آبادی. کتاب ، شامل آن دسته از زیارات معصومان علیهم السلام است که دارای سند و متنی قوی است. (2) 17 . آداب دعا ، از سید محمد باقر بن اسماعیل حسینی خاتون آبادی (م 1127 ق) (3) . (4) 18 . تعقیبات نمازها ، از سید محمد باقر بن اسماعیل حسینی خاتون آبادی. (5) 19 . عین الحیاة ، از محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی (م 1129 ق). کتاب مفصّلی است در بیان دعاهاى منقول از ائمه علیهم السلام که مخصوص وقت خاصی نیست. (6) 20 . کتاب الزیارات ، از محمد حسین بن حسن لبنانی گیلانی (م 1129 ق) (7) . (8) 21 . مختصر مصباح المتعبد ، از حیدر علی بن محمد شیروانی (م بعد از 1129 ق). (9) 22 . المزار ، از حیدر علی بن محمد شیروانی. کتاب ، شامل زیارات معصومان علیهم السلام

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 1 ، ص 413 (ش 379) و ج 4 ، ص 171 (ش 1399).
 - 2- همان ، ج 16 ، ص 299 (ش 6242) .
 - 3- وی از عالمان بزرگ شیعه در اصفهان و جامع علوم عقلی و نقلی بوده و از منزلت اجتماعی والایی برخوردار بوده است. ترجمه البلد الامین نیز از اوست (تراجم الرجال ، ج 3 ، ص 73 ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 20 ، ص 254 (ش 660).
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 20 ، ص 254 (ش 660).
 - 5- همان جا .
 - 6- همان ، ج 10 ، ص 359 (ش 3979) و ج 19 ، ص 291 (ش 7497). فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 38 ، ص 514 (ش 14385).
 - 7- وی از فقها ، محدثان و متکلمان شیعه است که همراه پدرش از گیلان به اصفهان مهاجرت کرد و در محله لبنان ، سکونت گزید. وی ، همدرس میرزا عبد الله افندی بود و نزد علامه مجلسی و آقا جمال خوانساری ، شاگردی کرد و از محمد صادق تنکابنی اجازه روایت دارد. او در تخت فولاد اصفهان ، مدفون است. از دیگر آثار اوست: شرح الصحيفة السجادية (موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 12 ، ص 360 ؛ أعيان الشيعة ، ج 5 ، ص 476 ؛ طبقات أعلام الشيعة ، ج 6 ، ص 218 ؛ تلامذة العلامة المجلسی ، ص 90 ؛ روضات الجنّات ، ج 2 ، ص 358).
 - 8- موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 12 ، ص 329 .
 - 9- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 10 ، ص 331.

است که از منابع صحیح، گردآوری شده است. (1) 23. الدرر المنظومة الماثورة في جمع اللثالی الأدعية السجادية المشهورة (الصحيفة السجادية)، از عبد الله بن عیسی افندی (م 1130 ق). این کتاب در سال 1324 ق، در تهران، چاپ سنگی شده و در سال 1400 ق، توسط مکتبه الثقلمین در قم به چاپ رسیده است. (2) 24. لسان الواعظین و جنات المتعظین، از عبد الله بن عیسی افندی. کتاب، در اعمال سال و در چند مجلد است. (3) 25. المزار، از محمد قاسم بن محمد رضا هزار جریبی (م بعد از 1132 ق). (4) 26. الکلم الطیب و العمل الصالح و الغیث الصیب و المیزان الراجح، از عبد الله بن صالح سماهیجی (م 1135 ق). این کتاب، در شش فصل، شامل تعقیبات مشترک و مختص نمازها و دعاها صبح و شام، همراه با توضیحات فقهی است. (5) 27. الصحيفة العلویة و التحفة المرتضویة، از عبد الله بن صالح سماهیجی. مؤلف، در این کتاب، 156 دعا از دعاها امام علی علیه السلام را از کتاب های معتبر و مشهور، گرد آورده و نام منابع را ذکر و اسناد احادیث را حذف نموده است. وی، دعاها کتاب را در چهل موضوع، تنظیم کرده است. 26 نسخه خطی از این کتاب، توسط محققان،

-
- 1- همان، ج 1، ص 150 (ش 129).
 - 2- همان، ج 5، ص 332 (ش 1960) و ج 6، ص 18 (ش 6900)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 35، ص 328 (ش 12367)؛ الذریعة، ج 8، ص 138؛ معجم المطبوعات العربیة فی ایران، ص 332 و 338.
 - 3- أعیان الشیعة، ج 8، ص 65.
 - 4- وی، فقیه، محدث، ادیب و از علمای مشهور شیعه در عصر شاه سلطان حسین صفوی است. او شاگرد و داماد علامه مجلسی است و از او اجازه روایت دارد (أعیان الشیعة، ج 10، ص 39؛ طبقات أعلام الشیعة، ج 6، ص 594؛ تلامذة العلامة المجلسی، ص 118؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 391؛ دانشمندان آذربایجان، ص 305).
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 16، ص 45 (ش 6042).

شناسایی شده که دو نسخه مهم آن در کتاب خانه مجلس و کتاب خانه آیه الله مرعشی موجود است. (1) این کتاب ، پیش از چاپ حروفی ، بیش از هفت بار چاپ سنگی شده است. (2) 28 . الدعوات و الأحراز ، از عبد الکریم بن محمد یحیی قزوینی (م 1135 ق) (3) . (4) 29 . منهج الزائرین السلیمانیة ، از ابن علاء الدین محمد طاهر ابهری اصفهانی. این کتاب ، مزار فارسی است که مؤلف به نام شاه سلیمان صفوی (م 1136 ق) نگاشته و شامل مقدمه و نه باب در زیارات همه معصومان علیهم السلام است. (5) 30 . الرفیق ، از محمد رضی (رضا) بن محمد نبی قزوینی (م 1136 ق). (6) این کتاب در آداب و دعاهاى سفر است. (7) 31 . روضه الرضوان فی أعمال شهر رمضان ، از علی بن حسین کربلایی (زنده در 1136 ق). این کتاب در «مقدمه» ، دوازده «فصل» و «خاتمه» ترتیب یافته و مؤلف ، آن را به خواهش یکی از دوستانش به عربی نگاشته و سپس با شرح ، به فارسی ترجمه کرده است. (8)

-
- 1- برای اطلاع بیشتر درباره این کتاب ، رک: دانش نامه امام علی علیه السلام ، ج 12 ، ص 275 _ 290.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 10 ، ص 41 (ش 3641) و 16 ، ص 257 (ش 6286) و ج 25 ، ص 94 (ش 9743) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 35 ، ص 326 (ش 12365) و ج 35 ص 395 (ش 12444) ؛ معجم المطبوعات العربیة فی ایران ، ص 338.
 - 3- وی از علمای صاحب احترام در دربار شاه سلطان حسین صفوی است (طبقات أعلام الشيعة ، ج 6 ، ص 446).
 - 4- الذریعة ، ج 8 ، ص 203.
 - 5- همان ، ج 23 ، ص 118.
 - 6- وی ، از دانشمندان بزرگ شیعه است که به اخباریه متمایل بود. او در دفاع از میهن ، مبارزه با مهاجمان را واجب می دانست و مردم را به دفاع ، تشویق می کرد و با گروهی از آنان در دیال آباد قزوین بعد از سال 1136 ق ، به شهادت رسید. اثر دیگر او در حدیث ، «شرح کتاب طهارت و صلوات و سائل الشيعة» است (تتمیم أمل الآمل ، ص 157 ، ش 108 ؛ أعیان الشيعة ، ج 7 ، ص 15 ؛ طبقات أعلام الشيعة ، ج 6 ، ص 277 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 12 ، ص 370).
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 7 ، ص 73 (ش 2483).
 - 8- الذریعة ، ج 11 ، ص 293 (ش 1767).

32. المزار، از سیّد محمّد حسنی طباطبایی (م بعد از 1140 ق). این اثر، در آداب زیارت پیامبر اکرم و ائمه معصوم علیهم السلام است. (1) 33. سلاح المؤمنین، از محمّد ابراهیم بن محمّد معصوم حسینی قزوینی (م 1149 ق). کتاب، در بیان پاره ای از ادعیه و اذکار مأثور در قضای حاجت ها و رفع بلاهاست. (2) 34. مجموعة الأدعية و الأذکار، از محمّد ابراهیم بن محمّد معصوم حسینی قزوینی. (3) 35. الأدعية المأثورة و بعض التسيحات، از میرزا احمد نیریزی (خطاط) (م بعد از 1151 ق) (4). (5) 36. رسالة فی أدعية التعقیبات و أيام الأسبوع، از میرزا احمد نیریزی. (6) 37. الألواح السماویة فی اختیارات الأيام والسنة، از سیّد محمّد حسین بن محمّد صالح خاتون آبادی (م 1151 ق). (7) 38. خزائن جواهر سلطانی، از سیّد محمّد حسین بن محمّد صالح خاتون آبادی. این کتاب، شامل دعاها و اعمالی است که در روز و شب های دوازده ماه سال، شایسته انجام دادن است و در دوازده «خزینه» مرتّب گردیده است. (8)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 9، ص 109 (ش 71، 3331 و 6070).
 - 2- همان، ج 28، ص 475 (ش 634)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 289 (ش 16280) و ص 150 (ش 362).
 - 3- الذریعة، ج 20، ص 63.
 - 4- وی از خطاطان مشهور ایران در قرن دوازدهم هجری است که آثاری نیز در دعا تدوین کرده و به خطّ خود نوشته است (أعیان الشیعة، ج 3، ص 200).
 - 5- الذریعة، ج 1، ص 399؛ أعیان الشیعة، ج 3، ص 200.
 - 6- الذریعة، ج 11، ص 47.
 - 7- أعیان الشیعة، ج 9، ص 253.
 - 8- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 35، ص 624 (ش 12471)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 2، ص 327 (ش 16، 731) و ج 16، ص 199 (ش 6201) و ج 16، ص 215 (ش 6223).

39. مفتاح الفرج، از سید محمد حسین بن محمد صالح خاتون آبادی. کتاب، در آداب و اعمال استخاره و دعاهایی است که بدین منظور، روایت شده است. (1) 40. نوروز نامه، از سید محمد حسین بن محمد صالح خاتون آبادی. در آداب و اعمال نوروز است، چنان که در احادیث آمده است. (2) 41. علاج الأسقام و دفاع الآلام، از محمد علی بن محمد رضا تونی خراسانی (م بعد از 1151 ق). (3) کتاب، درباره معالجه دردها و بیماری ها، ادعیه و ادویه و تعویذات و حرزهای روایت شده از ائمه معصوم در 24 باب است. (4) 42. کفایة المتعبدين، از محمد علی بن محمد رضا تونی خراسانی. کتاب در ادعیه، زیارات و حرزهاست، شامل مقدمه، چهار باب و خاتمه است. (5) 43. أنیس الأسفار و جلیس الأبرار، از محمد شفیع بن محمد مقیم شیرازی (م بعد از 1152 ق) (6). (7) 44. المصباح، از سید ابوالقاسم جعفر بن حسین خوانساری (جعفر کبیر) (1090 _ 1158 ق). کتاب در ادعیه نادری است که از دیدگاه مؤلف، مجرب بوده است. (8)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 12، ص 22 (ش 4424).
 - 2- همان، ص 162 (ش 4593).
 - 3- وی از عالمان شیعه در قرن دوازدهم است که ساکن اصفهان بود و در فتنه افغان و پس از آن، در آن جا ماند و مشغول بحث و تحقیق بود. از دیگر آثار او حواشی بر مجموعه ورام است (طبقات اعلام الشيعة، ج 6، ص 509).
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 406؛ الذریعة، ج 18، ص 98.
 - 5- الذریعة، ج 18، ص 98 (ش 853).
 - 6- وی، ظاهراً در کاشان اقامت داشته و دارای رابطه علمی عمیقی با فرزندان فیض بوده است. وی از علم الهدی کاشانی به عنوان استاد استناد، یاد کرده است (تراجم الرجال، ج 3، ص 271؛ طبقات اعلام الشيعة، ج 6، ص 348).
 - 7- تراجم الرجال، ج 3، ص 271؛ طبقات اعلام الشيعة، ج 6، ص 348.
 - 8- الذریعة، ج 21، ص 99.

45. ادعية الليالي و الأيام ، از محمد بن محمد باقر رضوی (م 1160 ق). (1) 46. ادعیه منقول از ائمه علیهم السلام ، از محمد بن محمد باقر رضوی. (2) 47. احادیث و ادعیه متفرقه ، از محمد بن محمد باقر رضوی. (3) 48. الدعوات و الزیارات المأثورة المعتبرة ، از علی بن عبد الخالق حسن رازی (بعد از 1175 ق). (4) 49. مختصر الدعوات و الزیارات ، از محمد علی بن ابی طالب لاهیجی گیلانی (م 1180 ق). (5) 50. الدعوات الصالحات و الأسماء الحسنى ، از محمد علی بن ابی طالب لاهیجی گیلانی. (6) 51. دعوة الأسماء و الأذکار ، از محمد علی بن ابی طالب لاهیجی گیلانی. (7) 52. ادعیه و ادویه ، از محمد علی بن ابی طالب لاهیجی گیلانی. (8) 53. مجمع التبیان فی أعمال شهر رمضان ، از ابن اصفهانی (ق 12 ق). (9) 54. مصباح النجاح ، از ابوعلی بن محمد باقر حسینی (ق 12 ق). دعاها و حرزهای مربوط به برآورده شدن حاجت ها و رفع گرفتاری هاست در هشت «باب» و دوازده «حصن» و يك «اختتام». 10.

- 1- همان جا .
- 2- فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیه الله فاضل خوانساری ، ج 1 ، ص 245 (ش 267).
- 3- همان ص 246 (ش 267) .
- 4- الذریعة ، ج 8 ، ص 204 .
- 5- همان ، ج 2 ، ص 196 .
- 6- مفاخر اسلام ، ج 7 ، ص 232 .
- 7- همان جا .
- 8- الذریعة ، ج 20 ، ص 24 .
- 9- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 35 ، ص 348 (ش 12393).

55. سفينة النجاة، از علی اصغر بن محمد یوسف قزوینی (ق 12 ق). کتابی است در آداب دعاها و دعاهاى روزها و هفته ها و ماه ها و اعمال سال و زیارت های معصومان علیهم السلام، شامل پنج «مقاله» و هر کدام، در يك مجلد. (1) 56. تبصرة الأعياد السليمانية، از فضلعلی بیگ بن شاهرودی توشمال باشی (ق 12 ق). کتابی است در آداب مستحب مربوط به اعیاد اسلامی، در هشت باب. (2) 57. كنز الحق، از فضلعلی بیگ بن شاهرودی توشمال باشی. مؤلف، دعاهاى الأوفى را در این کتاب، گرد آورده است. (3) 58. مصباح الهدى، از فضلعلی بیگ بن شاهرودی توشمال باشی. این کتاب تلخیص كنز الحق است. (4) 59. العروة الوثقى، از فضلعلی بیگ بن شاهرودی توشمال باشی. این کتاب، تلخیص مصباح الهدى و به فارسی است که در يك «مقدمه» و چهارده «مفتاح»، ترتیب یافته است. (5) 60. مقاليد الفلاح، از فضلعلی بیگ بن شاهرودی توشمال باشی. این کتاب، مختصر مصباح الهدى، با حذف اسانید است. (6) 61. مزار رضوى، از فضلعلی بیگ بن شاهرودی توشمال باشی. این کتاب، شامل

1- همان جا.

2- همان، ج 25، ص 42 و ج 35، ص 374 (ش 12418)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشى، ج 11، ص 261 (ش 4260) و ج 14، ص 56 (ش 5263) و ج 16، ص 46 (ش 6043) و ج 21، ص 162 (ش 8185).

3- الذريعة، ج 3، ص 316؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوى، ج 15، ص 134 (ش 3133).

4- همان، ج 21، ص 357.

5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شوارى اسلامى، ج 35، ص 425 (ش 12472)؛ الذريعة، ج 15، ص 251.

6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوى، ج 15، ص 394 (ش 11355).

آداب زیارت امام رضا علیه السلام و سایر معصومان علیهم السلام به فارسی است. (1) 62. روضة الأذکار، از شرف الدین محمد بن محمد تبریزی (مجدوب) (ق 12 ق). کتابی است در اعمال ماه ها و هفته ها و زیارات و ادعیه مختلف، در دوازده باب. (2) 63. کتاب دعا، از محمد ابراهیم بن نور محمد هزار جریبی (ق 12 ق). کتاب، شامل دعاهاى پراکنده و زیارات معصومان علیهم السلام است. (3) 64. مفتاح النجاح، از محمد جعفر بن محمد تقی مجلسی (ق 12 ق). کتابی است در آداب نماز و مستحبات وضو و طهارت و تعقیبات مشترك و مخصوص و دعاهاى متفرقه دیگر. (4) 65. بحر المغفرة، از سید محمد رضا بن محمد قاسم قزوینی (ق 12 ق). این کتاب، درباره اعمال روزهای سال، آداب متفرقه زیارات معصومان علیهم السلام و دعاهاى مختلف است. (5) 66. ذخیره العباد، از محمد کاظم رودسری گیلانی (ق 12 ق). کتابی است در تعقیبات نمازهای پنجگانه. (6) 67. کتاب الدعاء، از محمد کریم بن محمد صادق مجلسی (ق 12 ق). شامل دعاهاى مختلف از منابع مختلف با دستور خواندن و بیان ثواب آنها، بدون ترتیب. (7) 68. أدعية الأسبوع، از عبد الله یزدی (نیمه اول ق 12 ق). (8) 69. نخبه الدعوات، از صادق بن احمد (ق 12 ق). کتابی است در تعقیبات

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 26، ص 385 (ش 10470).
 - 2- همان، ج 3، ص 269 (ش 1092) و ج 9، ص 38 (ش 3244).
 - 3- فهرست نسخ خطی مرکز احیای میراث اسلامی، ج 3، ص 121 (ش 898).
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 13، ص 362 (ش 5153).
 - 5- همان، ج 1، ص 394 (ش 376) و ج 3، ص 94 و ج 13، ص 902 (ش 231 و 5032).
 - 6- همان، ج 7، ص 242 (ش 2782).
 - 7- همان، ج 5، ص 353 (ش 1981).
 - 8- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 104 (ش 3088).

قرن سیزدهم

نمازها، اعمال روز و شب و... (1) 70. أنیس الصالحین، از محمد صالح هروی (نیمه اول ق 12 ق). (2) کتابی است شامل اعمال، آداب و ادعیه ماه رجب، شعبان و رمضان و سایر ماه ها بر اساس روایات رسیده از ائمه علیهم السلام. (3) 71. آداب و تعقیبات نماز، از محمد کاظم بن محمد فاضل شریف خادم (اوایل ق 12 ق). کتاب، علاوه بر تعقیبات نمازها، مطالبی درباره فضیلت مسواک زدن و آداب آن و ادعیه و ضورا نیز در بردارد. (4) 72. الجواهر المنثورة فی الأدعية المأثورة، از سید محمد بن احمد علوی فاطمی (نیمه اول ق 12 ق). کتابی است حاوی بیش از 33 دعای مأثور. (5) 73. صراط الزاهدين، از سید محمد بن احمد علوی فاطمی. این کتاب، در اعمال و ادعیه ماه های رمضان، ذی قعدة و ذی حجّه و ایام هفته است. (6)

قرن سیزدهم 74. إكمال الأعمال فی إستكمال الإقبال، از امیر عبد الباقي بن امیر حسین خاتون آبادی (م 1207 ق) (7). (8)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشي، ج 12، ص 139 (ش 4563)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 522 و ج 6، ص 300.
 - 2- وی، فقیه اخباری و از شاگردان شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی است (فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 123).
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 123 (ش 12965).
 - 4- همان، ص 5 (ش 3282).
 - 5- همان، ص 177 (ش 11894).
 - 6- همان، ص 397 (ش 17405).
 - 7- وی از خاندانی عالم، ادیب، فقیه و محدّث بود، معقول و منقول در اصفهان تدریس می کرد و پس از پدرش امام جمعه و جماعت بود. وی از پدرش، و سید بحر العلوم نیز از وی روایت می کند (أعیان الشیعة، ج 7، ص 433؛ الذریعة، ج 2، ص 282).
 - 8- الذریعة، ج 2، ص 282.

75. الجامع فی أعمال رمضان، از امیر عبد الباقی بن امیر حسین خاتون آبادی. کتابی است شامل دعاها، آداب و اعمال ماه رمضان با ذکر منابع. (1) 76. ریاض الجنان فی أعمال شهر رمضان، از سید احمد بن محمد علی بغدادی (عطار) (1125 _ 1215 ق). (2) این کتاب در سال 1332 ق، در بغداد، چاپ شده است. (3) 77. أوراد موظفة، از محمد تقی بن محمد کاظم طریقی کرمانی (م 1215 ق). به این کتاب، کبریت احمر و کنز الأسرار نیز گفته می شود. (4) 78. وسیلة النجاة، از محمد حسن بن عبد الرسول زنوزی (1172 _ 1218 ق). کتابی است در تعقیبات نمازهای پنجگانه، اوراد ایام هفته، اذکار صبح و شام و اعمال ماه های سال. (5) 79. زبدة الأعمال فی الأدعية و الآداب، از محمد حسن بن عبد الرسول زنوزی. کتابی است شامل تعقیبات نماز، ادعیه هفته، اعمال جمعه، اعمال سال، زیارات و آداب دیگر عادات. نسخه خطی آن در کتاب خانه آیه الله مرعشی موجود است. (6) 80. الأدعية و الزیارات، از محمد رحیم بن محمد شریف کرمانی (م بعد از 1228 ق). (7) 81. کتاب الأدعية، از محمد حسین مازندرانی (م بعد از 1228 ق). کتابی است

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 26، ص 142 (ش 10179).

2- وی، فقیه، اصولی، محدث، رجالی زاهد شیعی و از شاگردان سید بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطات و از آنان، روایت می کند. دیگر استادان او عبارت اند از: محمد تقی دورقی نجفی (م 1187 ق)، محمد مهدی بن محمد صالح فتونی عاملی (م 1183 ق) و محمد باقر بن محمد باقر هزار جریبی. ارجوزة فی الرجال و شرحها نیز از اوست (أعیان الشیعة، ج 3، ص 130؛ ریحانة الأدب، ج 4، ص 144؛ معارف، ج 1، ص 60؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 103).

3- الذریعة، ج 11، ص 321.

4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 127 (ش 12781).

5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 22، ص 276 (ش 8745).

6- ریاض الجنة، ج 2، ص 397.

7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 25 (ش 3259).

شامل تعقیبات نمازها و دعاهاى دیگر. (1) 82. الأدعية والأخبار، از محمد بن ابى الحسن کاشانى (م بعد از 1228 ق). مجموعه اى است از دعاها با شرح لغات در حاشیه آن. (2) 83. رجل جراد، از محمد بن عبد النبى اخبارى (م 1232 ق). گزیده اى است از أسماء الحسنى، شامل ادعیه و اذکارى که سبب توجه به حق و دفع دشمن و گشایش در کارها مى شود. (3) 84. مجموعه الأدعية والأحراز، از اسد الله بن اسماعیل دزفولى (م 1235 ق). (4) 85. فضایل الصلوات على النبى وآله، از سید احمد بن محمد حسین اردکانى (م بعد از 1238 ق). (5) در این کتاب، احادیث مربوط به فضیلت صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان در هشت فصل، گرد آمده است. (6) 86. التعقیبات المختصة بكل واحد من الفرائض، از عبد العلى بن محسن یزدى (نواب) (م 1240 ق) (7) 87. تحفة الزائر، از سید عبد الله بن محمد رضا شبّر (م 1242 ق). ترجمه عربى تحفة الزائر، اثر فارسى علامه مجلسى است. مؤلف، ظاهراً کتاب دیگری با نام

1- همان جا (ش 3262)؛ الذریعة، ج 1، ص 390.

2- الذریعة، ج 1، ص 392 (ش 2029).

3- فهرست نسخ خطى کتاب خانه آية الله مرعشى، ج 18، ص 298 (ش 7156).

4- الذریعة، ج 20، ص 63.

5- وی، فقیه، محدث و حکیم شیعه و معاصر شیخ احمد احسایى و فتحعلی شاه قاجار است. وقتى شیخ احمد احسایى، وارد یزد شد، عدّه اى از عالمان آن جا بجز سید احمد اردکانى، به بزرگداشت او اقدام کردند. سرور المؤمنین فى أحوال أمير المؤمنین علیه السلام نیز از اوست و چند کتاب دیگر در ترجمه احادیث دارد (أعیان الشیعة، ج 2، ص 478).

6- فهرست نسخ خطى کتاب خانه آية الله مرعشى، ج 10، ص 363 (ش 3983)؛ فهرست نسخ خطى کتاب خانه مجلس شورای اسلامى، ج 35، ص 376 (ش 12474، 12420).

7- الذریعة، ج 4، ص 219.

تحیة الزائر دارد. (1) 88. سلاح العابدین و أنیس الذاکرین ، از سیّد عبد اللّٰه بن محمّد رضا شبّر. این کتاب ، شامل اعمال ، دعاها و اذکار است که هر روز ، ماه و سال ، تکرار می شوند و نیز آنچه به عبادات و عادات و معاملات و معاشرات مربوط است و صحّت آنها مورد اطمینان است. (2) 89. أعمال الأسبوع ، از سیّد عبد اللّٰه بن محمّد رضا شبّر. کتابی است در اعمال روز و شب هفته و ذکرهای دیگر. (3) 90. إرشاد المستبصر فی الاستخارات ، از سیّد عبد اللّٰه بن محمّد رضا شبّر. این کتاب ، در هشت باب ترتیب یافته و در سال 1358 ش ، در کتاب خانه بصیرتی در قم ، منتشر شده است. (4) 91. أنیس الزائر ، از سیّد عبد اللّٰه بن محمّد رضا شبّر. کتابی است در زیارات. (5) 92. روضة العابدین و نزهة الذاکرین فی أعمال الشهور و السنین ، از سیّد عبد اللّٰه بن محمّد رضا شبّر. (6) 93. أنیس الذاکرین ، از سیّد عبد اللّٰه بن محمّد رضا شبّر. این کتاب ، مختصر عجائب الأخبار و نوادر الآثار مؤلف است. (7) 94. ادعیه ، از ابو القاسم کرمانی (م بعد از 1242 ق). کتابی شامل نوزده دعای

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مدرسه سپه سالار ، ج 3 ، ص 362 (ش 8408) ؛ الذریعة ، ج 3 ، ص 438 (ش 1598) و ج 2 ، ص 456.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه اللّٰه مرعشی ، ج 2 ، ص 300 (ص 705) و ج 15 ، ص 156 (ش 57670).
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مدرسه سپه سالار ، ج 3 ، ص 168 (ش 259).
 - 4- معجم المطبوعات العربیة فی ایران ، ص 329.
 - 5- الذریعة ، ج 2 ، ص 456 (ش 1773).
 - 6- همان ، ص 246 و ج 11 ، ص 297.
 - 7- همان ، ج 2 ، ص 454 (ش 1767).

منتخب از صحیفه سجادیه و دعای کمیل و... (1) 95. الدعوات الماثورة و بعض السور القرآنية، از ابو القاسم کرمانی در سال 1243 ق ، آن را تدوین کرده است. (2) 96. تعقیبات فرائض یومیه، از محمد شفیع بن محمد علی تبریزی (م بعد از 1243 ق). (3) 97. زبدة الأسرار فی الأدعية و الأوراد و الأذکار، از سید احمد بن عبد الله بن محمد رحیم کبیر (م 1243 ق). (4) 98. الأدعية و الأوراد، از سید کاظم بن محسن اعرجی (م 1246 ق). (5) 99. کتاب الأدعية، از محمد رحیم ساروی (م بعد از 1247 ق). نسخه آن در کتاب خانه مدرسه سپه سالار، موجود است. (6) 100. الأدعية و الزیارات، از سید عبد الوهاب طباطبایی (م بعد از 1250 ق) از موقوفات مدرسه سپه سالار است. (7) 101. زاد الزائرین و جامع الزیارة، از محمد حسن بن محمد عسکری سمنانی (زنده در 1251 ق). (8) کتابی است در هجده باب و 63 فصل. (9)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 28 (ش 3283).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 2، ص 294 (ش 80)؛ الذریعة، ج 8، ص 202 (ش 805)؛ موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 2، ص 488.
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 29 (ش 15529).
 - 4- الذریعة، ج 12، ص 18 (ش 110).
 - 5- همان، ج 1، ص 393 (ش 2036).
 - 6- همان، ص 390 (ش 2016).
 - 7- همان، ص 394؛ ش (2048).
 - 8- وی از دانشمندان بزرگ شیعه، معاصر فتحعلی شاه قاجار و متولی و بانی مسجد شاه سمنان است و کراماتی به او نسبت می دهند. وی کتاب های بسیاری برای پژوهندگان علم وقف کرد (تراجم الرجال، ج 3، ص 172).
 - 9- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 6، ص 242 (ش 329).

102 . منهاج العارفين و معراج العابدین ، از محمد حسن بن محمد عسکری سمنانی . کتابی مفصل در ادعیه و برخی آداب و سنن و امور اعتقادی است. (1) 103 . أبواب الجنان و بشائر الرضوان ، از خضر بن شلال آل خدام عفاکوی نجفی (1180_1255 ق). (2) کتابی است در زیارات و اعمال و ادعیه ، در هشت باب . (3) این کتاب به مزار شیخ خضر نیز معروف است . 104 . کتاب الأدعية ، از خضر بن شلال آل خدام عفاکوی نجفی . (4) 105 . مجموعة الأدعية ، از خضر بن شلال آل خدام عفاکوی نجفی . (5) 106 . اختصار الإقبال ، از عبد النبي بن علی کاظمی مدنی (م 1254 ق). (6) 107 . تحفة المسافر ، از عبد النبي بن علی کاظمی مدنی . کتابی است در آداب سفر . (7) 108 . فلاح المؤمنین ، از محمد زمان بن محمد طاهر تبریزی (م 1258 ق). این کتاب در ادعیه ، به فارسی و در شش فصل است. (8) 109 . زیارات ، از عبد الوهاب بن محمد رفیع مازندرانی (م 1261 ق). کتابی است شامل شش زیارت ، با ضمیمه ادعیه و اشعار. (9)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 15 ، ص 350 (ش 5972) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 507 (ش 6563).
 - 2- وی ، فقیه اصولی و زاهد شیعی است که در عفاک به دنیا آمد ، نزد کاشف الغطا و سید بحر العلوم درس خواند و صاحب اسرار سید بود. گروهی از محضر درس او بهره بردند ، از آن جمله است : عبد الکریم بن محمد رحیم کرمانی که از او اجازه روایت نیز دارد (أعیان الشیعة ، ج 6 ، ص 321 ؛ معارف ، ج 1 ، ص 295 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 253)
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 17 ، ص 55 (ش 6453) .
 - 4- الذریعة ، ج 1 ، ص 390 ؛ (ش 2015).
 - 5- همان ، ج 20 ، ص 67 (ش 1946) .
 - 6- فهرس التراث ، ج 2 ، ص 135.
 - 7- موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 374.
 - 8- الذریعة ، ج 16 ، ص 303.
 - 9- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 279 (ش 16208).

110 . ملاذ الواعی و معاذ الساعی ، از لطفعلی بن احمد معانی تبریزی (م 1262 ق). کتابی است شامل دعاهایی که به نظر مؤلف ، معتبر بوده است. (1) 111 . أعمال مسجد الكوفة ، از محمد جعفر بن سیف الدین شریعتمدار (م 1263 ق). مؤلف سعی کرده روایت های مختلف را به طور صحیح ، در این کتاب ، جمع کند. (2) 112 . مائدة الزائرین ، از محمد جعفر بن سیف الدین شریعتمدار. (3) 113 . هداية الأمة في زيارة الأئمة ، از محمد جعفر بن سیف الدین شریعتمدار. این کتاب ، ترجمه مائدة الزائرین خود مؤلف است. (4) 114 . أنیس الزاهدین و جلس العابدین ، از محمد جعفر بن سیف الدین شریعتمدار کتاب . در تعقیبات نمازها ، ادعیه ساعات و ادعیه مشهور است. (5) 115 . عمدة الزائر و عدّة المسافر ، از سید حیدر بن ابراهیم حسنی کاظمی (1205 _ 1265 ق). (6) کتابی است در ادعیه و زیارات که در سال 1350 ق ، در نجف به چاپ رسیده و چاپ دیگر نیز به همّت دار التعارف در نجف به سال 1396 ق ، صورت گرفته است . 116 . مناجات ، از عبد الخالق بن عبد الرحیم یزدی (م 1268 ق). این کتاب ، به فارسی نوشته شده است. (7)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 4 ، ص 43 (ش 1245) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 495 (ش 16801).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 5 ، ص 96 (ش 1703).
 - 3- همان ، ج 4 ، ص 225 ، (ش 1440) ج 10 ، ص 241 (ش 3853) .
 - 4- همان ، ج 8 ، ص 301 (ش 3077).
 - 5- الذریعة ، ج 2 ، ص 455.
 - 6- وی فقیه ، محدث و از مراجع دینی شیعه در عصر خود است. او در کاظمین به دنیا آمد ، مدّتی طولانی در نجف ، نزد دانشمندان بزرگ درس خواند سپس در کاظمین به عنوان مرجع به ارشاد و تألیف و تدریس و رفع حوایج پرداخت (أعیان الشیعة ، ج 6 ، ص 263 ؛ الذریعة ، ج 3 ، ص 9 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 249).
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 497 (ش 3268).

117 . مجموعة الأدعية و الزيارات ، از عبد الخالق بن عبد الرحيم يزدي ، در سه مجلد. (1) 118 . الدعوات و الزيارات ، از عبد الخالق بن عبد الرحيم يزدي. (2) 119 . أنيس العابدین ، از محمد مهدي بن محمد جعفر موسوی تنكابنی (م بعد از 1269 ق). (3) 120 . الأدعية و الزيارات ، از غلامرضا خراسانی (م بعد از 1271 ق). (4) 121 . أدعيه ، از حسن بن محمد علی حسینی (نگارش 1271 ق). (5) 122 . كتاب الأدعية ، از محمد حسين اصفهانی ، ملقب به «سالك» (م بعد از 1273 ق). (6) 123 . الأدعية المتفرقة ، از احمد بن عبد الله خوانساری ملايري (م بعد از 1279 ق) (7) . نسخه آن در كتاب خانه مدرسه سپه سالار موجود است . (8) 124 . كنز الزائرین فی زیارات سادتنا الأكرمين ، از محمد صالح بن محمد برغانی قزوینی (م 1283 ق). كتاب به فارسی و در هجده «كنز» است. (9) 125 . كنز الأخبار ، از محمد صالح بن محمد برغانی قزوینی. كتاب به عربی نوشته

-
- 1- الذريعة ، ج 20 ، ص 65 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 234.
 - 2- الذريعة ، ج 8 ، ص 205 ؛ فهرست نسخ خطی كتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 2 ، ص 289.
 - 3- موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 634 ؛ الذريعة ، ج 2 ، ص 461.
 - 4- فهرست نسخ خطی كتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 40 (ش 3257) ؛ الذريعة ، ج 1 ، ص 394.
 - 5- همان ، ج 15 ، ص 41 (ش 15549).
 - 6- فهرست نسخ خطی كتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 31 (ش 10553) ؛ الذريعة ، ج 1 ، ص 390.
 - 7- وی فقیه ، اصولی ، مفسر و واعظ شیعی است که نزد عالمان عصر خود ، مانند اسد الله بن عبد الله بروجردی ، محمد شریف بن حسنعلی مازندرانی و محمد تقی بن محمد رحیم ایوانکیفی درس خواند. وی ، از سید محمد شفیع جابلقی ، اجازه روایت دارد. عبد الحسین برسی خراسانی و سید محسن بن ابو القاسم سلطان آبادی از شاگردان اویند. (أعيان الشيعة ، ج 3 ، ص 10 ؛ الذريعة ، ج 1 ، ص 399 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 89).
 - 8- الذريعة ، ج 1 ، ص 399 (ش 2073) .
 - 9- فهرست نسخ خطی كتاب خانه آية الله مرعشی ، ج 4 ، ص 324 (ش 1522).

شده است. (1) 126. زیارات، از سید کاظم رضوی گلپایگانی (م بعد از 1283 ق). کتاب به فارسی است. (2) 127. الذرة الفاخرة في زیارات العترة الطاهرة، از محمد صادق بن محمد لنکرانی قفقازی نمینی (م 1285 ق) (3). (4) 128. زينة الأعياد وفرحة العباد، از احمد [بن] شکر بن حسین جباوی نجفی (م 1285 ق). کتابی است در فضیلت و اعمال و اسرار روز و شب جمعه. (5) در الذریعة، نام کتاب فقط زينة الأعياد ضبط شده است، نام مؤلف آن احمد بن شکر بغدادی و کتاب با عنوان رسالة في أعمال الجمعة آمده است. (6) در جای دیگری از الذریعة، درباره آن آمده است: در اعمال و فضایل روز جمعه است. (7) 129. باقیات صالحات، از سید ابو الحسن بن محمد هادی حسینی تنکابنی (م 1286 ق). کتابی است در دعا و زیارات و نمازهایی که در اوقات گوناگون خوانده می شود، در هشت باب. (8) 130. ادعیه، از سید ابو القاسم بن محمد نبی حسینی (میرزا بابا ذهبی شیرازی) (م 1286 ق). (9)

1- همان جا.

2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 280 (ش 3290).

3- وی از مراجع بزرگ شیعه در ناحیه قفقاز است در قزوین و عراق، نزد دانشمندان بزرگ، از جمله سید ابراهیم بن محمد باقر قزوینی و سید مهدی بن علی طباطبایی کسب علم کرد (أعیان الشیعة، ج 9، ص 366؛ الذریعة، ج 2، ص 256؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 595).

4- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 596.

5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 289 (ش 1439).

6- الذریعة، ج 11، ص 96.

7- همان، ج 12، ص 91.

8- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 14، ص 201 (ش 5412).

9- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 75 (ش 8976).

- 131 . عنوان الصواب في أقسام الاستخارة من الأئمة الأقطاب ، از محمد كريم خان بن ابراهيم كرماني (م 1288 ق). (1) 132 . علاج الأرواح ، از محمد كريم خان بن ابراهيم كرماني. كتابي است در حرزها ، عوذات و عزائم و ... كه بيشر آن ، از احاديث اهل بيت عليهم السلام گرفته شده است. (2) 133 . الدعوات الفاخرة في الأدعية المأثورة عن العترة الطاهرة ، از سيّد محمد تقى بن حسين نقوى (1234 _ 1289 ق). (3) 134 . الإرشاد ، از سيّد محمد تقى بن حسين نقوى. اين كتاب ، در تشويق به دعا و فضيلت و حقيقت و آثار آن است. (4) 135 . نخبة الدعوات ، از سيّد محمد تقى بن حسين نقوى. (5) 136 . الدعوات و الاستغاثات ، از سيّد محمد تقى بن حسين نقوى. (6) 137 . أنيس الصالحين في الأدعية ، از محسن بن محمد رفيع رشتي اصفهاني (م 1290 ق). (7) 138 . أنيس العباد في بعض الأورد ، از محسن بن محمد رفيع رشتي اصفهاني. (8) 139 . بحر الأسرار في الأدعية ، از محسن بن محمد رفيع رشتي اصفهاني. (9) 140 . بحر الأقلام في الأدعية ، از محسن بن محمد رفيع رشتي اصفهاني. 10

1- همان جا.

2- فهرست نسخ خطي كتاب خانه آية الله مرعشي ، ج 13 ، ص 74.

3- فهرست نسخ خطي مركز احياء ميراث اسلامي ، ج 1 ، ص 44 (ش 25).

4- موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 539.

5- الذريعة ، ج 1 ، ص 509 (ش 2503).

6- أعيان الشيعة ، ج 9 ، ص 191 (ش 435).

7- الذريعة ، ج 9 ، ص 1004 .

8- همان جا .

9- تراجم الرجال ، ج 1 ، ص 425 _ 429 .

141. بحر الإمكان في الأدعية، از محسن بن محمد رفيع رشتي اصفهاني. (1) 142. ضياء العيون في الأذكار، از محسن بن محمد رفيع رشتي اصفهاني. (2) 143. مجمع الأذكار و مخزن الأسرار، از محسن بن محمد رفيع رشتي اصفهاني. (3) 144. هدية السادات و مجموعة السعادات، از محسن بن محمد رفيع رشتي اصفهاني. كتابي است در اعمال ماه های سال. (4) 145. آداب و اعمال نوروز، از احمد بن محمد شفيح شيرازي (وقار) (م 1298 ق). (5) 146. زيارت، از علي بن محمد حسن مشهدي (نگارش 1302 ق). (6) 147. فيروزجات طوسيه، از سيد حسين بن مرتضى طباطبائي يزدي (م 1307 ق). اين كتاب، شامل اذكار، دعاها و ختم هاست. (7) 148. ذخيرة المعاد للقتي من العباد، از سيد محمد تقی بن محمد حسين مرعشي حسيني شهرستاني (1213_ 1307 ق). مؤلف از شاگردان صاحب جواهر و شيخ مرتضى انصاري است و از آنان، اجازه دارد. اين كتاب، مجموعه ای جامع از ادعیه و اعمال روزها، هفته، ماه ها و اذکار ديگر است. (8) 149. الهدية الرضوية (التحفة الرضوية)، از محمد كريم بن محمد بروجردی مشهدي (م 1309 ق). كتابي است در ادعیه و زيارت. 9

-
- 1- همان جا.
 - 2- تراجم الرجال، ج 1، ص 425_ 429.
 - 3- همان جا؛ الذريعة، ج 9، ص 1004.
 - 4- فهرست نسخ خطی كتاب خانه آية الله مرعشي، ج 23، ص 42 (ش 8855).
 - 5- فهرست نسخ خطی كتاب خانه آستان قدس رضوي، ج 15، ص 281 (ش 3191).
 - 6- فهرست نسخ خطی كتاب خانه آية الله مرعشي، ج 14، ص 144 (ش 5361).
 - 7- أعيان الشيعة، ج 9، ص 191 (ش 433).
 - 8- فهرست نسخ خطی كتاب خانه آية الله مرعشي، ج 14، ص 292 (ش 5521)؛ فهرست نسخ خطی كتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 35، ص 396؛ الذريعة، ج 25، ص 208.

150 . أنيس الذاكرين ، از محمد بن سليمان تنكابني (م ح 1310 ق). كتابي است شامل بيست مناجات از مناجات هاي منظوم ائمه عليهم السلام با ترجمه به نثر يا نظم فارسي. (1) 151 . طريق الرشاد ، از محمد بن سليمان تنكابني. كتابي است شامل آداب ، دعاها و تعقيبات و ترجمه نمازها و دعاهاي وضو و غسل. (2) 152 . خلاصة الأذكار ، از عبد الصمد بن عبد الكريم (شيخ الإسلام) (ق 13 ق). (3) 153 . مائدة العارفين ، از حسين بن علي بن حسن بن عبد العلي كرماني (ق 13 ق). كتابي است شامل ، «مقدمه» و «مجلس» به عدد روزهاي ماه رمضان كه مؤلف در هر مجلس ، به تفسير ادعيه و مواعظ و نصايح مناسب ، پرداخته است. اين كتاب ، منتخب زاد المسافرين مؤلف است. (4) 154 . مائدة سماويه ، از حسين بن عبد العلي (ق 13 ق). اين كتاب ، گزيده مائدة العارفين مؤلف است. (5) 155 . ادعيه ، از محمد جعفر خوش نويس (ق 13 ق). (6) 156 . مقاصد الصالحين ، از سيد محمد باقر بن محمد شيرازي (ملاً باشي) (ق 13 ق). كتابي است در اعمال و زيارت و تعقيبات نمازها و اوراد و استخاره. (7) 157 . سراج المجتهدين ، از نوروز علي بن محمد باقر فاضل بسطامي (ق 13 ق). كتابي است در آداب نماز شب و مناجات. (8) 158 . مسلك النجاة ، از سيد محمد علي بن ابي تراب طباطبائي (ق 13 ق). كتابي

-
- 1- فهرست نسخ خطي كتاب خانه آيه الله مرعشي ، ج 23 ، ص 70 (ش 8883).
 - 2- همان ، ص 71 (ش 8883).
 - 3- همان ، ج 20 ، ص 239 (ش 7908).
 - 4- الذريعة ، ج 22 ، ص 407 (ش 7646).
 - 5- فهرست نسخ خطي كتاب خانه آستان قدس رضوي ، ج 15 ، ص 420 (ش 9002).
 - 6- همان ، ص 22 (ش 10455).
 - 7- فهرست نسخ خطي كتاب خانه آيه الله مرعشي ، ج 7 ، ص 249 (ش 2671).
 - 8- همان ، ص 327 (ش 2769).

است در آداب دعا و نماز و تعقیبات دعا‌های ماه، با شرح برخی دعاها. (1) 159. تسهیل الدواء لتحصیل الشفاء، از محمد بن عبد المطلب بن غیاث الدین (ق 13 ق). این کتاب، شامل عوذات، رقیات و ادویه مجربیه است که از ائمه معصوم و علمای دین، نقل شده است. (2) 160. جواهر الدعوات، از میر محمد بن عبد الباقي خاتون آبادی (ق 13 ق). کتابی است در اعمال، ادعیه و زیارات. (3) 161. جواهر مکنونه، از مصطفی بن محمد خویی (ق 13 ق). کتابی است شامل اوراد و اذکار و ختم های مربوط به اوقات مختلف، در ده باب. (4) 162. مقالید نجات، از محمد عباس بن بهادر علی (م ق 13). (5) 163. تحفة الصالحین، از محمد حسن بن علی شیرازی (میرزا جان) (م ق 13). کتاب نسبتاً جامعی در ادعیه و زیارات و در دوازده باب است (نگارش: 1250 ق). (6) 164. ادعیه، از محمد بن محمد علی نایینی (ق 13 ق). (7) 165. زینة الصالحین، از یحیی بن محمد علی نایینی (ق 13 ق). کتابی است درباره ثواب و خواص اعمال و ادعیه و عباداتی که در احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است، با توضیحاتی از مؤلف. (8) 166. کمال الأسبوع، از خلف بن عبد علی آل عصفور بحرانی (ق 13 ق). کتابی

-
- 1- همان، ج 24، ص 74 (ش 9288).
 - 2- همان، ج 8، ص 72 (ش 2864).
 - 3- همان، ص 126 (ش 2932).
 - 4- همان، ج 5، ص 317 (ش 5109) و ج 15، ص 148 (ش 5757).
 - 5- همان، ج 7، ص 50.
 - 6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 149 (ش 12416).
 - 7- همان، ص 28 (ش 13404).
 - 8- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 18، ص 133 (ش 6949).

است در ادعیه و اعمال شب ها و روزهای هفته ، در هفت باب. (1) 167 . ادعیه ، از جعفر بن محمد ابراهیم خوش نویس (ق 13 ق).
 (2) 168 . اللئالی المخزونة ، از احمد بن عباس یزدی (ق 13 ق). کتابی است شامل اوراد و ختم ها ، در هشت باب که در سال 1271
 ق ، در ایران و بمبئی در حاشیه مفتاح الجنان ، به چاپ رسیده است. (3) 169 . ادعیه ، از عبد العلی تبریزی (نوّاب) (ق 13 ق). کتابی
 است شامل ادعیه ، تعقیبات نمازهای روزانه و آیات قرآن که در سال 1221 ق ، نگارش یافته است. (4) 170 . ذریعة الرضوان ، از اسد
 الله بن محمد ابراهیم قزوینی (ق 13 ق) . گزیده ای از کتاب رضوان اکبر مؤلف و در اعمال و دعاهای روزها و هفته ها و ماه های سال
 است. (5) 171 . الحبل المتین و العروة الوثقی للمتمسکین ، از اسد الله بن محمد ابراهیم قزوینی. کتابی است شامل دعاهای متفرقه ،
 اعم از تعقیبات ، نوافل و فضیلت قرائت سوره های قرآن. (6) 172 . التحفة العلویة ، از عبد الکریم بن مرشد گیلانی (ق 13 ق). کتابی
 است در آداب زیارت و دعا و زیارات ائمه علیهم السلام ، از کتب معتبر ، در دوازده باب. (7) 173 . ادعیه ، از محمد حسین بن محمد
 یزدی (نیمه دوم ق 13 ق). (8) 174 . ادعیه ، از عبد الله محلاتی (نیمه دوم ق 13 ق). (9)

-
- 1- همان ، ج 27 ، ص 97 (ش 10633).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 25 (ش 13405).
 - 3- همان ، ج 15 ، ص 416 (ش 9926).
 - 4- همان ، ص 24 (ش 3130).
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 26 ، ص 295 (ش 10354).
 - 6- همان ، ج 1 ، ص 56 (ش 44).
 - 7- همان ، ج 3 ، ص 351 (ش 1182 و 54760).
 - 8- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 41 (ش 10420).
 - 9- همان ، ص 33 (ش 16215).

4_2 . سبک های خاص**1_4_2 . نگارش چهل حدیث (اربعین نگاری)****اشاره**

175 . ادعیه ، از زین العابدین سلطانی (نیمه دوم ق 13 ق). (1) 176 . ادعیه ، از محمد بن محمد صادق شریف موسوی (ق 13 ق). (2) 177 . الصحیفة السجادیة الرابعة ، از محمد حسن بن محمد علی زاهدی گیلانی (ق 13 ق). کتاب ، در سال 1299 ق ، نوشته شده است. (3) توجه عالمان شیعه در این دوره به دعا و زیارت و نگارش کتاب های بسیار در این دوره ، مانند دوره های دیگر ، بیانگر اهمیت دعا و مناجات با خدا و زیارت معصومان علیهم السلام و جایگاه والای این ارتباط معنوی در زندگی مؤمنان است.

4_2 . سبک های خاصمراد از سبک خاص ، شیوه ای است که مؤلف بر اساس آن به نگارش و تألیف کتاب حدیث پرداخته است . برای مثال ، سندنویسی و اربعین نگاری ، هر کدام یک سبک است که در یکی ، مؤلف ، روایات هر یک از صحابیان را جداگانه و به ترتیب الفبا ذکر می کند و در دیگری مؤلف چهل حدیث را در یک یا چند موضوع ، در کتابی گرد می آورد و گاه به شرح و توضیح آنها می پردازد . در این جا تنها به اربعین نگاری می پردازیم :

1_4_2 . نگارش چهل حدیث (اربعین نگاری) اربعین نگاری ، از دیرباز در میان دانشمندان دینی مسلمان ، اعم از شیعه و سنی ، رایج بوده است. مبنای کار این عالمان در تدوین چهل حدیث در موضوعات مختلف و پرداختن به شرح و توضیح آنها ، حدیثی از پیامبر اکرم است که می فرماید:

1- همان جا .

2- همان ، ص 39 (ش 10627).

3- تراجم الرجال ، ج 2 ، ص 118 . وی از علمای تهران بود و این کتاب را در سال 1299 ق ، در حالی که در هشتاد سالگی به سر می بُرد ، نوشت . از این رو ، ولادت وی سال 1220 ق ، است .

– برخی، روایت «چهل حدیث» را «مشهور» و «مستفیض» می‌دانند

مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَنْتَفِعُونَ بِهَا فِي أَمْرِ دِينِهِمْ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا. (1) هر که برای نفع امت من در کار دینشان، چهل حدیث را حفظ کند، خدای متعال، او را در قیامت، فقیهی دانشمند بر می‌انگیزد. درباره مراد از حفظ این حدیث شریف، علامه مجلسی، دو قول: «حفظ حدیث در سینه‌ها» و «حفظ حدیث از نابودی به هر طریق» را ذکر می‌کند و درباره مراتب حفظ نیز نکاتی را بیان می‌دارد. (2) وی، ظاهرترین مصداق حفظ را کتابت حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام دانسته و سیره بزرگان در تألیف کتاب‌های چهل حدیث را شاهد آن می‌داند. در باب اعتبار روایت «چهل حدیث»، محدثان و علمای رجال، دیدگاه‌های مختلفی بیان داشته‌اند که بدانها اشاره می‌شود.

– برخی، روایت «چهل حدیث» را «مشهور» و «مستفیض» می‌دانند؛ بهایی می‌گوید: باید دانست که این حدیث، در میان دانشمندان مخالف و موافق، مشهور است، چنان‌که برخی به تواتر آن، حکم کرده‌اند. (3) فیض کاشانی نیز درباره آن می‌گوید: این حدیث در میان شیعه و سنی، مشهور و مستفیض است؛ بلکه بعضی آن را متواتر دانسته‌اند و علمای شیعه با اندکی اختلاف در لفظ، آن را به طرق مختلف، روایت کرده‌اند. (4) علامه مجلسی نیز درباره آن، چنین اظهار نظر می‌کند:

1- بحار الأنوار، ج 2، ص 153 _ 157.

2- همان، ص 157.

3- الأربعون حدیثا، ص 71.

4- الوافی، ج 1، ص 424.

– برخی نیز این حدیث را ضعیف دانسته اند**– برخی معتقدند که ضعف این حدیث، قابل جبران است**

این حدیث، در میان خاصه و عامه، مشهور و مستفیض است؛ بلکه برخی گفته اند متواتر است. (1)

– برخی نیز این حدیث را ضعیف دانسته اند شرف الدین نووی، درباره آن می گوید: حافظان حدیث، در ضعیف دانستن این حدیث، اتفاق نظر دارند، گرچه طرق روایت آن، بسیار است. (2) حاجی خلیفه نیز می گوید: از طرق بسیار و به روایات متنوع، وارد شده است که پیامبر خدا فرمود: «هر کس چهل حدیث حفظ کند...» و [محدثان] در عین فراوانی طرق نقل، به اتفاق، آن را ضعیف شمرده اند. (3) البته این دو دانشمند، هر دو از عالمان اهل سنت هستند و سخن آنان مبنی بر اتفاق نظر بر ضعف حدیث اربعین، بیان کننده نظر دانشمندان سنی است.

– برخی معتقدند که ضعف این حدیث، قابل جبران است از جمله صاحبان این دیدگاه، ملا اسماعیل خواجهویی (م 1173 ق) است. وی می گوید: گرچه در بین رجال سند این حدیث، افراد مجهول و غیر قابل اعتماد نیز هست؛ لیکن همه آنها چنین نیستند و افراد قابل اعتماد نیز در سلسله سندها وجود دارد و با فرض ضعیف شمردن سند، شهرتی که در میان شیعه و سنی از گذشته تاکنون به هم زده است، این ضعف را جبران می کند. (4) به هر حال، این مضمون، سبب گردیده که دانشمندان مسلمان، بخصوص

1- بحار الأنوار، ج 2، ص 157.

2- الاربعین النوویة، ص 3_4.

3- كشف الظنون، ج 1، ص 52.

4- الأربعون حدیثا، ص 6 (مقدمه مؤلف).

قرن دوازدهم

شیعیان، ده ها کتاب را به نگارش «چهل حدیث»، اختصاص دهند. این کتاب ها در موضوعات متنوع، اعم از اصول اعتقادی، مناقب اهل بیت علیهم السلام، آداب و اخلاق، احکام و... تدوین شده است. برخی از این کتاب ها توسط مؤلفان، با عنوان خاصی نام گذاری شده اند و پاره ای دیگر، نام خاصی ندارند، بلکه با عنوان عام «الأربعون حدیثا» یا «چهل حدیث» خوانده می شوند. شیخ آقا بزرگ، در الذریعة، تعداد بسیاری از این کتاب ها را نام برده است. در قرن دوازدهم و سیزدهم نیز بخشی از همت عالمان شیعه به تدوین یا شرح چهل حدیث صرف گردیده که تعدادی از آنها را شناسایی و به ترتیب زمانی، معرفی می کنیم:

قرن دوازدهم 1. الأربعون حدیثا (مدراج الیقین فی فضائل أمير المؤمنین)، از سلیمان بن عبد الله ماحوزی (م 1121 ق). چهل حدیث منتخب از کتب اهل سنت در فضیلت امام علی علیه السلام است که هر يك به طور مفصل، شرح گردیده است. (1) 2. الأربعون حدیثا فی الطب (الأربعین الطیبة)، از محمد شریف بن محمد صادق خاتون آبادی (م بعد از 1121 ق). این مجموعه شامل احادیث مربوط به پزشکی با شرح و بیان کامل است. (2) 3. الأربعون حدیثا، از علی بن حسین جامعی عاملی (نگارش 1124 ق). (3) 21

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 186 (ش 169)؛ الذریعة، ج 20، ص 238.

2- الذریعة، ج 1، ص 418.

3- وی مفسر، فقیه و اصولی شیعه است که در علوم عقلی نیز مهارت کامل داشته است. وی از سید نعمه الله جزایری روایت می کند و دو برادرش حسن (م 1130) و محیی الدین، از او روایت می کنند. عمده آثار او در فقه و تفسیر است (موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 218؛ أعیان الشیعة، ج 8، ص 201؛ طبقات أعلام الشیعة، ج 6، ص 511).

حدیث از احادیث کتاب در باب طهارت، شرح داده شده است (1) نسخه خطی آن در کتاب خانه آستان قدس رضوی موجود است. 4. الماء المعین فی شرح الأربعین، از محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی (م ح 1129 ق). وی، احادیث اهل بیت علیهم السلام را با ذکر سند و مأخذ انتخاب و به تفصیل به همراه مطالب فقهی، ادبی و تفسیری بسیار، شرح داده است. کتاب، مقدمه ای با شش «مطلب» و چند «فهرست» دارد. (2) 5. الأربعون حدیثا، از علی بن حسین کربلایی (زنده در 1136 ق). نسخه ای از آن در کتاب خانه ملک، موجود است. (3) 6. الأربعون فی إثبات إمامة أمير المؤمنين عليه السلام، از محمد مفید بن حسین شیرازی (م ح 1150 ق). (4) چهار نسخه از آن در کتاب خانه های مختلف، موجود است. از جمله در کتاب خانه آیه الله مرعشی (فهرست، ج 4، ص 311 ش 1508 با عنوان الفوائد المرتضوية والدرّة النجفیه). این اثر، با تحقیق آقای محمد برکت، در میراث حدیث شیعه (دفتر سوم، ص 34 _ 137) به چاپ رسیده است. 7. نظم اللثالی، از سید قوام الدین محمد بن محمد مهدی حسینی قزوینی (م 1150 ق). ترجمه منظوم چهل حدیث از ائمه اطهار علیهم السلام است که با تحقیق آقای حسین گودرزی در میراث حدیث شیعه (دفتر دوم، ص 365 _ 392) به چاپ رسیده است. 8. أربعون حدیثا، از یعقوب بن ابراهیم بختیاری (م 1150 ق).

-
- 1- الذریعة، ج 1، ص 423.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 19، ص 18 (ش 7209).
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه ملک، ج 1، ص 22 (ش 1702)؛ میراث حدیث شیعه، دفتر نهم، ص 308.
 - 4- پدرش شیخ حسین جزایری، از میان قبایل عرب به شیراز مهاجرت کرد و در آن جا به تبلیغ دین پرداخت. وی نیز در شیراز متولد شد و در حدود سال 1150 ق، در همان شهر درگذشت. فرزندش عبد النبی، امام جمعه شیراز شد و پس از او امامت جمعه در فرزندان او ادامه یافت (میراث حدیث شیعه، دفتر سوم، ص 34).

9. شرح رسالة في أربعين حديثا، از سيّد محمد بن باقر خاتون آبادی (م 1160 ق). گزیده ای از کتب اهل سنت در فضایل امیر مؤمنان است. اصل رساله، از یکی از علمای بحرین است و نسخه آن در کتاب خانه آية الله مرعشی موجود است. (1) 10. الأربعون حديثا، از ملا اسماعيل بن محمد حسين مازندرانی خواجویی (م 1173 ق). بیشتر این کتاب، احادیث فقهی است که با حذف سند، انتخاب گردیده و از جهت فقهی شرح داده شده است. (2) این کتاب با تحقیق سيّد مهدی رجایی توسط انتشارات کتاب خانه آية الله صدر خادمی، به سال 1412 ق، در قم به چاپ رسیده است. 11. الأربعون حديثا، از يوسف بن احمد بحرانی (م 1186 ق). گزیده ای از کتب اهل سنت در فضایل امیر مؤمنان است. (3) 12. الأربعون حديثا، از سيّد شبر بن محمد مشعشی (م ح 1190 ق). (4) 13. شرح چهل حديث، از محمدرضا بن محمد نصير خاتون آبادی (ق 12 ق). (5) کتاب، شامل احادیث اخلاقی است و به طور مفصل، شرح گردیده است. نویسنده، این کتاب را به نام سلطان حسين صفوی نوشته است. (6) 14. المنجاة في مناقب سفن النجاة، از محمداکظم رودسری گیلانی (ق 12 ق) شامل چهل حديث در فضائل امیر مؤمنان است. (7)

-
- 1- الذريعة، ج 11، ص 50.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 25، ص 128 (ش 9798).
 - 3- الذريعة، ج 1، ص 431.
 - 4- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 141.
 - 5- وی، عالم و فاضل بزرگ شیعی است و در عین اشتغال به علم و تدریس در مشهد، نایب خادم باشی روضه رضوی بود (تراجم الرجال، ج 3، ص 234).
 - 6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 6، ص 274 (ش 2290)؛ تراجم الرجال، ج 3، ص 234.
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 7، ص 342 (ش 2782).

قرن سیزدهم

15. الأربعون حدیثا، از عابد بن داوود مشهدی (ق 12 ق). 16. الأربعون حدیثا، از رجبعلی بن محمد صالح (صادق) طوسی اصفهانی (ق 12 ق). این اثر، به درخواست محمد ولی میرزا، از شاهزادگان قاجار، انتخاب، ترجمه و به سبک شیخیه، شرح داده شده است. (1)

17. الأربعون حدیثا، با عنوان الصراط المستقیم، از محمدعلی بن احمد انصاری (ق 12 ق). کتاب به فارسی است و در سال 1300 ق، به چاپ رسیده است. (2)

قرن سیزدهم 18. الأربعون حدیثا فی فضل العلم و العلماء، از سید دلدار علی بن محمد معین نقوی (1166 _ 1235 ق). (3) کتاب، در فضیلت علم و عالمان است و در هند به چاپ رسیده است. (4) 19. الأربعون حدیثا، از محمد کاظم بن محمد شفیع هزار جریبی (م ح 1238 ق). کتاب به فارسی و مختصر است. شیخ آقا بزرگ، درباره آن می گوید: «به همراه پاره ای از آثار مؤلف، در کتاب خانه شیخ عبد الحسین در کربلا موجود است». (5) 20. الأربعون حدیثا، از محمد شفیع استرآبادی (م ح 1240 ق). کتاب در فضایل امامان معصوم است که از کتاب های اهل سنت، استخراج شده است. (6)

1- همان، ج 11، ص 98 (ش 4085).

2- الذریعة، ج 1، ص 421.

3- وی فقیه، اصولی و متکلم مشهور شیعه است که در نصیر آباد هند به دنیا آمد. از نسل جعفر معروف به «توّاب»، برادر امام حسن عسکری علیه السلام است. سید نجم الدین، از اجداد او، ساکن سبزوار بود که به هند مهاجرت کرد. سید دلدار علی، نزد حیدر علی سندیلی، وحید بهبهانی، صاحب ریاض، سید محمد مهدی شهرستانی، سید بحر العلوم و دیگر علما درس خواند و سپس، در نصیر آباد هند، اقامت گزید (أعیان الشیعة، ج 6، ص 425؛ ریحانة الأدب، ج 6، ص 231؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 265).

4- الذریعة، ج 1، ص 415.

5- همان، ص 424.

6- همان، ص 418.

21. الأربعون حدیثا، از محمد بن عبد علی بن محمد آل عبد الجبار خطّی (م 1241 ق). احادیث با حذف سند انتخاب شده اند و با استناد به احادیث و برخی مطالب لغوی و عقلی، به طور مفصّل، شرح و بسط داده شده اند و معلوم نیست که به پایان رسیده یا نه. (1)

22. الأربعون حدیثا، از سیّد عبد الله بن محمد درضا شبر (م 1242 ق). کتاب، بر اساس حروف الفبا مرتّب شده است. (2) 23.

الأربعون حدیثا، از ناد علی بن غلامعلی بروجردی (م بعد از 1255 ق). این اثر، در فضایل امام علی علیه السلام است. (3) 24.

أربعون حدیثا، از محمد جعفر بن سیف الدین استرآبادی (شریعتمدار) (م 1263 ق). کتابی در فضایل امیر مؤمنان است که شیخ آقا بزرگ، آن را به همراه ترجمه فارسی در سامرا دیده است. (4) 25. الأربعون، از عبد الخالق بن عبد الرحیم یزدی (م 1268 ق). (5) 26.

الأربعون حدیثا فی المتعة، از سیّد محمد مهدی بن محمد جعفر موسوی تنکابنی (م بعد از 1269 ق). چهل حدیث است که در حلّیت متعه و ثواب آن، با شرح و توضیح و در پایان، تتمیمی درباره علّت تحریم آن توسط عمر، آمده است. 27 6. الأربعون حدیثا فی غیر المتعة، از سیّد محمد مهدی بن محمد جعفر موسوی تنکابنی.

1- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 18، ص 127 _ 128 (ش 6942).

2- الذریعة، ج 1، ص 420.

3- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 9، ص 96 (ش 3316).

4- همان، ج 3، ص 185؛ به گفته شیخ آقا بزرگ، جزو نسخ خطّی کتاب خانه آستان قدس رضوی (ش 9059) است.

5- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 15، ص 94 (ش 5695).

28. الأربعون حديثا (التبيان)، از سيّد محمد مهدي بن محمد جعفر موسوی تنكابنی . مؤلف، هر سه اربعینی را که در آخر خلاصة الأخبار چاپ شده، از آثار خود دانسته است. (1) 29. الأربعون حديثا، از محسن بن محمد رفيع گیلانی (م 1290). (2) 30. الأربعون حديثا، از محمد تقی حسینعلی هروی (م 1299 ق). کتاب، شامل احادیث مشکل و در اصول دین است و به طور مفصل، شرح گردیده است. (3) 31. چهل حدیث، از سيّد ابراهیم بن محمد موسوی دزفولی کرمانشاهی (م 1300 ق) (4). (5) 32. روح الایمان، از میر محمد عباس بن علی اکبر موسوی (م 1306 ق). شامل چهل حدیث در اصول دین است. (6) 33. لسان الصادقین فی شرح الأربعین، از سيّد علی حسین بن خیراتعلی زنجیفوری (م 1310 ق). مؤلف در آن، به آیات و احادیث بسیاری استشهاد کرده و کمتر به مباحث ادبی و لغوی می پردازد در 23 صفر 1299، نگارش آن به پایان رسیده است. (7) 34. اللمعات القدسیة، از احمد بن محمد ابراهیم اردکانی (ق 13 ق). شرح چهل حدیث از احادیث مشکل و بیشتر در توحید است. اسناد ذکر شده و سبک شرح،

-
- 1- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 634.
 - 2- تراجم الرجال، ج 1، ص 425.
 - 3- فهرست نسخ خطی مرکز احیای میراث اسلامی، ج 2، ص 477 (ش 792)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 3، ص 204 (ش 1011)؛ الذریعة، ج 1، ص 413.
 - 4- وی، فقیه شیعی است که اصل او از دزفول است، در کرمانشاه به دنیا آمد، ساکن کربلا بود و در آن جا درگذشت. شرح حدیث «تعلموا الفرائض فإنها نصف العلم» نیز از اوست (أعیان الشیعة، ج 2، ص 224؛ موسوعة مؤلفی الشیعة، ج 1، ص 404).
 - 5- موسوعة مؤلفی الشیعة، ج 1، ص 404.
 - 6- الذریعة، ج 11، ص 263.
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 10، ص 147 (ش 3755).

فلسفی _ عرفانی است مؤلف ، در ضمن شرح به حلّ بعضی از دیگر اخبار و آیات قرآن اشاره می کند . (1) 35 . اربعین فی کشف الیقین ، از محمّد شفیع بن محمّد حسین کزازی (ق 13 ق). 36 . تحفة الأبرار ، از ولی الله (ق 13 ق) . شامل چهل حدیث در فضایل و مناقب و معجزات چهارده معصوم علیهم السلام ، در قالب چهارده «نهر» است که به دستور عروس فتحعلی شاه قاجار ، از بحار الأنوار ، انتخاب و ترجمه شده است. (2) 37 . اربعون حدیثا ، از رجبعلی بن محمّد صادق (صالح) طوسی اصفهانی (م 13 ق) . مؤلف ، از عالمان شیخیه و شاگرد شیخ احمد احسائی است. (3) چنان که ملاحظه می شود ، شش مورد از کتاب های چهل حدیث نیز به فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام مربوط است. در پاره ای نیز به شرح چهل حدیث ، پرداخته شده است که برای روشن شدن وضعیت اربعین نگاری در این دوره ، همه را در این قسمت آوردیم. با محاسبه مواردی که احیاناً از نظر نگارنده دور مانده ، می توان گفت در این دو قرن ، دست کم چهل کتاب «چهل حدیث» ، توسط دانشمندان شیعه به رشته نگارش در آمده است.

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیة الله مرعشی ، ج 7 ، ص 182 (ش 2596) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 38 ، ص 648 (ش 14492).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 14 ، ص 125 (ش 9630).
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیة الله مرعشی ، ج 11 ، ص 98.

فصل سوم : علوم حدیث

1_3 . درایة الحدیث

اشاره

فصل سوم : علوم حدیث دانشمندان پُر تلاش شیعه ، از دیر باز ، علاوه بر نگارش و تدوین کتاب های حدیثی ، در شکل گیری و تدوین علوم حدیث ، مانند : درایه و رجال نیز گام های بلندی برداشته اند و آثار ارزشمندی پدید آورده اند . که تک تک آنها قابل توجه و در خور سپاس است ، بخشی از این تلاش ها در دو قرن دوازدهم و سیزدهم انجام یافته است . در این فصل به پژوهش های انجام گرفته در درایة الحدیث ، رجال و فقه الحدیث می پردازیم و اجازات حدیثی را نیز در پی رجال ، ذکر می کنیم .

1_3 . درایة الحدیث در لغت از «دَری ، یدری ، دَریة و درایة» گرفته شده و به معنای علم است ، چنان که در جمله «أَتَى فُلَانٌ الْأَمْرَ مِنْ غَیْرِ دَرِیةٍ» ، عبارت «من غیر دریة» ، یعنی «من غیر علم» . (1) بیشتر دانشمندان لغت شناس ، درایه را مترادف با علم می دانند. (2) در تعریف اصطلاحی درایه ، آمده است: علمی است که در آن ، متن حدیث و سند آن ، از جهت صحت و سقم و شرایط مورد

1- .ترتیب کتاب العین ، ج 1 ، ص 570.

2- .مقباس الهدایة فی علم الدرایة ، ص 40 .

نیاز برای قبول و ردّ حدیث، مورد بحث قرار می‌گیرد. (1) علمی است که در آن، از سند و متن حدیث، چگونگی دریافت و آداب نقل آن، بحث می‌شود. (2) علمی است که در آن، از احوال و عوارض مربوط به سند حدیث، بحث می‌شود. (3) نیز درباره وجه اشتراك علم درایه و رجال، آمده است: وجه اشتراك علم درایه و رجال، در بحث از يك موضوع واحد است و آن، عبارت است از سند حدیث؛ ولی جهت بحث، مختلف است. در علم درایه، از احوال خودِ سند، بحث می‌شود و در علم رجال، از احوال اجزای سند و اعضای آن که سند از آن تشکیل شده است. در مقابل این دو، علم دیگری است که «فقه الحدیث» نام دارد و در موضوع، با این دو مخالف است؛ چه، موضوع فقه الحدیث، تنها متن حدیث است. (4) برخی اظهار کرده اند وقتی به مباحث مطرح شده در کتاب های درایه توجه شود، این نکته به دست می‌آید که عمده مباحث آن، بر محور سند و عوارض آن می‌چرخد و بحث از متن حدیث، به صورت يك پدیده علمی که جزء واقعیت این علم به حساب آید، تقریباً وجود ندارد و تنها گاه به صورت گذرا به پاره ای مسائل مربوط به متن (مثل تحریف و تصحیف و...) اشاره دارد. (5) بر اساس این دیدگاه، تعریف سوم با واقعیت مباحث علم درایه، مطابقت بیشتری دارد. از سوی دیگر، ملاحظه می‌شود که شمار قابل توجهی از اصطلاحات علم درایه یا مصطلح الحدیث (مانند: مُدرَج، مطروح، مزید، ناسخ و منسوخ،

1- الرعاية في علم الدراية، ص 49.

2- وجیزه شیخ بهایی، شرح و ترجمه، سید مهدی مرعشی، ص 10.

3- الذریعة، ج 8، ص 54.

4- همان جا.

5- أصول الحدیث، ص 12.

محکم و متشابه، نص، مجمل، مبین، مقبول، مردود، مشکل، مضطرب، موضوع، مربوط به اوصاف متن احادیث است. این نکته، دقیق بودن دیدگاه یاد شده را مخدوش می سازد. درایة الحدیث را قواعد الحدیث، اصول الحدیث، ومصطلح الحدیث می نامند. وجه نامگذاری آن به قواعد الحدیث یا اصول الحدیث، این است که به بیان اصول و قواعد کلی خاص علم حدیث (حدیث شناسی) می پردازد. نامیدن آن به مصطلح الحدیث نیز از باب نامگذاری کُلّ به جزء است؛ چون مصطلح الحدیث، بخشی از مباحث این علم (اقسام حدیث) را در بر می گیرد. (1) پاره ای از کتاب های مربوط به درایه که در دو قرن دوازدهم و سیزدهم نگارش یافته اند، عبارت است از:

1. سبب الاختلاف فی الأخبار و بیان طریق جمعها، از محمد علی بن ابی طالب لاهیجی (م 1180 ق). (2) 2. ثمرات النظر فی علم الأثر، از سید محمد بن اسماعیل امیر (م 1182 ق). در معنای بدعت، غلو، فسق، عدالت و امثال اینها و در واقع، ردّ گفته های ابن حجر عسقلانی در شرح نخبة الفکر است. (3) 3. شرح درایة الحدیث (شرح الوجیزه)، از عبد النبی بن [محمد] مفید بحرانی شیرازی (ق 12 ق). (4) 4. نهاية الدراية فی شرح الوجیزة للبهائی، از محمد بن عنایت احمد کشمیری

-
- 1- ر.ك: اصول الحدیث، ص 9_10.
 - 2- مفاخر اسلام، ج 7، ص 207_251.
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 13، ص 214 (ش 5014).
 - 4- اصل او از بحرین و ساکن شیراز است. در آن جا امام جمعه بود و این مسئولیت در خاندان او باقی ماند (طبقات اعلام الشيعة، ج 6، ص 476؛ الذریعة، ج 13، ص 234).
 - 5- الذریعة، ج 13، ص 234.

دهلوی (م 1235 ق). (1) 5. درایة الحدیث ، از سیّد عبد اللّٰه بن محمّد رضا شبّر (م 1242 ق). شامل کلیّاتی است در مباحث درایه و قواعد کلیّ شناخت حدیث که به منزله مقدّمه ای بر جامع المعارف مؤلّف است. (2) 6. الهدایة المکیة ، از ابوالحسن بن محمّد کاظم جاجرمی (زنده در 1245 ق). ارجوزه ای عربی در درایه است که مؤلّف ، به سال 1245 ق ، در سفر حج ، آن را سروده است . (3) 7 . تعلیقات علی الهدایة المکیة ، از نصر اللّٰه بن ابوالحسن جاجرمی (م بعد از 1258). شامل تعلیقات مؤلّف بر ارجوزه پدرش در درایه است. (4) 8 . درایة الحدیث ، از سیّد مهدی بن اسماعیل موسوی هروی خراسانی (م ح 1270 ق). (5) 9 . اصطلاحات المحدثین ، از محمّد زمان بن کلبعلی خان جلایر کلاتی خراسانی (ساقی) (م 1286 ق) (6) . (7) 10 . الفوائد الغرویة فی علم الدراية والرجال ، از ابو طالب بن ابی تراب حسینی قاننی (م 1293 ق). (8)

-
- 1- . موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 497.
 - 2- . فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه اللّٰه مرعشی ، ج 13 ، ص 177 (ش 4982) و ص 275 و 86 (ش 9733).
 - 3- . موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 45.
 - 4- . الذریعة ، ج 18 ، ص 80.
 - 5- . همان ، ج 8 ، ص 56 .
 - 6- . وی ، عارفی سالک و از فرزندان حاکمان کلات در تهران بود که نزد محمّد اسماعیل وجدی ازغدی درس خواند و در 21 رجب 1286 درگذشت (الذریعة ، ج 9 ، ص 416).
 - 7- . همان ، ج 9 ، ص 419 .
 - 8- . همان ، ج 10 ، ص 92 (ش 176) و ج 16 ، ص 351 .

1_1_3. اجازات الحدیث

اشاره

11. سبل الهدایة فی علم الدراية، از علی بن خلیل رازی تهرانی (1296 ق). (1) این کتاب به وسیله سید محمد رضا حسینی جلالی مورد تحقیق قرار گرفته است. (2) 12. منبع الأحكام، از محمد بن سلیمان تنکابنی (م 1302 ق). ارجوزه ای است در 78 بیت در قواعد علم درایه و شناخت حدیث. (3) 13. درایة الحدیث، از محمود بن علی اصغر تبریزی (م 1310 ق). (4)

1_1_3. اجازات الحدیثیکی دیگر از موضوعات مربوط به حدیث، «اجازه» است. اجازه، یکی از طُرُق حمل حدیث است (5) که در میان دانشمندان دینی، بخصوص محدثان، مرسوم بوده است. شیخ آقا بزرگ، در تعریف اجازه می گوید: «اجازه، سخن اجازه دهنده و انشای اذن او در روایت حدیث از وی است». (6) شخص اجازه گیرنده، معمولاً کتاب های مورد اجازه و سلسله مشایخ روایت خود را نیز در متن اجازه _ که گاه کوتاه و گاه بلند و در حدّ يك کتاب است _ ذکر می کند تا اسناد حدیث به معصوم علیه السلام برسد. برخی از محققان معتقدند که اجازه، در صورتی مفید و معتبر است که شامل نقل احادیثی باشد که درستی آنها نزد شیخ و استاد حدیث، تأیید شده است تا بدین وسیله، يك نسخه خطّی حدیث از نسلی به نسلی، یا از سرزمینی به سرزمین دیگر و... به طور درست، انتقال یابد؛ و گرنه اجازه برای نقل حدیث از کتاب های چاپ

1- همان، ج 10، ص 135 و ج 12، ص 135.

2- دو فصل نامه علوم الحدیث، ش 19.

3- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیة الله مرعشی، ج 12، ص 81 (ش 4505) و ج 16، ص 112 (ش 6109).

4- الذریعة، ج 8، ص 56.

5- درایه الحدیث، ص 134.

6- الذریعة، ج 1، ص 131.

قرن دوازدهم

شده یا نسخه های متواتر، جز امری تشریفاتی نیست که برای تیمن و تبرک، صادر می شود. (1) بر این اساس، غالب اجازات حدیث در قرون اخیر، تنها از باب تیمن و تبرک بوده است؛ گرچه فی الجمله، سلسله استاد و شاگرد را در بین علما نشان می دهد و این خود، امری مطلوب است. البته برخی اجازات، علاوه بر سلسله مشایخ و مصنفات آنها، گاه شرح حال افراد بسیاری را نیز در بردارد و به صورت یک کتاب ترجمه قابل استفاده درآمده است. نکته ای که باید افزود، این است که هر گاه شیخ روایت، اجازه روایت کتابی حدیثی، ولو چاپ شده را به شاگرد می دهد، معلوم می شود که آن کتاب، از نظر او معتبر بوده است و آن شاگرد نیز شایستگی روایت آن را دارد. در دو قرن دوازدهم و سیزدهم نیز رسم اجازه دادن و گرفتن، در بین عالمان دینی شیعه جاری بوده است و آنان، اجازات متعددی را از خود به یادگار گذاشته اند که نمونه های زیر، از آن جمله است: (2)

قرن دوازدهم 1. اجازة الحدیث، از سلیمان بن عبد الله ماحوزی (م 1121 ق). ماحوزی، این اجازه را برای شیخ احمد، پدر شیخ یوسف بحرانی، در سال 1119 ق، نوشته است. (3) 2. مجمع الإجازات، از محمد محسن بن عبد العلی (م 1125 ق). شامل سیزده اجازه طولانی و سودمند است. (4)

-
- 1- علوم حدیث، ش 15، ص 108.
 - 2- باید توجه داشت که اجازه علمی اجتهاد، امر دیگری است که با اجازه روایت حدیث، تفاوت دارد و ممکن است برخی از اجازات صادر شده، صرفاً اجازه اجتهاد باشد.
 - 3- فهرست نسخ خطی مرکز احیای میراث اسلامی، ج 2، ص 416 (ش 745).
 - 4- الذریعة، ج 20، ص 15.

3. اجازة الحديث ، از عبد الله بن صالح سماهيجی (م 1135 ق). اجازة مفصّلى است و برای شيخ ناصر بن محمد جارودی خطّی در 23 صفر 1128 ، نوشته شده است. (1) این اجازة با نام الاجازة الكبيرة و با تحقيق شيخ مهدی عوازم قطيفی در سال 1419 ق ، در قم ، چاپ شده است. 4. اجازة برای احمد بن محمد مهدی خاتون آبادی و فرزندش ملا محمد مهدی ، از مير محمد حسين بن محمد صالح خاتون آبادی (م 1151 ق). (2) 5. اجازة الحديث ، از مير محمد بن حسين بن محمد صالح خاتون آبادی. اجازة مفصّلى است که خاتون آبادی برای شاگردش زين الدين خوانساری نوشته است. (3) 6. اجازة برای سيّد محمد حسيني عاملی ، از محمد باقر بن [محمد] حسين نيشابوری مکی (م اوایل 1144 ق) (4) . (5) 7. الإجازة الكبيرة ، از سيّد عبد الله بن نور الدين جزايری (م 1173 ق). اجازة مفصّلى است که جزايری ، برای شيخ محمد بن كرم الله حویزی و ابراهيم بن عبد الله حویزی نوشته و تعداد دیگری را نیز در آن شرکت داده است. این اجازة ، با مقدمه مرحوم آية الله مرعشی نجفی و تحقيق محمد سمّامی حائری ، توسط انتشارات كتاب خانه آية الله مرعشی در سال 1409 ق ، برای بار اول به چاپ رسیده است. (6) 8. لؤلؤة البحرين في الإجازة لقرتي العين ، از يوسف بن احمد بحرانی (م 1186 ق).

1- فهرست نسخ خطّی كتاب خانه آية الله مرعشی ، ج 14 ، ص 345 (ش 5582).

2- همان ، ج 15 ، ص 164 (ش 5777).

3- همان ، ج 16 ، ص 287 (ش 6320).

4- وی ، از علامه مجلسی ، سيّد عليخان مدنی و محمد بن عبد الفتاح تنكابنی اجازة روايت دارد. او نزدیک به صد سال عمر کرد و در طول عمر خود در مکه اقامت داشت و در اوایل سال 1144 ق ، دیده از جهان فرويست (تلامذة العلامة المجلسی ، ص 82).

5- فهرست نسخ خطّی كتاب خانه آية الله مرعشی ، ج 15 ، ص 164 (ش 5777).

6- همان ، ص 7 (ش 5604).

قرن سیزدهم

اجازه مفصّلی است که بحرانی، برای شیخ حسین بن محمد عصفوری و خلف بن عبدعلی عصفوری نوشته و احوال 133 نفر از علمای بزرگ شیعه را نیز در آن آورده است. (1) این اجازه با تحقیق و تعلیق سیّد محمد صادق بحر العلوم در نجف اشرف و نیز توسط مؤسسه آل البیت علیهم السلام در قم، به چاپ رسیده است. 9. اجازه الحدیث، از یوسف بن احمد بحرانی. این اجازه برای سیّد مهدی بحر العلوم نوشته شده و اجازه دهنده در آن، طُرُق روایتی خود را ذکر کرده است. (2) 10. اجازه الحدیث، از حسین بن محمد بن عبد النبی بحرانی (م 1192 ق). (3) این اجازه، برای حسین بن عبد الله بحرانی نوشته شده است. (4)

قرن سیزدهم 11. اجازه الحدیث، از سیّد محمد مهدی بحر العلوم (م 1212 ق). این اجازه برای سیّد عبد الکریم بن جواد موسوی جزایری نوشته شده است. (5) 12 _ 18. اجازه، از سیّد محمد مهدی بحر العلوم. این اجازات در کتاب اجازات الروایة و الوارثة فی القرن الأخيرة الثلاثة، تألیف شیخ آقا بزرگ تهرانی آمده است. بحر العلوم، این اجازات را برای شش تن از شاگردان خود نوشته است. این کتاب در دفتر هفتم میراث حدیث شیعه (ص 529 _ 546) معرفی شده، ولی هنوز به چاپ نرسیده است. 19 _ 47. اجازات میرزا مهدی بن ابو القاسم شهرستانی (1130 _ 1216 ق). (6) 28 اجازه

1- همان، ج 1، ص 184 (ش 7004) و ج 2، ص 302 (ش 707).

2- همان، ج 15، ص 9 (ش 5605).

3- وی از عبد الله بن علی بلادی، حسین بن محمد ماحوزی و ناصر بن محمد جارودی روایت می کند. او در مقبره اصطهبانات، مدفون است (تراجم الرجال، ج 1، ص 173).

4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 18، ص 176 (ش 7004).

5- همان، ج 22، ص 238 (ش 8691).

6- فقیه، محدث و متکلم بزرگ شیعه است که در اصفهان به دنیا آمد، در آغاز جوانی به عراق رفت و در کربلا، اقامت گزید. وی از محضر بزرگانی همچون وحید بهبهانی، محمد مهدی بن محمد صالح فتونی و شیخ یوسف بن احمد بحرانی کسب علم کرد و از آنان، اجازه روایت گرفت. سیّد عبد الله بن محمد رضا شبر، سیّد دلدار علی نقوی و شیخ احمد احسائی، از شاگردان او هستند (أعیان الشیعة، ج 10، ص 163؛ معارف، ج 3، ص 84؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 628).

برای دانشمندان مختلف قرن سیزدهم و به کوشش سید احمد حسینی اشکوری در دفتر پنجم میراث حدیث شیعه، ص (521 _ 549) چاپ شده است. 48. اجازة الحدیث، از حیدر علی بن عزیز الله مجلسی (م ح 1220 ق). اجازة مبسوطی است که حیدر علی برای فرزندانش و چند تن دیگر از علما نوشته و احوال خاندان مجلسی را نیز به تفصیل، در آن آورده است. از این رو، گاه از آن به اُنساب المجلسی تعبیر کرده اند. (1) 49. اجازة، از محمد بن عبد النبي اخباری (م 1232 ق). اخباری، این اجازة را برای عالمی محمد حسن نام، نوشته است. (2) 50. اجازة نامه، از محمد بن عبد النبي اخباری. اجازة ای است از اخباری برای برادر زاده اش محمد باقر بن محمد علی. (3) 51. اجازات الشيخ أحمد الأحسانی (م 1241 ق). این اجازة با تعلیقات دکتر حسینعلی محفوظ در سال 1390 ق، در نجف، توسط مطبعة الآداب، به چاپ رسیده است. 52. اجازة، از سید کاظم رشتی (م 1259 ق). این اجازة برای حسین بن عبد الله حسینی، در سال 1242 ق، نوشته شده است. (4) 53. اجازة، از سید محمد باقر بن محمد تقی شفتی (حجّة الإسلام) (م 1260 ق).

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 16، ص 60 (ش 6057).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مدرسه سپه سالار، ج 3، ص 48 (ش 76).
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 26، ص 108 (ش 7607).
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 28، ص 11 (ش 11003).

شفتی این اجازه را برای دامادش ملا محمد مهدی نوشته است. (1) 54. اجازه، از سید محمد باقر بن محمد تقی شفتی. اجازه ای است برای محمد بن محمد ابراهیم کرباسی. (2) 55. الإجازات، از سید محمد باقر بن محمد تقی شفتی. اجازه ای است برای سیزده تن از دانشمندان. (3) 56. اجازه، از محمد ابراهیم بن محمد مهدی کرباسی (م 1267 ق). اجازه ای است برای سید محمد هادی بن مهدی. (4) 57. اجازه، از محمد ابراهیم بن محمد مهدی کرباسی. اجازه ای است به محمد حسین کاشانی. (5) 58. اجازة الحدیث، از سید محمد بن دلدار علی نقوی (م 1284 ق). اجازه ای است برای سید محمد هادی بن مهدی. (6) 59. اجازة الحدیث، از سید حسین بن دلدار علی نقوی (1211 _ 1273 ق). (7) اجازه ای است برای یکی از علما. (8) این اجازه در چاپ خانه محمدیه در لکهنو، چاپ

1- همان، ج 17، ص 185 (ش 6613).

2- همان جا.

3- فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آية الله فاضل خوانساری، ج 1، ص 160.

4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 17، ص 185 (ش 6613).

5- همان، ج 15، ص 164 (ش 5777).

6- همان، ج 17، ص 268 (ش 6712).

7- وی، از فقهای بزرگ شیعه و معروف به سید العلماء است که نزد پدرش سید دلدار علی و برادرش سید محمد سلطان العلماء (م 1284 ق) درس خواند. او در هفده سالگی به اجتهاد رسید و در بر پا داشتن شعایر و وظایف دینی، سعی بسیار داشت و نزد سلطان واحد علی شاه و سپس پسرش امجد علی شاه، جایگاهی رفیع داشت. وی به اشاره واحد علی شاه، اولین مدرسه شیعی (سلطانیه) را در هند، بنا کرد. میرحامد حسین، صاحب عبقات الأنوار، سید افضل علی خان هندی و سید اکبر شاه هندی از شاگردان او هستند (أعیان الشیعة، ج 6، ص 12؛ ریحانة الأدب، ج 6، ص 133؛ تراجم الرجال، ج 1، ص 163؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 215).

8- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 17، ص 267 (ش 6712).

شده است. 60. الروضة البهية في الإجازة الشفيعية، از محمد شفيع بن علي اكبر جابلقى (م 1280 ق). (1) اين اجازه، در سال 1280 ق، بعد از وفات جابلقى، چاپ شده است. (2) 61. كتاب الإجازات، گردآوری عبد الحسين بن علي تهرانى (شيخ العراقيين) (م 1286 ق). (3) 62. اجازه، از سيد محمد باقر خوانسارى (صاحب روضات). اجازه اى است براى سيد محمد مهدى بن محمد حسيني بروجردى، به تاريخ 1290 ق. (4) 63. اجازة الحديث، از سيد حسين بن محمد علي حسيني كاشانى (م 1296 ق). (5) اجازة مبسوطى است براى محمد حسين بن محمد باقر آرانى. (6) 64. الشجرة المورقة و المشيخة المؤتقة، از محمد بن عبد الوهاب (ابن داوود همدانى) (م 1303 ق). ظاهراً مجموعه اى از اجازات اجتهاد بزرگان براى ابن داوود همدانى است. (7)

-
- 1- وى، فقيه اصولى و آگاه به حديث و رجال بود و نزد سيد محمد مجاهد، سيد محمد مهدى طباطبايى، محمد علي مازندراني، سيد محمد باقر شفتى، سيد صدر الدين محمد عاملى، عباسعلى كزازى كرمانشاهى، ملا علي مازندراني، علي اكبر خراسانى و ملا مهدى نراقى درس خواند و از آنان، روايت مى كند. وى در مشهد امامزاده قاسم، نزديك بروجرد، مدفون است (أعيان الشيعة، ج 9، ص 365؛ ريحانة الأدب، ج 1، ص 375؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 594؛ الذريعة، ج 2، ص 211).
 - 2- فهرس التراث، ج 2، ص 154.
 - 3- الذريعة، ج 1، ص 126.
 - 4- فهرست نسخ خطى كتاب خانه آية الله مرعشى، ج 16، ص 64 (ش 6062).
 - 5- وى، از مراجع تقليد در تهران بود كه نزد دانشمندانى مانند علي مدد بن رمضان ساوجى كاشانى، سيد ابراهيم بن محمد باقر قزوينى، محمد حسين بن محمد رحيم ايوانكيفى و محمد ابراهيم بن محمد حسن كلباسى تحصيل كرد و از ملا محمد مهدى نراقى و سيد محمد تقى بن مؤمن قزوينى اجازة روايت دريافت كرد (تراجم الرجال، ج 1، ص 178؛ الذريعة، ج 11، ص 215؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 237).
 - 6- فهرست نسخ خطى كتاب خانه آية الله مرعشى، ج 17، ص 51 (ش 6446).
 - 7- همان، ج 14، ص 223.

2_3 . فقه الحدیث (شرح و مفهوم شناسی حدیث)**اشاره**

65. اجازة الحدیث ، از احمد بن علی اکبر تربتی (م ق 13 ق). اجازة ای است که برای سید اسد الله بن محمد باقر شفقی نوشته شده است. (1) تعدادی دیگر از اجازات علما در مجموعه ای با شماره 6062 در کتاب خانه آیه الله مرعشی موجود است. (2)

2_3 . فقه الحدیث (شرح و مفهوم شناسی حدیث) چنان که در تعریف «درایه» گذشت ، برخی از دانشمندان برای آن ، معنایی وسیع در نظر می گیرند ، که متن ، سند ، چگونگی تحمّل و آداب نقل حدیث ، همه را مورد بحث قرار می دهد . برخی دیگر نیز دایره آن را به بررسی احوال و عوارض سند ، محدود کرده اند . اگر درایه را با معنای گسترده آن بنگریم ، فقه الحدیث ، شاخه و زیر مجموعه آن است؛ ولی اگر معنای محدودتر آن را بپذیریم ، فقه الحدیث ، در موضوع ، با آن مخالف می شود ، چنان که تعریف شیخ آقا بزرگ ، درباره درایه و فقه الحدیث ، مؤید این نظر است . وی در تعریف «فقه الحدیث» می گوید : «موضوع فقه الحدیث ، با رجال و درایه متفاوت است؛ زیرا فقه الحدیث ، تنها شامل متن حدیث است . از این رو ، در آن ، از شرح واژه های حدیث و بیان حالات متن ، مانند : نص یا ظاهر ، عام یا خاص ، مطلق یا مقید ، مجمل یا مبین ، و معارض یا غیر معارض بودن آن ، بحث می شود» . (3) در توضیح این مطالب باید گفت که دانشمندان کوشا و محقق شیعه ، پس از فراغت از تحقیق و بررسی سند حدیث و تعیین درجه اعتماد به آن ، برای فهم محتوای حدیث و درک پیام آن ، امور مهمی را ذکر نموده اند که به عنوان فقه الحدیث ، مطرح است . از جمله آن امور ، موارد زیر را می توان یاد کرد :

- 1- .فهرست نسخه های خطی کتاب خانه مدرسه آیه گلپایگانی ، ج 1 ، ص 88 .
- 2- .فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 16 ، ص 63_64 .
- 3- .الذریعة ، ج 8 ، ص 54 .

1. عرضه محتوای حدیث بر قرآن و سنت قطعی؛ چنان که پیامبر اکرم، ضمن ایراد خطبه ای در منا فرموده است: *أَيُّهَا النَّاسُ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَادَّأ مَا قُلْتُمْ وَمَا جَاءَكُمْ يُخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ أَقُلُّهُ*. ای مردم! آنچه [به نقل] از من به شما می رسد که موافق کتاب خداست، من آن را گفته ام و آنچه به شما می رسد که مخالف کتاب خداست، من آن را نگفته ام. 2. تحقیق درباره شأن صدور حدیث و آنچه در فهم معنای آن دخالت دارد؛ 3. توجه به این که الفاظ حدیث از معصوم علیهم السلام است یا نقل به معنا صورت گرفته است؛ 4. توجه به این که آیا حدیث، حمل بر ظاهر می شود یا مراد، چیز دیگری است (حدیث محکم است یا متشابه) 1؛ 5. شناخت عام و خاص، و مطلق و مقید احادیث؛ (1) 6. شناخت ناسخ و منسوخ احادیث؛ 7. آگاهی از این که آیا حدیث، حمل بر تقیّه می شود یا نه. (2) از این رو، در راستای فهم احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، شرح و

-
- 1- عام، حکمی است که شامل همه افراد خود می شود، گرچه در موردی خاص وارد شده باشد. خاص، در اصطلاح محدثان، حکمی است که از پیامبر صلی الله علیه و آله یا دیگر معصومان علیهم السلام درباره یک گروه مشخص یا یک فرد معین، وارد شده است و آنان را به سبب داشتن صفت، عمل و یا عقیده ای که مورد رضای شارع نیست، نکوهش کرده است، و این نکوهش به ذات آنان یا قوم و قبیله شان ارتباط ندارد، و این با اصطلاح اصولیان، تفاوت دارد. (تلخیص المقباس، ص 254).
- 2- ر.ك: تلخیص مقباس الهدایة، علی اکبر غفاری، ص 247_ 265.

1_2_3 . شرح و حاشیه نویسی بر احادیث :**اشاره**

حاشیه نویسی بر احادیث و کتاب های حدیثی ، یکی از محورهای عمده تلاش دانشمندان شیعه در حوزه حدیث را تشکیل داده است. این کار که به طور عمده از اوایل قرن یازدهم هجری آغاز شد ، در قرن های دوازدهم و سیزدهم نیز ادامه داشت ؛ چه این که در طول قرن دوازدهم ، اخباریگری ، همچنان رایج بود و صفویه در سه چهارم دهه پایانی حکومت خویش نیز مانند دوره های پیش از آن ، از تشویق دانشمندان شیعه در توجّه به کتب مذهبی نقلی ، دریغ نورزیدند. شرح و حاشیه نویسی بر احادیث ، به چند صورت انجام گرفته است ، از جمله آن که برخی کتاب های حدیثی به طور کامل شرح گردیده اند . دیگر آن که بخشی از کتاب یا خطبه ای از خطبه های مأثور ، شرح داده شده است. برخی از دانشمندان نیز در يك رساله به شرح يك حدیث خاص پرداخته اند. فهرست شروح و حواشی حدیث در قرن دوازدهم و سیزدهم ، به ترتیب زیر است:

1_2_3 . شرح و حاشیه نویسی بر احادیث :يك . شرح و حاشیه نویسی بر کتب اربعه حدیث : _ شرح و حاشیه بر کتاب الکافی _ شرح و حاشیه نویسی بر کتاب من لایحضره الفقیه _ شرح و حاشیه نویسی بر تهذیب الأحکام _ شرح و حاشیه نویسی بر الاستبصار دو . شرح و حاشیه بر نهج البلاغه سه . شرح و حاشیه بر الصحیفة السجّادیة چهار . شرح و حاشیه نویسی بر دیگر کتاب های حدیثی : _ شرح و حاشیه بر الوافی

يك . شرح و حاشیه نویسی بر کتب اربعه حدیث**شرح و حاشیه نویسی بر «الكافی»**

– شرح وسائل الشیعة – حاشیه بر الصافی – شرح کتاب های حدیثی گوناگون پنج . شرح برخی خطبه ها شش . شرح يك یا چند حدیث هفت . شرح ادعیه و زیارات

يك . شرح و حاشیه نویسی بر کتب اربعه حدیثاً توجه به جایگاه والای چهار کتاب حدیثی متقدم در بین شیعیان ، دانشمندان شیعه در دو قرن دوازدهم و سیزدهم نیز بر تمام یا بخشی از این کتاب ها ، شرح و حاشیه بسیاری نگاشته اند که به ترتیب زمانی به ذکر آنها می پردازیم:

شرح و حاشیه نویسی بر «الكافی» کتاب الكافی ، تألیف ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی (م 369 ق) ، نخستین کتاب از چهار کتاب حدیثی شیعه است که به دلیل در برداشتن احادیث مربوط به اصول دین و فروع فقهی ، و نیز شأن والای مؤلف آن در میان محدثان ، از اهمیت و اعتبار ویژه ای برخوردار است. از جمله شروح و حواشی نگارش یافته بر الكافی در قرن دوازدهم و سیزدهم ، موارد زیر را می توان ذکر کرد: 1 . شرح روضة الكافی (نزهة الإخوان و تحفة الخلائ) ، از سید نعمة الله بن عبد الله جزایری (م 1112 ق). (1) 2 . شرح فروع کافی ، از محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی (م 1120 ق). (2)

1- الذریعة ، ج 13 ، ص 297 (ش 1085) و ج 24 ، ص 110.

2- وی ، فقیه ، ادیب و خطاط شیعی است و به سبب ترجمه قرآن به «هادی مترجم» شهرت داشت. وی نوه مجلسی اول است و نزد دانشمندان عصر خویش ، درس خواند. محمد علی بن ابی طالب حزین ، از شاگردان اوست. ترجمه صحیفه سجادیه ، شرح دعای صباح نیز از اوست (موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 12 ، ص 400 ؛ روضات الجنّات ، ج 2 ، ص 88 ؛ أعیان الشیعة ، ج 10 ، ص 82 ؛ ریحانة الأدب ، ج 5 ، ص 148).

شامل شرح کتاب زکات، صوم و حج الکافی است. (1) 3. حاشیه بر اصول کافی، از محمد حسین بن یحیی نوری (م ح 1127 ق).
 (2) از این کتاب به شرح نیز یاد شده است. (3) 4. توضیح الکافی، از محمد قاسم بن محمد رضا شریف (م 1127 ق). این اثر، ترجمه
 و شرح روایات کتاب ایمان و کفر الکافی است که به دستور سلطان حسین صفوی، نگارش یافته و بیشتر، جنبه اعتقادی _ فلسفی دارد.
 (4) 5. شرح الکافی، از محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی (م 1129 ق). (5) 6. حاشیه بر کافی، از حیدر علی بن محمد شیروانی
 (بعد از 1129 ق). این کتاب، مبسوط است. (6) 7. شرح اصول الکافی، از محمد زمان بن کلبعلی تبریزی (م ح 1131 ق). (7)
 شرحی دقیق بر کتاب عقل و علم الکافی است که شارح، علاوه بر بررسی آرای علما، نظر

- 1- روضات الجنّات، ج 1، ص 123 (ش 165)؛ الذریعة، ج 13، ص 14، 380 (ش 27).
- 2- مفسر و محدّثی متبّع است که در نسخ و نستعلیق، خطّی خوش دارد. شاگرد علامه مجلسی است و از او اجازه روایت دارد (تلامذة المجلسی، ص 96؛ فیض القدسی، ص 102).
- 3- الذریعة، ج 6، ص 182 و ج 13، ص 96.
- 4- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 2، ص 136 (ش 529).
- 5- تراجم الرجال، ج 3، ص 397.
- 6- الذریعة، ج 6، ص 182.
- 7- وی، فقیه اصولی و حکیم شیعی است که به حدیث، توجّه خاصی داشت. او نزد علمای اصفهان، از جمله علامه محمد باقر مجلسی، سید محمد صالح بن عبد الواسع خاتون آبادی و حسین بن جمال الدین خوانساری درس خواند و از آنان، روایت می کند. وی کتابی نیز در رجال دارد (تلامذة العلامة المجلسی، ص 10؛ روضات الجنّات، ج 3، ص 350؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 374؛ أعیان الشیعة، ج 7، ص 68؛ تراجم الرجال، ج 2، ص 704؛ الذریعة، ج 10، ص 117).

خود را با عنوان «أقول _ قلت» بیان می کند. (1) 8. حاشیه بر الکافی، از ابو الحسن بن محمد طاهر فتونی (م 1138 ق). (2) 9. شرح فروع کافی، از یعقوب بن ابراهیم بختیاری (م 1148 ق). شرح، از اول کتاب زکات تا اواخر اطعمه و اشربه الکافی را در بردارد. (3) 10. حاشیه بر کافی، از احمد بن اسماعیل جزایری (م 1151 ق). (4) 11. شواهد الإسلام، از محمد رفیع بن فرج گیلانی ملاً رفیعا (میرزا رفیعا) (1070 _ ح 1155 ق). (5) این کتاب، حاشیه مختصری بر بخش اصول الکافی است و کتاب های عقل و علم و توحید و حجّت را در بردارد. (6) 12. حاشیه بر کافی، از سید شبر بن محمد موسی حویزی (م ح 1190 ق). این شرح، کوتاه و بر قسمت هایی از اصول الکافی است. (7) 13. حاشیه بر کافی، از علی بن زین الدین عاملی (ق 12 ق). شرح، شامل کتاب توحید از اصول الکافی است. (8)

-
- 1- الذریعة، ج 6، ص 182.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 539 (ش 7263)؛ الذریعة، ج 13، ص 97 (ش 308).
 - 3- الذریعة، ج 6، ص 180.
 - 4- همان، ج 14، ص 28.
 - 5- همان، ج 6، ص 181؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 32.
 - 6- وی، فقیه اصولی و حکیم شیعی است که نزد دانشمندان بزرگ اصفهان، مانند علامه محمد باقر مجلسی، سید رفیع الدین محمد بن حیدر طباطبایی نایینی، جمال الدین محمد بن حسین خوانساری، قاضی جعفر بن عبد الله کمره ای و محمد باقر بن محمد مؤمن سبزواری درس خواند. وی سپس به مشهد رفت و حدود چهل سال در آن جا اقامت داشت و بسیاری، از جمله شیخ یوسف بحرانی، سید عبد الله جزایری، از محضر او بهره بردند و از او روایت کرده اند. شرح نهج البلاغة، از دیگر آثار اوست (موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 372؛ لؤلؤة البحرين (ش 34)؛ أعیان الشیعة، ج 1، ص 36؛ تلامذة العلامة المجلسی، ص 101؛ الذریعة، ج 14، ص 126).
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 4، ص 385 (ش 1579)؛ الذریعة، ج 13، ص 97.
 - 8- فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیه الله فاضل خوانساری، ج 1، ص 128 (ش 173)؛ الذریعة، ج 7، ص 183.

14 . الحاشیه علی کافی ، از عبد النبى بن محمد طسوجى (م 1203 ق). (1) 15 . شرح التوحيد من كتاب الكافى ، از احمد بن كمال [الدين] الشريف (ق 12 ق). (2) 16 . شرح الكافى ، از نظر على بن محسن گیلانی (م قبل از 1217 ق). شرحى متوسط بر توحيد اصول الكافى است. شارح از مبانى فلسفى _ كلامى استفاده مى كند و گاه ، به بحث رجال حديث نیز اشاره مى كند. (3) 17 . شرح اصول كافى ، از محمد باقر بن محمد ابراهيم حسینی رضوى (م 1218 ق). (4) 18 . هدى العقول إلى أحاديث الأصول ، از محمد بن عبد على آل عبد الجبار قطيفى (م 1241 ق). شرحى مفصل در چهارده مجلد است. (5) 19 . شرح اصول كافى ، از ملا محمد تقى گلپایگانی (م 1298 ق). (6) 20 . جامع الشتات فى ترجمة الروايات الواردة فى المسائل الفرعيات ، از محمد نصير بن احمد نراقى (ق 13 ق) . شرح و تعليقه نسبتاً مبسوطى است با عناوين «قال رض» ، بر كتاب هاى طهارت ، صلوات ، زكاة و خمس الكافى كلينى. (7) 21 . حاشیه شرح كافى ، از عبد العزيز بن احمد شيروانى (ق 13 ق). حاشیه اى بر شرح اصول الكافى ملا صدرای شیرازی است ، شامل بخش عقل و علم كه در سه مجلد

-
- 1- . موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 375.
 - 2- . الذريعة ، ج 13 ، ص 154.
 - 3- . فهرست نسخ خطى كتاب خانه آية الله مرعشى ، ج 28 ، ص 209 (ش 11144).
 - 4- . الذريعة ، ج 13 ، ص 96.
 - 5- . فهرست نسخ خطى كتاب خانه آية الله مرعشى ، ج 5 ، ص 193 (ش 1808) و ج 8 ، ص 104 (ش 2908) و ج 9 ، ص 289 (ش 3492) ؛ الذريعة ، ج 13 ، ص 100.
 - 6- . موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 553.
 - 7- . فهرست نسخ خطى كتاب خانه آستان قدس رضوى ، ج 14 ، ص 216 (ش 8532).

شرح و حاشیه نویسی بر «کتاب من لایحضره الفقیه»

است و در آن، صدر المتألهین را سخت مورد انتقاد قرار داده است. (1)

شرح و حاشیه نویسی بر «کتاب من لایحضره الفقیه» کتاب من لایحضره الفقیه، تألیف ابو جعفر محمد بن علی موسی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق (م 381 ق)، دومین کتاب حدیثی شیعه است که تنها شامل احادیث فقهی و مورد توجه دانشمندان و فقهای شیعه بوده و هست. البته با وجود اهمیت بسیار کتاب من لایحضره الفقیه، برخی از فقها کتاب های شیخ طوسی را بر آن، ترجیح می دهند. در دو قرن دوازدهم و سیزدهم، بر این کتاب نیز شروح و حاشیه هایی چند، نگارش یافته که از آن جمله است: 1. حاشیه بر [کتاب] من لایحضره الفقیه، از [محمد] مراد بن محمد صادق کشمیری (م 1124 ق) (2). (3). حاشیه بر [کتاب] من لایحضره الفقیه، از محمد بن حسین خوانساری (آقا جمال) (م 1125 ق) در جامع الرواة، از آن به عنوان تعلیقات یاد شده است. (4) 3. حواشی بر [کتاب] من لایحضره الفقیه، از عبد الله بن عیسی افندی (م 1130 ق). (5) 4. من لایحضره النبیه فی شرح [کتاب] من لایحضره الفقیه، از عبد الله بن صالح سماهیجی (م 1135 ق). (6)

1- همان، ص 224 (ش 7139، 12355، 13356).

2- وی نزد علامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی و سید عبد الصمد بن عبد القادر بحرانی درس خواند و در سال 1086 ق، از علامه مجلسی اجازه روایت گرفت. وی کتابی در رجال نیز دارد (تلامذة العلامة المجلسی، ص 125؛ نجوم السماء، ص 225).

3- الذریعة، ج 6، ص 225.

4- همان، ج 6، ص 224 (ش 1259)

5- همان، ص 223 (ش 1254)؛ أعیان الشیعة، ج 8، ص 64.

6- أعیان الشیعة، ج 8، ص 53.

5. شرح أسانید [کتاب] من لایحضره الفقیه، از عبد الله بن صالح سماهیجی. (1) 6. شرح [کتاب] من لایحضره الفقیه، از محمد صالح بن عبد الواسع خاتون آبادی (م 1126 ق.). (2) 7. معراج النبیه فی شرح [کتاب] من لایحضره الفقیه، از یوسف بن احمد بحرانی (م 1186 ق.). (3) 8. الحاشیه علی [کتاب] من لایحضره الفقیه، از عبد النبی بن محمد طسوجی (م 1203 ق.). (4) 9. الحاشیه علی [کتاب] من لایحضره الفقیه، از محمد جعفر بن محمد علی کرمانشاهی (م 1254 ق.). (5) 10. شرح مشیخه «الفقیه»، از محمد حسین بن علی اصغر قاضی طباطبایی حسنی تبریزی (1210 _ 1294 ق.) (6). (7) 11. مفتاح النبیه فی شرح الفقیه، از محمد بن عبد النبی نیشابوری اخباری (م 1232 ق.). (8) 12. الحاشیه علی [کتاب] من لایحضره الفقیه، از محمد تقی بن حسینعلی هروی

1- الذریعة، ج 13، ص 82 و ج 1، ص 437 (ش 2211)؛ أعیان الشیعة، ج 8، ص 53.

2- الذریعة، ج 14، ص 94 (ش 1876).

3- همان، ج 14، ص 94 و ج 21، ص 236 (ش 4792).

4- همان، ج 4، ص 281 و ج 14، ص 72.

5- همان، ج 6، ص 22.

6- وی، از فقهای پُر اطلاع شیعه است که به حدیث و رجال، توجه خاصی داشت. او نزد دانشمندان عصر خود، از جمله محمد حسن صاحب جواهر و محمد جعفر بن سیف الدین شریعتمدار و... درس خواند و پس از رسیدن به مرتبه اجتهاد به تبریز بازگشت و در آن جا به تدریس و تألیف پرداخت (تراجم الرجال، ج 2، ص 667؛ مصنفی المقال، ص 156؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 573).

7- الذریعة، ج 21، ص 353 (ش 5423).

8- همان جا.

شرح و حاشیه نویسی بر «تهذیب الأحكام»

(م 1299 ق). (1)

شرح و حاشیه نویسی بر «تهذیب الأحكام» تهذیب الأحكام، یکی دیگر از کتاب های چهارگانه حدیث شیعه در دوره متقدمان است که به وسیله ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م 460 ق) تألیف شد. این کتاب که 13590 روایت را در قالب 23 کتاب فقهی و 393 باب در خود جای داده، همواره مورد مراجعه فقها و محدثان شیعه بوده است و شروح و حواشی متعددی بر آن نگاشته اند. بخشی از این شروح، در قرن های دوازدهم و سیزدهم بوده است که بدانها اشاره می شود: 1. مقصود الأنام فی شرح تهذیب الأحكام، از سید نعمه الله بن عبد الله جزایری (م 1112 ق). کتاب در دوازده مجلد، نگاشته شده است. (2) 2. غایة المرام فی شرح تهذیب الأحكام، از سید نعمه الله بن عبد الله جزایری. این کتاب، اختصار مقصود الأنام در هشت مجلد است. شارح به چند روایت هر باب، يك جا اشاره کرده و سپس، درباره متن و سند هر يك، بحث می کند. نسخه هایی از آن در کتاب خانه آية الله مرعشی موجود است. هر يك از این نسخه ها، شامل برخی مجلدات کتاب است. (3) دو مجلد آن با تحقیق سید طیب جزایری در قم به چاپ رسیده است. 3. الحاشية على التهذیب، از سلیمان بن عبد الله ماحوزی (م 1121 ق). (4) 4. الحاشية على التهذیب، از محمد بن حسین خوانساری (آقا جمال)

1- الذریعة، ج 6، ص 225.

2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 26، ص 196 (ش 7703)؛ الذریعة، ج 22، ص 113.

3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 7، ص 265 - 269 (ش 2690 - 2696) و ج 15، ص 335 (ش 5953) و ج 16 ص 129 (ش 6127)، ص 130 (ش 6128) و ج 13، ص 141 (ش 4843).

4- الذریعة، ج 6، ص 51.

(م 1125 ق). (1) 5. شرح مشيخة تهذيب الأحكام، از محمد اشرف بن عبد الحسين عاملی اصفهانی (م 1145 ق). (2) 6. شرح التهذيب، از احمد بن اسماعيل جزايري (م 1151 ق). (3) 7. توضيح المرام في شرح تهذيب الأحكام، از محمد نعيم بن محمد تقی عرفی طالقانی (ملاً نعيماً) (م بعد از 1158 ق یا 1177 ق). شرحی است به روش «قال - أقول»، دارای تحقیقات بسیار و مناقشات سودمند، به همراه نقل گفته های بسیار از عالمان حدیث و فقه. (4) نسخه کتاب، توسط سید صادق حسینی اشکوری، معرفی شده است. (5) 8. الحاشية على التهذيب، از ملاً اسماعيل بن محمد حسين مازندرانی خواجویی (م 1173 ق). (6) 9. الحاشية على التهذيب، از محمد باقر بن محمد طاهر خراسانی کرباسی (م 1175 ق) (7). (8) این اثر، تدوین حاشیه های پراکنده استاد مؤلف (علاًمه مجلسی)، با

-
- 1- الذريعة، ج 6، ص 51.
 - 2- همان جا؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 26، ص 325 (ش 7843).
 - 3- تلامذة العلامة المجلسی، ص 781.
 - 4- الذريعة، ج 13، ص 154.
 - 5- همان، ج 26، ص 49.
 - 6- میراث حدیث شیعه، دفتر نهم، ص 535_543.
 - 7- وی، از دانشمندان اخباری و از عارفانی است که در سلوك، روش طاقت فرسایی داشته است. ولادت او سال 1080 ق، بوده است. او در سال 1103 ق، از طوس به اصفهان مهاجرت کرد و هفت سال در خرابه مسجدی سکونت گزید و نزد علاًمه مجلسی شاگردی نمود و از وی و شیخ حرّ عاملی، اجازه روایت دارد. وی از سال 1122 ق، به کرباس فروشی روی آورد و در سال 1125 ق، دچار بیماری شد. فوائد الأخبار نیز از اوست. (فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 22، ص 223_224؛ تتمیم أمل الآمل، ص 95_96؛ تلامذة العلامة المجلسی، ص 89).
 - 8- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 23، ص 94.

شرح و حاشیه نویسی بر «الاستبصار»

قرن دوازدهم

اشاره

اضافاتی از خود اوست. 10. الحاشية على تهذيب الأحكام، از عبد النبي بن محمد طسوجی (م 1203 ق). (1) 11. الحاشية على التهذيب، از محمد باقر بن محمد اکمل (وحید بهبهانی) (م 1206 ق). (2) 12. الحاشية على التهذيب، از سید محمد بشیر گیلانی (معاصر وحید بهبهانی). (3) 13. شرح مشيخة التهذيب، از سید عبد الله بن محمد رحيم كبير (1165 _ 1243 ق). مؤلف، در این کتاب از استادش وحید بهبهانی، بسیار نقل قول می کند. (4)

شرح و حاشیه نویسی بر «الاستبصار» کتاب الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار، دیگر کتاب حدیثی شیخ طوسی است. وی در این کتاب، تنها به ذکر اخبار معارض و روش جمع بین آنها می پردازد. الاستبصار نیز در کنار سه جامع حدیثی دیگر، از زمان تألیف تاکنون، مورد توجه فقها و محدثان شیعه بوده و شروح و حواشی متعددی بر آن نگاشته شده است، از جمله موارد زیر که در دو قرن دوازدهم و سیزدهم، نگاشته شده است:

قرن دوازدهم 1. کشف الأسرار فی شرح الاستبصار، از سید نعمة الله بن عبد الله جزایری (م 1112 ق). شرح مفصّلی در سه مجلد است. (5)

-
- 1- الذريعة، ج 6، ص 51.
 - 2- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 376.
 - 3- همان جا.
 - 4- همان، ج 14، ص 66.
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 1، ص 342 (ش 297) و ج 1، ص 343 (ش 299) و ج 9، ص 372 (ش 3589)؛ الذريعة، ج 13، ص 87.

2. شرح الاستبصار، از محمد صالح بن عبد الواسع خاتون آبادی (م 1126 ق). (1) 3. حاشیه بر الاستبصار، از سید عبد الله بن نور الدین جزایری (م 1173). (2) 4. تعلیقات بر الاستبصار، از عباس بن حسن بلاغی (م بعد از 1178 ق) (3). (4) 5. شرح الاستبصار، از عبد الرضا بن عبد الصمد اولی بحرانی (ق 12 ق). (5) 6. تعلیقات رجالی و فقهی بر الاستبصار، از حسن بن عباس بلاغی (ق 12 ق). (6) 7. تعلیقات علی الکتب الأربعة، از سید ابو القاسم بن محمد اسماعیل حسینی اصفهانی (مدرس) (م 1203 ق) (7). (8) 8. شرح الاستبصار، از محمد حسن بن عبد الرسول زنوزی (1172 _ 1218 ق). کتاب در چند مجلد است. (9)

1- الذریعة، ج 13، ص 84؛ تلامذة العلامة المجلسی، ص 111.

2- الإجازة الكبيرة، مقدمه محقق، ص 27.

3- وی، از فقها و مجتهدان شیعه است که در نجف، درس خواند. از استادان وی، ابوالحسن فتونی، یوسف بحرانی، سید صدرالدین محمد رضوی، محمد بن رحیم خاتون آبادی، احمد بن محمد مهدی خاتون آبادی، حسین بن محمد جعفر ماحوزی، احمد بن اسماعیل جزایری و ابو القاسم جعفر بن حسین حسینی گلپایگانی را نام برده اند. اجازه روایت به ملا رجبعلی بن محمد نیز از اوست (أعیان الشیعة، ج 7، ص 432؛ طبقات أعلام الشیعة، ج 6، ص 408؛ ریحانة الأدب، ج 1، ص 233؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 150).

4- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 151.

5- الذریعة، ج 13، ص 84.

6- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 94.

7- وی فقیه، اصولی، محدث، حکیم و از مدرّسان مشهور فلسفه در اصفهان است که مدتی طولانی در مدرسه چهار باغ به تدریس مشغول بود و نزد ملا اسماعیل بن محمد حسین خواجویی و محمد بن محمد رفیع گیلانی اصفهانی بید آبادی، فلسفه خواند و نزد سید محمد مهدی بحر العلوم، فقه و اصول و حدیث آموخت. ملا علی بن جمشید نوری و سید جعفر بن حسین خوانساری، از شاگردان او در حکمت و کلام هستند. وی، در نجف اشرف، مدفون است. او شرحی نیز بر نهج البلاغة دارد (أعیان الشیعة، ج 2، ص 405؛ ریحانة الأدب، ج 5، ص 266؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 49).

8- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 49.

9- الذریعة، ج 13، ص 84.

قرن سیزدهم

دو . شرح و حاشیه نویسی بر «نهج البلاغة»

قرن دوازدهم

اشاره

9 . شرح الاستبصار ، از سیّد محسن بن حسن حسینی اعرجی (1130 _ 1227 ق) (1). شرح برخی ابواب کتاب صلات الاستبصار است. (2) 10 . شرح الاستبصار ، از عبد الرضا طفیلی نجفی (م بعد از 1305 ق). (3)

دو . شرح و حاشیه نویسی بر «نهج البلاغة» (4) کتاب گهربار نهج البلاغة که حاوی خطبه ها ، نامه ها و سخنان کوتاهی از امام علی علیه السلام است و لقب «برادر قرآن» گرفته است ، همواره مورد توجه دوستان و پیروان اهل بیت علیهم السلام بوده است. از این رو ، بر همه یا قسمتی از آن ، شرح های متعدّد نگاشته اند ، جز شرح چند خطبه _ که در قسمت مربوط به شرح يك خطبه می آید _ سایر شروح بر کل یا قسمتی از نهج البلاغه را در این جا می آوریم.

قرن دوازدهم 1 . الحواشی الضافية و الموازين الوافية ، از سیّد نعمة الله جزایری (م 1112 ق). تعلیقاتی است بر نهج البلاغة ، به روش «قوله قوله» که به عنوان حاشیه نهج البلاغة نیز از آن یاد شده است. (5) 2 . نصایح الملوك ، از ابو الحسن بن محمد طاهر فتونی (م 1138 ق). شرح فرمان علی علیه السلام به مالك اشتر است. (6)

1- . وی ، فقیه ، اصولی ، ادیب ، شاعر ، زاهد و عابد شیعی است که در بغداد به دنیا آمد ، بعد از سی سالگی شیفته علم گردید ، تجارت را رها کرد و به نجف و کربلا رفت و نزد محمد باقر بن محمد اکمل و سیّد محمد مهدی بحر العلوم ، کسب علم کرد ، سپس در کاظمین ساکن شد و به تدریس و تألیف مشغول گردید و آوازه اش بلند شد. سیّد عبد الله شبر و سیّد محمد باقر شفتی از شاگردان او هستند. عدة الرجال نیز از اوست (أعیان الشیعة ، ج 9 ، ص 49 ؛ روضات الجنّات ، ج 6 ، ص 104 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 439).

2- . الذریعة ، ج 13 ، ص 86.

3- . همان ، ص 84.

4- . برای اطلاع بیشتر ، رك: الغدير ، ج 4 ، ص 190 (ش 40 _ 51).

5- . همان ، ج 7 ، ص 111 (ش 586) و ج 14 ، ص 152.

6- . الذریعة ، ج 24 ، ص 171 ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مدرسه سپه سالار ، ج 2 ، ص 32 و ج 5 ، ص 715.

3. شرح نهج البلاغة، از میرزا محمد مهدی بن سید مرتضی حسینی خاتون آبادی (م 1150 ق). (1) 4. شرح نهج البلاغة، از محمد رفیع بن فرج گیلانی (ملاً رفیعاً) (م ح 1155 ق). مؤلف، در این شرح، بین روش ابن میثم و ابن ابی الحدید، جمع کرده است. (2) 5. شرح نهج البلاغة، از محمد ابراهیم بن غیاث الدین محمد خوزانی اصفهانی (م 1160 ق) (3). (4) 6. شرح گزیده هایی از نهج البلاغة، از محمود بن محمد تقی مشهدی (م بعد از 1172 ق). مؤلف، این شرح را به سال 1172 ق، نوشته است. (5) 7. شرح پاره ای از کلمات قصار نهج البلاغة، از اسماعیل بن محمد حسین خواجویی (م 1173 ق). (6) 8. شرح بعضی خطب امیر المؤمنین علیه السلام، از محمد علی بن ابی طالب گیلانی (حزین) (م 1180 ق). این کتاب به فارسی نگاشته شده است. (7) 9. سلاسل الحدید لتقید ابن ابی الحدید، از یوسف بن احمد بحرانی (م 1186 ق). مؤلف، مقدمه ای شافی در موضوع امامت نگاشته که جا دارد کتابی مستقل به حساب

1- الذریعة، ج 14، ص 148.

2- همان، ص 126.

3- وی، فقیه اصولی و حکیمی ماهر بود که نزد عالمانی مانند علینقی بن محمد تقی خبّاز، کمال الدین محمد بن معین الدین محمد فسوی، محمد شفیع گیلانی، محمد نصیر گلپایگانی، محمد جعفر کشمیری، محیی الدین بن حسین جامعی، محمد اسماعیل بن محمد امین خاتون آبادی، محمد حسین بن محمد صالح خاتون آبادی و محمد قاسم بن محمد رضا هزار جریبی، کسب علم نمود و از آنان، روایت می کند. او قاضی لشکر نادر شاه گردید و در سال 1160 ق، به دستور نادر به قتل رسید (موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 341؛ أعیان الشیعة، ج 2، ص 203؛ طبقات أعلام الشیعة، ج 6، ص 8).

4- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 342.

5- الذریعة، ج 14، ص 147.

6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 5، ص 104؛ الذریعة، ج 14، ص 116.

7- الذریعة، ج 10، ص 133 و ج 14، ص 135.

قرن سیزدهم

آید. سپس ، از شرح نهج البلاغةی ابن ابی الحدید ، آنچه را مربوط به مباحث امامت است ، استخراج کرده و خلل و فساد آنها را به تفصیل بیان کرده است. کتاب ، در دو مجلد است که مجلد نخست و قسمتی از مجلد دوم ، به اتمام رسیده است. (1) 10 . شرح علی نهج البلاغة ، از ابو الحسن بن محمد بحرانی (م 1193 ق) (2) . (3) 11 . شرح نهج البلاغة ، از عبد النبی بن محمد طسوجی (م 1203 ق) . (4) 12 . شرح و ترجمه عهد مالک اشتر ، از محمد کاظم بن محمد فاضل مشهدی (م اوایل ق 12 ق) . مؤلف ، این شرح را به درخواست شاه قلی خان نگاشته است. این کتاب ، به تصحیح مهدی انصاریان در سال 1373 ش ، در قم به چاپ رسیده است. (5)

قرن سیزدهم 13 . تحفة الولی ، از محمد حسین بن احمد یزدی (م 1227 ق) . این کتاب ، شرح و ترجمه سفارش نامه علی علیه السلام به مالک اشتر است. (6) 14 . شرح نهج البلاغة الکبیر (نخبة الشرحین) ، از سیّد عبد الله بن محمد رضا شبر (م 1242 ق) . مؤلف ، این شرح را از دو شرح ابن ابی الحدید و ابن میثم ، برگزیده است ، بدین ترتیب که در تواریخ و قصص ، به شرح ابن ابی الحدید ، و در اعراب و تحقیق ، به شرح ابن میثم ، تکیه کرده است. (7)

-
- 1- همان ، ج 12 ، ص 210 (ش 1395).
 - 2- وی ، مفسّر ، فقیه و ادیب شیعی است که ساکن شیراز بوده و با حکومت کریم خان زند نیز رابطه داشته است . وی در جوار مرقد سیّد احمد بن موسی شاه چراغ علیه السلام دفن گردیده است. شرح الصحیفة الكاملة و شرح الاحتجاج طبرسی نیز از اوست (أعیان الشیعة ، ج 2 ، ص 335 ؛ معجم المؤلفین ، ج 3 ، ص 277).
 - 3- أعیان الشیعة ، ج 2 ، ص 335.
 - 4- الذریعة ، ج 14 ، ص 134 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 376 .
 - 5- الذریعة ، ج 14 ، ص 144 ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 5 ، ص 46.
 - 6- الذریعة ، ج 3 ، ص 480.
 - 7- همان ، ج 14 ، ص 134 و ج 24 ، ص 96 (ش 495).

15. شرح نهج البلاغة الصغیر ، از سیّد عبد الله بن محمّد رضا شبّر. (1) 16. شرح [و ترجمه] نهج البلاغة ، از محمّد باقر بن محمّد ، معروف به میرزا باقر نوّاب لاهیجی (م 1245 ق). (2) کتاب ، به فارسی است و به امر فتحعلی شاه قاجار ، نوشته شده است. این اثر ، در سال های 1317 ، 1325 و 1356 ق ، در تهران به چاپ رسیده است. (3) 17. منهج المعرفة ، از سیّد صدر الدین بن محمّد باقر موسوی دزفولی (م 1256 ق). این کتاب ، شرح نهج البلاغة است. (4) 18. شرح نهج البلاغة ، از محمّد تقی بن میر مؤمن (م 1270 ق). شرح مبسوط ، ولی ناتمامی است. (5) 19. شرح نهج البلاغة ، از ابوالقاسم بن محمّد حسین بختیاری اصفهانی (م 1272 ق). (6) 20. شرح نهج البلاغة ، از محمّد تقی بن محمّد علی سپهر کاشانی (م 1297 ق). این کتاب ، ترجمه بخشی از خطبه ها ، نامه ها و سخنان کوتاه نهج البلاغة است. 21 7. رموز الإمارة ، از احمد بن محمّد شفیع شیرازی (وقار) (م 1298 ق). شرح فرمان امیر مؤمنان به مالک اشتر ، به نظم فارسی است و در سال 1331 ق ، در شیراز

-
- 1- همان ، ج 14 ، ص 134 (ش 1973).
 - 2- وی ، در فقه ، اصول ، تفسیر ، حکمت و ادب ، سرآمد بود و نزد علمای عصر خود ، از جمله آقا محمّد بید آبادی ، درس خواند و در نزد فتحعلی شاه قاجار ، جایگاه ویژه ای داشت. وی ، در شهر ری مدفون است (أعیان الشیعة ، ج 9 ، ص 407 ؛ روضات الجنّات ، ج 7 ، ص 153 ؛ الذریعة ، ج 4 ، ص 145 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 528).
 - 3- الذریعة ، ج 4 ، ص 144 _ 145 (ش 704) ؛ معجم المطبوعات العربیة فی ایران ، ص 302.
 - 4- الذریعة ، ج 14 ، ص 129.
 - 5- همان ، ص 119.
 - 6- همان ، ص 114.

قرن دوازدهم

اشاره

چاپ شده است. (1) 22. شرح عهد مالك اشتر، از محمد ابراهيم بن محمد مهدى نواب تهرانى (بدايع نگار) (م 1299 ق). مؤلف، اين كتاب را براى ناصر الدين شاه، نوشته است. (2) 23. شرح نهج البلاغه، از احمد بن على اكبر مراغى (م 1300 ق). اين كتاب، شرح نكات مشكل نهج البلاغه، به شيوه تعليق است. (3) 24. مظهر البيّنات و مظهر الدلالات، از نصر الله تراب بن فتحعلی (لطفعلی) دزفولی (م 1311 ق). ترجمه شرح نهج البلاغه ابى الحديد به فارسى است که در واقع، شرح شرح است که به دستور ناصر الدين شاه، در تاريخ 1295 ق، در چهار مجلد، نگاشته شده است. نسخه آن در كتاب خانه دانشگاه تهران، موجود است. (4)

سه. شرح و حاشیه نویسی بر «صحیفه سجّادیه» صحیفه سجّادیه، مشتمل بر 54 دعا با مضامين بلند از سيّد الساجدين على بن حسين عليه السلام است. (5) بر اين كتاب شريف که به «زبور آل محمد صلى الله عليه و آله» نیز شهرت دارد، شرح و حاشیه های بسيارى نوشته شده است که اينک، شروع و حواشی نگاشته شده در قرن دوازدهم و سيزدهم، معرفی می شود.

قرن دوازدهم 1. نور الأنوار فى شرح كلام خير الأخيار، از سيّد نعمة الله بن عبد الله جزايرى (م 1112 ق).

1- همان، ج 13، ص 374 (ش 1400) وج 19، ص 140.

2- همان، ج 4، ص 118.

3- همان، ج 14، ص 115.

4- همان، ج 21، ص 167 (ش 4452).

5- همان، ج 21، ص 167 (ش 4452). برای اطلاع از وضع اسناد الصحيفه السجّاديه و راويان آن، رك: «اسناد و مشايخ صحيفه كامله»، منصور پهلوان: علوم حديث، ش 12، ص 26_69.

این شرح ، در سال 1316 ق ، در تهران به چاپ رسیده است. (1) 2. شرح ملحقات الصحيفة السجادية ، از سید نعمه الله بن عبد الله جزایری. (2) 3. الفوائد الصحيحة فی شرح الصحيفة ، از احمد بن محمد امین قزوینی (م بعد از 1117 ق) (3). (4) 4. شرح الصحيفة ، از [محمد] هادی بن محمد صالح مازندرانی (م 1120 ق). این شرح به فارسی است و به عنوان ترجمه نیز از آن ، یاد شده است. (5) 5. ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین ، از سید صدر الدین علی خان بن احمد مدنی شیرازی (م 1120 ق). شرح بسیار مفصّلی است بر صحیفة سجّادیه. این کتاب از سال 1271 تا 1412 ق ، شش بار به چاپ رسیده است که چاپ آخر آن با تحقیق سید محسن امینی ، توسط انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم ، در هفت مجلّد ، صورت گرفته است. (6) 6. شرح الصحيفة السجّادية ، از حسن بن عبد الرزاق لاهیجی قمی (م 1121 ق). (7) 7. شرح الصحيفة السجّادية ، از محمد سلیمان بن تاریقلی گرجی اصفهانی (م بعد از 1125 ق). (8)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 10 ، ص 15 (ش 3616) ؛ الذریعة ، ج 13 ، ص 358 ؛ معجم المطبوعات العربية فی ایران ، ص 323.
 - 2- الذریعة ، ج 14 ، ص 87 (ش 1845) و ج 5 ، ص 271 (ش 1289).
 - 3- وی ، دانشمندی جامع الأطراف بوده و در علوم ریاضی دستی داشته و گویا در قزوین ، اقامت داشته است. (مستدرک أعیان الشیعة ، ج 6 ، ص 21).
 - 4- همان جا .
 - 5- الذریعة ، ج 13 ، ص 359.
 - 6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 3 ، ص 40 (ش 845) و ج 4 ، ص 101 (ش 1315) ، ص 194 (ش 1411) و ج 18 ، ص 11 (ش 6813) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 35 ، ص 267 (ش 12301) و ص 312 (ش 12353) و ج 35 ، ص 322 (ش 12361) و ص 330 ، (ش 12369).
 - 7- الذریعة ، ج 13 ، ص 346.
 - 8- تراجم الرجال ، ج 3 ، ص 261.

8 . شرح الصحيفة السجادية، از محمد حسين بن حسن ديلماني گيلاني لبناني (م 1129 ق) (1) . (2) 9 . حاشية الصحيفة السجادية الكاملة، از عبد الله بن عيسى افندی (م 1130 ق). (3) 10 . تعليقات على شرح الصحيفة لعلي خان مدني، از محمد بن محمد باقر مختاری (م 1133 ق). (4) 11 . شرح الصحيفة، از ابوالحسن بن محمد طاهر فتونی (م 1138 ق). (5) 12 . شرح الصحيفة السجادية، از يعقوب بن ابراهيم بختياری (م 1148 ق). (6) 13 . شرح الصحيفة، از سيد محمد ابراهيم بن محمد معصوم (م 1149 ق). (7) 14 . حاشيه بر رياض السالكين، از سيد عبد الله بن نور الدين جزايري (م 1173 ق). (8) 15 . شرح الصحيفة الكاملة، از سيد عبد الدين بن نور الدين جزايري. (9) 16 . شفاء الصدور في شرح الزبور، از سيد عبد الرحيم بن محمد حسيني موسوي شهرستاني (ق 12 ق). اين شرح از شروح مفصل صحيفه سجّاديه است. (10) 17 . شرح الصحيفة السجّادية، از سيد قوام الدين بن نصير الدين مرعشي (ق 12 ق). شرح مزجي متوسطي است که مؤلف در آن، بيشر به جنبه های ادبي توجه دارد. (11)

- 1- الذريعة، ج 13، ص 346.
- 2- مؤلف اين كتاب، متهم به گرفتن شرح خود از شرح سيد علي خان مدني بوده است.
- 3- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 360؛ الذريعة، ج 13، ص 350.
- 4- أعيان الشيعة، ج 8، ص 65.
- 5- الذريعة، ج 6، ص 124.
- 6- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 21.
- 7- الذريعة، ج 13، ص 359؛ أعيان الشيعة، ج 10، ص 307.
- 8- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 201.
- 9- أعيان الشيعة، ج 2، ص 335.
- 10- فهرست نسخ خطي كتاب خانه آستان قدس رضوي، ج 15، ص 325 (ش 9799).
- 11- فهرست نسخ خطي كتاب خانه آية الله مرعشي، ج 1، ص 241، (ش 211).

قرن سیزدهم

18. ریاض العارفين، از شاه محمد بن محمد شیرازی دارابی (ق 12 ق). شرح مزجی مختصری بر صحیفه سجّادیه است و در آن، بیشتر به ضبط نسخه صحیح و جنبه های ادبی اهتمام شده است. (1) 19. شرح الصحیفه السجّادیه، از محمد بن محمد رضا مشهدی قمی (ق 12 ق). (2) 20. شرح الصحیفه السجّادیه، از حسن بن عباس بن محمد بلاغی ربعی نجفی (م ق 12 ق). (3)

قرن سیزدهم 21. اللوامع (لوامع الأنوار) العرشیه فی شرح الصحیفه السجّادیه، از سید میرزا محمد باقر بن محمد طیب موسوی شیرازی ملاً باشی (م 1229 ق). شرح مزجی بسیار مفصّلی، شامل مطالب فلسفی است که به شرح سید علی خان مدنی نزدیک است و به گفته برخی از اهل فضل، از شرح ابن میثم، دقیق تر است. (4) این کتاب، چاپ شده است. 22. شرح الصحیفه، از محمد باقر حسینی فارسی شیرازی (م بعد از 1231 ق). (5) 23. شرح الصحیفه، از محسن بن احمد شامی حسینی یمانی زیدی (م 1251 ق). (6) 24. آمال العارفين فی شرح صحیفه سید الساجدین، از عبد الوهاب بن محمد صالح برغانی قزوینی (م ح 1295 ق). شرحی مزجی و بسیار مفصّلی است حاوی احادیث، گفته های فلسفی، عرفانی و نظریات سید علی خان مدنی. (7)

-
- 1- همان، ج 5، ص 240 (ش 1856).
 - 2- همان، ج 26، ص 151 (ش 10189) و ج 7، ص 108 (ش 2522)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 313 (ش 10120)؛ الذریعة، ج 13، ص 357.
 - 3- أعيان الشيعة، ج 5، ص 129 (ش 314).
 - 4- الذریعة، ج 18، ص 362؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 13، ص 521 (ش 5054).
 - 5- الذریعة، ج 13، ص 247.
 - 6- همان، ص 356.
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 23، ص 42 (ش 8854).

چهار . شرح و حاشیه نویسی بر دیگر کتاب های حدیثی

شرح و حاشیه بر «الوافی»

25 . شرح صحیفه سجّادیه ، از [محمد بن] سلیمان تنکابنی (م 1310 ق). ترجمه و شرح مختصری از صحیفه است. (1) 26 . شرح صحیفه ، از مصطفی بن محمد خویی (ق 13 ق). (2)

چهار . شرح و حاشیه نویسی بر دیگر کتاب های حدیثی علاوه بر کتب چهارگانه حدیث شیعه و دو کتاب گران بهای نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه ، دیگر کتاب های حدیثی نیز به وسیله دانشمندان شیعه مورد توجه قرار گرفته و بر آنها نیز شرح و حاشیه نوشته اند. سهمی از این فعالیت به قرن دوازدهم و سیزدهم اختصاص دارد که به ترتیب زیر بدانها می پردازیم.

شرح و حاشیه بر «الوافی» الوافی ، از جوامع حدیثی شیعه در دوره متأخر است که به وسیله ملا محسن فیض کاشانی (م 1091 ق) تدوین شده است. در این کتاب ، احادیث کتب اربعه ، بجز مکررات ، با تبویب خاصی گرد آمده است. بر این جامع حدیثی نیز شرح و حاشیه هایی چند توسط دانشمندان شیعه در قرون دوازدهم و سیزدهم ، نگاشته شده است ، از جمله: 1 . الحاشیه علی الوافی ، از فضل الله بن محمد شریف کاشانی (ق 12 ق). شامل حاشیه بر کتاب عقل و علم الوافی است و بیشتر به شرح متن احادیث ، اختصاص دارد و گاه به اسانید نیز می پردازد. 2 . الحاشیه علی الوافی ، از عبد الله بن عیسی افندی (م 1130 ق). (3)

1- .همان ، ج 4 ، ص 135 (ش 1361).

2- .فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 309.

3- .أعیان الشیعة ، ج 8 ، ص 65.

3. شرح الوافی ، از سید ابراهیم بن محمد باقر رضوی (م بعد از 1168 ق) (1) . (2) 4 . الحاشیة علی الوافی ، از سید عبد الله بن نور الدین جزایری (م 1173 ق) . (3) 5 . الحاشیة علی الوافی ، از محمد باقر بن محمد اکمل (وحید بهبهانی) (م 1206 ق) . (4) 6 . شرح طهارة الوافی ، از محمد تقی بن محمد رحیم تهرانی ایوانکیفی اصفهانی (م 1248 ق) . (5) این کتاب تقریرات درس استاد مؤلف ، بحر العلوم است . (6) 7 . شرح الوافی ، از سید محمد جواد بن محمد عاملی ، صاحب مفتاح الکرامة (ح 1160 _ 1226 ق) . (7) این شرح از افادات استاد مؤلف ، بحر العلوم است و احادیث

-
- 1- وی ، فقیه ، اصولی و در حدیث و تفسیر ، متبحر است ، نسبش به امام جواد علیه السلام می رسد و نزد برادرش سید صدر الدین ، شارح وافیہ ، درس خوانده و از او روایت می کند . عبد النبی قزوینی ، از شاگردان اوست و سید شبر بن محمد مشعشی جویری نیز از او روایت می کند . وی در سال 1168 ق ، زنده و در کرمانشاه بوده است (أعیان الشیعة ، ج 2 ، ص 204 ؛ ریحانة الأدب ، ج 3 ، ص 431 ؛ روضات الجنّات ، ج 4 ، ص 124 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 12 ، ص 14) .
 - 2- الذریعة ، ج 14 ، ص 165 .
 - 3- أعیان الشیعة ، ج 8 ، ص 87 .
 - 4- الذریعة ، ج 14 ، ص 165 و ج 6 ، ص 229 .
 - 5- وی ، از فقیهان ، اصولیان و مجتهدان شیعه است که در عراق ، نزد سید محسن بن حسن اعرجی ، محمد باقر وحید بهبهانی ، سید علی بن محمد علی طباطبایی ، سید محمد مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء ، درس خواند ، سپس به ایران بازگشت و در اصفهان ، ساکن شد و به تدریس پرداخت ، چنان که نزدیک چهارصد نفر از اهل علم در درس او حاضر می شدند (أعیان الشیعة ، ج 9 ، ص 198 ؛ ریحانة الأدب ، ج 3 ، ص 403 ؛ روضات الجنّات ، ج 2 ، ص 123 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 547) .
 - 6- الذریعة ، ج 13 ، ص 366 .
 - 7- وی که از فقیهای معروف شیعه است ، در جبل عامل به دنیا آمد ، نزد سید ابوالحسن موسی بن حیدر شقرایی ، سید علی بن محمد علی طباطبایی ، محمد باقر بن محمد اکمل ، سید محمد مهدی بحر العلوم ، جعفر بن خضر جناجی و حسین بن نجف ، درس خواند و از آنان و نیز میرزای قمی ، اجازه روایت گرفت . عده بسیاری از وی علم آموخته و از او روایت می کنند (أعیان الشیعة ، ج 4 ، ص 288 ؛ روضات الجنّات ، ج 2 ، ص 216 ؛ ریحانة الأدب ، ج 3 ، ص 396 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 560) .

شرح «وسائل الشيعة»**حاشیه بر «الصابی»**

الوافی را نظر متن و سند ، بررسی کرده است. به عنوان تقریرات نیز از آن ، یاد شده است. (1) 8 . الحاشیة علی الوافی ، از محمد رضا بن محمد مؤمن قمی (ق 13 ق). این کتاب ، مختصر و به روش «قوله قوله» نوشته شده است. (2)

شرح «وسائل الشيعة» تفصیل وسائل الشيعة إلى تحصیل مسائل الشريعة ، تألیف شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی و از جوامع حدیثی معتبر و مورد اعتنای فقها و محدثان شیعه است که دو شرح زیر بر آن نگاشته شده است: 1 . مجمع الأحكام فی معرفة مسائل الحلال و الحرام ، از محمد بن علی بن عبد النبی مقابلی بحرانی (م بعد از 1168 ق). شرح استدلالی مفصّلی بر کتاب وسائل الشيعة است. این کتاب ، گویا تا کتاب صدم وسائل الشيعة را شرح کرده و در چهار مجلد بزرگ ، انجام یافته است. (3) 2 . شرح علی کتاب الطهارة و الصلاة من وسائل الشيعة ، از محمد رضا (رضا) قزوینی (م بعد از 1136 ق). (4)

حاشیه بر «الصابی» الصافی فی تفسیر القرآن ، از تفاسیر پُر ارزش روایی و نوشته ملا محمد محسن فیض

1- الذریعة ، ج 13 ، ص 366 و ج 14 ، ص 165 .

2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 9 ، ص 148 (ش 3374) .

3- همان ، ج 8 ، ص 159 (ش 2982) .

4- موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 12 ، ص 370 .

کاشانی است. وی در مقدمه تفسیر خود، از رواج تفسیر به رأی و انحراف مسلمانان از راه اهل بیت علیهم السلام شکوه می کند و تفاسیر غیر روایی موجود را تفسیر قشری قرآن و آنها را دور از مقصد قرآن می داند. وی همچنین می گوید: در میان همه مفسران، در عین کثرت و فراوانی تفاسیرشان، تاکنون کسی را ندیده ام که تفسیری مهذب و صافی و وافی عرضه کرده باشد که از آرای عوام، منزّه و برگرفته از احادیث اهل بیت علیهم السلام باشد. فیض، پس از وصف تفسیر روایی مورد نظر خود، می گوید: امیدوارم که این کتاب، همان تفسیر باشد و شایسته است که این تفسیر الصافی نامیده شود، به سبب این که از کدورت های آرای اهل سنت و افکار حیرت آور متنافی، پاک است. (1) تفسیر الصافی، دوازده مقدمه ارزشمند درباره قرآن و تفسیر و تلاوت آن دارد. بر این کتاب نیز حاشیه هایی چند، نگاشته شده که از آن جمله است: 1. الحاشیة علی الصافی، از عبد الرحیم بن یونس دماوندی (م 1160 ق). (2) 2. حاشیة تفسیر الصافی، از اسماعیل بن محمد حسین خواجهی (م 1173 ق). حاشیه مفصّلی است با عنوان «قوله» و مؤلف، بعد از هر حاشیه، وجه ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین را بیان می کند. (3) 3. الحاشیة علی الصافی، از محمد بن محمد رضا مشهدی قمی، صاحب تفسیر کنز الدقائق (م ق 12 ق). (4)

1- ر.ك: الصافی، ج 1، ص 7 _ 14 (دیباچه).

2- الذریعة، ج 6، ص 45.

3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 38، ص 612 (ش 14466).

4- الذریعة، ج 6، ص 46.

شرح کتاب های حدیثی دیگر

4. الحاشیة علی الصافی ، از محمّد علی بن محمّد طباطبایی مدرّسی یزدی (وامق) (م 1240 ق). (1) 5. الحاشیة علی الصافی ، از فضل الله بن محمّد شریف کاشانی (ق 12 ق). بیشتر ، ایرادهای مؤلف بر فیض کاشانی است. (2) 6. الحاشیة علی الصافی ، از احمد بن مصطفی خویی (ملا آقا قزوینی) (1247 _ 1307 ق) (3) . (4)

شرح کتاب های حدیثی دیگر 1. لوامع الأنوار فی شرح عیون الأخبار ، از سید نعمة الله بن عبد الله جزایری (م 1112 ق). شرحی حاشیه گونه است بر عبارت های دشوار عیون أخبار الرضا علیه السلام . (5) 2. نور البراهین فی بیان أخبار السادة الطاهرين ، از سید نعمة الله بن عبد الله جزایری (م 1112 ق). شرح مزجی مختصری بر کتاب التوحید شیخ صدوق و شامل بحث های ادبی و کلامی است. (6) 3. أنس الوحید فی شرح التوحید ، از سید نعمة الله بن عبد الله جزایری. شرح دیگری بر التوحید صدوق است. (7) این کتاب با گردآوری سید مهدی رجایی ، توسط

1- همان ، ص 45 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 613.

2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 15 ، ص 212 (ش 5825).

3- وی ، فقیه و مجتهد شیعی است. که دروس مقدماتی را در زادگاهش خوین خواند. سطوح دیگر علمی را در قزوین ، اصفهان و کربلا و نجف خواند و پس از بازگشت به قزوین ، به تدریس و تألیف و رفع حوایج مردم پرداخت. مرآة المراد فی تحقیق شبهات رجال الأسناد نیز از اوست (مستدرک أعیان الشیعة ، ج 6 ، ص 24 ؛ أعیان الشیعة ، ج 3 ، ص 175 ؛ الذریعة ، ج 6 ، ص 45) .

4- الذریعة ، ج 6 ، ص 45 .

5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 1 ، ص 245 (ش 216).

6- همان ، ص 274 (ش 246).

7- الذریعة ، ج 2 ، ص 269.

انتشارات اسلامی به سال 1376 ش، در دو مجلد، چاپ شده است. (1) 4. الجواهر الغوالی فی شرح «عوالی اللثالی» لابن ابی جمهور، از سید نعمه الله بن عبد الله جزایری (م 1112 ق). (2) 5. الذهیبۃ الرضویة، از عبد الواسع بن علامی تونی (م بعد از 1119 ق). (3) 6. حافظ الأبدان، از محمد شریف بن محمد صادق خاتون آبادی (م بعد از 1121 ق). شرح پاره ای از احادیث طبّی است که در اصول روایی متقدم، از ائمه اطهار، روایت شده است. از جمله کسانی که به گردآوری آنها اقدام کرده اند، شیخ کفعمی و محمد بن ادریس حلّی را می توان نام برد. وی، این کتاب را در 1121 ق، به نام شاه سلطان حسین صفوی و به زبان فارسی نگاشته است. (4) 7. شرح طبّ الأئمة علیهم السلام، از محمد شریف بن محمد صادق خاتون آبادی. (5) 8. شرح طبّ الرضا علیه السلام (الرسالة الذهبیة)، از محمد شریف بن محمد صادق خاتون آبادی. (6) 9. شرح طبّ النبی صلی الله علیه و آله، از محمد شریف بن محمد صادق خاتون آبادی. (7) 10. شرح غرر الحکم و درر الکلم، از محمد بن حسین خوانساری (آقا جمال) (م 1125 ق). این کتاب، به پیشنهاد شاه سلطان حسین صفوی نوشته شده است. مؤلف، علاوه بر ترجمه لغوی احادیث و توضیح مفاهیم آنها، کتاب را از فواید

1- با عنوان: نور البراهین أو انس الوحید فی شرح التوحید.

2- الذریعة، ج 5، ص 273.

3- همان، ج 9، ص 702 و ج 26 ص 992.

4- همان، ج 6، ص 232؛ تراجم الرجال، ج 3، ص 265.

5- همان، ج 13، ص 363.

6- همان، ص 364.

7- همان، ص 365.

کلامی، حدیثی، ادبی، اخلاقی، تفسیری، فقهی و فلسفی لبریز کرده است. این شرح با مقدمه، تصحیح و تعلیقات محققانه میر جلال الدین محدث ارموی در شش مجلد، توسط انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است. مرحوم محدث، فهرستی موضوعی به عنوان مجلد هفتم، بدان افزوده است (1). (2) 11. حاشیه الأربعین، از سید عبد الله بن نور الدین جزایری (م 1173 ق). رد و ایرادهایی است بر الأربعون حدیثا نوشته شیخ بهایی. (3) 12. حاشیه الامالی للصدوق، از سید عبد الله بن نور الدین جزایری. (4) 13. حاشیه الأربعین، از اسماعیل بن محمد حسین خواجهی (م 1173 ق). حاشیه مفصلی بر الأربعین شیخ بهایی با مشرب فلسفی است. (5) 14. شرح عیون أخبار الرضا علیه السلام، از محمد علی بن ابی طالب لاهیجی گیلانی (حزین) (م 1180 ق). (6) 15. شرح مصباح الشریعة، از محمد علی بن ابی طالب (م 1180 ق). (7) 16. مشارق المهتدين في الأحكام الماثورة عن الهداة المهديين، از محمد باقر بن محمد تقی قمی (م 1181 ق). این کتاب، شرح بدایة الهدایة شیخ حرّ عاملی است که شامل احادیث مربوط به واجبات و محرّمات و به صورت کتاب فقهی است. (8)

-
- 1- چاپ سوم آن به سال 1360 ش، منتشر شده است. نیز، رك: «نگاهی به شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم»، سید حسن اسلامی: مجله علوم حدیث، ش 11، ص 83-88.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 291 (ش 10823) و همان (ش 17248).
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 19، ص 128 (ش 7237).
 - 4- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 201.
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 25، ص 458 (ش 7489)؛ الذریعة، ج 6، ص 13.
 - 6- الذریعة، ج 13، ص 375.
 - 7- همان، ج 14، ص 68.
 - 8- همان، ج 21، ص 36.

17. شرح الاحتجاج طبرسی، از ابو الحسن بن محمد بحرانی (م 1193 ق). (1) 18. شرح معانی الأخبار، از عبد النبي بن محمد طسوجی (م 1203 ق). (2) 19. الأنوار الضویة فی شرح الأخبار الرضویة، از حسین بن محمد عصفوری (م 1216 ق). (3) شرح چهارصد حدیث در شرایع دین است که امام رضا علیه السلام به مأمون، املا فرمود. (4) 20. مصابیح الأنوار فی حلّ مشکلات الأخبار، از سیّد عبد الله بن محمد رضا شبر (م 1242 ق). مؤلف، در این کتاب، 362 حدیث مشکل را از جهت لفظی و معنایی به طور مبسوط، شرح داده است. این کتاب، در دو مجلد، توسط کتابخانه بصیرتی در قم به چاپ رسیده است. (5) 21. شرح طبّ الرضا علیه السلام، از سیّد عبد الله بن محمد رضا شبر (م 1242 ق). (6) 22. شرح طبّ الرضا علیه السلام (کنز الذهب)، از محمد بن محمد حسن مشهدی (1182 _ 1257 ق). کتابی است شامل متن، شرح و ترجمه فارسی، با تحقیقات طبّی بسیار. (7)

-
- 1- أعیان الشیعة، ج 2، ص 335.
 - 2- الذریعة، ج 14، ص 72.
 - 3- وی، از دانشمندان مشهور شیعه و در عصر خود، شیخ اخباریان بود که در فقه و حدیث، تبحر داشت و زعامت دینی نواحی شاخوره را به عهده داشت. او از پدر و دو عمویش: عبد علی و شیخ یوسف بحرانی، روایت می کند. عدّه بسیاری، از جمله شیخ احمد احسائی، نزد او شاگردی کرده و از او روایت کرده اند (أعیان الشیعة ج 6، ص 140؛ ریحانة الأدب، ج 1، ص 231؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 226؛ الذریعة، ج 2، ص 431).
 - 4- الذریعة، ج 2، ص 431؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 226.
 - 5- فهرست نسخ خطّی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج 38، ص 164 (ش 14129)؛ فهرست نسخ خطّی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 506 _ 507 (ش 7993، 7947)؛ معجم المطبوعات العربیة فی ایران، ص 313.
 - 6- الذریعة، ج 13، ص 364 (ش 1357).
 - 7- الذریعة، ج 13، ص 364؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 458.

پنج . شرح برخی خطبه ها

23 . مرشد الخواص ، از محمد بن محمد حسن مشهدی . کتابی است در حلّ برخی آیات و روایات مشکل . (1) 24 . شرح عیون أخبار الرضا علیه السلام ، از ملا هادی بنابی (م 1281 ق) . (2) 25 . مناهج أنوار المعرفة فی شرح مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة ، از سید ابو القاسم بن محمد نبی (میرزا بابا ذهبی) (م 1286 ق) . (3) 26 . ضیاء المصباح ، از سید یحیی بن محسن موسوی (م بعد از 1286 ق) . ترجمه و توضیح بسیار مختصری است بر کتاب مصباح الشریعة که منسوب به امام صادق علیه السلام است . (4) 27 . شرح طبّ الرضا علیه السلام ، از نوروز علی بن محمد باقر بسطامی (م 1309 ق) . (5) 28 . شرح الرسالة الذهبیة ، از سید ابوالحسن محمد طباطبایی رضوی (ق 13 ق) (6) . (7)

پنج . شرح برخی خطبه ها برخی خطبه هایی که از معصومان علیهم السلام صادر شده است ، به سبب مضامین بلند ، توجّه اندیشمندان بزرگ شیعه را به خود ، جلب نموده و آنان به نگارش شرح جداگانه بر این خطبه ها پرداخته اند . از جمله این خطبه ها ، خطبه شمشقیه ، خطبه حضرت

-
- 1- الذریعة ، ج 13 ، ص 375 .
 - 2- موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 457 .
 - 3- موسوعة مؤلفی الإمامیة ، ج 2 ، ص 594 .
 - 4- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 18 ، ص 1256 (ش 7103) .
 - 5- الذریعة ، ج 13 ، ص 364 .
 - 6- وی عالمی دینی و آگاه به پزشکی بود که به اصفهان سفر کرد و در سال 1284 ق ، این رساله را نوشت و به سید اسد الله شفقی هدیه کرد (تراجم الرجال ، ج 1 ، ص 28 ؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 8 ، ص 270 ، ش 3051 ؛ موسوعة مؤلفی الإمامیة ، ج 2 ، ص 74) .
 - 7- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 8 ، ص 270 (ش 3051) .

زهرا علیها السلام و خطبه همّام در وصف پرهیزگاران و برخی خطبه های دیگر را می توان نام برد. پاره ای از شروح این خطبه ها که در قرن دوازدهم و سیزدهم نوشته شده اند، به ترتیب زمانی عبارت اند از: 1. شرح خطبة الاستسقاء، از سلیمان بن عبد الله ماحوزی (م 1121 ق). (1) 2. شرح خطبه قاصعه، از عبد الکریم بن محمد یحیی قزوینی (م 1135 ق). (2) 3. شرح خطبه همّام، از میر آصف حسینی (قزوینی) (م ح 1136 ق) (3). (4) 4. شرح بعض خطب أمير المؤمنين: از محمد علی بن ابی طالب، حزین لاهیجی (م 1103 - 1180 ق). (5) 5. کشف المحجّة فی شرح خطبة اللّمة، از سیّد عبد الله بن محمد رضا شبّر (م 1242 ق). مؤلّف، در وجه نام گذاری این خطبه به «خطبة اللّمة» می گوید: سَمَّيْتُ بِهَا لِأَنَّهَا خَطَبَتْهَا فِي الْمَسْجِدِ فِي لَمَّةٍ مِنَ النِّسَاءِ. [خطبة اللّمة] نامیده شده است، زیرا [زهرا علیها السلام] آن را در مسجد در میان جمعیتی از زنان، ایراد فرمود. باید گفت که زهرا علیها السلام همراهانی از زنان داشت، نه این که خطبه تنها برای زنان ایراد گردید. وی، در ابتدا اسانید خطبه را از طرق مخالف و موافق، ذکر می کند. سپس، متن

-
- 1- الذریعة، ج 13، ص 217.
 - 2- الذریعة، ج 14، ص 133؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه سپه سالار، ج 2، ص 112.
 - 3- وی، در اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم، در قزوین و اصفهان، نزد علمای بزرگ، درس خواند و در تقلیس و ایروان به تدریس پرداخت. ترجمه و شرح حدیث الاحتجاج نیز از اوست. (أعیان الشیعة، ج 2، ص 87؛ الذریعة، ج 13، ص 226 و ج 14، ص 113؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 130).
 - 4- الذریعة، ج 13، ص 225 و ج 14، ص 113.
 - 5- مفاخر اسلام، ج 7، ص 232.

آن را به روایت احتجاج به صورت مزجی شرح می دهد و به موارد اختلاف خطبه نیز اشاره می نماید. (1) 6. شرح خطبة التَّطْنِجِيَّة ، از سید کاظم بن قاسم رشتی (م 1263 ق). شرحی مفصّل و پُر از معمّاست به روش شیخیه. این خطبه ، منسوب به امام علی علیه السلام است این شرح به سال 1270 ق ، در تبریز چاپ سنگی شده است. (2) 7. شرح خطبة الرضا علیه السلام فی التوحید ، از حسن بن علی گوهری قراچه داغی (م بعد از 1261 ق). (3) شرح خطبه ای است از عیون أخبار الرضا علیه السلام . (4) 8. الخطبة الشَّقْشَقِيَّة و شرحها ، از سید کاظم بن قاسم رشتی (م 1263 ق). این اثر در سال 1377 ق ، در تبریز ، در ضمن مجموعه رسائل وی ، چاپ سنگی شده است. 9. شرح خطبه شَقْشَقِيَّة ، از محمّد تقی بن میر مؤمن (م 1270 ق). این کتاب ، به نظم است. (5) 10. شرح خطبه شَقْشَقِيَّة ، از ملاً هادی بنابی (م 1281 ق). (6) 11. شرح خطبة اللمة ، از ملاً هادی بنابی. (7) 12. شرح الخطبة الزینبیه ، از ملاً هادی بنابی. شرح خطبه حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید در شام است. (8)

1- الذریعة ، ج 13 ، ص 224 و ج 18 ، ص 58 (ش 661).

2- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 14 ، ص 291 ؛ معجم المطبوعات العربیة ، ص 300 .

3- وی ، از فقهای شیعه است که در کربلا ، نزد شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی درس خواند است. شرح بعض الاحادیث نیز از اوست (أعیان الشیعة ، ج 5 ، ص 209 ؛ الذریعة ، ج 3 ، ص 80 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 193).

4- الذریعة ، ج 13 ، ص 221.

5- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آية الله مرعشی ، ج 28 ، ص 488 ، (ش 11294).

6- الذریعة ، ج 13 ، ص 222 (ش 790).

7- همان ، ص 225 (ش 779).

8- همان ، ص 221 (ش 785).

13. معالم التأویل و التبیان فی شرح خطبة البیان، از میرزا بابا ذهبی (م 1286 ق). کتاب، به نظم و نثر است. (1) این کتاب، در سال 1343 و 1346 ش، در شیراز به چاپ رسیده است. 14. ایضاح الجوامع، از زین العابدین گلپایگانی (م 1289 ق). شرح خطبه پیامبر اکرم در فضایل ماه رمضان است که به چاپ رسیده است. (2) 15. شرح خطبه شقشقیه (هاتمة التصانیف)، از محسن بن محمد رفیع گیلانی اصفهانی (م 1290 ق). شرح خطبه شقشقیه، به نظم و نثر است. (3) 16. شرح خطبة الزهراء، از محمد نجف کرمانی (م 1292 ق). (4) 17. شرح خطبة اللمة (5)، از محمد نجف کرمانی. (6) 18. فیروزجات طوسیه فی شرح الخطبة الرضویة، از سید محمد باقر بن مرتضی طباطبایی یزدی (1239 _ 1298 ق). (7) شرح خطبه امام رضا علیه السلام است که هنگام ولایت عهدهی ایراد فرموده است. در نیمه اول آن، شرح سفارش نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر نیز ترجمه شده است. مؤلف، این شرح را به نام ناصر الدین شاه، نوشته

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی الفبایی، ص 531 (ش 8614)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه دانشگاه تهران، ج 12، (2587، 3571).
 - 2- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 280.
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 7، ص 240 (ش 2659).
 - 4- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 643؛ الذریعة، ج 13، ص 221.
 - 5- خطبه حضرت زهرا علیها السلام که ایشان، در مسجد در میان مجموعه (لمه) ای از زنان، ایراد فرمود و ظاهراً با خطبه الزهراء، یکی است.
 - 6- الذریعة، ج 13، ص 224.
 - 7- وی، فقیه، اصولی و مجتهد شیعی است که در علوم ریاضی و عربی، چیره دست بود. وی، بسیار خوش حافظه و در موعظه، توانا بود و نزد دانشمندان بزرگی مانند شیخ مرتضی انصاری، سید محمد جواد شیرازی، فاضل اردکانی، شیخ راضی بن محمد نجفی و سید حسین کوه کمری درس خواند. شرح لعهد مالک الأشتر - که نیمه نخست فیروزجات را در بردارد -، لوائح اللوحین فی شرح خصائص الحسین علیه السلام لجعفر بن حسین التستری (م 1303 ق) نیز از اوست. (الذریعة، ج 18، ص 375؛ تراجم الرجال، ج 2، ص 71؛ أعیان الشیعة، ج 9، ص 186؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 535).

شش . شرح يك يا چند حديث

قرن دوازدهم

اشاره

است و نسخه آن در کتاب خانه آیه الله مرعشی موجود است . (1) 19 . شرح خطبه شقشقیه ، از میر محمد عباس بن علی اکبر شوشتری لکهنویی (م 1306 ق). این شرح ، به دستور سید محمد خان بهادر و به فارسی نوشته شده و با تعلیقات شارح به عربی در حاشیه آن ، به سال 1286 ق ، در هند ، چاپ شده است . (2) 20 . اللّمة البیضاء فی شرح خطبة الزهراء (شرح خطبة اللمة) ، از محمد علی انصاری قراچه داغی (زنده در 1306 ق). این کتاب چاپ شده است . (3) 21 . شرح خطبة اللمة ، از سید علی محمد بن محمد (تاج العلماء) (م 1312 ق). (4) 22 . شرح الخطبة الشّشقیة ، از سید علی محمد بن محمد تاج العلماء . (5)

شش . شرح يك يا چند حدیثبرخی از احادیث ، به خاطر در برداشتن مضمون عالی ، مهم و یا گاه پیچیده و دشوار ، دانشمندان شیعه را بر آن داشته است که رساله هایی را به شرح این گونه احادیث ، اختصاص دهند . البته گاه پرسش و درخواست دیگران ، آنان را به نگارش شرح حدیث ، واداشته است . در طول دو قرن دوازدهم و سیزدهم نیز نوشته های قابل توجهی در این زمینه ، از عالمان شیعه به جای مانده است که آثار زیر ، از آن جمله است:

قرن دوازدهم 1 . شرح حدیث البیضاء ، از رضی الدین محمد بن حسین خوانساری (م 1113 ق). (6) این

- 1- الذریعة ، ج 13 ، ص 224 .
- 2- الذریعة ، ج 16 ، ص 400 .
- 3- همان ، ج 13 ، ص 222 و ج 14 ، ص 130 .
- 4- همان ، ص 224 ؛ أعیان الشیعة ، ج 10 ، ص 5 .
- 5- همان ، ص 22 و ج 14 ، ص 142 .
- 6- وی دانشمند شیعی و متبحر در علوم عقلی و نقلی است که نزد پدرش حسین بن جمال الدین محقق خوانساری و دایی اش محمد باقر بن محمد مؤمن و محقق سبزواری درس خواند و به تدریس فقه و حکمت مشغول بود . از جمله شاگردانش ، خلیل بن محمد اشرف قاننی و سید محمد صالح قزوینی را می توان نام برد . وی از برادرش آقا جمال ، کوچک تر است و این شرح را به نام شاه سلطان حسین صفوی نوشته است . (الذریعة ، ج 13 ، ص 193 ؛ طبقات أعلام الشیعة ، ج 6 ، ص 273 ؛ ریحانة الأدب ، ج 2 ، ص 320 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 12 ، ص 275).

شرح ، به همراه دو رساله به ضمیمه کتاب مائده سماویهی مؤلف ، در سال 1287ق ، به چاپ رسیده است . 2 . شرح الأحادیث المسلسلة بالأباء ، از سید علی خان مدنی (م 1120 ق). شرح پنج حدیث که (1) از طریق پدران وی ، از زید شهید ، از امام علی علیه السلام ، از رسول اکرم ، نقل شده است. (2) 3 . شرح حدیث «فإن قال : فلم يجعل صوم السنة» ، از سید محمد بن احمد حسینی لاهیجانی (م بعد از 1120 ق). این حدیث در عیون أخبار الرضا علیه السلام آمده است و به راز تشریح برخی از احکام ، مربوط است. (3) 4 . شرح حدیث «تَبَّتْ الْمُؤْمِنُ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ» ، از سلیمان بن عبد الله ماحوزی (م 1121 ق). (4) 5 . شرح حدیث نبوی «من صام رمضان و أتبعه بست من شؤال» ، از سلیمان بن عبد الله ماحوزی. (5) 6 . جواهر العقود فی شرح الركود ، از سلیمان بن عبد الله ماحوزی. شرح حدیثی از امام باقر علیه السلام است درباره چگونگی حرکت آفتاب یا رکود آن که در کتاب من لایحضره

-
- 1- نخستین حدیث این است که از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: خداوند در معراج با چه زبانی با تو سخن گفت؟ در پاسخ فرمود: «خاطبني بلسان علي عليه السلام ؛ به زبان علی علیه السلام با من سخن گفت».
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 22 ، ص 2.
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 18 ، ص 252 (ش 7099).
 - 4- الذريعة ، ج 13 ، ص 309.
 - 5- فهرست نسخ خطی مرکز احیای میراث فرهنگی ، ج 1 ، ص 279 (ش 194).

الفقيه آمده است. (1) 7. شرح حدیث نبوی «فُضِّلْتُ عَلَى آدَمَ بِخَصْلَتَيْنِ»، از سلیمان بن عبد الله ماحوزی. (2) 8. العجالة فی شرح حدیث ابولیبید مخزومی، از سلیمان بن عبد الله ماحوزی. (3) 9. الفوائد النجفیه، از سلیمان بن عبد الله ماحوزی. در این کتاب، مجموعه ای از احادیث دشوار، به تدریج گرد آمده و شرح و توضیح داده شده است. (4) 10. شرح الأحادیث المتفرقة، از سلیمان بن عبد الله ماحوزی. یکی از شاگردان مؤلف، به نام محمد بن عبد الله مقابی آن را در 1145 ق، تدوین کرده است. (5) 11. شرح حدیث البساط، (6) از جمال الدین محمد بن حسین خوانساری (م 1125 ق). (7) 12. شرح أحادیث الطینة و التوفیق بینها بما لا یستلزم الجبر، از جمال الدین محمد بن حسین خوانساری. (8) 13. شرح حدیث «الهلل اذا طلب فی الشرق غدوةً فلم یُر...»، از محمد صالح بن عبد الواسع خاتون آبادی (م 1126 ق). این حدیث در باب نوادر تهذیب الاحکام، آمده است. (9)

-
- 1- همان، ص 282.
 - 2- همان، ص 273، 194.
 - 3- الذریعة، ج 2، ص 243 (ذیل شماره 964).
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 390 (ش 17773).
 - 5- الذریعة، ج 13، ص 65.
 - 6- وجه نامگذاری این حدیث به «بساط» این است که قطعه ابری برای امیر مؤمنان علی علیه السلام، فرود می آید و به امر ایشان، مانند فرش بر زمین گسترده می شود. آن گاه امام علیه السلام و همراهان ایشان بر آن می نشینند و باد، آنها را بلند می کند تا به کوه قاف می رسند!... (الذریعة، ج 13، ص 191).
 - 7- همان، ص 192.
 - 8- همان، ص 65.
 - 9- همان، ص 209.

14. شرح حدیث «عرفت الله بفسخ العزائم و حل العقود»، از ابو طالب بن عبد الله زاهدی گیلانی (م 1127 ق) (1). (2) 15. شرح حدیث الأسماء، از عبد الله بن صالح سماهیجی (م 1135 ق). (3) 16. شرح حدیث «نية المؤمن خير من عمله»، از علی بن حسین کربلایی (زنده در 1136 ق). این اثر با تحقیق سید صادق حسینی اشکوری به چاپ رسیده است. (4) 17. شرح حدیث عمران الصابی، از محمد خلیل بن محمد اشرف قائی (م 1136 ق). (5) 18. شرح رساله «الجبر و التفویض و نفيهما و اثبات الأمر بین الأمرین» منسوب به امام هادی علیه السلام، از محمد خلیل بن محمد اشرف قائی. این حدیث در تحف العقول نقل شده است. (6) 19. شرح حدیث عمران صابی، از محمد بن محمد باقر مختاری (م 1140 ق). (7) 20. شرح حدیث «الشقی شقی فی بطن أمه»، از یاسین بن صلاح الدین بحرانی (زنده در 1147 ق). مؤلف، درباره این شرح می گوید: «ده دلیل در آن آورده ام که کسی بدان

-
- 1- مفسر و محدث شیعه که در لاهیجان به دنیا آمد و نزد حسن بن سلام تیمجانی (شیخ الإسلام گیلان)، درس خواند و در اصفهان نیز نزد محقق خوانساری و محمد رفیع یزدی و دیگر علما، شاگردی کرد و در علوم بسیاری استاد گردید. پسرش حزین لاهیجی، علوم مختلف را نزد او آموخت. وی، در اصفهان درگذشت. (موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 24؛ أعيان الشيعة، ج 2، ص 367؛ ريحانة الأدب، ج 7، ص 166؛ الكنى والألقاب، ج 1، ص 107؛ طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 393؛ موسوعة مؤلفی الإمامية، ج 2، ص 184).
 - 2- الذريعة، ج 13، ص 202.
 - 3- همان، ص 187.
 - 4- میراث حدیث شیعه، دفتر نهم، ج 9، ص 305_346.
 - 5- وی، از علمای شیعه در قرن دوازدهم است که در سال 1134 ق، پس از رهایی از محاصره افغان ها در اصفهان، به قزوین رفت و در آن جا اقامت نمود. (ريحانة الأدب، ج 4، ص 428؛ رياض الجنة، ج 2، ص 548؛ الذريعة، ج 13، ص 203).
 - 6- الذريعة، ج 2، ص 284 (ش 1153)؛ تحف العقول، ص 458_476.
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 287 (ش 7939).

توجه نداشته است». (1) 21. شرح حدیث عمران صابی، از خلیل بن محمد زمان قزوینی (م 1148 ق). (2) 22. شرح حدیث «العبودية جوهرة كنهها الربوبية»، از سید صدر الدین محمد بن محمد باقر قمی (م ح 1160 ق). (3) 23. شرح حدیث الحقیقة، (4) از عبد الرحیم بن یونس دماوندی (م 1160 ق). (5) 24. شرح حدیث علوی «صورتها عارية عن المواد عالية عن القوة والاستعداد»، از عبد الرحیم بن یونس دماوندی. این شرح، فلسفی است. (6) 25. شرح حدیث رأس جالوت، از عبد الرحیم بن یونس دماوندی. این شرح، عرفانی است و بر اساس گفتار بزرگان تصوف است. (7) 26. شرح کلام الأمير علیه السلام فی العالم العلوی، از عبد الرحیم بن یونس دماوندی. (8) 27. شرح حدیث «ما من أحد يدخله عمله الجنة...»، از ملا اسماعیل بن محمد حسین خواجهوی (م 1173 ق). در این رساله، مردود بودن این حدیث، اثبات می شود. (9) 28. شرح حدیث «انهم یأمنون بكم فإذا غبتم عنهم استوحشوا»، درباره زیارت اهل قبور است که با تحقیق مهدی رجایی، ضمن کتاب الرسائل الاعتقادیة شارح، به سال 1411 ق، در قم چاپ شده است. (10)

1- الذریعة، ج 13، ص 200.

2- همان، ص 204.

3- همان، ص 202.

4- بیست و دو شرح از شروح این حدیث، در قرون مختلف در دفتر دوم میراث حدیث شیعه، (ص 195 _ 199) معرفی شده است.

5- الذریعة، ج 13، ص 196.

6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 5، ص 321 (ش 1952) و ج 17، ص 270 (ش 6713).

7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 17، ص 270 (ش 6713).

8- الذریعة، ج 14، ص 37.

9- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 14، ص 328 (ش 5565).

10- همان، ص 330 (ش 5565)؛ معجم المطبوعات العربية فی ایران، ص 298.

29. شرح حدیث نبوی «أَعْلَمُكُمْ بِنَفْسِهِ أَعْلَمُكُمْ بِرَبِّهِ»، از ملاً اسماعیل بن محمد حسین خواجویی. (1) 30. شرح حدیث «لا یموت لمؤمن ثلاثة من الأولاد فتمسسه النار إلا تحلّه القسم»، از ملاً اسماعیل بن محمد حسین خواجویی. (2) 31. شرح حدیث «لو عَلِمَ أَبُو ذَرٍّ مَا فِي قَلْبِ سَلْمَانَ لَقَتَلَهُ»، از ملاً اسماعیل بن محمد حسین خواجویی. شارح با استفاده از مضمون سایر احادیث، می گوید: «معنای حدیث این است که اگر ابوذر بداند سلمان چه دارد، دانستن وی، او را می کشد». (3) 32. شرح حدیث «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَعِدْ لِفَقْرٍ جَلِيْبَابًا»، از ملاً اسماعیل بن محمد حسین خواجویی. (4) 33. شرح حدیث «توضوء...»، از ملاً اسماعیل بن محمد حسین خواجویی. این اثر، شرحی استدلالی است. (5) 34. شرح حدیث «صورتہ عاریة عن المواد...»، از محمد صالح بن محمد سعید خلخالی (1095 _ 1175ق). 6 این شرح، فلسفی است. مؤلف درباره آن می گوید: «ملاً عبد الرحیم دماوندی، مطالب را در شرح این حدیث، درك نکرده و بیان وی، وافی به

1- همان، ص 329 (ش 5565).

2- همان جا.

3- همان، ج 8، ص 377 (ش 3112).

4- همان، ج 14، ص 324 (ش 5565).

5- حکیم و متکلم شیعی است که نزد حکیم و عارف محمد صادق بن معز الدین محمد اردستانی (م 1134 ق) شاگردی کرد. آثار او به طور عمده در حکمت و کلام است. قبرش در خلخال است. (أعیان الشیعة، ج 9، ص 370؛ طبقات أعلام الشیعة، ج 6، ص 366؛ تراجم الرجال، ج 2، ص 183؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 385).

مقصود نیست». (1) 35. شرح حدیث «العالم العلوی»، از محمد صالح بن محمد سعید خلخالی. (2) 36. شرح حدیث «معنی الصمد»، از محمد علی بن ابی طالب خزین گیلانی (م 1180 ق). شرح حدیثی است که امام حسین علیه السلام در پاسخ اهل بصره نوشت. (3) 37. شرح حدیث «عرفتُ الله بفسخ العزائم...»، از محمد علی بن ابی طالب خزین گیلانی. ترجمه فارسی کتاب پدرش با همین عنوان است که در شماره 14 معرفی شد. (4) 38. الکلام علی حدیث ولایة اثنی عشر رجلاً، از سید محمد بن اسماعیل الأمیر (م 1182 ق). پاسخ پرسشی است درباره روایت نبوی «لا يزال أمر الناس ماضياً ما وليهم اثنا عشر رجلاً». (5) 39. شرح حدیث «بم يُعرفُ الناجی»، از محمد باقر بن محمد اکمل (وحید بهبهانی) (م 1206 ق). (6) 40. ترجمه [و شرح] حدیث احتجاج، از میر آصف حسینی قزوینی (ق 12 ق). این کتاب، شامل ترجمه و شرح مبسوط حدیثی از احادیث احتجاج احمد بن علی طبرسی است که احتجاج پیامبر اکرم با فرق پنجگانه ضاله (یهود، نصارا، دهریه، ثنویه و مشرکان عرب) را در بردارد. (7)

-
- 1- الذریعة، ج 13، ص 202.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 17، ص 271.
 - 3- همان، ص 207.
 - 4- همان، ص 202.
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 13، ص 213 (ش 5015).
 - 6- الذریعة، ج 13، ص 193.
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 130 (ش 15556).

41. کاشف النکات فی شرح الکلمات ، از احمد بن ابی الحسن علی بن ابراهیم (ق 12 ق). (1) شرح صد جمله از سخنان کلمات گهربار امیر مؤمنان با عباراتی روان و رساست . این کتاب با تحقیق آقای محمد برکت ، در دفتر میراث حدیث شیعه به چاپ رسیده است .

(2) 42. شرح حدیث نبوی ، از حاجی بابا فرزند محمد صالح قزوینی (ق 12 ق) (3) . (4) این رساله ، به کوشش آقای محمد رضا بندرچی در فصل نامه علوم حدیث ، چاپ شده است. (5) 43. شرح حدیث «اتفق الجميع لا تمنع بينهم من جهة الرؤية» ، از صدر الدین محمد بن محمد صادق حسینی (ق 12 ق). (6) اصل روایت در الکافی (باب رؤیت) درباره انکار دیدن خدا در دنیا و آخرت ، نقل شده است. (7) 44. شرح حدیثی «لا أدري أيهم أعظم أجرا...» ، از صدر الدین محمد بن محمد صادق حسینی. شرح دو حدیث الخصال شیخ صدوق است. (8) 45. شرح حدیث «أنا الله الذي لا اله الا انا...». (9) از محمد مؤمن بن قوام الدین محمد

-
- 1- وی ، در دوره شاه سلطان حسین صفوی (1105 _ 1135 ق) می زیسته است و کتاب کاشف النکات فی شرح الکلمات را به نام وی نوشته است (میراث حدیث شیعه ، دفتر ششم ، ص 273).
 - 2- میراث حدیث شیعه ، دفتر ششم ، ص 273 _ 356 .
 - 3- وی ، مذاق اصولی ، حکمی و عرفانی دارد . میرزا عبد الله افندی او را هم عصر خود دانسته و به فضل و دانش می ستاید. میرزا خلیل قزوینی و شیخ بهایی ، از استادان او هستند. کتاب مشکول وی ، احادیثی ، از جمله شرح يك حدیث نبوی را نیز در بردارد (الذريعة ، ج 21 ، ص 67 ؛ علوم حدیث ، ش 15 ، ص 129).
 - 4- الذريعة ، ج 21 ، ص 67.
 - 5- «رساله حاجی بابا...» ، محمد رضا بندرچی: علوم حدیث ، ش 15 ، ص 129.
 - 6- وی ، فقیه شیعی است که نزد رضی الدین محمد بن حسن قزوینی (م 1096 ق) درس خواند. تاریخ وفاتش معلوم نیست (طبقات اعلام الشيعة ، ج 6 ، ص 381 ؛ ریاض ، ج 5 ، ص 172 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 12 ، ص 327).
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 17 ، ص 173 (ش 6598).
 - 8- همان ، ج 18 ، ص 253 (ش 7099).
 - 9- الکافی ، ج 1 ، ص 213.

قرن سیزدهم

حسینی (ق 12 ق) (1). (2) این شرح، با تحقیق آقای علی فرج در دفتر سوم میراث حدیث شیعه به چاپ رسیده است. (3) 46. شرح الاحادیث المستصعبة، از محمد سعید بن محمد صالح مازندرانی بارفروشی (اشرف) (ق 12 ق). (4)

قرن سیزدهم 47. رساله فی حل حدیث «من سهی فی السهو ولم یلتفت»، از سید حسین بن میر ابراهیم (میر حسینا) قزوینی (1126-1208 ق) (5). (6) 48. رساله فی حل حدیث «أنا أصغر من ربی بستین (ستین)»، از سید حسین بن میر ابراهیم قزوینی. (7) 49. رساله مجمله فی حل حدیث «ما الحقیقة»، از سید حسین بن میر ابراهیم قزوینی. حدیث، از کمیل بن زیاد، نقل شده است. (8) 50. شرح حدیث التوحید، (التوحید ظاهره فی باطنه و باطنه فی ظاهره. ظاهره موصوف لا یری و باطنه موجود لا یخفی...)، از محمد بن علی آل عبد الجبار قطیفی (م بعد از 1215 ق). این حدیث در معانی الأخبار از امام علی علیه السلام نقل شده است. (9)

-
- 1- الذریعة، ج 13، ص 65.
 - 2- وی، از دانشمندان شیعه در قرن دوازدهم و اهل قزوین است. پدرش از علمای مشهور قزوینی و تا حدود 1150 ق، زنده بوده است. شرح دعای جوشن صغیر (حرز سلیمانی) نیز از اوست. (میراث حدیث شیعه، دفتر سوم، ص 161-162؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج 35، ص 375).
 - 3- فهرست نسخ خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج 5، ص 220 (ش 1833).
 - 4- میراث حدیث شیعه، دفتر سوم، ص 161-182.
 - 5- برای اطلاع از شرح حال وی، رك: ریاض الجنة، ج 2، ص 424-428.
 - 6- ریاض الجنة، ج 2، ص 425.
 - 7- همان جا.
 - 8- همان، ص 426.
 - 9- الذریعة، ج 13، ص 194.

51. شرح حدیث الحقیقة، از مظفر علی شاه کرمانشاهی (م 1215 ق). (1) 52. شرح حدیث «انَّ اللّٰهَ خَلَقَ آدَمَ عَلٰی صُوْرَتِهِ»، از نظر علی بن محمّد محسن گیلانی (م بعد از 1217 ق). (2) 53. شرح جمله ای از خطبة البیان، از ابو القاسم بن حسن (میرزای قمی) (م 1231 ق). (3) 54. فتحیه، از ابو القاسم بن حسن میرزای قمی. در بیان علّت تقدّم حمد بر تهلیل، در خطبه خواستگاری امام جواد علیه السلام از امّ الفضل است. (4) 55. شرح حدیث «أمر ابليس ان يسجد لآدم»، از ابو القاسم بن حسن میرزای قمی. (5) 56. شرح حدیث «أنا الطین» منسوب به امیر المؤمنین علیه السلام، از ابو القاسم بن حسن میرزای قمی. در آخر کتاب الغنائم با حاشیه ملاً علی نوری در سال 1319 ق، چاپ شده است. (6) 57. شرح حدیث «رأس الجالوت»، از ابو القاسم بن حسن میرزای قمی. شرحی فلسفی است. (7) 58. شرح حدیث «هل رأيت رجلاً»، از ابو القاسم بن حسن میرزای قمی. ملاً علی نوری بر آن، حاشیه و ایراد دارد. (8)

-
- 1- همان، ص 197.
 - 2- همان، ص 189.
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 8، ص 24 (ش 2820).
 - 4- همان، ج 13، ص 103 (ش 4916).
 - 5- همان، ج 26، ص 179 (ش 10212).
 - 6- الذریعة، ج 13، ص 189.
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 4، ص 61 (ش 1259)، ج 14، ص 113 (ش 5328)، ج 28، ص 637 (ش 11378).
 - 8- الذریعة، ج 13، ص 209.

59. کوثر الأسرار فی شرح مشکلات الأخبار، از محمد بن عبد النبي اخباری (م 1232 ق). (1) 60. الدرر الصافية فی ترجمة بعض الكلمات القصار لأمیر المؤمنین علیه السلام، از محمد کاظم بن محمد شفیع هزار جریبی (م ح 1238 ق). (2) 61. شرح حدیث نبوی «أنا أصغر من ربی بستین»، از محمد جعفر بن صفر خان قراگزلو کبودر آهنگی (مجدوب علی شاه) (پیش از 1179 _ 1239 ق) (3). (4) 62. شرح حدیث «بنا عرف الله»، از احمد بن زین الدین احسائی (م 1241 ق). این شرح، در جوامع الكلم، چاپ شده است. (5) 63. شرح حدیث «خلق الأسماء» (ان الله خلق أسماء بالحروف غیر مصوت وباللفظ غیر منطوق)، از احمد بن زین الدین احسائی. شرح حدیثی از امام صادق علیه السلام است که در الکافی آمده است. (6) 64. شرح حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه»، از احمد بن زین الدین احسائی. (7) 65. شرح حدیث «لولاك لما خلقت الأفلاك»، از احمد بن زین الدین احسائی. این شرح، در جوامع الكلم، چاپ شده است. (8)

-
- 1- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 481.
 - 2- الذريعة، ج 8، ص 127.
 - 3- وی از طایفه قراگزلوی قزلباش و از عارفان قرن سیزدهم هجری است. وی با اجازه نور علی شاه، به طریق عرفان و ارشاد خلق، گام نهاد و سرانجام به عبادت و عزلت نشست. (فهرست مشاهیر ایران، ج 2، ص 432).
 - 4- فهرست مشاهیر ایران، ج 2، ص 432.
 - 5- الذريعة، ج 13، ص 193.
 - 6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 3، ص 55 (ش 865) و ج 13، ص 272 (ش 5081)؛ الذريعة، ج 13، ص 187.
 - 7- الذريعة، ج 13، ص 208.
 - 8- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 23، ص 58 (ش 8871).

66. شرح حدیث «رأس الجالوت»، از احمد بن زین الدین احسائی. (1) 67. شرح حدیث «إنَّ الزمانَ كهيئته يومَ خلق السموات...»، از احمد بن زین الدین احسائی. (2) 68. شرح حدیث «إنَّ الميِّت يبلى جسده إلا طينته فستبقى مستديرة»، از احمد بن زین الدین احسائی. (3) ضمن رسائل وی چاپ شده است. 69. معنی حدیث «العبودية جوهرة...»، از احمد بن زین الدین احسائی. (4) 70. شرح الأحادیث، از احمد بن زین الدین احسائی. این شرح را شاگرد مؤلف، ملاً محمد حسین باقی گرد آورده و شامل شرح بیست و چند حدیث است. (5) 71. أجوبة مسائل الشيخ محمد القطيفي، از احمد بن زین الدین احسائی. پرسش هایی است درباره بعضی از روایت های مشکل که مؤلف، به طور مزجی، پاسخ و شرح داده است. (6) 72. أجوبة مسائل بعض العلماء، از احمد بن زین الدین احسائی. پاسخ پرسش هایی است درباره روایاتی که در الکافی و تهذیب الأحکام آمده و با هم تعارض دارند. (7) 73. أجوبة المسائل الثلاث، از احمد بن زین الدین احسائی. سه پرسش درباره مراد از ثقل اکبر و ثقل اصغر در احادیث، معنای حدیث کمیل درباره حقیقت، و فرق میان قلب، نفس، صدر، وهم، خیال، فکر و مدرکات آنهاست. (8)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 287 (ش 12804)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 26، ص 299.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 22، ص 290 (ش 11).
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله فاضل خوانساری، ج 1، ص 189 (ش 231).
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 22، ص 68.
 - 5- الذريعة، ج 13، ص 64.
 - 6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 3، ص 137 (ش 949).
 - 7- همان، ص 136.
 - 8- همان، ص 137.

74. أجوبة مسائل من اصفهان ، پاسخ پرسش هایی است که از اصفهان درباره معنای برخی از روایت های مشکل از مؤلف شده است . این مجموعه با عنوان: «الإصفهانية» در ضمن جوامع الكلم ، چاپ شده است. (1) 75. شرح حدیث «جسد المیت... طینته» ، از احمد بن مهدی نراقی (1185 _ 1245 ق) (2) . (3) 76. شرح الأحادیث المشکلة (البدر الباهر) ، از محمد علی بن محمد باقر هزار جریبی (1188 _ 1245 ق) . (4) این کتاب ، در تفسیر آیات و قصص و بعضی از احادیث مشکل است. (5) 77. شرحان لحدیث «هل رأیت رجلاً» ، از علی بن جمشید نوری (م 1246 ق) . (6) این دو شرح با تحقیق آقای حامد ناجی اصفهانی در میراث حدیث شیعه به چاپ

1- الذریعة ، ج 2 ، ص 124.

2- وی ، فقیه ، اصولی ، مجتهد ، شاعر و جامع بیشتر علوم بود و در نراق کاشان به دنیا آمد. نزد پدرش ، سید محمد مهدی بحر العلوم ، شیخ جعفر کاشف الغطاء ، سید محمد مهدی شهرستانی و... درس خواند. پس از وفات پدرش ، مرجعیت دینی را بر عهده گرفت و آثار بسیاری در فقه و اصول و... دارد. رساله الاجازات نیز از اوست (روضات الجتات ، ج 1 ، ص 95 ؛ أعیان الشیعة ، ج 3 ، ص 183 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 115).

3- الذریعة ، ج 13 ، ص 195.

4- وی ، فقیه ، اصولی و آگاه به تفسیر و رجال است که نزد سید محمد مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء در نجف و نزد میرزای قمی در قم ، درس خواند و از وی ، اجازه دریافت نمود. وی سپس به اصفهان رفت و در آن جا به تدریس و افتا پرداخت تا این که فقیه مطلق گردید. وی در قمشه ، ندای حق را لبیک گفت. وی از ملا احمد بن مهدی نراقی و سید محمد جواد بن محمد عاملی نیز روایت می کند. السراج المنیر فی الفوائد الرجالية از اوست. (أعیان الشیعة ، ج 10 ، ص 26 ؛ روضات الجتات ، ج 7 ، ص 153 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 616).

5- الذریعة ، ج 13 ، ص 44.

6- از او به عنوان احیاگر حکمت متعالیه در قرن سیزدهم ، یاد می شود. به بررسی و شرح احادیث اهل بیت علیهم السلام توجه ویژه داشت. آقا محمد بید آبادی و میرزا ابو القاسم مدرّس ، از استادان او ، و حاج ملا هادی سبزواری و ملا عبد الله نوری ، جزو شاگردان او هستند (ریحانة الأدب ، ج 6 ، ص 261 ؛ روضات الجتات ، ج 4 ، ص 408 ؛ میراث ، دفتر سوم ، ص 142).

رسیده است. (1) 78. حاشیه بر حدیث العلوی، از علی بن جمشید نوری. این حاشیه در سال 1319 ق، ضمن غنائم الأيام، در تهران چاپ شده است. (2) 79. شرح حدیث «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»، از سیّد صدر الدین بن محمّد باقر موسوی کاشف دزفولی (م 1256 ق). (3) 80. الأنوار الجلیلة فی کشف أسرار الحقائق العلویة، از عبد الله بن خان بابا زُنوزی (مدرّس) (م بعد از 1257 ق). (4) شرحی فلسفی _ عرفانی و مفصّل بر «حدیث حقیقت» کمیل است که از امام علی علیه السلام روایت شده است. (5) این اثر با تحقیق سیّد جلال الدین آشتیانی در سال 1354 ش، در تهران، چاپ شده است. 81. شرح حدیث «هل رأیت رجلاً»، از عبد الله خان بابا زُنوزی (مدرّس). (6) 82. شرح جمله «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک...»، از عبد الله خان بابا زُنوزی (مدرّس) که شرحی به روش عرفا و صوفیه است. (7) 83. شرح حدیث «رأس جالوت»، از محمّد بن محمّد حسن مشهدی (م 1257 ق). (8) 84. شرح الأحادیث الخمسة، از محمّد مهدی بن محمّد شفیع استرآبادی

- 1- الذریعة، ج 13، ص 208.
- 2- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 10، ص 223 (ش 38409)؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، (ش 1719)؛ میراث حدیث شیعه دفتر سوم، ص 150 _ 160).
- 3- معجم المطبوعات العربیة فی ایران، ص 291.
- 4- وی، اهل علم و حکمت و عرفان و شاگرد ملا علی بن جمشید نوری بود. (طبقات أعلام الشیعة، ج 6، ص 765؛ فهرس التراث، ج 2، ص 135).
- 5- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 35، ص 370 (ش 12415)؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 4، ص 301 (ش 1496)؛ الذریعة، ج 2، ص 425، ج 13، ص 197.
- 6- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 23، ص 197 (ش 9041).
- 7- همان، ج 18، ص 33 (ش 6839).
- 8- میراث حدیث شیعه، دفتر دوم، ص 235؛ فهرست نسخه های خطّی کتاب خانه وزیری یزد، ج 3، ص 934.

(م 1259 ق)، در فضایل امیر مؤمنان و به فارسی است. (1) 85. شرح حدیث نبوی «ستلقون بعدی أثره فاصبروا»، (2) از امیر سبحانعلی خان هندی (م بعد از 1260 ق) که پیامبر صلی الله علیه و آله به یارانش فرموده و شارح، آن را دال بر امامت دانسته است. (3) 86. شرح حدیث ثقلین، از امیر سبحانعلی هندی. (4) 87. شرح حدیث الحوض، از امیر سبحانعلی هندی. (5) 88. شرح حدیث زراره، در مورد نماز جماعت، از محمد بن احمد بحرانی (م بعد از 1261 ق). (6) 89. رساله فی معنی الحدیث: «علماء أمتی أفضل من أنبياء بنی اسرائیل»، از حسن بن علی گوهری قراچه داغی (م بعد از 1261 ق)، که با مجموعه نُه رساله دیگر مؤلف در تبریز، چاپ شده است. (7) 90. شرح بعض الأحادیث، از حسن بن علی گوهری قراچه داغی (م بعد از 1261 ق). (8) 91. شرح حدیث عمران صابی، از سید کاظم بن قاسم رشتی (م 1263 ق) که به همراه کتاب دیگر وی اللوامع الحسينية به سال 1271 ق، در تبریز به چاپ رسیده است. (9)

-
- 1- الذریعة، ج 13، ص 64.
 - 2- بخاری آن را در باب «مناقب الأنصار»، نقل کرده است.
 - 3- الذریعة، ج 13، ص 186.
 - 4- همان، ص 195.
 - 5- همان، ص 198.
 - 6- همان، ص 199.
 - 7- معجم المطبوعات العربية فی ایران، ص 298.
 - 8- الذریعة، ج 13، ص 126.
 - 9- همان، ص 204؛ معجم المطبوعات العربية فی ایران، ص 298.

92. حثيث الفلجة في شرح حديث الفرجة، (1) از سيد كاظم بن قاسم رشتي. (2) 93. شرح مقبولة عمر بن حنظله، از سيد صدر الدين محمد بن صالح عاملي (1193 _ 1264 ق). (3) 94. شرح حديث «إن الغضب من الشيطان...»، از ملا احمد گوگدی گلپایگانی (م بعد از 1264 ق). این شرح به کوشش رضا استادی در فصل نامه علوم حدیث، چاپ شده است. (4) 95. شرح حدیث قدسی «ما ترددت فی شیء أنا فاعله»، از عبد الخالق بن عبد الرحیم یزدی (م 1268 ق). (5) این رساله به کوشش آقای مهدی مهریزی در مجله علوم حدیث، چاپ شده است. (6) 96. تعریف تحصیل العلم، از عبد الخالق بن عبد الرحیم یزدی، که شرح حدیث «الناس کلهم هالکون إلا العالمون» است. (7) 97. شرح حدیث «من عرف نفسه...»، از سید محمد مهدی بن محمد جعفر تنکابنی (م بعد از 1269 ق)، که هفده معنا برای آن ذکر می کند و در سال 1268 ق، پایان یافته است. (8) این شرح با تحقیق آقای مهدی مهریزی در دفتر اول میراث حدیث شیعه (ص 143 _ 172) چاپ شده است. 98. شرح حدیث الرضوی، از سید محمد مهدی تنکابنی (م بعد از 1269 ق)، که آن را

-
- 1- مراد، حدیثی است که امام صادق علیه السلام در پاسخ زندیق می فرماید: «... إن إدعیت اثنتین فرجة بينهما حتی یكونا اثنتین فصارت الفرجة ثالثا بينهما قدیما معهما...» (الكافی، ج 1، ص 80، باب حدوث العالم).
 - 2- الذریعة، ج 6، ص 248.
 - 3- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 467.
 - 4- علوم حدیث، ش 24، ص 2_64.
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 18، ص 324 (ش 7188).
 - 6- علوم حدیث، ش 3، ص 76 (ش 91).
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 27، ص 67 (ش 10591).
 - 8- همان، ج 15، ص 94 (ش 5695).

در آخر کتابش خلاصة الأخبار ذکر کرده است. (1) 99. شرح حدیث البساط، از محمود بن محمد علی کرمانشاهی (1200 _ 1271 ق) (2). (3) 100. شرح حدیث «حسینٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حَسَنِ»، از سید محمد بن دلدار علی نقوی (م 1284 ق) که به فارسی است و به چاپ رسیده است. (4) 101. التحفة الناصرية، از شمس المعالی محمد حسین مشهدی (م بعد از 1286 ق). (5) در شرح و توجیه احادیثی است که درباره طینت انسان ها وارد شده و مورد اختلاف دانشمندان کلام است. (6) 102. طباشیر الحکمة (التحفة الناصرية)، از میرزا بابا ذهبی (م 1286 ق). شرحی است بر حدیث خلقت نور پیامبر اکرم، که در سال 1319 ش، در شیراز و در 1393 ق، در تبریز به چاپ رسیده است. (7) 103. غفوریه، از سید یحیی بن محسن موسوی (م بعد از 1286 ق) که شرحی بر حدیث «لیس من إمام یمضی الا و أوتی من بعد مثل ما أوتی الأول و زیادة خمسة أجزاء» از امام

-
- 1- الذریعة، ج 13، ص 199 (ش 697).
 - 2- وی، فقیه و عارف شیعی است که در علوم مختلف، دست داشت. او در کرمانشاه به دنیا آمد و نزد پدرش و کاشف الغطاء و صاحب ریاض درس خواند و علوم عقلی را نیز از شیخ محمد بید آبادی فرا گرفت. سپس در تهران، اقامت گزید و تا پایان عمر آن جا ماند. کتاب فی الرجال و مفتاح النجاة فی شرح دعاء السمات نیز از اوست (مصنّفی المقال، ص 451؛ الکنی والألقاب، ج 2، ص 110؛ أعیان الشیعة، ج 10، ص 110؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 652؛ چهل سال تاریخ ایران، ص 205).
 - 3- الذریعة، ج 13، ص 192.
 - 4- همان، ص 196.
 - 5- عالمی جلیل القدر است که در معقول و منقول، اطلاعات وسیعی داشت. پدراننش، از جمله میرزا جعفر، بانی مدرسه ای به نام خودش در مشهد مقدّس، از اهل فضل بودند. تألیفات او در علوم مختلف، متعدّد است (تراجم الرجال، ج 2، ص 123 و ج 3، ص 185).
 - 6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 18، ص 46 (ش 6855).
 - 7- موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 2، ص 600.

صادق علیه السلام است. (1) 104 . شرح حدیث «من عرف نفسه...» ، از علی بن احمد آل عبد الجبار قطفی (م 1287 ق). (2) 105 . شرح حدیث «لولا محمّد و علی و الائمة ما خلق الله الخلق» (3) ، از محمّد کریم خان بن ابراهیم کرمانی. (م 1288 ق). (4) 106 . شرح حدیث «المعرفة بالنورانية» ، از محمّد کریم خان بن ابراهیم کرمانی. به روش شیخیه. (5) 107 . شرح حدیث «الحر و البرد ممن يكونان...» ، از محمّد کریم خان بن ابراهیم کرمانی. (6) 108 . شرح حدیث «حقیق علی الله أن يدخل الضلال الجنة» ، از محمّد کریم خان بن ابراهیم کرمانی. (7) 109 . شرح حدیث علوی «معرفة بالنورانية معرفة الله» ، از هادی بن مهدی سبزواری (1212 _ 1289 ق). (8) این رساله ، در ضمن مجموعه رسائل حکیم سبزواری به تصحیح استاد سیّد جلال الدین آشتیانی به چاپ رسیده است. 110 . شرح حدیث الحقیقة ، از هادی بن مهدی سبزواری. این شرح در کتاب شرح

1- همان جا .

2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 7 ، ص 77 (ش 2487).

3- الذریعة ، ج 13 ، ص 209.

4- سیّد هاشم بحرانی در کتاب غایة المرام روایت کرده است: «لولا محمّد رسول الله و علیّ وصیّه الإمام و الائمة الأحد عشر من ولده ما خلق الله الخلق و هم من نور واحد».

5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ج 15 ، ص 52 (ش 5654).

6- همان ، ج 21 ، ص 62 (ش 8063).

7- همان ، ص 66 (ش 8063).

8- همان ، ج 26 ، ص 312 (ش 10371) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 36 ، ص 225 ؛ الذریعة ، ج 13 ، ص 207.

الأسماء وی ، مندرج است. (1) 111 . رساله ای در شرح حدیث ضبّ (2) ، از زین العابدین گلپایگانی (م 1289 ق). (3) 112 .
 حاشیه علیّی احادیث صوم رمضان (4) ، از محمّد محسن بن محمّد رفیع گیلانی (م 1290 ق). نگارش آن در 1270 ق ، پایان یافته
 است. (5) 113 . شرح حدیث «رأس الجالوت» ، از محمّد بن احمد کاشانی نراقی (عبد الصاحب) (م 1297 ق). این شرح ، با تحقیق
 آقای محمّد رضا حسینی ، در دفتر دوم میراث حدیث شیعه به چاپ رسیده است. (6) 114 . ریحانة الأدب ، از احمد بن محمّد شفیع
 شیرازی (وقار) (م 1298 ق). ترجمه و شرح حدیث نبوی درباره زنان عرب است. (7) 115 . شرح حدیث «تعلموا الفرائض فانها نصف
 العلم» ، از سیّد ابراهیم بن محمّد موسوی دزفولی (م ح 1300 ق). (8) 116 . رفع القلم فی بعض الأعیاد ، از حسن بن عبد الرحیم
 مراغه ای (م 1300 ق). در برخی روایات آمده است که در برخی از عیده‌های اسلامی ، از گناهان مؤمنان رفع قلم می شود. وی این
 روایت ها را تفسیر می کند به این که در این روزها ، مؤمنان ، بیشتر به طاعات و ولایت ائمه علیهم السلام توجّه می کنند. پس گناهی از
 آنان سر نمی زند تا چیزی در

-
- 1- الذریعة ، ج 13 ، ص 194.
 - 2- موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 467.
 - 3- شرح الأسماء ، تحقیق : نجفقلی حبیبی ، ص 382 _ 385.
 - 4- ضبّ ، حیوانی است که عرب آن را با کنیه «ابا حسل» می خوانند. در حکایتی این حیوان ، زبان می گشاید و به رسالت رسول اکرم ،
 شهادت می دهد. (العین ، ج 7 ، ص 14 ؛ بحار الأنوار ، ج 17 ، ص 401 ، 406 و 420).
 - 5- احادیثی درباره ثواب روزه رمضان که در الأمالی شیخ صدوق ، آمده است.
 - 6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 2 ، ص 339 (ش 739).
 - 7- همان ، ج 15 ، ص 272 (ش 5893) و ج 21 ، ص 157 (ش 8175) ؛ الذریعة ، ج 13 ، ص 199 ؛ میراث حدیث شیعه ، دفتر
 دوم ، ص 233 _ 254.
 - 8- موسوعة مؤلفی الإمامیة ، ج 4 ، ص 614.

نامه آنها نوشته شود. (1) 117. شرح حدیث ابن طاب، از سید مهدی قزوینی حلی (م 1300 ق). (2) 118. شرح حدیث «هل رأیت رجلاً»، از محمد بن سلیمان تنکابنی (م 1310 ق). شرحی بر شرح میرزای قمی درباره این حدیث است. (3) 119. شرح حدیث الحقیقة، از محمد بن سلیمان تنکابنی. (4) 120. الشمسة فی الأحادیث الخمسة، از سید علی بن حسین رنجفوری هندی (م 1310 ق) (5) (6) 121. شرح حدیث «أنا النقطة»، (7) از محمد تقی بن محمد مامقانی (م 1312 ق). در آخر چاپ دوم کتاب دیگری از مؤلف به نام آتشکده، چاپ شده در سال 1346 ق، از آن یاد شده است. (8) 122. شرح حدیث العقل والجهل و جنودهما، از محمد علی بن محمد نقوی هندی (م 1312 ق). (9) 123. عبائر المعضلات و تواتر المشکلات، از احمد بن حسن یزدی (1312 ق). شامل

-
- 1- همان، ص 197.
 - 2- الذریعة، ج 13، ص 189.
 - 3- الذریعة، ج 13، ص 186.
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 3، ص 77 (ش 884).
 - 5- همان، ص 210.
 - 6- وی، عالم و فاضل شیعی است که نزد سید محمد تقی ممتاز العلماء و سید علی محمد تاج العلماء و سید محمد عباسی درس خواند و از دو استاد اخیر، اجازه روایت دارد (أعیان الشیعة، ج 8، ص 208؛ الذریعة، ج 14، ص 228).
 - 7- الذریعة، ج 14، ص 228.
 - 8- این حدیث به صورت های مختلف در برخی منابع آمده است. مشهورترین صورتش آن است که به «أنا النقطة التي تحت الباء» ختم می شود و در ینابیع الموده ی قندوزی حنفی آمده است.
 - 9- همان، ص 203.

شرح معضلات و مشکلات برخی از آیات و احادیث است با عناوین «معضلة». (1) 124 . کوه و کتل ، از محمد بن محمد صالح دماوندی روح افزایی (ق 13 ق). رساله ای علمی _ عرفانی است در شرح حدیث «أمر بین الأمرین». (2) 125 . شرح حدیث «من عرف نفسه...» ، از احمد بن صالح قطیفی (ق 13 ق). کتاب نفیسی است که مؤلف ، معارف پنجگانه را به طور کامل از حدیث یاد شده ، استخراج کرده است. (3) 126 . شرح حدیث المعراج ، از سید حسین بن مرتضی حسینی (ق 13 ق). این شرح ، در سال 1268 ق ، نگارش یافته است. (4) 127 . شرح حدیث «یا ثار الله و ابن ثاره» ، از علی اکبر بن محمد امین لاری (ق 13 ق). (5) 128 . مرقاة النفوس ، از مصطفی بن محمد خویی (ق 13 ق). شرح عبارت «الهی قلبی محبوب...» است. (6) 129 . مرآة الموحدین ، از مصطفی بن محمد خویی. عبارت «تنزه عن مجالسة المخلوقین» است. (7) 130 . شرح حدیث «أنا مدینة العلم و علی بابها» ، از سید محمد هاشم بن زین العابدین (ق 13 ق). (8) 131 . أنیس الأخیار ، از محمد بن محمد علی حسینی (ق 12 و 13 ق). مختصر جلیس

1- همان جا .

2- الذریعة ، ج 13 ، ص 208 .

3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 14 ، ص 347 (ش 7153).

4- همان ، ص 456 (ش 17685).

5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 27 ، ص 269 (ش 10855).

6- همان ، ج 11 ، ص 100 (ش 4086).

7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 309 .

8- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 28 ، ص 98 .

هفت . شرح ادعیه و زیارات

اشاره

الأبرار مؤلف در شرح مشکلات برخی از روایات نبوی و... است. (1) 132 . سبب تسمیة الائمة بأُمّ الکتاب ، از میرزا حسن مراغه ای (ق 13 ق). در برخی روایات ، ائمه علیهم السلام «أمّ الکتاب» نامیده شده اند. در این رساله ، سبب این نامگذاری مورد بحث قرار گرفته است. (2) 133 . شرح حدیث العقل و الجهل و جنودهما ، از [محمد علی بن] محمد کاظم شاهرودی (م 1293 ق). (3) 134 . شرح منظومه عقل و جهل ، از سید محمد صادق رضوی (ق 13 ق). شرح و بسطی است با استناد به اخبار اهل بیت علیهم السلام بر منظومه عقل و جهل ، به همراه خطبه شمشقیه که آن نیز به همین منظور ، تفسیر گردیده است. (4)

هفت . شرح ادعیه و زیارات معصومان علیهم السلام ، در گفتگوی با مردم ، جانب درک و فهم مخاطب را رعایت می کردند و متناسب با فهم شنونده به انشای سخن می پرداختند ؛ اما در مقام مناجات با قاضی الحاجات ، محدودیت رعایت فهم شنونده را نداشتند ، هر چند دعاهایی را که به اصحاب خود تعلیم می دادند ، می تواند ویژگی سایر احادیث را داشته باشد. از این رو ، عمده دعاهای مأثور از اوج عرفان و معنویت صادر شده و از مقام ولایت و عصمت ، حکایت می کند و به تعبیر امام خمینی رحمه الله ، «قرآن صاعد است». فهم عمق محتوای چنین دعاهایی ، همواره بی نیاز از شرح و تفسیر نیست. بر این اساس ، دانشمندان بزرگ شیعه ، به طور طبیعی به این نکته عنایت داشته اند و شرح های متعددی را بر ادعیه و زیارات ، از خود بر جای گذاشته اند. در قرن های

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 14 ، ص 98 (ش 16157).

2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 3 ، ص 80 (ش 884).

3- الذریعة ، ج 13 ، ص 202.

4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 14 ، ص 303 (ش 11868).

شرح دعای صباح

دوازدهم و سیزدهم نیز مجموعه ای از این آثار به ظهور رسیده است که به ذکر آنها می پردازیم:

شرح دعای صباحین دعا که مفتاح الفلاح و مصباح النجاج نیز نام گرفته است ، منسوب به امام علی علیه السلام است و از شرح های متعدّد آن پیداست که همواره ، مورد توجّه دانشمندان شیعه بوده است. علامه مجلسی ، این دعا را در بحار الأنوار (ج 91 ، ص 228 ، باب 40 ، احراز مولانا امیر المؤمنین علیه السلام) آورده و می گوید این دعا ، از ادعیه مشهور است و آن را در کتب معتبر نیافته است ، جز در المصباح سیّد بن باقی رحمه الله . دعا با این عبارت آغاز می شود: «اللهم یا من دلّع لسان الصباح بنطق تبلجه...». علامه مجلسی می گوید: در یکی از کتاب ها این سند را برای این دعا یافته است: شریف یحیی بن قاسم علوی می گوید: به پوست نوشته بلندی دست یافتم که به خطّ آقا و جدّم امیر مؤمنان و پیشوای روسپیدان و شیر پیروزمندان ، علی بن ابی طالب _ که برترین درودها بر او باد _ در آن نوشته شده بود: «بسم الله الرحمن الرحيم. این دعایی است که رسول خدا به من آموخت و هر صبح ، بدان دعا می کرد...». (1) پاره ای از شروح بر این دعا که در دو قرن دوازدهم و سیزدهم ، نگاشته شده ، عبارت اند از: 1 . شرح دعاء الصباح ، از اصغر بن محمّد قمی (م بعد از 1115 ق). مؤلف ، آن را در حدود 1115 ق، در اصفهان به نگارش در آورده است و خود وی بر آن ، حاشیه نوشته است. (2)

1- بحار الأنوار ، ج 91 ، ص 246.

2- الذریعة ، ج 13 ، ص 253.

2. جناح النجاج فی شرح دعاء الصباح ، از محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی (م 1129 ق). (1) 3 . شرح دعاء الصباح ، از محمد اشرف بن عبد الحسیب عاملی اصفهانی (م 1145 ق). (2) 4 . مفتاح الفلاح فی شرح دعاء الصباح ، از ملا اسماعیل بن محمد حسین خواجهی (م 1173 ق). کتابی است مفصل که کلامی و فلسفی است. (3) این شرح در حاشیه زاد المعاد با قطع بزرگ ، چاپ شده است (4) . روشن است که این کتاب با مفتاح الفلاح شیخ بهایی که در اعمال شبانه روز است ، یکی نیست. (5) 5 . شرح دعاء الصباح ، از قطب الدین محمد حسین نیریزی (م 1173 ق). (6) این شرح ، ضمن ترجمه تحت اللفظی ، هر بند از دعا را در چند رباعی به نظم کشیده و برخی الفاظ را در حاشیه ، توضیح داده است. (7) این اثر با تحقیق محمد ترابیان فردوسی در دفتر ششم میراث حدیث شیعه (ص 239_ 268) چاپ شده است.

-
- 1- الذریعة ، ج 13 ، ص 253.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 15 (ش 14699) ؛ الذریعة ، ج 13 ، ص 256.
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 17 ، ص 21 (ش 6414) و ص 217 (ش 6654) و ج 18 ص 230 (ش 65) و ج 19 ، ص 90 (ش 7300).
 - 4- ظاهرا در سال 1373 ش ، نیز توسط انتشارات آستان قدس رضوی چاپ شده است.
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 35 ، ص 270 (ش 12350).
 - 6- وی از عارفان شیعه در قرن دوازدهم است که در سال 1100 ق، در نیریز به دنیا آمد ، تحصیلاتش را در زادگاه خویش و سپس در شیراز و اصفهان به انجام رسانید. او جد سادات ذهبی است و نسبش با 23 واسطه به امام سجّاد علیه السلام می رسد. از استادان وی ، سید هاشم بحرانی ، میرزا ابراهیم قزوینی (م 1149 ق) و میر محمد تقی خراسانی (م 1138 ق) را می توان نام برد. برجسته ترین شاگرد وی ، آقا محمد بیدآبادی است (الذریعة ، ج 13 ، ص 255).
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 11 ، ص 109 (ش 4092) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 35 ، ص 305 (ش 12347) و ج 14 ، ص 33 (ش 64957) ؛ الذریعة ، ج 13 ، ص 255.

6. شرح دعاء الصبح، از محمد جعفر شیرازی (ق 12 ق). (1) مؤلف در این شرح، ضمن شرح لغات به گفته های اهل سنت، پاسخ داده است. (2) 7. شرح دعاء الصبح، از رضی الدین محمد بن محمد شوشتری (ق 12 ق). این شرح، بیشتر به مسائل اعتقادی توجه دارد. (3) 8. شرح دعاء الصبح، از محمد بن محمد رضا مشهدی (ق 12 ق). (4) 9. شرح دعاء الصبح، از محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی (ق 12 ق). (5) 10. شرح دعاء الصبح، از محمد مهدی بن محمد جعفر تنکابنی (م بعد از 1269 ق). (6) 11. شرح دعاء الصبح، از ملا هادی بن مهدی سبزواری (1212 _ 1289 ق). شرحی فلسفی است که مؤلف در آن به تأویل پرداخته است. (7) این کتاب، دومین اثر حکیم سبزواری پس از کتاب مفصل شرح الأسماء، در باب شرح دعاهای مأثور است که آن را در هفدهم رمضان 1267، به پایان برده و خود بر آن، حاشیه نوشته است. (8) این اثر با تحقیق دکتر نجفقلی حبیبی به سال 1372 ش، توسط انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است. 12. شرح دعاء الصبح، از محمد نجف کرمانی (عارف اخباری) (م 1292 ق). (9)

-
- 1- عالم و ادیب شیعی است که به هند و برخی کشورهای دیگر سفر کرد و از دانشمندان آن جا بهره برد. وی در سال 1107 ق، زنده بوده است (تراجم الرجال، ج 3، ص 150).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 9، ص 306 (ش 3508).
 - 3- همان، ج 27، ص 71 (ش 10597).
 - 4- فهرست نسخه های خطی آستان قدس رضوی، ج 15، ص 20.
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 12، ص 288.
 - 6- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 634؛ الذریعة، ج 13، ص 255 (ش 936).
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 12، ص 255 (ش 6131) و ج 16، ص 132 (ش 4667).
 - 8- ر.ک: شرح دعای الصبح، مقدمه مصحح، ص هفت.
 - 9- الذریعة، ج 13، ص 255.

شرح دعای سمات

13 . شرح دعاء الصباح ، از جعفر بن حسینعلی لواسانی (حکیم الهی) (م 1298 ق). (1) 14 . شرح دعاء الصباح ، از احمد بن حسن یزدی (م 1310 ق). شرحی مختصر است. (2) 15 . شرح دعاء الصباح ، از سید علی بن محمد بن محمد لکهنویی (تاج العلماء) (م 1312 ق). (3) 16 . مشکاة الأرواح (شرح دعای صباح) ، از سید جعفر بن عبد الله حسینی (ق 13 ق). عمده مطالب آن از کتاب های فیض کاشانی ، شیخ احمد احسائی و گاه میرداماد ، نقل شده است. (4) 17 . شرح دعاء الصباح ، از مصطفی بن محمد خویی (ق 13 ق). این کتاب ، بیشتر جنبه ادبی و عرفانی دارد. (5) 18 . مفتاح النجاح فی شرح دعاء الصباح ، از سید محمد هادی بن احمد موسوی (ق 13 ق). شرح مزجی مفصّلی است. (6)

شرح دعای سماتدعای سمات ، به دعای «شَبُور» نیز معروف است. شیخ کفعمی ، آن را نقل کرده و می گوید:

-
- 1- همان ، ص 253.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 7 ، ص 9 (ش 2407).
 - 3- الذریعة ، ج 13 ، ص 254.
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 454 (ش 14821).
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 21 ، ص 108 (ش 8104) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 309 (ش 15941).
 - 6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 6 ، ص 57 (ش 2047).

دعا کردن، بدان در ساعت آخر روز جمعه مستحب است. دعای سمات، با این عبارات آغاز می شود: «اللهم إني أسألك باسمك العظيم الأعظم الأعزّ الأجلّ الأكرم الذي إذا دعيت به على مغالق أبواب السماء للفتح بالرحمة انفتحت وإذا دعيت به على مضايق أبواب الأرض للفرج بالرحمة انفرجت وإذا دُعيت به على العسر ليسر تيسرت وإذا دُعيت به على الأموات للنشور انتشرت وإذا دعيت به على كشف البأساء والضراء انكشفت...» (1) شیخ عباس قمی نیز در مفاتیح الجنان درباره آن می گوید: این دعا از ادعیه مشهور است و بیشتر علمای سلف بر این دعا مواظبت می نموده اند و در مصباح شیخ طوسی، جمال الأسبوع سیّد بن طاووس و کتاب های کفعمی به سندهای معتبر از محمّد بن عثمان عمری - رضوان الله علیه - که از نایبان [چهار گانه] حضرت صاحب الأمر علیه السلام است و از امام محمّد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام روایت شده است و علامه مجلسی، آن را با شرح در بحار، ذکر کرده است. (2) شروحي که بر این دعا در قرن های دوازدهم و سیزدهم هجری نوشته شده، عبارت اند از: 1. شرح دعاء السمات، از سیّد محمّد جعفر طباطبایی شولستانی (بعد از 1113 ق). (3) 2. شرح دعاء السمات، از محمّد هاشم هروی خراسانی (م بعد از 1128 ق). (4) 3. وسیلة النجاة فی شرح دعاء السمات، از عبد الواسع بن علامی تونی (ق 12 ق). (5) 4. كشف الحجاب للدعاء المستجاب، از سیّد عبد الله بن محمّد رضا شبر

-
- 1- البلد الأمين، ص 90.
 - 2- مفاتیح الجنان، ص 119.
 - 3- الذریعة، ج 13، ص 249.
 - 4- همان، ص 251.
 - 5- همان، ص 250 و ج 25، ص 90.

شرح دعای عرفه

یوسف بن احمد بحرانی (صاحب حدائق) (م 1186 ق)

(م 1242 ق). (1) 5. شرح دعاء السمات ، از سید کاظم رشتی (م 1259 ق). شرحی است به روش شیخیه که مؤلف در سال 1238 ق ، از نگارش آن ، فراغت یافته است. این اثر به سال 1277 ق، ضمن مجموعه رسائل شارح ، در تبریز چاپ شده است. (2) 6. شرح دعاء السمات ، از حسن بن محمد باقر قره باغی (م بعد از 1261 ق). (3) نسخه آن در کتاب خانه آیه الله مرعشی موجود است . 7. مفتاح النجاة فی شرح دعاء السمات ، از محمود بن محمد علی کرمانشاهی (م 1269 یا 1271 ق). شرح مفصّلی است. (4) 8. شرح دعاء السمات ، از درویش علی بن حسین بغدادی (م 1277 ق). (5) 9. دُرّ منثور در شرح دعای شبور ، از عبد الجلیل بن نصر الله (ق 13 ق). همان دعای سمات است. (6)

شرح دعای عرفه این دعا از حضرت امام حسین علیه السلام است و از آن معدن علم و معرفت ، در روز عرفه صادر شده است. در فقرات مختلف این دعا ، تلاطم امواج دریای توحید و ربوبیت و بندگی مشهود است. این دعای شریف در کتب معتبری مانند البلد الامین (ص 246 _ 258) و بحار الأنوار ، ج 95 ، ص 216 آمده است. از جمله شروح آن در دوره مورد بحث ، موارد زیر را می توان نام برد:

- 1- همان ، ج 13 ، ص 250.
- 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 25 ، ص 197 (ش 9903).
- 3- الذریعة ، ج 13 ، ص 246 .
- 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 8 ، ص 65 (ش 2861) و ج 19 ، ص 123 (ش 73220).
- 5- الذریعة ، ج 13 ، ص 250.
- 6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 6 ، ص 276 (ش 2395).

شرح دعای کمیل

10 . شرح دعاء عرفه ، از سید ماجد بن ابراهیم حسینی (زنده در 1152 ق). (1) شرح جمله «ها أنا أتوسل إليك بفقرى اليك...» است.
 (2) 11 . شرح دعای عرفه ، از محمد علی بن ابی طالب زاهدی لاهیجی گیلانی (م 1180 ق). (3) 12 . كنوز المعرفة فی شرح دعاء عرفه ، از سید علی اکبر بن نصر الله شیرازی (مولوی) (ق 13 ق). شامل مسائل ادبی ، لغوی ، بلاغی ، امثال و حکم ، و آیات و روایات است. (4)

شرح دعای کمیل سید بن طاووس در کتاب إقبال الأعمال ، چنین نقل می کند : کمیل بن زیاد می گوید: با مولایم امیر مؤمنان ، در مسجد بصره بودم. گروهی از اصحاب نیز با وی بودند. یکی از آنان گفت: [معنای] گفته خدای عز و جل : «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (5) چیست؟ فرمود : «شب نیمه شعبان. سوگند به آن که جانم در دست اوست ، هیچ بنده ای نیست ، مگر این که آنچه از خوبی و بدی بر او جاری می شود ، در شب نیمه شعبان برای او تا چنین شبی در سال آینده قسمت می شود ؛ و هیچ بنده ای آن را احیا ندارد و با دعای خضر علیه السلام دعا نکند ، مگر این که پاسخ داده شود». وقتی امام علیه السلام برگشت ، رفتم در خانه ایشان را زدم . فرمود: «چه چیز تو را این جا آورد ، ای کمیل؟». گفتم: دعای خضر ، ای امیر مؤمنان! فرمود: «بنشین ، کمیل! وقتی این دعا را حفظ کردی ، هر شب جمعه ، یا ماهی

-
- 1- وی در کاشان اقامت داشت و به تدریس مشغول بود. او در آثارش بیشتر به حلّ مسائل پیچیده فلسفی پرداخته است (تراجم الرجال ، ج 1 ، ص 420).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 16 ، ص 26 (ش 6025).
 - 3- الذریعة ، ج 13 ، ص 258 ؛ مفاخر اسلام ، ج 7 ، ص 207 _ 351.
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 22 ، ص 24 (ش 8430).
 - 5- الدخان ، آیه 4.

شرح دعای عدیله

يك بار ، یا سالی يك بار ، یا در دوره عمرت يك بار ، بدان دعا كن. خداوند ، تورا كفايت و ياری می كند و تورا روزی می دهد و آمرزش را از دست نمی دهی. ای كمیل! سابقه دوستی تو بر ما واجب می كند كه آنچه خواستی ، به تو ببخشیم». سپس فرمود: «بنویس : اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِیْ وَسَعَتْ كُلَّ شَیْءٍ...». (1) شرح دعای كمیل در قرون مورد بحث ، اینهاست: 1 . جنة الأمان فی شرح دعاء كمیل ، از محسن بن محمد رفیع رشتی (م 1290 ق). (2) 2 . شرح دعای كمیل ، از صفر علی اشرفی (ق 13 ق). این شرح با نقل مطالب فلسفی از ملاصدرا همراه است. (3) 3 . شرح دعای كمیل ، از محمد نجف کرمانی (ق 13 ق). (4) 4 . شرح دعای كمیل ، از محمد بن سلیمان تنكابنی (م 1310 ق). (5)

شرح دعای عدیله شیخ عباس قمی ، از میرزا حسین نوری چنین نقل می كند: دعای معروف به «عدیله» ، تألیف یکی از اهل علم است و مأثور نیست و در کتاب های حاملان حدیث و حدیث شناسان ، موجود نیست. (6) البته در کتب معتبر حدیث و دعا ، موضوع پناه بردن به خدا در عدول از اعتقادات حق به عقاید باطل در هنگام مرگ ، مطرح است و در کتاب های روایی دعاهایی در این باره موجود است ، مانند: «...اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيْلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ مِنْ شَرِّ الْمَرْجِعِ

1- .إقبال الأعمال ، ص 706.

2- .تراجم الرجال ، ج 1 ، ص 425 _ 429.

3- .فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 13 ، ص 185 (ش 4992).

4- .موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 634 ؛ الذریعة ، ج 13 ، ص 259.

5- .الذریعة ، ج 13 ، ص 259.

6- .مفاتیح الجنان ، ذیل دعای «عدیله».

شرح زیارت جامعه

فی القُبُورِ وَ مِنَ النَّدَامَةِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ...» (1) شرح های نوشته شده بر این دعا در قرن های مورد بحث، اینهاست: 1. شرح دعاء العدیلة، از محمد بن عبد النبی اخباری (م 1232 ق). شارح، آن را به طور کامل در کتابش میزان التمییز، به فارسی آورده است. (2) 2. شرح دعاء العدیلة، از ملا علی خداوردی تبریزی (م بعد از 1246 ق). (3) شارح، در سال 1246 ق، در نجف اشرف از نگارش آن، فراغت یافته است. (4) 3. شرح دعاء العدیلة، از محمد تقی بن میر مؤمن حسینی قزوینی (م 1270 ق). ترجمه و شرح کوتاهی است. (5) 4. العقائد الناجیة، از حسین بن جهانگیر میرزا (ق 13 ق). این اثر، ترجمه و شرح دعای عدیله است. (6) 5. شرح دعاء العدیلة (نجات المؤمنین)، از محمد علی بن صادق نجفی نیشابوری (ق 13 ق). (7)

شرح زیارت جامعه زیارت جامعه کبیره، از جمله زیارت نامه های معتبر، بسیار پر محتوا و سرشار از معارف الهی و انوار تابان مقام امامت و ولایت است که برای همه امامان معصوم علیهم السلام،

-
- 1- رك: تهذیب الأحكام، ج 3، ص 88؛ المصباح، کفعمی، ص 573؛ إقبال الأعمال، ص 175 و 632؛ بحار الأنوار، ج 84، ص 304.
 - 2- الذریعة، ج 13، ص 258.
 - 3- گویا فرزند ملا محمد گاوگانی است که در سال 1244 ق، در نجف بوده است. گاوگان، از محله های تبریز است.
 - 4- الذریعة، ج 13، ص 257.
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 35، ص 420 (ش 12466).
 - 6- همان، ص 421 (ش 12468).
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 12، ص 39 (ش 4446).

خوانده می شود. این زیارت نامه در کتاب من لایحضره الفقیه با عنوان «زیارة جامعة لجميع الأئمة عليهم السلام» و با این سند: «رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ النَّخَعِيُّ قَالَ قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ...»، آمده است. راوی از امام هادی علیه السلام چنین درخواست می کند: ای پسر رسول خدا! سخنی رسا و کامل به من بیاموز تا هر گاه یکی از شما را زیارت کنم، آن را بر زبان آورم. امام علیه السلام می فرماید: چون به در مزار رسیدی، بایست و در حالی که غسل کرده ای، «شهادتین» را بر زبان بران. پس چون داخل شدی و قبر را دیدی، بایست و سی بار «اللَّهِ اكْبَرُ» بگو و آن گاه، گامی چند بردار و خود را در هاله ای از آرامش و وقار قرار ده و گام هایت را نزدیک به هم بردار. آن گاه، بایست و سی بار «تکبیر» بگو و پس از آن به قبر نزدیک شو و چهل بار تکبیر بگوی که مجموع تکبیرها به صد برسد. سپس بگو: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ خُزَّانِ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى الْجِلْمِ وَ أُصُولِ الْكُرَمِ وَ قَادَةَ الْأُمَمِ وَ أَوْلِيَاءِ النَّعَمِ وَ عَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ وَ دَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابَ الْإِيمَانِ وَ أَمَنَاءَ الرَّحْمَنِ وَ سُلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَ عَشْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ... (1) این زیارت در منابع دیگر، مانند: تهذیب الأحكام (ج 6، ص 95)، البلد الامین وسائل الشيعة (ج 14، ص 29)، مستدرک الوسائل (ج 10، ص 416 / باب نوادر) آمده است. مضامین بلند و محتوای سرشار از معرفت زیارت جامعه، برخی دانشمندان شیعه را به شرح و تفسیر واداشته که موارد زیر از آن جمله است:

1- کتاب من لایحضره الفقیه، ترجمه صدر الدین بلاغی، ص 3؛ کتاب المزار، ص 540_553.

1. شرح الزيارة الجامعة الكبيرة، از بهاء‌الدین محمد بن محمد باقر مختاری (م 1140 ق). (1) 2. شرح الزيارة الجامعة الكبيرة، از احمد بن زین الدین احسائی (م 1242 ق). شرح مزجی مفصّلی است و نمودار آن بخش از آرای احسائی است که سبب حمله به او شده است. احسائی، این کتاب را به درخواست سید حسین بن سید محمد قاسم اشکوری گیلانی نگاشته است. (2) شایان ذکر است که مؤلف، این شرح را با استناد به آیات و روایات بسیار به رشته تحریر در آورده است و در حدّ ضرورت به شرح لغات نیز پرداخته که در نوع خود، اعجاب انگیز است. این شرح در چهار مجلد و در بیروت، به چاپ رسیده است. (3) 3. الأنوار اللامعة فی شرح الزيارة الجامعة، از سید عبد الله بن محمد شبر (م 1242 ق). این شرح، توسط مؤسسه انتشارات بعثت، در سال 1366 ش چاپ شده است. (4) 4. شرح الزيارة الجامعة، از علینقی بن سید حسن طباطبایی (1226 _ 1289 ق). (5) شرحی مفصّل به صورت مزجی، ولی ناتمام است. (6)

-
- 1- تلامذة العلامة المجلسی، ص 70.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 5، ص 38 و ج 26، ص 231؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 13، ص 652.
 - 3- شرح الزيارة الجامعة الكبيرة، احمد بن زین الدین الاحسائی، بیروت: دار المفید، 1420 ق، اول.
 - 4- الذریعة، ج 13، ص 306؛ معجم المطبوعات العربية فی ایران، ص 330.
 - 5- وی، فقیه، اصولی، رجالی از علمای مُبرّز شیعه و نوه سید محمد مجاهد است که در کربلا به دنیا آمد و نزد پدرش، سید محمد مهدی بن علی طباطبایی، محمد حسین بن محمد رحیم ایوانکیفی، حسن بن جعفر کاشف الغطاء و محمد حسن بن باقر نجفی صاحب جواهر، درس خواند و در کربلا به مرجعیت رسید. بیشتر آثار وی فقهی است (معارف، ج 2، ص 148؛ أعیان الشیعة، ج 8، ص 367؛ ریحانة الأدب، ج 2، ص 6؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 426).
 - 6- الذریعة، ج 13، ص 306.

شرح زیارت عاشورا

شرح زیارت عاشورا بر اساس روایات متعدّد، زیارت ابا عبد الله الحسین علیه السلام در شب و روز عاشورا، بلکه در همه اوقات، فضیلت بسیار دارد. (1) در این باره، زیارت نامه هایی با الفاظ مختلف در کتب حدیث، موجود است که از آن میان، دو زیارت نامه از شهرت فراوان برخوردار است: یکی زیارت عاشورای معروف و دیگری زیارت عاشورای غیر معروف است که هر دو در کتاب مفاتیح الجنان آمده است. زیارت عاشورای معروف، در کتاب گران سنگ البلد الامین (ص 269 _ 271)، جزو اعمال ماه محرم ذکر شده است و با عبارت «السلام عليك يا ابا عبد الله...» آغاز می شود. بر این زیارت نامه، شرح هایی و در چگونگی زیارت ابا عبد الله علیه السلام رساله هایی نگاشته شده است که تعدادی از آنها مربوط به قرن دوازدهم و سیزدهم است که بدانها اشاره می شود: 1. شرح زیارة عاشوراء، از سیّد حسین بن جعفر خوانساری (م 1191 ق). (2) 2. رساله فی کیفیت زیارة العاشوراء، از محمّد محسن بن محمّد سمیع کاشانی (م 1222 ق). شارح، از نوادگان فیض کاشانی است. (3) 3. رساله فی زیارة العاشوراء، از محمّد جعفر بن سیف الدین استرآبادی (شریعتمدار) (1198 _ 1263 ق). (4) 4. رساله فی زیارة العاشوراء و کیفیتها، از سیّد محمّد باقر بن محمّد تقی گیلانی (حجّة الإسلام) (1175 _ 1260). (5) این رساله، چاپ شده است. 5. الدرّة الحمراء فی شرح کیفیت زیارة العاشوراء، از محمّد بن ابی الحسن نایینی

-
- 1- ر.ک: وسائل الشیعة، ج 14، ص 476، 494، 509؛ بحار الأنوار، ج 30، ص 399 و ج 53، ص 305 و ج 97، ص 292، 352 و ج 98، ص 102، 231؛ إقبال الأعمال، ص 534، 567، 568، 573 و... .
 - 2- أعيان الشیعة، ج 5، ص 467؛ الذریعة، ج 13، ص 307.
 - 3- علوم حدیث، ش 23، ص 180؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله گلپایگانی، ج 3، ص 197 (ش 2217).
 - 4- الذریعة، ج 12، ص 79 (ش 548)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مدرسه سپه سالار (ش 2527).
 - 5- الذریعة، ج 12، ص 79 (ش 547).

شرح ادعیه و زیارات دیگر

مصاحبی (م 1278 ق). (1) 6. زیارة عاشوراء، از محمد علی بن محمد حسین شهرستانی (م ح 1290 ق). پسر مؤلف محمد حسین، در زوائد الفوائد، از آن یاد کرده است. (2) 7. شرح زیارة عاشوراء، از سید اسد الله بن محمد باقر شفتی (م 1290 ق). (3) 8. رساله فی زیارة عاشوراء، از محمد حسن بن محمد باقر هزار جریبی (1239 _ 1300 ق). 9. تحقیق فی زیارة العاشوراء، از حسن بن ابراهیم حسینی ساوجی (ق 13 ق) (4). (5).

شرح ادعیه و زیارات دیگر 1. شرح و ترجمه زیارت رجبیه، از محمد بن محمد رضا مشهدی (ق 12 ق). (6) 2. شرح زیارة الرجیة، از محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی (بعد از 1129 ق). نسخه آن در کتاب خانه آستان قدس رضوی، موجود است. (7) 3. شرح زیارة الرجیة (بغیة الطلب فی شرح زیارة الجامعة فی الرجب)، از درویش علی بن حسین بغدادی (1220 _ 1277 ق) (8). (9).

-
- 1- مکارم الآثار در احوال الرجال، ج 6، ص 2231.
 - 2- الذریعة، ج 12، ص 80.
 - 3- همان، ج 13، ص 307.
 - 4- مقاله ای با عنوان «کتاب شناسی زیارت عاشورا» از ناصر الدین انصاری قمی در فصل نامه علوم حدیث (ش 23، ص 165 _ 181) به چاپ رسیده است.
 - 5- پیام حوزه، ش 31، ص 108؛ علوم حدیث، ش 23، ص 174.
 - 6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مدرسه سپه سالار، ج 3، ص 416 (ش 633)؛ الذریعة، ج 13، ص 307.
 - 7- الذریعة، ج 13، ص 307.
 - 8- وی، فقیه، متکلم و شاعر شیعی است که در بغداد به دنیا آمد و نزد دانشمندان بزرگ کربلا، درس خواند. علاوه بر فقه و اصول، کلام و علوم عقلی را نیز آموخت و سپس به نشر علم پرداخت. شرح دعاء السمات نیز از اوست (أعیان الشیعة، ج 6، ص 396؛ معارف و معاریف، ج 1، ص 305؛ الذریعة، ج 3، ص 136؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 263).
 - 9- الذریعة، ج 13، ص 306.

4. الروضات، از محمد بن مقیم اشرفی مازندرانی (م 1276 ق). شرح مزجی بر زیارت رجبیه «الحمد لله الذي أشهدنا...» است. (1)
5. نواصيص العجب في شرح زيارة الرجب، از احمد بن حسن یزدی مشهدی (م 1310 ق). شارح، واعظ ساکن مشهد بوده و کتاب او مفصل و همراه با توضیحات لغوی و اعتقادی است. (2) 6. الرسالة الرجبية، از محمد بن سلیمان تنکابنی (م 1310 ق). شرح دعای «یا من أرجوه لكل خير» به سبک عرفانی است. (3) 7. شرح دعای ابو حمزه، از سید حسین بن جعفر خوانساری (م 1191 ق) (4). 8. شرح دعای ابو حمزه، از محمد تقی بن حسین دلدارعلی نقوی (1234 _ 1289 ق). (5) 9. شرح دعای ابو حمزه ثمالی، از محمد تقی بن حسینعلی هروی (م 1299 ق). (6) 10. شرح دعاء الجوشن الكبير، از محمد نجف کرمانی (ق 13 ق). (7) 11. شرح دعای جوشن کبیر، از ملا هادی بن مهدی سبزواری (1212 _ 1289 ق). شرحی فلسفی و مهم است. (8) این کتاب با تحقیق آقای نجفقلی حبیبی در سال

-
- 1- فهرست نسخ های خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 3، ص 331 (ش 1159).
- 2- همان، ج 7، ص 26 (ش 2432)؛ الذریعة، ج 13، ص 306.
- 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 23، ص 75 (ش 8885)؛ الذریعة، ج 13، ص 248.
- 4- وی، فقیه و محقق شیعی است که نزد پدرش ابو القاسم جعفر (م 1158 ق) درس خواند و از او و محمد صادق تنکابنی روایت می کند. محمد علی بن محمد باقر بهبهانی، میرزا ابو القاسم بن حسن گیلانی قمی و سید محمد مهدی بحر العلوم، از او اجازه روایت دارند. شرح زیارة عاشورا نیز از اوست (روضات الجنات، ج 2، ص 367؛ الذریعة، ج 13، ص 246 (ش 307)؛ أعيان الشيعة، ج 5، ص 467؛ تتميم أمل الآمل، ش 84؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 105).
- 5- الذریعة، ج 13، ص 246.
- 6- همان جا.
- 7- همان، ص 248.
- 8- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 19، ص 183؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 35، ص 279 (ش 12318) و ص 311 (ش 12351) و ص 333 (ش 12375).

1372 ش ، توسط انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است. 12 . شرح دعای جوشن صغیر (حرز سلیمانی) ، از محمد مؤمن بن قوام الدین محمد حسینی (ق 12 ق). (1) 13 . شرح دعاء مکارم الأخلاق ، از سید علی خان بن احمد مدنی (م 1120 ق). (2) 14 . شرح الزيارة الرضویة ، از محمد بن سلیمان تنکابنی (م 1301 ق). (3) 15 . سنا برق فی شرح البارق من المشرق ، از سید جعفر بن ابی اسحاق ابراهیم دارابی کشفی (1189 _ 1267 ق). شرح مبسوطی بر دعای «اللهم إني أسألك بمعاني جميع ما يدعوك به ولاية أمرك» است که بر زبان ولی عصر (عج) جاری شده است. این شرح ، دارای مطالب فلسفی است. (4) 16 . نوامیس العرفان فی شرح الصلوات الواردة فی شعبان ، از احمد بن حسن یزدی (م 1310 ق). (5) 17 . شرح الزيارة السابعة لأمير المؤمنين عليه السلام ، از محمد علی بن محمد کاظم شاهرودی (م 1293 ق). (6) 18 . رساله فی شرح دعاء أبي حمزة في السحر ، از سید ابو القاسم جعفر بن حسین خوانساری (م 1158 ق). (7)

-
- 1- الذریعة ، ج 13 ، ص 307.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 35 ، ص 375 (ش 12418).
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله فاضل خوانساری ، ج 1 ، ص 175 (ش 222) ؛ الذریعة ، ج 13 ، ص 260.
 - 4- الذریعة ، ج 13 ، ص 370.
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 15 ، ص 309 (ش 5925) و ج 16 ، ص 256 (ش 6285) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 15 ، ص 299 (ش 14304) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 38 ، ص 647 (ش 14491).
 - 6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 7 ، ص 27 (ش 2432).
 - 7- همان ، ج 21 ، ص 401 (ش 5680).

19. شرح دعای سحر، از محمد کریم خان بن ابراهیم کرمانی (م 1288 ق). این اثر، در سال 1318 ق، چاپ سنگی شده است. (1)
20. موارد المتسخرین، از احمد بن حسن یزدی (م 1310 ق) شرح دعای سحر (اللهم إني أسألك من بهائك بأبهاه و...) است. (2) 21
- . شرح دعاء السحر، از محمد بن سلیمان تنکابنی (م 1310 ق). (3) 22. شرح دعاء النذبة، از ملا حسین تربتی (م ح 1300 ق) (4).
- (5) 23. شرح دعاء الاسابيع، از سید کاظم بن قاسم رشتی (م 1259 یا 1263 ق). (6) 24. شرح دعاء ليلة الجمعة، از سید کاظم بن قاسم رشتی. (7) 25. حواشی بر کتاب «الدعوات»، از محمد صادق بن محمد تنکابنی اصفهانی (1082 _ زنده در ح 1130) (8).
- (9) 26. فلق الأصباح فی شرح مفتاح الفلاح، از سلیمان بن عبد الله ماحوزی (م 1121 ق). (10)

- 1- همان، ص 248.
- 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 35، ص 278 (ش 12317)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 304 (ش 3201)؛ معجم المطبوعات العربية فی ایران، ص 336.
- 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 7، ص 8 (ش 2407).
- 4- الذریعة، ج 13، ص 247.
- 5- وی، عالم و فاضل شیعی واصل او از تربت و ساکن سبزوار بود که در حدود سال 1300 ق، در آن جا درگذشت. الرد علی من ادعی قطیعة صدور الأحادیث المروية فی الكتب الأربعة، نیز از اوست (أعیان الشیعة، ج 5، ص 463).
- 6- الذریعة، ج 13، ص 260.
- 7- همان، ص 260.
- 8- وی، فقیه و محدث شیعی است که نزد پدرش فقیه و فیلسوف معروف به «محمد سراب» درس خواند و از او و علامه مجلسی روایت می کند. محمد حسین بن حسن تنکابنی، جعفر بن ابی القاسم حسین خوانساری، زین الدین علی بن عین علی خوانساری و حسین بن جعفر خوانساری از او روایت می کنند. وی در تخت فولاد اصفهان، مدفون است (طبقات أعلام الشیعة، ج 6، ص 360؛ تلامذة العلامة المجلسی، ص 107؛ تراجم الرجال، ج 2، ص 720؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 381).
- 9- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 381.
- 10- الذریعة، ج 14، ص 82.

27. حاشیه مفتاح الفلاح ، از ملا اسماعیل بن محمد حسین خواجویی (م 1173 ق). (1) 28. دلیل الدعاء فی شرح عین الحیاة ، از محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی (م 1129 ق). عین الحیاة ، مجموعه ای از ادعیه و از خود شارح است. (2) 29. ذکر العالمین فی شرح دعاء الصنمین ، از محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی. شرح مفصّلی در یکصد «اصل» بر دعای مشهور به «دعای صنمّی قریش» است. (3) 30. رساله قنوتیه ، از سید ابو القاسم بن محمد نبی (میرزا بابا ذهبی) (م 1286 ق). شرحی بر دعای امام علی علیه السلام است که می فرماید: «اللّهم نور ظاهری بطاعتک». (4) این رساله در سال 1323 ق ، به همراه أسرار الولاية مؤلف ، در تبریز به چاپ رسیده است. (5) 31. شرح دعای «اللّهم نور ظاهری بطاعتک» ، از محمد جعفر بن صفرخان قراگزلو کیودرآهنگی (مجدوب علی شاه) (م 1239 ق). او چند حدیث دیگر را نیز شرح داده است. (6) 32. شرح دعای «اللّهم إني أسألك باسمك الذي به ابتدعت عجائب الخلق» ، از محمد کریم خان کرمانی (م 1288 ق). (7) 33. شرح دعای «هَيِّهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ» ، از محمد بن سلیمان تنکابنی

-
- 1- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 9 ، ص 218 (ش 3431).
 - 2- همان ، ج 15 ، ص 366 (ش 5993) و ج 10 ، ص 359 (ش 2979) ؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 6 ، ص 235 (ش 312).
 - 3- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 1 ، ص 362 (ش 326) و ج 10 ، ص 303 (ش 3922) و ج 14 ، ص 138 (ش 5355).
 - 4- عتبة أحمد بن موسى ، ج 2 ، ص 320.
 - 5- موسوعة مؤلفی الإمامية ، ج 2 ، ص 599.
 - 6- تراجم الرجال ، ج 3 ، ص 154.
 - 7- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 18 ، ص 263 (ش 7108).

2_2_3 . ترجمه احادیث و ادعیه**اشاره**

(م 1310 ق). (1) 34 . الأنوار اللامعة ، از محمد بن مقیم اشرفی (م 1276 ق). شرح مفصّلی است بر دعای «یا علی یا عظیم یا غفور یا رحیم». (2) 35 . شرح دعاء کلّ یوم ، از سیّد کاظم بن قاسم رشتی (م 1263 ق). در سال 1277 ق ، به همراه رسائل مؤلف در تبریز به چاپ رسیده است. (3)

2_2_3 . ترجمه احادیث و ادعیه‌ها به گفته برخی محققان و گواهی پاره ای از ترجمه ها ، از زمان شاه طهماسب صفوی (930_984 ق) به این سو ، حرکتی آغاز شد که باید آن را «نهضت ترجمه» نام نهاد. در این نهضت ، انگیزه رواج و نشر مذهب تشیع ، زمینه ای فراهم کرد تا اغلب آثار اصیل که تا پیش از آن به زبان عربی بود ، به دستور شاه طهماسب ، به تدریج به فارسی ترجمه گردد و در اختیار توده های مردم ایران که به زبان فارسی سخن می گفتند ، قرار گیرد. (4) از مترجمان بسیار مشهور این دوره ، ابوالحسن علی بن حسن زواره ای است که از شاگردان محقق کرکی و کار اصلی او ترجمه متون عربی شیعی به فارسی بود . از جمله آثاری که او به فارسی ترجمه کرد ، کتاب های زیر را می توان نام برد: 1 . کشف الغمة ، از علی بن عیسی اربلی ، با عنوان ترجمة المناقب. 2 . التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام ، با نام آثار الأخبار. 3 . عدة الدّاعی ، از ابن فهد حلّی با نام مفتاح النجاح.

1- فهرست نسخ خطّی مرکز احیای میراث اسلامی ، ج 3 ، ص 236 (ش 1013).

2- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 3 ، ص 332 (ش 1159).

3- معجم المطبوعات العربیة فی ایران ، ص 336.

4- صفویه از ظهور تا زوال ، ص 125 . نیز ، رک: فهرست کتاب های فارسی شده چاپی از آغاز تا سال 1370 ، ج 1 ، مقدمه .

قرن دوازدهم

اشاره

4. الإحتجاج، از ابو منصور احمد بن علی طبرسی. جنبش ترجمه، بخصوص در عرصه احادیث و آثار مربوط به اهل بیت علیهم السلام، به راه خود ادامه داد تا این که در دوره ملا محمد تقی مجلسی اول، رواج چشمگیری یافت و شکوفایی ویژه ای پیدا کرد و توسط فرزندش ملا محمد باقر مجلسی دوم به اوج رسید. تألیفات فارسی این دو دانشمند بزرگ که به طور عمده، ترجمه احادیث اهل بیت علیهم السلام است، شاهد این مدعاست. البته دانشمندان دیگر شیعه، از جمله سید علی بن محمد بن اسد الله امامی (م ح 1130 ق)، محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی، معروف به هادی مترجم (م ح 1120 ق) و محمد بن حسین خوانساری (آقا جمال) (م 1125 ق)، در عرصه ترجمه روایات اهل بیت عصمت و طهارت، اهتمام ویژه ای از خود نشان دادند که آثار ایشان در ترجمه حدیث، خواهد آمد. بدین ترتیب با ترجمه احادیث اهل بیت، عموم فارسی زبانان از این آبخور جانفزا، بهره مند شدند. نکته ای که توجه به آن مهم است این که با روی کار آمدن حکومت قاجار، بیشتر توجه مترجمان به آثار و نگارش های تمدن و تفکر غرب، معطوف گردید. (1) به هر حال، سهمی که دانشمندان دو قرن دوازدهم و سیزدهم هجری در مسیر ترجمه حدیث داشته اند، قابل توجه و شایسته تحسین است. موارد زیر از جمله این آثار با ارزش است.

قرن دوازدهم 1. ترجمه الجنة الواقية و الجنة الباقية، از عبد العالی بن محمد مقیم فریدنی خوانساری (م بعد از 1116 ق). وی از مترجمان، مدرّسان و مصنفان شیعه در اوایل قرن دوازدهم هجری است و ترجمه او تحت اللفظی و نیکوست. ترجمه المصباح

1- ر.ک: فهرست کتاب های فارسی شده چاپی، ج 1، ص 18 (مقدمه).

کفعمی نیز از اوست. (1) 2. روائح النسمات (ترجمه دعای سمات)، از عبد الواسع بن علامی تونی (م 1119 ق). (2) مترجم، شرحی نیز بر این دعا دارد که در قسمت شرح ادعیه از آن یاد شد. 3. ترجمه صحیفه سجّادیه، از محمّد هادی بن محمّد صالح بن احمد مازندرانی اصفهانی (م ح 1120 ق). مترجم، در ذی حجّه سال 1082، از نگارش آن فارغ شده است. (3) 4. ترجمه بخشی از نهج البلاغه، از عبد الکریم بن محمّد یحیی قزوینی (م 1135 ق) (معاصر شاه سلطان حسین صفوی). (4) 5. أصداف الدرر، از عبد الکریم بن محمّد یحیی قزوینی. ترجمه کامل متن غرر الحکم و درر الکلم است که در سال 1344 ش، در شیراز به چاپ رسیده است. (5) مترجم، سپس غرر الحکم را در 99 باب و هر باب را در موضوعی خاص، منظم گردانیده و در ذیل پاره ای کلمات، آیه یا آیاتی از قرآن و چند حدیث از ائمه اطهار را افزوده است و علاوه بر ترجمه احادیث، قصص و اشعار را نیز با آن همراه نموده و آن را نظم الغرر و نضد الدرر، نامیده است. پنج مجلد از این کتاب، در دست است که يك مجلد آن با تصحیح رسول جعفریان و توسط انتشارات کتاب خانه آیه الله مرعشی در سال 1371 ش، به چاپ

-
- 1- طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 434؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 22، ص 314 (ش 10374).
 - 2- الذریعة، ج 11، ص 156.
 - 3- همان، ج 4، ص 112.
 - 4- همان، ج 14، ص 197.
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 25، ص 79 (ش 7069)؛ الذریعة، ج 4، ص 121، 578 و ج 11، ص 82 (ش 507).

رسیده است. (1) برای اطلاع بیشتر از نسخه های کتاب به دانش نامه امام علی علیه السلام (ج 12 ، ص 258) مراجعه شود. 6 . ترجمه الإرشاد شیخ مفید ، از محمد مسیح کاشانی ، مشهور به ملا مسیحا (م ق 12 ق). مترجم ، شاگرد و داماد آقا حسین خوانساری بوده است و قبل از آقا جمال (1125 ق) ، دارفانی را وداع گفته است. این کتاب در ایران به سال 1303 ق ، به چاپ رسیده است. (2) 7 . ترجمه مفتاح الفلاح ، از محمد بن حسین خوانساری ، (آقا جمال) (م 1125 ق). مترجم ، این کتاب را به نام شاه صفی ثانی (شاه سلیمان) نوشته و در بمبئی و جاهای دیگر ، چاپ شده است. (3) 8 . ترجمه غرر الحکم ، از آقا جمال خوانساری ، که یکی از زیباترین نمونه های نثر فارسی در دوره صفوی است. این ترجمه در لابه لای شرح آقا جمال بر غرر الحکم ، گنجانیده شده است که در قسمت مربوط به شرح احادیث ، از آن یاد شد. 9 . ترجمه الفصول المختارة من العیون و المحاسن. اصل کتاب از شیخ مفید (م 413 ق) ، گزینش آن از سید مرتضی و ترجمه اش از آقا جمال خوانساری (م 1125 ق) است. (4) این کتاب با تصحیح خانابا مشار در تهران در سال 1362 ش ، توسط انتشارات نوید در دو مجلد به چاپ رسیده است. 10 . ترجمة الصحيفة السجادية ، از آقا جمال خوانساری (م 1125 ق). (5)

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 4 ، ص 303 و ج 4 (ش 1499) و ص 305 (ش 1500) و ج 14 ، ص 96 (ش 5307) و ج 21 ، ص 173 (ش 8199) و ج 26 ، ص 172 (ش 10208).

2- فهرست کتاب های فارسی شده چاپی .

3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 8 ، ص 19 (ش 2816) و ج 19 ، ص 18 (ش 7208) ؛ الذریعة ، ج 4 ، ص 138.

4- الذریعة ، ج 4 ، ص 584.

5- همان ، ص 112.

11. ترجمه اختیار المصباح ابن باقی، از میر محمد حسین بن عبد الحسین حسینی (م بعد از 1127 ق) (1). (2) 12. ترجمه البلد الأمين و الدرع الحصین، از سید محمد باقر بن اسماعیل مدرّس خاتون آبادی زواری اصفهانی (م 1127 ق). مترجم، آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی نوشته است. (3) 13. وسیلة السعادة و ذریعة الشفاعة، از محمد مهدی بن محمد هادی مازندرانی (م بعد از 1136 ق). (4) ترجمه روان مهج الدعوات به فارسی است. (5) 14. ترجمه رساله ذهبیه، از سید محمد بن محمد بدیع رضوی مشهدی (از اجداد سید محمد باقر بن اسماعیل مدرّس در مشهد) (م بعد از 1135 ق). (6) 15. ترجمه مهج الدعوات، از محمد تقی بن علی طبسی (م بعد از 1130 ق). ترجمه روان و تحت اللفظی مهج الدعوات به فارسی است که به دستور شاه سلطان حسین صفوی انجام شده است. (7) 16. ترجمه ادعیه الأسابیح، از محمد تقی بن علی نقی طبسی. (8) 17. مراد المرید فی ترجمة مزار الشهید، از علی بن حسین کربلایی (زنده در 1136 ق). مترجم، کتاب را برای شاه سلطان حسین صفوی نوشته است. (9)

-
- 1- وی، فقیه اصولی، رجالی و مورّخ شیعی است و تألیفات بسیار دارد (أعیان الشیعة، ج 9، ص 235).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 6، ص 218 (ش 267).
 - 3- الذریعة، ج 4، ص 84 (ش 374).
 - 4- از طرف پدر، نوه ملاً صالح مازندرانی و از طرف مادر، نوه علاّمه مجلسی است. وی در زمان شاه طهماسب به دست افغان ها کشته شد (فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 6، ص 301).
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 6، ص 301 (ش 499).
 - 6- الذریعة، ج 4، ص 103.
 - 7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 165 (ش 3117)؛ الذریعة، ج 4، ص 140.
 - 8- الذریعة، ج 4، ص 74.
 - 9- همان، ج 20، ص 269 (ش 3051).

18. تحریم خمر، از بهاء الدین محمد بن تاج الدین حسن اصفهانی (فاضل هندی). (1062 _ 1137 ق). (1) 19. ترجمه مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، از احمد بن عبد الواحد کرمانی، ملقب به نظام علی شاه، خلیفه مجذوب علی شاه (م 1142 ق). مترجم، کتاب را در قالب جنت ششم و مرتب بر یکصد لمعه به جنات الوصول، مثنوی عرفانی _ اخلاقی نور علی شاه، ملحق نموده است. (2) 20. الإیضاح، از قوام الدین محمد بن محمد مهدی سیفی قزوینی (م 1150 ق). ترجمه روان خلاصة الأذکار و اطمینان القلوب فیض کاشانی است. (3) 21. کاشف الأستار فی ترجمة جامع الأخبار، از شرف الدین محمد بن رضا خویدکی. مترجم، آن را براساس اصل کتاب، مرتب نموده و در سال 1157 ق، از نگارش آن، فراغت یافته است. این کتاب، در سال 1357 ق، در نجف و در سال 1371 در تهران، چاپ شده است. چاپ دیگری نیز در سال 1403 ق، توسط انتشارات اسلامیة در تهران، صورت گرفته است. (4) 22. ترجمه دعای مشلول، از محمد علی بن ابی طالب لاهیجی (حزین) (1103_1180 ق). (5) 23. ترجمه دعای صباح، از محمد علی بن ابی طالب لاهیجی. (6)

-
- 1- وی از فقهای طراز اول شیعه است که نزد پدرش درس خواند و در کودکی با او به هند سفر کرد و سپس به اصفهان بازگشت و به تحصیل، ادامه داد. او در کلام و حکمت، ید طولایی داشت و عده بسیاری از محضر او کسب علم نمودند. وی، تألیفات فراوانی نیز در علوم دینی دارد (تلامذة العلامة المجلسی، ص 63؛ روضات الجنات، ج 7، ص 111؛ الکنی والألقاب، ج 3، ص 11؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 271).
 - 2- الذریعة، ج 5، ص 152.
 - 3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 131 (ش 3132).
 - 4- الذریعة، ج 17، ص 233 (ش 35).
 - 5- مفاخر اسلام، ج 7، ص 232.
 - 6- همان، ص 233.

24. ترجمه دعای جوشن صغیر، از محمد علی بن ابی طالب لاهیجی. (1) 25. ترجمه دعای معروف به علوی مصری، از محمد علی بن ابی طالب لاهیجی. (2) 26. ترجمه ثواب الأعمال، از سید عبد الرحیم بن محمد حسین شهرستانی (ق 13 ق). (3) 27. ترجمه دعاهاى امیر المؤمنین علیه السلام، از سید محمد بن محمد امین حسینی (ق 12 ق). ترجمه زیرنویس نیکویی از دعای صباح و دعای روزهای هفته، منسوب به امام علی علیه السلام است که به نام شاه سلطان حسین صفوی نوشته شده است. (4) 28. ترجمه البلد الامین، از داوود بن محمد کربلایی (ق 12 ق). این کتاب به دستور شاه سلطان حسین صفوی نوشته شده است. (5) 29. هدایة الأحكام و بدایة الأنام، از محمد حسن بن محمد صالح هروی (ق 12 ق). ترجمه کتاب من لایحضره الإمام شیخ حرّ عاملی است. (6) 30. ترجمه شرحی بر دعای علوی مصری، از صدر الدین محمد بن محمد صادق حسینی (ق 12 ق). (7) 31. ترجمه إكمال الدین وإتمام النعمة، از سید علی بن محمد بن اسد الله امامی حسینی اصفهانی (م ح 1130 ق) (معاصر صاحب ریاض). (8) 32. ترجمه الأمالی شیخ صدوق، از سید علی بن محمد بن اسد الله امامی حسینی

1- همان جا .

2- تذکرة المعاصرین، ص 11 (مقدمه مصحح).

3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 1، ص 73 (ش 62).

4- همان، ج 24، ص 59 (ش 9266).

5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 15، ص 153 (ش 20268).

6- همان، ج 14، ص 632 (ش 11086).

7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 35، ص 375 (ش 12418).

8- الذریعة، ج 4، ص 80.

اصفهانى. (1) 33. ترجمه عيون أخبار الرضا عليه السلام، از سيّد على بن محمد بن اسد الله امامى حسيني اصفهانى. (2) 34. ترجمه المصباح الكبير، از سيّد على بن محمد بن اسد الله امامى حسيني اصفهانى. (3) 35. ترجمه مصباح المتهدجد الصغير شيخ طوسى، از سيّد على بن محمد بن اسد الله امامى حسيني اصفهانى. (4) 36. ترجمه مهج الدعوات سيّد بن طاووس، از سيّد على بن محمد بن اسد الله امامى حسيني اصفهانى. (5) 37. ترجمه البلد الأمين و الدرّع الحصين، از محمد حسين بن شاه محمد. اين ترجمه به دستور شاه سلطان حسين صفوى انجام شده است. (6) 38. ترجمه عيون أخبار الرضا عليه السلام (زالال العيون)، از محمد شفيع بن بهاء الدين محمد (شيخ الاسلام قزوين) (م بعد از 1185 ق). وي برخى از آثار خود را به نام كريم خان زند (م 1193 ق) نوشته و او را مدح گفته است. (7) 39. صحيفة المتقين و منهج اليقين، از محمد رضى بن محمد نصير مجلسى (ق 12 ق). ترجمه مجلد سوم بحار الأنوار و تكملة حيات القلوب و در بيان امامت و ولايت و فضائل و زندگاني امام على عليه السلام است. (8)

-
- 1- همان، ص 81.
 - 2- همان، ص 121.
 - 3- همان، ص 136.
 - 4- همان، ص 137.
 - 5- همان، ص 141.
 - 6- همان، ص 84.
 - 7- همان، ج 19، ص 274؛ دانشگاه، (ش 2990)، ج 14، ص 198.
 - 8- فهرست نسخ خطى كتاب خانه آستان قدس رضوى، ج 14، ص 338 (ش 7178).

قرن سیزدهم

40. غرائب العلوم، از ابو جعفر محمد قاسم بن محمد رضا الشریف (ق 12 ق). (1) شامل ترجمه روایاتی در معنی حروف ابجد است که مترجم، آن را به سلطان حسین صفوی تقدیم کرده است. (2)

قرن سیزدهم 41. ترجمة الأربعين، از میر محمد عباس بن علی اکبر موسوی (م 1306 ق). ترجمه فارسی روح الایمان مترجم است. (3) 42. روضة الآمال فی ترجمة زبدة الأعمال، از محمد حسن بن عبد الرسول زنوزی (1172 _ 1218 ق). (4) 43. سرور المؤمنین فی أحوال أمير المؤمنین علیه السلام، از احمد بن محمد حسینی اردکانی (م پس از 1238 ق). کتاب، در هفت مجلد است. سپس، هفت مجلد دیگر در احوال تعداد دیگری از معصومان علیهم السلام بر آن افزوده شده است. چهار مجلد آن، ترجمه چهار کتاب العوالم است. (5) 44. هدیة القاصر إلى مولاه الإمام الباقر، از سید محمد علی بن علی رضا طباطبایی مدرّسی یزدی (م 1240 ق). ترجمه فارسی مجلّدی از العوالم است که در احوال امام باقر علیه السلام است. نسخه آن در کتاب خانه آیه الله مرعشی موجود است. (6)

1- وی، محدث و فقیه بزرگ شیعه و از شاگردان علامه مجلسی است. به احتمال بسیار، با محمد قاسم هزار جریبی (م بعد از 1132 ق) که در بند مربوط به ادعیه ذکرش گذشت، یکی است. (تلامذة العلامة المجلسی، ص 118؛ اجازات، ص 249).

2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 24، ص 23 (ش 9223)؛ تلامذة العلامة المجلسی، ص 118؛ اجازات، ص 249.

3- الذریعة، ج 1، ص 419.

4- ریاض الجنة، ج 2، ص 397.

5- أعیان الشیعة، ج 2، ص 478.

6- الذریعة، ج 25، ص 212.

45. مزار، از سید عبد الله شبر (م 1242 ق). ترجمه نیکویی است از آنیس الزائرین سید عبدالله شبر. (1) 46. ترجمه الأنوار النعمانية، از محمد تقی بن عبد الرحیم تهرانی (م 1248 ق). این ترجمه به چاپ رسیده است. (2) 47. ترجمه نهج البلاغه (منهج المعرفة)، از سید صدر الدین موسوی دزفولی (م 1256 ق). شرح حال مترجم در الكرام البررة (ص 667) آمده است. (3) 48. گل جعفری، از محمد بن حسن مشهدی (1257 ق). ترجمه الرسالة الإلهیة است که در آن، امام صادق علیه السلام به طیب هندی پاسخ داده است و به آن طبّ هندی نیز گفته می شود. (4) 49. ترجمه تفسیر العسکری، از سید ابو القاسم بن محمد نبی حسینی ذهبی شیرازی (میرزا بابا) (م 1286 ق). (5) 50. ترجمه و شرح الرسالة الذهبیة (محمودیه)، از ابو القاسم بن محمد کاظم شریف موسوی زنجانی (م 1286 ق). این کتاب در يك «مقدمه»، 29 «قانون»، «خاتمه» و «جداول» به نام محمود خان کلانتر نوشته شده است. (6) 51. ترجمه مئة كلمة من كلمات أمير المؤمنين عليه السلام، از احمد بن محمد شفیع شیرازی (وقار) (م 1288 ق). (7)

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 26، ص 91 (ش 10125).

2- الذریعة، ج 4، ص 82 (ش 358).

3- همان، ج 14، ص 129.

4- همان، ج 18، ص 210.

5- همان، ج 4، ص 89.

6- همان، ج 2، ص 158.

7- موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 4، ص 613.

52. ترجمه منظوم نامه امام علی علیه السلام به عثمان بن حنیف ، از احمد بن محمد شفیع شیرازی. (1) 53. ترجمه أمالی شیخ صدوق ، از سید صادق بن حسین توشخانکی (ساکن مشهد رضوی). مترجم در سال 1301 ق ، از نگارش آن ، فراغت یافته است. (2) 54. ترجمه عدة الداعی ، از سید صادق بن حسین توشخانکی. (3) 55. ترجمه مجموعة ورام (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر) ، از سید صادق بن حسین توشخانکی. (4) 56. ترجمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (مظهر البینات و مظهر الدلالات) ، از نصر الله تراب بن فتحعلی (/ لطفعلی) دزفولی ، متخلص به شاکر (م 1311 ق). مترجم از شاگردان شیخ انصاری است. وی به دستور ناصر الدین شاه ، این ترجمه را آغاز کرد و آن را در چهار مجلد و هر مجلد را در پنج «قسم» با مقدمه مستقل ، مرتب نموده است. (5) در قسمت شروع نهج البلاغه نیز به این اثر ، اشاره شد. 57. ترجمه تفسیر منسوب به امام عسکری ، از عبد الله بن نجم الدین ، مشهور به فاضل قندهاری (م 1311 ق). (6) 58. ترجمه عیون أخبار الرضا علیه السلام ، از سید ذبیح الله بن هدایة الله موسوی اصفهانی (ق 13 ق). (7)

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه ملی ، ج 3 ، ص 335.

2- الذریعة ، ج 4 ، ص 81.

3- همان ، ص 116.

4- همان ، ص 134.

5- الذریعة ، ج 21 ، ص 167 و ج 9 ، ص 493 ؛ فهرست نسخه های خطی دانشگاه تهران ، ج 2 ، ص 253 ، 244 (ش 88 ، 92 و 1098_1099).

6- الذریعة ، ج 4 ، ص 89.

7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ص 14 ، ج 140 ؛ الذریعة ، ج 4 ، ص 120.

59. ترجمه و شرح دعای کمیل، از محمد حسن بن محمد تقی ادیب خراسانی (ق 13 ق). ترجمه فارسی دعا به نظم است. (1) 60. ترجمه مائده الزائرین، از ملا اسماعیل استرآبادی (ق 13 ق). اصل کتاب از ملا محمد جعفر شریعتمدار است. (2) 61. ترجمه مجلد سیزدهم بحار الأنوار (مجلد 51 _ 53 چاپ جدید)، از حسن بن محمد ولی ارومی (م ق 1300 ق). (3) این کتاب با عنوان مهدی موعود (عج)، یک بار توسط مکتبه علمیه اسلامیة به سال 1398 ق، و بار دیگر توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران در دو مجلد به سال 1376 ش، چاپ شده است. 62. ترجمه عهدنامه مالک اشتر، از محمد ابراهیم بن محمد مهدی نواب تهرانی (مدایح نگار) (م 1299 ق). این ترجمه با اثر دیگری از مترجم با نام فیض الدموع در سال 1286 ق، چاپ شده است. (4) احتمالاً با اثر دیگر مترجم با عنوان شرح عهد نامه مالک اشتر، یکی است. 63. ترجمه مناجات علوی، از ابو محمد حسینی موسوی خادم (ق 13 ق). این ترجمه به شاه سلطان حسین صفوی تقدیم شده است. (5) 64. ترجمه خطبه شقشقیه به نثر و نظم، از محمد تقی بن محمد مقیم ساروی (ق 13 ق). مترجم، فاضل، ادیب و شاعر فارسی زبان شیعه است و به علوم قرآن، اشتغال داشته است. (6)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 35، ص 436 (ش 12482).
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 27، ص 333 (ش 10921).
 - 3- همان، ج 13، ص 372 (ش 5166).
 - 4- الذریعة، ج 14، ص 119.
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 2، ص 209 (ش 612).
 - 6- تراجم الرجال، ج 3، ص 146.

3_3 . رجال الحديث**تعريف علم رجال**

3_3 . رجال الحديثی دیگر از محورهای فعالیت علمی دانشمندان شیعه در قرن دوازدهم و سیزدهم ، تلاش در حوزه علم رجال است. در این جا پس از مقدمه کوتاهی در این باره ، به آثار مربوط به این حوزه در این دو قرن ، اشاره می کنیم.

تعریف علم رجال در تعریف علم رجال ، آمده است: علم رجال ، علمی است که در آن ، از احوال و اوصاف راویان حدیث ، بحث می شود ؛ آن اوصافی که در قبول و رد گفته آنان ، دخالت دارد. (1) بر اساس برخی از روایات نبوی ، پیامبر اکرم از فراوانی کسانی که بر وی دروغ می بندند ، خبر داده و نسبت به این موضوع ، هشدار می داد. از جمله این روایات ، به دو مورد زیر می توان اشاره کرد: **أَيُّهَا النَّاسُ! قَدْ كَثُرَ عَلَيَّ الْكُذَّابَةُ فَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مَتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعِدَهُ مِنَ النَّارِ .** (2) ای مردم ! کسانی که بر من دروغ می بندند ، فراوان شده اند. هر کس به عمد بر من دروغ ببندد ، جایگاهش از آتش خواهد بود. نیز ایشان فرموده است: **حَدِّثُوا عَنِّي بِمَا تَسْمَعُونَ وَلَا تَقُولُوا إِلَّا حَقًّا وَ مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ فِي جَهَنَّمَ يَرْتَعُ فِيهِ .** (3) بدانچه از من می شنوید ، حدیث نقل کنید و جز حق نگوئید . هر که بر من دروغ ببندد ، خانه ای در جهنم برای او بنا می شود که در آن به سر ببرد . از این روایات به دست می آید که در بین افرادی که از پیامبر اکرم حدیث نقل

1- .الذريعة ، ج 10 ، ص 80.

2- .تحف العقول ، ص 189.

3- .قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث ، ص 50 .

می کردند، دروغگویی هم وجود داشت. در مورد اهل بیت علیهم السلام نیز با تأسف باید گفت که همین ستم روا داشته شده است، چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: إنا أهل بیت صادقون لا نخلو عن کذاب یکذب علینا فیسقط صدقنا بکذبه. (1) ما خاندانی راست گفتاریم. از دروغگویی که بر ما دروغ می بندند و راستی ما را با دروغش ساقط می کند، هرگز در امان نیستیم. حال باید گفت و با توجه به وجود دروغگویان در بین راویان احادیث، هر کس بخواهد درستی صدور احادیث را از معصومان علیهم السلام تشخیص دهد و راویان مورد اعتماد را از دروغگویان باز شناسد، ناگزیر از آشنایی با علم رجال است. از سوی دیگر، بخش وسیعی از احکام شرعی و معارف الهی مبتنی بر احادیث خاندان عصمت و طهارت است و مجتهد، برای استنباط احکام، ناچار از توجه به سند احادیث و احوال راویان است. به همین دلیل، علمای شیعه از صدر اسلام تاکنون، در تألیف کتاب هایی در خصوص این علم، اهتمام ورزیده اند و اسامی راویان را به همراه برخی اوصاف ضروری آنان در کتاب های خود یاد کرده اند. بخشی از این تلاش ها در قرن دوازدهم و سیزدهم و به طور عمده به صورت شرح و حاشیه نویسی بر کتب مربوط، انجام گرفته است. شایان ذکر است که در فاصله اواخر قرن دهم تا اواخر قرن دوازدهم، پنج کتاب رجالی مهم تألیف گردید که عبارت اند از: مجمع الرجال عنایة الله قهپایی (م بعد از 1016)، جامع الرواة اردبیلی (م 1111 ق)، نقد الرجال تفرشی (م بعد از 1015 ق)، منهج المقال استرآبادی (م 1028 ق) و منتهی المقال ابوعلی (م 1216). به اعتقاد صاحب نظران، مؤلفان این کتاب ها در جمع قرائن برای اثبات وثاقت راوی یا ضعف او کوشش بسیار نموده و به حدسیات و تقریبات نیز اعتماد کرده اند. (2)

1- رجال الکشی، ش 174.

2- کلیات فی علم الرجال، ص 112 _ 113.

در این میان، منتهی المقال بوعلی، کتاب مهمی است که در این دوره نگارش یافته است و در جای خود به اختصار، معرفی خواهد شد. علاوه بر آن، آثار رجالی بسیاری در این دوره نگاشته شده است که بخش قابل توجهی از آنها به تعلیقه، حاشیه و شرح بر کتب مهم رجالی اختصاص دارد، بخشی به تلخیص کتاب های رجال مربوط است و پاره ای نیز در تکمیل آنها نگارش یافته است. در این جا کتاب های مربوط به رجال را در این دو قرن، به ترتیب تاریخی، معرفی می کنیم.

قرن دوازدهم 1. الحاشیة علی نقد الرجال للتفرشی، از سید نعمة الله جزایری (م 1112 ق). سید احمد بن حسین شوشتری نجفی، آن را با نام التعلیقة الیسیرة، تدوین کرده است. (1) 2. رجال السید نعمة الله، از سید نعمة الله جزایری. (2) در این که آیا این کتاب با اثر قبلی مؤلف یکی است یا نه، قرینه ای در الذریعة ذکر نشده است. 3. رجال، از محمد اسماعیل بن محمد باقر حسینی خاتون آبادی (م 1116 ق). (3) 4. رجال الشیخ محمد امین الکاظمی (هدایة المحدثین الی طریقة محمدین) و معروف به مشترکات کاظمی، از محمد امین بن محمد علی کاظمی (م بعد از 1118 ق). شرح باب دوازدهم جامع المقال است که آن را جداگانه نگاشته است. از این رو، از آن به عنوان شرح جامع المقال نیز یاد شده است. (4) این کتاب با تحقیق سید مهدی رجایی توسط انتشارات کتاب خانه آیه الله مرعشی در قم به سال 1405 ق، منتشر گردیده است.

1- الذریعة، ج 6، ص 228 (ش 1282).

2- همان، ج 10، ص 156.

3- همان، ص 96.

4- همان، ص 97 و ج 13، ص 172 (ش 580).

5. الدرجات الرفیعة فی طبقات الإمامیة من الشیعة، از سیّد علی خان بن احمد مدنی (م 1120 ق). مؤلف در مقدمه، کتاب خود را شامل دوازده «طبقه» می‌داند که به ترتیب عبارت اند از: صحابیان، تابعیان، محدّثانِ راوی ائمه، محدّثان و مفسّران و فقها، حکیمان و متکلمان، دانشمندان عرب، سادات صوفیه، پادشاهان، امیران، وزیران، شاعران و زنان. این اثر با تحقیق و مقدمه سیّد محمد صادق بحر العلوم به سال 1397 ق، توسط انتشارات بصیرتی در قم و پیش از آن نیز به سال 1382 ق، در نجف به چاپ رسیده است. شایان ذکر است که این چاپ، همه طبقات یاد شده را در بر ندارد و تنها طبقه اول و بخشی از طبقه چهارم و یازدهم را شامل می‌شود. نام‌های طبقات الإمامیة و الشیعة (الذریعة، ج 15، ص 147) و طبقات الشیعة (الذریعة، ج 15، ص 151) نیز برای آن ذکر شده است. (1) 6. سلافة العصر فی محاسن أعیان العصر، از سیّد علی خان بن احمد مدنی. (2) الذریعة نام آن را با عنوان سلافة العصر فی محاسن الشعراء بکلّ مصر ذکر کرده است. نگارنده، آن را به سبک یتیمه الدهر ثعالبی نگاشته و در پنج قسمت، مرتّب کرده و تراجم بسیاری را به آن پیوست نموده است. سیّد عبد الله بن نور الدین جزایری بر آن، تزییل نوشته است. این کتاب در مصر چاپ شده است. (3) 7. کتاب أحوال الصحابة و التابعین، از سیّد علی خان بن احمد مدنی گویا همان الدرجات الرفیعة است. (4)

-
- 1- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 22، ص 114؛ معجم المطبوعات العربیة فی ایران، ص 294؛ الذریعة، ج 8، ص 60.
 - 2- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیة الله مرعشی، ج 7، ص 187 (ش 2606)؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 25، ص 44 (ش 7037).
 - 3- الذریعة، ج 12، ص 212.
 - 4- روضات الجنّات، ج 4، ص 394.

8. معراج أهل الكمال الى معرفة الرجال ، از سليمان بن عبد الله ماحوزی (م 1121 ق). شرحی است بر الفهرست شیخ طوسی. مؤلف در این شرح ، با ترتیب و تنظیم نام ها بر اساس الفبا ، در هر مورد ، پس از گفته شیخ طوسی نظر خود را می آورد. (1) این کتاب با تحقیق سید مهدی رجایی در چاپ خانه سید الشهداء در قم ، به سال 1412 ق ، به چاپ رسیده است. 9. بلغة المحدثین ، از سليمان بن عبد الله ماحوزی. کتابی مختصر درباره رجال موثق ، ممدوح و مذموم است. (2) این کتاب با تحقیق عبد الزهراء عوینانی ، به همراه کتاب قبلی مؤلف ، چاپ شده است. 10. ترجمة محمد بن اسماعیل ، از سليمان بن عبد الله ماحوزی. مؤلف ، با ذکر هفت وجه اثبات می کند محمد بن اسماعیل موجود در آغاز اسانید کلینی ، ابن بزيع نیست و محمد بن اسماعیل بُندقی نیشابوری است. (3) این اثر با عنوان «رسالة فی تعیین محمد بن اسماعیل» ، با تحقیق محمد برکت در دفتر چهارم میراث حدیث شیعه (ص 283 _ 310) به چاپ رسیده است. 11. تعیین محمد بن سنان ، از سليمان بن عبد الله ماحوزی. در این اثر ، از این بحث شده آیا «محمد بن سنان» و «عبدالله بن سنان» در اسناد الاستبصار ، یکی است یا نه. (4) 12. الحاشية علی خلاصة الأقوال ، از سليمان بن عبد الله ماحوزی. خلاصة الأقوال ، اثر علامه حلی (م 726 ق) است. حاشیه نگار در اجازه خود به پدر صاحب حدائق و دیگران ، به این حاشیه اشاره کرده است. (5)

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 9 ، ص 224 (ش 3438) و ج 12 ، ص 34 (ش 4438) و ج 14 ، ص 239 (ش 5458).

2- همان ، ج 11 ، ص 358 (ش 4360).

3- فهرست نسخ خطی مرکز احیای میراث اسلامی ، ج 1 ، ص 276 (ش 194).

4- فهرست نسخ خطی مرکز احیای میراث اسلامی ، ج 1 ، ص 274 (ش 194).

5- الذریعة ، ج 6 ، ص 83 (ش 422).

13. نضد الإيضاح فی ترتیب الايضاح الاشتباه، از محمد بن فیض کاشانی (علم الهدی) (م 1123 ق). مؤلف، به طرز دقیق تری ایضاح الاشتباه علامه حلی را مرتب نموده است. (1) این اثر، به همراه الفهرست شیخ طوسی چاپ شده است. (2) 14. ترتیب فهرس الشیخ الطائفة (رجال الشیخ علی)، از علی بن عبد الله بن عبد الصمد اصبعی (م 1127 ق). (3) 15. رساله ای در احوال رجال قزوین، از محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی (م 1129 ق). (4) 16. رساله فی احوال الصحابة، از ملا حیدر علی بن محمد شیروانی (م بعد از 1129 ق). مؤلف، داماد و خواهرزاده علامه مجلسی است. (5) 17. رساله فی احوال السفراء و النواب الأربعة (تراجم السفراء)، از حیدر علی بن محمد شیروانی. (6) 18. الحاشیة علی منهج المقال (الرجال الکبیر)، از عبد الله بن عیسی افندی (م 1130 ق). (7) 19. تعلیقه بر نقد الرجال تفرشی، از عبد الله بن عیسی افندی. (8) 20. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، از عبد الله بن عیسی افندی. مؤلف در این کتاب، شرح حال عالمان مسلمان پس از غیبت کبرا را به ترتیب حروف، در دو بخش جداگانه (بخش اول، در احوال عالمان شیعه و بخش دوم، در احوال

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 21، ص 55 (ش 8050).
 - 2- الذریعة، ج 10، ص 133؛ معجم المطبوعات العربیة فی ایران، ص 321.
 - 3- الذریعة، ج 4، ص 66 (ش 277) و ج 10، ص 136.
 - 4- همان، ج 13 (ش 937) و ج 26 (ش 185). محتمل است که بر غیر رجال حدیث نیز مشتمل باشد.
 - 5- الذریعة، ج 10، ص 115.
 - 6- همان، ص 115 و ج 4، ص 58 (ش 236).
 - 7- همان، ج 6، ص 255 (ش 1265).
 - 8- أعیان الشیعة، ج 8، ص 64.

دانشمندان اهل سنت) بیان کرده است. پایه مطالب کتاب، بیشتر بر اساس تحقیقات مؤلف بنا شده و یادداشت‌هایی است که در سفرهای بسیار و با مطالعه کتاب‌ها گرد آورده است. هر بخش این کتاب، پنج مجلد است و در مجموع، شامل ده مجلد می‌شود، ولی متأسفانه، جز پنج مجلد (سه مجلد از شیعه و دو مجلد از اهل سنت) در دست نیست. (1) این کتاب با تحقیق سید احمد حسینی با ضمیمه بخش القاب، در هفت مجلد، به چاپ رسیده است. 21. تعلیقه بر أمل الآمل، از عبداللّه بن عیسی افندی. این اثر با تحقیق سید احمد حسینی، توسط انتشارات کتاب خانه آیه الله مرعشی در سال 1410 ق، چاپ شده است. 22. رجال المولی محمد زمان بن کلبعلی (م 1131 ق). این اثر، شرحی بر بخش اول الکافی (الأصول) است و در ضمن شروح اصول الکافی معرفی شد. (2) 23. إرشاد الذهن النبیه فی شرح أسانید [کتاب] من لایحضره الفقیه، از عبد الله بن صالح سماهیجی (م 1135 ق). با عنوان إرتیاد الذهن النبیه نیز از آن یاد شده است. شیخ آقا بزرگ می‌گوید: ارتیاد الذهن النبیه تصحیف است و إرشاد الذهن النبیه، صحیح است. چنان که مؤلف در اجازه خود برای ناصر جارودی، این نام را آورده است. (3) 24. تحفة الرجال وزیدة المقال، از عبد الله بن صالح سماهیجی که ارجوزه ای است در یک هزار بیت (سطر) در احوال راویانی که شناختن آنها احتیاج به کاوش دارد. مبنای آن، آرای شیخ سلیمان بن عبد الله ماحوزی است. (4) شیخ آقا بزرگ، از این اثر با عنوان أرجوزه فی الرجال ورجال شیخ عبد الله یاد می‌کند. (5)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 10، ص 158 _ 187 (ش 3804 _ 3806).
 - 2- الذریعة، ج 10، ص 117.
 - 3- أعیان الشیعة، ج 8، ص 53؛ الذریعة، ج 1، ص 514 و ج 1، ص 437 _ 438.
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 8، ص 339 (ش 5660).
 - 5- الذریعة، ج 1، ص 474 و ج 10، ص 128.

25. البلغة الصافية و التحفة الوافية، از عبد الله بن صالح سماهيجی. كتاب، در احوال رجال است. مؤلف، تکميل اين اثر را از خدای متعال، مسئلت کرده است. (1) 26. الحاشية على تلخيص الأقوال (الرجال الوسيط استرآبادی)، از عبد الله بن صالح سماهيجی. شيخ آقا بزرگ می گوید که آن را به خط شيخ عبد الله بر نسخه ای از تلخيص الأقوال دیده است. (2) 27. تنقيح المقال في خلاصة الرجال، از علی بن حسین کربلائی (زنده در 1136 ق.). (3) 28. تنزيه القميين، از ابو الحسن بن محمد طاهر فتونی (م 1138 ق.). كتاب، درباره راویان قمی بحث کرده و آنها را از نسبت جبر و تشبیه، میرا دانسته است و فهرستی از راویان مورد اعتماد اشعری قم و دیگر راویان معتبر این شهر را با شرح حال مختصری معرفی کرده است. این کتاب يك مقدمه، دو فصل و يك خاتمه دارد و در سال 1328 ق، در چاپ خانه تابش قم، منتشر شده و مجدداً با تحقیق آقای محمد تقی جواهری در سال 1418 ق در مجله تراثنا چاپ گردیده است. (4) 29. رجال السيد محمد اشرف، از محمد اشرف بن عبد الحسیب عاملی (م 1145 ق.). (5) 30. شرح مشيخة التهذيب، از محمد اشرف بن عبد الحسیب عاملی. ظاهراً این شرح با کتاب رجال مؤلف، یکی نیست؛ چه، صاحب الذريعة می گوید: رجال السيد... له شرح مشيخة.... (6)

-
- 1- همان، ج 3، ص 147 (ش 506).
 - 2- همان، ج 6، ص 48 (ش 235).
 - 3- میراث حدیث شیعه، دفتر نهم، ص 308.
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 14، ص 240 (ش 5459)؛ تراثنا، ش 52، ص 163 _ 242؛ معجم المطبوعات العربية فی ایران، ص 289.
 - 5- الذريعة، ج 10، ص 96.
 - 6- همان جا.

31. رساله فی عدم اعتبار قول علماء الرجال لكثرة اشتباهاتهم، از یاسین بن صلاح الدین بحرانی (م بعد از 1145 ق). وی، کتاب خود را با نادرست شمردن تقسیم اخبار به چهار نوع: صحیح، حسن، موثق و ضعیف، آغاز نموده و سپس به نقد گفته های علمای رجال پرداخته است و در موارد بسیار به کتاب دیگر خود معین النبیه ارجاع داده است. (1) 32. معین النبیه فی رجال [کتاب] من لایحضره الفقیه، از یاسین بن صلاح الدین بحرانی. مؤلف، مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه را تنظیم کرده و حالات راویان را گرد آورده و چهارده «مقدمه» در قواعد درایه و علم حدیث و دو «مطلب» در ذکر مشایخ و راویان طرق شیخ طوسی بدان افزوده است. (2) 33. رجال الشیخ یاسین، از یاسین بن صلاح الدین بحرانی. (3) 34. رساله فی اصحاب الإجماع، از سیّد حسن بن ابی طالب طباطبایی (م 1169 ق). شرح حال مؤلف، در تتمیم أمل الآمل ذکر شده است. این کتاب با عنوان های دیگر نیز در الذریعة آمده است. (4) 35. إکلیل المنهج فی تحقیق المطلب، از محمّد جعفر بن محمّد طاهر کرمانی اصفهانی (1080 _ 1151 ق). تعلیقه ای بر منهج المقال (رجال کبیر) است. این کتاب، توسط انتشارات دار الحدیث در سال 1425 ق، چاپ و منتشر شده است. (5) 36. کتاب اصحاب النبی صلی الله علیه و آله الممدوحین و اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام، از محمّد جعفر بن محمّد طاهر کرمانی اصفهانی. (6)

1- همان، ج 15، ص 234 (ش 1524) و ج 10، ص 159.

2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 7، ص 133 (ش 2550)؛ الذریعة، ج 21، ص 287 و ج 10، ص 159.

3- الذریعة، ج 10، ص 159.

4- همان، ج 11، ص 81_82 و ج 2، ص 119 (ش 476) و ج 10، ص 109 و ج 21، ص 396.

5- أعیان الشیعة، ج 9، ص 203؛ الذریعة، ج 2، ص 281 (ش 1141) و ج 10، ص 104.

6- أعیان الشیعة، ج 9، ص 203؛ الذریعة، ج 2، ص 120 (ش 484).

37. تتمیم الإفصاح فی ترتیب الإیضاح (ایضاح الاشتباه)، از سید ابو القاسم جعفر بن حسین (م 1158 ق). به خاطر این که علامه حلی، ترتیب متعارف را در کتاب خود، رعایت نکرده است، وی آن را بدون تصرّف، مرتّب نموده است. از آن به عنوان کتاب رجال نیز یاد شده است. (1) 38. رسالة السلاسل فی إلحاق الأواخر بالأوائل، از محمد بن عبد الله بحرانی (م بعد از 1170 ق). این رساله در موضوع رجال و بر اساس ترتیب الفبا در اسامی، القاب و کنیه ها تدوین گردیده است و حدود دویست سطر آن، ضمن مجموعه ای در کتاب خانه مدرسه بروجردی در نجف، موجود است. (2) 39. منظومة فی الرجال، از محمد بن عبد الله بحرانی. مؤلف، آن را در 1150 بیت به سال 1170 ق، به نظم در آورده است. شیخ آقا برزگر، نسخه آن را در مدرسه بروجردی نجف، دیده است. (3) آغاز آن، این بیت است: الحمد لله العلی العدلذی المجد و الإفضال ثم الفضل. 40. رجال الشیخ یوسف بن عبد الله بحرانی (م 1171 ق). به گفته شاگردش محمد بن علی آل ابی شبانه، وی دارای کتاب بزرگی در رجال بوده است. (4) 41. الحاشیة علی منهج [المقال]، از سید عبد الله بن نور الدین جزایری (م 1173). در فهرست تصانیف وی، از آن یاد شده است. (5) 42. الحاشیة علی [نقد الرجال] لمیر مصطفی بن حسین تفرشی (م 1021)، از سید عبد الله بن نور الدین جزایری. مؤلف در اجازه اش گفته است که این اثر، غیر مدوّن است. (6)

-
- 1- الذریعة، ج 3، ص 336 (ش 1221) وج، ص 64 وج 10، ص 104.
 - 2- همان، ج 12، ص 210 (ش 1391).
 - 3- همان، ج 23، ص 108 (ش 8234).
 - 4- همان، ج 10، ص 160 (ش 287).
 - 5- همان، ج 6، ص 226 (ش 1266).
 - 6- همان، ص 228 (ش 1228)؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 20.

43. معترك المقال فی علم الرجال ، از سیّد عبد الله بن نور الدین جزایری. از ولادت ، وفات ، ویژگی ها و شهرهای راویان در آن یاد شده است. (1) 44. الفوائد الرجالية ، از ملا اسماعیل بن محمد حسین مازندرانی اصفهانی خواجهی (م 1173 ق). این اثر در فواید متفرقه رجالی است (2) و با تحقیق سیّد مهدی رجایی ، توسط مجمع البحوث الاسلامیه در مشهد به سال 1413 ق ، به چاپ رسیده است و چاپ دیگری نیز از آن به همت انتشارات آستان قدس رضوی انجام شده است. 45. ترجمة محمد بن ابی عمیر و سیرته و أحواله ، از محمد علی بن ابی طالب (شیخ علی حزین) (م 1180 یا 1181 ق). (3) 46. انتخاب الجید من تنبیهات السیّد ، از سیّد عز الدین حسن بن ابی الفتح محمد دهان دمستانی بحرانی (م 1181 ق). (4) سیّد هاشم بحرانی ، کتابی به نام تنبیه الأریب فی ایضاح رجال التهذیب نوشته که دمستانی به تنظیم و اختصار آن پرداخته و در هشتم جمادی اول 1173 ، از نگارش آن ، فراغت یافته است. (5) 47. رجال الشیخ حسن بن محمد ، از سیّد عز الدین حسن بن ابی الفتح محمد هادی

1- الذریعة ، ج 21 ، ص 210 (ش 4651).

2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 2 ، ص 50 (ش 446)؛ الذریعة ، ج 16 ، ص 337 (ش 1564).

3- الذریعة ، ج 4 ، ص 162 (ش 799).

4- وی فقیه ، محدث ، رجالی و ادیب شیعی ساکن قریه دمستان بحرین بود. از کسانی چون سیّد تاج الدین دیباجی (نسابه) و شیخ عبد الله بن علی بلادی روایت می کند و پسرش شیخ احمد ، از او روایت می کند. او اخباری ، ولی از اهل تحقیق بود و در قطیف ، درگذشت (أعیان الشیعة ، ج 5 ، ص 261 ؛ طبقات أعلام الشیعة ، ج 6 ، ص 167 ؛ تتمیم أمل الآمل ، ش 63 ؛ الذریعة ، ج 2 ، ص 358 و...).

5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 5 ، ص 184 (ش 1799) و ج 19 ، ص 399 (ش 7535) و ج 13 ، ص 180 (ش 4986) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، ج 13 ، ص 68 (ش 7444) ؛ الذریعة ، ج 2 ، ص 358 (ش 1445).

دهان دستانی بحرانی. (1) 48. إرشاد النقاد إلى تيسير الاجتهاد، از سیّد محمد بن اسماعیل امیر (م 1182ق). در توثیق یا تضعیف راوی و لزوم اجتهاد در این باره است. (2) 49. الفوائد الرجالية، از یوسف بن احمد بحرانی (م 1186ق). (3) 50. رجال السید شبر، از سیّد شبر بن محمد بن ثوان موسوی حویزی مشعشی (1122 _ بعد از 1186 ق). (4) 51. مختصر رجال العلامة المجلسی، از سیّد شبر بن محمد بن ثوان موسوی حویزی مشعشی. گویا همان رجال السید شبر است. (5) 52. كنز السعادة فی ترجمة جملة من العلماء السادة، از سیّد شبر بن محمد بن ثوان موسوی حویزی مشعشی. (6) 53. توضیح الاشتباه و الإشکال فی تصحیح الأسماء و النسب و الألقاب من الرجال، از محمد علی بن محمد رضا ساروی مازندرانی (م بعد از 1193 ق) (7). (8) این اثر با تحقیق سیّد جلال الدین محدث ارموی در کتابی با عنوان سه رساله در علم رجال، در سال 1344 ش، در تهران چاپ شده است. رجال ملاً محمد علی نیز نامیده شده است. (9) 54. تتمیم أمل الآمل، از عبد النبی بن محمد تقی قزوینی یزدی (1125 _ زنده در

-
- 1- الذریعة، ج 10، ص 110.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 13، ص 211 (ش 5014).
 - 3- الذریعة، ج 16، ص 339 (ش 1576).
 - 4- همان، ج 10، ص 118 _ 119 (ش 243).
 - 5- همان، ص 119 و ج 20، ص 196.
 - 6- همان، ص 119.
 - 7- وی از فقها، رجالیان و فضلاى شیعی است که از میر قاسم قُهبایی روایت می کند و فرزندش محمد شفیع و ملاً محمد سراب و بسیاری از فضلا از او روایت می کنند (روضات الجنّات، ج 7، ص 141).
 - 8- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 21، ص 55 (ش 8050)؛ الذریعة، ج 4، ص 490.
 - 9- فهرس التراث، ج 2، ص 81؛ الذریعة، ج 10، ص 135.

1197 ق). (1) کتابی است در شرح حال علما، که تکمیل أمل الآمل شیخ حرّ عاملی است و به چاپ رسیده است. 55. تنقیح المقال فی کیفیت طریق الاستدلال، از حسن بن عباس بلاغی (ق 12 ق). درباره پاره ای از قواعد علم الحدیث و شناخت راویان احادیث و در واقع، ردّ بر اخباریان است. از آن به رجال الشیخ حسن نیز یاد شده است. (2) 56. رجال الکشمیری، از محمّد مراد بن صادق کشمیری (م ق 12 ق). کتابی است مشهور به مراد، شامل نام راویان و رجال، به ترتیب حروف آغازین نام آنها، با رمزهایی برای منابع رجالی. (3) 57. ترجمة خلاصة الأقوال فی علم الرجال، از محمّد باقر بن محمّد حسین تبریزی (م ق 12 ق). مؤلّف، این اثر را در سال 1129 ق، به اتمام رسانیده است. (4) 58. المقال فی معرفة الرجال، از محمّد بن علی اوالی بحرانی (م ق 12 ق). مؤلّف در این کتاب، از صحابیان، تابعیان و مشایخ مصتّفان، اعم از اصولیان و اخباریان، یاد کرده است. (5) 59. مختصر المقال فی معرفة الرجال، از محمّد باقر بن محمّد حسین تبریزی. چون کتاب المقال فی معرفة الرجال مؤلّف، مفصّل بوده، آن را در این کتاب، مختصر نموده

-
- 1- وی، فقه، حدیث، فلسفه و کلام را نزد علمای بزرگ از جمله محمّد ابراهیم بن محمّد معصوم قزوینی، خلیل بن حاجی بابا قزوینی، خلیل بن جعفر حرّیجی، سیّد محمّد صالح حسینی قزوینی، سیّد احمد علوی اصفهانی و آقا ابراهیم مشهدی خواند. او سیّد بحر العلوم، از یکدیگر اجازه روایت دارند (تتمیم أمل الآمل، مقدّمه؛ أعيان الشیعة، ج 8، ص 128؛ ریحانة الأدب، ج 4، ص 453؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 203).
 - 2- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 16، ص 289 (ش 6322)؛ الذریعة، ج 10، ص 110 و ج 4، ص 466 (ش 2069).
 - 3- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 17، ص 189 (ش 6619)؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 7، ص 127؛ الذریعة، ج 10، ص 141 (ش 261).
 - 4- تراجم الرجال، ج 2، ص 65؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 19، ص 234.
 - 5- الذریعة، ج 21، ص 386 (ش 5584).

است. وی چنان که خود می گوید، در این کتاب به معرفی صاحبان «کتاب» و «اصل» و مشایخ مشهور اجازات، بسنده کرده است. شیخ آقا بزرگ، از يك نسخه این کتاب با تاریخ 1204 ق، خبر داده است. (1) 60. رجال الشيخ داوود بن حسن بحرانی (معاصر صاحب حدائق و استادش عبد الله بن صالح سماهیجی - م 1135 ق - و داماد میر مصطفی تفرشی). از آن به ترتیب رجال الکشی و ترتیب رجال النجاشی نیز یاد شده است. (2) 61. مشیخة التلعکبری، از سید کمال الدین بن حیدر حسینی موسوی (ق 12 ق). (3) مؤلف، این کتاب را از رجال الکبیر استرآبادی استخراج نموده و در جمادی اول سال 1099 ق، از نگارش آن، فراغت یافته است. از آن به رجال السید کمال الدین نیز یاد شده است و در واقع، مشیخه شیخ ابو محمد هارون بن موسی تلکبری است. (4) 62. الحاشیة علی منهج المقال (التعلیقة البهبهانیة)، از محمد باقر بن محمد اکمل (وحید بهبهانی) (م 1206 ق). تعلیقاتی است بر کتاب منهج المقال (رجال الکبیر) استرآبادی که با عنوان «قوله - قوله» ترتیب یافته و در آغاز، پنج فایده رجالی مهم دارد. این کتاب، به سال 1306 ق، در تهران، در 517 صفحه رحلی، چاپ سنگی شده است. (5). (6)

- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 17، ص 170 (ش 6596)؛ الذریعة، ج 20، ص 211 (ش 2627).
- 2- الذریعة، ج 10، ص 115 و ج 4، ص 70 (ش 288) و ج 2، ص 187.
- 3- وی، از فقهای محقق شمرده می شود، پدرش از جبل عامل به اصفهان مهاجرت کرد و او در آن جا به دنیا آمد (أعیان الشیعة، ج 9، ص 33).
- 4- الذریعة، ج 21، ص 71 - 72 و ج 10، ص 142 (ش 265).
- 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 2، ص 34 (ش 431) و ج 14، ص 248 (ش 5467) و ج 18، ص 250 (ش 7096)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 22، ص 44؛ معجم المطبوعات العربیة فی ایران، ص 287 و 291.
- 6- فوائد الوحید البهبهانی، از وحید بهبهانی. این کتاب با تحقیق حسن خاقانی توسط مکتب الاعلام الاسلامی در قم، به سال 1404 ق، به همراه رجال الخاقانی - که شرحی بر این کتاب و از علی بن حسن خاقانی نجفی (م 1334 ق) است - چاپ شده است. این اثر، در واقع، مقدمه وحید بر حاشیه وی بر منهج المقال است. و پنج فایده رجالی را در بر دارد.

63. الفوائد الرجالية، از سیّد حسین بن میر ابراهیم بن میر معصوم قزوینی (میر حسینا) (1126 _ 1208 یا 1209 ق). مؤلف، از استادان سیّد بحر العلوم (م 1212 ق) است. با عناوین مختصر جامع الرواة، ملخص جامع الرواة الأردبیلیة ورسالة فی الرجال نیز از آن یاد شده است. این کتاب، شامل فوائد رجالی مهمی است به عنوان مقدمه معارج الأحکام در شرح شرائع الإسلام که در شش مبحث، ترتیب یافته است. (1) 64. رجال السیّد بحر العلوم، از سیّد محمّد مهدی بحر العلوم (م 1212 ق). این کتاب، با تحقیق سیّد محمّد صادق و سیّد حسین آل بحر العلوم و در چهار مجلد، توسط مکتبة الصادق علیه السلام در سال 1363 ش، در تهران، چاپ شده است. این اثر به الفوائد الرجالية نیز شهرت دارد. باب اول آن، مربوط به خاندان های رجال حدیث است که با «آل» آغاز می شود، مانند: آل ابی رافع، آل ابی شعبه، آل اعین و... همچنین، شرح حال افرادی که آگاهی از آنها ضروری است و نام راویان، با ترتیبی نیکو و قابل تحسین، به همراه نکات رجالی دیگر آمده است. مؤلف، ملحقاتی را نیز برای این کتاب، نگاشته است. 65. أرجوزة فی أصحاب الإجماع، از سیّد حسین بن میر ابراهیم بن میر معصوم قزوینی. (2)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 19، ص 237 (ش 7425)؛ الذریعة، ج 22، ص 204 (ش 6713) و ج 2، ص 192؛ ریاض الجنة، ج 2، ص 425.
- 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 174 (ش 155) و ج 20، ص 163 (ش 7803)؛ معجم المطبوعات العربیة فی ایران، ص 295؛ الذریعة، ج 16، ص 339 (ش 1574) و ج 10، ص 154 (ش 289).

قرن سیزدهم 66. أُرْجوزة فی الرجال، از سیّد احمد بن محمّد بن علی حسنی حسینی بغدادی (عطار بغدادی) (1125_ 1215ق). این کتاب با این بیت، پایان می یابد: و هذه أُرْجوزة مختصرة عن جلّ أحوال الرواة مخبرة. این اثر به چاپ رسیده است. مؤلف، شرحی نیز بر ابیات مجمل ارجوزه اش نگاشته است که در الذریعة از آن یاد شده است. (1) 67. رجال السيّد احمد، از سیّد احمد بن محمّد بن علی حسنی حسینی بغدادی. (2) 68. منتهی المقال فی أحوال الرجال، از ابو علی محمّد بن اسماعیل حائری (1159_ 1216 ق). مؤلف، در مورد هر شخص، ابتدا، کلام میرزا محمّد استرآبادی در منهج المقال را می آورد. سپس، آنچه وحید بهبهانی در تعلیقه خود بر الرجال الكبير (منهج المقال) بیان کرده، ذکر می کند. آن گاه، سخن دیگران، از جمله المشتربات کاظمی را می آورد. در واقع، انگیزه اصلی وی، تلخیص الرجال الكبير، با حذف مجهول ها و تلفیق با دیگر گفته ها بوده است؛ چه، وی می گوید مردم، از کتاب های مفصّل، روی گردان اند. بر این اساس، از ذکر برخی از راویان، به گمان این که مجهول اند و ذکر آنها فایده ای ندارد، خودداری می کند. (3) از این رو، دانشمندان دیگر به تکمیل آن پرداخته و یا بر آن، حاشیه نوشته اند که برخی از آنها در همین بند، ذکر خواهد شد. منابع منتهی المقال، علاوه بر منهج المقال، تعلیقات وحید و مشتربات کاظمی، عبارت اند از: رجال الکشی، رجال النجاشی، الفهرست و الرجال طوسی، رجال ابن داوود، المناقب ابن شهر آشوب، الفهرست علی بن عبید الله بن بابویه، مجمع الرجال ملّا

1- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 103؛ الذریعة، ج 1، ص 473 (ش 2356) و ج 6، ص 14 (ش 38).

2- الذریعة، ج 10، ص 95 (ش 186).

3- ر.ک: منتهی المقال فی أحوال الرجال، ص 5_6 (دیباچه).

عناية الله فهپایی ، الحاوی جزایری ، نقد الرجال تفرشی ، أمل الآمل شیخ حرّ عاملی و چند منبع دیگر. روش مؤلف در این کتاب ، چنین است که ابتدا به ذکر موالید پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام می پردازد . سپس ، رجال را به ترتیب نام و بر اساس حروف الفبا معرفی می کند. این نام ها از آدم ابوالحسین آغاز شده است ، سپس به ذکر کنیه ها و در پی آن ، به لقب ها می پردازد و در ادامه ، راویان زن را معرفی می نماید. وی ، کتاب را با يك خاتمه ، شامل دوازده فایده رجالی که از رجال الکبیر اخذ نموده ، به پایان می برد. (1) این کتاب ، در هفت مجلد ، توسط مؤسسه آل البيت لإحياء التراث ، تحقیق و به سال 1416 ق ، منتشر گردیده است. 69 . حاشیه علی نقد الرجال ، از محمد علی بن محمد باقر کرمانشاهی (1144 _ 1216 ق). میرزا حسین نوری در خاتمه مستدرک الوسائل از آن ، بسیار نقل کرده است. (2) 70 . معترك الأقوال فی أحوال الرجال ، از محمد علی بن محمد باقر کرمانشاهی. (3) 71 . رسالة فی أحوال الصحابة ، از محمد علی بن محمد باقر کرمانشاهی (4) که از آن به عنوان رجال آقا محمد علی ، نیز یاد شده است . (5) 72 . ریاض الجنة ، از محمد حسین بن عبد الرسول حسینی زنوزی (1172 _ 1218 ق). این کتاب ، در تاریخ ، تراجم و رجال است و شیخ آقا بزرگ نقل کرده که

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 3 ، ص 268 (ش 1091) و ج 18 ، ص 311 (ش 3088) و ج 26 ، ص 44 (ش 10059) و ج 14 ، ص 62 (ش 5274) و ص 279 (ش 5503) ؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 38 ، ص 408 (ش 14283) ؛ الذریعة ، ج 23 ، ص 13 .
 - 2- الذریعة ، ج 6 ، ص 228 (ش 1279).
 - 3- همان ، ج 21 ، ص 209 (ش 4650) و ج 10 ، ص 134 .
 - 4- همان ، ج 10 ، ص 134 .
 - 5- همان جا .

هشت مجلد است. مجلد اول آن، در احوال معصومان علیهم السلام و مساجد و مشاهد مقدّس، مجلد دوم، در احوال افراد شریر، مجلد سوم، در احوال موجودات عالم و مجلد چهارم، در احوال دانشمندان شیعه و سنّی است که بر اساس حروف الفبا مرتّب شده است. مجلد پنجم، درباره شاعران عرب، فارس و ترک، مجلد ششم، درباره پادشاهان قبل و بعد از اسلام، مجلد هفتم، درباره وزیران و نویسندگان، و مجلد هشتم، شامل حکایت های نادر و مسائل پراکنده است. فهرست مطالب کتاب در مجلد اول آمده است. (1) دو مجلد این کتاب با تحقیق علی رفیعی علا- مرودشتی، توسط انتشارات کتاب خانه آیه الله مرعشی در قم، به سال 1378 ش، منتشر گردیده است. چنان که از عناوین مجلّات آن بر می آید، این کتاب، رجالی صرف نیست و تنها مجلد چهارم آن به رجال نیز مربوط می شود؛ لیکن نظر به اهمیّت آن در این جا ذکر گردید. 73. زبدة الرجال، از حسن بن محمّد (م بعد از 1222 ق). مؤلف، از شاگردان وحید بهبهانی است که تا حمله وهابیان به کربلا در سال 1216 ق، در آن جا ساکن بود و پس از آن، به ایران فرار نمود. به برخی نسخه های این کتاب، در الذریعة اشاره شده است. (2) 74. رجال السید جواد العاملی (م 1226 ق). مؤلف، شاگرد سید بحر العلوم است و ظاهراً این اثر، تعلیقات وی بر الفوائد الرجالیة است. (3) 75. عدة الرجال، از سید محسن بن حسن اعرجی کاظمینی (م 1227 ق). شامل هجده فایده رجالی مفصل است. (4) از جمله مباحث کتاب، تاریخ اهل بیت علیهم السلام و برخی فرق شیعه، جرح و تعدیل، اصحاب اجماع، عدّه کلینی، تمییز مشترکات و... است. عدة الرجال با عناوین دیگر مانند رجال الکاظمی و رجال السید محسن الأعرجی نیز یاد

1- همان، ج 11، ص 323.

2- همان، ج 12، ص 27_28.

3- همان، ج 10، ص 108 (ش 224).

4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 14، ص 38 (ش 5242).

شده است. (1) این کتاب با تحقیق مؤسسه الهدایة لإحياء التراث، توسط انتشارات اسماعیلیان در قم به سال 1415 ق، در دو مجلد، چاپ شده است. 76. شرح الفوائد الرجالية، از ملا اسماعیل بن عبدالملک عقدایی یزدی (1176 _ 1230 ق). (2) مؤلف از شاگردان ممتاز سید بحر العلوم بوده است. شرح وی مربوط به فوائد رجالی وحید بهبهانی و ناتمام است. (3) 77. الرجال، از ملا اسماعیل بن عبدالملک عقدایی یزدی. (4) 78. فائدة فی اصحاب الإجماع، از ملا اسماعیل بن عبدالملک عقدایی یزدی. (5) احتمال دارد که با اثر قبلی یکی باشد. 79. رسالة فی معرفة مشایخ الإجازة من الرواة، از میرزا ابو القاسم بن حسن گیلانی قمی (م 1231 ق). مؤلف در این کتاب به ذکر کسانی پرداخته است که دانشمندان رجالی، به صراحت، آنان را از مشایخ اجازة شمرده اند. (6) 80. صحیفة الصفا فی ذکر أهل الإجتباء و الإصطفاء، از محمد بن عبد النبی اخباری نیشابوری (1178 _ 1232 ق). کتاب، در دو مجلد است: مجلد اول، شامل فوائدی در درایه و رجال، و مجلد دوم، در اسامی، کنیه ها و القاب است. مؤلف، در رجال الکبیر،

1- الذریعة، ج 10، ص 141 و 142.

2- اسماعیل (محمد اسماعیل) بن محمد ملک (عبدالملک) تبریزی عقدایی (عقدا، از روستاهای یزد است). وی از فقها و دانشمندان مشهور شیعه است که نزد سید محمد مهدی بحر العلوم و محمد شریف بن حسنعلی مازندرانی (شریف العلماء) درس خواند. او پس از تبحر یافتن در فقه و اصول، مقیم نجف گردید و به تألیف و تدریس، مشغول شد. در سال 1218 ق، به ایران آمد، در یزد ماندگار شد و در آن جا به وعظ و افتا و تدریس پرداخت و در آن جا بدرود حیات گفت (أعیان الشیعة، ج 3، ص 383؛ الذریعة، ج 7، ص 18 و ج 10، ص 96 و ج 13، ص 387 و ج 16، ص 87؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 142).

3- الذریعة، ج 13، ص 387 (ش 1456).

4- همان، ج 10، ص 96.

5- همان، ج 16، ص 87.

6- همان، ج 21، ص 261 (ش 4940) و ج 10، ص 93 و ج 4، ص 60.

تقویم الرجال را نیز از تصانیف خود، شمرده است که ظاهراً با صحیفه الصفا، یکی است. (1) 81. رجال النیسابوری، از محمد بن عبد النبی اخباری نیشابوری. (2) 82. کلیات الرجال، از محمد بن عبد النبی اخباری نیشابوری. (3) 83. تقویم الرجال، از محمد بن عبد النبی اخباری. سه اثر اخیر، مستقل هستند. (4) 84. نتیجه الخلف فی ذکر السلف، از محمد بن عبد النبی اخباری نیشابوری. مؤلف، پس از تتبع در کتاب های رجال، آن را در پنج مجلد، تدوین کرده است. (5) 85. تنبیه أهل الکمال و الانصاف علی إختلال رجال أهل الخلاف، از محمد بن عنایت احمد کشمیری دهلوی، ملقب به علامه و متخلص به کامل (م 1235 ق). (6) چنان که از عنوان کتاب پیداست، در رجال اهل سنت است و در آن، نام راویان کذاب، وضاع، مجهول، خارجی و ضعیف که صاحبان صحاح ششگانه اهل سنت از آنان روایت کرده اند، به همراه اوصاف و شرح حال آنان، آمده است. منبع تحقیق مؤلف در این موضوع، التقریب ابن حجر عسقلانی بوده است. (7) 86. ایضاح المقال فی توجیه الأقوال، از محمد بن عنایت احمد کشمیری دهلوی. این

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 25، ص 46 (ش 7039) و ج 26، ص 109 (ش 7607)؛ الذریعة، ج 15، ص 22 و ج 4، ص 396 (ش 1757)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 22، ص 33 (ش 8440)؛ التراث العربی، ج 3، ص 469؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 481.
 - 2- الذریعة، ج 10، ص 157 (ش 283) و ج 10، ص 145.
 - 3- همان، ج 18، ص 129 (ش 1044).
 - 4- همان، ج 10، ص 157.
 - 5- همان، ج 24، ص 49 (ش 238).
 - 6- فقیه، متکلم و محدث متبحر شیعه، که در دهلی دیده به جهان گشود و نزد علمای عصر خود، شاگردی کرد و با کوشش در کسب علم، از علمای بزرگ شد. او در دهلی بر اثر خوردن سم، دارفانی را وداع گفت. نهاية الدراية فی شرح الوجيزة نیز از اوست (أعیان الشیعة، ج 10، ص 43؛ ریحانة الأدب، ج 4، ص 179؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 497). وی، آثار دیگری نیز در حدیث و رجال دارد.
 - 7- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 497؛ الذریعة، ج 2، ص 501 و ج 4، ص 441 (ش 1964).

کتاب ، در تأویل گفته های راویان حدیث شیعه است. (1) 87 . رجال المیرزا نصر الله ، از میرزا نصر الله بن ابی القاسم حسینی (م ح 1239 ق). در حاشیه آن ، تعلیقاتی از مؤلف است که تبخّروی را در رجال می رساند. (2) 88 . جامع المقال فی معرفة الرواة و الرجال ، از سیّد عبد الله بن محمّد رضا شبّر (م 1242 ق). در آن ، اسامی رجال شیعه ، به ترتیب حروف آمده و صفت هر یک ، از کتب رجال ، بیان شده است. (3) 89 . ملخص المقال فی الرجال ، از سیّد عبد الله بن محمّد رضا شبّر . تلخیص کتاب جامع المقال مؤلف است . (4) 90 . الکلیات الرجالية ، از سیّد عبد الله بن محمّد رضا شبّر . مؤلف ، در اجازه اش برای سیّد محمّد تقی نامی ، به سال 1240 ق ، بدان ، تصریح کرده است. (5) 91 . الخاتمة الرجالية ، از سیّد عبد الله بن محمّد رضا شبّر . در واقع ، مجلّد چهاردهم و خاتمه جامع المعارف و الأحکام مؤلف است. (6) 92 . عمدة المقال فی تحقیق أحوال الرجال ، از سیّد مجاهد محمّد بن علی طباطبایی (م 1242 ق). این اثر ، بر اساس حروف الفبا مرتّب شده و با اسم «احمد» آغاز شده و به ذکر کنیه ها و لقب ها پایان می یابد. شیخ آقا بزرگ ، آن را با عنوان رجال السیّد المجاهد محمّد.... نیز یاد کرده ، می گوید که آن را به خطّ مؤلف ، نزد نوه اش سیّد حسین ، دیده است. (7)

-
- 1- الذریعة ، ج 2 ، ص 501 .
 - 2- همان ، ج 10 ، ص 156 (ش 282).
 - 3- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 17 ، ص 217 (ش 6655) ؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 38 ، ص 617 (ش 14469) ؛ الذریعة ، ج 5 ، ص 73.
 - 4- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 17 ، ص 218 (ش 6655) ؛ الذریعة ، ج 22 ، ص 213 .
 - 5- الذریعة ، ج 18 ، ص 129 (ش 1045) .
 - 6- همان ، ج 5 ، ص 72 (ش 281).
 - 7- همان ، ج 15 ، ص 340 _ 341 و ج 10 ، ص 147 .

93. رجال، از ابو الحسن بن حسین یزدی (م 1244 ق). مؤلف، در 1237 ق، از تألیف آن، فراغت یافته است. (1) ترجمه نقد الرجال و وجیزة فی الدراية نیز از مؤلف است. 94. إكمال منتهی المقال، از محمد علی بن قاسم آل کشکول حائری (م بعد از 1245 ق). مؤلف، همه راویان مجهول را که بوعلی در منتهی المقال ذکر نکرده است، می آورد، به علاوه بسیاری از راویان معلوم که بوعلی در ذکر آنها اهمال کرده است. (2) 95. التنبیهات السنیه فی المصطلحات الرجالیة، از محمد علی بن قاسم آل کشکول حائری. (3) 96. حدیقة الأنظار فی مشیخة الفقیه و التهذیب و الاستبصار، از محمد علی بن قاسم آل کشکول حائری. این اثر، در واقع، فایده پنجم کتاب التنبیهات السنیه است که مؤلف، آن را به صورت کتاب مستقلی در آورده است. (4) 97. الفوائد الغاضریة فی علم الرجال و مصطلحات المحدثین، از محمد علی بن قاسم آل کشکول حائری. (5) 98. السراج المنیر فی الفوائد الرجالیة، از محمد علی بن محمد باقر هزار جریبی (1188 _ 1245 ق). مؤلف، از شاگردان ممتاز میرزای قمی و پدرش از مشایخ سید بحر العلوم و میرزای قمی بوده است. (6) 99. معیار التمزیز فی شرح الوجیز، از ملا محمد اسماعیل، موصوف به «مجتهد» که در سال 1245 ق، منظومه العقیده الوحیده را سروده است. معیار التمزیز، شرح الوجیزة علامه

-
- 1- همان، ج 10، ص 91.
 - 2- همان، ج 2، ص 283 (ش 1149) و ج 10، ص 137.
 - 3- همان، ص 283 و ج 4، ص 452.
 - 4- همان، ج 2 ص 282 و ج 5، ص 390.
 - 5- همان، ج 16، ص 351 (ش 1634).
 - 6- همان، ج 12، ص 162 (ش 1083)؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 617.

مجلسی در رجال است. (1) 100. ترجمة أبي بصير، از سيّد محمد مهدي بن حسن موسوی خوانساری (م 1246 ق). این اثر، در سال 1276 ق، در ضمن کتاب الجوامع الفقهية چاپ شده است. و از آن با نام عديمة النظير في شرح حال أبي بصير نیز یاد شده است. (2) 101. رجال السيّد مهدي بن حسن، از سيّد محمد مهدي بن حسن موسوی خوانساری. (3) احتمالاً با شماره پیش، یکی است 102. رسالة في الموثقين، از سيّد عبد الفتاح بن علي حسيني مراغی (م 1250 ق). مؤلف، شاگرد علي بن جعفر كاشف الغطاء است. وی در این رساله، به ذکر حدود پنجاه نفر از کسانی می پردازد که با اجتهاد خویش به توثيق آنها دست یافته است. شيخ آقا بزرگ، نسخه این رساله را در کتابخانه سيّد هادي كاشف الغطاء دیده است. (4) از آن به رجال المير عبد الفتاح نیز یاد شده است. (5) 103. الفوائد الرجالية، از سيّد [محمد] رضا بن محمد مهدي بحر العلوم (1189 _ 1253 ق). (6) این کتاب با بحث درباره اصحاب اجماع، آغاز می شود. سپس با ذکر حال ابو بصير، بيان این که وکالت امامان عليهم السلام افاده مدح می کند، موارد نیاز و عدم نیاز به علم رجال، ذکر حدود هشت مسئله از موارد اختلافی و... ادامه می یابد. (7) 104. كشف القناع عن تراجم أصحاب الإجماع، از سيّد محمد رضا بن محمد مهدي

1- همان، ج 21، ص 278 و ج 10، ص 96 (ش 190).

2- همان، ج 4، ص 148 (ش 724) و ج 18، ص 197 و ج 1، ص 303 و ج 10، ص 153؛ معجم المطبوعات العربية في ایران، ص 296.

3- الذريعة، ج 10، ص 153.

4- همان، ج 23، ص 246 (ش 8835) و ج 15، ص 350 و ج 10، ص 126.

5- همان، ج 10، ص 126.

6- وی از فقها و مجتهدان بزرگ شيعه است که در نجف اشرف به دنيا آمد و نزد پدرش سيّد بحر العلوم و شيخ جعفر كاشف الغطاء درس خواند و از آنان و عدّه ای ديگر از عالمان، اجازه روايت دارد (أعيان الشيعة، ج 7، ص 19؛ معارف، ج 1، ص 319؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 586).

7- الذريعة، ج 16، ص 338 (ش 1568).

بحر العلوم. کتاب مبسوطی است و در ضمن الفوائد الرجالية مؤلف، آمده است. (1) 105. رسالة في الرجال، از محمد صادق بن محمد مهدی خوانساری (م 1255 ق) (2). (3) 106. تکملة نقد الرجال، از عبد النبي بن علي بن احمد كاظمی (م 1254 ق). مؤلف، شاگرد سيّد عبد الله شبر است. این کتاب، تکملة نقد الرجال تفرشی است و با تحقیق سيّد محمد صادق بحر العلوم، توسط مطبعة الآداب در نجف، در دو مجلد، چاپ شده است. (4) 107. رجال شيخ حسن بروجني (م بعد از 1257 ق). تعليقاتی بر مشيخه کتاب من لا يحضره الفقيه است که در بردارنده تحقیقات بسیاری در احوال رجال حدیث است و نگارنده در سال 1257 ق، از نگارش آن، فراغت یافته است. نسخه آن به شماره 1874 در کتاب خانه مدرسه سپه سالار، موجود است. (5) 108. رجال سيّد حسين حسيني خراساني، از سيّد حسين حسيني خراساني. مؤلف در سال 1258 ق، با خط خود، نسخه ای از نقد الرجال را استتساخ نمود و تعليقات خود را بر آن نگاشت. شيخ آقا بزرگ، این تعليقات را با عنوان یاد شده، آورده است. (6) 109. الرسائل الرجالية، از سيّد محمد باقر بن محمد تقی شفتی (حجة الإسلام) (1175 _ 1260 ق). (7) شامل رساله ها و یادداشت های تحقیقی ارزشمندی در رجال و

- 1- همان، ج 2، ص 120؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 586.
- 2- وی فقیه و مجتهد شیعی است که نزد عالمانی چون کاشف الغطاء و محمد تقی ایوانکیفی درس خواند و بعد از پدرش (م 1246 ق) به مرجعیت رسید. میان او و فتحعلی شاه و وزیران او، مراسلات بسیاری جریان داشت (تراجم الرجال، ج 2، ص 722 و ج 3، ص 284؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 596).
- 3- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 597.
- 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 2، ص 40 (ش 438) و ج 8، ص 125 (ش 2931) و ج 14، ص 41 (ش 5244)؛ الذریعة، ج 4، ص 417 و ج 10، ص 130.
- 5- الذریعة، ج 10، ص 109 (ش 228).
- 6- الذریعة، ج 10، ص 111 (ش 230).
- 7- وی فقیه، اصولی، رجالی و از مراجع بزرگ شیعه بود که در عراق نزد سيّد محمد مهدی بحر العلوم، وحید بهبهانی، سيّد علی بن محمد علی صاحب ریاض، شيخ جعفر کاشف الغطاء، سيّد محسن بن حسن اعرجی و سلیمان بن معتوق عاملی، و در ایران، از محضر میرزای قمی و ملا مهدی نراقی بهره جست، سپس در اصفهان اقامت گزید و به تدریس و نشر احکام اسلامی پرداخت. وی شاگردان بسیاری تربیت نمود و در فقه، اصول، رجال و نحو، دارای تألیفات است (ریحانة الأدب، ج 2، ص 26؛ مکارم الآثار در احوال الرجال، ص 5، ش 1614؛ أعيان الشيعة، ج 9، ص 188؛ روضات الجنّات، ج 2، ص 99؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 533).

حدیث است که نسخه های خطی آنها در کتاب خانه های مهم ، موجود است. این رساله ها عبارت اند از: 1) رساله فی تحقیق الحال فی ابان بن عثمان و أصحاب الإجماع. (1) این رساله درباره احوال ابان بن عثمان ، با تحقیق سید عبد الکریم محمد موسوی ، به طور جداگانه نیز در نشریه تراثنا (ش 53 و 54 ، ص 355 _ 442) چاپ شده است. از این رساله با عنوان تراجم أصحاب الإجماع نیز یاد شده است. (2) رساله فی تحقیق الحال فی ابراهیم بن هاشم. (3) 3) إرشاد الخبیر البصیر إلى تحقیق الحال فی أبی بصیر. (4) رساله فی تحقیق الحال فی أحمد بن محمد بن خالد البرقی. (5) 5) رساله فی تحقیق الحال فی أحمد بن محمد بن عیسی الأشعری. (6) 6) رساله فی تحقیق الحال فی إسحاق بن عمّار. (7) 7) رساله فی تحقیق الحال فی حسین بن خالد. (8) 8)

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 4 ، ص 51 _ 52.

2- الذریعة ، ج 4 ، ص 57 (ش 232).

3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 4 ، ص 49 (ش 1249) و ج 23 ، ص 231 (ش 9078).

4- همان ، ج 5 ، ص 17 (ش 1616).

5- الرسائل الرجالية ، ص 187 .

6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 5 ، ص 18 (ش 1616).

7- همان ، ج 4 ، ص 50 (ش 1249) .

8- همان ، ج 5 ، ص 19 (ش 1616).

8) رسالة في تحقيق الحال في حمّاد بن عيسى. (1) 9) رسالة في تحقيق الحال في سهل بن زياد الأدمي . (2) 10) رسالة في تحقيق الحال في شهاب بن عبد ربّه. (3) 11) رسالة في تحقيق الحال في عبد الحميد العطار و ابنه. (4) 12) رسالة في تحقيق الحال في عمر بن يزيد. (5) 13) رسالة في بيان الأشخاص الذين لقبوا بماجيلويه. (6) 14) رسالة في تحقيق الحال في محمّد بن أحمد الراوى عن العمركى. (7) 15) رسالة في تعيين محمّد بن اسماعيل. (8) 16) رسالة في تحقيق الحال في محمّد بن عيسى بن خالد البرقى. (9) 17) رسالة في تحقيق الحال في محمّد بن عيسى اليقطينى. (10) 18) رسالة في تحقيق الحال في محمّد بن فضيل. (11) 19) رسالة في تحقيق الحال في معاوية بن شريح. (12) 20) رسالة في تحقيق الحال في محمّد بن سنان. (13)

-
- 1- همان ، ج 4 ، ص 50 (ش 1249) .
 - 2- همان ، ج 5 ، ص 19 (ش 1616) .
 - 3- همان ، ص 20 (ش 1616) .
 - 4- همان ، ج 4 ، ص 48 (ش 1249) .
 - 5- همان ، ج 5 ، ص 20 (ش 1616) .
 - 6- همان ، ج 4 ، ص 50 (ش 1249) .
 - 7- همان ، ص 47 (ش 1249) .
 - 8- همان ، ج 4 ، ص 51 (ش 1249) .
 - 9- همان ، ج 10 ، ص 332 (ش 3949) و ج 15 ، ص 344 (ش 5963) .
 - 10- همان ، ج 5 ، ص 21 (ش 1616) .
 - 11- همان ، ج 4 ، ص 52 (ش 1249) .
 - 12- همان ، ج 5 ، ص 22 (ش 1616) .
 - 13- همان ، ص 51 (ش 1249) .

این مجموعه رسائل، با تحقیق سید مهدی رجایی، توسط انتشارات کتاب خانه مسجد سید حجة الإسلام شفتی، در سال 1417 ق، به چاپ رسیده است و پیش از آن در سال 1305 ق، چاپ سنگی شده است. 36 شماره از رساله های سید شفتی، در کتاب خانه مجلس شورای اسلامی موجود است. (1) 110. أصحاب العدة، از سید محمد باقر بن محمد تقی شفتی. (2) 111. لبُّ اللباب فی علم الرجال، از محمد جعفر بن سیف الدین شریعتمدار استر آبادی (م 1263 ق). این کتاب، شامل قواعد کلی علم داریه و رجال، آمیخته با مطالب اصولی، در هشت باب است. (3) این رساله، با تحقیق محمد حسین مولوی در دفتر دوم میراث حدیث شیعه به چاپ رسیده است. 112. الرجال، از محمد جعفر بن سیف الدین شریعتمدار استر آبادی. این اثر، گزیده ای در قواعد علم رجال است که برای یادگیری و نسخه برداری آسان طلاب، نگاشته شده و گویا همان لبُّ اللباب است. (4) 113. الإیجاز فی قواعد الدراية و الرجال، از محمد جعفر بن سیف الدین شریعتمدار استر آبادی، شامل کلیاتی درباره «عده» و تفسیر این اصطلاح رجالی که مختصر لبُّ اللباب است. (5) 114. شرح طرق الشيخ الطوسی، از محمد جعفر بن سیف الدین شریعتمدار استر آبادی. مؤلف، مشیخه تهذیب الأحكام را متن کتاب قرار داده و به صورت «قال

-
- 1- نیز: رك: الذریعة، ج 2، ص 120 (ش 482) و ج 10، ص 98؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 22، ص 306_320.
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 4، ص 47 (ش 1249).
 - 3- همان، ج 11، ص 26 (ش 4023) و ج 12، ص 297 (ش 4713) و ج 19، ص 407 (ش 7549)؛ الذریعة، ج 10، ص 103_104.
 - 4- فهرست نسخ خطی مرکز احیای میراث اسلامی، ج 2، ص 258 (ش 630).
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مدرسه سپه سالار، ج 3، ص 226 (ش 350)؛ الذریعة، ج 2، ص 486.

أقول» بحث می کند. (1) با عنوان شرح مشیخة التهذیب و الاستبصار نیز از آن یاد شده است. (2) این اثر، با تحقیق علی فرّخ در دفتر دوم میراث حدیث شیعه (ص 497 _ 534) چاپ شده است. 115. المجال فی الرجال، از سیّد صدر الدین محمّد بن صالح عاملی اصفهانی (م 1263 ق). با عنوان رجال السیّد صدر الدین هم از آن یاد شده است. (3) 116. حاشیة علی نقد الرجال للفرشی، از سیّد صدر الدین محمّد بن صالح عاملی اصفهانی. از آن با عنوان تعلیقات نیز یاد شده است. (4) 117. نکت الرجال علی منتهی المقال، از سیّد صدر الدین محمّد بن صالح عاملی اصفهانی. تعلیقه ای بر کتاب رجالی بوعلی است و برادرزاده اش سیّد حسن صدر، آن را تدوین کرده است. (5) 118. رجال الشیخ محمّد حسین تهرانی، از محمّد حسین تهرانی (م بعد از 1264 ق). شامل شرح حال شیخ صدوق، شیخ کلینی و نواب چهارگانه امام زمان (عج) است که به دستور محمّد شاه قاجار (م 1264 ق) نگاشته شده است و نسخه آن در کتاب خانه ملک، موجود است. (6) 119. رجال المیرزا محمّد بن محمّد هادی النائنی، از میرزا محمّد بن محمّد هادی نائینی. مؤلف، نگارش مجلّد نخست این کتاب رجالی را به سال 1265 ق، به اتمام رسانیده و اجازه حجّة الإسلام سیّد محمّد باقر شفتی برای او، در صفحه اوّل آن، درج شده است. (7)

-
- 1- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 8، ص 384 (ش 3152).
 - 2- الذریعة، ج 14، ص 66 (ش 1766).
 - 3- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 597؛ الذریعة، ج 10، ص 121.
 - 4- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 467؛ الذریعة، ج 6، ص 228 (ش 1281).
 - 5- الذریعة، ج 24، ص 304 (ش 1590).
 - 6- همان، ج 10، ص 111 (ش 231).
 - 7- همان، ص 148 (ش 173) و ص 154 (ش 278).

120 . الرشحات في علم الرجال ، از محمد مهدي بن محمد جعفر موسوي تنكابني (م بعد از 1269 ق). (1) 121 . انموذج الرجال ، از محمود بن محمد علي بهبهاني کرمانشاهي (م 1269 ق). مؤلف ، اين «انموذج» را باب سوم کتاب اصولي خود ، مهمات الأحكام ، قرار داده است و با وجود وعده خویش در آغاز آن ، رجال مجهول و ضعيف را ذکر نکرده و به آوردن راويان موثق و ممدوح ، بسنده نموده است. اسامي ، بر اساس حروف الفبا از آدم تا يونس ، مرتب شده است. شيخ آقا بزرگ ، از آن به رجال آقا محمود نیز یاد می کند. (2)

122 . کتاب الرجال ، از ملا نصر الدين بن زين العابدين رشتي (م ح 1270 ق). اين اثر ، تعليقه ای بر منهج المقال است که مؤلف ، آن را با خط خود در يك مجلد ، تدوين کرده است. (3) 123 . رجال السيد مهدي بن اسماعيل الموسوي الهروي ، از سيد مهدي بن اسماعيل موسوي هروي (م ح 1270 ق) . مؤلف از شاگردان صاحب جواهر است. شيخ آقا بزرگ می گوید که تصنيفات او در اصول ، فقه ، درايه و رجال را نزد دامادش سيد محمد بن ابراهيم لواساني ديده است . (4) 124 . حواشي نقد الرجال ، از سيد محمد شفيح بن محمد موسوي جزايري (1211 _ 1274 ق). (5) 125 . المستطرفات من الكني و الألقاب و الأنساب ، از سيد حسين بن [محمد] رضا بروجردي (1228 _ 1276 ق) (6) . وی نام ، کنیه و لقب رجال حديث را که نیاز به ضبط

1- موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 634 ؛ الذريعة ، ج 11 ، ص 234 (ش 1424) و ج 10 ، ص 152 .

2- الذريعة ، ج 2 ، ص 403 (ش 1620) و ج 10 ، ص 149 .

3- همان ، ج 17 ص 275 (ش 275) .

4- همان ، ج 10 ، ص 152 (ش 275) .

5- همان ، ج 7 ، ص 111 (ش 584) .

6- وی ، فقيه ، مفسر ، رجالی و شاعر شيعي است که نزد حسن بن جعفر کاشف الغطاء ، شيخ محمد حسين بن محمد باقر نجفی صاحب جواهر ، محمد حسين بن محمد رحيم ايوانکيفي ، سيد جعفر بن ابی اسحاق دارابی و سيد محمد شفيح بن علي اکبر جابلقی درس خواند و در بیشتر دانش ها مهارت يافت (أعيان الشيعة ، ج 6 ، ص 154 ؛ الذريعة ، ج 12 ، ص 34 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 234) .

داشته، از کتاب نقد الرجال، منتهی المقال، و کتاب های رجالی دیگر، به علاوه اصطلاحات خاص فیض در الوافی و علامه مجلسی در بحار الأنوار، به ترتیب حروف آغازین آنها، در این کتاب، گزارش کرده است. (1) به همراه منظومه نخبه المقال مؤلف، به سال 1313 ق، چاپ شده است. (2) 126. نخبه المقال فی علم الرجال، از سید حسین بن محمد رضا بروجردی. ارجوزه ای است در 1313 بیت، در شناخت راویان حدیث. این منظومه به نام زبدة المقال نیز به چاپ رسیده است. مؤلف، راویان مجهول و عدّه ای از علمای معاصر خود را در آن، ذکر نکرده است از این رو، علی علیاری تبریزی (م 1327 ق)، منظومه ای با عنوان منتهی الآمال در تتمیم آن، تدارک دیده است. وی، علاوه بر آن، شرحی را با عنوان بهجة الآمال برای زبدة المقال و منتهی الآمال، در پنج مجلد، نوشته است. این شرح با تصحیح هدایة اللّٰه مسترحمی، در سال 1364 ش، توسط منظمة الثقافة الإسلامية در ایران، چاپ شده است. (3) 127. الرجال، از مرتضی بن محمد امین انصاری (1214 _ 1281 ق). (4) مؤلف، در

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه اللّٰه مرعشی، ج 21، ص 311 (ش 8353).

2- الذریعة، ج 21، ص 11 (ش 3696).

3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه اللّٰه مرعشی، ج 21، ص 310 (ش 8353)؛ الذریعة، ج 12، ص 34 و ج 10، ص 112؛ معجم المطبوعات العربية فی ایران، ص 284.

4- وی از نوابغ اسلام و احیاء فقه و اصول و مرجع اعلامی شیعه پس از صاحب جواهر (م 1266 ق) است که نزد پدرش محمد امین، عمویش حسین انصاری و دیگر عالمان بزرگ، از جمله سید محمد مجاهد، شریف العلماء مازندرانی و کاشف الغطاء درس خواند و سرانجام، در نجف اشرف، اقامت گزید. او در مسجد هندی به تدریس می پرداخت و بیش از چهارصد نفر از محضر او کسب فیض می کردند. شیخ انصاری، قبل و بعد از مرجعیت، با تواضع و زهد شدید زندگی می کرد (أعیان الشیعة، ج 10، ص 117؛ مصفّی المقال، ص 455؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 654).

این کتاب، راویان موثق و ممدوحی را که خود به روایت آنان عمل می کرده، گرد آورده است. و در آخر آن، کنیه ها و القاب و اسانید تهذیب الأحکام و کتاب من لا یحضره الفقیه و فواید رجالی دیگری را ذکر می کند. (1) 128. تذکرة العلماء، از سید مهدی علی نجف علی رضوی (م بعد از 1283 ق). کتاب، در یک «مقدمه» و دو «فصل»، تدوین گردیده است. مقدمه، در جمع قرآن و علوم اختصاصی امامان علیهم السلام است. فصل اول، به ذکر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام تا عصر غیبت صغرا اختصاص دارد و در فصل دوم، دانشمندان، محدثان و مجتهدان متقدم و متأخر و معاصر مؤلف، یاد می شوند. وی در سال 1283 ق، از نگارش آن فراغت یافته است. (2) 129. المشتركات، از ابو القاسم حائری. مؤلف در سال 1284 ق، از نگارش کتاب، فارغ گردیده است و در آن، از جامع الرواة اردبیلی، مشترکات کاظمی، مشترکات طریحی، و میرزا محمد استرآبادی و سید تفرشی، بسیار مطلب نقل کرده است. شیخ آقا بزرگ درباره آن می گوید: «بهترین کتابی است که در مشترکات نوشته شده است». (3) 130. ترجمة محمد بن سنان، از ملا محمد علی بن احمد محلاتی شیرازی (م 1284 ق). نسخه آن، جزو موقوفات مدرسه حسن خان در کربلاست. (4) 131. محافل المؤمنین، از سید محمد شفیع بهاء الدین محمد حسینی عاملی (م بعد از 1185 ق). مستدرک مجالس المؤمنین (5) است. با عنوان رجال سید محمد شفیع نیز از آن

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 115 (ش 97) و ج 22، ص 103 (ش 8520)؛ الذریعة، ج 10، ص 150 (ش 275).
 - 2- الذریعة، ج 4، ص 41 (ش 160).
 - 3- همان، ج 21، ص 40 (ش 3855) و ج 10، ص 93.
 - 4- الذریعة، ج 4، ص 165 (ش 812) و ج 10، ص 134.
 - 5- مجالس المؤمنین، از قاضی نور الله شوشتری (مق 1019 ق)، در احوال مشاهیر شیعه، اعم از صحابیان، تابعیان، راویان، مجتهدان، حکما، متکلمان، امرا، سلاطین، شاعران و عارفان (الذریعة، ج 19، ص 370، ش 1652).

یاد شده است. (1) 132. القوامیس فی الرجال و الدراییة، از آقا بن عبد (فاضل دربندی) (م 1285 ق). فوایدی در بیان اقسام اسناد و طُرُق حدیثی، با نقل برخی از گفته های بزرگان اهل سنت است که در ده فصل مرتب شده است. (2) این کتاب با عناوین دیگر، مانند طبقات الرواة، قوامیس القواعد و... در الذریعة یاد شده است. (3) از این مؤلف، اثری با نام المنتفی النفیس من دُرر القوامیس، با تحقیق سیّد محمّد رضا جلالی در مجلّه تراثنا چاپ شده است که ظاهراً همین اثر یا گزیده آن است. (4) 133. طبقات الرواة [و تعلیقات منتهی المقال]، از عبد الحسین بن علی تهرانی حائری (شیخ العراقین) (م 1286 ق). از این کتاب، با عنوان رجال الشیخ عبد الحسین هم یاد شده است. (5) 134. رجال، از سیّد اعجاز حسین لکهنوی (م 1286 ق). (6) 135. رجال السیّد أسد اللّٰه الإصفهانی، از سیّد اسد اللّٰه بن سیّد محمّد باقر شفتی (م 1290 ق). (7) 136. رجال آقا رفیع شریعتمدار، از آقا رفیع شریعتمدار (1211 _ 1292 ق). وی شاگرد حجّة الإسلام شفتی اصفهانی و شیخ اجازه میرزا محمّد بن عبد الوهاب، امام الحرمین

-
- 1- الذریعة، ج 10، ص 119
 - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 24، ص 317 (ش 9580)؛ الذریعة، ج 17، ص 199 (ش 1059).
 - 3- همان، ج 15، ص 148 و ج 10، ص 97.
 - 4- تراثنا، ش 24، ص 157 _ 237.
 - 5- الذریعة، ج 15، ص 149 (ش 982) و ج 10، ص 124.
 - 6- همان، ج 10، ص 97.
 - 7- همان، ص 95 (ش 188).

همدانی است. (1) 137. بحر الآمال فی أحوال الرجال، از محسن بن محمد رفیع اصفهانی رشتی (م 1290 ق). (2) 138. الفوائد الغروية فی علمی الدراية و الرجال، از ابوطالب بن ابی تراب حسینی قاننی (م 1293 ق). (3) این کتاب، در دو جزء است. جزء اول آن، در علم درایة الحدیث و جزء دوم، در مباحث علم رجال، از جمله احوال عدّه ای از رجالی است که بین علمای مهم رجال، مورد اختلاف اند. مؤلف، این کتاب را در سال 1268 ق، نوشته است و شاگردش شیخ محمد باقر قاننی بیرجندی، شرحی با نام العوائد الغروية بر آن نوشته است. این اثر در بند مربوط به درایه نیز یاد شد. (4) 139. تصحیح سند تفسیر العسکری، از میرزا محمد حسن (حسین) بن علی اصغر طباطبایی (م 1294 ق). (5) 140. رجال السید محمد حسین، از میرزا محمد حسین بن علی اصغر طباطبایی. (6) 141. متن المقال فی تلخیص جامع المقال، از عبد الحسین بن نعمه بن علاء الدین طریحی (م 1295 ق). مؤلف در سال 1262 ق، از نگارش این کتاب، فارغ گردیده

1- همان، ص 117 (ش 241).

2- تراجم الرجال، ج 1، ص 425 _ 429.

3- وی، فقیه، اصولی و رجالی بزرگ شیعه است که در قانن، دیده به جهان گشود و نزد عالمان بزرگ خراسان، اصفهان و نجف، مانند سید محمد بن معصوم رضوی، محمد رحیم بن محمد بروجردی، محمد ابراهیم بن محمد حسن کرباسی، سید محمد باقر شفتی، محسن بن محمد خنفر تحصیل کرد و پس از دریافت اجازه اجتهاد، به قانن بازگشت و به تدریس و نشر احکام دین پرداخت. محمد باقر بیرجندی (م 352 ق)، شاگرد اوست (أعیان الشیعة، ج 2، ص 364؛ تراجم الرجال، ج 1، ص 39؛ الذریعة، ج 8، ص 144، ش 555؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 45).

4- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 45؛ الذریعة، ج 16، ص 351 و ج 10، ص 92 (ش 176).

5- الذریعة، ج 4، ص 195 (ش 967).

6- همان، ج 10، ص 113.

است. وی ضمن تلخیص جامع المقال جدّ خود فخر الدین طریحی، موارد دشوار آن را نیز شرح داده است. (1) 142. مجمع المقال فی علم الرجال، از نعمة الله بن علاء الدین طریحی نجفی (م 1293 ق) (2). (3) 143. الفوائد الرجالية، از ملا علی بن میرزا خلیل طیب تهرانی نجفی (1226 _ 1297 ق). (4) 144. شرح الفوائد الرجالية، از ملا علی بن میرزا خلیل طیب تهرانی نجفی (1226 _ 1297 ق). از این اثر که شرح الفوائد الرجالية وحید بهبهانی است، با عنوان های دیگری، مانند: الحاشية على التعليقة، شرح التعليقة و تعليقة الفوائد الرجالية نیز یاد شده است. (5) 145. الحاشية على منتهی المقال، از ملا علی بن میرزا خلیل طیب تهرانی نجفی. (6) 146. نهاية الآمال فی كيفية الرجوع إلى علم الرجال، از محمّد تقی بن حسینعلی هروی اصفهانی (م 1299 ق). فوائد رجالی مهمی است شامل «مقدمه»، شش «باب» و «خاتمه». نسخه دست نویس مؤلف در کتاب خانه صدر، موجود است. (7) 147. الردّ علی من ادّعی قطعية صدور الأحادیث المروية فی الكتب الأربعة، از ملا حسین

1- همان، ج 19، ص 68 (ش 372) و ج 10، ص 124.

2- وی، فقیه و دانشمند شیعی و از فرزندان شیخ فخر الدین طریحی، صاحب مجمع البحرین است که نزد صاحب جواهر درس خواند و در زمان خود، بر همه عالمان نجف، مقدّم بود و به کار تدریس و مرجعیت مشغول بود (أعیان الشیعة، ج 10، ص 225).

3- أعیان الشیعة، ج 10، ص 225.

4- الذریعة، ج 16، ص 338.

5- همان، ج 13، ص 387 و 150 و ج 6، ص 39 و ج 12، ص 135.

6- همان، ج 6، ص 222 (ش 1247).

7- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 15، ص 12 (ش 5609) و ج 26، ص 115 (ش 10156)؛ الذریعة، ج 24، ص 393 (ش 2105).

تربتی سبزواری (م 1300 ق). (1) 148 . حسن المقال فی أحوال الرجال ، از سیّد علی بن حسن بن سلمان حسینی جزایری (معروف به حلّو) (م ح 1300 ق). (2) 149 . رجال السیّد علی ، از سیّد علی بن محمّد حسینی نجفی (ملقب به حکیم) (م 1300 ق). مؤلف ، از شاگردان صاحب جواهر و شیخ انصاری است. (3) 150 . تذییل سلافة العصر ، از سیّد علی بن محمّد حسینی نجفی . (4) 151 . حواشی بر رجال کبیر ، از سیّد علی بن محمّد حسینی نجفی. (5) 152 . رجال السیّد مهدی ، از سیّد مهدی بن حسن قزوینی (م 1300 ق). (6) 153 . الوجیزة ، از محمّد رضا بن اسماعیل (م بعد از 1300 ق). این اثر در موضوع رجال و منتخب خلاصة الأقوال علامه حلّی است و در حاشیه کتاب مدائن العلوم ، به سال 1276 ق ، به چاپ رسیده است. (7) 154 . توضیح المقال فی علم الرجال ، از ملا علی کنی (1220 _ 1306 ق). (8) کتاب ، در «مقدمه» ، سه «باب» و یک «خاتمه» و شامل شرح حال شخصت نفر از مشایخ حدیث است (9) که به همراه رجال بوعلی چاپ شده است (10) و در سال 1379 ش ، نیز با تحقیق

-
- 1- الذریعة ، ج 10 ، ص 226.
 - 2- همان ، ج 7 ، ص 16 (ش 70).
 - 3- همان ، ج 10 ، ص 137 (ش 259) .
 - 4- همان ، ص 137 (ش 259) .
 - 5- همان ، ج 10 ، ص 137 (ش 259).
 - 6- همان ، ص 152 (ش 276).
 - 7- همان ، ج 25 ، ص 49 (ش 248) و ج 10 ، ص 116.
 - 8- وی ، مجتهد معروف شیعی در دوره ناصر الدین شاه است که در کن به دنیا آمد و نزد صاحب جواهر و شیخ موسی آل شراره ، درس خواند و پس از رسیدن به درجه اجتهاد به تهران بازگشت و به ثروتی عظیم و شأنی والا نزد شاه ، دست یافت. وی در 27 محرم 1306 ، دارفانی را وداع گفت (أعیان الشیعة ، ج 8 ، ص 302).
 - 9- شیخ آقا بزرگ ، این کتاب را در مصفّی المقال ، بسط داده و به ششصد نفر رسانده است.
 - 10- الذریعة ، ج 4 ، ص 499.

محمد حسین مولوی ، توسط انتشارات دار الحدیث ، در 344 صفحه منتشر گردیده است. 155 . مرآة المراد فی تحقیق شبهات رجال الإسناد ، از احمد بن مصطفی خویی قزوینی (ملاً آقا) (م 1307 ق). کتابی است درباره قواعد رجال و احوال برخی راویان. (1) 156 . کتاب فی الرجال ، از سید علی محمد بن محمد نقوی (تاج العلماء) (م 1312 ق). (2) 157 . رجال ، از محمد جعفر بن محمد صفی آبادی (ق 13 ق). تعلیقاتی بر رجال الوسیط استرآبادی است. (3) 158 . صححة الأصول الأربعة ، از محسن بن محمد رفیع رشتی اصفهانی (م 1290 ق). (4) این کتاب ، در اثبات صححة احادیث کتاب الکافی ، کتاب من لا یحضره الفقیه ، تهذیب الأحکام و الاستبصار و این که از اصول اربعمئة گرفته شده اند، نگاشته شده و نگارش آن در سال 1267 ق ، به پایان رسیده است . 159 . الأصول الأربعة ، از سید ابو تراب بن محمد موسوی اصفهانی (ق 13 ق). (5) در پاسخ پرسشی درباره «اصول چهارصدگانه» و اهمیت آنها و صححة روایات آنها نگارش یافته است. (6) 160 . الفهرست ، از محمد باقر بن محمد علی اخباری (ق 13 ق). شامل فهرست نام

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی ، ج 14 ، ص 222.

2- الذریعة ، ج 10 ، ص 100.

3- همان ، ص 103.

4- تراجم الرجال ، ج 1 ، ص 425.

5- وی ، از علما و استادان حوزه علمیه اصفهان بود. ملاً محمد محسن رشتی اصفهانی ، از شاگردان اوست (تراجم الرجال ، ج 1 ، ص 27).

6- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی ، ج 6 ، ص 76 (ش 2065) ؛ تراجم الرجال ، ج 1 ، ص 27.

رجالیان ، به ترتیب الفبا و ذکر «کتاب» یا «اصل» آنهاست. (1) 161 . رجال ، از محمد تقی گلپایگانی (ق 13 ق). (2) 162 . تکملة رجال ابي علي ، از ملا درویش علی حائری (ق 13 ق). مؤلف از شاگردان ابوعلی بوده و راویان مجهولی را که ابوعلی در منتهی المقال جا انداخته است ، ذکر می کند. (3) 163 . رساله فی مسائل الدراية و الرجال ، از محمد بن احمد احسائی (ق 13 ق). (4) 164 . جواهر الكلمات فيما يتعلق بأحوال الرواة ، از ملا احمد بن محمد مفید هزار جریبی (ق 13 ق). کتاب در يك «مقدمه» و چند «مقصد» ، مرتب گردیده است. (5) 165 . رجال السيد محمد بن معصوم الرضوی ، از سید محمد بن معصوم رضوی (سید محمد قصیر) (ق 13 ق). (6) 166 . رجال المولى صفر علی لاهیجانی (م ق 13 ق). مؤلف ، ساکن قزوین و از شاگردان سید محمد مجاهد ، بوده است. (7)

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 26 ، ص 108 (ش 7607).

2- الذریعة ، ج 10 ، ص 101.

3- همان ، ج 4 ، ص 413 (ش 1820) و ج 10 ، ص 115.

4- مصفی المقال ، ص 428.

5- الذریعة ، ج 5 ، ص 278 (ش 1302).

6- همان ، ج 10 ، ص 147 (ش 272).

7- همان ، ص 122 (ش 247).

فصل چهارم : فعالیت های حدیثی

1_ 4. منتخب ، خلاصه ، مستدرک و فهرست نگاری

فصل چهارم : فعالیت های حدیثی در این فصل به پاره ای از فعالیت های مربوط به حدیث از قبیل : ترجمه ، انتخاب (گزیده نویسی) ، تلخیص ، استدرک و فهرست نگاری اشاره می شود .

1_ 4. منتخب ، خلاصه ، مستدرک و فهرست نگاری دانشمندان بزرگ ، وقتی با همت والای خود به تدوین کتاب ها و جوامع بزرگ حدیثی می پرداختند ، هر چند در تنظیم کتاب خود ، ابتکار عمل و دقت بسیار مبذول می داشتند ، اما باز حجم بسیار محتوا و گستردگی کار ، پاره ای مسائل را از نظر آنان ، دور نگه می داشت . گاه چگونگی تنظیم باب ها و انتخاب عنوان ها چندان دقیق نبود ، گاه پاره ای از روایات و مطالب مربوط به محتوای کتاب از نظر مؤلف ، دور مانده بود و پیوستن آنها به کتاب ، بر غنای آن می افزود و گاه ، اطناب مطالب ، برخی خوانندگان را دچار ملال می نمود و... از این رو ، استفاده از کتاب برای خوانندگان در طیف های مختلف و بویژه پژوهشگران ، مشکلات پیش بینی نشده و در عین حال ، قابل حلّی را به همراه داشت . برای حلّ این مشکلات و استفاده آسان تر از محتوای این کتاب های بزرگ ،

برخی از دانشمندان شیعه، به تهیه فهرست، منتخب، خلاصه و یا مستدرک برای کتاب های جامع، دست زده اند که نمونه های زیر، محصول این تلاش هاست: 1. مستدرک الوافی، از نور الدین محمد هادی بن شاه مرتضی کاشانی اخباری (م 1115 ق). (1) روایاتی که در بحار الأنوار آمده و فیض کاشانی در الوافی ذکر نکرده، با همان ترتیب الوافی در این کتاب، مرتب شده است. به عبارت دیگر، ترتیب بحار الأنوار به روش الوافی، با حذف مکررات و در چهارده مجلد است. 2. دُرر البحار المصطفی من بحار الأنوار (منتخب بحار الأنوار)، از نور الدین محمد هادی بن شاه مرتضی کاشانی اخباری. سه مجلد این کتاب به پایان رسیده است. مجلد اول، شامل ابواب عقل و جهل تا آخر معاد است. مجلد دوم، در مناقب اصحاب کساء تا آخر باب رجعت است و مجلد سوم، در امامت است. (2) این مجلد، به اهتمام ابو القاسم خوانساری و محمد صادق حسینی به سال 1301 ق، در تهران، چاپ سنگی شده است. (3) 3. منتخب بحار الأنوار، از محمد صادق بن محمد زمان کاشانی (ق 12 ق). مؤلف، در این کتاب، آیات مندرج در بحار الأنوار و پاره ای از احادیث را حذف نموده است و آن را در سال 1130 ق، به پایان رسانده است. (4) 4. منتخب شرح نهج البلاغه ی حدیدی، از سلطان محمود بن غلامعلی طبسی (ق 12 ق). (5)

-
- 1- وی، فقیه، اصولی، محدث، ادیب و متکلم شیعی است که نزد پدرش و عمویش محمد محسن فیض کاشانی درس خواند و از آنان، اجازه روایت دارد. پسرش محمد مهدی (م 1140 ق) و خواهر زاده اش محمد رفیع بن محمد رضا کاشانی و محمد نبی کاشانی، از شاگردان اویند. وی بعد از 1111 ق، از دنیا رفته است (طبقات اعلام الشيعة، ج 6، ص 804؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 401؛ معادن الحکمة، ج 1، ص 28، مقدمه، به قلم مرحوم آية الله مرعشی).
 - 2- الذريعة، ج 8، ص 119 (ش 444).
 - 3- معجم المطبوعات العربية فی ایران، ص 293.
 - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 6، ص 349 (ش 2364).
 - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 540 (ش 13817).

5. منتخب شرح نهج البلاغة به نام التقاط الدرر النخل، از محمد بن حاج قنبر کور علی مدنی کاظمی (م ح 1300 ق). این کتاب، گزیده شرح نهج البلاغةی ابن ابی الحدید است که شامل مباحث مربوط به اخلاق، حکم و آداب است. (1) 6. رموز التفاسیر الواقعة فی الکتب الأربعة، از علی اصغر بن محمد یوسف قزوینی (ق 12 ق) (2). (3) 7. فهرس ما فی البحار، از سیّد محمد بن احمد حسینی لاهیجانی (م بعد از 1120 ق). (4) کتاب هایی که در بحار الأنوار از آنها نقل شده، در 27 باب، معرفی گردیده اند. (5) 8. مختصر جلاء العیون، از آقا علی اکبر، خواهر زاده علامه مجلسی که در ماه رمضان 1123 ق، از نگارش آن، فراغت یافته است. (6) 9. ترتیب معانی الأخبار، از داوود بن حسن بن یوسف اوالی بحرانی. مؤلف، شاگرد عبد الله بن صالح سماهیجی (م 1135 ق) است و کتاب را بر اساس ترتیب حروف الفبا سامان داده است. (7)

1- الذریعة، ج 2، ص 241 و ج 14، ص 146 و ج 22، ص 414.

2- وی، نزد فضلالی قزوین، از جمله برادرش محمد باقر و رضی الدین محمد و میرزا خلیل بن غازی قزوینی درس خواند. میرزا محمد اخباری، او را ستوده است. برخی، این ستایش را دلیل یکی بودن مسلک فکری آن دو دانسته و آنها را اخباری معرفی کرده اند. سفینة النجاة (معروف به المقالات الخمس) در ادعیه و زیارات نیز از اوست (أعیان الشیعة، ج 8، ص 127).

3- أعیان الشیعة، ج 8، ص 127.

4- وی، فقیه و دانشمند شیعی و از شاگردان علامه مجلسی است که به حدیث و علوم آن، اهتمام داشته، چنان که به تبخّر در اخبار، مشهور بوده است. وی، در لاهیجان، حوزه علمی و تدریس داشته است و ملاً عبد النبی طسوجی از شاگردان اوست. شرح حدیث «ثلاثة لا أدری ایهم أعظم أجرا» و نیز شرح حدیث: «فإن قال فلم جعل الصوم» از وی، معرفی شد (تراجم الرجال، ج 1، ص 447 و ج 2، ص 366).

5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 2، ص 235، 635 و ج 18، ص 46 (ش 6856).

6- الذریعة، ج 20، ص 193 (2533).

7- الذریعة، ج 4، ص 70 (ش 286).

10. الاعتبار فی اختصار الاستبصار، از یعقوب بن ابراهیم بختیاری (م 1147 ق). مؤلف، اسناد و روایات و مطالب شیخ طوسی در جمع بین اخبار را حذف کرده است و گاه، توضیحات کوتاهی در حاشیه می نگارد. (1) 11. مخلص جامع المعارف و الأحكام فی الأصول و الحلال و الحرام، از سید عبد الله بن محمد رضا شبر (م 1242 ق). مؤلف، در این کتاب، جامع الأحكام را با حذف اسانید و احادیث تکراری در آن، خلاصه کرده است. (2) این کتاب، توسط مجمع الذخائر الاسلامیة در قم به سال 1398 ق، به چاپ رسیده است. 12. دُرر الآثار و الأخبار، از سید عبد الله بن محمد رضا شبر. این کتاب، تلخیص دوم جامع المعارف است. (3) 13. منتخب جلاء العیون، از سید عبد الله محمد رضا شبر. مؤلف، جلاء العیون مجلسی را به عربی برگردانیده و سپس، دست به گزینش آن زده است. (4) 14. فهرست الکتب الأربعة، از سید ابو القاسم احمد بن محمد حسنی اصفهانی (پس از 1259 ق). (5) 15. فهرس الکافی، از محمد جعفر بن محمد صفی فارسی آباده ای (م 1280 ق). (6)

1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 12، ص 112 (ش 4534).

2- همان، ج 5، ص 264 (ش 1888).

3- الذریعة، ج 8، ص 116 _ 117.

4- همان، ج 23، ص 393 (ش 7585).

5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 8، ص 280 (ش 3059).

6- وی، فقیه اصولی و از عالمان بزرگ شیعه است که نزد سید محمد باقر بن محمد تقی شفتی (حجة الإسلام)، درس خواند و از شاگردان خاص او بود و بعد از وفات استادش در 1260 ق، به مرجعیت رسید. محمد نبی بن احمد تویسرکانی و سید محمد بن محمد صادق خوانساری، از او اجازه روایت دارند (أعیان الشیعة، ج 9، ص 203؛ ریحانة الأدب، ج 1، ص 38؛ تراجم الرجال، ج 2، ص 647؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 557).

مؤلف، در این کتاب، عناوین باب های کافی (مانند: اصل و موضوع روایات) را ذکر می کند. (1) 16. منتخباتی از «کتاب السماء و العالم» بحار الأنوار، از محمد تقی گلپایگانی نجفی (م 1298 ق). (2) 17. منتخباتی از بحار الأنوار در نجوم، از محمد تقی گلپایگانی نجفی. (3) 18. طرائف الحکمة و بدائع المعرفة، از محمد تقی بن میر مؤمن قزوینی (ق 13 ق). این کتاب، مختصر نهج البلاغة است. (4) 19. جلیس الصالحین، از سید زین العابدین بن ابی القاسم طباطبایی تهرانی (سید آقا) (م ح 1303 ق). کتابی است در جمع کلمات قصار امیر مؤمنان علیه السلام که از غرر الحکم و درر الکلم آمدی برگزیده شده است. 20. أنیس السالکین، از سید زین الدین بن ابی القاسم طباطبایی تهرانی. این کتاب، گزیده جلیس الصالحین مؤلف است. (5) 21. ترصیح الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه، از میر محمد عباس بن علی اکبر لکهنوی (م 1306 ق). مؤلف، آن را از الجواهر السنیه شیخ حرّ عاملی برگزیده و استخراج کرده است. (6)

-
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 9، ص 11 (ش 3208)؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 25، ص 95 (ش 7083).
 - 2- فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیه الله فاضل خوانساری، ج 1، ص 173 (ش 222).
 - 3- همان، ص 174 (ش 222).
 - 4- أعیان الشیعة، ج 9، ص 196.
 - 5- الذریعة، ج 5، ص 129 (ش 531).
 - 6- همان، ج 4، ص 169 (ش 832).

فصل پنجم : محدثان و مشایخ اجازه

اشاره

فصل پنجم : محدثان و مشایخ اجازه دانشمندانی که در این نوشتار از آنان ، يك يا چند اثر در زمینه حدیث و علوم مربوط به آن یاد شده ، بیش از 470 نفرند. (1) از آن جا که برای همه صاحبان آثار حدیثی به شرح حال هر چند مختصر ، دست نیافتیم ، از این رو ، در مورد عدّه ای که اکثریت را تشکیل می دهند ، تنها به ذکر اثر آنها در فصل دوم تا چهارم و در بند مربوط به آن ، بسنده شده است. البته در صورت یافتن شرح حال برای همه آنان نیز ، ذکر آن ، این نوشتار را از مسیر خود ، خارج می کرد. در مورد تعدادی دیگر از عالمان صاحب يك يا دو اثر كوچك حدیثی در پانوشته های فصل دوم تا چهارم ، در جایی که از کتاب آنها یاد می شود و در صورتی که بیش از يك اثر داشته باشند ، در پی نوشت نخستین اثر ، شرح حال بسیار مختصری از آنها آمده است. و سرانجام ، دسته سوم ، بیش از هفتاد نفر از کسانی هستند که سهم بیشتری در عرصه حدیث و علوم مربوط به آن به خود اختصاص داده اند و در همین فصل پنجم ، ابتدا شرح حال اجمالی آنان و در پی آن ، فهرست آثار حدیثی شان ذکر می شود تا معلوم گردد آنها در این زمینه چه کرده اند. البته در مورد هر دانشمند

1- فهرست نام های آنان به ترتیب تاریخ وفات ، در پایان همین فصل آمده است.

و محدّث، تا حدّ امکان، نام مشایخ و استادان و شاگردان وی، به اختصار ذکر شده است. از این جهت، محتوای این فصل با عنوان آن (محدّثان و مشایخ اجازه) در مجموع مطابق است. شایان ذکر است که نگارنده در این نوشتار، تنها آثار دانشمندان رشته حدیث و علوم مربوط به آن (به اصطلاح، محدّثان) را ذکر نکرده است؛ چه، در این مقطع زمانی، تعداد محدّثان به معنای دقیق کلمه، بسیار نیست. از سوی دیگر، برای به دست آوردن نگاهی نسبتاً جامع به وضع حدیث در این دو قرن، بهتر است در حدّ امکان به همه آثار مربوط به آن، اشاره شود. از این رو، همه دانشمندان شیعه، اعم از فقیه، محدّث، حکیم، ادیب و حتی شاعر و خوش نویس که در عرصه حدیث و علوم مربوط به آن، دستی به قلم برده و اثری پدید آورده اند، یاد کرده است، به طور مسلّم، ادّعای استقصا نداریم، ولی برای دستیابی به حدّاکثر آثار، کوشش بسیار شده است. در این فصل، فهرست آثار هر دانشمند ملاحظه می شود که موضوع پاره ای از کتاب ها و رساله ها از عنوان آنها پیدا است و به موضوع برخی نیز در کنار نام آنها، اشاره شده است. اطلاع بیشتر درباره هر کتاب، با رجوع به فصل و مدخل مربوط به آن به دست می آید. یعنی اگر صرفاً کتاب حدیثی است، به فصل دوم که متون حدیثی که در چند بند تنظیم شده است، مراجعه گردد و اگر شرح حدیث و دعاست، به قسمت مربوط به شرح احادیث در فصل سوم، و اگر مربوط به رجال، درایه و اجازه است، هر يك را در مدخل مربوط به آن در فصل یاد شده می توان یافت. تا آن جا که میسر بوده است، در مورد بسیاری از آثار، به نسخه های خطّی و یا چاپی آنها اشاره شده و سبک تدوین و فصول و ابواب آن، بیان شده است؛ گرچه در پاره ای موارد نیز جز نام کتاب، دانستنی بیشتری به دست نیامد.

سید نعمة الله بن عبد الله جزایری (م 1112 ق)

قرن دوازدهم سید نعمة الله بن عبد الله جزایری (م 1112 ق) وی از فقها و محدثان بزرگ شیعه است که به سال 1050 ق ، در صباغیه ، دهی از دهات جزایر از توابع بصره به دنیا آمد. وی نزد دانشمندانی چون علامه محمد باقر مجلسی ، سید محمد باقر محقق سبزواری ، جمال الدین محقق خوانساری ، پسرش آقا حسین خوانساری ، شیخ حرّ عاملی ، میرزا رفیعا نایینی و ملا محسن فیض کاشانی درس خواند. وی پیش از ورود به اصفهان ، علوم نقلی را از شیخ صالح بن عبد الکریم بحرانی و دیگران ، اخذ نموده و پس از ورود به اصفهان ، از خواص شاگردان علامه مجلسی گردید ، بخش بسیاری از علوم عقلی و نقلی و تعدادی از کتب حدیث را نزد وی خواند و از او ، اجازه روایت دریافت نمود. وی ، در شب جمعه 23 شوال سال 1112 در جایدر درگذشت و در آن جا هم دفن گردید. مزار او اکنون زیارتگاه است. (1) سید نعمة الله ، بیش از پنجاه کتاب و رساله دارد که در آنها اهتمام ویژه ای به حدیث و شرح کتب حدیثی است. از جمله آثار اوست: _ الأنوار النعمانية فی بیان معرفة النشأة الانسانية _ أنس الوحيد فی شرح التوحید _ الحاشية علی الوافی _ الحواشی الضافية و الموازين الوافية (حواشی علی نهج البلاغة) _ الحاشية علی شرح ابن أبي الحديد

1- أعيان الشيعة ، ج 10 ، ص 226 ؛ روضات الجنات ، ج 8 ، ص 150 ؛ ريحانة الأدب ، ج 3 ، ص 113 ؛ تلامذة العلامة المجلسي ، ص 139.

_ الحاشية على أمل الآمل _ الحاشية على نقد الرجال للتفرشى _ الجواهر الغوالي فى شرح عوالى اللالى _ تحفة الأسرار فى الجمع بين الأخبار _ رياض الأبرار فى مناقب الأئمة الأطهار _ شرح روضة الكافى (نزهة الإخوان و تحفة الخلان) _ غاية المرام فى شرح تهذيب الأحكام _ غرائب الأخبار و نوادر الآثار _ كشف الأسرار فى شرح الاستبصار _ كنز الطالب و وسيلة الراغب _ مقصود الأنام فى شرح تهذيب الأحكام _ لوامع الأنوار فى شرح عيون الأخبار _ مسكن الشجون فى حكم الفرار من الوباء و الطاعون _ مقامات النجات فى شرح الأسماء الحسنى _ نور الأنوار فى شرح كلام خير الأخيار _ شرح ملحقات الصحيفة السجادية _ نوادر الأخبار (2 مجلد) _ نور البراهين فى بيان أخبار السادة الطاهرين _ النور المبين فى قصص الأنبياء و المرسلين . سيّد نعمة الله ، در عين مجتهد بودن ، جزو اخباريان به حساب مى آيد و ملاً فتحعلى شيرازى ، كتاب غرائب الأخبار و نوادر الآثار وى را مؤيد روش اخباريگرى او

نورالدین محمد بن شاه مرتضی کاشانی (م 1115 ق)**محمد بن محمد محسن ، ابوالخیر کاشانی (علم الهدی) (م 1115 ق)**

شمرده است؛ (1) ولی با توجه به نزدیکی و ملازمت وی با علامه مجلسی ، شاید بتوان او را از نظر روش ، يك اخباري معتدل برشمرد. برخی نیز او را نابغه فقه و حدیث دانسته اند.

نورالدین محمد بن شاه مرتضی کاشانی (م 1115 ق) وی نوه برادر فیض کاشانی و معروف به «نورالدین اخباری» است. او از فیض کاشانی ، پدرش ، علامه مجلسی و شیخ قاسم بن محمد کاظم ، اجازه روایت گرفته است. فرزندش بهاء الدین محمد ، در سال 1114 ق ، و سید عبدالمطلب کلهری کاشانی در سال 1113 ق ، از وی اجازه روایت گرفته اند. از آثار اوست: _ المعین فی تفسیر الكتاب المبین _ مستدرک الوافی _ دُرر البحار المصطفی من بحار الأنوار _ الأدعية الکافیة. (2)

محمد بن محمد محسن ، ابوالخیر کاشانی (علم الهدی) (م 1115 ق) وی در آغاز ماه ربیع اول 1039 به دنیا آمد. او نزد پدرش فیض ، شاگردی می نمود و از او و عمویش عبد الغفور ، عبد الله بن محمد تقی مجلسی ، محمد مهدی بیدگلی ، محمد باقر سبزواری ، سید نعمه الله جزایری ، شیخ حرّ عاملی و سید علی نواب بن حسین مرعشی روایت می کند. علم الهدی ، مجالس وعظ برپا می کرد و به حدیث ، عنایت ویژه ای داشت و کتب حدیث ، از جمله الوافی پدرش را تدریس می کرد. دانشجویان دینی ، به او توجه بسیار

1- الذریعة ، ج 16 ، ص 29 (ش 122).

2- همان ، ج 1 ، ص 228 ؛ تلامذة العلامة المجلسی ، ص 65 .

سید صدرالدین علی خان بن احمد حسنی حسینی شیرازی (1052 _ 1120 ق)

داشتند و از او کسب علم می کردند و عده بسیاری از او روایت کرده اند، از جمله فرزندانش: اسحاق، سلیمان، محمد، احمد و فاطمه، سید احمد حسینی، سید محمد معصوم حسینی، محمد شفیع کاشانی و.... وی، بیش از شصت کتاب تألیف کرده است که در این مقاله، هفت مورد از آنها در حوزه حدیث، ذکر می شود: _ جناح النجاح إلی براح الرباح _ سرور صدور اولیا در چگونگی صلوات فرستادن بر ائمه _ عروة الأخبات فیما یقال عند الأوقات _ مرقاة الجنان إلی روضات الجنان (در ادعیه) _ مقلاد الرشاد (در ادعیه) _ معادن الحکمة فی مکاتیب الأئمة و توفیعاتهم _ نضد الايضاح فی ترتیب ایضاح الاشتباه. (1)

سید صدرالدین علی خان بن احمد حسنی حسینی شیرازی (1052 _ 1120 ق) وی از نوادگان سید صدرالدین، متکلم مشهور است که نسبش به زید بن علی علیه السلام می رسد. (2) او در مدینه به دنیا آمد، سپس به مکه رفت و از آن جا به حیدر آباد هند، کوچ کرد و مدتی طولانی در آن جا ماند. سپس به حج رفت و از آن جا به ایران آمد. وی به واسطه پدرش و شیخ جعفر بحرانی و دیگران، از صاحب مدارك و صاحب معالم و شیخ بهایی روایت می کند. سید محمد صالح حسینی خاتون آبادی نیز از او روایت می کند. شش اثر از وی در این مقاله معرفی می شود که از آن جمله

-
- 1- أعیان الشیعة، ج 10، ص 46؛ روضات الجنات، ج 6، ص 80؛ ریحانة الأدب، ج 4، ص 190؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 330؛ طبقات أعلام الشیعة، ج 6، ص 228.
 - 2- چنان که خود در اول ریاض السالکین، ذکر کرده است.

سید محمد بن احمد حسینی لاهیجانی (م بعد از 1120 ق)

سلیمان بن عبد الله ماحوزی (محقق بحرانی) (م 1121 ق)

است: _ الدرجات الرفیعة فی طبقات الإمامیة _ سلافة العصر فی محاسن أعیان العصر _ کتاب أحوال الصحابة و التابعین _ ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین _ شرح دعاء مکارم الأخلاق _ شرح الأحادیث المسلسلة بالآباء. (1)

سید محمد بن احمد حسینی لاهیجانی (م بعد از 1120 ق) وی فقیه و دانشمند شیعی و از شاگردان علامه مجلسی است که به حدیث و علوم آن، اهتمام داشته، چنان که به تبخر در اخبار، مشهور بوده است. او در شهر لاهیجان، حوزه علمیه و کرسی تدریس داشته است و ملا عبد النبی طسوجی، از شاگردان اوست. وی در سال 1120 ق، زنده بوده است. از آثار اوست: _ شرح حدیث: «ثلاثة لا أدری ایهم أعظم أجرا» _ شرح حدیث: «فان قال فلم جعل الصوم» _ فهرس ما فی البحار (2)

سلیمان بن عبد الله ماحوزی (محقق بحرانی) (م 1121 ق) وی فقیه و رجالی شیعه و از دانشمندان بزرگ عصر خویش است که در نیمه ماه رمضان سال 1057، در ماحوز به دنیا آمد. وی نزد دانشمندانی چون: سلیمان بن علی

-
- 1- أعیان الشیعة، ج 8، ص 152؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس، ج 22، ص 2.
 - 2- تراجم الرجال، ج 1، ص 447 و ج 2، ص 366؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 2، ص 235 (ش 635) و ج 18، ص 46 (ش 6856).

بحرانی ، سلیمان بن علی شاخوری ، احمد بن محمد مقایی ، جعفر بن علی بن سلیمان قدمی ، صالح بن عبد الکریم کرزکانی ، محمد بن ماجد بحرانی و سید هاشم بن سلیمان بحرانی ، علم آموخت. او از علامه مجلسی ، سید هاشم بحرانی و... اجازه روایت دارد. وی پس از سید هاشم ، در بحرین به مقام مرجعیت رسید. ماحوزی ، شاگردان بسیاری ، از جمله: عبد الله بن صالح سماهیجی و احمد بن ابراهیم عصفوری را تربیت کرد و بیش از یکصد کتاب و رساله تألیف کرده که به طور عمده در فقه است. بیش از بیست اثر از وی ، در این نوشتار معرفی می شود: _ اجازه به شیخ احمد بحرانی (پدر شیخ یوسف بحرانی) _ الأربعون حدیثا _ بلغة المحدثین (درباره رجال موثق) _ تحفة المسافر _ ترجمة محمد بن اسماعیل _ تعیین محمد بن سنان _ جمال الصالحین _ جوامع الكلم (شامل روایاتی در اصول دین) _ جواهر العقود فی شرح حدیث الركود _ الحاشیة علی التهذیب _ شرح الأحادیث المتفرقة _ شرح حدیث نبوی «فضلت علی آدم بخصلتین» _ شرح حدیث «تية المؤمن خیر من علمه» _ شرح خطبة الاستسقاء

محمد شریف بن محمد صادق خاتون آبادی (م بعد از 1121 ق)

_ شرح حدیث «من صام رمضان و اتبعه بست من الشّوال...» _ العجالة فی شرح حدیث أبو لیید مخزومی _ فلق الاصباح فی شرح مفتاح الفلاح _ الفوائد النجفیة _ مدارج الیقین فی شرح أربعین الحدیث فی الإمامة _ معراج أهل الکمال إلى معرفة أحوال الرجال _ المنارات الظاهرة فی الاستخارات المأثورة عن العترة الطاهرة. (1)

محمد شریف بن محمد صادق خاتون آبادی (م بعد از 1121 ق) وی از ادیبان فاضلی است که در پزشکی نیز تبخّر دارد و نسبت به ولایت اهل بیت علیهم السلام به شدت تعصب دارد و بیشتر تألیفات خود را با معجزاتی از آنان، شروع می کند. او ساکن مشهد مقدّس است و چون از خادمان روضه رضوی بوده است، در برخی آثارش لقب «خادم» به خود می دهد. از آثار اوست: _ الأربعون حدیثا فی الطب _ حافظ الأبدان _ تحفة الأبرار _ شرح طبّ الرضا علیه السلام _ شرح طبّ الأئمة علیهم السلام _ شرح طبّ النبی صلی الله علیه و آله . (2)

-
- 1- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 135؛ روضات الجنّات، ج 4، ص 16؛ أعيان الشيعة، ج 7، ص 302 _ 304؛ طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 321؛ تلامذة العلامة المجلسی، ص 29؛ منتهی المقال، ج 3، ص 399.
- 2- الذريعة، ج 1، ص 418 و ج 6، ص 232 و ج 13، ص 363؛ تراجم الرجال، ج 3، ص 265.

جمال الدين ، محمد بن حسين خوانساری (آقا جمال) (م 1125 ق)

جمال الدين ، محمد بن حسين خوانساری (آقا جمال) (م 1125 ق) (1) وی حکیم ، فقیه و محدث شیعی است که نزد پدرش محقق خوانساری و دایی اش محمد باقر محقق سبزواری درس خواند. او در اصفهان به تدریس معقول پرداخت و از علمای طراز اول و رئیس حوزه علمیه اصفهان بود. وی از علامه مجلسی روایت می کند و عده ای از دانشمندان نیز از وی اجازه روایت دارند. (2) آثار زیر در ترجمه و شرح حدیث و ادعیه از اوست: _ ادعیه و زیارات _ ترجمه مفتاح الفلاح _ ترجمه و شرح غررالحکم _ ترجمه الصحيفة السجادية _ ترجمه «الفصول المختارة من العيون و المحاسن» _ الحاشية على [كتاب] من لا يحضره الفقيه _ الحاشية على التهذيب _ شرح حدیث اللبس _ شرح حدیث البيضة _ شرح أحاديث الطينة و التوفيق بينها بما لا يستلزم الجبر _ المزار. (3)

1- تاریخ وفات او را 1122 و 1121 ق ، نیز نوشته اند (موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 12 ، ص 275).

2- رك: مجله علوم حدیث ، ش 11 ، ص 15 _ 135.

3- أعيان الشيعة ، ج 9 ، ص 231 ؛ ریحانة الأدب ، ج 2 ، ص 320 ؛ جامع الرواة ، ج 1 ، ص 320 ؛ طبقات أعلام الشيعة ، ج 6 ، ص 146 ؛ روضات الجنات ، ج 2 ، ص 214 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 12 ، ص 275 ؛ أمل الآمل ، ج 2 ، ص 57 ؛ الذريعة ، ج 4 ، ص 112 ؛ رياض الجنة ، ج 2 ، ص 311 _ 319

محمد بن محمد رضا مشهدي قمی (م 1125 ق)**میر محمد صالح بن عبد الواسع حسینی خاتون آبادی (1126 ق)**

محمد بن محمد رضا مشهدي قمی (م 1125 ق) وی، مفسر و محدث جامع شیعی است که از علامه مجلسی، اجازه روایت دارد. از آثار حدیثی اوست: _ کنز الدقائق و بحر الغرائب (در تفسیر روایی) _ شرح الصحيفة _ شرح الزيارة الرجبية _ شرح دعای صباح. (1)

میر محمد صالح بن عبد الواسع حسینی خاتون آبادی (1126 ق) وی که فقیه و محدث شیعی است و در تفسیر کلام نیز دست داشته، در سال 1058 ق، به دنیا آمد و نزد حسین بن جمال الدین محمد خوانساری و علامه محمد باقر مجلسی و محمد بن حسین شیروانی درس خواند و از علامه مجلسی، اجازه روایت گرفت. سید نور الدین بن نعمه الله جزایری، ابوالحسن بن محمد طاهر فتونی، احمد بن اسماعیل جزایری و سید احمد علوی خاتون آبادی از شاگردان او هستند. وی در سال 1126 ق، در اصفهان درگذشت. از آثار اوست: _ حدائق الجنان (در زیارات) _ حدائق المقرّبین (در احوال ملائکه، پیامبران و ائمه علیهم السلام) _ ذریعة النجاح (در ادعیه و اعمال سال) _ روادع النفوس (در اخلاق و مواعظ) _ شرح [کتاب] من لا يحضره الفقيه _ شرح الاستبصار

1- تلامذة العلامة المجلسی، ص 71؛ الفيض القدسی، ص 100؛ الذریعة، ج 13، ص 306.

حیدر علی بن محمد شیروانی (م بعد از 1129 ق)**محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی (م 1129 ق)**

– شرح حدیث «الهلل إذا طلب فی الشرق غدوة فلم یر» (در باب نوادر التهذیب). (1)

حیدر علی بن محمد شیروانی (م بعد از 1129 ق) وی، خواهر زاده و داماد علامه مجلسی است. او نزد پدرش درس خوانده و از میرزا عبد الله افندی روایت کرده است. شیروانی در علوم مختلف، دست به تألیف زده است و نسبت به اصول عقاید، اهتمام ویژه دارد. او آرای منحصر به فردی دارد که بر اساس گفته ها و اخبار نادر شیعه است، بخصوص در مورد اجتهاد، نظریه خاصی داشت که با نظر اهل اجتهاد و اخباریان، مغایر بود. از آثار اوست: _ الحاشیة علی الکافی _ کتابی در رجال _ رساله ای در فضل اهل بیت (ع) _ رساله ای در شرح حال نواب چهارگانه امام زمان (عج) _ مختصر مصباح المتهدجد _ المزار _ المناقب و المثالب. (2)

محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی (م 1129 ق) وی، عالم و فاضل، دارای انشای نیکو و از شاگردان رضی الدین قزوینی است. (3)

-
- 1- أعيان الشيعة، ج 9، ص 371؛ طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 368؛ تلامذة العلامة المجلسي، ص 110؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 384؛ الذريعة، ج 13، ص 84 و 209 و ج 14، ص 94؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشي، ج 1، ص 413 و ج 16، ص 299؛ بحار الأنوار، ج 102، ص 144 _ 146.
 - 2- أعيان الشيعة، ج 6، ص 274؛ طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 231؛ ريحانة الأدب، ج 5، ص 388؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 116؛ رياض الجنة، ج 2، ص 517 _ 521.
 - 3- تراجم الرجال، ج 3، ص 397.

عبد الله بن عيسى أفندي تبریزی اصفهانی (م 1130 ق)

هفت اثر مربوط به حدیث از وی شناسایی شد: _ جناح النجاح فی شرح دعاء الصباح _ دلیل الدعاء فی شرح عین الحیاة _ ذکر العالمین فی شرح دعاء الصنمین _ رساله ای در احوال رجال قزوین _ شرح الزيارة الرجبية _ شرح الکافی _ عین الحیاة (در دعاهای منقول از ائمه علیهم السلام که مربوط به وقت خاصی نیست).

عبد الله بن عيسى أفندي تبریزی اصفهانی (م 1130 ق) وی در هفت ماهگی، مادر و در هفت سالگی، پدر خود را از دست داد و تحت تربیت برادر بزرگش محمد جعفر قرار گرفت. از دیگر استادان او در فقه، اصول، حدیث و حکمت، حسین بن جمال الدین محمد خوانساری، محمد باقر بن محمد مؤمن سزواری، محمد بن حسن شیروانی، علامه محمد باقر مجلسی، فاضل هندی، سید علی نواب بن وزیر حسین بن رفیع الدین محمد حسینی مرعشی هستند. او بیش از سی سال از عمر خود را در سفر به کشورهای مختلف و دیدار با علما گذراند و از علامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی و... روایت می کند. در اعیان الشیعة، 25 اثر از وی در علوم مختلف، یاد شده است که از جمله آثار مربوط به حدیث وی، موارد زیر است: _ الإجازات _ تعلیقه بر أمل الآمل _ تعلیقه بر نقد الرجال تفرشی

سید بهاء الدین محمد بن محمد باقر حسینی مختاری (1080 _ 1133 ق)

_ حاشیه بر تهذیب الأحكام _ حاشیه بر [کتاب] من لایحضره الفقیه _ حاشیه بر الوافی _ حاشیه بر صحیفه سجادیّه _ حاشیه بر منهج المقال استرآبادی _ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء _ الصحیفه الثالثة السجّادیه _ لسان الواعظین و جنات المتّعظین (در اعمال سال).
(1)

سید بهاء الدین محمد بن محمد باقر حسینی مختاری (1080 _ 1133 ق) وی از فقها و محدثان بزرگ شیعه است که در حدود سال 1080 ق، در اصفهان دیده به جهان گشود. او ملازم علامه مجلسی بود و سالیان دراز، نزد او درس خواند. شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی و بهاء الدین محمد بن حسن اصفهانی (فاضل هندی) از او اجازه روایت دارند. از آثار اوست: _ تعلیقات علی شرح الصحیفه (تألیف سید علی خان مدنی) _ حثیث الفلجة فی شرح حدیث الفرجة _ شرح حدیث عمران صابی _ شرح زیارة الجامعة الکبیره. (2)

-
- 1- أعیان الشیعة، ج 8، ص 64؛ ریاض العلماء، ج 1، مقدمه؛ ریحانة الأدب، ج 4، ص 428؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 191، تلامذة العلامة المجلسی، ص 37.
 - 2- روضات الجنّات، ج 7، ص 121؛ أعیان الشیعة، ج 9، ص 404؛ ریحانة الأدب، ج 1، ص 290؛ طبقات أعلام الشیعة، ج 6، ص 107؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 318؛ تلامذة العلامة المجلسی، ص 70؛ الذریعة، ج 6، ص 248؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 287.

محمد اشرف بن عبد الحسیب علوی عاملی (م 1133 ق)**عبد الله بن صالح سماهیجی بحرانی (م 1135 ق)**

محمد اشرف بن عبد الحسیب علوی عاملی (م 1133 ق) وی محدث متبّع، ادیب و شاعر شیعی، شاگرد علامه مجلسی و نوه میرداماد است. او از ملاً محمد سراب تنکابنی اجازه روایت دارد. از آثار اوست: فضائل السادات _ شرح مشیخه تهذیب الأحكام _ شرح دعاء الصباح _ رجال. (1)

عبد الله بن صالح سماهیجی بحرانی (م 1135 ق) وی فقیه، محدث و ادیب شیعی و از دانشمندان بزرگ اخباری است که در سال 1076 ق، به دنیا آمد. وی، شاگرد شیخ سلیمان ماحوزی است و از او و جمعی از علما، روایت می کند. از دیگر استادان و مشایخ او، محمود بن عبد السلام معنی بحرانی، احمد بن علی بن حسن ساری بحرانی، محمد بن یوسف بحرانی، ناصر بن محمد جارودی خطی، علی بن جعفر بن علی بن سلیمان بحرانی، احمد بن ابراهیم بن احمد عصفوری درازی، ابوالحسن بن محمد طاهر فتونی عاملی، احمد بن اسماعیل جزایری نجفی، سید محمد بن علی بن حیدر عاملی و محمد قاسم اصفهانی هزار جریبی را نام برده اند. وی در تطبیق و جمع اخبار معارض، تبخّر بسیار داشت و در ردّ اهل اجتهاد، افراط می نمود و در جدا کردن مسلک اخباریان و مجتهدان، اصرار فراوان داشت. وی، اشعاری در نکوهش علم اصول و اجتهاد و نیز مدح و ستایش اخباریان سروده است. از نظر او همه قرآن برای مردم (رعیت) متشابه است و از عمل کردن به ظاهر

1- تلامذة العلامة المجلسی، ص 781؛ نجوم السماء، ص 218؛ أعیان الشیعة، ج 9، ص 125؛ الذریعة، ج 10، ص 96 و ج 13، ص 253.

علی بن حسین کربلایی (زنده در 1136 ق)

قرآن، منع می کرد. وی پس از تسلط خوارج بر بحرین در سال 1130 ق، به دنبال دیگر عالمان اخباری بحرین از آن جا مهاجرت نمود و در بهبهان، سکونت گزید و سرانجام در نهم جمادی ثانی سال 1135، در همان جا درگذشت. آثار زیر از وی در این نوشتار ذکر می شود: _ اجازة الحديث _ إرتیاد ذهن النبیه فی شرح [کتاب] من لایحضره الفقیه _ تحفة الرجال و زبدة المقال _ جواهر البحرین فی أحكام الثقلین (جامع روایات کتب اربعه) _ شرح حدیث الأسماء _ الصحیفة العلویة و التحفة المرتضویة _ الکلم الطیب و العمل الصالح و الغیث الصیب و المیزان الراجح (در ادعیه). (1)

علی بن حسین کربلایی (زنده در 1136 ق) وی دارای اطلاعات وسیع در علوم اسلامی است و کتاب ها و رساله های متعددی در علوم مختلف نگاشته است. وی، از شاگردان علامه محمد باقر مجلسی است. کلبعلی بن خانبابا شریف کرهرودی، محمد امین بن محمد علی شریف استرآبادی و آقا الیاس خان بکا، از شاگردان او هستند. از آثار اوست: _ الأربعون حدیثا _ أنوار الهدایة فی التفسیر بالروایة

1- أعیان الشیعة، ج 8، ص 53؛ لؤلؤة البحرین، ص 96؛ روضات الجنّات، ج 4، ص 247؛ طبقات أعلام الشیعة، ج 6، ص 461؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 185؛ فقهای نامدار شیعه، ص 267.

ابو الحسن بن محمد طاهر فتونی اصفهانی (م 1138 یا 1139 ق)

– تنقیح المقال فی خلاصة الرجال – روضة الرضوان فی أعمال شهر رمضان – شرح حدیث «تية المؤمن خير من عمله» – مراد المرید فی ترجمة مزار الشهيد. (1)

ابو الحسن بن محمد طاهر فتونی اصفهانی (م 1138 یا 1139 ق) وی، فقیه اصولی شیعی است که در حدیث و علوم قرآن نیز متبحر است. اصل او از جبل عامل است و در حدود سال 1070 ق، در اصفهان به دنیا آمد. او نزد گروهی از فقها و محدثان، شاگردی کرد و از آنان، اجازه روایت یافت. از آن جمله اند: علامه محمد باقر مجلسی، شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی، سید نعمة الله جزایری، احمد بن محمد بن یوسف بحرانی، قاسم بن محمد کاظمی، محمد حسین بن حسن میسی، عبدالواحد بن محمد بن احمد بورانی، محمود بن علی میمندی و سید محمد صالح خاتون آبادی. وی، در مشهد مقدّس به تدریس و تألیف مشغول بود و عدّه بسیاری از او کسب علم و روایت کرده اند. چهار اثر از وی در حدیث و رجال، عبارت اند از: – تنزیه القمیین – حاشیه بر الکافی – شرح صحیفه سجادیه – نصایح الملوك و آداب السلوك. (2)

1- تراجم الرجال، ج 1، ص 366، ح 667؛ طبقات اعلام الشيعة، ج 6، ص 547؛ تلامذة العلامة المجلسی، ص 42 (ش 55)؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 219؛ الذريعة، ج 2، ص 446 و ج 11، ص 293 و ج 20، ص 296؛ میراث حدیث شیعه، ج 9، ص 305_310.

2- الكنى والألقاب، ج 10، ص 51؛ لؤلؤة البحرين (ش 40)؛ روضات الجنّات، ج 7، ص 142؛ أعيان الشيعة، ج 7، ص 342؛ طبقات اعلام الشيعة، ج 6، ص 174؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 19؛ الذريعة، ج 6، ص 180 و ج 14، ص 113.

يعقوب بن ابراهيم بختياري حويزي (1147 ق)**ياسين بن صلاح الدين بحراني شيرازي (زنده در 1147 ق)**

يعقوب بن ابراهيم بختياري حويزي (1147 ق) وي فقيه و نحوي شيعي است که در شيراز و شوشتر ، نزد سيّد نعمة الله جزايري ، شاگردی نمود. او در فقه ، حديث و ادبيات عرب ، تبخّر يافت و در ديگر علوم نيز دست داشت ، فقه و تفسير تدريس مي نمود ، فتوا مي داد و به تصنيف مي پرداخت. به علّت شتابزدگي در افتا و اعتماد فراوان به روايات شاذ ، آثار فقهی او متروک است. وي عمري طولاني داشت. از جمله شاگردانش سيّد عبد الله بن نورالدين جزايري است. از آثار اوست: _ الأربعون حديثا _ الاعتبار في اختصار الاستبصار _ تفسير صوافي الصافي _ شرح فروع الكافي _ شرح الصحيفة السجادية. (1)

ياسين بن صلاح الدين بحراني شيرازي (زنده در 1147 ق) وي ، فقيه ، محدّث و رجالي شيعي است که امامت جمعه و جماعت را بر عهده داشت و رياست امور قضا و حسبيه در بحرین را در اختيار داشت. پس از هجوم خوارج به بحرین ، به شيراز و اطراف آن پناه برد و در شهر جويم ، سکونت گزيد. وي از محمّد بن يوسف بحراني و عالمان ديگر ، روايت مي کند. سيّد نصر الله بن حسين فائزي ، از او اجازه روايت دارد. آثار زير از اوست:

1- . أعيان الشيعة ، ج 10 ، ص 307؛ طبقات أعلام الشيعة ، ج 6 ، ص 821؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 12 ، ص 434؛ الإجازة الكبيرة ، ص 192.

محمد ابراهيم بن محمد معصوم قزوینی (م 1149 ق)**میر محمد حسین بن محمد صالح خاتون آبادی (م 1151 ق)**

رسالة في عدم اعتبار قول العلماء الرجال لكثرة اشتباهاتهم _ شرح حديث «الشقي، شقي في بطن أمه» _ معين النبيه في رجال [كتاب] من لا يحضره الفقيه. (1)

محمد ابراهيم بن محمد معصوم قزوینی (م 1149 ق) وی، فقیه شیعی و در اصل، تبریزی است که نزد پدرش و محمد بن حسین خوانساری و قاضی جعفر کمره ای درس خوانده و از علامه مجلسی، روایت می کند. تمام عمرش را در تحصیل علوم و به دست آوردن و تصحیح کتاب ها و نسخه ها گذراند. از اوست: _ سلاح المؤمنین (در ادعیه و اذکار مأثور) _ مجموعة الأدعية و الأذکار _ شرح الصحيفة. (2)

میر محمد حسین بن محمد صالح خاتون آبادی (م 1151 ق) وی، یکی از علمای تراز اول شیعه است و نزد عدّه بسیاری از عالمان بزرگ درس خواند و از آنان، روایت می کند که از جمله آنهاست پدرش محمد صالح، جدّ مادری اش علامه محمد باقر مجلسی، جمال الدین محمد بن حسین خوانساری، محمد بن عبد الفتاح سراب تنکابنی، ابوالحسن بن محمد طاهر فتونی، سیّد علیخان بن احمد مدنی، سلیمان بن عبد الله ماحوزی و شاه محمد بن محمد دارابی شیرازی. وی، سال های طولانی منصب «شیخ الإسلام» و اقامه نماز جمعه را در اصفهان به

1- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 430؛ أعيان الشيعة، ج 10، ص 282؛ تراجم الرجال، ج 2، ص 866.

2- موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 343؛ أعيان الشيعة، ج 2، ص 227؛ طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 15؛ تراجم الرجال، ج 2، ص 580؛ تتميم أمل الآمل، ص 52.

احمد بن اسماعیل جزایری (م 1151 ق)

عهده داشت. صالح آبادی، توسط افغان‌ها مورد ضرب و شتم قرار گرفت و زندانی شد و اموال او ضبط گردید. وی، ناگزیر به خاتون آباد (دهی در دوفرسخی اصفهان) کوچ کرد. از آثار اوست: _ الألواح السماویة فی اختیارات أيام الأسبوع و السنة _ خزائن جواهر سلطانی (دعاهای و اعمال روز و شب در دوازده ماه) _ السبع المثانی (در زیارت ائمه عراق علیهم السلام و...) _ فهرس تصانیف المجلسی _ مناقب الفضلاء و ریاض العلماء (اجازه بزرگ او برای زین الدین خوانساری است). _ مفتاح الفرّج (آداب و اعمال استخاره) _ نوروز نامه (آداب و اعمال نوروز). (1)

احمد بن اسماعیل جزایری (م 1151 ق) وی که فقیه، محدث و از مجتهدان بزرگ شیعه است، در خوزستان متولد شد و در نجف، وفات یافت. او از ابوالحسن بن محمد طاهر فتونی، عبد الواحد بن محمد بورانی، صفی الدین بن فخرالدین طریحی، احمد بن محمد بن یوسف بحرانی، حسین بن عبد علی خمایسی، میر محمد صالح بن عبد الواسع خاتون آبادی، محمد قاسم بن محمد صادق استرآبادی و محمد نصیر بن عبد الله بن محمد تقی مجلسی روایت می کند. از آثار حدیثی وی است: _ الحاشیة علی الکافی

1- . موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 364؛ أعیان الشیعة، ج 9، ص 253؛ الإجازة الکبیرة، ص 95؛ روضات الجنّات، ج 2، ص 360؛ بحار الأنوار، ص 102 و 144 _ 146.

سید ابو القاسم جعفر بن حسین خوانساری (م 1158 ق)**سید صدر الدین محمد بن محمد باقر رضوی قمی (م قبل از 1160 ق)**

– شرح تهذیب الأحكام – قلاند الدرر فی بیان آیات الأحكام بالأثر. (1)

سید ابو القاسم جعفر بن حسین خوانساری (م 1158 ق) سید ابوالقاسم خوانساری، موصوف به «جعفر کبیر» – در برابر نوه اش جعفر بن حسین (م 1240 ق) که به «جعفر صغیر» معروف است –، در یکشنبه بیستم صفر 1090 در اصفهان به دنیا آمد. وی در جوانی نزد علامه مجلسی، درس خواند و از او اجازه روایت گرفت. بیشتر تحصیلات وی نزد دایی اش، فقیه متکلم، حسین بن حسن گیلانی و آقا جمال خوانساری بوده است و از محمد صادق بن محمد سراب تنکابنی و محمد طاهر بن مقصود علی اصفهانی روایت می کند. عباس بن حسن بن عباس بلاغی نجفی (م 1178 ق) شاگرد اوست وی در اثر حمله افغان ها به اصفهان در اوایل سال 1132 ق، به خوانسار مهاجرت کرد و در سیزدهم ذی قعدة سال 1158 در قریه قودجان، در سه فرسخی خوانسار، درگذشت. از آثار اوست: _ رجال _ رساله فی شرح دعاء ابي حمزة الثمالي _ المصباح (در ادعیه). (2)

سید صدر الدین محمد بن محمد باقر رضوی قمی (م قبل از 1160 ق) وی از مراجع دینی و محققان شیعه است و در اصفهان، نزد آقا جمال خوانساری و قاضی جعفر کمره ای درس خواند. سپس به قم رفت و به ارشاد و تدریس پرداخت.

-
- 1- أعيان الشيعة، ج 2، ص 479؛ ریحانة الأدب، ج 3، ص 359؛ الإجازة الكبيرة، ص 78؛ لؤلؤة، ص 111؛ طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 29؛ روضات الجنّات، ج 1، ص 86؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 31.
 - 2- تلامذة العلامة المجلسي، ص 15؛ روضات الجنّات، ج 2، ص 197؛ أعيان الشيعة، ج 4، ص 96؛ طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 132؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 84؛ الذريعة، ج 10، ص 104.

عبد الرحيم بن محمد يونس دماوندى (م 1160 ق)

پس از فتنه افغان ها به همدان و از آن جا به نجف رفت و نزد ابوالحسن فتونى و احمد بن اسماعيل جزايرى شاگردى كرد و خود به تدريس و تأليف ، همت گماشت و جاىگاه عظيمى نزد مردم يافت. وحيد بهبهانى ، از شاگردان اوست. وى در 65 سالگى در نجف درگذشت. از آثار اوست: _ ادعية الليلية و الايام _ ادعيه منقول از ائمه عليهم السلام _ احاديث و ادعيه متفرقه _ رسالة فى حديث الثقلين _ شرح حديث «العبودية جوهره كنهها الربوبية». (1)

عبد الرحيم بن محمد يونس دماوندى (م 1160 ق) وى حكيم ، عارف و صوفى بوده و از شاگردان ملاً صادق اردستاني (م 1134 ق) است. سيد عبد الله جزايرى ، درباره او مى گويد: «عالم وارسته و مقبولى بود. او را در مشهد ديدم و در برخى مسائل ، با هم گفتگو كرديم . او امام جماعت در مسجد بود» (2) از آثار اوست: _ شرح حديث «صورتها عارية...» _ شرح حديث «رأس الجالوت» _ شرح حديث عالم علوى _ حاشيه بر الصافى _ شرح حديث الحقيقة

-
- 1- أعيان الشيعة، ج 7، ص 387؛ ریحانة الأدب، ج 3، ص 430؛ روضات الجنّات، ج 4، ص 122؛ طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 382؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 320.
 - 2- طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 425.

اسماعیل بن محمد حسین خواجویی (م 1173 ق)

اسماعیل بن محمد حسین خواجویی (م 1173 ق) وی از حکیمان و متکلمان بزرگ شیعه است که در فقه و حدیث و تفسیر نیز تبهر بسیار داشت. او در درایه و رجال نزد محمد جعفر بن محمد طاهر کرمانی اصفهانی درس خواند و سلسله اجازه اش به فاضل هندی می رسد. ملا محمد مهدی نراقی (م 1209 ق) و آقا محمد بیدآبادی و ابوالقاسم مدرّس اصفهانی و ملا محراب، عارف مشهور، از شاگردان او هستند. وی نزد پادشاهان، محترم و نسبت به اهل بیت علیهم السلام، ولایی خالص بود. خواجویی در شعبان سال 1173، درگذشت و در تخت فولاد اصفهان، دفن گردید. سید محسن امین، درباره او می گوید: «حدود یکصد و پنجاه تألیف در علوم مختلف دارد که بیشتر آنها از نسخه اصل، فراتر نمی رود، بجز شرح الأربعین او که گفته اند همه اش متقن و متین است». امین همچنین می افزاید: «وی، سند خود به روایات را، چنان که روش معمول مؤلفان شرح اربعین است، در ابتدای شرح اربعین خود ذکر نکرده است و به خاطر ترك اسناد خود به معصومان علیهم السلام، عذر خواسته است، عذری نامناسب». (1) از آثار او است: _ الأربعون حدیثا _ بشارات الشیعة _ تعلیقات علی شرح الاربعین حدیثا (از شیخ بهایی) _ حاشیه بر تهذیب الأحكام _ شرح دعاء الصباح (شرح حدیث «ما من أحد یدخله عمله الجنة...»)_ شرح حدیث «إنهم یأنون بکم فإذا غبتم عنهم استوحشوا»

سید عبد الله بن نور الدین جزایری (م 1173 ق)

– شرح حدیث نبوی «أَعْلَمُكُمْ بِنَفْسِهِ أَعْلَمُكُمْ بِرَبِّهِ» – شرح حدیث «لا یموت لمؤمن ثلاثة من الأولاد فتمسه النار إلا تحله القسم» – شرح حدیث «لو عَلِمَ أَبُوذَرٍّ مَا فِي قَلْبِ سَلْمَانَ لَقَتَلَهُ» – شرح حدیث «مَنْ أَحَبَّ نَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَعِدْ لِلْفَقْرِ جَلْبَابًا» – شرح حدیث «تواضئو...» – فوائد فی الرجال.

سید عبد الله بن نور الدین جزایری (م 1173 ق) وی، فقیه، ادیب، شاعر و مورخ شیعی است که در شعبان 1112، در شوشتر به دنیا آمد. وی فقه، حدیث، تفسیر و عربی را نزد پدرش آموخت و از او و گروهی از علما، از جمله: سید احمد علوی خاتون آبادی، شمس الدین بن صفر بصری، سید علی بن عزیز الله موسوی جزایری، محمد رضا بن محمد هادی طبرسی، نظر علی بن محمد امین زجاج شوشتری، یعقوب بن ابراهیم بختیاری، فرج الله بن محمد حسین شوشتری، محمد بن جان احمد دزفولی، سید نصر الله بن حسین فائزی حائری و سید محمد حسین بن محمد صالح خاتون آبادی روایت می کند. عده بسیاری هم نزد او کسب علم کردند. (1) وی آثار متعددی دارد که تعدادی از آنها شرح کتب رجال و حدیث است، مانند: – حاشیه بر شرح الصحیفة السجادیة (ریاض السالکین) از سید علی خان مدنی. – حاشیه بر الأمالی صدوق – حاشیه بر مقدمات الوافی فیض – حاشیه بر الاستبصار

محمد علی بن ابن طالب زاهدی لاهیجی (1130 _ 1180 ق)

– حاشیه بر الأربعون حدیثا شیخ بهایی – حاشیه بر منهج المقال استرآبادی – حاشیه بر نقد الرجال تفرشی – الإجازة الكبيرة. (1)

محمد علی بن ابن طالب زاهدی لاهیجی (1130 _ 1180 ق) وی، جامع فنون و صاحب تصانیف در علوم مختلف بود و در سال 1103 ق، در اصفهان به دنیا آمد. او نزد عالمانی چون: پدرش ابوطالب (م 1127 ق)، خلیل الله طالقانی، محمد طاهر بن حسن قاننی، محمد مسیح بن اسماعیل فسوی و محمد صادق اردستانی درس خواند. بعد از محاصره اصفهان توسط افغان ها، برای زیارت به عتبات مقدّس عراق رفت و حج به جا آورد و سپس به بحرین، بندرعباس و هند رفت و در بنارس، ماندگار شد تا این که در سال 1180 ق، درگذشت. از آثار اوست: – آداب معاشرت – ادعیه و ادویه – ترجمه دعای مشلول – ترجمه دعای صباح – ترجمه دعای جوشن صغیر – ترجمه دعای معروف به «علوی مصری» – جوامع الآداب – الدعوات الصالحات و الأسماء الحسنی – دعوة الأسماء و الأذکار

1- روضات الجنّات، ج 4، ص 257؛ أعيان الشيعة، ج 8، ص 87؛ ریحانة الأدب، ج 3، ص 115؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 199 _ 201.

— سبب الاختلاف في الأخبار وبيان طريق جمعها — شرح بعض خطب أمير المؤمنين عليه السلام — شرح حديث «معنى الصمد» — شرح حديث «عرفت الله بفسخ العزائم» — شرح دعای عرفه — شرح عیون أخبار الرضا علیه السلام — شرح مصباح الشریعة — مختصر الدعوات و الزیارات. (1)

یوسف بن احمد بحرانی (صاحب حدائق) (م 1186 ق) وی، فقیه و محدث بزرگ شیعه است که در سال 1107 ق، در قریه ماحوز بحرین به دنیا آمد و نزد پدرش و حسین بن محمد جعفر ماحوزی، درس خواند. وی از رفیع الدین محمد بن فرج (افرخ) گیلانی مشهدی، سید عبد الله بن علوی بحرانی، سید بحر العلوم، محمد مهدی فتونی و ملا مهدی نراقی روایت می کند. بحرانی، از سال 1135 ق، به ایران آمد و در شهرهای مختلف، از جمله کرمان، شیراز و فسا اقامت داشت و به تدریس و تصنیف و اقامه جماعت، مشغول بود و پیش از سال 1169 ق، به کربلا (از مراکز علمی بزرگ آن روزگار) رفت. شیخ یوسف، مناظرات بسیاری با وحید بهبهانی داشت که در نتیجه، وی از رویه اخباری محض به شیوه ای معتدل (مانند روش علامه مجلسی) روی آورد که در این باره، در فصل اول، مطالبی بیان شد. او شاگردان بسیاری تربیت کرد و تألیفات فراوانی دارد. آثار زیر در زمینه حدیث و رجال از اوست:

-
- 1- أعيان الشيعة، ج 1، ص 176؛ طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 515؛ ریحانة الأدب، ج 2، ص 41 موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 388؛ الذريعة، ج 10، ص 133 و ج 14، ص 135 و ص 68؛ مفاخر اسلام، ج 7، ص 207 _ 351.

سید شبر بن محمد مُشعشی (م ح 1190 ق)

_ أربعون حديثًا _ اجازة الحديث _ الحدائق الناضرة في الأحكام العترة الطاهرة (1) _ الفوائد الرجالية _ لؤلؤة البحرين في الاجازة لقرتي العين _ معراج النبيه في شرح [كتاب] من لا يحضره الفقيه. (2)

سید شبر بن محمد مُشعشی (م ح 1190 ق) وی، فقیه و محدث شیعی است که در ربیع اول 1122 در هویزه به دنیا آمد. از مشایخ او سید نصر الله بن حسین حسینی حائری، احمد بن اسماعیل جزایری و پسرش سعد بن احمد جزایری، سید محمد بن عبد الکریم حسنی طباطبایی، یوسف بن احمد بحرانی، حسین بن محمد ماحوزی، سید رضی الدین بن محمد بن علی موسوی عاملی مکی، سید عبد العزیز بن احمد موسوی نجفی. سید کاظم عمیدی نجفی و سید صدر الدین بن محمد باقر رضوی قمی را می توان نام برد. سید شبر، علاوه بر فقه و حدیث، به انساب و رجال نیز آگاه بود و در علوم دیگر نیز دست داشت. او در امر به معروف، کوشا بود، چنان که با لشکری ده هزار نفری بر ضد سپاه عثمانی قیام کرد. وی در حدود سال 1190 ق، در نجف اشرف درگذشت. آثار او به طور عمده در فقه است و در حدیث و رجال نیز آثار زیر را از او می توان نام برد: _ الأربعون حديثًا

1- این کتاب ارزشمند، یک دوره فقه شیعی است که مؤلف توانای آن، مستندات روایی خود را در آن می آورد، چنان که به کتاب حدیثی شبیه گردیده است.

2- روضات الجنات، ج 8، ص 203؛ أعيان الشيعة، ج 10، ص 317؛ طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 828؛ منتهی المقال، ج 7، ص 74؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 436؛ لغت نامه دهخدا، یوسف.

عبد النبي بن محمد (اوچاق قلی ، شرف الدین) طسوجی تبریزی (م 1203 ق)

– حاشیه بر الکافی – تعلیقاتی بر مجمع البحرین – فهرست وسائل الشیعة – مختصر رجال مجلسی. (1)

عبد النبي بن محمد (اوچاق قلی ، شرف الدین) طسوجی تبریزی (م 1203 ق) اوفقیه و محدث شیعی است که در علوم مختلف دست داشت و در سال 1117 ق ، در طسوج یا خوی به دنیا آمد و نزد سید محمد لاهیجی در لاهیجان و نزد محمد رفیع بن فرج گیلانی (شاگرد علامه مجلسی و م 1155 ق) در مشهد ، درس خواند. سید محمد حسن زنوزی ، از شاگردان اوست. وی در سال 1196 ق ، به عراق رفت و در 1203 ق ، در کربلا ، بدرود حیات گفت. وی ، حواشی متعددی بر کتب حدیث دارد ، از جمله: – حاشیه علی الکافی – حاشیه علی تهذیب الأحکام – حاشیه علی [کتاب] من لایحضره الفقیه – الرد علی نواقص الروافض مخدوم بن عبد الباقی – شرح نهج البلاغة – شرح الصحیفة السجادية – حاشیه علی کتاب السماء و العالم من بحار – شرح معانی الأخبار. (2)

-
- 1- أعيان الشيعة، ج 7، ص 330؛ طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 332؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 140.
 - 2- أعيان الشيعة، ج 8، ص 126؛ ریحانة الأدب، ج 4، ص 56؛ مفاخر آذربایجان، ج 1، ص 115؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 375؛ الذريعة، ج 14، ص 72؛ فهرست مشاهیر ایران، ج 2، ص 193.

محمد باقر بن محمد اکمل (وحید بهبهانی) (م 1205 یا 1206 ق)**محمد رضا بن عبد المطلب تبریزی (م ح 1208 ق)**

محمد باقر بن محمد اکمل (وحید بهبهانی) (م 1205 یا 1206 ق) وی، از علمای بزرگ و مرجع شیعه در عصر خود است که در سال 1117 ق، در اصفهان، متولد شد و نزد پدرش و دیگر عالمان بزرگ، از جمله سید صدرالدین محمد بن محمد باقر قمی همدانی نجفی و سید محمد بن عبد الکریم طباطبایی (جدّ سید مهدی بحر العلوم) درس خواند. او از بهبهان به کربلا (مرکز اخباریان آن روز) رفت و با تدریس اصول و برپایی مناظرات، جریان اخباریگری را به شکست وا داشت. وحید، شاگردان مبرز بسیاری تربیت کرد که از آن جمله اند: سید بحر العلوم، شیخ جعفر کاشف الغطاء، ملا مهدی نراقی، سید محمد مهدی شهرستانی، سید علی صاحب ریاض، ابو علی حائری، میرزای قمی، سید دلدار علی نقوی و حجة الاسلام شفتی. (1) وحید، کتاب های متعددی نگاشت که از آن جمله است: _ حاشیه بر منهج المقال _ تعلیقه بر رجال سید مصطفی خوئی _ شرح الفوائد الرجالية _ الحاشیه علی التهذیب _ الحاشیه (شرح) علی الوافی _ شرح حدیث «بِمَ يُعْرَفُ النَّاجِي» (2)

محمد رضا بن عبد المطلب تبریزی (م ح 1208 ق) وی، فقیه، محدث، خطیب و شاعر شیعی است و نزد پدرش عبد المطلب و فقهای

1- .رك: موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 530.

2- .موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 529؛ روضات الجنّات، ج 2، ص 94؛ الكنى والألقاب، ج 2، ص 109؛ ريحانة الأدب، ج

1، ص 309؛ أعيان الشيعة، ج 9، ص 182؛ الذريعة، ج 13، ص 193 و...

فضلعلی بیگ بن شاهوردی بن خلف توشمال باشی (ق 12 ق)

بزرگ کربلا و نجف (مانند: محمّد مهدی فتونی عاملی نجفی، محمّد باقر هزار جریبی و محمّد باقر بن محمّد اکمل بهبهانی) درس خواند. سپس به تبریز بازگشت و به وعظ و خطابه پرداخت و امامت جماعت را بر عهده گرفت و مدّتی در شیراز، قاضی لشکر کریم خان بود. وی در حدود سال 1208 ق، در قزوین درگذشت. از آثار اوست: _ الشفا فی أخبار آل المصطفی (جامع حدیثی بزرگ) _ الشافی الجامع بین «البحار» و «الوافی». (1)

فضلعلی بیگ بن شاهوردی بن خلف توشمال باشی (ق 12 ق) وی، شاگرد علامه مجلسی است و از مجلسی، سیّد ماجد بن هاشم بحرانی و شیخ محمّد بن حسن صاحب معالم، روایت نقل می کند. برخی از شهرت او به «توشمال باشی» که در دربار صفویان، مقام رئیس مباشران مطبخ یا خوان سالار عالی شاه ایران بود، احتمال داده اند که وی خوان سالاری دربار صفوی را به عهده داشته است. از آثار اوست: _ الأوفی (جامع بزرگ حدیثی) _ تبصرة الأعیاد السلیمانیة (در آداب مستحبات به مربوط به اعیاد) _ کنز الحق (شامل دعاهاى الأوفی) _ مصباح الهدی (تلخیص کنز الحق) _ العروة الوثقی (تلخیص مصباح الهدی به فارسی) _ مقالید الفلاح (مختصر مصباح الهدی با حذف اسانید)

1- أعيان الشيعة، ج 9، ص 333؛ الذريعة، ج 14، ص 199؛ مفاخر، ج 1، ص 116؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 581.

حسن بن عباس بلاغی (ق 12 ق)**عبد الله بن نور الله بحرانی (ق 12 ق)**

– مزار رضوی (آداب زیارت امام رضا علیه السلام و سایر معصومان علیهم السلام، به فارسی). (1)

حسن بن عباس بلاغی (ق 12 ق) وی، رجالی، فقیه و اصولی بزرگی بود که در حدیث، تبخر بسیار داشت. وی، نزد پدرش و محمد بن حسن شیروانی، کسب علم نمود و از عبد علی بن محمد خمایسی نجفی (م 1084 ق) و علی بن زین الدین بن محمد بن حسن بن شهید ثانی اجازه روایت دارد. از اوست: شرح الصحيفة السجادية (در دو مجلد) – تعلیقات رجالی و فقهی بر الاستبصار – تنقیح المقال فی کیفیت طریق الاستدلال. (2)

عبد الله بن نور الله بحرانی (ق 12 ق) وی، محدث شیعی و از شاگردان علامه محمد باقر مجلسی است که بیست سال نزد وی شاگردی نمود و از او اجازه روایت دارد. وی، کتاب عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال را که شامل یکصد کتاب در 129 جزء است، از بحار الأنوار اخذ نمود و با تنظیمی دقیق، تدوین کرد. شیخ آقا بزرگ تهرانی، این کتاب را جامع تر و بزرگ تر از بحار الأنوار دانسته است. عده ای نیز بر او خرده گرفته اند و کتاب او را اصلاح و اقتباسی نامطلوب از بحار الأنوار شمرده اند. (3)

-
- 1- طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 439؛ تلامذة العلامة المجلسی، ص 48؛ الذریعة، ج 26، ص 70؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 2، ص 138؛ وقایع السنین و العوام، ص 542؛ مجله علوم حدیث، ش 6، ص 282 – 288.
 - 2- طبقات أعلام الشيعة، ج 6، ص 162؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 12، ص 94؛ أعيان الشيعة، ج 5، ص 139.
 - 3- الذریعة، ج 15، ص 356 – 357؛ تلامذة العلامة المجلسی، ص 38.

محمد بن محمد تقی حسینی موسوی شیرازی (ق 12 ق)**محمد باقر بن محمد تقی حسینی رضوی اصفهانی (ق 12 ق)****قرن سیزدهم****سید محمد مهدی بن مرتضی طباطبایی (بحرالعلوم) (م 1212 ق)**

محمد بن محمد تقی حسینی موسوی شیرازی (ق 12 ق) وی، که «رضی الدین» خوانده می شد، نزد صالح بن عبد الکریم، شیخ حرّ عاملی و قاسم بن محمد کاظم، درس خواند و از آنان، اجازه روایت دارد. او عنایت ویژه ای به احادیث اهل بیت علیهم السلام داشته و در مسجدی در تخت فولاد، امام جماعت بوده است. کتاب حدیثی بزرگ جامع الأحکام فی مسائل الحلال و الحرام، از اوست. (1)

محمد باقر بن محمد تقی حسینی رضوی اصفهانی (ق 12 ق) وی از عالمان اخباری مقیم اصفهان است و فقه و حدیث را از میرزا محمد تقی الماسی آموخت و در سال 1152 ق، از او اجازه روایت گرفت. از دیگر مشایخی که وی از آنان اجازه روایت دارد، پدرش میرزا محمد تقی شریف رضوی، شیخ یوسف بحرانی، میرزا محمد رحیم شیخ الاسلام، محمد بن محمد زمان کاشانی و شیخ ابوالحسن شریف تونی را می توان نام برد. وی، مشارق المجتهدین فی الأحکام المأثورة را در سال 1181 ق، تألیف کرده است. (2)

قرن سیزدهم سید محمد مهدی بن مرتضی طباطبایی (بحرالعلوم) (م 1212 ق) وی که علامه ذوفنون و مرجع شیعیان در دوره خود بود، در شوال 1155، در کربلا به دنیا آمد و نزد پدرش سید مرتضی، محمد باقر وحید بهبهانی، شیخ یوسف بن احمد بحرانی، محمد مهدی فتونی، محمد تقی دروقی، محمد باقر هزار جریبی و سید محمد مهدی بن هدایة الله خراسانی شهید، (3) درس خواند.

1- تراجم الرجال، ج 2، ص 11؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 14، ص 75.

2- تراجم الرجال، ج 2، ص 60.

3- سید محمد مهدی، علوم فلسفه و کلام را نزد وی آموخت. استاد از افق بلند و وسعت علم سید به شگفت آمد و او را به «بحرالعلوم» ملقب ساخت (موسوعة الطبقات الفقهاء، ج 13، ص 637).

محمد بن اسماعیل مازندرانی (ابو علی حائری) (م 1216 ق)

سید بحر العلوم، از نظر مراتب سیر و سلوک نیز ممتاز بود. وی، شاگردان بسیاری تربیت کرد که پسرش سید محمد رضا، جعفر بن خضر جناحی نجفی (کاشف الغطاء)، زین العابدین سلماسی، سلیمان بن احمد قطفی، سید عبد الله بن محمد رضا شبر، سید محمد جواد عاملی، سید محسن بن حسن اعرجی و سید محمد رضا شبر از آن جمله اند. از آثار اوست: _ الفوائد الرجالية (در ردّ اخباریان، معروف به رجال سید بحر العلوم) _ ارجوزه ای درباره اصحاب اجماع _ اجازة الحديث و چند اجازة دیگر. (1)

محمد بن اسماعیل مازندرانی (ابو علی حائری) (م 1216 ق) وی فقیه و رجالی شیعی است که در ذی حجه 1159 در کربلا به دنیا آمد. به گفته او نسبش به ابن سینا می رسد. حائری، کمتر از ده سال داشت که پدرش از دنیا رفت و او زندگی را به سختی گذراند. وی نزد وحید بهبهانی و سید علی بن محمد علی طباطبایی، صاحب ریاض، درس خواند. از آثار اوست: _ رساله عقد اللاکی البهیه (در ردّ اخباریان) _ معائب النواصب فی الردّ علی نواقض الروافض _ منتهی المقال فی أحوال الرجال (رجال بوعلی). (2)

1- أعيان الشيعة، ج 10، ص 158؛ روضات الجنّات، ج 7، ص 203؛ ريحانة الأدب، ج 1، ص 234؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 636.

2- أعيان الشيعة، ج 9، ص 124؛ ريحانة الأدب، ج 7، ص 210؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 455؛ الذريعة، ج 10، ص 233.

محمد علی بن محمد باقر کرمانشاهی (1144 _ 1216 ق)**محمد حسن بن عبد الرسول حسینی زنوزی (1172 _ 1218 ق)**

محمد علی بن محمد باقر کرمانشاهی (1144 _ 1216 ق) وی، فقیه بزرگ شیعه و جامع معقول و منقول است و نزد پدرش و شیخ یوسف بحرانی و دیگر علما، درس خواند، در کرمانشاه ساکن شد و در آن جا، جایگاهی بلند یافت. از آثار اوست: _ حاشیه علی نقد الرجال _ رساله فی أحوال الصحابة _ رجال آقا محمد علی _ سنة الهداية لهداية السنة _ معترك الأقوال فی أحوال الرجال. (1)

محمد حسن بن عبد الرسول حسینی زنوزی (1172 _ 1218 ق) وی، رجالی بزرگ شیعه است و ابتدا نزد ملا محمد شفیع گلپایگانی تبریزی و شیخ عبد النبی بن محمد طسوجی درس خواند. او در سال 1195 ق، به عتبات مقدس عراق رفت و در محضر دانشمندان متعددی از جمله وحید بهبهانی، میرزا محمد مهدی شهرستانی، سید علی صاحب ریاض، تحصیل نمود. زنوزی، در سال 1203 ق، به مشهد مقدس مشرف شد و دو سال نزد میرزا مهدی شهید، شاگردی کرد، در سال 1205 ق، مدتی به اصفهان رفت، سپس به خوی بازگشت و به تألیف، مشغول گردید. او شعر نیز می سرود و «فانی» تخلص می نمود. از آثار اوست: _ روضة الآمال فی ترجمة زبدة الأعمال _ ریاض الجنة (در تراجم و رجال) (هشت مجلد)

1- أعيان الشيعة، ج 10، ص 25؛ روضات الجنات، ج 7، ص 150؛ ريحانة الأدب، ج 3، ص 398؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 614.

ابو القاسم بن حسن (محمد حسن) گیلانی (میرزای قمی) (م 1231 ق)

زبدة الأعمال فی الأدعية و الآداب _ شرح الاستبصار _ وسيلة النجاة فی الأدعية و الأوراد وی کتابی با عنوان بحر العلوم نیز دارد که فارسی ملمّع و بدون ترتیب مانند کَشکول است که از فواید هر علمی در آن آورده و هفت مجلد است. (1)

ابو القاسم بن حسن (محمد حسن) گیلانی (میرزای قمی) (م 1231 ق) وی فقیه، مجتهد، اصولی پُر اطلاع و ملقب به «محقق قمی» است و در سال 1150 ق، در جاپلق از توابع بروجرد به دنیا آمد. نزد پدرش و سید حسین بن جعفر خوانساری (م 1191 ق) و وحید بهبهانی درس خواند و از آنان و محمد مهدی بن محمد فتونی و محمد باقر بن محمد باقر هزار جریبی روایت می کند. وی، سرانجام در قم ساکن شد و به تدریس و تألیف و ارشاد، مشغول شد تا به مرجعیت رسید، چنان که در فصل اول گذشت. وی در مخالفت با صوفیه، شدت بسیار به خرج می داد. او شاگردان بسیاری تربیت کرد و کتاب های فراوان، تألیف نمود که از آن جمله است: _ رساله فی معرفة مشایخ الإجازة من الرواة _ شرح حدیث «رأس الجالوت» _ شرح حدیث «أمر ابليس أن يسجد لآدم» _ شرح حدیث «أنا الطّین» _ شرح حدیث «هل رأيت رجلاً» _ شرح جمله ای از «خطبة البيان» _ فتحیه (در بیان نکته ای در خطبه امام جواد علیه السلام). (2)

-
- 1- الذریعة، ج 3، ص 42 و 90 و ج 11، ص 322 و ج 13، ص 84؛ ریاض الجنة، ج 2، ص 397.
 - 2- أعیان الشیعة، ج 2، ص 411؛ ریحانة الأدب، ج 6، ص 68؛ موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 2، ص 514؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 51.

سید محمد بن عبد النبی اخباری (م 1232 ق)

سید محمد بن عبد النبی اخباری (م 1232 ق) وی، فقیه، محدث، متکلم شیعه و از عالمان مشهور اخباری و سخت متعصب است که در سال 1178 ق، در هند به دنیا آمد. او در سال 1198 ق، به حج رفت و از آن جا عازم عراق گردید و در نجف، کاظمین و کربلا اقامت گزید و نزد سید محمد مهدی شهرستانی، درس خواند و از او و محمد علی بن محمد باقر بهبهانی و موسی بن علی بحرانی، اجازه روایت دارد. اخباری، در اثر فشار اصولیان، ناگزیر شد عراق را ترک کند و به ایران بیاید. وی، مدتی در مشهد و تهران بود (1) و باز ناچار شد به عراق باز گردد و در کاظمین بماند. سرانجام، داوود پاشا، رقیب اسعد پاشا در کار وزارت، چون از رابطه دوستانه اسعد پاشا با میرزا محمد و قدرت میرزا آگاه شد، ترسید و با بهانه اختلافات اخباریان و اصولیان، با شورانیدن نهانی او باش بغداد بر ضد میرزا محمد، باعث شد تا او و پسر بزرگش سید احمد کشته شوند. میرزا محمد، بیش از هشتاد اثر از خود به جای گذاشته است که در بسیاری از آنها مخالفت با اجتهاد را و جبهه همت خود قرار داده است که آن جمله است: _ اجازه به محمد باقر بن محمد علی _ اجازة الحدیث _ البنیان المرصوص بالبراهین و النصوص

1- با توجه به توانایی او در علم اعداد، طلسمات، تسخیر ارواح و... امنای دربار پادشاه ایران در سال 1218 ق، از او خواستند که در قتل ایشپخدر، تدبیری بیندیشد. او قبول کرد و چهل روز مهلت خواست تا سر او را برای شاه حاضر کند و خود در بقعه حضرت عبد العظیم به کنجی رفت و به گفتن ذکر و اوراد مشغول شد تا این که در موعد تعیین شده، وعده او عملی شد. امنای شاه، از کار او به وحشت افتادند و با ترفندی از شاه خواستند او را با احترام، روانه عتبات مقدس کند (ناسخ التواریخ، قاجاریه، ج 1، ص 142).

– تقويم الرجال – حرمة التباكو و القهوة – الحكمة البالغة – الدمدمة الكبرى في الردّ على الزنادقة الصغرى – رجال النيسابورى – رجال
جراد (در ادعيه) – شرح دعاء العديلة – الصارم البتار لقد الفجار وقسط الأشرار و الكفار (در شش مجلد) – الصيحة بالحق على من الحد
و تزندق (در ردّ حق المبين كاشف الغطاء) – صحيفة أهل الصفاء فى ذكر أهل الاجتباء و الاصطفاء – الكتاب المبين و النهج المستبين
(در فضائل معصومان عليهم السلام) – كليات الرجال – كوثر الأسرار فى شرح معضلات الأخبار – مصادر الأنوار فى تحقيق الاجتهاد و
الأخبار – مفتاح النبىه فى شرح «الفقيه» – منيع المرتاد فى ذكر نفاة الاجتهاد – معاول العقول لقلع «أساس الأصول سيّد دلدار على نقوى
(1) – نتيجة الخلف فى ذكر السلف (در رجال) (2)

1- الذريعة، ج 10، ص 182_183 و 226 و ج 7، ص 1822 .

2- روضات الجنّات، ج 7، ص 127؛ أعيان الشيعة، ج 9، ص 173؛ تراجم الرجال، ج 1، ص 524؛ ريحانة الأدب، ج 1، ص 85؛
موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 480؛ ناسخ التواريخ، قاجاريه، ج 1، ص 141_142.

محمد کاظم بن محمد شفیع هزار جریبی (م ح 1238 ق)**احمد بن زین الدین احسائی (م 1241 ق)**

برخی از این آثار در فصل اول نیز به مناسبت بحث اخباریگری یاد شد.

محمد کاظم بن محمد شفیع هزار جریبی (م ح 1238 ق) وی از دانشمندان بزرگ شیعه است که در کربلا، نزد وحید بهبهانی درس خواند و از او و سید محمد مهدی شهرستانی و سید علی بن محمد علی صاحب ریاض، روایت می کند. او به علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام توجه ویژه ای داشت. از آثار اوست: _ الأربعون حدیثا _ تحفة المجاورین _ جواهر الأخبار و معتقد الأخیار (در امامت) _ درر الأخبار _ الدرر الصافیة فی ترجمة بعض الكلمات القصار لأمیر المؤمنین علیه السلام _ السراج المنیر فی الفوائد الرجالیة _ محک ایمان در اخلاق مؤمنان _ معارف الأنوار _ معارف الأئمة علیهم السلام . (1)

احمد بن زین الدین احسائی (م 1241 ق) شرح حال وی در فصل اول گذشت. او بر احادیث متعددی شرح دارد که عمده آنها در کتاب جوامع الكلم (2) به چاپ رسیده و از آن جمله است: _ اجوبة مسائل الشيخ محمد القطیفی (در شرح چند روایت مشکل)

-
- 1- أعيان الشيعة، ج 10، ص 42؛ روضات الجنّات، ج 7، ص 200؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 624؛ الذريعة، ج 5، ص 259 و ج 8، ص 127 و 117. آثار دیگری نیز در حدیث و رجال دارد.
 - 2- شامل 92 رساله و دوازده قصیده شیخ احمد احسائی، به خط احمد بن محمد خوش نویس و... در تبریز به سال 1376 ق، در دو مجلد به قطع رحلی، چاپ سنگی شده است.

سیّد عبد الله بن محمد رضا شبر (م 1242 ق)

_ أجوبة مسائل بعض العلماء (درباره روایات متعارض) _ أجوبة مسائل من اصفهان (شرح حدیث) _ أجوبة المسائل الثلاث (شرح حدیث) _ اجازات الشيخ أحمد الأحسانی _ شرح الأحادیث _ شرح حدیث «بنا عرف الله...» _ شرح حدیث «خلف الأسماء...» _ شرح حدیث «لولاك لما خلقت الأفلاك» _ شرح حدیث «رأس الجالوت» _ شرح حدیث «إنّ الزّمان كهیئة يوم خلق السموات» _ شرح حدیث «العبودية جوهرة كنهها الربوبية» _ شرح حدیث «إن المیت یلی جسده...» _ شرح حدیث «من عرف نفسه ، فقد عرف ربّه» _ شرح الزيارة الجامعة الكبيرة. (1)

سیّد عبد الله بن محمد رضا شبر (م 1242 ق) وی ، فقیه ، اصولی ، محدّث ، مفسّر و از شخصیت های علمی بارز شیعه است که در سال 1188 ق ، در نجف اشرف در خانواده آل شبر از خانواده های علمی مشهور عراق به دنیا آمد. وی نزد پدرش سیّد محمد رضا ، سیّد محسن بن حسن اعرجی ، اسد الله بن اسماعیل شوشتری و دیگر عالمان دینی درس خواند و از سیّد محسن اعرجی و

1- أعيان الشيعة، ج 2، ص 589_ 593؛ لغت نامه دهخدا، ذیل: «احمد احسائی»؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 3، ص 136_ 137.

شیخ جعفر کاشف الغطاء و شیخ احمد احسائی و دیگران ، اجازہ روایت دارد. سید شبر ، از دانشمندان پُرکار است و در دوره خود ، به «مجلسی ثانی» معروف بود و شاگردان بسیاری نیز داشت. شبر در رجب سال 1242 ، بدرود حیات گفت و در رواق مطہر حرم امام کاظم و امام جواد علیہما السلام دفن گردید. اینک ، بیش از چهل اثر از وی آورده می شود : _ أحسن التقویم فیما یتعلّق بالنجوم علی حسب ما ورد فی الشرع الأقدس _ الأربعون حدیثا _ إرشاد المستبشر فی الاستخارات _ الأصول الأصلية و القواعد المستنبطة من الآیات و الأخبار المروية _ أعمال الأسبوع _ الأنوار اللامعة فی شرح الزيارة الجامعة _ الأنوار الساطعة فی العلوم الأربعة (معارف پنجگانه دین ، اخلاق ، عجائب المخلوقات و فقه) _ أنیس الزائر _ أنیس الذاکرین _ البلاغ المبین فی أصول الدین _ تحفة الزائر _ تسلیة الفؤاد فی فقد الأولاد _ جامع المعارف و الأحکام _ جامع المقال فی معرفة الرواة و الرجال _ جلاء العیون (ترجمه عربی جلاء العیون علامه مجلسی در زندگی معصومان علیهم السلام)

_ الجوهر الثمين فى تفسير القرآن المبين _ الحقّ اليقين فى معرفة أصول الدين _ الخاتمة الرجالية _ الدرر المنثورة و الكلمات المأثورة _
 درر الآثار و الأخبار (تلخيص دوم جامع المعارف) _ روضة العابدين و نزهة الذاكرين (در دعا و اعمال سال) _ زينة المؤمنين و أخلاق
 المتقين _ سلاح العابدين _ شرح طبّ الرضا عليه السلام _ شرح نهج البلاغة الكبير (نخبة الشرحين) (گزیده دو شرح ابن ابى الحديد و
 ابن ميثم بحراني با تعليق) _ شرح نهج البلاغة الصغير _ صفوة التفاسير _ طبّ الأئمة عليهم السلام (شامل روايات مربوط به بهداشت) _
 الطبّ المروى _ عجائب الأخبار و نوادر الآثار _ علم اليقين فى طريقة القدماء و المحدثين _ قصص الأنبياء على ما روى عن الأئمة
 المعصومين عليهم السلام _ كشف الحجاب للدعاء المستجاب (در شرح دعای سمات) _ كشف المحجّة فى شرح خطبة اللمة _
 الكليات الرجالية

عبد النبي بن علي شيبی کاظمی عاملی (م 1256 ق)

_ مزار _ مسکن الفؤاد فی روایات المبدأ و المعاد _ مصابیح الأنوار فی حلّ مشکلات الأخبار _ ملخص جامع المعارف والأحكام _ ملخص المقال فی أحوال الرجال _ منتخب جلاء العیون _ منهج السالکین و زاد العارفين (در اخلاق) _ نهج العارفين (در اخلاق) ، به فارسی) شیخ عبد النبي کاظمی ، شاگرد سید شبر ، شرح حال مفصل او و تألیفاتش را که نزدیک به شصت عنوان است ، در تکمله نقد الرجال ، ذکر کرده است. شایان ذکر است که سید عبد الله شبر ، با این همه عنایت و توجه به احادیث و روایات اهل بیت عصمت و طهارت ، اخباری مسلک نیست و روش مجتهدان اصولی را بر حق می داند. دو کتاب وی که شاهد این مدعاست ، عبارت است از : منية المحصلين فی حقیة طريقة المجتهدين و بغية الطالبين فی حقیة طريقة المجتهدين. (1)

عبد النبي بن علي شيبی کاظمی عاملی (م 1256 ق) وی ، دانشمند و محقق شیعی و آگاه به فقه ، اصول ، حدیث و رجال بوده و در سال 1198 ق ، در کاظمین به دنیا آمد. او نزد سید محمد رضا ، سید عبد الله شبر و اسد الله بن اسماعیل شوشتری درس خواند و کوشید تا در بسیاری از علوم ، توانا

1- الذریعة ، ج 3 ، ص 135 (ش 457) و ج 23 ، ص 208 (ش 8655) ؛ روضات الجنّات ، ج 4 ، ص 261 ؛ أعيان الشيعة ، ج 8 ، ص 82 ؛ ريحانة الأدب ، ج 3 ، ص 175 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 370 .

محمد بن محمد حسن مشهدی (م 1257 ق)

گردید. وی، بعد از 1244 ق، به قریه جویا در ساحل صور رفت و در آن جا جایگاه بلندی یافت. محمد حسن بن یاسین کاظمی، از شاگردان اوست و احمد بن محمد بن احمد حرّ عاملی، از او اجازه روایت دارد. آثار زیر از اوست: _ اختصار الإقبال فی أعمال السنّة _ تحفة المسافر فی آداب السفر _ تکملة نقد الرجال للتفرشی _ الحقّ الحقیق فی الردّ علی الأخباریة. (1)

محمد بن محمد حسن مشهدی (م 1257 ق) وی، از فقهای شیعه است که در مشهد مقدّس به دنیا آمد و در عراق، نزد عالمانی چون کاشف الغطاء و سیّد علی صاحب ریاض، درس خواند. او پس از بازگشت به مشهد، کتاب خانه بزرگی تأسیس کرد و به تدریس و تألیف پرداخت و عدّه بسیاری از علم او بهره جستند. وی، توجّه ویژه ای به شاگردانش داشت. از آثار اوست: _ شرح حدیث «رأس الجالوت» _ شرح طبّ الرضا علیه السلام (کنز الذهب) _ گل جعفری (ترجمه «رساله إهلیلیجیه») _ مرشد الخواص (در حلّ برخی آیات و روایات مشکل و گزیده ای از ادعیه و زیارات). (2)

1- أعيان الشيعة، ج 8، ص 127؛ تنقيح المقال، ج 2، ص 232؛ مصفّی المقال، ص 255؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 373.

2- أعيان الشيعة، ج 9، ص 141؛ تاريخ علمای خراسان، ص 84؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 457؛ میراث حدیث شیعه، دفتر دوم، ص 235.

سید کاظم بن قاسم رشتی (م 1263 ق)**محمد جعفر بن سیف الدین استرآبادی (شریعتمدار) (م 1263 ق)**

سید کاظم بن قاسم رشتی (م 1263 ق) وی فقیه شیعی و رئیس شیخیه بعد از شیخ احمد احسائی است که در سال 1212 ق، در رشت به دنیا آمد و در کربلا، نزد شیخ احمد احسائی، شاگردی کرد و از خواص او گردید و در ترویج مرام او سعی فراوان نمود. او از سب فقهای اصولی، ابایی نداشت و در یازدهم ذی حجه 1263 و به قول دیگر 1259 ق، در کربلا درگذشت. در فصل اول نیز به گوشه هایی از افکار او اشاره شد. بیش از هشت اثر وی در شرح احادیث و ادعیه بدین قرار است: *الخطبة الشَّقْشَقِيَّة* و شرحها - شرح دعاء السمات - شرح حدیث «عمران صابی» - شرح حدیث «هل رأيت رجلاً...» - شرح دعاء «إلهي هب لي كمال الانقطاع إليك» - شرح حدیث «علی باطن الأنبياء» - شرح خطبة الطُّنْجِيَّة - شرح دعاء الأسابيع - شرح دعاء ليلة الجمعة. (1)

محمد جعفر بن سیف الدین استرآبادی (شریعتمدار) (م 1263 ق) وی، فقیه، مجتهد و از مراجع دینی شیعه بود و در سال 1198 ق، در نوکنده استرآباد به دنیا آمد. او نزد سید علی بن محمد علی صاحب ریاض، درس خواند و از او اجازه

1- مکارم الآثار در احوال الرجال، ج 5، ص 160 و ج 12، ص 209 - 217؛ روضات الجنّات، ج 1، ص 92؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 435.

سید صدر الدین محمد بن صالح عاملی (م 1264 ق)

روایت گرفت و با سید محمد مجاهد، در جهاد بر ضد نیروهای روسی شرکت کرد. وی با دعوت محمد شاه قاجار، از مشهد به تهران آمد و به عنوان مرجع دینی به تدریس و قضاوت و افتا پرداخت. او حدود شصت کتاب و رساله در علوم مختلف نگاشته است که بیش از یک سوم آنها به حدیث و علوم آن مربوط است که از آن جمله است: _ الأربعون حدیثا _ أنیس الزاهدین و جلیس العابدین _ أعمال مسجد الکوفة _ فضائل الامام علی علیه السلام _ مائة الزائرين _ هداية الأمة فی زیارة الأئمة علیهم السلام _ شرح طرق الشیخ الطوسی (شرح مشیخة التهذیب) _ لبّ اللباب فی الدراية و علم الرجال _ الرجال _ الايجاز. (1)

سید صدر الدین محمد بن صالح عاملی (م 1264 ق) وی، فقیه، اصولی، محدث و رجالی بارز شیعی است که در سال 1193 ق، در قریه شدغیث جبل عامل به دنیا آمد. او در عراق، نزد پدرش سید صالح، سید محمد مهدی بحر العلوم، سید علی بن محمد علی صاحب ریاض، سید محسن بن حسن اعرجی،

1- روضات الجنّات، ج 2، ص 207، کنی، ج 3، ص 103؛ أعیان الشیعة، ج 4، ص 84؛ ریحانة الأدب، ج 3، ص 207؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 554؛ الذریعة، ج 1، ص 413.

عبد الخالق بن عبد الرحيم يزدي مشهدی (م 1268 ق)

شیخ سلیمان بن معتوق، اسد اللہ بن اسماعیل شوشتری، سید محمد مهدی شہرستانی، سید محمد جواد بن محمد عاملی و شیخ جعفر کاشف الغطاء درس خواند. در سال 1210 ق، صاحب ریاض به او اجازه عام (اجتہاد) داد. وی سپس به قم آمد و از محضر میرزای قمی بهره جست. وی سرانجام در سال 1227 ق، به اصفهان رفت و در آن جا اقامت گزید و به تدریس و اقامه حدود و احکام پرداخت. سید صدرالدین شاگردانی تربیت کرد و کتاب هایی به رشته تحریر درآورد که از آن جمله است: _المجال فی الرجال_ تعلیقة علی نقد الرجال للتفرشی _ نکت الرجال علی منتهی المقال _ شرح مقبولة عمر بن حنظلة. (1)

عبد الخالق بن عبد الرحيم يزدي مشهدی (م 1268 ق) وی، عالم، واعظ و مدرّس بزرگ شیعی است که در سال 1206 ق، به دنیا آمد. او در کربلا، نزد شیخ احمد احسائی و شریف العلماء مازندرانی شاگردی کرد و سپس، در مشهد ساکن شد و به تدریس و ارشاد پرداخت. وی، از جمله دانشمندان شیخی است که با تبلیغات ملاً حسین بشرویه در مشهد به باب گرید و به سبب حمایت بی دریغ از سید علی محمد باب، توسط علما تکفیر شد و فرزندش شیخ علی را در قلعه طبرسی، در دفاع از باب، از دست داد و پس از ادّعی مهدویت باب، به شدت پشیمان و از وی روی گردان شد. از جمله آثار اوست:

1- أعيان الشيعة، ج 9، ص 372؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 467؛ الذريعة، ج 24، ص 304.

محمد مهدي بن محمد جعفر تنكابني (م بعد از 1269 ق)

_ تعريف تحصيل العلم _ رسالة في فضل العلم _ شرح حديث «ما ترددت في شيء أنا فاعله...» _ مجموعة الأدعية و الزيارات (در سه مجلد) _ مصائب المعصومين عليهم السلام _ معين الطلاب _ مناقب المعصومين عليهم السلام . (1)

محمد مهدي بن محمد جعفر تنكابني (م بعد از 1269 ق) وی، فقيه شيعی و جامع فنون است و نزد علمای عصر خود، درس خواند. تألیفات او حاوی تحقیقات علمی جالبی است. بخشی از آثار او در حدیث و رجال است که از آنهاست: _ الأربعون حدیثا (التبيان) (درباره مطلق احادیث) _ الأربعون حدیثا فی المتعة _ الأربعون حدیثا فی غیر المتعة _ ملحقات الأربعين _ الرشحات فی علم الرجال _ خلاصة الأخبار _ طوابع الأنوار فی فضائل الأئمة الأطهار _ شرح دعاء الصباح

1- أعيان الشيعة، ج 7، ص 458؛ ریحانة الأدب، ج 6، ص 389؛ ناسخ التواریخ، قاجاریه، ج 3، ص 1012؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 333؛ بهائیت در ایران، ص 137.

سید محمد تقی بن میر مؤمن حسینی قزوینی (م 1270 ق)**محمد علی بن محمد برغانی (م 1272 ق)**

– شرح حدیث «من عرف نفسه...» – شرح الحدیث الرضوی – أنیس العابدین (در ادعیه). (1)

سید محمد تقی بن میر مؤمن حسینی قزوینی (م 1270 ق) وی، فقیه، اصولی، متکلم، شاعر و عارف شیعی است و تحصیلات علمی خود را نزد دانشمندان کربلا و نجف، تکمیل کرد. از جمله، نزد محمد شریف بن حسن علی مازندرانی، سید باقر بن احمد نجفی (م 1246 ق)، اسماعیل بن محمد ملک عقّادی یزدی، سید سلیمان طباطبایی یزدی، شیخ احمد بن زین الدین احسائی، سید عبد الله بن محمد رضا شبر و سید محمد مجاهد بن علی طباطبایی درس خواند و از آنان اجازه روایت دارد. سید محمد مهدی قزوینی و سید ابوالقاسم اصفهانی نیز از او اجازه روایت دارند. وی در سال 1270 ق، در قزوین، دار فانی را وداع گفت. از آثار اوست: – طرائف الحکمة و بدائع المعرفة (منتخب نهج البلاغة) – شرح نهج البلاغة (فارسی) – شرح خطبه شمشقیه – شرح دعای عدیله – النجاح الجامع لأسرار الفوز و الفلاح (در اخلاق). (2)

محمد علی بن محمد برغانی (م 1272 ق) وی فقیه، متکلم و حکیم شیعی است که در برغان، متولد شد و نزد دانشمندان بزرگ،

-
- 1- تراجم الرجال، ج 2، ص 785 و ج 3، ص 404؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 634؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 15، ص 94؛ الذريعة، ج 13، ص 199.
 - 2- أعيان الشيعة، ج 9، ص 169؛ تراجم الرجال، ج 2، ص 627؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 550.

محمد بن مقیم درزی بار فروشی مازندرانی (م 1276 ق)**ملا هادی بنابی (م 1281 ق)**

از جمله: میرزای قمی، ملا علی بن جمشید نوری، شیخ جعفر کاشف الغطاء، میرزا محمد اخباری و شیخ احمد احسائی درس خواند. وی، چند سال ملازم شیخ احمد احسائی بود و از او اجازه روایت دارد. از آثار اوست: _ حاشیة علی تفسیر الصافی _ غنائم العارفین فی تفسیر القرآن المبین _ هدیه القاصر إلى مولاه الإمام الباقر (ترجمه فارسی برخی مجلدات عوالم). (1)

محمد بن مقیم درزی بار فروشی مازندرانی (م 1276 ق) وی از عالمان شیعه در مازندران است و نزد حجة الإسلام شفتی و سید محمد مجاهد، درس خواند. او در اصفهان با شیخ احمد احسائی برخورد و احسائی، او را به مطالعه کتاب هایش توصیه کرد. از این رو، به تعالیم «شیخیه» گرایش پیدا کرد و گویا بدین سبب، عالمان مازندران، او را از خود رانده اند؛ چرا که در برخی تألیفاتش، از آنان بسیار شکایت می کند. (2) دو اثر معروف وی، عبارت است از: _ الروضات (در شرح زیارت رجبیه) _ الأنوار اللامعة (شرح «یا علی یا عظیم»).

ملا هادی بنابی (م 1281 ق) از فقها و محدثان معاصر شیخ انصاری است و از او روایت می کند. وی، اهل بناب، از دهستان های مراغه در آذربایجان است. میرزا حبیب الله رشتی، از او روایت می کند. از آثار اوست: _ شرح عیون أخبار الرضا علیه السلام

1- ریحانة الأدب، ج 1، ص 248؛ الذریعة، ج 11، ص 317؛ مستدرک أعیان الشیعة، ج 2، ص 299؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 611.

2- تراجم الرجال، ج 2، ص 28.

محمد صالح بن محمد برغانی قزوینی (م 1283 ق)**سید ابوالقاسم بن محمد نبی حسینی ذهبی شیرازی (م 1286 ق)**

– شرح الخطبة الشفقتية – شرح خطبة اللمة – شرح الخطبة الزينية. (1)

محمد صالح بن محمد برغانی قزوینی (م 1283 ق) وی، فقیه، محدث، مفسر، متکلم و از مجتهدان بزرگ شیعه در عصر قاجار به شمار می رود که در سال 1200 ق، در برغان به دنیا آمد و نزد دانشمندان بزرگی مانند میرزا ابوالقاسم قمی و سید محمد مجاهد، درس خواند. او در قزوین به تدریس، تألیف و ارشاد مشغول بود و در اواخر عمر، در کربلا – اقامت گزید و در آن جا درگذشت. از آثار اوست: – مصباح الجنان لإيضاح أسرار القرآن – مفتاح الجنان فی حل رموز القرآن – کنز الأخبار – کنز المعادن – بحر العرفان و معدن الإیمان – کنز الباکین – مفتاح البکاء و کنز الواعظین. (2)

سید ابوالقاسم بن محمد نبی حسینی ذهبی شیرازی (م 1286 ق) وی عالم دینی، مفسر، شاعر و عارف شیعی، متخلص به «دراز» و معروف به «آقا میرزا بابا»، از قطب های مشهور فرقه ذهبی صوفیه در دوره قاجار در ایران است. وی

1- الذریعة، ج 13، ص 221.

2- أعيان الشيعة، ج 9، ص 369؛ تراجم الرجال، ج 2، ص 727؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 598.

محمد کریم خان بن ابراهیم خان کرمانی (م 1288 ق)

در 1202 ق، در شیراز به دنیا آمد. فقه و تفسیر را نزد شیخ محمد حسین قزوینی آموخت و روش سیر و سلوک را از پدرش فراگرفت. وی، پس از وفات پدرش در سال 1231 ق، مرشد روحانی ذهبیه گردید و متولی حرم سید احمد بن موسی علیهما السلام، شاه چراغ، در شیراز شد. وی در جوار حرم امام رضا علیه السلام مدفون است. (1) از آثار اوست: _ ادعیه _ براهین الامامیه (در مناقب و امامت امام علی علیه السلام) _ ترجمه تفسیر العسکری _ طباشیر الحکمة (در شرح حدیث خلقت نور پیامبر صلی الله علیه و آله) _ معالم التأویل و التبیان فی شرح خطبة البیان _ مناہج المعرفة فی شرح مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة _ رساله قنوتیه در شرح دعای «اللهم نور ظاهری بطاعتک و...».

محمد کریم خان بن ابراهیم خان کرمانی (م 1288 ق) وی، محدث و متکلم و از شاگردان سید کاظم رشتی است و در هجدهم محرم 1225 در کرمان به دنیا آمد. ریاست شیخیه در کرمان به او رسید و از رقبای سید علی محمد باب بود. او از ملا حسین گنجوی کرمانی، اجازه روایت دارد. وی اصل «رکن رابع» را در شیخیه بنا نهاد و از این رو، پیروان او را «رکنیه» نیز می گویند که در فصل اول به این موضوع اشاره شد. تألیفات او به 246 و به نقل دیگر به 260 کتاب و رساله می رسد که از آن میان، علم الیقین را در اصول فقه و مناقشه با اصولیان نوشته است. وی در 22 شعبان 1288

1- موسوعة مؤلفی الإمامية، ج 2، ص 549.

سید محمد تقی بن حسین بن دلدار علی نقوی (م 1289 ق)

درگذشت و جنازه اش به کربلا انتقال یافت. این آثار از وی است: _ فصل الخطاب الهادی إلى الطريق الصواب (شامل احادیث فقهی) _
 نعیم الأبرار و جحیم الفجار (در فضایل معصومان علیهم السلام) _ علاج الأرواح _ عنوان الصواب فی أقسام الاستخارة _ شرح دعاء
 السحر _ شرح حدیث «المعرفة بالنورانية...» _ شرح حدیث «حقیق علی الله أن یدخل الضلال الجنة...» _ شرح حدیث «الحرّ و البرد
 ممّن یكونان...» _ شرح حدیث «لولا محمد و علی و الأئمة، ما خلق الله الخلق» _ شرح دعای «اللهم إني أسألك باسمك الذي به
 ابتدعت عجائب الخلق». 1

سید محمد تقی بن حسین بن دلدار علی نقوی (م 1289 ق) وی، فقیه، مفسّر، متکلم و ادیب شیعه، ملقب به «ممتاز العلماء» است که
 در 1234 ق، در لکهنوی هند به دنیا آمد. او نزد پدر و عمویش سید محمد (م 1284 ق) درس خواند و از آنها و صاحب جواهر روایت
 کرده است. در میان نوادگان سید دلدار علی، سید محمد از همه عالم تر بود و بعد از پدرش زعامت دینی را بر عهده گرفت. آثار زیر از
 اوست:

هادی بن مهدی سبزواری (م 1289 ق)

الإرشاد إلى حُسن الدعاء _ حديقة الواعظين في المواعظ والحكم _ الدعوات الفاخرة في الأدعية المأثورة عن العترة الطاهرة _ الدعوات والاستخارات _ شرح دعاء أبي حمزة الثمالي _ نخبة الدعوات _ نخبة المعجزات _ نزهة الواعظين في المواعظ والعبر. (1)

هادی بن مهدی سبزواری (م 1289 ق) وی، فقیه و فیلسوف بزرگ شیعی و جامع معقول و منقول است که در سال 1212 ق، در سبزواری به دنیا آمد. او پس از فراگیری ادبیات و منطق به اصفهان رفت و سالیان متمادی ملازم دو حکیم: ملا علی بن جمشید نوری و اسماعیل بن سمیع اصفهانی گردید. وی مدتی در مشهد و کرمان بود و سپس در سبزواری ماندگار شد و به تهجد و تدریس و تألیف پرداخت و شاگردان بسیاری را تربیت کرد و کتاب های فراوانی را به رشته تألیف درآورد. از اوست: _ شرح دعاء الجوشن الکبیر (شرح الأسماء) _ شرح دعاء الصباح _ شرح حدیث علوی _ شرح حدیث الحقیقة. (2)

1- أعيان الشيعة، ج 9، ص 191؛ ریحانة الأدب، ج 6، ص 6؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 538؛ الذريعة، ج 13، ص 246.

2- أعيان الشيعة، ج 10، ص 234؛ ریحانة الأدب، ج 2، ص 422؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 684؛ چهل سال تاریخ ایران، ص 198.

سید اسد الله بن محمد باقر موسوی رشتی اصفهانی (م 1290 ق)**محسن بن محمد رفیع اصفهانی رشتی (م 1290 ق)**

سید اسد الله بن محمد باقر موسوی رشتی اصفهانی (م 1290 ق) وی، از فقهای بزرگ شیعه است که در سال 1227 ق، در اصفهان به دنیا آمد و نزد پدرش حجّه الاسلام شافعی و دانشمندان کربلا و نجف، از جمله سید ابراهیم بن محمد باقر قزوینی و شیخ نوح بن قاسم جعفری قرشی، بهره برد. سپس، ملازم شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) گردید و نزد او به درجه اجتهاد، نایل آمد. پس از وفات پدرش، در سال 1260 ق، مرجع عالم شیعه در ایران گردید. وی در نجف اشرف، مدفون است. سه اثر زیر، از وی است: _ مناقب الأئمة علیهم السلام _ رجال _ شرح زیارت عاشوراء. (1)

محسن بن محمد رفیع اصفهانی رشتی (م 1290 ق) وی، فقیه، اصولی، واعظ و جامع علوم است که به سال 1224 یا 1229 ق، در اصفهان به دنیا آمد. او نزد پدرش محمد رفیع، سید میر محمد شهشهانی، سید محمد باقر حجّه الاسلام شافعی، سید ابوتراب اصفهانی و شیخ عبد العلی ماسوله ای درس خواند. او از سال 1257 تا 1267 ق، در رشت و لاهیجان بود و سپس در قزوین ساکن گردید. وی برای وعظ و ارشاد، بسیار مسافرت می کرد و تألیفات بسیاری دارد که تعدادی از آنها به حدیث و ادعیه و رجال مربوط است، از جمله: _ الأربعون حدیثا _ أنیس الصالحین فی الأدعیه _ أنیس العبّاد فی بعض الأوراد

1- روضات الجنّات، ج 2، ص 103؛ أعیان الشیعة، ج 3، ص 278؛ فوائد، ص 43؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 133؛ چهل سال تاریخ ایران، ص 188؛ معارف الرجال، ج 1، ص 94.

محمد نجف کرمانی مشہدی (م 1292 ق)

_ بحر الآمال فی أحوال الرجال _ بحر الأسرار فی الأدعية _ بحر الأفلام فی الأدعية _ بحر الإمكان فی الأدعية _ تبصرة الناظرین فی كشف مدارك أحكام فروع الدين _ جنة الأمان فی شرح دعاء کمیل _ حاشیة علی أحادیث صوم رمضان _ حقائق الشيعة (در فضائل شیعیان) _ خاتمة التصانيف (شرح خطبه شمشقيه) _ صححة الأصول الأربعة _ ضیاء العیون فی الأذکار _ مجمع الأذکار و مخزن الأسرار (در ادعیه) _ المستطرفات فی جمع الأخبار و الروایات (در بیش از بیست مجلد) _ هدیة السادات و مجموعة السعادات (در اعمال ماه ها). (1)

محمد نجف کرمانی مشہدی (م 1292 ق) وی، فقیه و محدث شیعی است که در حدود سال 1200 ق، به دنیا آمد. تحصیلات خود را در فقه، اصول، تفسیر، حدیث و رجال، در مشهد به انجام رسانید، به ضبط اخبار و حفظ احوال رجال و راویان، توجه ویژه داشت و به روش اخباریان متمایل بود. از آثار اوست:

1- تراجم الرجال، ج 1، ص 425_ 429. وی فهرست اجمالی تألیفات خود را در مقدمه کتاب نظم المجالس و فهرست تفصیلی آنها را در مقدمه کتاب روضه حسینیهی خود، ذکر کرده است (الذریعة، ج 9، ص 1004).

محمد علی بن محمد کاظم خراسانی شاهرودی (م 1293 ق)**احمد بن محمد شفیع شیرازی (وقار) (1298 ق)**

– جامع الأحادیث – شرح دعای کمیل – شرح خطبة الزهراء علیها السلام . (1)

محمد علی بن محمد کاظم خراسانی شاهرودی (م 1293 ق) وی ، فقیه و متکلم شیعی است که در علوم مختلف ، دست داشت. او نزد عالمان عصر خود ، درس خواند و از سید ابراهیم قزوینی (صاحب ضوابط) ، اجازه روایت دارد و بیشتر همت خود را در تألیف و ادای مسئولیت های دینی صرف کرد و 52 اثر نیز از خود باقی گذاشته که از آن جمله است : – البوارق الحیدریة فی أحوال الأئمة الأطهار – روضات الجنان فی المواعظ و الأخلاق – الرد علی الأخباریة – شرح الزيارة السابعة لأمیر المؤمنین علیه السلام – لمعات الأنوار المشرقة من أخبار الأئمة الأطهار. (2)

احمد بن محمد شفیع شیرازی (وقار) (1298 ق) وی ، دانشمند ، شاعر ، نویسنده و خوش نویس شیعی است که در سال 1232 ق ، در شیراز به دنیا آمد. وی ، پسر بزرگ محمد شفیع ، مشهور به میرزا کوچک و متخلص به وصال است. وی به عراق و هند ، سفر کرد. وقار در سال 1298 ق ، در 66 سالگی در شیراز به علت بیماری استسقا در گذشت. وی ، تألیفات بسیار به نظم دارد که تعدادی

-
- 1- .أعیان الشیعة ، ج 1 ، ص 79 ؛ فوائد ، ص 654 ؛ تاریخ علمای خراسان ، ص 112 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 642 ؛ الذریعة ، ج 5 ، ص 36.
- 2- .أعیان الشیعة ، ج 9 ، ص 427 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء ، ج 13 ، ص 618.

محمد تقی گلپایگانی نجفی (م 1298 ق)

از آنها مربوط به حدیث است و از آن جمله است: _ رموز الإمامة - ترجمه منظوم نامه امام علی علیه السلام به عثمان بن حنیف _ آداب و اعمال نوروز _ ریحانة الأدب (در ترجمه و شرح احادیث نبوی و احوال زنان عرب و ایرانی) _ ترجمة مئة كلمة من كلمات أمير المؤمنين عليه السلام . (1)

محمد تقی گلپایگانی نجفی (م 1298 ق) وی، فقیه، مجتهد، حکیم و فیلسوف بزرگ شیعی است که در حدود سال 1218 ق، به دنیا آمد. او نزد دایی اش و فقیه مشهور اسد الله بروجردی در ایران و نزد شیخ مرتضی انصاری، سید ابراهیم بن محمد باقر قزوینی و علی بن جعفر کاشف الغطاء در عراق، درس خواند. گلپایگانی، به علم طب، ریاضیات و کیمیا توجه داشت، راه زهد و ریاضت می پیمود و از ازدواج، خودداری نمود. وی در یکی از حجره های صحن مطهر بارگاه امام علی علیه السلام ساکن بود و مکانی را در آن جا برای تدریس و مباحثه قرار داده بود. سید حسن صدر، از شاگردان اوست. از آثار اوست: _ شرح أصول الکافی _ کتاب فی الرجال _ منتخباتی از بحار الأنوار (السماء و العالم) _ منتخباتی از بحار الأنوار در نجوم. (2)

1- شرح حال رجال ایران، ج 6، ص 26؛ فهرست مشاهیر ایران، ج 2، ص 616.

2- أعيان الشيعة، ج 9، ص 193؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 552؛ معارف الرجال، ج 2، ص 211.

محمد تقی بن حسینعلی هروی اصفهانی (م 1299 ق)**محمد بن سلیمان (طیب تنکابنی) (م 1310 ق)**

محمد تقی بن حسینعلی هروی اصفهانی (م 1299 ق) وی که فقیه اصولی، جامع فنون و از دانشمندان بزرگ شیعه است، در سال 1217 ق، در هرات به دنیا آمد. او در اصفهان نزد دانشمندان مشهوری مانند سید محمد باقر شفتی (حجة الإسلام)، محمد ابراهیم کلباسی و محمد تقی ایوانکیفی درس خواند. سپس به عراق رفت و در درس صاحب جواهر، سید کاظم بن قاسم رشتی و علی نقی مجاهد طباطبایی شرکت کرد. وی، سپس در اصفهان اقامت گزید و در آن جا به مرجعیت رسید. از سال 1275 ق، نیز به کربلا رفت و تا پایان عمر در آن جا ماند. او با این که رساله ای در ردّ علی محمد باب نوشت و از او برائت جست، به بایگاری متهم گردید. از آثار اوست : _ نهاية الآمال فی کیفیة الرجوع الی علم الرجال _ الأربعون حدیثا _ حاشیة بر [کتاب] من لایحضره الفقیه _ السبع المثانی فی أحوال المعصومین علیهم السلام _ شرح دعای ابو حمزه. (1)

محمد بن سلیمان (طیب تنکابنی) (م 1310 ق) وی، در حدود سال 1230 ق، ولادت یافت. تنکابنی نزد سید ابراهیم (صاحب ضوابط) و عالمان دیگر درس خواند و در حدود 1310 ق، بدرود حیات گفت. (2) آثار وی در این نوشتار، یاد شده که عبارت اند از : _ انیس الذاکرین _ الرسالة الفاطمیة (در فضائل فاطمه علیها السلام)

1- أعیان الشیعة، ج 9، ص 195؛ ریحانة الأدب، ج 6، ص 365؛ مصفّی المقال، ص 96؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 13، ص 539.

2- أعیان الشیعة، ج 9، ص 350.

احمد بن حسن بیرجندی یزدی مشهدی (م 1312 ق)

_ الرسالة الرجیة _ شرح صحیفه سجّادیه _ قصص العلماء _ شرح دعاء السحر _ شرح دعاء کمیل _ شرح حدیث الحقیقة _ شرح حدیث «هل رأیت رجلاً...» _ شرح دعای «هیئات ما ذلك الظنّ بك» _ طریق الرشاد (در آداب، دعا و...) _ منبع الأحكام (در درایه و شناخت حدیث).

احمد بن حسن بیرجندی یزدی مشهدی (م 1312 ق) وی، عالم دینی، خطیب توانا و شاعر شیعی است که در حدود 1234 ق، در یزد به دنیا آمد. اصل او از بیرجند است و نزد دانشمندان اصفهان، از جمله شیخ محمد جعفر آباده ای، درس خواند و از آنان، اجازه روایت گرفت. وی، سرانجام در مشهد ساکن گردید و به وعظ و ارشاد پرداخت و در آن جا بدرود حیات گفت. پنج اثر وی در این نوشتار ذکر شده که عبارت اند از: _ شرح دعای صباح _ عبارات المعضلات و تواتر المشکلات (در شرح مشکلات برخی آیات و احادیث) _ نواصیص العجب فی شرح زیارة الرجب _ نوامیس العرفان فی شرح الصلوات الواردة فی شعبان _ موائد المتسخرین. (1)

1- أعیان الشیعة، ج 2، ص 505؛ تراجم الرجال، ج 1، ص 64؛ مستدرک أعیان الشیعة، ج 6، ص 18؛ موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 3، ص 263؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 7، ص 8، 26 و 27؛ الذریعة، ج 13، ص 306.

ص: 357

فهرست ها

اشاره

فهرست ها

.

فهرست صاحبان آثار حدیثی در سده های دوازدهم و سیزدهم

قرن دوازدهم

اشاره

فهرست صاحبان آثار حدیثی در سده های دوازدهم و سیزدهمقرن دوازدهمآقا علی اکبر ، خواهر زاده علامه مجلسی (م بعد از 1123 ق) ابن اصفهانی (ق 12 ق) ابن علاء الدین محمد طاهر ابهری اصفهانی (ق 12 ق) ابو الحسن بن محمد بحرانی (م 1193 ق) _ 3 پ (1) ابو الحسن بن محمد طاهر عاملی غروی اصفهانی (م 1140 ق) ابو الحسن بن محمد طاهر فتونی (م 1138 ق) _ 4 ابو الحسن ناصر بن مسعود کربلایی (ق 12 ق) ابو جعفر محمد قاسم بن محمد رضا شریف (ق 12 ق) ابو طالب بن عبد الله زاهدی گیلانی (م 1127 ق) ابو علی بن محمد باقر حسینی (ق 12 ق) احمد بن ابی الحسن علی بن ابراهیم (ق 12 ق) _ پ احمد بن اسماعیل بن عبد النبی جزایری (م 1151 ق) _ 2

1- اعدادی که مقابل هر نام قرار دارد ، بیانگر تعداد آثار معرفی شده از وی در این کتاب است و نبودن عدد ، یعنی تنها يك اثر از او ذکر شده است. حرف «پ» نیز بدین معناست که در پی نوشت ، شرح حال اجمالی او آمده است .

احمد بن حسن حرّ عاملی (م بعد از 1120 ق) _ 2 احمد بن عبد الواحد کرمانی ، ملقب به نظام علی شاه ، خلیفه مجذوب علی شاه (م 1142 ق) احمد بن کمال [الدین] شریف (ق 12 ق) احمد بن محمد امین قزوینی (م بعد از 1117 ق) احمد نیریزی (خطاط) (م بعد از 1151 ق) _ 2 پ اسماعیل بن محمد حسین مازندرانی خواجهویی (م 1173 ق) _ 16 اصغر بن محمد قمی (م بعد از 1115 ق) بهاء الدین محمد بن حسن (تاج الدین اصفهانی ، فاضل هندی) (1062 _ 1137 ق) بهاء الدین محمد بن محمد باقر مختاری (م 1140 ق) _ 3 جمال الدین محمد بن حسین خوانساری (آقا جمال) (م 1125 ق) _ 10 حاجی بابا ابن محمد صالح قزوینی (ق 12 ق) حسن بن عباس بلاغی (ق 12 ق) _ 3 حسن بن عبد الرزاق لاهیجی (م 1121 ق) _ 5 پ حسین بن اسماعیل بافتی (اولیا) (ق 12 ق) حسین بن محمد بن عبد النبی بحرانی (م 1192 ق) _ پ خلیل بن محمد زمان قزوینی (م 1148 ق) داوود بن حسن بحرانی (معاصر صاحب حدائق و استادش سماهیجی) (م 1135 ق) - 2 داوود بن محمد کربلایی (ق 12 ق) رجبعلی بن محمد صادق (صالح) طوسی اصفهانی (ق 12 ق) _ 2 رضی الدین محمد بن حسین خوانساری (م 1113 ق) _ پ

رضی الدین محمد بن محمد تقی موسوی شیرازی (ق 12 ق) رضی الدین محمد بن محمد شوشتری (ق 12 ق) سلطان محمود بن غلامعلی طبسی (ق 12 ق) سلیمان بن عبد الله ماحوزی (م 1121 ق) _ 17 پ. سیّد ابراهیم بن محمد باقر رضوی (م بعد از 1168 ق) سیّد ابو القاسم جعفر بن حسین خوانساری (م 1158 ق) _ 3 سیّد حسن بن ابی طالب طباطبایی (م 1169 ق) سیّد حسین بن جعفر خوانساری (م 1191 ق) _ 2 سیّد شبر بن محمد مشعشی (1122 _ 1190 ق) _ 2 سیّد صدر الدین محمد بن باقر قمی (م ح 1160 ق) سیّد ضیاء الدین اسحاق بن یوسف حسنی (م 1173 ق) سیّد عبد الرحیم بن محمد حسینی موسوی شهرستانی (ق 12 ق) _ 2 سیّد عبد الله بن نور الدین جزایری (م 1173 ق) _ 9 سیّد عزّ الدین حسن بن ابی الفتح محمد دهان دمستانی بحرانی (م 1181 ق) _ 2 پ سیّد علی بن محمد بن اسد الله امامی حسینی اصفهانی (ق 12 ق) _ 6 سیّد علی خان بن احمد مدنی شیرازی (م 1120 ق) _ 8 سیّد قوام الدین بن نصیر الدین مرعشی (ق 12 ق) سیّد قوام الدین محمد بن محمد مهدی حسینی قزوینی (م 1150 ق) _ 2 سیّد کمال الدین بن حیدر حسینی موسوی (ق 12 ق) سیّد ماجد بن ابراهیم حسینی (زنده در 1152 ق) _ پ سیّد محمد ابراهیم بن محمد معصوم حسینی قزوینی (م 1149 ق) _ 3 سیّد محمد باقر بن اسماعیل مدرّس خاتون آبادی زواری اصفهانی (م 1127 ق)

سید محمد بن احمد حسینی لاهیجانی (م بعد از 1120 ق) _ 3 پ سید محمد بن احمد علوی فاطمی (نیمه اول ق 12 ق) _ 2 سید محمد بن اسماعیل الامیر (م 1182 ق) _ 3 سید محمد بن باقر خاتون آبادی (م 1160 ق) سید محمد بن محمد امین حسینی (ق 12 ق) سید محمد بن محمد بدیع رضوی مشهدی (م بعد از 1135 ق) سید محمد بن محمد هادی مازندرانی (م بعد از 1136 ق) _ پ سید محمد جعفر طباطبایی شولستانی (م بعد از 1113 ق) سید محمد حسنی طباطبایی (م بعد از 1140 ق) سید محمد حسین بن محمد صالح خاتون آبادی (م 1151 ق) _ 6 سید محمد رضا بن محمد قاسم قزوینی (ق 12 ق) سید نعمه الله بن عبد الله جزایری (1050 _ 1112 ق) _ 16 شاه محمد بن محمد شیرازی دارابی (ق 12 ق) شرف الدین محمد بن رضا خویدکی (م بعد از 1157 ق) شرف الدین محمد بن محمد تبریزی (مجنوب) (ق 12 ق) صادق بن احمد (ق 12 ق) صدر الدین محمد بن محمد صادق حسینی (ق 12 ق) _ 2 پ عابد بن داوود مشهدی (ق 12 ق) عباس بن حسن بلاغی (م بعد از 1178 ق) _ پ عبد الرحیم بن یونس دماوندی (م 1160 ق) _ 5 عبد الرضا بن عبد الصمد اولی بحرانی (ق 12 ق) عبد العالی بن محمد مقیم فریدنی خوانساری (م بعد از 1116 ق) عبد الکریم بن محمد یحیی قزوینی (م 1135 ق) - 5 پ

عبد الله بن صالح سماهيجی (م 1135 ق) _ 12 عبد الله بن عيسى افندی تبریزی (م 1130 ق) _ 11 عبد الله بن نور الله بحرانی (ق 12 ق) عبد الله یزدی (نیمه اول ق 12) عبد النبي بن محمد تقی قزوینی یزدی (1125 _ زنده در 1197 ق) _ پ عبد النبي بن [محمد] مفید بحرانی شیرازی (ق 12 ق) _ پ عبد الواسع بن علامی تونی (م بعد از 1119 ق) _ 3 عبد علی بن جمعه عروسی حویزی (م 1112 ق) علی اصغر بن محمد یوسف قزوینی (ق 12 ق) _ 2 پ علی بن حسین جامعی عاملی (م بعد از 1124 ق) _ پ علی بن حسین کربلایی (زنده در 1136 ق) علی بن زین الدین عاملی (ق 12 ق) علی بن عبد الخالق حسن رازی (م بعد از 1175 ق) علی بن عبد الله بن عبد الصمد اصبعی (م 1127 ق) غلامرضا بن عبد العظیم کاشانی (ق 12 ق) فضل الله بن محمد شریف کاشانی (ق 12 ق) _ 2 فضلعلی بیگ بن شاهوردی توشمال باشی (ق 12 ق) _ 7 قطب الدین محمد حسینی نیریزی (م 1173 ق) _ پ محمد ابراهیم بن غیاث الدین محمد خوزانی اصفهانی (م 1160 ق) _ پ محمد ابراهیم بن نور محمد هزار جریبی (ق 12 ق) محمد اسماعیل بن محمد باقر حسینی خاتون آبادی (م 1116 ق) _ 2 محمد اشرف بن عبد الحسیب علوی اصفهانی (م 1145 ق) _ 5 محمد امین بن محمد علی کاظمی (م بعد از 1118 ق)

محمد باقر بن محمد تقی رضوی اصفهانی (م بعد از 1179 ق) محمد باقر بن محمد تقی قمی (م ح 1181 ق) محمد باقر بن محمد حسین تبریزی (ق 12 ق) محمد باقر بن [محمد] حسین نیشابوری مکی (م اوایل 1144 ق) - پ محمد بن سلیمان خطی سلیمانی (م 1138 ق) محمد بن عبد الله بحرانی (م بعد از 1170 ق) - 2 محمد بن علی اوالی بحرانی (ق 12 ق) - 2 محمد بن علی بن عبد النبی مقابی بحرانی (م بعد از 1168 ق) - 2 پ محمد بن محمد باقر رضوی (م 1160 ق) محمد بن محمد رضا مشهدی قمی (ق 12 ق) - 5 محمد بن محمد علی حسینی (ق 12 و 13 ق) محمد بن محمد محسن (علم الهدی) کاشانی (م 1115 ق) - 7 محمد تقی بن علی نقی طبسی (م بعد از 1130 ق) - 2 محمد جعفر بن محمد تقی مجلسی (ق 12 ق) محمد جعفر بن محمد صالح قادری (ق 12 ق) محمد جعفر بن محمد طاهر خراسانی کرباسی (م 1175 ق) - 2 محمد جعفر بن محمد طاهر کرمانی اصفهانی (1080 - 1151 ق) - 2 محمد جعفر شیرازی (ق 12 ق) - پ محمد حسن بن محمد صالح هروی (ق 12 ق) محمد حسین بن حسن لبنانی گیلانی (م 1129 ق) - 2 پ محمد حسین بن شاه محمد (معاصر شاه سلطان حسین صفوی) محمد حسین بن مرتضی قلی پیش نماز (م بعد از 1119 ق) - پ محمد حسین بن یحیی نوری (م ح 1127 ق) - پ

محمد خلیل بن محمد اشرف قائمی (م 1136 ق) _ 2 پ محمد رضا بن محمد نصیر خاتون آبادی (ق 12 ق) _ پ محمد رضا (رضا)
 قزوینی (م بعد از 1136 ق) محمد رضی بن محمد نصیر مجلسی (ق 12 ق) محمد رضی (/رضا) بن محمد نبی قزوینی (م 1136 ق) _
 پ محمد رفیع بن فرج گیلانی (میرزا ملا رفیعا) (1070 _ ح 1155 ق) _ 2 پ محمد رفیع بن محمد شفیع قزوینی (ق 12 ق) محمد
 زمان بن کلبعلی تبریزی (م ح 1131 ق) _ 3 پ محمد سعید بن محمد صالح مازندرانی بارفروشی (ق 12 ق) محمد سلیمان بن تارقلی
 جرجی (م بعد از 1125 ق) _ 2 پ محمد شریف بن شهاب الدین شهرزادی (ق 12 ق) محمد شریف بن محمد صادق خاتون آبادی
 (بعد از 1121 ق) _ 5 محمد شفیع بن بهاء الدین محمد ، حسینی عاملی (م بعد از 1185 ق) _ 2 محمد شفیع بن محمد مقیم شیرازی
 (م بعد از 1152 ق) _ پ محمد صادق بن محمد تنکابنی اصفهانی (1082 _ زنده در حدود 1130) _ پ محمد صادق بن محمد زمان
 کاشانی (ق 12 ق) محمد صالح بن محمد سعید خلخالی (1095 _ 1175 ق) _ 2 محمد صالح هروری (نیمه اول ق 12 ق) _ پ محمد
 علی بن ابی طالب گیلانی (حزین) (م 1180 ق) _ 17 محمد علی بن احمد انصاری (ق 12 ق) محمد علی بن محمد رضا تونی
 خراسانی (م بعد از 1151 ق) _ 2 پ محمد علی بن محمد رضا ساروی مازندرانی (م بعد از 1193 ق) _ پ محمد قاسم بن محمد رضا
 شریف (م 1127 ق)

محمد قاسم بن محمد رضا هزار جریبی (م بعد از 1132 ق) _ پ محمد کاظم بن محمد فاضل شریف خادم (اوایل ق 12 ق) _ 2 محمد
 کاظم رودسری گیلانی (ق 12 ق) _ 2 محمد کریم بن محمد صادق مجلسی (ق 12 ق) محمد محسن بن عبد العلی (م 1125 ق) محمد
 مراد بن محمد صادق کشمیری (ملاً مراد) (م 1124 ق) _ 2 پ محمد مسیح کاشانی ، (ملاً مسیحا) (م ق 12 ق) محمد مفید بن حسین
 شیرازی (م ح 1150 ق) _ پ محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی (م ح 1129 ق) _ 7 محمد مؤمن بن قوام الدین محمد حسینی (ق 12
 ق) _ 2 پ محمد نصیر بن محمد معصوم بارفروشی (ق 12 ق) _ 2 پ محمد نعیم بن محمد تقی شریف طالقانی (ملاً نعیم) (م بعد از
 1158) _ 2 محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی (م 1120 ق) _ 4 پ محمد هاشم هروی خراسانی (م بعد از 1128 ق) محمود بن
 محمد تقی مشهدی (م بعد از 1172 ق) میر آصف حسینی قزوینی (م ح 1136 ق) _ 2 پ میر محمد حسین بن عبد الحسین حسینی (م
 بعد از 1127 ق) _ پ میر محمد صالح بن عبد الواسع خاتون آبادی (م 1126 ق) _ 6 میر محمد مهدی بن سید مرتضی حسینی خاتون
 آبادی (م 1150 ق) ناشناخته (ق 12 ق) نور الدین محمد هادی بن شاه مرتضی کاشانی اخباری (م 1115 ق) _ 4 پ یاسین بن صلاح
 الدین بحرانی (زنده در 1147 ق) _ 4 یعقوب بن ابراهیم بختیاری (م 1147 ق) _ 5

قرن سیزدهم

یوسف بن احمد بحرانی (م 1186 ق) _ 6 یوسف بن عبد الله بحرانی (م 1171 ق)

قرن سیزدهم آقا بن عابد شیروانی (فاضل دربندی) (م 1285 ق) _ 2 پ آقا رفیع شریعتمدار (شاگرد حجّة الإسلام شفّتی) (1211 _ 1292 ق) ابو الحسن بن حسین یزدی (م 1244 ق) ابو الحسن بن محمّد کاظم جاجرمی (بعد از 1258 ق) _ 3 پ ابو الحسن بن محمّد کاظم جاجرمی (زنده در 1245 ق) ابو القاسم بن حسن شفّتی (میرزای قمی) (م 1231 ق) - 7 ابو القاسم بن محمّد حسین بختیاری اصفهانی (م 1272 ق) ابو القاسم بن محمّد کاظم خبوشانی (م 13 ق) _ پ ابو القاسم بن محمّد کاظم شریف موسوی زنجانی (م 1292 ق) ابو القاسم حائری (م بعد از 1284 ق) ابو القاسم کرمانی (م بعد از 1242 ق) _ 2 ابو طالب بن ابی تراب حسینی قائنی (م 1293 ق) _ 2 ابو علی محمّد بن اسماعیل حائری (1159 _ 1216 ق) _ 2 ابو محمّد حسینی موسوی خادم (ق 13 ق) احمد بن حسن یزدی مشهدی (1312 ق) _ 5 احمد بن زین الدین احسائی (م 1241 ق) _ 15 احمد بن شکر نجفی (م 1286 ق) _ 2 احمد بن صالح قطیفی (ق 13 ق) احمد بن عبّاس یزدی (ق 13 ق) احمد بن عبد الله خوانساری ملایری (م بعد از 1279 ق) _ پ

احمد بن علی اکبر تربتی (م ق 13 ق) احمد بن علی اکبر مراغی (م 1300 ق) احمد بن محمد ابراهیم اردکانی (ق 13 ق) احمد بن محمد شفیع شیرازی (وقار) (م 1298 ق) _ 5 احمد بن محمد مفید هزار جریبی (ق 13 ق) احمد بن مصطفی خوبی (ملاً آقا قزوینی) (1247 _ 1307 ق) _ 2 احمد بن مهدی نراقی (1185 _ 1245 ق) _ پ اسد الله بن اسماعیل دزفولی (م 1235 ق) اسد الله بن محمد ابراهیم قزوینی (ق 13 ق) _ 2 اسماعیل بن عبد الملك عقدايي یزدی (1176 _ 1230 ق) _ 4 پ امیر سبحانعلی خان هندی (م بعد از 1260 ق) _ 3 امیر عبد الباقي بن امیر حسین خاتون آبادی (م 1207 ق) _ 2 پ جعفر بن حسینعلی لواسانی (حکیم الهی) (م 1298 ق) جعفر بن خضر کاشف الغطا (م 1228 ق) جعفر بن محمد ابراهیم خوش نویس (ق 13 ق) حسن بن ابراهیم حسینی ساوجی (ق 13 ق) حسن بن عبد الرحیم مراغه ای (م 1300 ق) حسن بن علی گوهری قراچه داغی (م بعد از 1261 ق) _ 2 حسن بن محمد (از شاگردان وحید بهبهانی) (م بعد از 1222 ق) حسن بن محمد باقر قره باغی (م بعد از 1261 ق) حسن بن محمد علی حسینی (م بعد از 1271 ق) حسن بن محمد ولی ارومی (م ق 13 ق) حسین بن جهانگیر میرزا (ق 13 ق)

حسین بن دلدار علی نقوی (1221 _ 1273 ق) _ پ حسین بن عبد العلی (ق 13) حسین بن محمد عصفوری درازی بحرانی (م 1216 ق) _ 4 پ حسینعلی بن نوروزعلی تویسرکانی (م 1286 ق) حیدر علی بن عزیز الله مجلسی (م ح 1220 ق) حیدر علی بن محمد شیروانی (م بعد از 1229 ق) _ 6 خضر بن شلال آل خدام عفاوی نجفی (1180 _ 1255 ق) _ پ خلف بن عبد علی آل عصفور بحرانی (ق 13) درویش علی بن حسین بغدادی (1220 _ 1277 ق) _ 2 پ درویش علی حائری (شاگرد ابو علی) (ق 13) رحیم بن محمد نصیر (ق 13) زین العابدین سلطانی (نیمه دوم ق 13) زین العابدین گلپایگانی (1218 _ 1289 ق) _ 3 پ سید ابراهیم بن محمد موسوی دزفولی کرمانشاهی (م 1300 ق) _ 2 پ سید ابو الحسن بن محمد هادی حسینی تنکابنی (1215 _ 1286 ق) _ 2 پ سید ابو الحسن محمد طباطبایی رضوی (ق 13) سید ابو الحسن محمد طباطبایی رضوی (ق 13) _ پ سید ابو القاسم احمد بن محمد حسینی اصفهانی (م بعد از 1259 ق) سید ابو القاسم بن محمد اسماعیل حسینی اصفهانی (مدرس) (م 1203 ق) سید ابو القاسم بن محمد نبی حسینی (میرزا بابا ذهبی شیرازی) (م 1286 ق) _ 7 سید ابو تراب بن محمد موسوی اصفهانی (ق 13) _ پ سید احمد بن عبد الله بن محمد رحیم کبیر (م 1243 ق) سید احمد بن محمد بن علی حسینی بغدادی (عطار) (1125-1215 ق) -3

سید احمد بن محمد حسینی اردکانی (م بعد از 1238 ق) _ 2 پ سید احمد علی حسینی محمد آبادی (م بعد از 1255 ق) سید اسد الله بن محمد باقر شفتی (م 1290 ق) _ 3 سید اعجاز حسین لکهنوی (م 1286 ق) سید جعفر بن ابی اسحاق ابراهیم موسوی دارابی کشفی (1189 _ 1267 ق) _ 2 پ سید جعفر بن عبد الله حسینی (ق 13 ق) سید جواد عاملی (شاگرد سید بحر العلوم) (م 1226 ق) سید حسین بن عبد الجبار حسینی بحرانی (م بعد از 1236 ق) سید حسین بن محمد علی حسینی کاشانی (م 1296 ق) سید حسین بن مرتضی حسینی (ق 13 ق) سید حسین بن مرتضی طباطبایی یزدی (م 1307 ق) سید حسین بن میر ابراهیم بن میر معصوم قزوینی (میر حسینا) (1126 _ 1208 یا 1209 ق) _ 3 سید حسین بن [محمد] رضا بروجردی (1228 _ 1276 ق) _ 2 پ سید حیدر بن ابراهیم حسینی کاظمی (1205 _ 1265 ق) _ پ سید دلدار علی بن محمد معین نقوی (1166 _ 1235 ق) _ 2 پ سید ذبیح الله بن هدایه الله موسوی اصفهانی (ق 13 ق) سید زین العابدین بن ابی القاسم طباطبایی تهرانی (سید آقا) (م ح 1303 ق) سید صادق بن حسین صراف توشخانگی (ق 13 ق) - 4 سید صبغة الله بن سید جعفر کشفی دارابی (ق 13 ق) سید صدر الدین بن محمد باقر موسوی دزفولی (م 1256 ق) _ 3 سید صدر الدین محمد بن صالح عاملی (1193 _ 1264 ق) 4 سید عبد الرزاق بن محمد حسینی لواسانی (ق 13 ق)

سید عبد الفتاح بن علی حسینی مراغی (م 1250 ق) _ 2 سید عبد الکریم بن جواد بن عبد الله بن نور الدین بن نعمه الله موسوی جزایری (م 1215 ق) سید عبد الله بن محمد رحیم کبیر (1165 _ 1243 ق) سید عبد الله بن محمد رضا شبّر (م 1242 ق) _ 43 سید عبد الوهاب طباطبایی (م بعد از 1250 ق) سید علی اکبر بن نصر الله شیرازی (مولوی) (ق 13 ق) سید علی بن حسین بن خیراتعلی زنجیفوری (م 1310 ق) _ 2 سید علی بن حسین بن سلمان حسینی جزایری (حلو) (م ح 1300 ق) سید علی بن محمد حسینی نجفی (حکیم) (م 1300 ق) _ 3 سید علی محمد بن محمد لکهنوی (تاج العلماء) (م 1312 ق) _ 4 سید علی محمد دلدار علی نقوی (م 1312 ق) سید کاظم بن قاسم رشتی (م 1263 ق) _ 11 سید کاظم بن محسن اعرجی (م 1246 ق) سید کاظم رضوی گلپایگانی (م بعد از 1283 ق) سید مجاهد محمد بن علی طباطبایی (م 1242 ق) سید محسن بن حسن حسینی اعرجی (1130 _ 1227 ق) _ 2 پ سید محمد باقر بن محمد تقی شفتی گیلانی (حجّه الإسلام) (1175-1260 ق) - 5 سید محمد باقر بن مرتضی طباطبایی یزدی (1239 _ 1298 ق) _ 2 پ سید محمد باقر خوانساری (صاحب روضات الجنّات) (م بعد از 1290 ق) سید محمد بشیر گیلانی (معاصر وحید بهبهانی) سید محمد بن دلدار علی نقوی (م 1284 ق) _ 4 پ سید محمد بن عبد الصمد حسینی شهشہانی (م 1287 ق) _ 2 پ

سیّد محمد بن معصوم رضوی (سیّد محمد قصیر) (ق 13 ق) سیّد محمد تقی بن محمد حسین مرعشی حسینی شهرستانی (1213 _ 1307 ق) سیّد محمد جواد بن محمد عاملی ، صاحب مفتاح الکرامه (ح 1160 _ 1226 ق) _ 2 پ سیّد محمد شفیع بن محمد موسوی جزایری (1211 _ 1274 ق) سیّد محمد صادق رضوی (ق 13 ق) سیّد محمد علی بن ابی تراب طباطبایی (ق 13 ق) سیّد محمد علی بن علیرضا طباطبایی مدرّسی یزدی (م 1240 ق) سیّد محمد مهدی بحر العلوم (م 1212 ق) _ 4 سیّد محمد مهدی بن حسن موسوی خوانساری (م 1246 ق) _ 2 سیّد محمد مهدی بن محمد جعفر موسوی تنکابنی ساروی (م بعد از 1269) - 11 سیّد محمد هادی بن احمد موسوی (ق 13 ق) سیّد مهدی بن اسماعیل موسوی هروی (م ح 1270 ق) _ 2 سیّد مهدی علی بن نجفعلی رضوی (م بعد از 1283 ق) سیّد مهدی قزوینی حلّی (م 1300 ق) سیّد یحیی بن محسن موسوی (م بعد از 1286 ق) سیّد [محمد] رضا بن محمد مهدی بحر العلوم (1189 _ 1253 ق) _ 2 پ شمس المعالی محمد حسین مشهدی (م بعد از 1286) شیخ حسن بروجنی (م بعد از 1257 ق) شیخ محمد حسین تهرانی (م بعد از 1264 ق) صفر علی اشرفی (ق 13 ق) عبد الجلیل بن نصر الله (ق 13 ق) عبد الحسین بن علی تهرانی حائری (شیخ العراقین) (م 1286 ق) _ 2

عبد الحسين بن نعمة بن علاء الدين طريحي (م 1295 ق) عبد الخالق بن عبد الرحيم يزدي (م 1268 ق) _ 9 عبد الرضا طفيلي نجفي (م بعد از 1305 ق) عبد الصمد بن عبد الكريم (شيخ الاسلام) (ق 13 ق) عبد العزيز بن احمد شيرازي (ق 13 ق) عبد العلي بن محسن يزدي (نواب) (م 1240 ق) عبد العلي تبريزي (نواب) (ق 13 ق) عبد الكريم بن مرشد گيلاني (ق 13 ق) عبد الله بن خانبابا زنوزي (مدرس) (بعد از 1257 ق) _ 3 پ عبد الله بن نجم الدين مشهدي (فاضل قندهاري) (م 1311 ق) عبد الله محلاتي (نيمه دوم ق 13 ق) عبد النبي بن علي كاظمي مدني (م 1254 ق) _ 4 عبد النبي بن محمد طسوجي (م 1203 ق) _ 7 عبد الوهاب بن محمد رفيع مازندراني (م 1261 ق) عبد الوهاب بن محمد صالح برغانی قزوینی (م ح 1295 ق) علي اصغر بن محمد حسن قائني (م 1310 ق) علي اكبر بن محمد امين لاري (ق 13 ق) علي بن احمد آل عبد الجبار قطيفي (م 1287 ق) علي بن جمشيد نوري (م 1246 ق) _ 2 علي بن حسين ركني عاملی (ق 13 ق) علي بن خليل رازی تهرانی (م 1296 ق) علي بن محمد حسن مشهدي (م بعد از 1302 ق) علي بن محمد صادق قشلاقي (ق 13 ق)

علی بن میرزا خلیل طبیب طهرانی نجفی (1226 _ 1297 ق) _ 2 علینقی بن سید حسن طباطبایی (1226 _ 1289 ق) _ پ غلامرضا خراسانی (م بعد از 1271 ق) قریش بن محمد حسینی ساوجبلاغی (ق 13 ق) قلی بن شاه میرزای سلماسی (م 1223 ق) لطفعلی بن احمد معانی تبریزی (م 1262 ق) محسن بن محمد رفیع گیلانی رشتی (م 1290 ق) _ 17 محمد ابراهیم بن محمد مهدی کرباسی (م 1267 ق) _ 2 محمد ابراهیم بن محمد مهدی نواب تهرانی (بدایع نگار) (م 1299 ق) _ 2 محمد اسماعیل مجتهد (م بعد از 1245 ق) محمد باقر بن عبد الکریم دهدشتی بهبهانی (م 1285 ق) محمد باقر بن محمد ابراهیم حسینی رضوی (م 1218 ق) محمد باقر بن محمد اکمل (وحید بهبهانی) (م 1206 ق) _ 5 محمد باقر بن محمد طبیب موسوی شیرازی (سید میرزا ملا باشی) (م 1229 ق) محمد باقر بن محمد علی اخباری (ق 13 ق) _ پ محمد باقر بن محمد ، (میرزا باقر نواب لاهیجی) (م 1245 ق) محمد باقر حسینی فارسی شیرازی (م بعد از 1231 ق) محمد بن ابی الحسن کاشانی (م بعد از 1228 ق) محمد بن ابی الحسن نایینی مصاحبی (م 1278 ق) محمد بن احمد احسائی (ق 13 ق). محمد بن احمد بحرانی (م بعد از 1261 ق) محمد بن احمد کاشانی نراقی (عبد الصاحب) (م 1297 ق) محمد بن حاج قنبر کور علی مدنی کاظمی (م ح 1330 ق)

محمد بن حسن مشهدی (1182 _ 1257 ق) _ 5 پ محمد بن رضا چوبه ای رشتی (م بعد از 1232 ق) محمد بن سلیمان تنکابنی (م 1310 ق) _ 11 محمد بن عبد المطلب بن غیاث الدین (ق 13 ق) محمد بن عبد النبی اخباری (م 1232 ق) _ 16 محمد بن عبد الوهاب (ابن داوود همدانی) (م 1303 ق) محمد بن عبد علی بن محمد آل عبد الجبار خطّی (م 1241 ق) _ 2 محمد بن علی آل عبد الجبار قطیفی (م بعد از 1215 ق) محمد بن علی اصغر قائنی (ق 13 ق) محمد بن عنایت احمد کشمیری دهلوی (م 1235 ق) _ 3 پ محمد بن محمد صادق شریف موسوی (ق 13 ق) محمد بن صالح دماوندی روح افزایی (ق 13 ق) محمد بن محمد علی نایینی (ق 13 ق) محمد بن محمد هادی نایینی (م بعد از 1265 ق) محمد بن مقیم اشرفی مازندرانی (م 1276 ق) _ 2 محمد تقی بن حسین بن دلدار علی نقوی (1234 _ 1289 ق) _ 4 محمد تقی بن حسینعلی هروی (م 1299 ق) _ 4 محمد تقی بن عبد الرحیم تهرانی (م 1248 ق) محمد تقی بن علیرضا (مشهور به: حاج سیّد جواد قمی) (م 1303 ق) محمد تقی بن محمد رحیم تهرانی ایوانکیفی اصفهانی (م 1248 ق) _ پ محمد تقی بن محمد علی کاشانی (سپهر) (م 1297 ق) _ 2 پ محمد تقی بن محمد کاظم طریقی کرمانی (م 1215 ق) محمد تقی بن محمد مامقانی تبریزی (حجّة الإسلام تیر) (1248_1312 ق) _ 2 پ

محمد تقی بن محمد مقیم ساروی (ق 13 ق) محمد تقی بن میر مؤمن قزوینی (م 1270 ق) _ 6 محمد تقی گلپایگانی نجفی (م 1298 ق) _ 4 محمد جعفر بن سیف الدین استرآبادی (شریعتمدار) (م 1263 ق) _ 13 محمد جعفر بن صفر خان قراقرلو کبودر آهنگی (مجدوب علی شاه) (م 1239 ق) _ 2 پ محمد جعفر بن محمد صافی فارسی آباده ای (م 1280 ق) _ 2 پ محمد جعفر بن محمد علی کرمانشاهی (م 1254 ق) محمد جعفر حسینی سبزواری (ق 13 ق) محمد جعفر خوش نویس (ق 13 ق) محمد حسن بن عبد الرسول حسینی زنوزی (م 1218 ق) _ 5 محمد حسن بن علی شیرازی (میرزا جان) (م بعد از 1250 ق) محمد حسن بن محمد باقر هزار جریبی (1239 _ 1300 ق) محمد حسن بن محمد تقی (ادیب خراسانی) (ق 13 ق) محمد حسن بن محمد عسکری سمنانی (زنده در 1251 ق) _ 2 پ محمد حسن بن محمد علی زاهدی گیلانی (ق 13 ق) محمد حسین اصفهانی ، (سالک) (م بعد از 1273 ق) محمد حسین بن احمد یزدی (م 1227 ق) محمد حسین بن علی اصغر طباطبایی (م 1294 ق) محمد حسین بن علی اصغر قاضی طباطبایی حسنی تبریزی (1210-1294 ق) -3 محمد حسین بن محمد محسن کرمانشاهی (ق 13 ق) محمد حسین بن محمد یزدی (نیمه دوم ق 13) محمد حسین مازندرانی (م بعد از 1228 ق)

محمد رحيم بن محمد بروجردى مشهدى (م 1309 ق) محمد رحيم بن محمد شريف کرمانى (م بعد از 1227 ق) محمد رحيم ساروى
 (بعد از 1247 ق) محمد رضا بن اسماعيل (م بعد از 1300 ق) محمد رضا بن عبد المطلب تبريزى (م 1208 ق) محمد رضا بن محمد
 مؤمن قمى (ق 13 ق) محمد زمان بن کلبعلی خان جلایر کلایى خراسانى (ساقى) (م 1286 ق) _ پ محمد زمان بن محمد طاهر
 تبريزى (م 1258 ق) [محمد] شريف بن رضا شیروانى (م بعد از 1226 ق) _ 3 محمد شفيح استرآبادى (م ح 1240 ق) محمد شفيح بن
 على اکبر جابلقى (م 1280 ق) محمد شفيح بن محمد على تبريزى (م بعد از 1243 ق) محمد شفيح بن محمد کزازى (ق 13 ق) محمد
 صادق بن محمد لنکرانى قفقازى نمينى (م 1285 ق) _ پ محمد صادق بن محمد مهدى خوانسارى (م 1255 ق) _ پ محمد صالح بن
 محمد برغانى (م 1283 ق) _ 6 محمد عباس بن بهادر على (ق 13 ق) محمد على انصارى قراچه داغى (زنده در 1306 ق) محمد على
 بن احمد محلاتى شیرازى (م 1284 ق) _ 4 پ محمد على بن صادق نجفى نیشابورى (ق 13 ق) محمد على بن قاسم آل کشکول
 حائرى (م بعد از 1245 ق) _ 4 محمد على بن محمد باقر بهبهانى کرمانشاهى (1144 _ 1216 ق) _ 5 محمد على بن محمد باقر هزار
 جریبى (1188 _ 1245 ق) _ 2 پ

محمّد علی بن محمّد بَرغانی (م 1272 ق) _ 2 محمّد علی بن محمّد حسین شهرستانی (م ح 1290 ق) محمّد علی بن محمّد طباطبایی
 مدرّسی یزدی (وامق) (م 1240 ق) محمّد علی بن محمّد کاظم شاهرودی (م 1293 ق) _ 5 محمّد علی بن محمّد نقوی هندی (م
 1312 ق) محمّد علی بن یوسف تویسرکانی (ق 13 ق) محمّد علی سبزواری (ق 13 ق) محمّد کاظم بن محمّد شفیع استرآبادی هزار
 جریبی (م 1238 ق) _ 7 محمّد کریم خان بن ابراهیم کرمانی (م 1288 ق) _ 11 محمّد محسن بن محمّد سمیع کاشانی (م 1222 ق)
 محمّد مهدی بن محمّد حسن (م 1221 ق) محمّد مهدی بن محمّد شفیع استرآبادی (م 1259 ق) محمّد نجف کرمانی مشهدی (م
 1292 ق) _ 6 محمّد نصیر بن احمد نراقی (ق 13 ق) محمود بن علی اصغر تبریزی (م 1310 ق) محمود بن محمّد علی کرمانشاهی
 (1200 _ 1271 ق) _ 3 مرتضی بن محمّد امین انصاری (1214 _ 1281 ق) _ پ مصطفی بن محمّد خویی (ق 13 ق) _ 5 مظفر
 علی شاه کرمانشاهی (م 1215 ق) ملا احمد گوگدی گلپایگانی (م بعد از 1264 ق) ملا اسماعیل استرآبادی (ق 13 ق) ملا حسین تربتی
 (م ح 1300 ق) _ 2 پ ملا صفر علی لاهیجی (م ق 13 ق)

ملا علی خداوردی تبریزی (م بعد از 1246 ق) ملا علی کنی (1220 _ 1306 ق) ملا هادی بنایی (م 1281 ق) _ 5 مهدی بن ابو القاسم شهرستانی (1130 _ 1216 ق) _ 28 پ میر حامد حسین بن محمد قلی لکهنوی هندی (م 1306 ق) میرزا حسن مراغه ای (ق 13 ق) میرزا نصر الله بن ابی القاسم حسینی (م ح 1239 ق) میر محمد بن عبد الباقي خاتون آبادی (ق 13 ق) میر محمد عباس بن علی اکبر موسوی (م 1306 ق) _ 5 ناد علی بن غلامعلی بروجردی (م بعد از 1255 ق) نجفعلی بن محمد رضا زنوزی (م بعد از 1280 ق) نصر الدین بن زین العابدین رشتی (م ح 1270 ق) نصر الله بن ابو الحسن جاجرمی (م بعد از 1258) نصر الله تراب بن فتحعلی (لطفعلی) دزفولی (م 1311 ق) _ 2 نظر علی بن محسن گیلانی (م بعد از 1217 ق) _ 2 نعمة الله بن علاء الدین طریحی نجفی (م 1293 ق) _ 2 نوروز علی بن محمد باقر (فاضل بسطامی) (م 1309 ق) _ 3 ولی الله (ق 13 ق) هادی بن مهدی سبزواری (م 1289 ق) _ 4 یحیی بن محمد علی نایینی (ق 13 ق)

فهرست احادیث شرح شده توسط علمای سده های دوازدهم و سیزدهم

فهرست احادیث شرح شده توسط علمای سده های دوازدهم و سیزدهم حدیث علوی : « معرفتی بالنورانية معرفة الله » (بحار الأنوار ، ج 26 ، ص 1). _ حدیث التوحید ، از امام علی علیه السلام : «التوحید ظاهره فی باطنه و باطنه فی ظاهره ، ظاهره موصوف لا یری و باطنه موجود لا ینفی...» (معانی الأخبار ، ج 10 ؛ متشابه القرآن ، ج 1 ، ص 105 ؛ بحار الأنوار ، ج 4 ، ص 263). _ حدیث : «إنَّ الله خلق آدم علی صورته» (الكافی ، ج 1 ، ص 134 ؛ بحار الأنوار ، ج 4 ، ص 11). _ حدیث : «أمر إبليس أن يسجد لآدم» (الكافی ، ج 1 ، ص 150). _ حدیث : «بنا عبد الله و بنا عرف الله و بنا وحد الله _ تبارك و تعالی _ و محمّد حجاب الله _ تبارك و تعالی _» (الكافی ، ج 1 ، ص 145). _ حدیث : «لولاك لما خلقت الأفلاك» (بحار الأنوار ، ج 16 ، ص 405 ؛ تأویل الآيات ، ص 430). _ حدیث : «إنَّ الزمان قد استدار كهيئة يوم خلق الله السموات و الارض...» (شرح نهج البلاغة ، ج 1 ، ص 126). _ حدیث : «العبودية جوهرة كنهها الربوبية...» (مصباح الشريعة ، ص 7). _ حدیث : «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (بحار الأنوار ، ج 2 ، ص 32 ؛ نور الثقلين ، ج 1 ، ص 85 ؛ الجواهر السننية ، ص 116 ؛ عوالم العلوم ، ج 2 ، ص 325 و...).

_ حديث «اثره» از پیامبر اکرم: «ستلقون بعدى أثره فاصبروا حتى تلقوني على الحوض» (بحار الأنوار، ج 31، ص 47). _ دعای: «الهی! هب لی کمال الانقطاع إليك...» (مفتاح الجنان، مناجات شعبانیه). _ حديث: «أنا مدينة العلم وعلی بابها وهل تدخل المدينة إلا من بابها» (وسائل الشيعة، ج 27، ص 34؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 119). _ حديث: «من صام رمضان واتبعه بست من شؤال فكأنما صام السنة [الدهر]» (بحار الأنوار، ج 94، ص 108، باب 59؛ البلد الأمين، ص 243؛ المصباح كفعمی، ص 646؛ مستدرک الوسائل، ج 7، ص 509). _ حديث: «تية المؤمن خير من عمله ونية الكافر شر من عمله وكل عامل يعمل على نيته» (الكافي، ج 2، ص 84؛ وسائل الشيعة، ج 1، ص 50). _ حديث: «عرفت الله بفسخ العزائم وحل العقود ونقض الهمم» (بحار الأنوار، ج 5، ص 197، ج 84، ص 303 و ج 92، ص 49؛ شرح نهج البلاغة، ج 19، ص 84). _ حديث: «الشقي، شقي في بطن أمه» (كنز الفوائد، ج 1، ص 216). _ حديث: «إن الغضب من الشيطان وإن الشيطان خلق من النار وإنما يطفئ النار الماء فإذا غضب أحدكم، فليتوضأ» (بحار الأنوار، ج 70، ص 272). _ حديث: «ما ترددت في شيء أنا فاعله كترددى في موت عبدى المؤمن...» (الكافي، ج 2، ص 246). _ حديث: «حسين منى وأنا منه أحب الله من أحب حسيناً...» (بحار الأنوار، ج 38، ص 241). _ حديث ثقلين: «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي...» (وسائل الشيعة، ج 27، ص 33). _ حديث الأسماء، از امام صادق عليه السلام: «إن الله خلق إسما بالحروف غير متصوت وباللفظ غير منطق...» (الكافي، ج 1، ص 112؛ بحار الأنوار، ج 4، ص 166).

_ حديث: «من أحبنا أهل البيت فليعدّ للفقر جلابا» (بحار الأنوار، ج 25، ص 15، ج 26، ص 118). _ حديث: «لو علم أبوذر ما فى قلب سلمان لقتله...» (الكافى، ج 1، ص 401). _ حديث: «تعلموا الفرائض فإنها نصف العلم» (عوالى اللئالى، ج 3، ص 491؛ كشف الغمّة، ج 1، ص 131). _ حديث: «أين كان ربنا قبل أن يخلق الخلق؟ قال صلى الله عليه وآله: كان فى عماء ما تحته هواء و ما فوفه هواء» (الصراط المستقيم، ج 3، ص 225؛ الطرائف، ج 2، ص 354). قسمت دوم حديث، در اين دو مأخذ، چنين آمده است: «كان فى غمام تحته هواء و فوفه هواء، ثم خلق عرشه على الماء». _ حديث الفرجة: حديثى است از امام صادق عليه السلام كه در جواب زنديقى مى فرمايد: «..ان ادّعت اثنتين فرجة بينهما حتى يكونا اثنتين فصارت الفرجة ثالثا بينهما قديما معهما...» (الكافى، ج 1، ص 80). _ حديث: «الهلال إذا طلب المشرق غدوة فلم ير» (تهذيب الأحكام، ج 4، ص 333). _ حديث: «العقل والجهل و جنودهما» (الكافى، ج 1، ص 21؛ تحف العقول، ص 401). _ حديث: «أنا النقطة...» كه به صورت هاى مختلف از امام على عليه السلام نقل شده است: (1) 1. «ظهرت الموجودات عن باء بسم الله الرحمن الرحيم و أنا النقطة التى تحت الباء» (ميراث حديث شيعه، ج 1، ص 175 . 2. «العلم نقطة كثرها الجاهلون و الألف وحدة عرفها الراسخون» (ينابيع المودّة، ص 69 و 408).

3. «أنا النقطة أنا الخط أنا الخط أنا النقطة وأنا النقطة و الخط» (بحار الأنوار، ج 40، ص 165). _ حديث العالم العلوي : «صورته عارية عن المواد، عالية عن القوة و الاستعداد...» (بحار الأنوار، ج 40، ص 165). _ حديث «أمر بين الأمرين» . حديث با این عبارت از امام صادق علیه السلام آمده است : «لا جبر ولا تفويض، ولكن منزلة بين المنزلتين» (تحف العقول، ص 460). همچنين رساله ای بلند در این باره از امام هادی علیه السلام نقل شده است (تحف العقول، ص 458 _ 476). برخی گفته اند این رساله، منسوب به امام صادق علیه السلام است. _ حديث معراج : «ليس شيء أفضل عندي من التوكل على و الرضا بما قسمت...» (إرشاد القلوب، ج 1، ص 199 _ 206). _ حديث : «إتفق الجميع لا تمنع بينهم من جهة الرؤية» (الكافي، ج 1، ص 95). _ حديث البيضة (الكافي، ج 1، ص 79). _ حديث : «فلم جعل صوم السنة» (علل الشرائع، ج 1، ص 271). _ حديث : «ثلاثة لا أدري أيهم أعظم أجرا» (الخصال: ج 1، ص 191) ؛ تهذيب الأحكام، ج 1، ص 462). _ احاديث صوم رمضان (الأمالى، صدوق، ص 48). _ حديث رضوى، در آخر خلاصة الأخبار تنكابنى . _ حديث : «ليس من إمام يمضى إلا وأوتى الذى من بعده مثل ما أوتى الأول و زيادة خمسة أجزاء» (ص 221). _ حديث : «لولا محمد رسول الله و على و صبيّه الإمام و الأئمة الأحد عشر من ولده ما خلق الله الخلق و هم نور من نور واحد» (ص 222، پاورقى). _ حديث : «هل رأيت رجلاً...» (ص 214). _ حديث : «اللهم نور ظاهرى بطاعتك و باطنى بمحبتك...» (ص 243).

_ حدیث: «إِنَّ المِيتَ یبلی جسده...» _ حدیث: «إِنَّ المِيتَ یبلی جسده إلاّ طینته فستبقی مستدیرة...» (ص 216). _ حدیث عمران صابی (بحار الأنوار، ج 10، ص 317). _ حدیث حوض (ص 219). _ حدیث زراره درباره نماز جماعت (الکافی، ج 3، ص 371). _ حدیث خلقت نور پیامبر صلی الله علیه و آله (بحار الأنوار، ج 1، ص 97). _ حدیث: «الحزّ و البرّد ممّن یكونان...» (ص 222). _ حدیث نبوی در شأن زنان عرب (ص 223). _ احادیث «رفع القلم فی بعض الأعیاد» (ص 223). _ حدیث ابن طالب که در المنظومة بحر العلوم آمده است. _ حدیث: «یا ثار الله و ابن ثاره» (الکافی، ج 4، ص 575). _ حدیث: «إلهی! قلبی محجوب و نفسی معیوب و عقلی مغلوب...» (بحار الأنوار، ج 84، ص 339). حدیث «تنزه عن مجالسة المخلوقین» (ص 225). _ حدیث «معنی الصمد» (معانی الأخبار، ص 6_8). _ حدیث: «إنّهم یأنسون بکم فإذا غبتم عنهم استوحشوا» (الکافی، ج 3، ص 228). _ حدیث: «لا یزال أمر الناس ماضیا ما ولّاهم إثنی عشر رجلاً» (بحار الأنوار، ج 36، ص 239). _ حدیث امام صادق علیه السلام: «حقیق علی الله عز و جل أن یدخل الضّلال الجنة، فقیل: کیف ذلك جعلت فداک؟ قال: یموت الناطق و لا ینطق الصامت؛ فیموت المرء فیدخله الجنة» (مصابیح الأنوار فی حلّ مشکلات الأخبار، سیّد عبد الله شبر، ج 1، ص 323). سیّد شبر، در شرح این حدیث شریف می گوید: اگر کسی قبل از این که امام حقی امام بعدی خود را معرفی کند، بمیرد، در شناخت امام زمانش کوتاهی نکرده و بر

خداست که او را وارد بهشت کند. _ حدیث رأس الجالوت : «سأل رأس الجالوت مولانا الرضا عليه السلام فقال : يا مولاي! ما الكفر و ما الإيمان؟ و ما الكفران؟ و ما الجنة و النيران؟ و ما الشيطانان اللذان كلاهما مرجوان؟...» (میراث حدیث شیعه ، دفتر دوم ، ص 241 _ 242). _ حدیث حقیقت : روایتی است که کمیل بن زیاد نخعی ، آن را از امام علی علیه السلام نقل می کند. در این روایت ، کمیل ابتدا از حقیقت می پرسد و امام علیه السلام ، از پاسخ دادن ، سر باز می زند و با اصرار کمیل ، گوشه هایی از حقیقت را به وی می نمایاند. متن روایت این است : سأل کمیل بن زیاد عن علی علیه السلام : ما الحقيقة؟ فقال علیه السلام : ما لك و الحقيقة؟ فقال : أولستُ صاحبَ سرِّك؟ قال : بلى! و لكن یرشح عليك منى ما یطفح منى. فقال : أو مثلك یخیب سائلاً؟ فقال علیه السلام : الحقيقة كشف سبحات الجلال من غیر إشارة . فقال : زدنی فیہ بیانا. قال علیه السلام : محو الموهوم مع صحو المعلوم. فقال : زدنی بیانا. قال علیه السلام : هتك الستر و غلبة السر . فقال : زدنی بیانا. قال علیه السلام : جذب الأحذية لصفة التوحيد. فقال : زدنی بیانا. قال علیه السلام : نورٌ یشرق من صبح الأزل فیلوح على هياكل التوحيد آثاره . فقال : زدنی بیانا . قال علیه السلام : أطف السراج فقد طلع الصبح (شرح الأسماء ، ص 382 ؛ روضات الجنّات ، ج 6 ، ص 62 ؛ مجالس المؤمنین ، ج 2 ، ص 12). _ حدیث البساط : وجه نام گذاری این حدیث به «بساط» ، این است که قطعه ابری برای امیر مؤمنان فرود می آید و به امر ایشان ، مانند فرشی بر زمین گسترده می شود. آن گاه امام علیه السلام و همراهان ایشان بر آن می نشینند و باد ، آنها را بلند می کند تا به کوه قاف می رسند (الذریعة ، ج 13 ، ص 191). _ الأحادیث المسلسلة بالآباء ، پنج حدیث منقول از طریق پدران سید علی خان شیرازی است . نخستین حدیث ، این است که از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند : خداوند در معراج ، با چه زبانی با تو سخن گفت؟ در پاسخ فرمود : خاطبني بلسان علیّ (فهرست نسخ

خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 22 ، ص 2 . نیز متن همین کتاب ، قسمت شرح احادیث) _ حدیث الركود (ص 206) . _
 حدیث : «فُضِّلْتُ عَلَى آدَمَ بِخَصْلَتَيْنِ» (ص 207) . _ حدیث ابولیبید مخزومی (بحار الأنوار ، ج 52 ، ص 106 ؛ ج 82 ، ص 383) . _
 أحادیث طینت : «كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ» (بحار الأنوار ، ج 16 ، ص 402) . _ حدیث : «ما من أحد يدخله عمله الجنة...»
 (ص 209) . _ حدیث : «أعلمكم بنفسه ، أعلمكم بربه» ، با تعبیر «أعرفكم بنفسه ، أعرفكم بربه» (جامع الأخبار ، ص 4 ؛ روضة الواعظین ،
 ج 1 ، ص 20) . _ حدیث : «لا يموت لمؤمن ثلاثة من الأولاد فتمسسه الدار إلا تحلّه القسم» (ص 210) . _ حدیث : «التوضؤ . . .»
 (ص 210) . _ حدیث : «بم يعرف الناجي» (ص 211) . _ حدیث احتجاج پیامبر صلی الله علیه و آله با فریق پنجگانه ضالّه (یهود ، نصارا ،
 دهریه ، ثنویه و مشرکان عرب) (الاحتجاج ، ج 1 ، ص 47 _ 64 ؛ بحار الأنوار ، ج 9 ، ص 269) . _ احادیث در معنی حروف ابجد
 (شرح توحید الصدوق ، قاضی سعید قمی ، تصحیح و تعلیق : نجفقلی حبیبی ، ج 3 ، ص 347 و 351 ، فی تفسیر حروف الجُمَل) . _
 حدیث : «أنا الله الذي لا إله إلا أنا» (ص 212) . _ حدیث «أنا الطين» ، منسوب به امیر المؤمنین علیه السلام (ص 214) . _ حدیث :
 «الناس كلهم هالكون إلا العالمون...» (ص 220) .

_ حديث: «يقوم القائم بأمرٍ جديدٍ وكتابٍ جديدٍ وقضاءٍ جديدٍ على العرب شديد، ليس شأنه إلا بالسيف» (بحار الأنوار، ج 13، ص 195)
 . _ حديث: «إذا قام القائم يهدم ما قبله كما صنع رسول الله صلى الله عليه وآله ويستأنف الإسلام جديدًا» (بحار الأنوار، ج 52، ص 352). _ حديث: «إن لكل واحدٍ منّا صحيفة فيها ما يحتاج إليه أن يعمل به في مدته» (الكافي، ج 1، ص 283). _ احاديث نبوى دوازده گانه نقل و بحث شده در عبققات الأنوار: 1. حديث غدیر: «من كنت مولاه، فعلىّ مولاه. اللهم وال من والاه وعاد من عاداه» (الكافي، ج 1، ص 295). 2. حديث منزلت: «أما ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى، إلا أنه لا نبيّ بعدى؟» (بحار الأنوار، ج 2، ص 225). 3. حديث ولايت: «إنّ عليًا منى وأنا من علىّ وهو وليّ كلّ مؤمن من بعدى» (بحار الأنوار، ج 40، ص 83). 4. حديث طير (طائر): «اللهم أنتنى بأحب الناس إليك يأكل معى» (نهج الحق، ص 220). 5. حديث مدينة العلم: «أنا مدينة العلم وعلىّ بابها» (بحار الأنوار، ج 10، ص 119). 6. حديث تشبيه: «من أراد أن ينظر إلى آدم فى علمه وإلى نوح فى تقواه وإلى إبراهيم فى حلمه وإلى موسى فى هيبته وإلى عيسى فى عبادته، فلينظر إلى علىّ بن أبى طالب» (بحار الأنوار، ج 39، ص 39). 7. حديث مُنَاصَبَت: «مَنْ ناصبَ عليًا للخلافة بعدى فهو كافر قد حاربَ الله ورسوله ومَن شكَّ فى علىّ فهو كافر» (بحار الأنوار، ج 38، ص 150).

8 . حديث نور : «كنتُ أنا وعلیُّ نورا بین یدی اللہ قبل أن یخلق آدم بأربعة عشر ألف عام ، فلما خلق اللہ تعالیٰ آدم قسّم ذلك النور جزئین فجزءٌ أنا وجزءٌ علی» (بحار الأنوار ، ج 35 ، ص 24) . 9 . حديث رایت : «لأعطينَ الرّایة غدا رجلاً یحبّ اللہ ورسوله ویحبُّه اللہ ورسوله کزّارا غیر فرّارٍ لا یرجع حتّی یفتح اللہ علی یدیہ» (الکافی ، ج 8 ، ص 349) . 10 . حديث حق : «رحم اللہ علیّاً . اللّهم أدِرِ الحقّ معه حیثُ دار» (بحار الأنوار ، ج 38 ، ص 36) . 11 . حديث تأویل : «إنّک تُقاتل علی تأویل القرآن كما قاتلت علی تنزیله» (بحار الأنوار ، ج 29 ، ص 461) . 12 . حديث ثقلین : «إنی تاركٌ فیکم الثقلین ، ما إن تمسّکتُم بهما لن تضلّوا : کتاب اللہ وعترتی أهل بیتی وإنّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض» (بحار الأنوار ، ج 2 ، ص 99) . عبقات الأنوار ، خلاصه و تصحیح و تحقیق و تعریب شده و با نام نفحات الأزهار چاپ شده است .

فهرست منابع و مآخذ

- فهرست منابع و مآخذ 1. إرشاد القلوب (دو جلد در يك مجلّد)، حسن بن ابى الحسن الديلمى، قم: شريف رضى، 1412 ق. 2. استناد نهج البلاغة، امتياز على خان العرشى، ترجمه، تعليقات و حواشى: سيّد مرتضى آية الله زاده شيرازى، تهران: امير كبير، 1363 ش. 3. اصطلاحات تصوّف، جواد نوربخش، ناشر: مؤلّف، 1372 ش، سوم. 4. أصول الحديث، عبد الهادى الفضلى، بيروت: مؤسّسة أمّ القرى، 1416 ق، دوم. 5. إقبال الأعمال، سيّد على بن موسى موسى (ابن طاووس)، تهران: دار الكتب الإسلامية، 1367 ق. 6. الإجازة الكبيرة، سيد عبد الله جزائرى، تحقيق: محمّد سامى، قم: كتاب خانه آية الله مرعشى، 1409 ق. 7. الإحتجاج، أحمد بن على الطّبرسى، مشهد: مرتضى، 1403 ق. 8. الأربعون حديثا، محمّد اسماعيل خواجوى، تحقيق: سيّد مهدى رجاى، اصفهان: كتاب خانه آية الله صدر خادمى، 1412 ق، أوّل. 9. الأربعون حديثا، بهاء الدين محمّد بن حسين العاملى (الشيخ البهائى)، قم: مؤسّسة النشر الإسلامى، چاپ أوّل، 1415 ق، أوّل.

10. الأربعون في إثبات إمامة أمير المؤمنين عليه السلام، محمد مفيد بن حسين شيرازي، تحقيق: محمد بركت (منتشر شده در، ميراث حديث شيعه، دفتر سوم، ص 34_ 137). 11. الأقدس (ضميمه البايون و البهائيون)، حسينعلي نوري، صيدا: مطبعة العرفان، 1381 ق، سوم. 12. البايون و البهائيون في حاضرهم و ماضيهم، عبد الرزاق الحسيني، صيدا: مطبعة العرفان، 1381 ق، سوم. 13. البراهين الجليلية في رفع تشكيكات الوهابية، (1) سيد محمد حسن قزويني حائري، مقدمه: سيد محمد كاظم قزويني، قاهره: مطبوعات النجاح، 1410 ق / 1990 م، اول. 14. البرهان في علوم القرآن، محمد بن عبد الله الزركشي، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: دار المعرفة. 15. البلد الأمين، ابراهيم بن علي عاملي، سنگي. 16. البيان (ضميمه البايون و البهائيون)، سيد علي محمد باب، صيدا: مطبعة العرفان، 1381 ق، سوم. 17. التفسير و المفسرون، محمد هادي معرفت، مشهد: دانشگاه علوم اسلامي رضوي، 1377 ش، اول. 18. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، يوسف بن أحمد البحراني، نجف: دار الكتب الإسلامية، 1376 ش. 19. الحديث و المحدثون (عناية الأمة الإسلامية بالسنة النبوية)، محمد أبو زهو، بيروت: دار الكتاب العربي، 1404 ق.

1- این کتاب با نام: فرقه وهابیی و پاسخ شبهات آنها، با ترجمه علی دوانی نیز چاپ شده است: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، زمستان 1368 ش، سوم.

20. الذريعة الى تصانيف الشيعة، آقا بزرك تهراني، بيروت: دار الأضواء، 1403 ق، سوم. 21. الرعاية في علم الدراية، زين الدين بن علي عاملي، تحقيق: عبد الحسين محمد علي بقال، قم: كتاب خانه آية الله مرعشي، 1413 ق، دوم. 22. الصافي، محمد محسن الفيض الكاشاني، تصحيح ومقدمه وتعليق: حسين اعلمى، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، 1399 ق. 23. الغدير، [علامه] عبد الحسين الأميني، تهران: دار الكتب الإسلامية، 1374 ش، ششم. 24. الفوائد المدنية، محمد امين استرآبادي، قم: دار النشر لأهل البيت عليهم السلام. 25. القرآن الكريم وروايات المدرستين، السيد مرتضى العسكري، تهران: مجمع علمي اسلامي، 1416 ق، دوم. 26. الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تهران: دار الكتب الإسلامية، 1365 ش، چهارم. 27. المصباح المنير، علي مشكيني، قم: الهادي، 1370 ش، دوم. 28. الميزان في تفسير القرآن، السيد محمد حسين الطباطبائي، تهران: دار الكتب الإسلامية، 1372 ش، پنجم. 29. النور المبين في قصص الأنبياء والمرسلين، سيد نعمة الله جزائري، ترجمه: يوسف عزيزي، تهران: هاد، 1380 ش، اول. 30. الوافي، محمد محسن الفيض الكاشاني، اصفهان: كتاب خانه امير المؤمنين عليه السلام، 1365 ش. 31. الوجيزة، بهاء الدين محمد بن حسين العاملي (الشيخ البهائي)، شرح و ترجمه: سيد مهدي مرعشي. 32. أعيان الشيعة، السيد محسن الأمين، تحقيق: السيد حسن الأمين، بيروت: دار التعارف، 1403 ق.

33. بحار الأنوار، محمّد باقر المجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، 1404 ق. 34. تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، رضا شعبانی، تهران: قومس، 1375 ش، دوم. 35. تاریخ ایران، حسن پیرنیا و عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابفروشی خیام، 1364 ش، چهارم.
36. تاریخ ایران (دوره صفویان)، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: جامی، 1380 ش، اول. 37. تاریخ تفسیر قرآن کریم، حبیب الله جدالیان، تهران: أسوه، 1372 ش، اول. 38. تاریخ صفویه، احمد تاجبخش، شیراز: نوید، 1372 ش، اول. 39. تاریخ علم اصول از نگاه شهید صدر، سیّد محمّد کاظم روحانی، قم، 1379 ش. 40. تاریخ مگّه، محمّد هادی الامینی، ترجمه: محسن آخوندی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1372 ش، اول. 41. تحف العقول، حسن بن شعبه الحرانی، قم: جامعه مدرّسین، 1404 ق. 42. تذکرة المعاصرین، محمدعلی حزین لاهیجی، تصحیح: معصومه سالک، تهران: میراث مکتوب، 1375. 43. تراجم الرجال، سیّد ابوالفضل برقی، 10 ج، چاپ اتحاد. 44. تراجم الرجال، سیّد احمد حسینی، قم: کتاب خانه آیه الله مرعشی، 1414 ق. 45. ترتیب کتاب العین، خلیل بن أحمد الفراهیدی، تحقیق: مهدی مخزومی و دیگران، تهران: أسوه، 1414 ق، اول. 46. تصحیح الإعتقاد، محمّد بن محمّد بن نعمان (الشیخ المفید)، بیروت: دار المفید، 1414 ق، دوم. 47. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، محمّد بن حسن الحرّ عاملی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

48. تلامذة العلامة المجلسی و المجازون منه ، سید احمد حسینی ، قم : کتاب خانه آیه الله مرعشی ، 1410 ق. 49. تلخیص المقباس ، علی اکبر غفّاری ، تهران : دانشگاه امام صادق علیه السلام چاپ اول ، 1369 ش . 50. تهذیب الأحکام ، 10 ج ، محمّد بن حسن الطوسی (الشیخ الطوسی) ، تهران : دار الکتب الإسلامیه ، 1365 ش. 51. جامعه و حکومت در ایران (کتاب اول : دوران قاجار) ، علی باقری ، تهران : مرکز نشر بین الملل ، 1371 ش ، اول. 52. جوامع الکلم ، أحمد بن زین الدین الأحسانی ، تبریز : 1273ق ، سنگی. 53. جهان گشای نادری ، میرزا مهدی خان استرآبادی ، به اهتمام سیّد عبد الله انوار ، تهران : انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، 1377 ش ، اول. 54. چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار) ، محمّد حسن خان اعتماد السلطنه ، به کوشش : ایرج افشار ، ج 1 ، تهران : اساطیر ، 1363 ش ، اول. 55. حدیث پیمانہ ، حمید پارسانیا ، قم : معارف ، 1379 ش ، چهارم. 56. حدیقة الشیعة ، أحمد بن محمّد المقدّس الأردبیلی ، تصحیح : صادق حسن زاده و علی اکبر زمانی نژاد ، قم : انصاریان ، 1377 ش ، اول. 57. خاتمیت و پاسخ به ساخته های بهائیت ، علی امیرپور ، تهران : سازمان مطبوعاتی جهان ، 1343 ش ، دوم. 58. خدمات متقابل اسلام و ایران ، مرتضی مطهری ، تهران : صدرا ، 1376 ش ، بیست و چهارم. 59. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ، زیر نظر : سیّد کاظم موسوی بجنوردی ، تهران : مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی ، 1373 ش ، اول.

60. ده گفتار، مرتضی مطهری، تهران: صدرا، 1371 ش، هفتم. 61. رجال اصفهان در علم و ادب و عرفان و هنر، سیّد محمد باقر کتابی، اصفهان: گل ها، 1375 ش، اول. 62. روضات الجنّات فی أحوال العلماء و السادات، سیّد محمد باقر موسوی خراسانی، بیروت: الدار الإسلامية، 1411 ق، اول. 63. ریاض الجنة، محمد حسن الزنوزی، تحقیق: علی رفیعی، قم: کتاب خانه آیه الله مرعشی، 1378 ش، اول. 64. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبد الله الأفندی الإصفهانی، تحقیق: سیّد احمد حسینی، قم: چاپ خانه خیّام، 1401 ق. 65. ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب، محمد علی مدرّس، تبریز: کتابفروشی خیّام، دوم. 66. سیمای مکّه، سیّد علیرضا سیّد کباری، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، 1376 ش، اول. 67. شرح اصطلاحات تصوّف، سیّد صادق گوهرین، تهران: زوّار، 1368 ش، اول. 68. شرح الأسماء أو شرح دعاء الجوشن الكبير، ملا هادی سبزواری، تحقیق: نجفقلی حبیبی، تهران: دانشگاه تهران، 1372 ش. 69. شرح الزيارة الجامعة الكبيرة، أحمد بن زین الدین الأحسابی، 4 ج، بیروت: دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع، 1420 ق، اول. 70. شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، تهران: زوّار، 1371 ش، چهارم. 71. شرح دعای صباح، قطب الدین محمد حسینی نیریزی (م 1173 ق)، تحقیق: محمد ترابیان فردوسی (منتشر شده در: میراث حدیث شیعه، دفتر ششم، 239 _ 268).

72. شرح طرق الشيخ الطوسي ، محمد جعفر بن سيف الدين شريعتمدار ، تحقيق : علي فرّخ (منتشر شده در : ميراث حديث شيعه ، دفتر دوم ، ص 497_ 534). 73. شرح نهج البلاغة ، ابن أبي الحديد ، تصحيح : محمد ابوالفضل ابراهيم ، بيروت : دار احياء الكتاب العربي ، 1378 ق. 74. شهداء الفضيلة (شهيدان راه فضيلت) ، [علامه] عبدالحسين اميني ، ترجمه : جلال الدين فارسي ، تهران : روزبه ، 1632 ش ، سوم. 75. شيخيگري و باييگري از نظر فلسفه ، تاريخ و اجتماع ، مرتضى مدرّسى چهاردهى ، تهران : كتابفروشى فروغى. 76. طبقات اعلام الشيعة (الكواكب المنتشرة فى القرن الثانى بعد العشرة) ، آقا بزرگ تهرانى ، ج 6 ، تحقيق : علينقى منزوى ، تهران : دانشگاه تهران ، 1372 ش ، اول. 77. عالم آراى نادري ، محمد كاظم مروى (وزير مرو) ، تهران : علم ، 1369 ش ، دوم. 78. طبقات الأنوار فى إمامة الأئمة الأطهار ، مير حامد حسين لکنهويى ، تحقيق : غلامرضا مولانا بروجردى ، قم : محقق ، 1404 ق ، اول. 79. علم الحديث و دراية الحديث ، كاظم مدير شانه چى ، قم : اسلامى ، 1372 ش ، پنجم. 80. علوم حديث (فصل نامه) ، قم : دار الحديث ، ش 15 و 21. 81. فرهنگ عقايد و مذاهب اسلامى ، جعفر سبحانى ، قم : صحيفه ، 1369 ش ، اول. 82. فرهنگ فارسى ، محمد معين ، تهران : امير كبير ، 1376 ش ، يازدهم. 83. فرهنگ فرق اسلامى ، محمد جواد مشكور ، مشهد : بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى ، 1368 ش ، اول. 84. فقهاى نامدار شيعه ، عبدالرحيم عقيقى بخشايشى ، قم : كتابخانه آية الله مرعشى ، 1405 ق. 85. فوائد رضويه ، شيخ عباس قمى ، قم : جامعه مدرّسين ، 1368 ش (أفست) .

86. فهرس التراث، سیّد محمّد حسین حسینی جلالی، تحقیق: سیّد محمّد جواد حسینی جلالی، قم: دلیل ما. 1422 ق. 87. فهرست الفبایی کتب خطّی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، محمّد آصف فکرت، مرکز پژوهش های آستان قدس رضوی، 1369 ش. 88. فهرست کتاب های فارسی شده چاپی از آغاز تا سال 1370، موسی الرضا باشتینی و دیگران، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، 1380 ش، اول. 89. فهرست کتب خطّی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، براتعلی غلامی مقدّم، مرکز پژوهش های آستان قدس رضوی، 1376 ش. 90. فهرست مشاهیر ایران از آغاز دوران های افسانه ای تا زمان حاضر، ابوالفتح حکیمیان، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران، 1357 ش. 91. فهرست نسخ خطّی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج 6، مشهد: چاپخانه طوس، 1344 ش. 92. فهرست نسخ خطّی کتابخانه آیه الله گلپایگانی، ابوالفضل عرب زاده، قم: دار القرآن الکریم، 1378 ش. 93. فهرست نسخ خطّی کتابخانه آیه الله مرعشی، سیّد احمد حسینی، زیر نظر: سیّد محمود مرعشی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، 1365 ش. 94. فهرست نسخ خطّی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ایرج افشار و دیگران، 1347 ش. 95. فهرست نسخ خطّی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، علی صدرایی خویی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: 1377 ش، اول. 96. فهرست نسخ خطّی کتابخانه مدرسه سپه سالار، محمّد تقی دانش پژوه و علینقی منزوی، تهران: دانشگاه تهران، 1340 ش.

97. فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیه الله فاضل خوانساری، سید جعفر حسینی، مؤسسه علمی و فرهنگی آیه الله فاضل خوانساری، 1374 ش، اول. 98. فهرست نسخه های خطی کتاب خانه گنج بخش، احمد منزوی، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، بهمن 1357 ش. 99. فهرست نسخه های خطی مرکز احیای میراث اسلامی، سید احمد حسینی، 1377 ش، اول. 100. کتاب من لایحضره الفقیه، محمد بن علی الصدوق (الشیخ الصدوق)، ترجمه: صدر بلاغی، تهران: صدوق، 1378 ش، اول. 101. کشف اسرار، سید روح الله موسوی (امام خمینی رحمه الله) قم: آزادی، بی تا. 102. کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون، حاجی خلیفه چلبی. مکتبه العالم، 1310 ش، اول. 103. گنجینه تاریخ ایران (صفویان، افشاریان، زندیه و قاجار)، ج 12، عبد العظیم رضایی، تهران: اطلس، 1378 ش، اول. 104. لبّ اللباب فی علم الرجال، محمد جعفر بن سیف الدین شریعتمدار، تحقیق: محمد حسین مولوی (منتشر شده در: میراث حدیث شیعه، دفتر دوم، ص 395 _ 496). 105. لسان العرب، جمال الدین محمد بن مکرم، قم: نشر أدب الحوزة، 1405 ق. 106. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، 1382 (لوح فشرده، آخرین ویرایش). 107. لؤلؤة البحرين فی الإجازة لقرتی العین، یوسف بن أحمد البحرانی، تحقیق و تعلیق: سید محمد صادق بحر العلوم، نجف. 108. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، 1408 ق.

109. مصادر الاستنباط بين الأصوليين والأخباريين ، محمد عبد الحسن الغراوى ، قم : مكتب الإعلام الإسلامى ، 1413 ق ، 51 _ 52 . 110. معارف الرجال ، محمد بن على حرز الدين ، قم : كتاب خانه آية الله مرعشى ، 1405 ق (أُست) . 111. معانى الأخبار ، محمد بن على الصدوق (الشيخ الصدوق) ، قم : جامعه مدرسین ، 1361 ش . 112. معجم المطبوعات العربية فى ایران ، عبد الجبار الرفاعى ، تهران : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى ، 1414 ق . 113. معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة ، السيد ابو القاسم الخوئى ، قم : مركز نشر آثار الشيعة ، چهارم . 114. معراج أهل الكمال الى معرفة الرجال ، سليمان بن عبد الله ماحوزى ، تحقيق : سيد مهدى رجائى ، قم : چاپ خانه سيد الشهداء ، 1412 ق . 115. مفاخر آذربايجان ، عبد الرحيم عقيقى بخشايشى ، قم : آذربايجان ، 1374 _ 1375 ش . 116. مفاخر اسلام (ج 7 : دانشمندان لاهیجان) ، على دوانى ، تهران : مركز فرهنگى قبله ، 1372 ش ، اول . 117. مقياس الهداية فى علم الدراية ، عبد الله المامقانى ، تحقيق : محمد رضا المامقانى ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث ، اول . 118. مقدمه اى بر فقه شيعه ، سيد حسين مدرسى طباطبايى ، ترجمه : محمد آصف فكرت ، مشهد : بنياد پژوهش هاى آستان قدس رضوى ، 1368 ش . 119. مقدمه جامع السعادات (از : ملا مهدى نراقى ، محمد رضا مظفر و سيد جلال الدين مجتبوى) ، تهران : حكمت ، 1370 ش ، چهارم .

120. مكارم الآثار در احوال رجال، محمد علی معلم حبیب آبادی، اصفهان: اداره كل فرهنگ و هنر اصفهان. 121. ملخص جامع المعارف و الأحكام فى الأصول و الحلال و الحرام، سيد عبد الله شبر، قم: مجمع الذخائر الاسلامية، 1398 ق، اول. 122. موسوعة طبقات الفقهاء، زير نظر: جعفر سبحانى، مؤسسة الإمام الصادق عليهم السلام، 1422 ق، اول. 123. موسوعة مؤلفى الإمامية، تحقيق و نشر: مجمع الفكر الإسلامى، 1420 ق، اول. 124. موضع تشييع در برابر تصوف، داوود الهامى، مكتب اسلام، 1378 ش، اول. 125. ميراث حديث شيعه (نيم سال نامه)، قم: دارالحديث. 126. ميزان الحكمة، محمد محمدى رى شهرى، تحقيق: دار الحديث، ترجمه: حميد رضا شىخى، قم: دار الحديث، 1377 ش. 127. ناسخ التواريخ (تاريخ قاجاريه)، محمد تقى سپهر، به اهتمام: جمشيد كيانفر، تهران: اساطير، 1377 ش، اول. 128. تنظيم اللئالى، تحقيق: حسين گودرزى (منتشر شده در: ميراث حديث شيعه، دفتر دوم، ص 365_392).

ص: 401

فهرست تفصیلی .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

